مطبوعات ایران

از روزنامه «کاغذ اخبار» تا نشریات الکترونیکی



ماجد صفری

IRANIAN PRESS

by:

Madjed Safari



قیمت : ۴۸۰۰ تومان

ISBN: 964-94600-0-4
EAN: 9789649460000

مطبوعات ایران

IRANIAN PRESS

ماجد صفری



تاریخچهٔ مطبوعات ایران

از : روزنامهٔ کاغذ اخبار

تا : نشریه‌های الکترونیکی

۱۲۵۲ - ۱۴۲۰ ق / ۱۸۳۳ - ۲۰۰۰ م / ۱۲۱۲ - ۱۳۷۹ ش

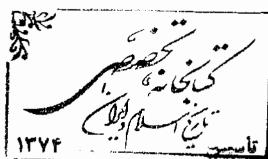
تألیف و تدوین :

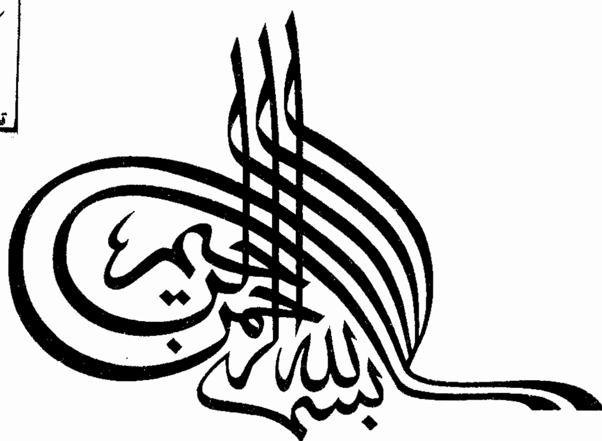
ماجد صفری

صفری ، ماجد ، ۱۳۳۰
تاریخچه مطبوعات ایران « از روزنامه کاغذ اخبار تا نشریات الکترونیکی
۱۲۵۲-۱۴۲۰ ق ./۱۸۳۳-۲۰۰۰ م ./۱۲۱۲-۱۳۷۹ ش/
تألیف و تحقیق ماجد صفری .- تهران : رویداد ، ۱۳۸۱
۶۱۰ ص . مصور ، جدول ، نمونه ، عکس .
ISBN 964-94600-0-4
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
عنوان روی جلد : مطبوعات ایران از روزنامه کاغذ اخبار تا نشریات الکترونیکی
پشت جلد به انگلیسی :
Madjed Safari , Iranian press .
کتابنامه : ص ۶۰۹ – ۶۱۰ ، همچنین بصورت زیرنویس
مطبوعات ایران – تاریخ :
ب – عنوان : مطبوعات ایران روزنامه کاغذ اخبار تا نشریات الکترونیکی
۷ص ۱۹ الف / ۵۴۴۹ PN ۰۷۹/۵۵ – ۱۳۸۱
کتابخانه ملی ایران ۴۰۱۶۰ – ۲۸۱

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : تاریخچه مطبوعات ایران ، از کاغذ اخبار تا نشریات الکترونیکی
تألیف : ماجد صفری نوبت چاپ اول سال چاپ : ۱۳۸۲
تایپ کامپیوتری : کتیبه نوپرداز چاپ وصحافی : ستاره
شابک : ۴-۰-۹۴۶۰۰-۹۶۴ ISBN
EAN ۹۷۸۹۶۴۹۴۶۰۰۰۰
ناشر : مؤسسه انتشارات رویداد – تهران – تلفن :۰۹۱۳۲۰۸۵۲۰۴
تهران – صندوق پستی ۱۶۱۳ – ۱۴۱۵۵





فقط بنام او که بالاتر و برتر از تمامی اندیشه‌هاست



به : بانوی سرایم ، همراز و همراهم در دایرهٔ مینا

و

به : نور دو چشمانم سینا و نیما

فهرست



«نون والقلم و مایسطرون»

بنام او که بالاتر از تمامی اندیشه‌ها و برتر از همهٔ پندارهاست

نام او که نور مطلق است و یادش آرامش دهندهٔ دلها



* مقدمه:

«امروز روزی نیست که مردم با چشم و گوش بسته، آسوده و خاموش نشسته، غفلت و هوشیاری و خواب و بیداری و عقل و جهل و باخبری و بی خبری را یکسان تصور نمایند، و وسیله‌ای برای این آگاهی جز روزنامه جات عالم نیست، و از طرف دیگر مشتری روزنامه جات عمده شدن برای هر کس مقدور نمی‌باشد، و گذشته از این، روزنامه جات تا به دست شخص میرسد مطالب عمده و مفید آن غالباً کهنه است، لذا ادارهٔ انطباعات ایران محض خدمت به عموم ابناء وطن عزیز خود این جریدهٔ مختصر یومیه را، که حاوی خلاصهٔ اخبار مهمهٔ یومیهٔ تمام عالم و هم مختصری از وقایع عمدهٔ داخله مملکت میباشد، به عنایت و یاری الله و توجهات خاطر خطیر همایون .... احداث و ایجاد نمود.»

مطلب فوق قسمتی از مقدمهٔ شمارهٔ اول روزنامهٔ «خلاصة الحوادث» «اولین روزنامهٔ دولتی» بود که در تاریخ دوشنبه چهاردهم جمادی الآخر ۱۳۱۶ هجری قمری (۱۲۷۴ هجری شمسی) منتشر گردیده است. (۱)

«همشیرهٔ جناب صاحب دیوان که عیال امام جمعه میباشد به ناخوشی استسقاء مبتلاست، جناب صاحب دیوان، حاج میرزا محمد حکیم باشی را خواستند که روانه به بالین مریضه نمایند، هر چه کرده بودند نرفته و خیلی بالنسبه به جناب صاحب دیوان جواب سخت داده بود، جناب ایشان حکم کردند از مجلس او را کشیدند، خواستند چوبش بزنند اهل مجلس نگذاردند، تیولات مشارالیه را حکم کردند ضبط کنند.» (۲)

«دیگر آنکه پسر حاجی آقاجان فراشباشی بیگلربیگی، شب هنگام مست و لایعقل میخواهد داخل به خانهٔ خود بشود، حاجی آقا جان پدر او میگوید او را بگیرند، غلام سیاهی او را می‌گیرد، زخمی به غلام سیاه می‌زند که فوراً فوت میشود، زنجیربان بیگلر بیگی او را می‌گیرد، زخمی هم به او می‌زند که در حالت نزع است، مراتب به جناب صاحب دیوان رسیده است، هنوز حکمی در این باب نشده است، چون از بستگان خودشان هستند، این کار چندان بر ملا نشده است.» (۳)

میرزا تقی خان امیر کبیر در اولین شماره روزنامهٔ خود بنام «فرهنگ» (۱۲۹۶ هجری قمری) چنین می‌نویسد:

«چون بعضی از روزنامه‌نگاران مجبورند که در محامد و محاسن برخی از اعیان و بزرگان و وزراء و امناء و غیره، مشروحات لایعنی و تملقات غیر موجه (!) و ستایش‌های فوق العاده در صحیفهٔ خود مندرج نمایند، لذا خدمت مطالعه کنندگان صحیفهٔ فرهنگ عرض می‌کنیم که منشی فرهنگ به هیچوجه به نوشتن اینگونه مشروحات که خالی از هر گونه سود و زیان است، مجبور نیست و خود را از تعرض مطالب مهمه آزاد میداند.

مدح و ستایش بدون علت موجبهٔ آن، سبب تحمیق و تسفیه نگارنده است، درستکاری و نکوکرداری لازمهٔ تمدن و انسانیت است، پس میان این صفات بر فرض صدق، از جمله وقایع و سوانح محتاج درج در روزنامه نیست، بلکه ظهور آنچه مخالف این صفات است (یعنی نادرستی و بدکرداری) مناسب یادداشت در صحایف است.» (۴)

احوال هر ملتی ریشه در گذشته او دارد، هیچ گرهی را نمیتوان به بریدن گشود و هیچ معضلی از جامعه بشری را منفصل از سابقهٔ آن نمی‌شود حل کرد، مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عمیقاً بهم پیوسته‌اند و تنها با شناخت دقیق گذشته و حال آنهاست که میتوان آینده‌ای روشن ترسیم نمود. اگر چه هر مقطعی از تاریخ را کسی یا کسانی از روی درد، یا از سر تفنن و یا به مزدوری سلطانی رقم زده‌اند، اما این، همه آن چیزی نیست که ما امروز به آن نیازمندیم، امروز برای چارهٔ درد عقب ماندگی‌های تحمیل شده بر جهان سوم و دست یافتن به یک زندگی مستقل همه جانبه، و دفاع جانانه از آزادی و شرافت بدست آمده در کشوری که با انقلاب اسلامی تحولی عظیم یافته است، باید ریشه‌ها را هر چه عمیق تر بشناسیم و در اعماق تاریخ آلودهٔ گذشته هر چه بیشتر کند و کاو کنیم و بیاندیشیم و سره را از ناسره باز بشناسیم تاریخ زر و زور و تزویر را جیره خوارانش نوشته‌اند و خواهند نوشت، اما وظیفه تدوین حقیقت تاریخ و سرگذشت واقعی ملتها را، همهٔ دردمندان بر عهده دارند. آنها که آیندهٔ خویش را بدست خود گرفته‌اند و گذشته خود را نیز خویشتن رقم خواهند زد، انقلاب اسلامی ایران که انتظار میرود بیش از هر چیز در تاریخ و فرهنگ انسانی این کشور و این ملت دگرگونی

بنیادی پدید آورد، اکنون فرصت و مجالی در خور را، برای بازیابی ارزش‌ها و اصالت های لگدمال شده در گذرگاه چکمه پوشان تاریخ فراهم آورده است و بر ماست که از این مجال بهره برگیریم.

روشن است که تدوین تاریخ معاصر بعلت رشد سریع تکنولوژی و پیچیدگی روز افزون روابط اجتماعی مستلزم دستیابی به منابع و اسناد گوناگون است، هر چند که بعضی از اسناد گویا و روشنند و بعضی مبهم و تاریک و در این میان البته توجه به هر کورسو و هر نقطهٔ روشنی به منظور کشف حقیقت لازم بوده و برای پژوهشگران ضروری است. برای تحقیق در تاریخ، فرهنگ و هنر و رشد علمی یک ملت در جهان معاصر، روزنامه‌ها منبع اساسی و مهمی بحساب می‌آیند، با مطالعه و بررسی یک نشریه در طول دورهٔ انتشار آن میتوان تصویری نسبتاً گویا و ملموس از جریانات و فضای حاکم در آن دوره را بدست آورد و مقایسهٔ آن با احوال کنونی مشخص میکند که هر یک از آن جریانات و وقایع اتفاقیه از کجا آغاز شده، چگونه شکل گرفته و به کجا رسیده است.

کتاب حاضر، پژوهشی است مختصر و گذرا بر تاریخ ۱۶۷ ساله مطبوعاتی در ایران (سال ۱۲۱۱ تا ۱۳۷۸ شمسی)، از روزنامهٔ کاغذ اخبار، Newspaper (۱۲۵۳ هجری قمری مطابق با سال ۱۸۳۲ میلادی و سال ۱۲۱۱ شمسی) تا نشریات منتشره در سال ۱۳۷۸ شمسی (مطابق ۱۴۱۹ قمری و ۱۹۹۹ میلادی)، از مرحلهٔ نگارش خطی روزنامجات بوسیله «قلم نیش و دوات» و با داشتن کمترین امکانات در سال ۱۲۱۱ شمسی، تا بهره گیری از کامپیوتر و پیشرفته‌ترین امکانات تکنولوژی و نهایتاً انتشار

نشریات الکترونیکی و قرار گرفتن آنها بر صفحه شبکه‌های اطلاع رسانی جهانی (اینترنت)، که امید است مورد استفاده و مورد پسند خوانندگان و پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ مطبوعاتی کشور عزیز ایران قرار گیرد.

ـ شاپرک به کرم شبتاب گفت: به نور ضعیف و ناچیزت مناز زیرا در مقابل نورهای درخشان حرفی برای گفتن نداری، کرم شبتاب پاسخ داد: درست است نور من ضعیف و ناچیز است، اما هر چند ضعیف باشد، باز هم نور است، و حداقل توان روشن نمودن مسیرم را در شبهای ظلمانی و تاریک فراهم می‌آورد.

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد　　　رونق بازار آفتاب نکاهد (۵)

و حاصل این تلاش شاید بتواند، نور کرم شبتابی باشد در مقابل خورشید درخشان اندیشه و فضل اندیشمندان، محققان و پژوهشگران بزرگوار کشور عزیزمان ایران تا چه قبول افتد و چه در نظر آید؟

و اما: از حضور شما استاد بزرگوار، پژوهشگر و دانشجوی عزیز و خوانندهٔ گرامی استدعا دارد، با اظهار نظر و انتقادات و پیشنهادات سازنده و اندیشمندانهٔ خود مرا رهین لطف خود قرار دهید و چنانچه هر گونه روزنامه یا مجله‌های قدیمی و یااینکه مطالب مستندی در ارتباط با انتشار جراید و مطبوعات در اختیار دارید که در کتاب حاضر به آن اشاره‌ای نشده است اصل یا تصویری از آنها را همراه با نظرات و پیشنهادات خود به آدرس: (سنندج ـ صندوق پستی شماره ۶۶۱۳۵/۳۳۷ ـ ماجد صفری) ارسال فرمائید. تا انشاالله در چاپهای بعدی (باذکر نام ارسال کننده) لحاظ گردیده و به غنای کتاب

افزوده شود، انشاءالله.

خدایا چنان کن که سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

ماجد صفری

زمستان ۱۳۷۹ ـ سنندج

---

۱ ـ انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان) به کوشش خانم دکتر منصوره رفیعی ـ نشر تاریخ ایران ـ ۱۳۶۲

۲ ـ وقایع اتفاقیه (گزارشات خفیه نویسان انگلیس) به کوشش سعیدی سیرجانی ـ انتشارات نوین ـ ۱۳۶۲

۳ ـ روزنامهٔ وقایع اتفاقیه مورخ سه‌شنبه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۰۱ قمری مطابق ۱۹ فوریه ۱۸۸۴ میلادی.

۴ ـ تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران ـ استاد محیط طباطبائی انتشارات بعثت ـ ۱۳۶۶

۵ ـ شیخ سعدی علیه الرحمه

روزنامه چیست؟

روزنامه، کلمه‌ای است مرکب از روز + نامه (نامک پهلوی) معّرب آن روز نامج و روزنامجه است (بیرونی در الجماهیر ص ۲۶۰) از قول ناخدای کشتی نوشته است (نام مصلۀ سرب را باسم شیخی که به طلب حاجتی نزد ناخدا آمده بود ناخدا در روزنامۀ خود یادداشت کرد) و از اینجا معلوم می‌شود که روزنامه به معنی کتاب شرح گزارش روزانه و یادداشت وقایع هر روزه که به زبان فرانسه آنرا ژورنال می‌گویند، بوده است، این اصطلاح بعدها در ایران بهمین اسم باقی مانده و در قرنهای اخیر به معنی «راپورت»های وقایع نگاران دولتی که از ولایات اخبار جاری را به دولت می‌نوشتند و به معنی مطبوعات یومیه و هفتگی اطلاق شده است» [۱].

آقای مجتبی مینوی در حاشیۀ کلیله و دمنه نوشته است:

«روزنامه کتابی است که در آن روز بروز مطالبی قید و ثبت شود و وقایعی یادداشت کنند».

در المنجد آمده است: « معّرب روزنامه، روزنامة است به معنی دفترچه که در آن حساب روزها و ماهها و طلوع ماه و خورشید در عرض سال نوشته شود».

فردوسی در شاهنامه آورده است:

گزیت و خراج آنچه بدنام برد — به سه روزنامه به موبد سپرد

یکی آنکه بر دست گنجور بود — نگهبان آن نامه دستور بود

---

۱ ـ از حاشیۀ برهان قاطع مصحح آقای دکتر معین

دگر تا فرستد به هر کشوری بهر کار داری و هر مهتری
سه دیگر که نزدیک موبد برند گزیت سر و باژها بشمرند

ناصر خسرو نیز در اشعار خود آورده است:

یکی روزنامه است مر کارها را که آنرا جهاندار دادار دارد
نیک بنگر به روزنامهٔ خویش در مپیمای خار و خس به جراب
مدح وزیر گفتم و سلطان و یافتم روزی ز روزنامهٔ سلطان بی وزیر[۱]
آورده روزنامهٔ دولت در آستین مهرش نهاده سورهٔ «والنجم اذاهوی»
زین یک نفس درآمد و بیرون شد حیات بردیم روزنامه به دیوان صبحگاه[۲]
هر کسی روزنامه نو میکرد جان به توقیع او گرو میکرد[۳]
چون در آن روزنامه کرد نگاه روز بروی چونامه گشت سیاه[۴]
آبی به روزنامهٔ اعمال ما نشان باشد توان سترد حروف گناه از او[۵]
چه مایه ساخته کار بزرگوار تباه خزینه‌های بزرگ و سپاههای گران
که نیست شد به خلاف خدا یگان عجم نه خرد ماند از ایشان به عالم نه کلان
به روزنامهٔ ایّام در همه پیداست اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان[۶]

---

۱ ـ سوزنی سمرقندی
۲ ـ خاقانی شروانی
۳ ـ نظامی گنجوی
۴ ـ نظامی گنجوی
۵ ـ حافظ
۶ ـ عنصری

«تاریخچهٔ روزنامه نگاری در جهان»

همزمان با اختراع چاپ، روزنامه نیز بوجود آمده امّا روزنامه غیرمطبوع بصورت دست نویس پیش از آن وجود داشته است، «در حدود قرن پنجم پیش از میلاد مسیح در رم عده‌ای اخبار روزانه را برای کسانی که در خارج از پایتخت زندگی می‌کردند بصورت نامه می‌نوشتند. شصت سال پیش از میلاد هنگامیکه ژول سزارکنسول روم شد، بولتن روزانه‌ای دایر کرد که در آن اخبار و آگهی‌های دولتی را می‌نوشتند»[1]

نخستین روزنامه بصورت نشریهٔ خبری منظم چاپی در اوایل قرن ۱۷ میلادی در آلمان و تعدادی از کشورهای اروپائی تأسیس گردیده در آلمان روزنامه فرانکفورتر جورنال (سال ۱۶۱۵ میلادی)، منتشر شد، نخستین روزنامهٔ فرانسوی «گازت» نام داشت و بعد بنام «گاز دوفرانس» نامیده شد، این روزنامه نخستین بار در سال ۱۶۳۱ میلادی با تشویق و نظارت کاردینال رشیلیو تأسیس شد و انتشار آن با برخی تغییرات تا سال ۱۸۵۳ ادامه داشت، نخستین روزنامهٔ فرانسوی منظّم بنام «ژورنال دو پاری» در سال ۱۷۷۷ انتشار یافت و تیراژ آن تا بیست هزار شماره در روز رسید. در انگلستان نیز از قرن شانزدهم و اواخر قرن هفدهم روزنامه‌های خبری انتشار می‌یافت، در سال ۱۶۴۱ روزنامه‌ای در لندن در ۲ صفحه انتشار یافت که عنوان یک صفحهٔ آن گزارش جریانات پارلمان و صفحهٔ دیگر اخبار روز بود، دانیل دفو نویسندهٔ انگلیسی که کتاب او بنام رابینسون کروزوئه در سراسر جهان شهرت دارد، نخستین روزنامه نویسی است که

۱ ـ لغت نامه ـ علی اکبر دهخدا ـ ص ۱۰۸۹۱ جلد ۸

ارزش و اهمیت عمومی پیدا کرد، اولین روزنامه‌ای که بوسیلهٔ دفو منتشر گردید «رویو» نام داشت و هفته‌ای سه بار انتشار می‌یافت.

در سال ۱۷۸۵ جودالستر روزنامه‌ای بنام «تایمز» منتشر ساخت، تیراژ این روزنامه در سال ۱۸۵۴ به تعداد پنجاه هزار شماره در روز رسید و هنوز هم انتشار آن ادامه دارد. روزنامه در سایر کشورهای اروپائی نیز از اوایل قرن هفدهم شروع به انتشار کرد. از میان کشورهای اروپائی بلژیک از کشورهائی است که از نظر انتشار روزنامه‌های قدیمی اهمیت دارد، اوّلین روزنامه در این کشور بنام «نیوتید نیگن» در سال ۱۶۰۵ انتشار یافت و از سال ۱۶۲۱ ببعد انتشار آن منظم گردید.

هلند نیز از جمله کشورهائی است که صنعت چاپ در آن زود رواج یافت و همراه صنعت چاپ نخستین روزنامه نیز در حدود سال ۱۶۲۰ منتشر شد. نخستین روزنامهٔ خبری روسیه در سال ۱۷۰۳ بوجود آمد، در آمریکا نیز روزنامه در اواخر قرن هفدهم بوجود آمد، در سال ۱۶۹۰ یک ناشر و کتابفروش انگلیسی به آمریکا فرار کرد و در شهر بستون روزنامه‌ای بنام وقایع عمومی داخلی و خارجی منتشر کرد که از همان شماره اول، انتشار آن ممنوع گردید، دومین روزنامهٔ آمریکائی در سال ۱۷۰۴ بنام «بوستون نیوزلتر» منتشر شد و بمدت پانزده سال انتشار آن ادامه پیدا کرد، در حال حاضر آمریکا از نظر انتشار روزنامه اولین کشور جهان است، تیراژ روزنامه این کشور در سال ۱۹۵۰ روزانه پنجاه میلیون نسخه بود که ۲۴٪ از تیراژ نشریات روزانه جهانی را بخود اختصاص داده بود. در قارهٔ آسیا، چین قدیمی‌ترین کشوری است که در آن روزنامه

انتشار یافته است، بر طبق روایات چینی، نخستین روزنامهٔ جهان در چین منتشر شده است، در زمان حکومت سلسلهٔ تانگ (۹۰۶ ـ ۹۱۸ م) در آن کشور یک روزنامهٔ درباری برای نشر اخبار میان مقامات رسمی انتشار می‌یافت. [۱]

«روزنامه نگاری در ایران»

در سال ۱۲۳۰ هجری قمری با تدبیر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و موافقت عباس میرزا عده‌ای از جوانان کشور برای کسب راز و رمز تمدن اروپائی بالاخص برای یادگیری علوم و فنون نظامی عازم انگلستان شدند که یکی از آنها میرزاا صالح شیرازی بود که با توجه به استعداد و نبوغ سرشارش توانست در خلال مدت ۴ سال اقامت در لندن زبان های انگلیسی و فرانسه را بخوبی یاد گرفته و در صنعت چاپ نیز درجه مهندسی را بگیرد و همچنین در رشتهٔ روزنامه‌نگاری مطالعات ارزنده‌ای را انجام داد که نتیجه آن بعد از برگشت به ایران، انتشار روزنامه‌ای با نام «کاغذ اخبار» یا News paper بود که دو ورق بزرگ در قطع ۲۴×۴۰ انتشار میافت، میرزا صالح شیرازی که خود وارد کننده دومین دستگاه چاپ در سال ۱۲۳۵ هـ . ق بعد از پایان تحصیلاتش از انگلستان به ایران است (اولین دستگاه چاپ در سال ۱۲۳۳ هـ. ق توسط زین العابدین تبریزی باکمک عباس میرزا به تبریز آورده شد)، اولین شماره از روزنامهٔ «کاغذ اخبار» را بتاریخ ۲۵ محرم ۱۲۵۳ ه . ق مقارن با چهارمین سال سلطنت محمد شاه قاجار منتشر

---

۱ ـ تلخیص از اطلاعات سالانه، سال ۱۳۴۱ ـ بخش چهارم صفحه ۱ نقل از لغت نامه ـ علی اکبر دهخدا



میرزا صالح شیرازی اولین ناشر روزنامه در ایران (۱۲۵۳ هـ . ق)

مجسمه نیم‌تنه میرزا صالح کار E.W.Sievier پیکرتراش انگلیسی که در سال ۱۸۲۳ در لندن از سنگ مرمر تراشیده شده است

نمود.[۱]

بعد از روزنامه کاغذ اخبار، دومین روزنامهٔ ایران به کوشش رادمرد مترقی و میهن پرست، میرزا تقی خان امیر کبیر و به سرپرستی میرزا صالح شیرازی بـا نـام «وقـایع اتفاقیه» در تاریخ هفدهم جمادی الاول ۱۲۶۷ هـ. ق (۱۴ سال بعد از کاغذ اخبار) منتشر گردید سپس روزنامه‌های دیگر تدریجاً شروع به انتشار نمودند، ضمناً اولین روزنامهٔ فکاهی بنام «اطلاع» در بوشهر منتشر گشت و آنگاه روزنامه‌های فکاهی شیخ چغندر، بهلول، حشرات الارض، شیدا، ناهید، حلاج، توفیق و نسیم شمال در تهران پدید آمد.

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بطور هفتگی ابتدا در ربیع‌الاول سال ۱۲۶۷ با چاپ سربی در ۴ صفحه و سپس در ۸ صفحه منتشر گشت، روزنامه مزبور از شماره ۴۷۱ ببعد بوسیلهٔ نقاش نامور میرزا ابوالحسن غفاری به شیوهٔ مصور چاپ میشد و از صفر ۱۲۷۷ هجری قمری شماره ۴۷۲ به روزنامهٔ دولتی مشهور گشت و از سال ۱۲۸۶ بار دیگر به روزنامهٔ دولت علیه ایران تغییر نام داد و سرانجام در سال ۱۲۹۸ (هـ. ق) تعطیل گردید.

تدریجاً روزنامهٔ «ایران» جای آنرا گرفت که انتشار آن از سال ۱۲۶۷ (ه . ق) آغاز گشت و در سال ۱۳۲۴ (ه . ق) منحل گردید. مرحوم علیقلی میرزا اعـتضاد السـلطنه رئیس دارالفنون و وزیر علوم (۱۲۷۲ ه . ق) در رواج چاپ و نشر جراید سهمی بسـزا داشت و روزنامه‌های ایران، مریخ، علمی در زمان او نشر می‌یافت و کارکنان دولت را

---

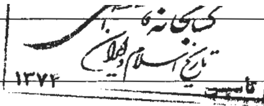
۱ ـ مجموعهٔ قانون ـ ملکم خان ـ انتشارات کویر ۱۳۶۹ ـ تاریخ جـرایـد و مـطبوعات ایـران ـ جـلد اول صفحه ۲ ـ انجمن ـ دکتر منصوره رفیعی ـ ص ۱۲ تا ۱۴ ـ نشر تاریخ ایران ـ ۶۲



نمره ۴ قیمت یک نسخه چهارده شاهی است



مرا از این قطعه ابداً دلبستگی نیست و در آتیه و ایام ضرورت و معزولی گرد را لازم دارم پس باید این قطعه را ......



مجبور می‌کردند که از محل حقوق خود آنها را بخرند در ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری اولین شماره روزنامه «خلاصة الحوادث» منتشر گشت، این روزنامه بجز روزهای یکشنبه و جمعه همه روزه نشر می‌یافت.

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، روزنامهٔ مصور شرف به مدیریت اعتماد السلطنه منتشر گردید سپس جراید، نوروز توسط ادیب الممالک، مظفری توسط ناظم الاسلام در بوشهر، ندای وطن توسط مجدالاسلام کرمانی، روزنامه مکتب و تهران توسط میرزا حسن رشدیه منتشر شدند.

مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز در پیشرفت جراید کوششی مردانه نمود و روزنامهٔ «عروة الوثقی» را در پاریس و «ضیاء الخافقین» را در لندن و «معلّم شفیق» را در حیدرآباد دکن چاپ می‌کرد، میرزا ملکم خان نیز روزنامهٔ «قانون» را در تبریز و تهران منتشر می‌ساخت.

روزنامه‌هایی که در رواج مشروطیت و نشر اندیشه‌های آزادی خواهی به نبرد پرداخته‌اند عبارتند از: حبل المتین (مؤیدالاسلام در کلکته)، ملا نصرالدین (میرزا جلیل در قفقاز)، قانون (میرزا ملکم خان)، اختر (حسن خان در اسلامبول)، حکمت (میرزا مهدی خان تبریزی در قاهره)، ثریا و پرورش (میرزا علیخان کاشانی در مصر)، صوراسرافیل (مرحوم دهخدا و میرزا جهانگیر خان در تهران) تقی زاده و محمد علی تربیت نیز مجلهٔ «گنجینهٔ فنون» را در تبریز و سید حسین خان عدالت روزنامه عدالت را منتشر می‌کردند.



« از مجلهٔ : ملانصرالدین »

روزنامه‌های مصّور آذربایجان و حشرات الارض را حاج میرزا آقابلوری در تبریز اداره میکرد، از جمله روزنامه‌های پیش از مشروطیت باید جراید انجمن ایالتی تبریز، جریدهٔ شفق (دکتر شفق) جریدهٔ تبریز (اسمعیل یگانی و محمود غنی زاده)، نالهٔ ملّت (میرزا آقا ناله)، مکافات (آقا خان مکافات در خوری)، مساوات (مرحوم سید رضا مساوات)، ملا عمو (از طرف انجمن اسلامیه)، شیدا و خاور شمس (طالب اف در استانبول)، مجاهد (ابو ضیاء)، اتحاد بنام انجمن اتحاد (که مرکز کار ستارخان بود)، ایران نو (تقی زاده و محمد امین رسول زاده ۱۳۲۲)، کاوه (تقی زاده) و بعدها مجلهٔ ایرانشهر و فرنگستان (در برلین) و رستاخیز (در مصر) نشر یافت.

جراید قبل از مشروطیت و آغاز مشروطیت

در آغاز مشروطیت، مدیر روزنامهٔ چهره نما چاپ مصر مسافرتی ۱۵ ماهه به ایران نموده و در مراجعت اشعاری سروده است که اسامی قسمت عمده‌ای (۸۰ عنوان) از جراید و مطبوعات قبل از مشروطیت و آغاز مشروطیت را در ضمن اشعار گنجانیده که نقل آن خالی از لطف نیست:

ای قلم ای حاصل اسرار من — ترجمان نازنین افکار من
باز کن ابواب معنی کنوز — ده تو تقریظ جراید از رموز
آنچه هست و آنچه باشد در عدم — ذات ایرانی زارباب قلم
نام براز بهر تاریخ زمن — تا بماند یادگاری در وطن
ای قلم از ما سوی بردی سبق — از تو حق حق محقق شد به حق

آسمان فضل را (اختر) توئی (حکمت) آموز جهان یکسر توئی

هست در بند تو هر در بند دین (عروةالوثقی) و هم (حبل المتین)

در معنی را تو در بحر (کمال) (پرورش) دادی به امر ذوالجلال

خلق (ایران) را چرا بی (اطلاع) کرده‌ای از هر مطیع و هر مطاع

از کف (فرهنگ) جویان هنر بی تو بیرون رفته (مفتاح الظفر)

چند میداری روا ای با عطوف (کوکب دری) معنی را کسوف

ماه (مجلس)باش و (خورشید) جهان بیش از این در پرده غفلت ممان

چهره بنما هر (معارف) خواه را کام جان در ده گدا و شاه را

چون تو بودی (رهنما)ی مرد و زن باز هم افکن (ندائی در وطن)

بی ادب را از (ادب) تأدیب کن ملک استبداد را تخریب کن

(ناصری) کن کوکب مشروطه را در نورد این عالم مظبوطه را

تا (ندائی از تو در اسلام)نیست (دعوه الاسلام) توسن رام نیست

نیک (بشارت) داد باید آشکار (ملک و ملت) را که گشتی استوار

ای قلم روز (جهاد اکبر)است بر تو ما را چشم یاری بر در است

ساز با اهل (تمدن) (اتحاد) تا بر آرد مستبد آه از نهاد

قصد (آذربایجان) چون کرد ترک کس نبود آزاد زانده وه سترگ

ماند (مفتاح سیاسی)از عمل چون (فواید) را بشد حامی دغل

ای قلم هین نقش (جام جم) بیار تا (حقایق) جمله گردد آشکار

(صور اسرافیل) دم اندر جهان — تا نماند مستبدین را روان

پس مدد کن زمرهٔ (انصار) را — کن تو (خرم)مردم اخیار را

تا بشادی از (عراق) و (اصفهان) — آیدت بانک فری در گوش جان

بعد این (شدت فرج بخش)مراد — (انجمن) های (تدین) را بداد

با (جناب) عقل پس (الفت) نما — زین سپس (نقش جهان) کش از صفا

هر دم از (عدل مظفر) یاد کن — (آدمیت) خواه را دلشاد کن

آنچه اسرار (وطن) هست از نیاز — باز بیرون آر از (کشکول) راز

تا شود (تبنیه) بر هر مرد و زن — گفته‌هایت چونکه هستی مؤتمن

(حشرات الارض) را سخت است سخت — (تربیت) چون دل بگردد لخت لخت

ای قلم لفظ مدن را مظهری — از (شرافت) ملک را (مظفری)

کن تو (ابلاغ) (سعادت) بر همه — حرف حق را بازگو بی واهمه

بر تو باشد خلق ایران را وثوق — چون اروپا را تو فهماندن حقوق

احمد (انسانیت) را در مقام — همچو (روح القدس) شو فایض مدام

همتی انباز خود (ارشاد) کن — (مکتب) اغفال را (آباد) کن

تا شود (آزادگان) را (بامداد) — شهر (طهران) مرکز داد و وداد

اختلافی در (خلافت) نیست هان — پس (مساوات) است ما را در میان

چون (زبان ملتی)ای بی همال — نیست (انصاف) از تو خود پوشی (جمال)

(آئینه پنهان نمائی)از چه راه — روشنیت نیست کس را انتباه

تاج (شاهنشاهی) اندر سر سزاست زآنکه اندر ملک (قانون) پادشاست

ملک رفت از کف (ترقی) خواه کو جز تو اندر ملک معنی شاه کو

بادبانی گر کند کشتی ما غم نباشد چون تو باشی ناخدا

ای قلم ما را زنو (تشویق) کن در دو عالم همدم (توفیق) کن

بر (ثریا) (نیر اعظم) تو باش (صبح صادق) را فروغ ایندم تو باش

کن تو تشریح (عدالت) مو به مو تا (محاکم) را برآید آرزو

(قاسم الاخبار) تو بیحد و عد چشم بر راهند اندر هر بلد

(ساحل بحر نجاتی) مستدام هر (حقیقت) از تو بس (خیرالکلام)

کلماتی که داخل پرانتز آمده نام جراید یست که در قبل از مشروطیت و در زمان مشروطیت در ایران و خارج ایران منتشر شده است.[۱]

روزنامه‌ها و مجلات منتشره در ایران در خلال سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰

(۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ میلادی ـ ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۲ هجری قمری) از نظر ادبی‌به اندازه روزنامه‌های عهد مشروطیت اهمیت نداشتند، این نشریات بیشتر نقش تعلیمی در ارتباط با مسائل روزمرّه، سلامت و بهداشت، روابط انسانی و سیاسی را پیش گرفتند و

---

۱ ـ نقل از: تاریخ جراید و مطبوعات ایران ـ محمد صدر هاشمی جلد اول صفحه ۲۳

مسائل مهم سیاسی و غیره در صفحات و مباحث آزاد نشریات با روش نسبتاً نوین مورد تجزیه و تحلیل قرار میگرفت و علیرغم بیدادگری سانسور مطبوعات، عقاید آزادیخواهی انقلابی و اجتماعی و سیاسی را تبلیغ و به انتقاد از وضع موجود پرداختند.

تعداد ۴۶۴ عنوان روزنامه و مجلات منتشره در ایران در خلال سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، آزادی خوبی را تجربه کردند، با پاشیده شدن دیکتاتوری مرکزی بر اثر هجوم متفیقن به ایران و تبعید رضا شاه، نوعی آزادی در عرصهٔ سیاسی و فرهنگی کشور بوجود آمد و آزادی مطبوعات و بیان و تا حدود زیادی آزادی‌های سیاسی در کشور چهره نمود، هر چند که به جای استفادهٔ مطلوب از این آزادی به نفع مردم مسلمان و مظلوم کشور، تعدادی از افراد و مطبوعات وابسته به احزاب و ابرقدرتها، با وابستگی خود آزادی را به بند کشیدند و حکومت دیکتاتوری دیگری را خلق کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ملت ایران شاهد بهار مطبوعاتی نوینی بود که این امر تحولات بسیار چشمگیری از نظر افزایش قابل توجه تیتراژ نشریات، ورود نشریات جدید به بازار مطبوعات، و نیز افزایش کمّی و کیفی مطالب مندرج در نشریات را بدنبال خود داشته و تأثیر غیر قابل انکار آن در تنویر افکار آحاد ملت ایران در دو دههٔ اخیر از نتایج بسیار درخشان تحوّلات مذکور است، لذا با توجه به اهمیت خاص نشریات منتشره در خلال سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۸ و کثرت و تنوع عناوین آنها، فصل مجزائی را به ذکر اسامی ۱۲۰۷ مورد نشریه منتشر شده تحت عنوان: (اسامی جراید و مطبوعات منتشره در دورهٔ انقلاب اسلامی ایران) اختصاص داده‌ایم.

رسالت مطبوعات : اعتلای اندیشه[1]

متن کامل بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار دست اندر کاران مطبوعات کشور

برادران و خواهران عزیز خیلی خوش آمدید و بسیار جلسهٔ دلنشین و شیرینی است جلسه‌ای که در آن اهل معرفت و فرهنگ و اصحاب قلم و اندیشه گرد آمده باشند. من با مجموعه هایی از این قبیل که گاهی ملاقات دارم، احساس آسایش و آرامش می‌کنم و گویی که از محیط خسته کنندهٔ کارهای روزمره، انسان به محیط جدیدی وارد میشود. البته برای من شیرین‌تر این بود که می‌توانستم با شما برادران و خواهران که مسؤلان اداره کنندهٔ مطبوعات کشور هستیدو بخش عمده ای از فرهنگ کشور دست شماست و شما سازنده و نقش آفرین آن هستید ، از نزدیک به صورت دیدار گفت و گویی ملاقات می‌کردیم و بیش از آنچه که به شما عرض می‌کردیم، از شما می‌شنیدیم، که متأسفانه آن پیش نیامده است . ای کاش برادر عزیزمان آقای میر سلیم، ترتیبی می‌دادند که ما می‌توانستیم آنچنان ملاقاتی با شما داشته باشم .

لازم است قبل از این که عرایض خودم را مطرح بکنم، از وزارت ارشاد و دست اندرکاران این جشنواره هم تشکر کنم. این کار، کار لازم و مفیدی است که حقاً هم بر عهده وزارت ارشاد است . البته بایستی این کار را روز به روز کامل تر و رساتر کرد تا بتواند نتایج خود را به دست بیاورد ،

ان شاءالله آن نتایج ، در عرصهٔ مطبوعات کشور حس بشود.

---

[1] ـ نقل از : فصلنامهٔ هنر ـ شمارهٔ ۳۰ ـ زمستان ٧٤ ـ بهار ٧٥ ـ صفحات ۹ الی ۲۰ ـ مرکز مطالعات و تحقیقات هنری ـ معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شما جزو جدی ترین قشرهای جامعه هستید . حضور اصحاب قلم . کسانی که می‌نویسد . مردم نوشتهٔ آنها را می‌خوانند، در میان اقشار برگزیدهٔ جامعه ، یک حضور مؤثر و نافذ و برحسته است . مایلم با شما جدی و صریح و صادقانه حرف بزنم و نه به عنوان فقط یک مسؤل ، بلکه بیش تر به عنوان یک فرهنگی ، که در دوره‌هایی دست اندرکار کارهای مطبوعاتی هم بوده است و در زمینه های مختلف مطبوعات ـ در عرصه های نرم افزاری ـ تلاشهایی از نزدیک داشته است. مایلم یک‌قدری در این چارچوب با شما حرف بزنم، چون جزو مسایل اساسی و مهم کشور است.

مطلب اول در باب جایگاه مطبوعات است . سؤالی مطرح است که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی ، کجای کارند ، کی و چه هستند ؟ آیا زائد سربار و زینت المجالس هستند ، یا نه، یک عنصر حقیقی و مؤثر و اجتناب ناپذیر و سازنده اند؟ نظر ما این دومی است . ما معتقدیم که مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی ، یک چیز تجملاتی و تشریفاتی نیست. بنابراین افزایش ، تنوع و کیفیت یافتن آن و اگر خطایی دارد، تصحیح آن، جزوکارهای اساسی این نظام است.

چرا؟ مگر نظام جمهوری اسلامی چه خصوصیتی دارد ؟

خصوصیت نظام جمهوری اسلامی این است که یک نظام مردمی است . کسی نمی‌تواند این را منکر بشود . مخالفین ما هم نمی‌توانند منکر بشوند . حداکثر آن است که مردم را تخطئه می کنند که خوب نفهمیدند و با این مسؤلین و این نظام صفا کردند . بلاخره صفای مردم با این نظام را نمی‌توانند منکر بشوند این چیز واضحی است که سر و کار ما با مردم است و نظام مردمی، ممکن نیست پیش برود ، جز با آگاهی مردم. ولی نظام دیکتاتوری ، غیر مردمی ، کودتایی و نظام تحمیلی که با

مردم و فکر آنان سرو کاری ندارد . کاری در دست مردم ندارد . برایش مهم نیست که مردم بفهمند یا نفهمند ـ چه آنجائی که شمشیر حاکم است و چه آنجائی که سرمایه حاکم است ، فرقی نمی‌کند ـ بلاخره اگر دشمنی و مخالفتی هم با این نظام شد ، سر و کارش با پول و با شمشیر است ، کاری به اراده و خواست مردم ندارد. بنابراین برای این گونه نظام ها، آگاهی مردم مهم نیست . چه بدانند ، چه ندانند . مسؤلان یاوه گوی رژیم گذشته یک وقتی گفته بودند هر کس با ما مخالف است، از این مملکت بیرون برود . یعنی برخورد آن ها با مردم این گونه بود . البته گاهی اسم مردم را ریاکارانه میآورند ، لکن تظاهر است، واقعی نیست.

نظام مردمی ـ که مردم در بافت اصلی نظام دخالت دارند ـ از آگاهی مردم مستغنی نیست . باید مردمش را آگاه کند و به آنها قوت تحلیل بدهد. باید آنها را از معلومات و معرفت لازم و مفید و آگاهی سرشار کند .

منظور ، تبلیغات نیست، که مرتب حرفهای خودش را به خورد مردم بدهد . نه، این مراد نیست . مردم باید اهل تحلیل بشوند تا بفهمند این نظام برایشان مفید است. آگاهی برای چنین نظامی ، مثل آب و هوا واجب و لازم است. ما نظام مان اینگونه است که هرچه مردم بیشتر آگاه باشند ، نظام جمهوری اسلامی بیش تر سود می‌برد . بنابراین ، این نظام به آگاه سازی مردم نیازمند است.

پس نقش مطبوعات روشن شد. مطبوعات سالم نه مطبوعاتی که لزوماً طرفدار دولت باشد، که در تقسیم بندی خود خواهم گفت ـ مطبوعاتی که طریق سلامت بپیماید و بنا بر عناد و بدجنسی نداشته باشد ، در هر رشته‌ای قلم بزنند ـ سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و مسایل خارجی ـ به نفع نظام حرکت کرده اند ، چرا؟ چون بر مایهٔ آگاهی مردم می‌افزایند . این موضع جمهوری اسلامی در مورد مطبوعات است.

بنابراین، این حرف دو مخاطب دارد. یک مخاطب دولت است که باید مسئله مطبوعات را خیلی جدی بگیرد که بحمدالله می‌بینم برادران جدی می گیرند که به‌همین خاطر من از جشنواره تشکر می کنم. این که راجع به جزئیات کار جشنواره کسب اطلاع می کنم.و همین حالا هم به جناب آقای میرسلیم راجع به نشریهٔ روزانهٔ جشنواره می گفتم که خوب نشریه‌ای بود، آگاهی و اطلاعاتی دربارهٔ جشنواره می‌داد، همه به خاطر آن است که در مسایل ریز هم ذی علاقه ایم. در هر حال دولت ناگزیر باید در مسئلهٔ مطبوعات سهم داشته باشد . یک وقت سهم مادی ، مثل سهمیه ها ، کمک ها و یارانه هایی که در بخش های مختلف می‌دادند و یک وقت حمایتهای معنوی است که حمایت معنوی از حمایت مادی و کمک های گوناگون مهم تر است.

مخاطب دوم ، مطبوعاتی ها هستند . کار را باید از حالت تفنن خارج کنند کار جدی و اساسی است و برای این ملت امری است لازم . بنابر این ،این استنتاجی است که در مطلب اول عرض کردیم و قابل پیگیری و مطالعه بیش تر هم هست .

مطلب دوم این است که از ما سوال می شود و این از همه کس قابل سوال است – که شما از وضع کنونی مطبوعات ایران راضی هستید یا نه ؟ من اگر بخواهم در این جلسه خصوصی و خودمانی به شما مطلبی عرض کنم ، جواب این است که نه ، راضی نیستیم . چرا ؟چون کیفیت مطبوعات ، متناسب با تاریخ مطبوعات در این کشور نیست .

ملاحظه کنید ، این نکتهٔ مهمی است . ما دربارهٔ هر پدیده ای که سخن میگوئیم و قضاوت می کنیم . باید به تاریخ آن پدیده نگاه کنیم. یک وقت یک پدیده ای ، اگرچه در دنیا سوابق زیادی دارد، اما تازه وارد این جا شده است. بدیهی است

نمی‌شود انتظار داشت. یک وقت پدیده ای است که ضعیف وارد شده، یا به وسیلهٔ آدمهای نالایق وارد شده است . نمیشود خیلی توقعی داشت . لکن یک وقت پدیده ای است که سابقه زیادی دارد ، خوب هم وارد شده است. مطبوعات از این قبیل است که توضیح خواهم داد .

البته مطبوعات وارداتی است ، یعنی جزو بخش های مثبت فرهنگ غربی است که ما از آنها گرفته ایم ـ یک وقتی من دربارهٔ تعاطی فرهنگی ، نقطه مقابل تهاجم فرهنگی ، بحث مفصّلی کردم ، یک مصداقش همین مطبوعات است ـ آنها سابقهٔ زیادی در کار روزنامه نگاری داشتند . از اواخر دوران ناصرالدین شاه ، این کار در ایران وارد و شروع شد . اوج آن هم در دوران مشروطه بود که از دوران مظفرالدین شاه ، یواش یواش افزایش پیدا کرد . مطبوعات آن وقت را که آدم نگاه می کند ، می‌بیند که بر خلاف اصل روشنفکری در ایران که من بارها عرض کرده‌ام که روشنفکری در ایران بیمار متولد شد ـ مطبوعات بیمار متولد نشدند .

آن کسانی که پدیدهٔ روشنفکری را به معنای غربی و اروپائی اش وارد کشور ما کردند ، آدمهای سالمی نبودند. فرض بفرمایید امثال میرزا ملکم خان و خویشان فردی مثل تقی زاده که آن کلمه قصارش هنوز در گوش ها زنگ می زند که حالت خودباختگی داشت.

اساساً روشنفکری در ایران سالم متولد نشد . لذاست که در طول سالیان دراز روشنفکریهای خوب و متعهد و حقیقتاً دلسوز ـ که یکی از خصوصیات روشنفکری تعهد است ، به این معنای معروف در کشور ما ـ واقعاً حائز این معانی بودند . اما در عین حال ، جریان روشنفکری یک جریانی نشد که بتواند با مردم ایران مخلوط

بشود ، انس بگیرد ، از آنها بیاموزد و به آنها بیاموزد و به آنها تعلیم بدهد . در اغلب قضایا ، جریان روشنفکری و روشنفکرها ، تجربهٔ خوبی نشان ندادند . چرا؟

انصافاً بعضی اشخاص خیلی خوب وارد میدان شدند . فداکاری های زیادی هم کردند . مثلاً در دورهٔ مشروطیت ، روشنفکران ، یکی از دو جریان مؤثر درمشروطیت بودند. یکی علما بودند ـ اگر علما را از مجموعهٔ روشنفکری خارج بدانیم ـ یکی هم روشنفکرها ، لکن بلافاصله بعد از فرمان مشروطیت، آن اشکالات معروف در جریان روشنفکری پدید آمد . علی ای حال نمی‌خواهم راجع به روشنفکری بحث کنم.

مجموعه‌روزنامه های دوره مشروطه و اندکی قبل از آن را که نگاه کنید ، چیزهای بسیار خوبی در آن ها هست. اولاً پختگی مطالب ، طنز پخته ، قلم های پخته و ادبیات والا در این ها وجود دارد . دلسوزی و علاقمندی به سرنوشت کشور در این‌ها وجود دارد . بعد از گذشت حدود نود سال که از تاریخ این روزنامه ها گذشته است ، امروز که نگاه میکنیم در آن ها چیزهایی هست که برای امروز هم خیلی کهنه نیست . من یک نشریه ای را می‌دیدم که طنز بسیار پخته ای را در بارهٔ امین السلطان در آن درج کرده بودند . در چند شماره مستمر، یک طنز قوی ـ البته بعد از کشته شدن امین السلطان بوده است ـ تعجب کردم ! طنز به این خوبی ، در نود سال قبل آنهم یک نویسنده‌ای که خیلی هم معروف نیست : ایا حالا طنز کشور ما به قدر نود سال ـ از آن وقت ـ پیش رفته است ؟ آدم نمی‌شود قرص بگوید بله!

مسئله دیگر هوشمندی و زیرکی در ارایه مطالب است. باز یک نمونه دیگری در ذهن من هست که در یکی از همان مطبوعات عهد مشروطیت دیده ام . مربوط به زمان هایی است که علی خان امین الدوله از صدارت برکنار و خانه نشین شده و به

رشت رفته بود ـ ظاهراً شایعاتی علیه امین الدوله بوده است ـ مخالفینش بر سر کار بودند .امین الدوله ، نامه‌ای به روزنامه پرورش می‌نویسد ـ ظاهراً اسم روزنامه همین است، بعیدالعهدم، تازه ندیده ام ـ که از خودش دفاع می کند . منتهی امضاء نمی کند، بلکه به عنوان یک ناشناس می‌نویسد. اهل قلم می‌دانند که قلم امین الدوله ، قلم پختهٔ قوی ای است و در بین رجال عهد قاجار ، یک قلم قابل شناختی است . شاید از همه شان بهتر است . سردبیر آن روزنامه ، قلم امین الدوله را می‌شناسد و می‌فهمد که این نامه ، کار خود امین الدوله است . به تناسب این شناسایی ، یک پاسخی به آن نامه می‌دهد . به نظر من این نوشته ، به قدری جالب وهوشیارانه و همره با زیرکی آمد که تعجب کردم.

سابقهٔ روزنامه نگاری ما این هاست . البته هوچی گری ، اسم آوردن ، تهمت ، مطرح کردن افراد در مطبوعات آن عصر هست ، که این جزو نقاط ضعف بزرگ آنهاست . لکن یک چنین نقاط مثبتی هم هست . حالا ما تقریباً صد سال سابقه روزنامه نگاری داریم ـ البته نمی خواهم اولین روزنامه را عرض بکنم ، از وقتی که روزنامه در تبریز ، رشت ، اصفهان ، تهران و مشهد در بین مردم رایج شد و روزنامه‌های متعددی پدید آمد ، تا امروز در حدود صد سال است ـ عزیزان من ، حقاً ما به قدر صد سال پیشرفتهای خیلی زیادی داشته ایم . ما امروز وقتی بین مجلات و روزنامه‌های خودمان و مجلات معروف دنیا مقایسه می کنیم، می‌بینیم که ما، هم از لحاظ فنی ، هم از لحاظ محتوا بر مطالب قوی و عمیق و تحلیل‌ها و وسیع نگری ها ، از آنها عقب هستیم !چرا باید چنین باشد ؟

بله، کشور ایران در صنعت و تکنولوژی و دانش جدید ، از غرب عقب است . اما در فرهنگ که عقب نیست. در گنجینه فرهنگی که از آنها عقب نیستیم. ادبیات ما ،

شعر، نثر و مجموعاً فرهنگ‌مان ـ فرهنگ ملی ـ که کمبودی ندارد ! چرا باید ما عقب بمانیم ؟ من راضی نیستم. البته حالا هر کسی تقصیر را به گردن دیگری خواهد انداخت . یک عده میگویند دولت به ما کمک نکرده است . عده‌ای میگویند شما سیاسی کاری کردیدو عده‌ای می گویند فلان ! بحث بر سر تعیین مقصر نداریم ، بلکه بحث بر سر این است که این یک واقعیتی است ، چه کسی باید این را علاج کند ؟

خانوادهٔ مطبوعات و متولی رسمی مطبوعات در دولت، یعنی وزارت ارشاد ،باید برای این خلاء فکر کند . یعنی اگر جشنواره فقط به این مطلب بپردازد که ببینیم راه عمق بخشیدن به کیفیتهای مطبوعات در کشور چیست و کسانی در این زمینه فکر کنند . تصور میکنم که جا داشته باشد . یعنی اگر جشنواره ، فقط بر سر همین مسئله خاص به نتیجه رسیده باشد که برای ارایهٔ تحلیل های قوی نشریات در مسایل بین المللی و ضعف کارهای هنری و زبان فارسی لازم است مطالعه و فکر انجام بگیرد ،خوب است . این کاغذی که شما به دست خواننده می‌دهید ، برای اوبه عنوان ((لغت امام)) یعنی ((زبان معیار)) میشود . خوب ، این را چگونه میخواهید تهیه کنید ؟ از این جا باید زبان فارسی را درست کرد. این از رادیو و تلویزیون هم مهمتر است ـ البته با رادیو تلویزیون سال هاست ، شاید بیش از ده سال است که راجع به زبان فارسی بحث و بگو مگو داریم، برای اینکه در آن زمینه پیشرفت کنند و کارهایی بکنند که اشکالات بر طرف شود . اما روزنامه‌ها از این جهت ، از رادیو و تلویزیون مهم ترند .چون آن فقط گوش است ، ولی این در خانه می‌ماند . افراد متعددی می‌خوانند و تعمق می کنند .

علی ای حال ، ضعف های متعددی که یکی از این ضعف‌ها، تقلید کورکورانه‌ای از کارهای غرب است . ما گفتیم که روزنامه‌های غرب از ما قوی تر و پخته‌ترند. اما معنایش این نیست که شکل تیترگزینی را هم ، شکل آن ها بکنیم. فرض بفرمائید کیفیت دستور زبان انگلیسی ، مثلاً در عقب و جلو بودن عناصر جمله، با فارسی فرق می‌کند . بر طبق آن دستور و قاعده، این شکل تیتر را مشخص می‌کنند . چه لزومی دارد که در زبان فارسی، عیناً همان را تقلید کنیم؟ ـ که انسان در بعضی روزنامه‌ها می‌بیند ـ از ما بدتر در این زمینه ، عرب ها هستند که عیناً از همان شکل تیتر گزینی های روزنامه‌های آمریکایی و انگلیسی ! تقلید می‌کنند. چه لزومی دارد ما این کار را بکنیم ؟

فارسی زبان غنی‌ای است زبان شیرینی است . هزار شیوه در کار فارسی گویی و فارسی نویسی می‌شود به کار برد . از این شیوه ها استفاده کنیم . البته آن ها بعضی از کارهای خوب را هم می‌کنند . آنها را بایستی یاد گرفت . فرض بفرمایید خوش آهنگی تیترها که در بین مطبوعات انگلیسی چیز خیلی رایجی است . تیترهای خوش آهنگ با سجع‌های آغاز کلام ـ ما سجع مان در پایان کلام و پایان جمله است ـ از این چیزها دارند این ها خوب است. انسان چیزهای خوب را تقلید کند ، خوب است. لکن یکسره تقلید جایز نیست.

مطلب سومی که میخواهم عرض کنم ، تقسیم بندی مطبوعات کشور در ارتباط با نظام است . این تقسیم‌بندی از جهت فضای کلی مطبوعات و جهت کلی دادن به مطبوعات کاری لازم است والابنای ایراد و اعتراض به کسی ندارم . حداقل این که فعلاً بنای این کار را ندارم . از این جهت مطبوعات کشور به سه قسم تقسیم می‌شوند :

یک قسم مطبوعاتی هستند که نظام را قبول دارند ، منظور این نیست . این یک طیفی است . کسانی که نظام را قبول دارند، یک طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند ـــ منتقد به دولت ، طرفدار دولت ، معترض به فلان وزارتخانه ، فلان تشکیلات و دستگاه مدافع آنها، به هر حال نظام جمهوری اسلامی را در ایران قبول دارند ـــ در بین این طیف ، بر اساس تقسیم بندی خودشان ، راست و سلایق مختلف هست . همین جناح بندی‌هایی که گاهی در عرصهٔ سیاسی بروز می‌کند خط و خطوط مختلف هست . این ها همه در یک طرف قرار می‌گیرند ـ که اکثریت هم اینهایند.

قسم دوم کسانی هستند که نسبت به نظام اسلامی بی تفاوت اند . یعنی هیچ گونه طرفداری از نظام ندارند ـ حتی فرض کنید به صورت درج یک خبر ـــ لکن کاری هم به کار نظام ندارند . از کنار نظام رد می‌شوند . مثل مجلات علمی ، مجلات فرهنگی محض ، مجلات تخصصی و امثال این ها .

یک قسم هم مجلاتی هستند که من اسم اینها را مطبوعات یا روزنامه‌های معاند می‌گذارم . تعداد اینها زیاد نیست ، که از جمله غلط‌های رایج هم این است که به این‌ها می‌گویند (دگر اندیش) خیلی حرف غلطی است دگر اندیش یعنی چه؟ آن آقایان هم خوشحال می‌شوند که به آنها دگر اندیش گفته شود . یعنی ما چون اندیشه دیگری داریم ، مورد غضب دستگاه هستیم ـــ البته خیلی هم مورد غضب نیستند اما اصلاً بحث اندیشه و دگر اندیشی نیست ، بلکه در جمهوری اسلامی ، همه گونه اندیشه ای آزاد است.

ما با اقلیتهای مذهبی ، مثل برادران خودمان برخورد و رفتار و رفاقت میکنیم . اصولاً یادمان هم نمی‌آید که فرض بفرمایید این آقا، مذهب دیگری دارد و فکر ما ، دین ما ، اسلام ما را قبول ندارد .

به خانه‌های‌شان می‌رویم به مناسبت سال نو مسیحی معمولاً به منزل خانوادهٔ شهدای مسیحی ، آشوری و ارمنی می‌روم . سالهاست که به خانه‌شان می‌رویم . با زن و بچهٔ آنان می‌نشینیم، حرف می‌زنیم ، میوه و شیرینی شان را می‌خوریم و هیچ یادمان نمی‌آید که این ها مذهب دیگری دارند .

ما در جمهوری اسلامی این بحث را نداریم که چون کسی اندیشه دیگری دارد، پس با او برخورد کنیم . نخیر . دگراندیش یعنی چه ! بحث عناد ، معارضه و غرض ورزی است. غرض ورزی می‌کنند.این نظام را قبول ندارند . فقط قبول نداشتن هم نیست ، بلکه بنا دارند با نظام معارضه و عناد کنند ، یعنی به همان مقداری که جرأت شان اقتضا می‌کند، ضربه بزنند . البته خیلی هم افراد با جرأتی نیستند . اما همان مقداری که حالا ایجاب و اقتضا می‌کند، یک چیزی می‌گویند . مثلاً در بزنگاه خاصی ، یک نیشی بزنند و زهری بریزند . بحث مغرضین است.

هر کدام از اینها یک حکمی دارند . من می‌خواهم این جلسه صریح باشد و امیدوارم ـ خواهش میکنم شما هم در زمینهٔ مطبوعات با مردم از این شیوه پیروی کنید صریح ـ البته نمی‌خواهم بگویم بروید و فوراً معاندین را معرفی کنید و بگویید فلان کس چنین است . نه. اصولاً من جنجال و این تشنج فکری و فرهنگی را قبول ندارم . هر کسی کار خودش را بکند ، لکن در بیان مطالب با مردم ، از همین روحیه و همین لسان استفاده کنید . ما گاهی در برخوردهای دیپلماسی هم به این ها می‌گوییم که ما دیپلماسی مان، دیپلماسی صریح است ـ بر خلاف همه دیپلماسی های عالم ـ علی ای حال، می‌خواهیم صریح صحبت بکنیم .

از نظر من، بحث گروه اول این است که ما معتقدیم این آقایی که نظام را قبول دارند ، یک وظایفی به عهده دارند که این وظایف، با سلیقه و عقیدهٔ خاص آنها هم

هیچ منافاتی ندارد . توقع این است که به آن وظایف عمل بکنند . یکی از این وظایف این است که فضای کشور را ، فضای تشنج مطبوعاتی قرار ندهند . این به آن بد بگوید و آن به این! این آقایان جشنواره در نشریه کاغذ اخبار مصاحبه هایی کرده بودند ـ ما برای اسم این نشریه هم به آقای میرسلیم اعتراض کردیم .((کاغذ اخبار)) گرته برداری خیلی خوب و شیرینی نیست . آن هم نه ((کاغذخبر)) ،((کاغذ اخبار)) ! در حالی که اگر واقعاً ((نیوز پی‌پر)) را هم بخواهند ترجمه کنند ((کاغذ خبر)) می‌شود نه ((کاغذ اخبار)) حالا این گونه گرته برداری لزومی نداشت . ایشان متعذر شدند که چون اسم اولین روزنامه، ((کاغذ اخبار بوده است. دیگران چنین کردند ، ما هم میکنیم . از آن باب است . اسم کاغذ اخبار ، خیلی کار شیرینی نبود ـ علی ایحال ، در یکی از مصاحبه های همین کاغذ اخبار ـ یا به تعبیر درست تر ، نیوز پی پر ـ دیدم که جوانی در پاسخ گله اش همین است که می گوید فضای مطبوعات و روزنامه های کشور ، فضای دعواست راست هم می گوید ، روزنامه ها با هم دعوا دارند . خوب به هم چه کار دارید ؟ کار خودتان را بکنید . یک نفری خط یک است ، یکی خط دو و یکی خط سه . هر کسی خط خودش را برود ، کار خودش را بکند و توقع این نیست که از سلایق خودشان به خاطر دیگری دست بردارند . هر کسی مبنایی و سلیقه‌ای دارد . پس یک توقع این است که با دعواهای خودشان فضا را فضای تشنج نکنند . توقع دوم این است که نظام را که قبول دارند ، تضعیف نکنند . نمی گوییم به فلان وزیر یا فلان مسئول یا فلان بنیاد یا فلان نهاد انقلابی اعتراض نکنید ، نه . انتقاد و اعتراض در حد معقول چه مانعی دارد ؟ به قول آقایان دولتی ها میگویند سازنده هم هست. خیلی خوب ، بحث سر آن نداریم ، بلکه بحث سر نظام است . پایهٔ هر نظام و هر زندگی فردی، بر امید است ، امید را در دلهای

مردم متزلزل نکنید . این یکی از حرفهای ماست . به گونه‌ای حرف نزنید که وقتی یک فرد جوان یا پیر ، به افق خودش نگاه می کند ، افق را تیره و مه آلود ببیند! چرا این کار را می کنید؟! این طور که نیست . ایران که افق مه آلود و تیره ندارد . این ملت ملتی است که با همه مشکلات بزرگ، در طول قرن ها دست و پنجه نرم کرده و بر همه هم فایق آمده است ـ ولو بعد از گذشت مدت‌ها ما در کشور ، افق تیره‌ای نداریم.

امروز امریکا سینه سپر کرده است ، خوب ،کرده باشد . اسرائیل در صحنۀ بین المللی سگ دو می‌زند، خوب ، بزند . برای ما اهمیتی ندارد. فرض کنید فلان جنس گران شده است ، خوب شده باشد . یک وقتی هم ارزان خواهد شد . یعنی اگر وضع نابه سامانی ، در هر زمینه ای به وجود می‌آید، نباید مجوز این بشود که افق امید را در دلها بمیرانیم . این جایز نیست . یا فرض بفرمایید دفاع از اصول انقلاب را زیر سؤال ببرید اسلام را زیر سؤال ببرید . این مسایلی که پایه های اصلی انقلاب است، نگذارید با نوشته های ناشیانه ، یا نوشته هایی که بعضی‌ها زیرکانه ، در مطبوعات شما وارد می کنند، زیر سؤال برود ! مراقب این چیزها باشید. البته گفتیم که سلایق مختلف است، ما با سلایق مختلف هم کاری نداریم .

علی ای حال ، از جمله توصیۀ ما به این دسته ، یکی نشر فرهنگ عمومی و دانش و همین مسئلۀ عمق و کیفیت یافتن نشریه است . مهمترین کار شما آقایان و خانم ها که در این مطبوعات کار می کنید ، این است که به کارها کیفیت بدهید ـ هم به کارهای سیاسی ، هم به کارهای فرهنگی ، هم به کارهای ادبی ـ انسان گاهی اوقات ، صفحۀ شعر را نگاه می کند، اصولاً رغبت نمی کنند بخوانند ، سرمقاله را نگاه می کند ، هیچ جاذبه‌ای ندارد . پس زیبایی سخن چه شد ؟! این لطافت زبان فارسی

چه شد ؟! هنر نویسندگی و ذوق چه شد؟! این ها برای همین چیزهاست . برای روزنامه است . از واژه‌ها و از تعبیرات زیبا و ترکیبات نو استفاده کنید و تحلیلهای خوب بزنید . این ها چیزهایی است که ما از همه مطبوعات دستهٔ اول ، اعم از روزنامه ها و مجله ، انتظار داریم ـ که اکثریت مطبوعات ، این ها هستند .

البته تعدادی از این ها با بودجه های عمومی اداره می‌شوند. این را هم این جا بگویم: نشریاتی که با بودجه های عمومی اداره می‌شوند ، ارتباط بیشتری با دستگاه ندارند . . اصلاً این طور نیست که فرض کنیم روزنامهٔ اطلاعات و کیهان نشسته‌اند، تلفن دست‌شان است و منتظرند که کسی به آنها بگوید که چه بنویسند ! نه، روزنامه های مستقلی هستند . ارتباط این روزنامه ها با دولت و مسؤلین دولتی و منابع مالی خودشان ـ که مربوط به بیت المال هستند ـ به هیچ وجه قابل مقایسه با روزنامه های بخش خصوصی در دنیا ـ که از کمپانیهاپول و الهام میگیرند ـ نیست. اصولاً آن یک چیز دیگری است و این یک چیز دیگر. یعنی به هر حال خوشبختانه استقلال دارند . برای خودشان ، برای فکرشان و برای سلایق شان مینویسند. نظراتشان را ترویج میکنند. البته گاهی تهمت میزنند که این دولتی است، آن دولتی است و این، از دولت دستور می گیرد! کانه دستور گرفتن از دولت بد است و دستور گرفتن از دشمن خوب است! گویا یک چنین معادله ای در ذهن بعضی‌ها هست ! البته از دولت هم دستور نمی گیرند. دولت هم خیلی اوقات گله مند است و آقای رئیس جمهور مکرر از همین آقایان پیش من گله و شکایت میکنند که این طور کردند و این چنین نوشتند . علی ای‌حال ، این هم راجع به این قضیه ، انتظار ما از آن دستهٔ اول.

از دسته دوم هم انتظار زیادی نداریم . یعنـی آن کسـانی کـه در بـارهٔ نظـام اظهـاری نمی‌کنند، حرفی نمیزنند و کاری ندارند . تنها مشغول کار علمی و فرهنگی خودشان هستند و به هیچ وجه علیه نظام کار نمیکنند . ما هیچ انتظاری از این ها نداریـم . ایـن را بدانید ، من به عنوان مسؤل این کشور میگویم که هیچ گونه انتظاری از ایـن دسـته نداریم . هرکس در این زمینه هر چه بگویـد ، از فشـار و امثـال آن ، دروغ و خـلاف گفته است . کار خودشان را بکنند. اگر فرهنگ کشـور را تقویـت می‌کننـد، دولـت باید به ایشان کمک هم بکند ، اگر سواد مردم را زیـاد می‌کننـد ،اگرادبیـات و زبـان فارسی را ترویج می‌کنند، دولت باید به ایشان کمک هم بکند ولی بی تفاوت انـد و با ما کاری ندارند و نداشته باشند ، هیچ انتظاری از اینها نداریم .

دستهٔ سوم وضعشان فرق می‌کند. البته این دستهٔ سوم که گفتیم معـاندین ، بـه معنـای این نیست که حالا ما شمشیر بسته ایم برویم به سراغ ایـن هـا ، نخیر . وضـع آنهـا بـا دیروز هیچ فرقی نخواهد کرد.من می‌خواهم با آنچـه کـه در ذهـن هسـت ، حقیقـت مطلب را بیان بکنـم اولاً در نشـریاتی کـه معـاند بـا نظـام جمهـوری اسـلامی هسـتند ،عناصر نامطمئن زیاد است . اگر هم واقعاً بعضی از افرادی که د ر ایـن گونـه نشـریه ها حضور دارند ، بنا ندارند که با دستگاه دربیفتند ، بدانند که در تشکیلاتشان افراد نا باب هستند . ما اینها را می‌شناسیم . افرادی که سابقهٔ این ها به کلی غیر قابل اعتماد و سالب اطمینان است.

بنده بسیاری از این آقایان را با نام و نشان و آثار، از قبـل می‌شناسـم . مـن بـا محیـط روشنفکری کشور، سالهای متمادی ارتباط نزدیکی داشتم. با خیلی از این حضراتـی که الآن بعضی در ایران اند و بعضی در خارج انـد، ارتبـاط نزدیـک و دوسـتانه و بـا بعضی هم ارتباط سلام و علیکی و آشنایی داشتم. اغلب اینها از اطلاع و معرفت مـن

خارج نیستند . لااقل سالهای متمادی در قبل انقلاب ، با اثارشان آشنایی داشته ام . در میان اینها کسانی هستند که گرایشهای مارکسیستی تندی داشتند . با همین گرایشهای مارکسیستی رفتند و با ساواک همکاری کردند . رفتند به دفتر فرح و کار کردند. آیا این سابقه، سابقهٔ خیلی پاکی است!؟به چنین فردی می‌توان اعتماد کرد؟! البته نمی‌توان از این گونه افراد توقع هم داشت ، یعنی توقع از این افراد ، واقعاً توقع بیجایی است . امروز در همین مطبوعه‌ها ، کسانی هستند که دم از آزادی می‌زنند . آقا آزادی بیان نیست ! اختناق است ! هر چه دولت می‌خواهد، باید بگویند ! در حالی که خودشان هم می‌دانند خلاف می گویند! بعضی از همین حضرات ، در دوران رژیم شاه هم به کارهای مطبوعاتی سرگرم بودند . آن اختناق سیاه را میدیدند نه فقط لب از لب باز نمی‌کردند . همکاری هم می کردند با ستایش های زبانی ، با نوشتن مقالات ، با نوشتن کتاب و جزوه ، همکاری میکردند. ایا در دفاع از آزادی صادق اند ؟ کسی که دوره اختناق محمد رضایی را تحمل کرده و لب باز نکرده و دم نزده است ، حالا در دوران جمهوری اسلامی ـ که هر کس هر چه می‌خواهد مینویسد ـ اگر دم از آزادی خواهی بزند آیا صادق است؟!توجه ندارند که خودشان مکذب خودشان هستند ـ یک نفری ، برای آن که ثابت کند آدم کم حرفی است ، یک ساعت استدلال می کرد !! این ها از این قبیل اند ـ مرتب می‌نویسد آزادی نیست و نظام را با انواع تهمت ها همراه می کنند ـ متحجر ، تنگ نظر ، یک سو نگر، بی سواد، غافل از مسایل نو ، قرون وسطایی، دارای عینک کهنه و تعبیرات ادبی و شعری و به اصطلاح هنری دیگر .

نظام جمهوری اسلامی ایران را با این چیزها متهم می کنند و اگر فرضاً روزنامه ای یک چیزی علیه‌شان نوشت، فریاد می کنند که اقا محیط محیط تهمت است. به ما

تهمت می‌زنند. آیا تهمت زدن به مسؤلین نظام اشکالی ندارد؟! کسانی که عمری را در مبارزه و سختی و رنج و مصایب آن رژیمی که شما با آن همکاری می کردید ، گذرانده اند . حالا هم که مسؤلیت دارند ، از این مسؤلیت برای دنیای خودشان هیچ استفاده نمی کنند ! بدانید امروز هیچ ریس جمهوری در دنیا ، مثل آقای هاشمی زندگی نمی کند.

من در دوران ریاست جمهوری ، به کشورهایی که به اصطلاح کشورهای انقلابی بوده اند ، مسافرت کرده‌ام ، آقائی که تا دیروز در چادر زندگی می کرده است، خودش و وزیر خارجه اش می گفت:ما هشت سال با تفنگ ، زیر چادر زندگی کردیم و چه و چه و چه رفتارش در این قصری که در آن از ما پذیرائی کرد ، برخوردش ، مهمانی و تشریفاتش و آن جبروتی که به خود گرفته بود، تقلید و عکس‌برداری دقیقی از حاکم پرتقالی ای بود که قبل از او، در این کشور زندگی و حکومت میکرده و حکم میرانده است. این طوری زندگی می کردند.

مسؤلین جمهوری اسلامی، از کسی توقعی ندارند. وزیر، از خانه‌اش بلند می‌شود، به دکان شیر فروشی میرود وبرای بچه‌اش یک شیشه شیر می گیرد. در صف نانوایی می ایستد و دو قرص نان می گیرد . کجای دنیا چنین چیزی هست!

من یادم می آید یک وقتی رییس جمهوری در هند از دنیا رفته بود . میدانید رییس جمهور در هند ، هیچ کاره است. به عنوان تشریفات یک نفر را گذاشته اند. یعنی اصولاً رییس جمهوری در هند کسی نیست که آدم بخواهد روی او حساب بکند. آدم باسوادی بود. روزنامه های ما ، در آن زمان ، زمان رژیم پهلوی ، نوشتند که بله ایشان ، خودش میرفت و چه می کرد و در یک ساختمان چهار پنج اتاقه زندگی

می کرد .و....ما واقعاً آن وقت تعجب می کردیم عجب، یک رییس جمهوری که واقعاً هیچ کاره‌ای هم نبود ! فقط یک مجسمه بود!

حالا بفرمائید ، این رییس جمهور ما بروید اتاقهای خانه اش را ببینید ، آیا چهار پنج تا بیشتر است؟ همان خانه‌ای است که از اول انقلاب در آن زندگی می کرده است! یعنی وضع جمهوری اسلامی ، وضع دولت ، وضع مسؤلین و مردمی بودن مسؤلین . هر کس هر مسلکی که دوست دارد سیر می کند. کسی کاری به کسی ندارد.

آن وقت در این نظام ، آقائی در آن رژیم آن فجایع را تحمل کرده است، از آزادی خواهی حرف میزند و از این که حقوق بشر پایمال شد .

این ها چیزهائی است که انسان ، احساس بی انصافی می کند والّا شما بدانید ما تحمل‌مان خیلی زیاد است. واقعاً تحمل شنیدن حرف مخالف در نظام جمهوری اسلامی، خیلی بالاست. دلایلی هم دارد. البته دلایل طبیعی هم دارد ! این‌ها غرض ورزی می کنند ، بی انصافی می کنند. هر وقتی که دشمنان ما در خارج از کشور ، تهمتی را علیه جمهوری اسلامی علم کردند ، شما در مطبوعات آقایان نگاه کنید ! آن ها راجع به زن گفتند ، این ها هم میگویند ! آنها راجع به حقوق بشر ، راجع به تروریست ، راجع به بی کفایتی دولت، راجع به اینکه نظام اسلامی ، نظام متحجر و قرون وسطایی است گفته اند، این ها هم می گویند !

چرا اینقدر انسان با دشمن همکاری بکند؟! چرا اینقدر انسان از کشور و میهن خودش ، از کسانی که برای این میهن دلسوزانه زحمت می کشند ، اینطور بیزاری بجوید و ناجوانمردانه اعراض بکند ؟! چرا؟! این ها چه مرضی دارند ؟ من تعجب میکنم! کریسمس را بر عید نوروز ترجیح میدهند ! آقا شما مگر ایرانی نیستید ؟ خیلی چیز عجیبی است ! میگوید بچه من از کریسمس بیشتر از عید نوروز خوشش

می‌آید ! بچه شما غلط می‌کند ، باید هم این‌گونه باشد ! عید نوروز مگر چیز بدی است ؟ کریسمس اول زمستان ، در این یخ و برف و سرما ! آیا بهتر از اول بهار و اول فروردین است ؟! این چه سلیقه ای است؟ چرا انسان اینقدر دچار کوری چشم و عناد باشد که حتی نسبت به اولیات مسایل ملی این گونه باشد ؟! عجیب است ! وقتی که این مطلب را دیدم ، قصیدهٔ سید علی خان مدنی در مورد عید نوروز یادم آمد . بد نیست این جا نکته‌ای راجع به عیدنوروز گفته بشود . چون عید نوروز از آن عیدهایی است که ما خیلی به آن ارادت داریم . بر خلاف بعضی های دیگر.

سید علی خان مدنی یکی از علمای شیرازی تبار ساکن و اهل مدینه است یعنی پدرانش ـ چند نسل در مدینه زندگی کرده اند . سید علی خان خیلی مرد بزرگی است. شاعر بزرگ ، عالم، تقریباً یک شیخ بهایی دوم یا شیخ بهایی درجه دومی است. البته در بین کسانی که خارج از میهن زندگی کرده اند . آخر عمر، باز به شیراز آمد و در آن جا زندگی کرد و گمان می‌کنم در شیراز هم فوت شده است . نمی دانم قبرش کجاست. کتاب های بزرگ و بسیار خوبی دارد . ادبای معروف ، دایماً به حرفهای او استناد میکنند . درست توجه کنید ، پدر این سیدعلی خان هم از علما و معروف به سید علی خان مدنی است. پدر او، به دعوت یکی از سلاطین هند که شیعه بوده است، ظاهراً در دکن از مدینه به هند میرود و سال ها در آن جا میماند سید علی خان که نوجوانی بوده است ، بعد از چند سال ، با مادرش و بقیه خانواده ، خودشان را با زحمت زیاد به هند میرسانند . پدر، نوجوان خودش را میبیند و به تربیت او می‌کوشد و او را پیش اساتید می‌گذارد .

درست توجه کنید ! پدر او چند سال است که در هند زندگی می‌کند . آن زمان در هند هم ، زبان فارسی زبان رایج بوده است . دورهٔ مغول ها و تیموری ها و وقت اوج

زبان فارسی در هند است. خانوادهٔ سید علی خان عرب‌اند. سید علی خان شاعر است و قصاید خیلی خوبی می گوید.عید نوروز می‌شود سید علی خان قصیده ای به زبان عربی ، در تهنیت و مدح پدرش برای عید نوروز می گوید: عناصر این قصه را جمع کنید . شاعر ، عرب ، ممدوح عرب . مکان هندوستان ، زبان رایج ، فارسی ، قصیده عربی دربارهٔ عید نوروز تهنیت و قصیده می گوید ! آیا این مایه افتخار و یک سنت تاریخی نیست؟ چرا انسان اینها را فراموش کنند؟! آن وقت آن آقا به نام ایرانی خواهی نفس میکشد و زندگی میکند . و فرض کنید . عید نوروز را به راحتی با کریسمس عوض می کند! آخر این قدر کج فهمی!

در این کشور ، هشت سال جنگ اتفاق افتاد . خوب ، این جنگ ، یک دفاع بود . آن روزی که عراق به خرمشهر و اهواز حمله کرد . آن اقایان که نرفتند ببینند آن جاها چه خبر بود! ما رفتیم و از نزدیک آن واقعاً کربلای خوزستان را دیده ایم . اگر این جوان ها دفاع نمی کردند، اگر این بسیج و سپاه و ارتش واین فداکاریها نبود. امروز ما چه وضعی داشتیم؟ عراق میآمد و از دزفول منضم میکرد به عراق . کما اینکه نقشه شان هم همین بود که منطقهٔ نفتی ایران را به عنوان عربستان، از دزفول و اندیمشک جدا و به عراق منضم کنند. یا یک امارات جدیدی مثل قطر و کویت به وجود می‌آوردند و ایران را تجزیه می کردند . کما این که در دوره های قبل از جمهوری اسلامی ، همیشه ایران تجزیه شده است. همیشه از ایران کنده اند هیچ کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند بترسند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کردیم ، قاجاری ها که وضعشان معلوم است . پهلوی ها هم که سال ها شهرهای مرکزی ایران را زیر چکمه سربازان خارجی انداختند و زن و مرد و

ناموس این کشور را به دست آنها دادند . تنها جمهوری اسلامی بود که مردانه ایستاد و نگذاشت که یک قدم جلو بیایند .

هشت سال جنگ شوخی است ؟! آن همه فداکاری! در مقابل اتحاد شرق و غـرب و ناتو و همه و همه، این جوان ها ایستادند . مقاومت کردند . این میهن را نجات دادنـد . آیا نباید در این مطبوعه ها از این کار بزرگ، این دفـاع عظیـم و پـر شـکوه ، یـک کلمه ستایش بشود؟! چه آن نشریاتی که زمان جنگ بودند، چـه آنهـایی کـه بعـد از جنگ به وجود آمدند. اگر یک وقتی هم اسـمی از جنـگ یـا رزمندگـان بیـاید ، بـا مسخره است ! چرا چون آن رزمنده ریش دارد و این آقا از ریش خوشش نمی‌آیـد! بله فقط علتش این است . آیا این بی انصافی نیست؟! آن وقت این ها ، دیگران را بـه تنگ نظری متهم میکنند ! آن ها تنگ نظر هستند یا دستگاه؟! این تنگ نظری نیست که انسان، از بزرگترین ارزش دوران خودش چنین دفـاعی اغمـاض کنـد؟ فقـط بـه خاطر این که این بسیجی دین دارد و این آقا با دین مخالف است! یا فرض کنید کـه آن مذهبی است و این آقا می‌خواهد سر بـه تـن مذهـب و مذهبـی نباشـد ! متأسـفانه اینطوری است ! انسان تأسف میخورد . بله مرتب تهمت میزنند ، آن وقت جواب که داده شود ، میگویند آقا، شما به ما تهمت زدیـد ! متأسـفانه ایـن مسـئله وضـع خوبـی ندارد .

البته همه توجه داشته باشند که یک خط قرمزی وجود دارد . از این خط قرمـز هیـچ کس نباید عبور کند . نـه ایـن کـه مـا اجـازه نمی‌دهیـم ، در هیـچ جـای دنیـا اجـازه نمیدهند . در به اصطلاح ـ دموکراتیک ترین کشور ها هـم اجـازه نمـی دهنـد . شـما فرض بفرمایید مثلاً در آمریکا آن وقت هایی که در آمریکا خبری از موج چپ بـود . حالا که دیگر این خبرها نیست . شما ببینید چپ ها در آمریکا ، تحت چه شـرایطی

زندگی می کردند . گروههای کمونیست یا سوسیالیست و اجتماعاتشان چگونه بود . شما این رمان هایی که بعضی از نویسنده های گرایش به چپ نوشته اند . مثل این هاوارد فاست که چند رمان دارد و به فارسی هم ترجمه شده است . من آن ها را دیده ام . ببینید در بارهٔ آنها چه گفته اند ! یا همین جان اشتاین بک، این کتاب معروف خوشه های خشم او . یا کتاب دیگرش را ببینید . راجع به وضع چپ‌ها و کسانی که در امریکا بودند چه میگوید ! این به اصطلاح مرکز دموکراسی و قبله این کسانی که یک چنین قلم های بد و زشتی را در ایران میزنند ، حاضر نبودند تحمل کنند . چرا؟ چون مارکسیسم ، نظام سرمایه داری آمریکا را زیر سؤال می‌برد. تحمل نمی کردند. این خط قرمز بود .

فرض بفرمایید امروز یک مجموعه ای در امریکا پیدا بشود ، بگوید و بنویسد و قلم بزند و شعار بدهد که مثلاً امریکا باید تجزیه بشود به چهل و نه ایالت . یا به چند ایالت ، یا فلان ایالت آمریکا باید جدا بشود. شما ببینید چگونه با آن رفتار می کنند! امروز در امریکا اگر کسی بگوید چهل یا پنجاه میلیون سیاه در امریکا هست . این ها یک کشور جداگانه‌ای بشوند ، یا یک قسمتی از امریکا رابدهید به این ها حکومت تشکیل بدهند ، ببینید دولت آمریکا با او چه خواهد کرد ! آیا همان کاری را که با داودی‌ها کردند . که در آن ساختمان همه را آتش زدند کم تر از آن با او انجام خواهند داد ؟! این ها خطوط قرمز یک ملت است .

شما انقلاب را زیر سؤال ببرید ، اصل انقلاب را نفی کنید ، نظام جمهوری اسلامی رانفی کنید و کسی چیزی نگوید ؟! بدیهی است این خط قرمز است این قابل تحمل نیست .البته تا الآن می کنند بعد از این هم خواهند کرد . من هم فعلاً بنا ندارم نسبت به آنچه که در گذشته بوده است ، تجدید روش کنیم . با این ها گذشت می‌شود .

در این مطبوعه ها من خیلی از این ها را خودم می‌بینم . نه به صورت بریده ، خود نشریه را میبینم . مطالعه نشریات مختلف را دوست میدارم و غالباً آن ها را میخوانم . با شعر ، با نثر ، با قصه وبا گزارش ، گزارشهای نامربوط که به چیز دیگری مربوط است ، آن را میکشانند به یک جایی که به نظام ضربه بزنند یا زیر سؤال ببرند دستگاه هم تا حالا چیزی نگفته و حرفی نزده است . ولی توجه داشته باشید که این ها خط قرمز است . در عین حال آقایان یک چیزی هم طلبکارند که ما چون دولتی نیستیم ! دولتی چیست ؟! بحث دولتی و غیر دولتی نیست، بحث اساس یک نظام است . مگر هیچ نظامی اجازه میدهد که شما اساس آن را زیر سؤال ببرید ؟ تازه تسهیلات هم بگیرید! وضعیت این چنین است . جوان ها توجه داشته باشند . بعضی از جوانها و روزنامه نگارهای خود ما که گاهی دربارهٔ بعضی از این اشخاص دچار اشتباه می‌شوند بدانند که ظواهر اینها مورد نظر و ملاک نیست و اعتبار ندارد. باطن قضیه است که با اصل نظام مخالف‌اند و مبارزه می‌کنند. البته برای اینکه از قافله عقب نمانند ، گاهی هم از مردم می‌گویند یا از آن رژیم یک حرفی می‌زنند یک مقایسه‌ای می‌کنند ، آن هم نادرست!

مؤذن بانگ بی هنگام برداشت

نمی‌داند که چند از شب گذشته است

درازی شب از چشمان من پرس

که یک دم خواب در چشمم نگشته است

چه میدانید شما رژیم گذشته چه کرد ! با چه کسانی کار داشت و چه می‌کرد و با چه می‌جنگید و چه چیزی بر آن فایق شد؟! شما از کجا می‌دانید ؟ غرض ، این وضعیتی است که از جمع سوم دارند که وضعیت خوبی نیست. البته من حقیقتاً دلم

می‌خواهد که این وضع اصلاح بشـود . بنـای بـر ایرادگـیری و مـچ گـیری و سـخت گیری نداریم . دوست می‌دارم وضع اینها اصـلاح بشـود و ایـن طـور نمـاند ، حیـف است، کشـور، کشـور بـزرگ و مهمـی اسـت . نظـام جمهـوری اسـلامی واقعـاً کـار می کند. مسؤلین واقعاً کار می کنند. کشور در راه عزّت و پیشرفت است . دشمن هم واقعاً دشمن است . ما چرا باید حرف دشمن را گوش کنیم ؟! ایـن مطبوعـات دنیـا ، غالباً دست صهیونیست‌ها است. امریکایی ها و صهیونیست‌ها بـا مـا بدنـد . قدرتهـای تجاوزگر و چپاولگر بدند و علیه جمهـوری اسـلامی هـم کـه گوشـش بدهکـار ایـن حرفها نیست . با قدرت و قوّت کار خودش را می کند .

مطلب آخر مربوط به اجتماع اهل قلم است که دیدم بارهـا تکـرار شـده اسـت . هـم وزارت ارشاد و هم دیگران گفته اند . کار خوبی است . ما هم موافق هستیم که یک اجتماعی داشته باشـد . تفاهم و تبـادل نظـر کننـد . البتـه نـه از ایـن معـاندین . این‌هـا کسانی هسـتند کـه اگـر چنانچـه در ایـن گونـه اجتماعـات هـم وارد بشـوند ، افسـاد می کنند. چون مورد اعتماد نیستند . سابقه و لاحقه ایـن هـا و حـال و گذشـته شـان ، حاکی از چیزی نیست که انسان بتواند بـه آن اعتمـاد بکنـد . کسـانی کـه بـرای ایـن مردم، برای این کشور و فرهنگ این کشور واقعاً دل می‌سوزانند و کار مطبوعـاتی را حقیقتاً از روی علاقه و عشق و احساس مسؤلیت انجام می‌دهنـد ، خـوب اسـت کـه اجتماع داشته باشند وزارت ارشاد هم کمک و حمایت کند کاری بکند کـه بتواننـد این کار را به سهولت انجام بدهند . ما با این کار موافقیم .

من بار دیگر از برادران و خواهران عزیز تشکر میکنم . لطف کردید تشریف آوردید . امیدواریم انشاءالله در کارتان موفق باشید. کار بزرگـی اسـت و مشـمول توجهـات حضرت ولی عصر ارواحنافداءباشید و بتوانید با این مردمی که حقیقتاً مستحق و لایق خدمت اند، بیش از پیش خدمت کنید .[1]

---

[1] ـــ نقل از : فصلنامهٔ هنر ـ شماره ۳۰زمستان ٧٤ ـ بهـار ٧٥ ـ صفحـات ۹ تـا ۲۰ مرکـز مطالعات و تحقیقـات هـنری ـ معاونت امور هنری ـ وزارت ارشاد اسلامی

بخش اول:

«جراید و مطبوعات مهم منتشره در ایران»

از ۱۲۱۱ تا ۱۳۳۵ شمسی

(مطابق ۱۲۵۳ تا ۱۳۷۷ قمری ـ ۱۸۳۱ تا ۱۹۵۹ میلادی)

«بر حسب حکم شاهنشاهی، کاغذ اخباری مشتمل بـر اخـبار شـرقیه و غـربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد، هر آنچه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورث آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بـود، ماهی یکمرتبه در دارالطباعه ثبت و به همهٔ ممالک انتشار خواهد نمود.»

این خبر در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۲۵۲ هجری قمری (اواخر سـال ۱۲۱۰ شـمسی)، حدود چهار ماه قبل از انتشار «روزنامهٔ کاغذ اخبار» بصورت اطلاعیه‌ای به آگـاهی مردم ایران رسید، چهار ماه بعد یعنی ۲۵ محرم ۱۲۵۳ هجری قمری مقارن با چهارمین سال سلطنت محمد شاه قاجار، اولین شماره روزنامهٔ کاغذ اخبار که در واقع اولین نشریه در تاریخ مطبوعات ایران بود، در دو ورق بزرگ (به قطع ۲۴×۴۰ سانتی متر) انتشار یافت که در یک طرف آن مطالب با خطی خوانا و ریز و فشرده چاپ می‌شد و طرف دیگر آن سفید باقی می‌ماند.

انتشار اولین نشریه در تاریخ مطبوعات ایران طلیعه‌ای بود در جهت ایجاد تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران که بتدریج و در گذر زمان نهایتاً جاده صـاف کـن انتشار نشریات عدیده‌ای شد که در جهت تنویر اندیشه‌ها، انعکاس وقایع تلخ و شیرین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نیز مبارزه با جمود و تحجر فکری، مبارزه با خود خواهان و انحصار طلبان و مستبدین و خودکامگان نقش بسـیار مـهمی را ایـفاء نـمودند، و در ایـن راه بسـیاری از خـبرنگاران، روزنـامه‌نگاران و مـدیران مسـئول روزنامه‌ها، تحمل زجر و شکنجه و تهدید و نهایتاً شهادت را مردانه بجان خریدند.

در این بخش اسامی نشریات منتشر شده از کاغذ اخبار تا سال ۱۳۳۵ را با هم مرور می‌کنیم، بدیهی است بعلت عدم دسترسی به اسامی تمامی نشریات منتشره (۱۲۱۱ تا ۱۳۳۵ شمسی) از قلم افتادگی اسامی تعدادی از نشریات در لیست زیر طبیعی می‌نمایاند.

ردیف	نام روزنامه‌یامجله	سال انتشار	صاحب امتیاز ـ مدیر مسئول	محل انتشار
۱	آئین	۱۳۲۳ ش	محمد تقی مقتدری	تهران
۲	آئین اسلام	۱۳۲۳ ش	نصرت الله نوریانی	تهران
۳	آئین دانشجویان	۱۳۲۴ ش	رحیم متقی ایروانی ـ اردوباری	تهران
۴	آئینه شرق و مدیران	۱۳۲۶ ش	اشرف احمدی	تهران
۵	آئینهٔ فارسی	۱۳۲۴ ش	کاظم پزشکی	—
۶	آب و خاک	۱۳۲۱ ش	دکتر تقی بهرامی	تهران
۷	آبیدر	۱۳۳۴ ش	عبدالحمید فریدونی	سنندج
۸	آتش	۱۳۲۵ ش	سید مهدی میراشرافی	تهران
۹	آتشبار	۱۳۲۳ ش	ایرج زندپور	اصفهان
۱۰	آرش	۱۳۲۳ ش	وزارت جنگ	تهران
۱۱	آرزو	۱۳۲۳ ش	اسدالله میرسپاهی	تهران
۱۲	آرشیتکت	۱۳۲۵ ش	ایرج مشیری	تهران

۱۳	آرمان ملی	۱۳۲۳ ش	ابوالقاسم ارباب زاده	تهران
۱۴	آرونگ	۱۳۲۵ ش	تقی مرتضوی	همدان
۱۵	آریا	۱۳۲۶ ش	محمد علی محمدیان	کرمانشاه
۱۶	آریان	۱۳۲۴ ش	ذبیح‌الله قدیمی	تهران
۱۷	آرارات	۱۳۰۸ ش	ناصر توانا	سنندج
۱۸	آرمان غرب	۱۳۲۰ ش	مظفر اقبال پور	سنندج
۱۹	آریز	۱۳۳۰ ش	میر موسی مشیری	سنندج
۲۰	آرین	۱۳۳۱ ش	میر موسی مشیری	تهران
۲۱	آزادگان	۱۳۲۰ ش	ستاره اردلان	تهران
۲۲	آذربایجان	۱۳۲۱ ش	علی شبستری	تبریز
۲۳	آذربایجان	۱۳۲۲ ش	دکتر ابراهیم بزرگ	تهران
۲۴	آزاد	۱۳۴۲ ق	عبدالقدیر آزاد	تهران
۲۵	آزاد	۱۳۲۱ ش	عبدالقدیر آزاد	تهران
۲۶	آزاد نامه‌ها	۱۳۲۵ ش	اسمعیل خلیلی	تهران
۲۷	آزادگان	۱۳۴۴ ق	عبدالله عزت‌پور	تهران
۲۸	آزادی	۱۳۴۵ ق	علی اکبر گلشن آزادی	مشهد
۲۹	آزادی خلق	۱۳۲۶ ش	عادل خلعتبری	تهران
۳۰	آزادی شرق	۱۳۲۶ ش	عبدالله رازی	تهران

۳۱	آزادی عقیده	۱۳۲۶ ش	منیر شاه بیاتی	تهران
۳۲	آژیر	۱۳۲۲ ش	جعفر پیشه وری	تبریز
۳۳	آغاز	۱۳۲۵ ش	علی محمد عامری	تهران
۳۴	آفتاب	۱۳۲۳ ش	دانش نوبخت	تهران
۳۵	آفتاب	۱۳۲۵ ش	سید مجتبی فاطمی	تهران
۳۶	آفتاب تابان	۱۳۰۸ ش	حاجی بنانی مدنی	تهران یا رشت
۳۷	آفتاب تابان	۱۳۲۱ ش	رهسپر	تهران
۳۸	آفتاب شرق	۱۳۰۲ ش	سید علی آموزگار	مشهد
۳۹	آفتاب شرق	۱۳۲۵		مشهد
۴۰	آموزش و پرورش	۱۳۰۴ ش	وزارت فرهنگ	تهران
۴۱	آموزش و پرورش	۱۳۱۹ ش	دکتر لطفعلی صورتگر	تهران
۴۲	آموزش و پرورش	۱۳۲۳ ش	حبیب یغمائی	تهران
۴۳	آموزش و پرورش	۱۳۲۶ ش	محسن شاملو	تهران
۴۴	آهن	۱۳۲۳ ش	مهدی قائنی	تهران
۴۵	آهنگر	۱۳۲۵ ش	سید مرتضی راوندی	اصفهان
۴۶	آینده	۱۳۰۴ ش	دکتر محمود افشار	تهران
۴۷	آینده	۱۳۲۳ ش	دکتر محمود افشار	تهران
۴۸	آینده ایران	۱۳۲۰ ش	عبدالرحمن فرامرزی	تهران

۴۹	آیندهٔ بشر	۱۳۲۵ ش	نصرت‌الله شاهروان	تهران
۵۰	آیندهٔ میهن	۱۳۲۱ ش	عادل خلعت بری	تهران
۵۱	آلک (موج)	۱۳۰۹ ش	دکتر وارطان هوانسیان	تهران
۵۲	آرولک (شرق)	۱۳۲۳ ش	به زبان ارمنی	تبریز
۵۳	آروسیق (ونوس)	۱۳۱۳ ش	نازاریان (بزبان ارمنی)	تهران
۵۴	آئینه	۱۳۲۹ ق	مرتضی شعاع السادات	شیراز
۵۵	آئینه	۱۳۰۵ ق	حسنعلی خان حکمت	شیراز
۵۶	آئینه افکار	۱۳۰۲	—	تهران
۵۷	آئینهٔ افکار	۱۳۰۴	—	تهران
۵۸	آئینهٔ ایران	۱۳۰۸ ش	امیر جلیلی	تهران
۵۹	آئینهٔ جنوب	۱۳۰۴ ش	جلال الدین حسینی	کرمان
۶۰	آئین خلقت	۱۳۴۲ ق	منکوقاآن ذوالخبر	تهران
۶۱	آئینه شمال	۱۳۰۵ ش	علی اصغرجلیلی مژده	رشت
۶۲	آئینهٔ عرفان	۱۳۱۳ ش	وزارت فرهنگ افغان	کابل
۶۳	آئینهٔ غیب نما	۱۲۸۶ ش	ملک المؤرخین	تهران
۶۴	آئینهٔ غیب نما	۱۳۲۵ ق	سید عبدالرحیم کاشانی	تهران
۶۵	آئین ورزش	۱۳۱۴ ش	سید محمد خان شعاع	تهران
۶۶	ابلاغ	۱۳۰۳ ش	میرزا علی آقا ابلاغ	شیراز

۶۷	ابلاغ	۱۳۰۶ش	—	تهران
۶۸	ابلاغ	۱۳۱۲ ش	—	ارومیه
۶۹	ابلاغ	۱۳۲۴ ق	محمود اسکندانی	تبریز
۷۰	اتحاد	۱۳۲۴ ق	میرزا احمد	تبریز
۷۱	اتحاد	۱۳۲۵ ق	معتمد الاسلام رشتی	تهران
۷۲	اتحاد	۱۳۰۴ ش	سید کاظم اتحاد	تهران
۷۳	اتحاد	۱۳۲۲ ش	سید کاظم اتحاد	تهران
۷۴	اتحاد ملی	۱۳۲۲ ش	سید محمد هاشمی	تهران
۷۵	اتفاقات	۱۳۲۲ ش	علی منیری همدانی	تهران
۷۶	اخبار	۱۳۲۲ ش	حسینقلی مستعان	تهران
۷۷	اخبار ایران	۱۳۲۵ ش	محمد مشایخی	تهران
۷۸	اخبار تازهٔ روز	۱۳۲۰ ش	(ارگان ارتش اشغالگر شوروی)	مشهد
۷۹	اخبار روز	۱۳۲۱ ش	توسط دولت	تهران
۸۰	اختر	۱۳۲۲ ش	محمد علی خلیلی	تهران
۸۱	اختر شمال	۱۳۲۲	سید باقر کروبی	تبریز
۸۲	إخگر	۱۳۰۷ ش	امیر قلی امینی	اصفهان
۸۳	اخگر	۱۳۲۴ ش	سرهنگ احمد اخگر	تهران
۸۴	ادیب	۱۳۲۵ ش	سید اسمعیل یمنی	تهران

نمره ۱ سال بیست و یکم ۱

(مطبعه و اداره‌خانهٔ اختر)

اسلامبول خان والده در دائرهٔ مخصوصه است کارهای متعلق باداره باقا محمد طاهر راجع است

اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک گاهی در صفحهٔ آخرین نگاشته می‌شود

سه‌شنبه ٦ محرم ۱۳۱٦
۲۸ حزیران مطابق رومی سنه ۱۳۰۹
۱۰ ژوئیه مطابق فرنگی سنه ۸۹٤

اختر

۱۲۹۲

L'AKHTER

(نمره بدلات سالیانه)

در سعادت ٤ مجیدی سیم
دیگر ممالک محروسهٔ عثمانیه ٥ مجیدی
ممالک محروسهٔ ایران ۲۰ قران
ممالک هندوستان و بنادر ۱۲ روپیه
ممالک روس و قفقاز ۱۰ منات
ممالک اروپ ۲۵ فرانک
یک نسخه ٦۰ پاره است
اجرت پوست همه جا بعهدهٔ اداره است.

ملکی اول حاجی میرزا مهدی تبریزی است

(در این روزنامه از هرگونه وقایع و اخبار و سیاسیات و پولیتیک و مواد ادب و دیگر منافع عمومی سخن گفته میشود. هفتهٔ یکبار مطبع)
(میگردد اوراق و نوشتهای سود مندرا بنشان میپذیریم • در نوشتن کاغذهایی که از خارج میرسد اداره مختار است• کاغذی را که)
(نوشته نمی شود صاحبش حق استرداد آنرا ندارد کاغذ هاییکه پول پوست ندارد گرفته نمی شود •)

(فهرست مندرجات)

عرض مخصوص

سپاس خدای را که ما را توفیق کرامت فرمود بدیدن سال بیست و یکم انتشار این روزنامه که خادم حقیقی اسلامیت و انسانیت است .

بزرگان ملت را پوشیده نیست که از آغاز تأسیس این نامه از مقصود اصلی که خدمت بعالم اسلامیت و انسانیت است بقدر قوه انحراف نورزیده‌ایم و پیشرفت آن مقصود مقدس را بر همه چیزی مقدم داشته باوجود صدمات متوالیه بقدریکه مقدور بوده بحصول آن مقصود همت گماشته ایم . و این بارگران را در ظرف این مدت طولانی بتنهایی بدوش کشیده چون سایر روزنامها از هیچ طرفی وظیفه و معونتی نداشته‌ایم مگر معدودی از بزرگان ملت که گاهی باقتضای قدر شناسی و بلندی همت مبلغی اعانت فرموده اداره را مرهون منت خود داشته‌اند که تاحیات داریم انسانیت ایشانرا فراموش نکرده زبان از ثنایشان کوتاه نخواهیم داشت. از هموطنان محترم که در ممالک محروسهٔ عثمانی و خطهٔ وسیع هندوستان و مملکت قفقاز اقامت و تجارت دارند و از مشترکین روزنامه هستند نیز نهایت تشکر را داریم زیرا که این جوانمردان باقتضای بصیرتی که در وضع خارجه دارند بیش از دیگران از مراتب منافع روزنامه آگاهی حاصل نموده وجه روزنامه را مانند سایر ملل پیشکی میپردازند که در حقیقت پیشرفت امور اداره ما از این رهگذر است . بالعکس از مشترکین محترم ممالک محروسهٔ ایران در بعضی نقاط اداره یکساله بلکه هجده ماهه طلبکار است و سبب عمدهٔ این معنی نیز مسامحهٔ وکلای محترم است وگرنه مشترکین گرامی باور نداریم که در ادای این مبلغ جزئی تا این پایه ایستادگی نمایند . زیرا که میدانند بسبب تنزل

۸۵	اراده فارس	۱۳۲۵ ش	اسدالله خاوری	شیراز
۸۶	اراک، نامه	۱۳۱۲ ش	سید باقر موسوی	تهران
۸۷	ارس	۱۳۲۴ ش	اسدالله طباطبائی دیبا	—
۸۸	ارغوان	۱۳۲۵ ش	احمد قربانی	تهران
۸۹	اردلان	۱۳۲۰ ش	هوشنگ اردلان	تهران
۹۰	اصفهان	۱۳۲۰ ش	امیر قلی امینی	اصفهان
۹۱	افق	۱۳۲۲ ش	سید جعفر آزمایش	تهران
۹۲	افق آسیا	۱۳۲۴ ش	دکتر اسدالله زاهدی	تهران
۹۳	افکار ایران	۱۳۲۲ ش	عطاالله خسروانی	تهران
۹۴	افکار خلق	۱۳۲۰ ش	(منطقه تحت‌اشغال شوروی)	—
۹۵	اقیانوس	۱۳۲۲ ش	تراب بصیری	شیراز
۹۶	الفباء	۱۳۲۴ ش	رحیم صرافی	تهران
۹۷	اتحاد	۱۳۲۶ ق	محمد علی خان تربیت	تبریز
۹۸	اتحاد	۱۳۲۸ ق	—	یزد
۹۹	اتحاد	۱۲۹۳ ش	شیخ موسی	همدان
۱۰۰	اتحاد	۱۳۰۰ ش	سید کاظم خان سرکشیک زاده	تهران
۱۰۱	اتحاد	۱۳۱۰ ش	برهان الدین	افغان
۱۰۲	اتحاد اخوت	۱۳۰۴ ش	میرزا حسین خان اخوت	تهران

۱۰۳	اتحاد اسلام	۱۳۳۴ ق	حسین خان پرتو	شیراز
۱۰۴	اتحاد اسلام	۱۳۴۲ ق	شیخ حسین لنگرانی	تهران
۱۰۵	اتحاد شرق	۱۳۰۳ ش	——	تهران
۱۰۶	اتحاد مشرقی	۱۳۳۸ ق	برهان الدین صاحب	افغان
۱۰۷	اتحادیه سعادت	۱۳۲۵ ق	——	تهران
۱۰۸	آتش	۱۳۰۳ ش	——	تهران
۱۰۹	آتش فشان	۱۳۰۳ ش	میرزا علی آقا عزمی	شیراز
۱۱۰	آتشکده	۱۳۰۸ ش	——	خراسان
۱۱۱	اتفاق	۱۳۲۶ ق	حبیب الله عکاس باشی	اراک
۱۱۲	اتفاق	۱۲۸۹ ش	حاج ابراهیم افشار	رضائیه
۱۱۳	اتفاق	۱۳۲۹ ش	معصوم زاده ـ جمشید زاده	رشت
۱۱۴	اتفاق اسلام	۱۲۹۹ ش	سرور جویا	هرات
۱۱۵	اتفاق کارگران	۱۲۸۹ ش	شورای متحدهٔ طابعین	تهران
۱۱۶	آثار پرچم	۱۳۰۳ ش	محمد رضا احتشام	شیراز
۱۱۷	احتیاج	۱۳۱۶ ق	علی قلی صفراف	تبریز
۱۱۸	احشویروش	۱۳۴۰ ق	ابوالفضل غریب	تهران
۱۱۹	احیاء	۱۳۲۹ ق	ابوالحسن ذوالریاستین	شیراز
۱۲۰	اخبار	۱۳۳۴ ق	میرزا نصرالله خان شیرازی	کرمانشاد

۱۲۱	اخبار	۱۳۰۶ ش	—	تهران
۱۲۲	اخبار امروز	۱۳۲۹ ق	—	تهران
۱۲۳	اخبار دارالسلطنه آذربایجان	۱۲۷۵ ق	—	تبریز
۱۲۴	اخبار ایرانی	۱۲۱۲ق	—	دهلی
۱۲۵	اختر	۱۲۹۱	محمد طاهر تبریزی	استانبول
۱۲۶	اختر دانش	۱۲۹۷	میرزا محمد خان طهماسبی	تهران
۱۲۷	اختر شرق	۱۳۰۳ ش	محمد رضا خان خاتمی مهین الملک	—
۱۲۸	اختر شمال	۱۳۰۶ ش	سید باقر کروبی	تبریز
۱۲۹	اختر مسعود	۱۳۳۸ ق	عبدالوهاب گلشن ایرانپور	اصفهان
۱۳۰	اخگر	۱۲۹۹ ش	فتح‌الله خان وزیرزاده	اصفهان
۱۳۱	اخلاق	۱۲۹۳ ش	فرخ الدین پارسای	تهران
۱۳۲	اخلاق	۱۲۹۹ ش	—	خراسان
۱۳۳	اخوت	۱۳۲۴ ق	احمد بصیرت	تبریز
۱۳۴	اخوت	۱۳۲۸ ق	مؤید	رشت
۱۳۵	اخوت	۱۳۲۸ ق	محمد تقی یزدی	بغداد
۱۳۶	اخوت	۱۳۰۷ ش	عبدالله مستشار علی نعمتی	کرمانشاه
۱۳۷	اخوت شیراز	۱۳۲۶ ق	عبدالکریم معروف علی	شیراز
۱۳۸	ادب	۱۳۱۶ ق	ادیب الممالک	تبریز ـ مشهد

نمره پانزده و شانزده — سال اول — صفحه

تاریخ روز چهارشنبه ۲۷ شهر ذی القعده ۱۳۱۶
(اداره روزنامه ادب)
مدیر کل میرزا صادق خان ادیب الممالک
(پشت دست خانه ...)
این روزنامه ماهی سه مرتبه طبع میشود و مندرجاتش
منحصر است بمطالب علمیه و سیاسیه و اخبار

ادب ۱۶
مطابق ۲۲ مارس ...

وجه اشتراک روزنامه ادب
در تبریز سالیانه یکتومان و دو هزار
و پانصد دینار قران ... و در سایر
بلاد ... دولت علیه و خارجه
معادل یکتومان و ششهزار قران ...
پست همه جا بعهده اداره است

... از مقالات علمیه و غیره هر کس ... فرستد می پذیریم ...

(محل توزیع دار السلطنه تبریز) (قیمت اعلانات سطری ... شاهی است) (خانه مدیر محله ششگلان)



(بقراط) حکیم موحد که چهارصد سال قبل از میلاد
حضرت مسیح بوده

روزنامه ادب ـ ۱۳۱۶ قمری ـ تبریز

۱۳۹	ادب	۱۳۳۷ ق	احمد خان روحی	کرمان
۱۴۰	ادب	۱۳۳۸ ق	محصلین مدرسهٔ متوسطه	تبریز
۱۴۱	ادبی	۱۳۳۶ ق	سعدالممالک مافی	تهران
۱۴۲	ادبی	۱۳۱۲ ش	ـــ	تبریز
۱۴۳	آدمیت	۱۳۲۵ ق	عبدالمطلب یزدی	تهران
۱۴۴	آدمیت	۱۳۰۵ ش	رکن زاده آدمیت	شیراز
۱۴۵	آذر	۱۳۰۱ ش	ـــ	تهران
۱۴۶	آذر	۱۳۲۴ ش	نشریه حزب دموکرات آذربایجان	زنجان
۱۴۷	آذر	۱۳۴۱ ق	زین‌العابدین فروزش	تهران
۱۴۸	آذر	۱۳۴۳ ق	دکتر علی‌اکبر پیشوا	تبریز
۱۴۹	آذر آبادگان	۱۳۴۳ ق	دکتر علی‌اکبر پیشوا	تبریز
۱۵۰	آذربایجان	۱۲۷۵ ق	ـــ	تبریز
۱۵۱	آذربایجان	۱۳۲۴ ق	علیقلی مدیر احتیاج	تبریز
۱۵۲	آذربایجان	۱۳۳۷ ق	محسن	تبریز
۱۵۳	آراود (صبح)	۱۳۲۷ ق	یوسف (به زبان ارمنی)	تبریز ـ تهران
۱۵۴	آذربایجان دموکرات	۱۳۲۵ ش	ارگان حزب دموکرات آذربایجان (ترکی)	تبریز
۱۵۵	ارتقاء	۱۳۰۲ ش	ـــ	تهران
۱۵۶	اردوی همایون	۱۳۰۰ ق	اعتماد السلطنه	تهران

	(مرآت‌السفر و مشکوة‌الحضر)			
۱۵۷	اردیبهشت	۱۳۰۹ ش	—	خراسان
۱۵۸	اردیبهشت	۱۳۲۷ ق	علی اصغر حریری	تبریز
۱۵۹	ارژنگ	۱۳۰۴ ش	عبدالله وزیرزاده	اصفهان
۱۶۰	ارژنگ	۱۳۲۰ ش	عبدالله وزیرزاده	اصفهان
۱۶۱	ارشاد	۱۳۲۳ق	ادیب الممالک	بادکوبه
۱۶۲	ارشاد	۱۲۸۳ ش	جواد تبریزی	تهران
۱۶۳	ارشالوس	۱۲۹۱ ش	(به زبان ارمنی)	تهران
۱۶۴	ارغنون	۱۳۰۴ ش	میرزا عباس خان کاظم زادهٔ فرات	تهران
۱۶۵	آرمان	۱۳۰۹ ش	دکتر شیراز پور پرتو	تهران
۱۶۶	ارمغان	۱۲۹۸ ش	وحید دستگردی	تهران
۱۶۷	اروسباک	۱۳۱۳ ش	(به زبان ارمنی)	تهران
۱۶۸	ارومی اورتودوکسانا	۱۹۰۷ م	(به زبان کلدانی)	رضائیه
۱۶۹	ارومیه	۱۳۲۴ ش	حزب دموکرات (زبان ترکی)	ارومیه
۱۷۰	آریا	۱۳۱۹ ش	احمد زاده دهقان	تبریز
۱۷۱	آریا	۱۳۲۵ ش	محمد علی محمدیان	کرمانشاه
۱۷۲	آرین	۱۳۳۳ ق	روحی - پرتو	شیراز
۱۷۳	آرین	۱۳۰۴ ش	سید عبدالحمید تقوی	تهران

۱۷۴	آزاد ملت	۱۳۲۴ ش	انجمن ملی آذربایجان (بزبان ترکی)	تبریز
۱۷۵	آزاد	۱۳۰۲ ق	—	دهلی
۱۷۶	آزاد	۱۳۱۷ ق	مؤیدالاسلام و سید حسن کاشانی	کلکته
۱۷۷	آزاد	۱۳۲۴ ق	میرزا رضا خان تربیت	تبریز
۱۷۸	آزاد	۱۳۲۷ ق	ملک المؤرخین	تهران
۱۷۹	آزاد	۱۳۴۰ ق	ابوالقاسم مراغه	تبریز
۱۸۰	آزاد	۱۳۰۲ ش	عبدالقدیر سبزواری	مشهد
۱۸۱	آزادی	۱۳۲۷ ق	حسن ناجی قاسم‌زاده	اسلامبول
۱۸۲	آزادی	—	—	تهران
۱۸۳	آزادی	۱۳۴۱ ق	محمود آزاد	تهران
۱۸۴	آزادی	۱۳۰۴ ش	گلشن آزادی	مشهد
۱۸۵	آزادی چه چیز است	۱۳۲۶	—	تهران
۱۸۶	آزادی دهقان	—	—	—
۱۸۷	آزادی شرق	۱۳۴۳ ق	سیف آزاد	برلن و تهران
۱۸۸	آزادیستان	۱۳۳۸ ق	تقی رفعت	تبریز
۱۸۹	ازدارار	۱۹۰۴ م	(به زبان ارمنی)	تبریز
۱۹۰	آسایش	۱۳۳۸ ق	حاج ابوالقاسم آزاد مراغه	تهران
۱۹۱	آسایش	۱۳۴۲ ق	سالار ظفر	تبریز

۱۹۲	آسایش	۱۳۰۴ ش	زین العابدین قیامی	تبریز
۱۹۳	آستانه رضوی	۱۳۴۱ ق	مؤید الوازة خراسانی	تهران
۱۹۴	آسیای وسطی	۱۳۱۲ ش	ک . یقکیان	تهران
۱۹۵	استبداد	۱۳۲۵ ق	انجمن‌های سری	تهران
۱۹۶	استخر	۱۲۹۷ ش	محمد حسین استخر	شیراز
۱۹۷	استقامت	۱۳۴۰ ق	لسان الملک	تهران
۱۹۸	استقامت	۱۳۰۳ ش	اسدالله میرزائی تبریزی	تهران
۱۹۹	استقلال	۱۳۲۷ ق	میرزا آقا نالهٔ ملت	تبریز
۲۰۰	استقلال	۱۳۲۵ ش	علی منیری	تهران
۲۰۱	استقلال	۱۳۰۹ ش	—	تهران
۲۰۲	استقلال ایران	۱۳۲۸ ق	دکتر حسین خان کحال	تهران
۲۰۳	استقلال وطن	۱۳۰۴ ش	ابوالقاسم خان کحال زاده	تهران
۲۰۴	استقة اروليان	۱۳۱۰ ق	(به زبان ارمنی)	تهران
۲۰۵	استوار	۱۳۱۴ ش	ابوالفضل طهماسبی	قم
۲۰۶	اسرارالانصار	۱۳۲۹ ق	حاج حسن خان انصاری	اصفهان
۲۰۷	اسرار جلالی	۱۲۹۹ ش	—	همدان
۲۰۸	اسلام	۱۳۲۰ ق	سید محمد علی داعی الاسلام	اصفهان
۲۰۹	اسلام	۱۳۰۵ ش	میرزا علی کازرونی	شیراز

نمره صفحه

تبریز
اداره استقلال
۱۹ جمادی الآخر ۱۳۲۷

استقلال

عجالتاً ماهی چهار مرتبه چاپ و ابونه داده میشود

قیمت
تك نمره تبریز ۳ شاهی
ممالك داخله ۳ شاهی
ممالك خارجه ۴ شاهی

ترجمهٔ راپورت لیاخوف

بمقام ریاست حربیهٔ قفقازیه مدیر ارکان حرب

محرمانه . . . . راپورت نمره (۵۹)

جناب جلالتمآبا در بیست ششم مه (روسی) هشتم ژوئن فرنگی اعلیحضرت مرا با ترجمان اول سفارت بباغ شاه دعوت کرد و با [illegible] دوستانه موافقت خود را بتکلیف سابق ما که پیش عرض کردم بشرط ندیدی که تخلیص گریبان از اعتراض دول اروپ [illegible] کردن حکومت مشروطه باستبداد قدیمی ممکن باشد بیان کرد و ضمناً موافقت خود که خواهش این است که هرقدر ممکن است خونریزی کمتر باشد ولی من باین خواهش او جسارت کرده در جواب گفتم که خونریزی در این جنگ مجبوری و ضروری است . . . . . .

چون از باغ شاه برگشتیم من و ترجمان مذکور همان شب در سفارت ترتیبی بجهة معامله اینده با آشیانهٔ دزدان کرد این [illegible] عظیم پارلمنت نامیده میشود معین نمودیم در این ترتیب یک اساس است از برای اجرای کارهای آتیه اول قرار یکه داده شد این بود که تا دم آخر باید مجلس و طرفداران او را بکلی غافل کرده و بسفارت نیز نباید گذاشت چیزی معلوم شود تا یك دفعه کار را بمخالفت کشانده و با استعمال قوه مرتبهٔ عسکریه آشیانه دزدان و رشوه خواران را خراب و حامیان انرا که مقاومت و حمایت کنند بکشیم و انها را هم که زنده ماندند در عدلیه محکوم و با جزا آنها بسیار سخت مجازات دهیم . . . .

چون حال تمام مامورین و شاه دردستست که همیشه در هر کاری اعم از اینکه خوب باشد یا بد مساعده و عیب جوئی کرده و باین جهته که معین کرده ایم قبول شد از طرف شاه بمجرد من آزادی تامه داده شود در اجرای کار چنانچه مجبور باشم که امر احدی را در این کار قبول کنم ولو از هر که صادر شده باشد تا اینکه کار بکلی تمام شود اگرچه از اوامر سابق و تعلیماتیکه جناب جلالتمآبعالی داده اید موقع و حدود قوت بنده کاملاً معلوم است ولی باز جسارت کرده استدعا میکنم که حدود دات مداخلهٔ بنده را در این کار که در دست دارم غیر از خدمات تشریح کرده موقع بکار خواهم برد معین فرمایید و قتیکه ترتیبات کار را که معین کرده ایم از طرف سفیر و شاه تصدیق شد صورت او را بدون تاخیر بجناب جلالتمآبعالی میفرستم منتظر اوامر عالی نهم مه (روسی) (نهم ژوئن فرنگی)

۱۹۰۸ طهران (کولونل . لیاخوف)

(ایضاً راپورت ثالثه)

بمقام ریاست حربیه

قفقاز مدیر ارکان حربیه

محرمانه . . . راپورت نمره (۶۰)

جناب جلالتمآبا ترتیباتی را که از طرف بنده و ترجمان اول سفارت معین شده بود بعد از انکه سفیر با پترسبورغ مخابره کرد و از پترسبورغ هم با تبدیلات خیلی مختصر تقریباً بدون اینکه اعتراض بکنند صلاح دیدند قبول کرد اما شاه مانند یك ابرلهٔ تردد بسیار کرد میترسید از اینکه خونریزی خواهد شد بنا کرد ببعضی تصورات بیجا کردن یعنی صلح وغیره چون این را دیدیم مجبور شدیم که وسیلهٔ قطعی و آخری خود را بکار بریم گفتیم که این ترتیبات از طرف دولت روسیه قبول و بهترین ترتیبات برای حال حاضر ملاحظه شده است

۲۱۰	اسلامی	۱۳۴۱ ق	(ع . م)	تهران
۲۱۱	اسلامیه	۱۳۳۰ ق	ابوالقاسم ضیاء العلماء	تبریز
۲۱۲	اسلامیه	۱۳۲۴ ق	احمد بصیرت	تبریز
۲۱۳	آسمان	۱۳۴۲ ق	محمود عرفان	تهران
۲۱۴	آسیا	۱۲۹۹ش	—	تهران
۲۱۵	آسیا	۱۳۴۱ ق	اسدالله فروهر	تهران
۲۱۶	آسیا مرکزی	۱۳۰۱ ش	(اس .ف)	تهران
۲۱۷	آسیای وسطی	۱۳۴۱ ق	رحیم‌زاده. ف صفوی	تهران
۲۱۸	اشراق	۱۳۲۶ ق	—	تهران
۲۱۹	آشفته	۱۳۰۸ ش	—	خراسان
۲۲۰	اشک دهقان	۱۳۲۰ ش	حسنعلی آزموده اردلان	ساوه
۲۲۱	اصفهان	۱۳۲۵ ق	اعتلاء الدوله	اصفهان
۲۲۲	اصلاح	۱۳۲۶ ق	دکتر جلیل مؤید الحکما	پاریس
۲۲۳	اصلاح	۱۳۲۹ ق	محمد رضا بوشهری	بمبئی و تهران
۲۲۴	اصلاح	۱۳۲۹ ق	ع ـ ح زاده خوئی	خوی
۲۲۵	اصول تعلیم	۱۳۳۸ ق	وزارت فرهنگ	تهران
۲۲۶	اصول تعلیمات	۱۲۹۸ ش	وزارت فرهنگ	تهران
۲۲۷	اطاق تجارت	۱۳۰۸ ش	عباس مسعودی	تهران

اطلاع

ای اهل آذربایجان و سایر نقاط ایران ای مسلمانان غیور اسلام که در روی کره زمین زندگانی
میکنید وای علمای اعلام که لوای شریعت را برداشته اید وای سادات ذوالعز والاحترام که خون
های پاک شما در دست طبیعی مذهبان ریخته میشود وای تجار وای اعیان وای اصناف وای کسبه
مگر شما مسلمان نیستید و چشم از شفاعت حضرت ختمی مرتبت صلعم پوشیده اید مگر شما نمیگفتید که آرزو
میکردید کاشکی در میدان کربلا بودیم و جان خودمان را فدای وجود مقدس حضرت سید الشهداء علیه
السلام میکردیم مگر نمیدیدید که لامذهبان و اشخاص بحقیقت بی وجدان بدون جهة و سبب بحکم یک نفر
دیوانهٔ احمق و به تحریک طبیعی مذهبان خوش خط و خال دو روز تمام محلات مسلمانانرا که غالب آنها
ذریهٔ حضرت پیغمبر صلعم بود بقعه های متبرکه سید حمزه و سید ابراهیم و صاحب الامر را که در محلهٔ
سرخاب و شتربان واقع شده با تفنگهای پنج تیر مثل تگرگ میباریدند در روز رستخیز چه جواب خواهید
داد خواهید گفت آنها هم میانداختند مگر از قانون شریعت اطلاع ندارید حضرات ثولکین که اسم
خودشانرا قفقازی گذاشته با الواط و اشرار هم دست شده بحکم علی مسیو لامذهب و میرزا محمد
علیخان تربیت بمحلهٔ سرخاب و شتربان یورش آورده مسلمانانرا هدف گلوله میانداختند هشت
نفر از سادات و سی نفر سنی و زن از مسلمانان فقرا و ضعفا مقتول و تقریباً صد نفر زخمدار
مشرف بموت اند حالا شما نشسته در خانهٔ خودتان استراحت کنید و بگوئید ما مسلمان هستیم و منتظر باشید
که در آخرت بشما شفاعت خواهد کرد مخصوصاً بعموم اهالی ایران اعلان میداریم این چند نفر
ثولک که اسم شانرا قفقازی و مجاهد گذاشته بشما معرفی نمائیم این اشخاص قفقازی نیستند
اهل آذربایجانند سابقاً این حضرات آدم کشته و دزدی کرده و جاکشی نموده و بعضی از آنها
مفعول واقع شده از ترس حکومت شرع و عرف فرار کرده به بلاد قفقاز رفته حالا مراجعت
کرده اند میخواهند نیات فاسدهٔ خودشانرا بخرج دهند والا اشخاص محترم وطن دوست
که در قفقازیه هستند و اهل قفقازند تماماً طالبان شریعت و خواهان عدالت و مشروطیت در
میان دول اجنبی حفظ ناموس و دین و آئین خودشانرا میکنند این چند نفر لامذهب که بملک
آذربایجان و سایر نقاط آمده و علی مسیو بیدین و میرزا محمد علی بی تربیت را مرکز غیبی قرار
داده اند و ناموس مسلمانان و اساس شریعت و ضد قانون مشروطیت اند خون اینها از خون
سگ بدتر است تعجب در اینجاست این بیوجدانها چقدر ما اهالی آذربایجانرا احمق گیر
آورده اند در اوایل ورود میگفتند ما شصت هزار هستیم و چه قدر بمب و نامت داریم

نمونه‌ای از شب‌نامه‌هائی که در سال ۱۳۲۶ هـ. ق توسط هواداران محمدعلیشاه در تبریز انتشار یافته است .

۲۲۸	اطاق تجارت ایران و آلمان	۱۳۱۵ ش	اتاق تجارت ایران و آلمان	برلین
۲۲۹	اطلاع	۱۲۹۸ ق	ادارهٔ انطباعات قاجار	تهران
۲۳۰	اطلاعات ایران	۱۳۲۲ ش	سید اسمعیل خلیلی	تهران
۲۳۱	اطلاعات	۱۳۳۲ ق	حسین خان	تهران
۲۳۲	اطلاعات	۱۳۰۴ ش	علی اکبر خان سلیمی	تهران
۲۳۳	اطلاعات هفتگی	۱۳۱۹ ش	عباس مسعودی	تهران
۲۳۴	اطلاعات	۱۳۰۵ ش	عباس مسعودی	تهران
۲۳۵	اطلاعات روزانه	۱۳۲۹ ق	مدیر الممالک هرندی	تهران
۲۳۶	اطلاعات مهمه	۱۳۲۹ ق	حسن الحسینی و رضا نوری	تهران
۲۳۷	اطلاعات یزد	—	—	یزد
۲۳۸	اطلاعات یومیه	۱۳۰۰ ش	سفارت شوروی	تهران
۲۳۹	آفاق	۱۳۲۷ ق	سید جواد بواناتی	شیراز
۲۴۰	آفاق	۱۳۰۵ ش	میرزا حسین خان	یزد
۲۴۱	آفتاب	۱۳۲۹ ق	میرزا محمود خان	اصفهان
۲۴۲	آفتاب	۱۳۳۰ ق	ح . عبدالوهاب زاده	تهران
۲۴۳	آفتاب تابان	۱۳۰۸ ش	بنان مدنی	تهران
۲۴۴	آفتاب شرق	۱۳۴۳ ق	علیرضا آموزگار	مشهد
۲۴۵	آفتاب شرق	۱۳۱۰ ش	مجد نوابی	کرمان

نعمتان مجهولتان الصحة و الامان

ای مسلمانان فرض نمائید در دنیا نعمتی بزرگتر از امنیت بالاتر نیست کسب دنیا و آخرت از امنیت
است ترویج شریعت با امنیت در اینصورت اگر عقل و شعور دارید و طالب آخرت و خواهان بهشت
هستید تحصیل امنیت نمائید در میان مخلوقات از طبقه حیوانات کمتر عنوان شد اگر چه ما گوسفند در چراگاهی
مشغول چرا شوند مادامیکه امنیت ندارند چرا کردن غیر ممکن است لابد از ترس گرگ محتاج یک شبان هستند
آخر ما با انسانیم و از حیوانات کمتر نیستیم سبحان الله شهر اسلام با این بزرگی امنیت چنان سلب شده
و مروت چنان از میان رفته [illegible] دزدی طبیعی(؟) از لانه هایشان بظهور آمده هر که را بخواهند میکشند
و هر که را بخواهند روز روشن در میان مردم لخت میکنند و از محرمات شرع هر چه دلشان بخواهد
فوراً انجام میدهند و در میان مسلمانان دین و مذهب اسلام را طعنه می زنند احکام اسلام را مسخر(؟)
مینمایند علما را توهین و از مملکت مألوف خارج میکنند و خودشان را [illegible] نمیدانند نه حاکم
شرع را اطاعت دارند و نه حاکم عرف را لاحول و لا قوة الا بالله کسی در شهر اسلام قادر بحفظ
ناموس و جان و مال خودش نیست ای اهل تبریز آیا شنیده اید که کافری در صدد کشتن هم دین
خود آمده باشد آخر ما مسلمانیم و کلمه طیبه در زبان میگوئیم مگر از جهة انّما المؤمنون اخوة با یکدیگر برادر نیستیم
پس در اینصورت این چه قتل نفس است این چه غارت این چه توپ کشیدن است این چه دسته بازی
و چه سبیل [illegible] اگر خود را مسئول نمیدانید و چنان میگوئید که این حرکات از عموم صادر نشده بلکه خیال
چند نفر لامذهب است قدری اشرار بر سر خود جمع کرده با اشرار اینگونه خلاف شرع میشوند جواب دارم از اینکه
که با اسم مشروطیت در مملکت ما گسترده شده هر خون ناحق ریخته اند و هر اموال که بغارت برده اند و هر قدر زنها
که از ترس مرده و چه قدرها اطفال سقط شده و آن سیدها که بی گناه کشته شده شما اهل تبریز از عموم
طبقات مسئول هستید زیرا که پیغمبر [illegible] در میان امت امر بمعروف و نهی از منکر را فروع دین قرار داده
چرا به تکلیف خودتان عمل نکردید و در دفع این لامذهبان نکوشیدید والله این کارها که با شما کشیده همه
از بی تعصبی مسلمانان بوده اگر فردا قیامت خداوند قهار شما را مقام انتقام کشد پیغمبر رحمت از شما سؤال
نماید و بگوید اسلامی که با اینقدر زحمات اساسش را محکم نمودم و [illegible] مرا شهید کردند و [illegible]
حسین را در راه اسلام و امت شهید نمودند که مذهب رواج گیرد و احکام اسلام در میان اهل اسلام
جاری شود عوض این زحمات اسم خود را مسلمان گذاشته اسلام مرا مفت بباد دادید چه جواب خواهید
گفت اگر بگوئید یا رسول الله ما قادر به نهی از منکر نبودیم دروغ گفته اید بعلت اینکه این
لامذهبان غیر از چند نفر [illegible] و علی مسیو(؟) [illegible] و میرزا محمد علیخان تربیت شرابخوار [illegible]
و [illegible] خلیل [illegible] که همه میشناسید و چند نفر الواط دیگر زیاده نیستند [illegible] اهل تبریز در مقابل اینها
از بیم گرگ در صحرا نشسته اید دفع اینها بر شما خیلی سهل است اینها همه بهانه است [illegible] و سایر
شیطانی است اگر یقین صادق باسلام دارید مثل اهل [illegible] زبان [illegible] و سایر [illegible]

نمونه‌ای از شب‌نامه‌هائی که در سال ۱۳۲٦ هـ. ق در تبریز منتشر شده است

۲۴۶	افسانه	—	غلامعلی سروش‌زاده	همدان
۲۴۷	افق ایران	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۲۴۸	افق روشن	۱۳۴۰ ق	آقا بزرگ کشوری	تهران
۲۴۹	افکار	۱۳۴۱ ق	یدالله تهرانی زاده	تهران
۲۵۰	افکار ستوده	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۲۵۱	افلاطون	۱۳۲۸ ق	(بصورت رنگی)	رشت
۲۵۲	افلاک	۱۳۰۲ ش	نجم‌الدین طباطبائی	—
۲۵۳	آقاقان	۱۹۱۲ م	(به زبان ارمنی)	تبریز
۲۵۴	اقبال	۱۳۱۶ ق	علیقلی خان صفراف	تبریز
۲۵۵	اقبال	۱۳۳۷ ق	آقا محمد باقر محیط	تهران
۲۵۶	اقتصاد	۱۳۲۲ ش	شجاع الدین بیات ماکو	تهران
۲۵۷	اقتصاد	۱۳۴۲ ق	اسدالله روح افزائی	تهران
۲۵۸	اقتصاد و بازرگانی	۱۳۲۰ ش	وزارت بازرگانی	تهران
۲۵۹	اقتصاد ایران	۱۳۳۸ ق	مستشارالممالک	تهران
۲۶۰	اقدام	۱۲۹۹ ش	عباس خلیلی	تهران
۲۶۱	اقدام	۱۳۲۱ ش	عباس خلیلی	تهران
۲۶۲	اقیانوس	۱۳۲۶ ق	سید فرج‌الله کاشانی	تهران
۲۶۳	اکباتان	۱۳۳۳ ق	ابوالقاسم سید الاطباء	همدان

۲۶۴	اکودوپرس	۱۳۰۲ ق	دکتر مورل (به فرانسه)	تهران
۲۶۵	آگاهی	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۲۶۶	آگاهی	۱۳۲۹ ق	محمد حسین سبزواری حشمت	تهران
۲۶۷	آگاهی	۱۳۳۳ ق	عبدالحسین آل داود	خراسان
۲۶۸	الادب	۱۳۳۶ ق	میرزا محمد	تهران
۲۶۹	الاسلام	۱۳۲۰ ق	محمد علی داعی الاسلام	اصفهان
۲۷۰	الاسلام	۱۳۲۱ ق	شیخ عبدالعلی مازندرانی	تهران
۲۷۱	الاسلام	۱۳۴۱ ق	شیخ محسن فقیه شیرازی	شیراز
۲۷۲	البدر المنیر	۱۲۹۷ ش	آقا سیدابوالفضل	بندرپهلوی(انزلی)
۲۷۳	البرز	۱۳۰۶ ش	شکرالله ـ کیهان	تهران و رشت
۲۷۴	البرز	۱۳۲۰ ش	شکرالله ـ کیهان	رشت
۲۷۵	الجناب	۱۳۲۴ ق	میر سیدعلی جناب	اصفهان
۲۷۶	الجمال	۱۳۲۵ ق	مواعظ آقا سید جمال	تهران
۲۷۷	الحدید	۱۳۱۵ ق	سید حسین عدالت	تبریز
۲۷۸	الحدید	۱۳۲۳ ق	سید محمد شبستری	تبریز
۲۷۹	الحق	۱۳۰۲ ش	شیخ محمد شریعت	تهران
۲۸۰	الدین و الحیوة	۱۳۴۹ ق	حاج میرزا علی مقدس	تبریز
۲۸۱	الغری (درة النجف)	۱۳۲۸ ق	آقا محمد محلاتی	نجف

۲۸۲	الفارس	۱۲۸۹ ق	میرزا تقی خان حکیم باشی	شیراز
۲۸۳	الفت	۱۳۲۵ ق	سید محمد همدانی (غمام)	همدان
۲۸۴	الکمال	۱۳۳۸ ق	آقا فضل‌الله آل داود	مشهد
۲۸۵	النجات	۱۲۹۹ش	—	تهران
۲۸۶	الوند	۱۳۲۶ ش	اکبر شریفی‌امین	تهران
۲۸۷	الوند	۱۳۰۴ ش	علی محمد آزاد ـ امین	همدان
۲۸۸	الیانس فرانسه	۱۲۹۸ ش	به زبان فرانسه	تهران
۲۸۹	الیک	۱۳۰۹ ش	دکتر وارطان هوانسیان	تهران
۲۹۰	آمال ملی	۱۳۰۴ ش	میرزا علی معمار طرفدار	تهران
۲۹۱	امان افغان	۱۳۳۸ ق	عبدالهادی	کابل
۲۹۲	امروز	۱۳۰۴ ش	مجدالدین علوی سبزواری	مشهد
۲۹۳	امروز ایران	۱۳۱۲ ش	—	تهران
۲۹۴	امروز و فردا	۱۳۲۲ ش	علی شاهد زاده گودرزی	تهران
۲۹۵	آموزش	۱۲۹۹ ش	—	رشت
۲۹۶	آموزش و پرورش	۱۳۰۴ ش	وزارت فرهنگ	تهران
۲۹۷	آموزگار	۱۳۲۶ ق	شیخ علی عراقی	تهران
۲۹۸	آموزگار	۱۳۲۹ ق	محمد تقی شیرازی	رشت
۲۹۹	آموزگار	۱۲۹۶	—	تهران

۳۰۰	امیر کبیر	۱۳۲۲ ش	دانش آموزان مدرسه دارالفنون	تهران
۳۰۱	امید	۱۳۲۴ ق	محصلین مدرسه لقمانیه	تبریز
۳۰۲	امید	۱۳۴۱ ق	سعید نفیسی	تهران
۳۰۳	امید	۱۳۲۰ ش	ابوالقاسم امینی	تهران
۳۰۴	امید	۱۳۰۸ ش	ابوالقاسم اردلان	تهران
۳۰۵	امواج	۱۳۲۴ ش	مصطفی جابری	تهران
۳۰۶	امید اسلام	۱۳۰۶ ش	غلامحسین خان‌ضرابی	رشت
۳۰۷	امید ترقی	۱۳۲۹ ق	—	رشت
۳۰۸	انادیلی	۱۲۸۷ ش	سید حسین عدالت	تبریز
۳۰۹	انتباه ـ انتقام	۱۳۳۳ق	میراز علی آقا شیرازی	کربلا
۳۱۰	انتقاد	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۳۱۱	انتقام	—	میرزاعلی آقالبیب الملک	کربلا
۳۱۲	انتقام	۱۳۳۴ ق	محمدحسین ناصرالاسلام	شیراز
۳۱۳	انجمن	۱۳۲۴ ق	مجلس ملی تبریز	تبریز
۳۱۴	انجمن ادبی آذربایجان	۱۳۱۳ ش	انجمن ادبی تبریز	تبریز
۳۱۵	انجمن‌اصفهان	۱۳۲۴ق	سراج‌الدین صدرجبل‌عاملی‌موسوی	اصفهان
۳۱۶	انجمن اصناف	۱۳۲۵ ق	سید مصطفی تهرانی	تهران
۳۱۷	انجمن بلدیه	۱۳۲۵ ق	نورالدین مجلسی	اصفهان

۳۱۸	انجمن ملی ولایتی گیلان	۱۳۲۵ ق	دبیرالممالک	رشت
۳۱۹	انجمن ولایتی یزد	۱۳۲۸ ق	محمد صادق قمی	یزد
۳۲۰	اندپاندانس پرس	۱۳۲۸ ق	دکتر حسین کحال (فرانسه)	تهران
۳۲۱	اندیشه	۱۳۱۵ ش	علی شهید زاده گودرزی	تهران
۳۲۲	اندرز	۱۳۲۵ ش	علی صفوی	تهران
۳۲۳	انسانیت	۱۳۲۵ ق	انجمن انسانیت(مستوفی الممالک)	تهران
۳۲۴	انسان آزاد	۱۳۲۴ ش	سید ابراهیم بنی صدر	تهران
۳۲۵	انصاف	۱۳۲۶ ق	سیداسمعیل سلطان المداحین کرمانشاهی	تهران
۳۲۶	انسانیت	۱۳۲۵ ش	محمد فخرائی	تهران
۳۲۷	انعکاس	۱۳۴۱ ق	دکتر بهرامی	تهران
۳۲۸	انقلاب شرق	۱۳۲۵ ش	دکتر ابوالقاسم احمدی	تهران
۳۲۹	انقلاب سرخ	۱۳۳۸ ق	ذره	رشت
۳۳۰	انوشیروان	۱۳۱۰ ش	دکتر ماشوریان	تهران
۳۳۱	انیس	۱۳۰۵ ش	محمد هاشم پردیس	افغانستان
۳۳۲	اوریزن	۱۳۳۸ ق	به زبان ارمنی	تهران
۳۳۳	اوقات	۱۳۰۹ ش	مترجم السلطنه شیخ بهائی	تهران
۳۳۴	آهنگ	۱۳۰۲ ش	میرزا حسین خان ابصری	تهران
۳۳۵	ایران	۱۲۹۵ ش	زین العابدین رهنما	تهران

۳۳۶	ایران	۱۲۸۸ ق	وزارت انطباعات	تهران
۳۳۷	ایران	۱۳۲۰ ش	زین العابدین رهنما	تهران
۳۳۸	ایران	۱۳۰۲ ش	نصرالله فلسفی	تهران
۳۳۹	ایران آزاد	۱۳۰۰ ش	سید ابراهیم ضیاء الواعظین	تهران
۳۴۰	ایران امروز	۱۳۳۲ ق	شیخ یحیی کاشانی	تهران
۳۴۱	ایران امروز	۱۳۴۰ ق	میرزا علی خان سهیل	تهران
۳۴۲	ایران امروز	۱۳۱۷ ش	محمد حجازی	تهران
۳۴۳	ایران باستان	۱۳۱۱ ش	سیف آزاد	تهران
۳۴۴	ایران باستان	۱۳۲۶ ش	سیف آزاد	تهران
۳۴۵	ایران جدید	۱۳۰۴ ش	میرزا محمد باقر	شیراز
۳۴۶	ایران تازه	۱۲۹۸ ش	—	تهران
۳۴۷	ایران جوان	۱۳۰۱ ش	دکتر عبدالحمید اعظمی	تهران
۳۴۸	ایران جوان	۱۳۳۸ ق	کانون ایران جوان	تهران
۳۴۹	ایران جوان	۱۳۰۵ ش	محمد تنکابنی	تهران
۳۵۰	ایران زمین	۱۳۰۶ ش	میرزا موسی خان دولت	تهران
۳۵۱	ایران سلطانی	۱۳۲۱ ق	میرزا محمد ندیم السلطان	تهران
۳۵۲	ایرانشهر	۱۳۴۰ ق	حسین کاظم زاده	برلن
۳۵۳	ایرانشهر	۱۳۲۲ق	به زبان فارسی و فرانسه	پاریس

۳۵۴	ایران کبیر	۱۳۰۷ ش	گریگوریقکیان	رشت
۳۵۵	ایران کنونی	۱۳۱۳ ش	گریگوریقکیان	تهران
۳۵۶	ایران کهن	۱۳۱۰ ش	ـــــ	تهران
۳۵۷	ایران لیک	۱۹۳۲ م	انجمن ایران لیک	بمبئی
۳۵۸	ایران مصور	۱۳۱۳	ـــــ	تهران
۳۵۹	ایران نو	۱۳۲۷ ق	سید محمود شبستری ابوالضیاء	تهران
۳۶۰	ایران نوین	۱۳۲۹ ق	سید محمد افجه	تهران
۳۶۱	ایران اراود	۱۲۹۷ ش	به زبان ارمنی	تهران
۳۶۲	ایران اشخادواور	۱۲۹۹ ش	به زبان ارمنی	تهران
۳۶۳	آیق (طلوع)	۱۹۱۲ م	به زبان ارمنی	تبریز
۳۶۴	آینده	۱۳۰۴ ش	دکتر افشار	تهران
۳۶۵	آیندهٔ ایران	۱۳۰۷ ش	جمال عادل خلعت بری	تهران
۳۶۶	ایوان مدائن	۱۳۰۹ ش	ـــــ	تهران
۳۶۷	ایران بزرگ	۱۳۲۴ ش	اسدالله اکرمی	تهران
۳۶۸	ایران توده	۱۳۲۳ ش	محمد مقدم	تهران
۳۶۹	ایران ما	۱۳۲۲ ش	جهانگیر تفضلی	تهران
۳۷۰	ایران نو	۱۳۲۳ ش	جعفر جهان	تهران
۳۷۱	ایران و امریکا	۱۳۲۲ ش	دکتر علی فرهمندی	تهران

۳۷۲	اسرائیل	۱۳۲۵ ش	دکتر کوهن	تهران
۳۷۳	ایمان	۱۳۲۱ ش	محمد بهبانی	تهران
۳۷۴	اینجا تهران است	۱۳۲۶ ش	رادیو تهران	تهران
۳۷۵	انقلاب کاوه	۱۳۳۰ ش	عبدالرحیم پور آزادی	سنندج
۳۷۶	بابا شمل	۱۳۲۲ ش	مهندس رضا گنجه‌ای	تهران
۳۷۷	بازی کودکان	۱۳۲۴ش	ابراهیم بنی احمد	تهران
۳۷۸	باستان	۱۳۲۳ ش	دکتر نصرت‌الله باستان	تهران
۳۷۹	بانو	۱۳۲۴ ش	دکتر فخرائی	تهران
۳۸۰	بدیع	۱۳۲۲ ش	دکتر جمال الدین بدیع زاده	تهران
۳۸۱	برق	۱۳۲۲ ش	غلامحسین مصاحب	تهران
۳۸۲	بشر	۱۳۲۳ ش	دکتر کیا نوری	تهران
۳۸۳	بنفشه	۱۳۲۵ ش	احمد مدن پور	تهران
۳۸۴	بنیاد	۱۳۲۳ ش	حمید مروستی	تهران
۳۸۵	بهترین خواندنیها	۱۳۲۵ ش	صادق بهرام نراقی	همدان
۳۸۶	بهداشت	۱۳۲۵ ش	وزارت بهداری	تهران
۳۸۷	برید شمال	۱۳۴۰ ق	بابا معصوم زاده	خوی
۳۸۸	بستان	۱۳۰۵ ش	حسین سراجی	اصفهان
۳۸۹	بشارت	۱۳۲۴ ق	شیخ محمد علی	مشهد

۳۹۰	بصیرت	۱۳۲۵ ق	ـــ	تهران
۳۹۱	بلاغ	۱۳۴۶ ق	نصرت الله	تهران
۳۹۲	بلدالامین	۱۳۲۸ ق	میرزا محمد صادق	مشهد
۳۹۳	بلدیه	۱۳۲۵ ق	مرتضی موسوی و ابوالقاسم همدانی	تهران
۳۹۴	بلدیه	۱۳۲۷ ق	احمد میرزا	تبریز
۳۹۵	بلدیه	۱۳۳۷ ق	نادر میرزا	رشت
۳۹۶	بلدیه	۱۳۰۰ ش	ادارهٔ نشریات بلدیه	تهران
۳۹۷	بلدیهٔ اصفهان	۱۳۲۵ق	میرزاعباس و میرزا احمد خان چهارمحالی	اصفهان
۳۹۸	بلدیهٔ اصفهان	۱۳۰۹ ش	محمد علی مکرم	اصفهان
۳۹۹	بنی هاشمی	۱۳۴۲ ق	ش . ح . بنی هاشمی	تهران
۴۰۰	بهار	۱۳۲۱ ش	خسرو اقبال	تهران
۴۰۱	بوستان	۱۳۴۳ ق	مجدالعلی بوستان	مشهد
۴۰۲	بوقلمون	۱۳۲۷ ق	غنی‌زاده	تبریز
۴۰۳	بهار	۱۳۲۸ ق	یوسف اعتصام الملک	تهران
۴۰۴	بهار	۱۲۹۶ ش	آقا شیخ احمد بهار	مشهد
۴۰۵	بهار ایران	۱۳۰۹ ش	محمد حسن مجاهد	شیراز
۴۰۶	بهار دلکش	۱۳۴۲ ق	حسین تقی‌زاده	تهران

نمره ۲   سال دوم   صفحهٔ اول

بلدیه

مدیر کل و صاحب امتیاز احمد میرزا نوادهٔ موثق الدوله
عنوان مراسلات ادارهٔ جلیلهٔ بلدیهٔ تبریز
محل فروش تبریز راسته بازار دکان آقا میر محمد سیگار فروش. در صورت اداره نمره
هر هفته دو نمره طبع و توزیع میشود
از هر نمره بقدر صد نسخه برای مدارس و ادارهٔ بلدیه مجاناً داده خواهد شد

قیمت یکنمرهٔ دو ورق در تبریز دو پنج شاهی و در سایر ولایات پنجشاهی است پنجم شنبه

ابونه سالیانه صد نسخه باشد در تبریز ۳ تومان
در ممالک خارجه ۲۵ قران
وجه ابونه از هرکس در هرجا یک مرتبه قسط دریافت خواهد شد
خارج پست همه جا بعهدهٔ اداره است
اعلان سطری پانصد دینار است

روزنامه ایست آزاد ناشر افکار و خلاصهٔ مذاکرات انجمن مقدس بلدیه و وقایع و اخبارات و تلگرافات داخلی و خارجی را بطور اختصار می‌نویسد مقالات سودمند ادبی و علمی و تجارتی را درج مینماید و مکتوبهای عام المنفعه با امضا را قبول و در انتشارش اداره آزاد و ابداً مسترد نخواهد شد. روز یکشنبه محرم الحرام ۱۳۲۷

(بقیهٔ مذاکرات از نمره اول)

مذاکرات روز پنجشنبه دهم شوال المکرم با حضور جناب مستطاب اجل اکرم آقای قاسمخان امیر تومان رئیس ادارهٔ بلدیه و حضرات مستطابان آقایان وکلا اعضاء کمیسیون قرار ترتیب و انعقاد مجلس را برای رسیدگی امورات روزهای یکشنبه و چهار شنبه را قرار دادند که با امور راجعه باداره رسیدگی فرمایند

مذاکرهٔ اول بواسطهٔ غیبت جناب حاج ارفع الملک

الآن هم [illegible] چند نفر [illegible] هم مثل من هیچ چیز نمیدانند [illegible] کس کودن نمیشوند که و [illegible] من شاگردهائی سراغ دارم که چه در این مکتب ما چه در سایر مکاتب بقدر ده دوازده سال چیز خوانده و زحمت کشیده اند باوجود این چیزی بلد نیستند اما کتک زدن و تنبیه معلم ما خیلی ثقل داشت مکرر اتفاق می‌افتاد که بچه زیر چوب غش میکرد باز جناب میرزا دست نمیکشید اهل گذر و بازارچه جمع شده هرقدر التماس میکردند قبول نمیکرد خیلی وقتها ازکثرت ضرب بینوا بچه بی اختیار توی مسجد خرابی میکرد آخوند بی‌رحم دوباره چوبکاری می‌نمود که خبیث این چه غلطی بود [illegible] بسیاری از بچه‌ها معیوب از آن مکتب بیرون شدند سیاستهای عجیب وغریب میکرد خلاصه زحمت چندین سالهٔ من [illegible] شد این است برای نویساندن این صورت یکفرسخ راه رفته نویسانده آورده‌ام نمیدانم این آخوندها این کتابهای بزرگ را چطور میخوانند خدا بیامرزد مادر من میگفت درس خواند وچیز فهمیدن ([illegible]) برخت و کلاش آدم ملا نمیشود (ستاچ) جمع را بگو چه قدر است ؟ نوروز علی تسبیح را از بغل درآورده گفت شما بخوانید من در تسبیح حساب میکنم سیاح جزئت یکی یکی خوانده نوروز علی حساب میکرد حاصل حساب را نوروز علی در تسبیح و ستاچ باقلم زده معین کردند (ستاچ) یازده تومان شد (نوروز علی) خیر آقا شما سهو کرده اید باید دوازده تومان باشد . (ستاچ) مکرر جمع کرده‌ام همین است . (نوروز علی) خیر آقا بحضرت عباس بارواح پدرم چنین نیست صحیح [illegible] دروغ نمیگویم که این هم عوض انعام و خلعت است که

صفحه اول شماره دوم « بلدیه »

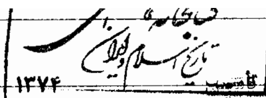
(۱۳۲۷ ق)

۴۰۷	بهارستان	۱۲۹۸ ش	آقای نوبخت	شیراز و تهران
۴۰۸	بهار شرق	۱۳۰۳ ش	ــــ	مشهد
۴۰۹	بهار نو	۱۳۲۵ ش	غلامرضا هروی	تهران
۴۱۰	بهبهان	۱۳۰۴ ش	سید امان الله مقیم بهبهان	بهبهان
۴۱۱	بهمن	۱۳۲۳ ش	حسینعلی بهرامی	تهران
۴۱۲	بهلول	۱۳۲۹ ق	شیخ علی عراقی ـ اسدالله‌خان پارسی	تهران
۴۱۳	بهرام	۱۳۲۲ ش	عبدالرحمن فرامرزی	تهران
۴۱۴	بیان حقیقت	۱۳۴۳ ق	میرزا حسین خان دیانت	شیراز
۴۱۵	بیان واقع	۱۳۰۵ ش	ــــ	تهران
۴۱۶	بیدار	۱۳۰۱ ش	عباس خلیلی	تهران
۴۱۷	بوبوغ (برنده مسابقه)	۱۲۹۸ ش	هایک کاراکاش (به زبان ارمنی)	تهران
۴۱۸	بیدار	۱۳۰۵ ش	ــــ	مزار شریف
۴۱۹	بیداری ما	۱۳۲۳ش	بانو زهره اسکندری بیات	تهران
۴۲۰	بیداری	۱۳۲۵ ق	فتح الممالک	تهران
۴۲۱	بوبوغ (برنده مسابقه)	۱۳۲۱ ش	هایک کاراکاش (به زبان ارمنی)	تهران
۴۲۲	بیداری	۱۲۹۹ ش	ح . جودت	رشت
۴۲۳	بیداری	۱۳۰۲ ش	سید محمد هاشمی	کرمان
۴۲۴	بیستون	۱۳۲۵ ق	صدیق دفتر	کرمانشاه

۴۲۵	بیستون	۱۲۹۸ ش	مهدی فرح پور	تهران
۴۲۶	بیضاء	۱۳۲۷ ق	—	بروجرد
۴۲۷	بیطاری	۱۳۳۴ق	مرتضی	تهران
۴۲۸	بیطرف	۱۳۲۲ ق	حسین خان(فارسی وفرانسه)	تهران
۴۲۹	بین النهرین	۱۳۰۲ ش	—	تهران
۴۳۰	پارس	۱۳۲۹ ق	لاهوتی و جلال انسی	استانبول
۴۳۱	پارس قدیم	۱۳۲۱ ش	حسین مجاهد	تهران
۴۳۲	باختر	۱۳۱۲ ش	نصرالله سیف پور فاطمی	اصفهان
۴۳۳	باختر	۱۳۲۱ ش	سیف پور فاطمی	تهران
۴۳۴	باران	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۴۳۵	بارسکاهای	۱۳۰۶ ش	به زبان ارمنی	تهران
۴۳۶	بازپرس	۱۳۰۴ ش	ادیب مجابی	قزوین
۴۳۷	بازپرس	۱۳۲۵ ش	مهندس علی والا	تهران
۴۳۸	باغ و بوستان	۱۳۱۰ ش	—	تهران
۴۳۹	بامداد	۱۳۲۵ ق	غلامعلی خان قاجار	تهران
۴۴۰	بامدادروشن	۱۳۲۳ ق	محمد علیخان خراسانی	تهران
۴۴۱	بانک ملی	۱۳۱۲ ش	بانک ملی	تهران
۴۴۲	بانور	۱۳۰۴ ق	پرواند مؤسیسان	تهران

۴۴۳	بایکار(پیکار)	۱۹۱۸ م	به زبان ارمنی	تبریز
۴۴۴	بحر خزر	۱۳۰۱ ش	—	رشت
۴۴۵	بخارای شریف	۱۳۲۰ ق	م . جلال یوسف زاده	بخارای جدید
۴۴۶	بدر	۱۳۳۹ ق	ح . سبک پیما	تهران
۴۴۷	بدر منیر	۱۲۹۸ ش	سید جلال بدری	بندر انزلی
۴۴۸	برجیس	۱۳۳۸ ق	مصور السلطان ارژنگ	تبریز
۴۴۹	برزگر	۱۳۰۶ ش	ابوالقاسم ذوالریاستین	رشت
۴۵۰	برق	۱۳۲۸ ق	سید ضیاء طباطبائی	تهران
۴۵۱	برگ سبز	۱۳۲۶ ق	فضل‌الله شیخ الاسلام زاده	اردبیل
۴۵۲	بغستان	۱۳۳۱ ش	دکتر محمد مکری	تهران
۴۵۳	پارسنامه	۱۳۰۴ ش	حسام الدین پاسارگاد	شیراز
۴۵۴	پارس	۱۲۹۸	فضل‌الله شرقی	شیراز
۴۵۵	پارسی	۱۲۹۴ ش	—	تهران
۴۵۶	پارس قدیم	۱۳۱۲ ش	محمد حسین مجاهد	شیراز
۴۵۷	پازارگاد	۱۳۰۵ ش	بهاءالدین حسام زاده	شیراز
۴۵۸	پایتخت	۱۳۲۹ ق	—	تهران
۴۵۹	پایمردی	۱۳۲۵ ش	محمد وکیل	تهران
۴۶۰	پاینده	۱۳۱۱ ش	—	تهران

۴۶۱	پرتو	۱۳۰۱ ش	محمد علیخان واله خراسانی	تهران
۴۶۲	پرچم آزادی	۱۳۰۵ ش	میرزا محمود خان شیرازی	شیراز
۴۶۳	پرساد	۱۳۰۳ ش	کی استوان	تهران
۴۶۴	پرو	۱۳۴۶ ق	میرزا حیدر ملقب به مظهر	کرمانشاه
۴۶۵	پروانه	۱۳۲۸ ق	حسن مؤمن زاده و وحید	اصفهان
۴۶۶	پروانه	۱۳۳۲ ق	سید حسین میرسعیدی	تهران
۴۶۷	پروانه	۱۳۳۳ ق	مؤید الشریعه گیلانی	تهران
۴۶۸	پرورش	۱۳۱۸ ق	میرزا علی محمد پرورش	قاهره
۴۶۹	پرورش	۱۳۰۲ ش	میراحمد مدنی	رشت
۴۷۰	پرورش	۱۳۲۱ ش	میر احمد مدنی	تهران
۴۷۱	پرورش	۱۳۰۵ ش	مرتضی فرهودی	قزوین
۴۷۲	پروین	۱۳۳۳ ق	س . ع . خلخالی	تهران
۴۷۳	پروین خمسه	۱۳۰۹ ش	عیسی خان قانون خواه	زنجان
۴۷۴	پروانه	۱۳۴۰ ق	ع . م . اقتصادی	تهران
۴۷۵	پیک تهران	۱۳۲۵ ش	سید احیا	تهران
۴۷۶	پیکار روز	۱۳۲۵ ش	احمد نامدار	تهران
۴۷۷	پیغام	۱۳۲۲ ش	محمد علی عظیمی	شیراز
۴۷۸	پیروزی	۱۳۲۵ ش	محمد مرتضوی	تهران



۴۷۹	پیام نو	۱۳۲۳ ش	انجمن فرهنگی ایران و شوروی	تهران
۴۸۰	پیام	۱۳۱۳ ش	سید محمد پیامی	—
۴۸۱	پیام	۱۳۲۱ ش	سید محمد پیامی	تهران
۴۸۲	پیکار	۱۳۰۱ ش	موسوی زاده	تهران
۴۸۳	پیکار کرد	۱۳۲۹ ش	غلامعلی ملکی	سنندج
۴۸۴	پیک کرد	۱۳۲۰ ش	منصور اردلان	سنندج
۴۸۵	پولاد	۱۳۲۲ ش	محمد جواد تربتی	تهران
۴۸۶	پرخاش	۱۳۲۵ ش	دکتر حسین انواری	اصفهان
۴۸۷	پرچم اسلام	۱۳۲۵ ش	دکتر سید عبدالکریم فقیهی شیرازی	تهران
۴۸۸	پرچم	۱۳۲۰ ش	سید احمد کسروی	تهران
۴۸۹	پژوهش	۱۳۰۱ ش	ابوالقاسم خان کحال	تهران
۴۹۰	پست و تلگراف	۱۳۰۴ ش	میر محمد حجازی	تهران
۴۹۱	پست و تلگراف و تلفن	۱۳۱۱ ش	محمد حجازی	تهران
۴۹۲	پلیس	۱۳۰۴ ش	شهربانی کل	تهران
۴۹۳	پلیس ایران	۱۳۲۷ ق	مرتضی قلی خان قاجار	تهران
۴۹۴	پند	۱۳۲۳ ش	دکتر حسن نفیسی	تهران
۴۹۵	پندار	۱۳۰۷ ش	صنعتی زاده	کرمان
۴۹۶	پهلوی	۱۳۴۲ ق	یاور حسینعلی رزم آراء	تهران

۴۹۷	پیاده‌نظام	۱۳۱۵ ش	اداره تعلیمات پیاده	تهران
۴۹۸	پیام	۱۳۰۱ ش	ابراهیم فخرائی	رشت
۴۹۹	پیام باختر	۱۹۱۱ م	از طرف بهائی‌ها	واشنگتن
۵۰۰	پیام جدید	۱۲۹۲ ش	—	تهران
۵۰۱	پیش آهنگی ایران	۱۳۰۶ ش	احمد امین	تهران
۵۰۲	پیش آهنگی و تربیت بدنی	۱۳۱۹ ش	ابوالقاسم شکرائی	تهران
۵۰۳	پیک	۱۳۰۳ ش	محمد علیخان شریفی	رشت
۵۰۴	پیکار	۱۳۲۹ ق	میرزا حیدر علی کمالی	تهران
۵۰۵	پیکار	۱۳۰۹ ش	ویر ـ مرتضی علوی	لیپزیک آلمان
۵۰۶	پیکار	۱۳۰۱ ش	محمد وثوق همایون	تهران
۵۰۷	پیک سعادت نسوان	۱۳۰۷ ش	روشنک خانم نوعدوست	رشت
۵۰۸	پیمان	۱۳۱۲ ش	سید احمد کسروی	تهران
۵۰۹	پیمان	۱۳۲۱ ش	سید احمد کسروی	تهران
۵۱۰	تابش	۱۳۰۷ ش	—	تهران
۵۱۱	تازهٔ ایران	۱۳۳۴ ق	برهان المتکلمین	همدان
۵۱۲	تازهٔ بهار	۱۳۲۹ ق	ملک الشعراء بهار	مشهد
۵۱۳	تازهٔ بهار	۱۳۳۸ ق	محمد خان ملک زاده	مشهد
۵۱۴	تازیانه غیرت	۱۳۳۳ ق	منکوقاآن ذوالخیر	شیراز

۵۱۵	تبریز	۱۲۹۶ ق	بدستور مظفرالدین شاه	تبریز
۵۱۶	تبریز	۱۲۸۹ ش	حسین فشنگ چی تبریزی	تبریز
۵۱۷	تبریز	۱۳۲۸ ق	اسمعیل یگانی	تبریز
۵۱۸	تبریز	۱۳۲۲ ش	حسین فشنگ چی تبریزی	تبریز
۵۱۹	تجارت	۱۳۰۶ ش	دکتر اسلامی	تهران
۵۲۰	تجدد	۱۳۳۵ ق	شیخ محمد خیابانی	تبریز
۵۲۱	تجدد	۱۳۲۲ ق	شیخ العراقین زاده	تهران
۵۲۲	تجدد ایران	۱۳۰۶ ش	سید محمد طباطبائی	تهران
۵۲۳	تحفة الادباء	۱۳۴۰ ق	عبدالحسین بنان زاده	اصفهان
۵۲۴	تحقیق	۱۳۰۹ ش	——	تهران
۵۲۵	تخت جمشید	۱۳۰۳ ش	دانش	شیراز
۵۲۶	تدین	۱۳۲۵ ق	فخرالاسلام	تهران
۵۲۷	تذکر	۱۳۰۱ ش	حسین زبده	تهران
۵۲۸	تذکرات دیانتی	۱۳۴۵ ق	جمعیت دیانت اسلامی	تبریز
۵۲۹	تربیت	۱۳۱۴ ق	ذکاءالملک	تهران
۵۳۰	ترجمان حقیقت	۱۳۰۵ ش	میرزا علی اکبر خان	قزوین
۵۳۱	ترقی	۱۳۲۵ ق	میرزا محمد علیخان	تهران
۵۳۲	ترقی	۱۳۴۲ ق	میرزا لطف الله دانشمند	تهران

۵۳۳	ترقی	۱۳۰۸ ش	لطف الله ترقی	تهران
۵۳۴	ترقی ایران	۱۳۰۶ ش	حسین پرویز	تهران
۵۳۵	ترقی	۱۳۲۳ ش	لطف الله ترقی	تهران
۵۳۶	ترعنب	۱۳۰۳ ش	ــــ	رشت
۵۳۷	ترویج اسلام	۱۳۴۶ ق	هیئت مبلغین اسلامی	مشهد
۵۳۸	تشویق	۱۳۲۵ ق	میرزا سید علی طباطبائی	تهران
۵۳۹	تشویق	۱۳۰۹ ش	ــــ	تهران
۵۴۰	تعلیم و تربیت	۱۳۰۴ ش	میرزا علی اصغر خان حکمت	تهران
۵۴۱	تفکر	۱۳۰۶ ش	محمد خان شادمان	رشت
۵۴۲	تفکر	۱۳۲۵ ق	ناظم الذاکرین نائینی	تهران
۵۴۳	تقدم	۱۳۰۶ ش	احمد و عبدالرحمن فرامرزی	تهران
۵۴۴	تقدیم	۱۳۰۴ ش	احمد خان فرامرزی	تهران
۵۴۵	تفسیر خبرهای جهان	۱۳۲۱ ش	سفارت انگلیس در ایران	تهران
۵۴۶	تقدیر اخلاق	۱۳۰۱ ش	ــــ	تهران
۵۴۷	تکامل	۱۳۳۰ ق	میرعلی اکبر سراج	تبریز
۵۴۸	تمدن	۱۳۲۴ ق	مدبر الممالک	تهران
۵۴۹	تمدن	۱۳۲۶ ق	ــــ	بمبئی
۵۵۰	تمدن	۱۳۲۷ ق	مدبر الممالک	رشت و تهران

۵۵۱	تمدن	۱۳۰۴ ش	سید محمد خان تمدن	تهران
۵۵۲	تمدن اسلام	۱۳۰۶ ش	ــــ	قزوین
۵۵۳	تمدن ایران	۱۳۱۱ ش	ایران مدار(نورالدین عراقی)	اراک
۵۵۴	تمدن	۱۲۸۲ ش	ابوالبقاء سنندجی	سنندج
۵۵۵	تنبیه	۱۳۲۵ ق	معتضدالاطباء	تهران
۵۵۶	تنبیه درخشان	۱۳۲۵ ق	معتضدالاطباء	تهران
۵۵۷	تنبیه الغافلین	۱۳۰۲ ش	ــــ	تهران
۵۵۸	تندباد	۱۳۲۵ ش	محمد حسین خواجه نوری	کرمان
۵۵۹	تنها	۱۳۰۳ ش	ــــ	اصفهان
۵۶۰	توانا	۱۳۰۴ ش	نصرت الله دندانساز	تهران
۵۶۱	تودد(التودد)	۱۳۰۸ ق	شیخ ابونظاره	پاریس
۵۶۲	توفیق	۱۳۳۱ ق	معاون السلطان و میلانی	تبریز
۵۶۳	تهران ـ مصور	۱۳۲۸ ش	احمد دهقان	تهران
۵۶۴	توفیق	۱۳۴۱ ق	حسین توفیق	تهران
۵۶۵	تهذیب	۱۳۳۸ ق	میرزا سلیمان خان خسروی	تهران
۵۶۶	تهران امروز	۱۳۲۳ ش	محمد کشوری‌راد	تهران
۵۶۷	تیآتر	۱۳۲۶ ق	میرزا رضا طباطبائی نائینی	تهران
۵۶۸	ثریا	۱۳۱۵ ق	علی محمد خان کاشانی	قاهره

۵۶۹	ثریا	۱۳۲۱ ق	سید فرج الله کاشانی	تهران
۵۷۰	ثریا	۱۳۲۷ ق	فرج الله الحسینی	کاشان
۵۷۱	جارچی ملت	۱۳۲۸ ق	سید حسین ایران زاده	تهران
۵۷۲	جارچی وطن	۱۳۲۸ ق	—	تهران
۵۷۳	جاسوس	۱۳۳۲ ق	سید حسین ابراهیم‌زاده	تهران
۵۷۴	جام جم	۱۳۲۵ ق	حاج سید رضا	تهران
۵۷۵	جام جم	۱۳۳۳ ق	علیرضا روستائیان	شیراز
۵۷۶	جام جمشید	۱۲۶۲ ق	—	بمبئی
۵۷۷	جام جهان نما	۱۲۶۳ ق	—	کلکته
۵۷۸	جام جهان نما	۱۳۰۴ ش	محمد خان حنانه	تهران
۵۷۹	جهان نما	۱۳۰۴ ش	میرزا عبدالله ضرابی	شیراز
۵۸۰	جامع	۱۳۰۹ ش	سید عبدالحجة بلاغی	اصفهان
۵۸۱	جامعهٔ اسلامی	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۵۸۲	جاوید	۱۳۰۲ ش	غلامحسین خان	—
۵۸۳	جدال	۱۳۲۵ ش	محمد تقی انزلی چی	تهران
۵۸۴	جرقه	۱۳۰۵ ش	م. ت ناصحی	تهران
۵۸۵	جبهه	۱۳۲۴ ش	احمد زیرک زاده	تهران
۵۸۶	جوانلار (جوانان)	۱۳۲۵ ش	نهضت جوانان حزب دموکرات	تبریز



۵۸۷	جهان نامه	۱۳۲۳ ش	محمد حسین جهان نما	شیراز
۵۸۸	جهان فردا	۱۳۲۳ ش	امیر میر هادی	تهران
۵۸۹	جهان پزشکی	۱۳۲۵ ش	دکتر محمود نجم آبادی	تهران
۵۹۰	جهان پاک	۱۳۲۵ ش	محمد کریم فرهنگ	تهران
۵۹۱	جهان آینده	۱۳۲۳ ش	حبیب الله آموزگار	تهران
۵۹۲	جوانمردان	۱۳۲۵ ش	میر زکی کمپانی	تهران
۵۹۳	جوانان	۱۳۲۱ ش	جعفر جهان	تهران
۵۹۴	جنگ آشفته	۱۳۲۴ ش	عماد عصبار	تهران
۵۹۵	جمعه	۱۳۲۴ ش	دانش نوبخت	تهران
۵۹۶	جلوه	۱۳۲۴ ش	م . ن شریعت زاده	تهران
۵۹۷	جریدهٔ اسلام	۱۳۰۵ ش	—	تهران
۵۹۸	جریدهٔ اسلامی	۱۳۳۲ ق	ادیب خلوت	تبریز
۵۹۹	جریدهٔ تجارت	۱۲۹۷ ق	(از طرف دولت)	تهران
۶۰۰	جریدة الروح	۱۳۰۴ ش	سید هادی روحانی	تهران
۶۰۱	جریدهٔ صباح	۱۲۹۹ ش	—	کرمانشاه
۶۰۲	جریدهٔ صبح	۱۳۰۹ ش	—	مشهد
۶۰۳	جریدهٔ تهران	۱۳۰۲ ش	—	تهران
۶۰۴	جریدهٔ کرمان	۱۳۲۹ ق	غلامحسین کرمانی	کرمان



نیک‌آهنگ کوثر

۶۰۵	جریدهٔ ملی	۱۳۲۴ ق	میرزا علی اکبر خان	تبریز
۶۰۶	جریدهٔ نگارستان	۱۳۰۹ ق	ـــــ	کرمان
۶۰۷	جمالیه	۱۳۲۸ ق	محمد حسن اصفهانی	تهران
۶۰۸	جمعیت‌طرفداران‌جامعهٔ‌ملل	۱۳۱۴ش	عباس مسعودی	تهران
۶۰۹	جمعیت نسوان وطنخواه ایران	۱۳۰۲ ش	شاهزاده ملوک اسکندری	تهران
۶۱۰	جنبش	۱۳۰۴ ش	سید مهدی نقیب السادات	اصفهان
۶۱۱	جنگ	۱۳۲۶ ق	میرزا فضل‌الله خان	تهران
۶۱۲	جنگل	ـــــ	هیئت اتحاد اسلام (میرزامحمدانشائی)	رشت
۶۱۳	جنگل مولا	۱۳۲۹ ق	حسین	تهران
۶۱۴	جنگل مولا	۱۳۴۲ ق	ابوالقاسم ذوقی	تهران
۶۱۵	جنات عدن	۱۳۴۲ ق	معین الاسلام حائری	تهران
۶۱۶	جنت	۱۳۳۹ ق	حسین کسرائی	تهران
۶۱۷	جنوب	۱۳۲۸ ق	تنگستانی	تهران
۶۱۸	جنوب	۱۳۴۲ ق	عبدالله عشیق الحسینی	تهران‌ش
۶۱۹	جوانان ایران	۱۳۰۵ ش	محمد حسین میرزا فرهی	تهران
۶۲۰	جودت	۱۳۰۶ ش	حسن پسر حاج محمد حسین‌اردبیلی	اردبیل
۶۲۱	جوقانی لربر (جلفای با هوش)	ـــــ	بکرادوار	جلفای اصفهان
۶۲۲	جورآباد	۱۳۳۰ ش	عبدالحمید طاهائی	سنندج

۶۲۳	جهاد اکبر	۱۳۲۵ ق	میرزا علی آقا خراسانی	اصفهان
۶۲۴	جهان آراء	۱۳۲۵ ق	میرزا عباس و میرزا سلیمان	تهران
۶۲۵	جهان دانش	۱۳۰۴ ش	محمد مهدی آذر	تهران
۶۲۶	جهان زنان	۱۳۳۹ ق	فخر آفاق پارسا	مشهد ـ تهران
۶۲۷	جهان نما	۱۳۰۲ ش	محمد حسین نوری زاده	شیراز
۶۲۸	جهان نو	۱۳۱۹ ش	ش . ک . شاهرخ	برلن
۶۲۹	جهان نو	۱۳۲۵ ش	میر حسین حجازی	تهران
۶۳۰	چابک	۱۲۶۲ ق	ـــــ	بمبئی
۶۳۱	چند گفتار	۱۳۲۶ ش	محمد کریم فرهنگ	تهران
۶۳۲	چمن	۱۲۹۳ ش	شمس المعالی دادستان	مشهد
۶۳۳	چنته پا برهنه	۱۳۲۹ ش	میرزا محمود افشار	تهران
۶۳۴	چهره‌نما	۱۳۲۲ ق	عبدالمحمد مؤدب السلطان	اسکندریه مصر
۶۳۵	چهره نما	۱۳۲۳ ق	مؤدب زاده	قاهره
۶۳۶	حافظ استقلال	۱۳۳۴ ق	دکتر ابوالحسن خان	شیراز
۶۳۷	حافظ ایران	۱۳۰۷ ش	ـــــ	مشهد
۶۳۸	حبل المتین	۱۳۱۱ ق	جلال الدین حسینی مؤیدالاسلام	کلکته
۶۳۹	حبل المتین	۱۳۲۵ ق	سید حسن کاشانی	تهران
۶۴۰	حبل المتین	۱۳۲۷ ق	سید حسن کاشانی	رشت

۶۴۱	حذاقت	۱۳۰۵ ش	میرزا علی حکیم‌زاده شیرازی	شیراز
۶۴۲	حرف حق	۱۳۲۵ ق	سید نعمت الله	تبریز
۶۴۳	حریف	۱۳۴۵ ق	سید نورالدین گلستانه	شیراز
۶۴۴	حسام	۱۳۰۴ ش	میرزا حسین خان ابصری	تهران
۶۴۵	حشرات الارض	۱۳۲۶ ق	شرکت معارف نالهٔ ملت	تبریز
۶۴۶	حصار عدل	۱۳۰۱ ش	حسن زاده	تهران
۶۴۷	حفظ الصحه	۱۳۲۴ ق	مؤدب الدوله	تهران
۶۴۸	حق	۱۳۰۴ ش	سهراب زاده (بدرالملک)	تهران
۶۴۹	حقایق	۱۳۲۵ ق	میرزا علی محمد اویسی	بادکوبه
۶۵۰	حقایق	۱۳۰۴ ش	میرزا محمد انشائی	رشت
۶۵۱	حقوق	۱۳۳۶ ق	سلیمان میرزا و یحیی میرزا خراسانی	تهران
۶۵۲	حقیقت	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۶۵۳	حقیقت	۱۳۰۰ ش	ع . بهبهانی	تهران
۶۵۴	حقیقت	۱۳۲۶ ق	انجمن حقیقت رشت	رشت
۶۵۵	حقیقت	۱۳۲۷ ق	محمد رضا حسن زاده عبرت گیلانی	اصفهان
۶۵۶	حکایت جانگدازوقایع	۱۳۲۹ ق	حاجی‌فتح ا... مفتون	شیراز
۶۵۷	حکمت	۱۳۱۰ ق	میرزا مهدی زعیم الدوله	قاهره
۶۵۸	حلاج	۱۲۹۸ ش	حسن حلاج	تهران



آرم روزنامهٔ حکایت وقایع جانگداز یزد الی شیراز

۶۵۹	حلاج	۱۳۰۶ ش	حسن حلاج	تهران
۶۶۰	حلاج	۱۳۲۱ ش	حسن حلاج	تهران
۶۶۱	حوادث	۱۳۰۷ ش	—	تهران
۶۶۲	حیات	۱۳۲۸ ق	شیخ محمد حسین حیات	تهران
۶۶۳	حیات اصفهان	۱۳۲۵ ش	دکترعبدالحسین محیی	اصفهان
۶۶۴	حیات	۱۳۲۸ ق	محمد حسین حیات	شیراز
۶۶۵	حیات	۱۳۴۰ ق	هدایت الله داوری	تهران
۶۶۶	حیات ایران	۱۳۴۰ ق	ناصر سیف	تهران
۶۶۷	حیات جاوید	۱۳۳۷ ق	فلسفی	تهران
۶۶۸	حیات عدل	۱۳۰۲ ش	—	تهران
۶۶۹	حیات کارگر	۱۳۰۴ ش	علی آقا نجار	شیراز
۶۷۰	خزر	۱۳۲۳ ش	دکتر اسمعیل سنگ	تهران
۶۷۱	خروش	۱۳۲۴ ش	مهدی محمود زاده	تهران
۶۷۲	خرد	۱۳۲۲ ش	حسن کربکندی	اصفهان
۶۷۳	خدنگ	۱۳۲۳ ش	محمد جمالی آشتیانی	تهران
۶۷۴	خجسته	۱۳۲۱ ش	—	تهران
۶۷۵	خبرهای دانشگاه	۱۳۲۵ ش	دانشگاه تهران	تهران
۶۷۶	خبردار	۱۳۲۳ ش	حسین مروج	تهران

۶۷۷	خبرنو	۱۳۲۲ ش	محمود ترابی	تبریز
۶۷۸	خبر شرق	—	ابراهیم کردستانی	—
۶۷۹	خواندنی‌های غرب	۱۳۳۱ ش	محمدشریف‌معتمدوزیری ـ مصطفی‌شرافت‌وزیری	کرمانشاه
۶۸۰	خورنشین	۱۳۳۰ ش	عبدالحمید معرفت	تهران
۶۸۱	خورنشین	۱۹۵۱ م	—	مهاباد
۶۸۲	خار نامه	۱۳۰۹ ش	—	تهران
۶۸۳	خاور	۱۳۳۸ ق	محمود عرفان	شیراز
۶۸۴	خاور	۱۳۲۴ ش	احمد فرامرزی	تهران
۶۸۵	خاور	۱۳۴۳ ق	سید حسن شمس	استانبول
۶۸۶	خاورستان	۱۳۲۷ ق	مرتضی اعتضاد الملة	تهران
۶۸۷	خاور زمین	۱۳۲۲ ش	غلامحسین طلائی	تهران
۶۸۸	خبر	۱۳۲۸ ق	سید حسین خان	تهران
۶۸۹	خدر	—	عفیفه خانم	—
۶۹۰	خراسان	۱۳۲۷ ق	سید حسین اردبیلی	مشهد
۶۹۱	خراسان	۱۳۰۰ ش	سید محمد طباطبائی	مشهد
۶۹۲	خرم	۱۳۲۵ ق	حاج میر حسین	تهران
۶۹۳	خلاصة الحوادث	۱۳۱۶ ق	وزارت انطباعات	تهران
۶۹۴	خلافت	۱۳۲۴ ق	سید حسن تبریزی	لندن

۶۹۵	خلدبرین	۱۳۳۶ ق	محمد حسین	تبریز
۶۹۶	خلق	۱۳۰۰ ش	میرزا مهدی علوی زاده	تهران
۶۹۷	خلق	۱۳۴۴ ق	علوی زاده	تهران
۶۹۸	خلیج ایران	۱۳۰۸ ش	یوسف اخوت	بوشهر
۶۹۹	خلیج فارس	۱۳۰۴ ش	میرزا علی دشتی	شیراز
۷۰۰	خنده	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۷۰۱	خورشید	—	انتشارات دارالفنون	تهران
۷۰۲	خورشید	۱۳۲۵ ق	محمد صادق تبریزی	مشهد
۷۰۳	خورشید	۱۳۳۲ ق	الکساندر دروارتانیانس	تبریز
۷۰۴	خورشید	۱۳۳۵ ق	—	تهران
۷۰۵	خورشید	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۷۰۶	خورشید	۱۳۴۲ ق	شاهزاده مرتضی میرزا	مشهد
۷۰۷	خورشید ایران	۱۳۰۲ ش	بهاءالدین حسام زاده پازارگاد	شیراز
۷۰۸	خورشید ایران	۱۳۲۱ ش	بهاءالدین حسام زاده پازارگاد	تهران
۷۰۹	خورشید خاور	۱۳۳۶ ق	سید مهدی قاسم اف	عشق آباد
۷۱۰	خوزستان	۱۳۰۴ ش	مجید موقر	اهواز
۷۱۱	خوسک (سخن)	۱۹۱۳ م	بزبان ارمنی	تبریز
۷۱۲	خواندنیهای نو	۱۳۲۵ ش	اطهر انوری	اصفهان

۷۱۳	خواندنیها	۱۳۱۹ ش	علی اصغر امیرانی	تهران
۷۱۴	خیال	—	افصح المتکلمین	رشت
۷۱۵	خیرالکلام	۱۳۲۵ ق	افصح المتکلمین	رشت و تهران
۷۱۶	خیراندیش	۱۳۲۶ ق	بزبان ترکی	تبریز
۷۱۷	دارالعلم	۱۳۲۷ ق	عنایت اله دستغیب	شیراز
۷۱۸	دارالامان	۱۳۲۹ ق	سید حسین خیابانی	کرمان
۷۱۹	دامپزشکی	۱۳۱۶ش	اداره کل دامپزشکی	تهران
۷۲۰	دانش	۱۲۹۹ ق	علیقلی خان مخبرالدوله	تهران
۷۲۱	دانش	۱۳۲۸ ق	خانم دکتر حسین خان کحال	تهران
۷۲۲	دانش	۱۳۰۵ ش	نصرالله حسن زاده مستوفی	مشهد
۷۲۳	دانش اصفهان	۱۳۰۹ ش	محمد علی دانش خوراسکانی	اصفهان
۷۲۴	دانش اصفهان	۱۳۲۴ ش	محمد علی دانش خوراسکانی	اصفهان
۷۲۵	دانش آموز	۱۳۱۳ ش	مهیاری ـ گلچین	تهران
۷۲۶	دانش پژوهان	۱۳۴۲ ق	میرزا محمد علی دانشی	شیراز
۷۲۷	دانشکده	۱۳۳۶ ق	ملک الشعرای بهار	تهران
۷۲۸	دیپلمات	۱۳۲۵ ش	احمد آرامش	تهران
۷۲۹	دوست ایران	۱۳۲۲ ش	سفارت شوروی در تهران	تهران
۷۳۰	دنیای امروز	۱۳۲۲ ش	حسین فرشید	اصفهان

۷۳۱	دنیای اسلام	۱۳۲۵ ش	سید محمد تقوی	تهران
۷۳۲	دانا	۱۳۲۵ ش	غلامعلی پرویزی	تهران
۷۳۳	دموکرات ایران	۱۳۲۵ ش	دکتر هاشم افراشته	تهران
۷۳۴	دماوند	۱۳۲۲ ش	فتح‌الله فتحی	تهران
۷۳۵	دلیر	۱۳۲۵ ش	ن . ن	تهران
۷۳۶	دعوت	۱۳۲۲ ش	محسن حداد	تهران
۷۳۷	دستور	۱۳۲۵ ش	حسینقلی مستعصم	تهران
۷۳۸	دستاویز	۱۳۲۵ ش	علینقی بهروزی	شیراز
۷۳۹	درفش ایران	۱۳۲۴ ش	امامی اهری	تهران
۷۴۰	دانشوران	۱۳۲۱ ش	انجمن دانشوران ایران	تهران
۷۴۱	دانشکده پزشکی	۱۳۲۱ ش	دکتر نصرت الله قاسمی	تهران
۷۴۲	دانش	۱۳۲۴ ش	جمعیت فارغ التحصیلان تربیت معلم	تهران
۷۴۳	داریا	۱۳۲۳ ش	حسن ارسنجانی	تهران
۷۴۴	دارائی	۱۳۲۵ ش	احمد اخوان	تهران
۷۴۵	دادگستری	۱۳۲۶ ش	کمال بنی صدر	تهران
۷۴۶	دادار	۱۳۲۶ ش	جواد سعیدی فیروزآبادی	تهران
۷۴۷	داد	۱۳۲۱ ش	ابوالحسن عمیدی نوری	تهران
۷۴۸	دانشکده اصفهان	۱۳۰۳ ش	عباس خان شیدا	اصفهان

۷۴۹	دبستان	۱۳۲۴ ق	رضا پرورش	تبریز
۷۵۰	دبستان	۱۳۰۱	سید حسن طبسی (مشکان)	مشهد
۷۵۱	دبیریه	۱۳۲۶ ق	دبیرالممالک	رشت
۷۵۲	دختران ایران	۱۳۱۰ ش	بانو زند دخت شیرازی	شیراز
۷۵۳	درخشان	۱۳۰۹ ش	فضل الله کامکار	اصفهان
۷۵۴	درة النجف	۱۳۲۸ ق	آغا محمد محلاتی	نجف
۷۵۵	درفش کاویان	۱۳۰۵ ش	—	اصفهان و تهران
۷۵۶	درمان	۱۳۱۵ ش	دکتر کاسمی (دکتر سید امامی)	تهران
۷۵۷	دریا	۱۳۰۴ ش	محمد جواد غروری	تهران
۷۵۸	دست انتقام	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۷۵۹	دستور	۱۳۲۸ ق	—	رشت
۷۶۰	دستور اخوت	۱۳۰۱ ش	سلطان الکتاب	تهران
۷۶۱	دعوت اسلامی	۱۳۰۷ ش	سید محمد تقی واحدی بدلا	کرمانشاه
۷۶۲	دعوت الاسلام	۱۳۲۴ ق	محمد علی داعی الاسلام	بمبئی
۷۶۳	دعوت الحق	۱۳۲۱ ق	محمد علی دزفولی بهجت	تهران
۷۶۴	دفاعیه	۱۳۲۹ ق	افصح زاده	—
۷۶۵	دموکراسی	۱۳۴۱ ق	میرزا عبدالحسین مشایخی	تهران
۷۶۶	دنیا	۱۳۱۲ ش	دکتر ارانی	تهران

۷۶۷	دنیای امروز	۱۳۰۱ ش	ه ـ باذیل	تهران
۷۶۸	دنیای امروز	۱۳۰۴ ش	ـــ	قزوین
۷۶۹	دنیای ایران	۱۳۳۸ ق	منصور خان حسام زاده	شیراز
۷۷۰	دنیای ایران	۱۳۰۱ ش	میرزا ابوالطالب بنان شیروانی	تهران
۷۷۱	دیهیم	۱۳۲۲ ش	دکتر علی قاضی زاده	تهران
۷۷۲	دیلم	۱۳۲۵ ش	دکتر آزادی دیلمی	انزلی
۷۷۳	دیده بان	۱۳۲۲ ش	احمد افشار راد	تهران
۷۷۴	دواسازی	۱۳۰۶ ش	فرهی	تهران
۷۷۵	دوا سازی عصر حاضر	۱۳۱۳ ش	میرزا محمود نجم‌آبادی	تهران
۷۷۶	دور جدید	۱۳۰۵ ش	میرزا محمود غنی‌زاده سلماسی	تبریز
۷۷۷	دورنمای ایران	۱۳۰۷ ش	عبدالحسین سپنتا	بمبئی
۷۷۸	دولت علیهٔ ایران	۱۲۷۷ ق	(نام قبلی: وقایع‌اتفاقیه)	تهران
۷۷۹	دولتی	۱۲۸۳ ق	ـــ	تهران
۷۸۰	دولتی مصور	۱۲۸۳ ق	ـــ	تهران
۷۸۱	دهقان	۱۳۲۹ ق	احمد بهمنیار کرمانی	کرمان
۷۸۲	دیانت	۱۳۰۵ ش	سید مصطفی قائم مقامی	تهران
۷۸۳	دیوان عدالت	۱۳۲۸ ق	مدیر الممالک مرندی	تهران
۷۸۴	دیدنی‌ها	۱۳۲۲ ش	علی‌اصغر امیرانی	تهران

صفحه اول ٤ عنوان از نشریاتی که زیرنظر اعتمادالسلطنه منتشر می‌شد

۷۸۵	ذکر حقایق	۱۳۰۶ ش	شیخ مهدی امینی	کرمان
۷۸۶	ذکر حقایق	۱۳۰۶ ش	شیخ مهدی امینی	تهران
۷۸۷	راه نجات	۱۲۹۴ ش	ابراهیم نجات	تهران
۷۸۸	راه نجات	۱۳۲۰ ش	ابراهیم نجات	تهران
۷۸۹	راه خیال	۱۳۲۹ ق	افصح المتکلمین	رشت
۷۹۰	راه سلامت	۱۳۱۶ ش	اسدالله تمدن	قم
۷۹۱	راه نجات	۱۳۲۶ ش	نجات الله راه نجات	تهران
۷۹۲	راه نجات	۱۲۹۴ ش	ابراهیمی	اصفهان
۷۹۳	راهنمای تجارتی ایران	۱۳۰۸ ش	ف . پارسای	تهران
۷۹۴	راه نو	۱۳۲۲ ش	محمد سعیدی	تهران
۷۹۵	راه نو	۱۳۰۵ ش	میرزا یدالله البرز	تهران
۷۹۶	رستاخیز	۱۳۴۲ ق	عبدالله رازی	قاهره
۷۹۷	رشت	۱۳۰۴ ش	ابراهیم فخرائی	رشت
۷۹۸	رضائیه	۱۳۰۹ ش	امیر نظمی افشار	رضائیه
۷۹۹	رعد	—	سید ضیاءالدین طباطبائی	تهران
۸۰۰	راد	۱۳۲۵ ش	علی سلطانی	تهران
۸۰۱	راز	۱۳۲۲ ش	ابو تراب رازانی	بروجرد
۸۰۲	راستگو	۱۳۲۵ ش	دکتر حسن قاضی	تهران

۸۰۳	راستی	۱۳۲۲ ش	پروین گنابادی	مشهد
۸۰۴	راه، نامه	۱۳۱۸ ش	وزارت راه	تهران
۸۰۵	راه پیروزی	۱۳۲۵ ش	مهندس جواد فرخ	تهران
۸۰۶	راهنما	۱۳۲۵ ش	دکتر محمد میر سپاهی	همدان
۸۰۷	راهنمای زندگی	۱۳۱۹ ش	حسینقلی مستعان	تهران
۸۰۸	راهنمای یهود	۱۳۲۳ ش	س . مشهدیان	تهران
۸۰۹	رزم	۱۳۲۲ ش	دکتر فریدون کشاورز	تهران
۸۱۰	رستاخیز	۱۳۲۲ ش	محمد یکتائی	تهران
۸۱۱	رستاخیز ایران	۱۳۲۱ ش	ایراندخت تیمور تاش	تهران
۸۱۲	رسمی کشور،روزنامه	۱۳۲۳ ش	نشریه رسمی مجلس	تهران
۸۱۳	رسمی وزارت عدلیه	۱۳۰۷ ش	وزارت عدلیه	تهران
۸۱۴	رگبار	۱۳۲۴ ش	علی اصغر شمیم	تهران
۸۱۵	روز محشر	۱۳۲۵ ش	حکیم معانی	تهران
۸۱۶	روستا	۱۳۲۳ ش	مصطفی شاه علائی	تهران
۸۱۷	رهبر یزد	۱۳۲۵ ش	دکتر مرتضی یزدی	یزد
۸۱۸	رهنما	۱۳۲۲ ش	میرزا عبدالرحیم خان شیرازی	تهران
۸۱۹	رعد امروز	۱۳۲۲ ش	مظفر فیروز	تهران
۸۲۰	رعد امروز	۱۳۰۵ ش	میراز علی قمی حقنویس	تهران



مانا نیستانی

۸۲۱	رعد قزوین	۱۳۲۹ ق	سید علی	قزوین
۸۲۲	رفعت	۱۳۰۶ ش	——	تهران
۸۲۳	رنجبر	۱۲۸۹ ش	علی نخستین	اراک
۸۲۴	رنجبر	۱۳۰۲ ش	(به زبان ارمنی)	تهران
۸۲۵	رنجبر ایرانی	۱۲۹۹ ش	(به زبان ارمنی)	تهران
۸۲۶	زشت و زیبا	۱۳۲۵ ق	فتح الممالک	تهران
۸۲۷	روح الامین	۱۳۲۶ ق	——	تهران
۸۲۸	روح القدس	۱۳۲۵ ق	سلطان العلماء خراسانی	تهران
۸۲۹	روح القدس	۱۳۲۴ ش	ابوالقاسم پور حسینی	کرمان
۸۳۰	روح القدس	۱۳۲۶ ق	میرزا علی اکبر دهخدا	سویس
۸۳۱	روزنامه اسلامی	۱۳۰۱ ش	——	تهران
۸۳۲	روزنامهٔ حکیم الممالک	۱۲۸۳ ق	میرزا علینقی خان	——
۸۳۳	روزنامه رسمی دولت ایران	۱۳۲۹ ق	از طرف دولت	تهران
۸۳۴	روزنامه شیخ فضل‌الله	——	(طرفداران شیخ فضل الله)	شاه عبدالعظیم
۸۳۵	روزنامهٔ ملی	۱۳۲۴ ق	سید علی اکبر چرندابی	تبریز
۸۳۶	روزنو	۱۳۰۶ ش	——	تهران
۸۳۷	روستائی	۱۳۰۰ ش	——	تهران
۸۳۸	روشن	۱۳۰۱ ش	سید عبدالحسین رضوی	مشهد

۸۳۹	رهبر	۱۳۲۲ ش	ایرج اسکندری	تهران
۸۴۰	رهبر	۱۳۰۵ ش	میرزا تقی خان رهبر	کرمانشاه
۸۴۱	رهبر ایران نو	۱۳۲۹ ق	ابوالضیاء	تهران
۸۴۲	راهنما	۱۳۲۵ ق	میرزا عبدالرحیم خان شیرازی	تهران
۸۴۳	رهنما	۱۲۹۷ ش	شیخ العراقین زاده	تهران
۸۴۴	رهنما	۱۲۹۹ ش	شیخ العراقین زاده	تهران
۸۲۵	رهنمای بانوان	۱۳۰۵ ش	سیف آزاد	برلن
۸۴۶	رهنمای دهقان	۱۳۰۳ ش	ــــ	تهران
۸۴۷	ریاضیات عالی و مقدماتی	۱۳۰۹ ش	مصاحب	تهران
۸۴۸	رهبر کرد	۱۳۳۱ ش	خسرو اکبری کردستانی	کرمانشاه
۸۴۹	ریگای یه‌کیتی	۱۹۷۱ م	ــــ	مهاباد
۸۵۰	ریگا	۱۹۴۸ م	حسن قزلچی	مهاباد
۸۵۱	روژ	۱۹۶۶ م	سلیمان معینی	ــــ
۸۵۲	روح القدس	۱۳۲۵ ق	سلطان العلماء خراسانی	تهران
۸۵۳	(شعاع روشنائی) زاراریت باهرا	۱۸۵۱ م	از طرف مبشرین آمریکائی به به زبان کلدانی	ارومیه
۸۵۴	زارع	۱۳۰۰ ش	ــــ	یزد
۸۵۵	زانگ	۱۳۲۸ ق	ارگان فرقه ارامنه	تبریز

۸۵۶	زاینده رود	۱۳۲۷ ق	معین الاسلام خوانساری	اصفهان
۸۵۷	زبان آزاد	۱۳۳۵ ق	معاون السلطنه	تهران
۸۵۹	زبان آزاد	۱۳۳۶ ق	معاون السلطنه	تهران
۸۶۰	زبان ایران	۱۲۹۹ ش	ابوالحسن خان معدن چی	تهران
۸۶۱	زبان زنان	۱۳۰۰ ش	صدیقه دولت آبادی	تهران
۸۶۲	زبان ملت	۱۳۲۳ ش	سید عباس اسلامی	بابل
۸۶۳	زبان ملت	۱۳۲۵ ق	ـــــ	تهران
۸۶۴	زشت و زیبا	۱۳۲۵ ق	فتح الممالک	تهران
۸۶۵	زمان وصال	۱۳۲۹ ق	میرزا علی اصغر شیرازی(ناصر الشعراء)	رشت
۸۶۶	زنان ایران	۱۲۹۹ ش	ـــ	تهران
۸۶۷	زنبور	۱۳۰۰ ش	ش ـ افشار	تهران
۸۶۸	زنبیل	۱۳۰۹ ش	ـــــ	تهران
۸۶۹	زنبیل دهقان	۱۳۰۴ ش	احمد دهقان ـ احمد بهمنیار	ـــــ
۸۷۰	زندگانی	۱۳۳۶ ق	نوبخت شیرازی	ـــــ
۸۷۱	زندگانی	۱۳۰۴ ش	میرزا حسین خان عدالت	تهران
۸۷۲	زندگی	۱۳۲۳ ش	سید حسین آموزگار	تهران
۸۷۳	زن امروز	۱۳۲۳ ش	بانو بدرالملوک بامداد	تهران
۸۷۴	زبده	۱۳۲۵ ش	ا . علیزاده	تهران

۸۷۵	زبان معلمین	۱۳۲۵ ش	نشریه حزب توده	تهران
۸۷۶	زبان زنان	۱۹۱۹ م	بانو صدیقه دولت آبادی	اصفهان ـ تهران
۸۷۷	زبان	۱۳۲۲ ش	جبار باغچه بان	تهران
۸۷۸	زاگرس	۱۳۳۰ ش	ناصر آزادپور	سنندج
۸۷۹	ژورنال	۱۳۱۳ ش	عباس مسعودی(به فرانسه)	تهران
۸۸۰	ژین	۱۳۴۶ ش	محمد صدیق مفتی زاده	تهران
۸۸۱	ساحل نجات	۱۳۲۵ ق	افصح المتکلمین خیر الکلام	انزلی
۸۸۲	ساحل نجات	۱۳۲۸ ق	افصح المتکلمین خیر الکلام	رشت
۸۸۳	سالم	۱۲۹۳ ش	ــــ	تهران
۸۸۴	سبیل الرشاد	۱۳۰۲	ــــ	تهران
۸۸۵	سپاهان	۱۳۴۰ ق	محمد علی مکرم حبیب آبادی	اصفهان
۸۸۶	سپهر	۱۳۰۴ ش	میرزا ابوالقاسم واثق فرامرز	خراسان
۸۸۷	سپیده دم	۱۳۰۱ ش	لطفعلی صورتگر	شیراز
۸۸۸	ستاره	۱۳۱۶ ش	احمد ملکی	تهران
۸۸۹	ستارهٔ اسلام	۱۳۰۴ ش	محمد علی فتوحی	اصفهان
۸۹۰	ستارهٔ ایران	۱۳۳۳ق	میرزا حسین خان صبا کمال السلطان	تهران
۸۹۱	ستارهٔ ایران	۱۳۰۳ ش	اعتصام زاده	تهران
۸۹۲	ستارهٔ جهان	۱۳۰۷ ش	ابوالقاسم اعتصام زاده	تهران

۸۹۳	ستارهٔ شرق	۱۳۰۱ ش	میرزا باقر میثمی	تهران
۸۹۴	ستارهٔ شرق	۱۳۰۴ ش	حسنعلی فردوس	تهران
۸۹۵	ستارهٔ صبح	۱۳۰۴ ش	میرزا ابراهیم ناهید	تهران
۸۹۶	سحاب	۱۳۰۷ ش	سید ابوالحسن فروز	اصفهان
۸۹۷	سحرنامه	۱۳۰۴ ش	میرزا حسینعلی ریاضی	تهران
۸۹۸	سده	۱۳۰۰ ش	اسمعیل مهندس	تبریز
۸۹۹	سراج الاخبار	۱۳۲۹ ق	(اولین روزنامه فارسی افغان)	کابل
۹۰۰	سرحد	۱۳۰۳ ش	ـــــ	تبریز
۹۰۱	سروش	۱۳۲۵ ق	ـــــ	رشت
۹۰۲	سروش	۱۳۲۷ ق	سید محمد توفیق	استانبول
۹۰۳	سروش	۱۳۲۸ ق	عضدالاسلام لاهیجانی	تهران
۹۰۴	سروش ایران	۱۳۳۵ ق	س . رضا ـ امیر رضوانی	تهران
۹۰۵	سعادت	۱۳۲۵ ق	محمد تقی نراقی	همدان
۹۰۶	سعادت	۱۳۲۹ ق	سعید زاده	تبریز
۹۰۷	سعادت	۱۳۳۸ ق	مهدی خان مافی (سعدالملک)	تهران
۹۰۸	سعادت ایران	۱۳۰۲ ش	ـــــ	مشهد
۹۰۹	سعادت ایران	۱۳۰۴ ش	شیخ ابراهیم کرمانی	اصفهان
۹۱۰	سعادت ایران	۱۳۰۵ ش	ـــــ	تهران

۹۱۱	سعادت بشر	۱۳۰۸ ش	محمد جواد هوشمند	تهران
۹۱۲	سعادت جنوب	۱۳۰۱ ش	—	شیراز
۹۱۳	سعادت غرب	۱۳۲۲ ش	فرهمندی	کرمانشاه
۹۱۴	سعادت وطن	۱۳۰۲ ش	—	تهران
۹۱۵	سعید الاخبار	۱۳۰۶ ق	آسید آقا شیرازی	حیدر آباد
۹۱۶	سفینهٔ نجات	۱۳۲۵ ق	—	یزد
۹۱۷	سکندر	۱۲۶۲ ق	—	کلکته
۹۱۸	سلام	۱۳۰۸ ش	—	تهران
۹۱۹	سلامت	۱۲۹۷ ش	رئیس الذاکرین(سید العراقین)	مشهد
۹۲۰	سلام علیکم	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۹۲۱	سلسبیل	۱۳۲۸ ق	—	تهران
۹۲۲	سلطان الاخبار	۱۲۶۲ ق	—	کلکته
۹۲۳	سودمند	۱۳۰۵ ش	عبدالله رازی	قاهره
۹۲۴	سها	۱۳۰۲ ش	مهدی نقیب زاده	اصفهان
۹۲۵	سهند	۱۳۰۵ ش	احمد زاده دهقان	تبریز
۹۲۶	سیمرغ	۱۳۲۲ ش	عباس محتشم نوری	تهران
۹۲۷	سلحشور	۱۳۲۳ ش	محمد حسین نبوی	تهران
۹۲۸	سروش	۱۳۲۲ ش	عبدالله عفیفی	شیراز

۹۲۹	سرنوشت	۱۳۲۲ ش	جواد مجید زاده صهبا	اصفهان
۹۳۰	سرگذشت	۱۳۲۳ ش	سید حسین مصطفوی	تهران
۹۳۱	سرباز سرخ	۱۳۲۰ ش	حسن اوغلی	رشت
۹۳۲	سرباز	۱۳۲۵ ش	فرهنگ دیمن	تهران
۹۳۳	سخن	۱۳۲۲ ش	دکتر پرویز ناتل خانلری	تهران
۹۳۴	سحر	۱۳۲۴ ش	دکتر علی فرهمندی	تهران
۹۳۵	ستاره غرب	۱۳۲۵ ش	سلیمان یونسی	تهران
۹۳۶	ستاره آذربایجان	۱۳۲۳ ش	هلال ناصر	تبریز
۹۳۷	ستارگان	۱۳۲۵ ش	اصغر قالیباف	تهران
۹۳۸	سپیده دم	۱۳۲۵ ش	فتح الله مشیری	تهران
۹۳۹	سپیده	۱۳۲۴ ش	مهندس فتح‌الله مشیری	همدان
۹۴۰	سپید رود	۱۳۲۱ ش	خلیل نوعی	رشت
۹۴۱	سپنتا	۱۳۲۲ ش	عبدالحسین سپنتا	اصفهان
۹۴۲	سپر	۱۳۲۵ ش	اسدالله میرشب	—
۹۴۳	سهیل	۱۲۹۹ ش	احتشام الممالک سهیلی	همدان
۹۴۴	سهیل	۱۳۰۲ ش	عبدالعلی جعفری	—
۹۴۵	سیاست	۱۳۰۰ ش	عباس اسکندری	تهران
۹۴۶	سیاست اسلامی	۱۳۰۲ ش	اعتماد الاسلام سیستانی	تهران

۹۴۷	سیاست امروز	۱۳۲۳ ش	محمد جواد کرمانی	تهران
۹۴۸	سیاست شرق	۱۳۰۵ ش	محمد رضا وزیر نظامی	تهران
۹۴۹	سیاسی	۱۳۲۸ ق	سید محمد حسن سائس (شهیدزاده)	شیراز
۹۵۰	سیروس	۱۳۰۴ ش	میرزا عبدالله ضرابی	—
۹۵۱	سینما و نمایشات	۱۳۰۹ ش	اسحق زنجانی	تهران
۹۵۲	سنندج	۱۳۲۸ ش	احمد کمانگر	سنندج
۹۵۳	شالُم	—	(به زبان فارسی و عبری)	تهران
۹۵۴	شاویک	۱۳۱۰ ق	(به زبان ارمنی)	تهران
۹۵۵	شاهپور	۱۳۰۳ ش	سید عبدالنبی سلامی کازرونی	شیراز
۹۵۶	شاهسون	۱۳۰۶ ش	حاج عبدالرحیم طالب اف و سید محمد شبستری	استانبول
۹۵۷	شاهنشاهی	۱۳۲۳ ق	عبدالحسین ملک المورخین	تهران
۹۵۸	شاهین	۱۳۰۸ ش	حبیب الله آقازاده	تبریز
۹۵۹	شب نامه	۱۳۱۰ ق	علیقلی صفراف	تبریز
۹۶۰	شجرهٔ خبیثهٔ کفر و شجرهٔ طیبهٔ ایمان	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۹۶۱	شرافت	۱۳۱۴ ق	وزارت مطبوعات	تهران
۹۶۲	شرافت	۱۳۲۶ ق	سید حسین	تهران
۹۶۳	شرف	۱۳۰۰ ق	(از طرف دولت)	تهران

۹۶۴	شرف	۱۳۲۶ ق	غلامحسین تهرانی	تهران
۹۶۵	شاهد	۱۳۲۵ ش	هوشنگ فرزاد	تهران
۹۶۶	شباهنگ	۱۳۲۳ ق	دکتر ذبیح‌الله صفا شهمیرزادی	تهران
۹۶۷	شرف	۱۳۲۳ ش	اسمعیل داودیان	تهران
۹۶۸	شعله ور	۱۳۲۳ش	محمد شعله ور	تهران
۹۶۹	شفق	۱۳۲۲ ش	دکتر شمس‌الدین جزایری	تهران
۹۷۰	شفق مطبوعات	۱۳۲۳ ش	احمد چمن‌آرا	تبریز
۹۷۱	شمال	۱۳۲۲ ش	عباس کدیور	تهران
۹۷۲	شمشیر امروز	۱۳۲۲ ش	سید کاظم وفائی	تهران
۹۷۳	شمع	۱۳۲۳ ش	محمد فرهاد معتمد	تهران
۹۷۴	شنگول	۱۳۲۲ ش	جواد میراحمدیان	تهران
۹۷۵	شوخی	۱۳۲۳ ش	منصور خشنودی پازارگاد	تهران
۹۷۶	شهاب ایران	۱۳۲۲ ش	دکتر علی یوسف صابونچی	تهران
۹۷۷	شهباز	۱۳۲۲ ش	رحیم نامور	تهران
۹۷۸	شهر فرنگ	۱۳۲۲ ش	مصطفی جابری	تهران
۹۷۹	شهریار	۱۳۲۵ ش	حسنعلی گرگانی	تهران
۹۸۰	شهریر	۱۳۲۴ ش	دکتر رحیم قادری نژاد	تهران
۹۸۱	شهریور	۱۳۲۳ ش	دکتر سید نصرت الهامان پور	تهران

۹۸۲	شیده	۱۳۲۵ ش	محمد تقی پور حسینی	تهران
۹۸۳	شیراز	۱۳۲۲ ش	دکتر عبدالعلی دهقان شیرازی	شیراز
۹۸۴	شیوا	۱۳۲۵ ش	هوشنگ میر مطهری	تهران
۹۸۵	شیوه	۱۳۲۵ ش	هوشنگ میر مطهری	تهران
۹۸۶	شفق	۱۳۲۴ ش	انجمن فرهنگی ایران و شوروی	تبریز
۹۸۷	شرق	۱۳۲۷ ق	سیدضیاءالدین طباطبائی	تهران
۹۸۸	شرق	۱۳۳۶ ق	س . ب	تبریز
۹۸۹	شرق	۱۳۰۳ ش	سعید نفیسی	تهران
۹۹۰	شرق ایران	۱۲۹۷ ش	رفعت التولیه	مشهد
۹۹۱	شرق نزدیک	۱۳۰۴ ش	میرزا اسدالله خونی	تهران
۹۹۲	شعاع	۱۳۰۲ ش	—	تهران
۹۹۳	شعله	۱۳۰۴ ق	م ـ ی تهرانی زاده	—
۹۹۴	شفق	۱۳۲۸ ق	ج . ا . رضازاده	تبریز
۹۹۵	شفق	۱۲۹۰ ش	—	خوی
۹۹۶	شفق سرخ	۱۳۰۰ ش	علی دشتی	تهران
۹۹۷	شکر	۱۳۲۵ ق	محمد علی عبدالمناف زاده	تبریز
۹۹۸	شکوفه	۱۳۳۱ ق	خانم مزین السلطنه	تهران
۹۹۹	شمال غرب	۱۳۰۷	باقر نطاق	تبریز

۱۰۰۱	شمس	۱۳۲۶ ق	سید حسن	استانبول
۱۰۰۲	شمس	۱۳۰۱ ش	میرزا سلیمان خسروی	تهران
۱۰۰۳	شمس طالع	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۰۰۴	شورای ایران	۱۳۲۶ ق	انجمن مشورت	تبریز
۱۰۰۵	شورای بلدی	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۰۰۶	شوری	۱۳۳۲ ق	ناصر الاسلام گیلانی	تهران
۱۰۰۷	شوش	۱۳۰۴ ش	هدایت‌الله فلسفی شیرازی	محمره
۱۰۰۸	شهاب	۱۳۰۱ ش	فخرالدین وفا	تهران
۱۰۰۹	شهاب ثاقب	۱۳۳۳ ق	میرزا احمد نراقی	تهران
۱۰۱۰	شهامت	۱۳۰۶ ش	محمد رضا رهنما	مشهد
۱۰۱۱	شهربانی	۱۳۱۴ ش	سلطان پارسا	تهران
۱۰۱۲	شیپور	۱۳۰۶ ش	منصور خشنود	شیراز
۱۰۱۳	شیخ چغندر	۱۳۲۹ ق	نصرت‌الله ابوالمعالی	تهران
۱۰۱۴	شیدا	۱۳۲۹ ق	(به زبان ترکی و فارسی)	استانبول
۱۰۱۵	شیراز (اخوت شیراز)	۱۳۲۷ ق	—	شیراز
۱۰۱۶	شیر کوه	۱۳۴۰ ق	شیخ احمد مدیر	یزد
۱۰۱۷	شیر و خورشید سرخ ایران	۱۳۰۴ ش	جمعیت شیرو خورشید سرخ	تهران
۱۰۱۸	صاعقه	۱۳۰۰ ش	—	تهران

۱۰۱۹	صاعقهٔ شرق	۱۳۴۴ ق	میرزا علی آقا ملکانی	مشهد
۱۰۲۰	صبح امید	۱۳۳۹ ق	محمد تقی ادیب خراسانی	اصفهان
۱۰۲۱	صبح سعادت	۱۳۳۶ ق	—	رشت
۱۰۲۲	صبح صادق	۱۳۲۵ ق	مرتضی قلی مؤید الممالک	تهران
۱۰۲۳	صبح صادق	۱۳۰۴ ش	سید جواد بهشتی	شیراز
۱۰۲۴	صبح نامه	۱۳۲۴ ق	سید محمد رضا شیرازی	تهران
۱۰۲۵	صحبت	۱۳۲۷ ق	سید حسین عدالت	تبریز
۱۰۲۶	صحت	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۰۲۷	صحت	۱۳۰۳ ش	—	خراسان
۱۰۲۸	صحت	۱۳۰۴ ش	میرزا حسین خان صحت	اصفهان
۱۰۲۹	صحت ایران	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۰۳۰	صحت‌نمای ایران	۱۳۱۲ ش	دکتر اپراتور محمد علی	تهران
۱۰۳۱	صحیحه و امور خیریه	۱۳۰۰ ش	وزارت صحیحه	تهران
۱۰۳۲	صداقت	۱۳۲۶ ق	—	تهران
۱۰۳۳	صداقت	۱۳۰۵ ش	(بصورت هفتگی)	—
۱۰۳۴	صدای اسلام	۱۳۰۱ ش	افتخار آشتیانی	شیراز
۱۰۳۵	صدای آسیا	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۰۳۶	صدای اصفهان	۱۳۰۰ ش	محمد علی مکرم	اصفهان



میرزا علی‌اکبر دهخدا « دخو » نویسنده ستون « چرند و پرند » در صوراسرافیل

۱۰۳۷	صدای ایران	۱۳۳۵ ق	اجلال السلطان	تهران
۱۰۳۸	صدای ایران	۱۳۳۸ ق	خداداد عزیز	باکو
۱۰۳۹	صدای جنوب	۱۲۹۹ ش	شیخ محمد امین	شیراز
۱۰۴۰	صدای رشت	۱۳۲۹ ق	ع . احمد زاده	رشت
۱۰۴۱	صدای شرق	۱۳۴۲ ق	م . خواجوی	مشهد
۱۰۴۲	صدای تهران	۱۳۳۸ ق	سید محمد تدین	تهران
۱۰۴۳	صدای کرمان	۱۳۰۵ ش	میرزا عباس ساعد ملاباشی	کرمان
۱۰۴۴	صدای مازندران	۱۳۰۵ ش	غلامحسین خان وحیدی	مازندران
۱۰۴۵	صراط الصنایع	۱۳۲۶ ق	—	تهران
۱۰۴۶	صراط المستقیم	۱۳۲۴ ق	—	تبریز
۱۰۴۷	صراط المستقیم	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۰۴۸	صلاح	۱۲۹۸ ش	میرزا احمد شیرازی	تهران
۱۰۴۹	صلاح	۱۳۰۴ ش	میرزا احمد شیرازی	تهران
۱۰۵۰	صلاح بشر	۱۳۰۳ ش	حجازی	تهران
۱۰۵۱	صنایع آلمان و شرق	۱۹۲۱ م	سیف آزاد	برلن
۱۰۵۲	صور اسرافیل	۱۳۲۵ ق	میرزاجهانگیر شیرازی و میرزاقاسم تبریزی	تهران
۱۰۵۳	صور اسرافیل	۱۳۲۷ ق	علی اکبر خان دهخدا	سویس
۱۰۵۴	صورت	۱۳۰۳ ش	حسین نیک روان	رشت

سال اول

(نمره ۱٦) (ونفخ فی الصور فاذاهم من الاجداث الی ربهم ینسلون) (صفحه ۱)



عنوان مراسلات

میرزا جهانگیرخان شیرازی و

میرزا قاسم‌خان تبریزی

طهران خیابان علاءالدوله

محاذی مهمانخانهٔ مرکزی

دیوونگار دهمیرزا علی‌اکبرخان قزوینی

پنجشنبه ۷ شوال ۱۳۲۵ هجری

فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم

هفتگی سیاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و لوایحی

که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته

میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است

مکتوبهای بدون تمبر قبول نخواهد شد

وجه آبونه از هرکس و از هرجا مقدماً گرفته میشود

قیمت اشتراک سالیانه

طهران دوازده (۱۲) قران

سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران

ممالک خارجه دو (۲) تومان

قیمت تک نمره

طهران چهار (٤) شاهی

سایر بلاد ایران (۵) شاهی

مسلمین و شرک

اگر یک نفر مجاهد از یک مسلمان منصف بپرسد آیا نتیجهٔ بعث رسل و انزال کتب چیست ؟ و آیا برای غنی بالذات از اعتقاد و انکار مردم بوجود او چه نفع وضروری متصور است ؟ نا چار اگر این شخص مسلمان عرفان‌بافیهای بی مغزیعنی شعریات و استحسانات را کنار بگذارد وعقل‌سلیم را حکم کند در جواب خواهد گفت ، نسبت احتیاج بمقام غنای مطلق کفر محض و مخالف هرعقل و حکمتی است ، فقط احتیاج ما وجود زاجری قلبی مبدء فیاض را بفرستادن کتب و رسل وهدایت قوم بشناسائی ذات یگانهٔ خود وادار

، همهٔ انبیا سلف وحکمای بزرگ ومتدینین با شعوردنیا نیز فائدهٔ عقیدهٔ دینی را این دانسته و کلام معجز نظام (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) نیز برای هیچ سفسطهٔ قدمی بجالی نمی گذارد ،

ولی وقتی از وجود این پلیس مخفی انسان متنفع و این زاجر قلبی مؤید پیشرفت اخلاق خوب میشود که سروکار انسان بیک وجود قهر غالب ومسئول یک حاکم نافذ الامر باشد ، یعنی اگر مقداری نامعین از اختیارات این فرمانفرمای مطلق را بکسی یا چیزی واگذار کنند بلا شک آنوقت دین مؤید تهذیب اخلاق نشده وبعکس موجب فساد وهرج ومرج وقوت رذائل خلق میشود ،

«نمونه‌ای از صوراسرافیل»

۱۰۵۵	صورت	۱۳۲۱ ش	حسین نیکروان	رشت
۱۰۵۶	صور	۱۳۲۲ ش	دکتر پرویز صدیق	تهران
۱۰۵۷	صدای ایران	۱۳۲۰ ش	سید محمد صادق سرمد	تهران
۱۰۵۸	صدای مردم	۱۳۲۲ ش	سید علی بشارت	تهران
۱۰۵۹	صدای وطن	۱۳۲۲	سید علی بشارت	اصفهان و تهران
۱۰۶۰	صفا	۱۳۲۳ ش	عبدالصاحب صفائی حائری	ساری
۱۰۶۱	صنعت	۱۳۲۲ ش	دکتر مهدی بازرگان	تهران
۱۰۶۲	صیحه	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۰۶۳	صیحهٔ آسمانی	۱۳۰۰ ش	محمد جناب زاده	—
۱۰۶۴	صیحهٔ تمدن	—	باقر جعفری	—
۱۰۶۵	ضیاء شرق	۱۳۰۳ ش	حسین ضیائی	—
۱۰۶۶	طاق بستان	۱۳۱۳ ش	—	کرمانشاه
۱۰۶۷	صدای کردستان	۱۳۲۵ ش	محمد کریم معتمد وزیری	سنندج
۱۰۶۸	صدای کرد	۱۳۳۱ ش	اسمعیل شاکری	کرمانشاه
۱۰۶۹	صرصر	۱۳۳۲ ش	علی اردلان	تهران
۱۰۷۰	طب	۱۳۰۱ ش	میرزا احمد	تهران
۱۰۷۱	طب	۱۳۰۴ ش	میرزا احمد	تهران
۱۰۷۲	طب جدید	۱۳۰۲ ش	—	تهران

۱۰۷۳	طبرستان	۱۳۰۹ ش	صدر آراء	آمل
۱۰۷۴	طب کنونی	۱۳۳۹ ش	دکتر فتحعلی خان صبا	مشهد
۱۰۷۵	طب مصور	۱۳۳۵ ق	مزین السلطان	تهران
۱۰۷۶	طبی	—	محمود خان علیم الدوله	تهران
۱۰۷۷	طبیعت	۱۳۳۹ ق	میرزا تقی‌خان بهرامی	تهران
۱۰۷۸	طریقة الفلاح	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۰۷۹	طریق نجات	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۱۰۸۰	طلوع	۱۳۱۸ ق	عبدالحمید متین السلطنه	بوشهر
۱۰۸۱	طلوع	۱۲۹۴ ش	—	تهران
۱۰۸۲	طلوع	۱۳۰۲ ش	محمود رضا	رشت
۱۰۸۳	طلوع ایران	۱۳۰۶ ش	—	تهران
۱۰۸۴	طلیعهٔ آئینه افکار		علیمحمد فخام السلطان مستوفی (بجای روزنامه طوفان فرخی)	تهران
۱۰۸۵	طوفان شرق	۱۳۲۲ ش	اسدالله طوفانیان	تهران
۱۰۸۶	طوطی	۱۳۲۱ ش	دکتر سید حسین طباطبائی	تهران
۱۰۸۷	طوس	۱۳۱۴ ش	میر مرتضی حمیدی روئین تن	مشهد
۱۰۸۸	طبرستان	۱۳۲۵ ش	رضا شمس المعالی معرفت	تهران
۱۰۸۹	طلیعهٔ سعادت	۱۲۹۰ ش	—	تهران

۱۰۹۰	طلیعهٔ سعادت	ــــ	ــــ	کرمانشاه و اصفهان
۱۰۹۱	طلیعهٔ قدس	۱۳۰۲ ش	ــــ	رشت
۱۰۹۲	طنین	۱۳۰۴ ش	میرزا فتح الله قزل اياغ	ــــ
۱۰۹۳	طوس	۱۳۱۳ ش	حسن عمید	مشهد
۱۰۹۴	طوفان	۱۳۰۰ ش	فرخی	تهران
۱۰۹۵	طوفان	۱۳۰۶ ش	فرخی	تهران
۱۰۹۶	طهران	۱۳۲۶ ق	میرزا حسن رشدیه	تهران
۱۰۹۷	طهران مصور	۱۳۰۸ ش	ع . نعمت	تهران
۱۰۹۸	طلای سیاه	۱۳۳۲ ش	میرناصر الدین مشیرپور	تهران
۱۰۹۹	ظفر	۱۳۲۳ ش	رضا روستا	تهران
۱۱۰۰	ظریف	۱۳۰۴ ش	حاج میرزا احمد کاشف	شیراز
۱۱۰۱	عالم نسوان	۱۳۳۸ ق	نوابه خانم صفوی	تهران
۱۱۰۲	عبرت	۱۳۲۴ ق	ــــ	تبریز
۱۱۰۳	عدالت	۱۳۲۱	ابراهیم خواجه نوری	تهران
۱۱۰۴	عدالت	۱۳۲۴ ق	میرزا حسین	تبریز
۱۱۰۵	عدالت ایران	۱۳۲۶ ش	مهندس احمد علوی	تهران
۱۱۰۶	عدالت	۱۲۹۹ ق	سید محمد حسن عدالت	شیراز
۱۱۰۷	عدل	۱۳۳۳ ق	محمد صادق شریف	شیراز

۱۱۰۸	عدل	۱۲۹۲ ش	حاج شیخ جعفر	تهران
۱۱۰۹	عدل مظفر	۱۳۲۴ ق	دکتر حسن طبیب علی	همدان
۱۱۱۰	عراق	۱۳۱۲ ش	باقر موسوی	اراک
۱۱۱۱	عراق عجم	۱۳۲۰ ق	ادیب الملک	تهران
۱۱۱۲	عرفان	۱۳۱۳ ش	احمد مراغی عرفان	اصفهان
۱۱۱۳	عرفان	۱۳۰۶ ش	احمد عرفان	اصفهان
۱۱۱۴	عروةالوثقی	۱۳۲۵ ق	ــــ	تهران
۱۱۱۵	عالم	۱۳۲۳ ش	دکتر عبدالحسین میر سپاهی	تهران
۱۱۱۶	عالم زنان	۱۳۲۲ ش	سفارت انگلیس در ایران	تهران
۱۱۱۷	عالم یهود	۱۳۲۴ ش	مهندس بوستانی	تهران
۱۱۱۸	عصر اقتصاد	۱۳۰۵ ش	دکتر محمود کیهان	تهران
۱۱۱۹	عصر امید	۱۳۲۵ ش	سید فخرالدین رضوی	کاشان
۱۱۲۰	عصر انقلاب	۱۳۲۵ ش	عبدالله فریار	تهران
۱۱۲۱	عقیده	۱۳۲۵ ش	محمد صادق شاه آبادی	تهران
۱۱۲۲	علی بابا	۱۳۲۳ ش	محسن هنریار	تهران
۱۱۲۳	عصر	۱۳۲۸ ق	شیخ حسن خان فریار تبریزی	تهران
۱۱۲۴	عصر آزادی	۱۲۹۹ ش	میرزا جواد آزادی	شیراز
۱۱۲۵	عصر انقلاب	۱۳۳۴ ق	میرزا آقا خان فریار همدانی	تهران

۱۱۲۶	عصر تمدن	۱۳۴۱ ق	میرزا مهدی خان ساعی	تهران
۱۱۲۷	عصر پهلوی	۱۳۰۴ ش	مؤید الشریعه گیلانی	اصفهان
۱۱۲۸	عصر پهلوی	۱۳۰۸ ش	عبدالله رازی	قاهره
۱۱۲۹	عصر جدید	۱۳۲۸ ق	سید حسن الموسوی	مشهد
۱۱۳۰	عصر جدید	۱۳۲۳ ق	عبدالحمید متین السلطنه	تهران
۱۱۳۱	عصر جدید	۱۳۰۱ ش	ــــ	تهران
۱۱۳۲	عصر جدید	۱۳۰۸ ش	(همان راهنمای تجارتی ایران است)	تهران
۱۱۳۳	عصر جوان	۱۳۰۴ ش	آقا میرزا رحیم خان	ــــ
۱۱۳۴	عصر دموکراسی	ــــ	ــــ	تهران
۱۱۳۵	عصر سعادت	۱۲۹۵ ش	ــــ	رشت
۱۱۳۶	عصر عزت	۱۳۰۴ ش	میرزا ابوالفضل ساوجی	تهران
۱۱۳۷	عصر قدرت	۱۳۰۴ ش	دکتر کاظم خان وزیری	تهران
۱۱۳۸	عصر نو	۱۳۰۱ ش	ــــ	تهران
۱۱۳۹	عصر نو	۱۳۰۳ش	ــــ	تهران
۱۱۴۰	عصر نهضت	۱۳۰۲ ش	ح . قربانی	تهران
۱۱۴۱	عظمت اسلام	۱۳۰۲ ش	عبدالحمید مشرفی	تهران
۱۱۴۲	عظمت ایران	۱۳۰۳ ش	ــــ	تهران
۱۱۴۳	عظمت شرق	۱۳۰۳ ش	ــــ	تهران

۱۱۴۴	علم آموز	۱۳۲۵ ق	ــــ	تهران
۱۱۴۵	علم اخلاق	۱۳۲۹ ق	سید محمد حجت	تهران
۱۱۴۶	علم و تربیت	۱۳۳۹ ق	میرزا حسین پرتو	تهران
۱۱۴۷	علم و هنر	۱۳۰۶ ش	ابوالقاسم وثوق مهندس	برلن
۱۱۴۸	علمی	۱۲۹۳ ق	محمد حسن صنیع الدوله	تهران
۱۱۴۹	علمی و فنی	۱۳۱۴ ش	ــــ	تهران
۱۱۵۰	علمیه	۱۲۸۰ ق	(از طرف دولت)	تهران
۱۱۵۱	علوم مالیه و اقتصاد	۱۳۰۳ ش	ثقة الدوله	تهران
۱۱۵۲	علیگر	ــــ	(به زبان فارسی)	کلکته
۱۱۵۳	عنکبوت	۱۳۰۴ ش	میرزا باقر نطاق	تبریز
۱۱۵۴	عصر گروس	ــــ	رحمت اله فریدونی	بیجار
۱۱۵۶	عهد آزادی	ــــ	ــــ	
۱۱۵۷	عهد انقلاب	۱۳۳۳ ق	میرزا آقا خان همدانی	تهران
۱۱۵۸	عهد ترقی	۱۳۳۳ ق	ح . ر	تهران
۱۱۵۹	عهد تجدد	۱۳۰۲ ش	ــــ	تهران
۱۱۶۰	عهد جدید	۱۲۹۴ ش	ــــ	تهران
۱۱۶۱	عنقا	۱۳۰۵ ش	شیخ اسدالله گلپایگانی ایزد گشسب	اصفهان
۱۱۶۲	غربال	۱۳۰۳ ش	غلامحسین خان نوری	تهران

۱۱۶۳	غرب ایران	۱۳۳۵ ق	ــــ	کرمانشاه
۱۱۶۴	غرب ایران	۱۳۰۲ ق	ــــ	تهران
۱۱۶۵	غرش	۱۲۹۹ ش	محمد باقر تویسرکانی	اصفهان
۱۱۶۶	غیرت	۱۳۱۹ ق	انجمن سری	تهران
۱۱۶۷	غیرت کربلا	۱۳۳۴ ق	ــــ	کربلا
۱۱۶۸	غلبه	۱۳۲۵ ش	محمد بی‌ریا(به زبان ترکی)	تبریز
۱۱۶۹	غوغا	ــــ	علی اردلان	تهران
۱۱۷۰	فدائی	۱۳۲۵ ش	حزب دموکرات (به زبان ترکی)	میانه
۱۱۷۱	فلک	۱۳۲۵ ش	اعتضاد مظفری	تهران
۱۱۷۲	فرهنگستان	۱۳۲۲	رشید یاسمی	تهران
۱۱۷۳	فروهر	۱۳۲۵ ش	مهندس فرهاد	تهران
۱۱۷۴	فروغ ایران	۱۳۲۵ ش	مهندس فارغ سامیان	تهران
۱۱۷۵	فرمان کارگران	۱۳۲۵ ش	ارگان اتحادیه سندیکای کارگران	تهران
۱۱۷۶	فرمان	۱۳۲۲ ش	علی شاهنده	تهران
۱۱۷۷	فرشته آزادی	۱۳۲۵ ش	محمد میر مطهری	تهران
۱۱۷۸	فانوس	۱۳۲۵ ش	سید مصطفوی صفوی راد	تهران
۱۱۷۹	فارس	۱۳۳۱ ق	میرزاآقا فرصت	شیراز
۱۱۸۰	فارس نامه	۱۳۰۳ ش	حشمت الممالک	شیراز

۱۱۸۱	فرج بعد از شدت	۱۳۲۵ ق	میرزا نورالدین مجلسی	اصفهان
۱۱۸۲	فرخی	۱۳۰۲ ش	ـــــ	تهران
۱۱۸۳	فردا	۱۳۲۲ ش	باقر نیک انجام	تهران
۱۱۸۴	فردا	۱۳۰۰ ش	ـــــ	تهران
۱۱۸۵	فردوس	۱۲۹۵ ش	ـــــ	تهران
۱۱۸۶	فردوسی	۱۳۰۰ش	میرزا محمد وفادار	تهران
۱۱۸۷	فرنگستان	۱۳۰۳ ش	جوانان ایرانی مقیم برلن	برلن
۱۱۸۸	فروغ	۱۳۰۶ ش	ابراهیم فخرائی	رشت و تهران
۱۱۸۹	فروغ	۱۳۲۴ ش	ابراهیم فخرائی	تهران
۱۱۹۰	فروغ تربیت	۱۳۰۰ ش	میرزا ابوالحسن خان فروغی	تهران
۱۱۹۱	فروغ خاور	۱۳۰۱ ش	ـــــ	تهران
۱۱۹۲	فروردین	۱۳۲۹ ق	حبیب‌الله آقازاده	رضائیه
۱۱۹۳	فروردین	ـــــ	سید جمال الدین جزایری	شیراز
۱۱۹۴	فروردین	۱۳۰۷ ش	ـــــ	تهران
۱۱۹۵	فرهنگ	۱۲۹۶ ق	میرزا تقی‌خان سرتیپ حکیم باشی	اصفهان
۱۱۹۶	فرهنگ	۱۳۲۵ ق	اعتضاد العلماء	تهران
۱۱۹۷	فرهنگ	۱۲۹۸ ش	ـــــ	تهران
۱۱۹۸	فرهنگ	۱۲۹۸ ش	جمعیت فرهنگ رشت	رشت

۱۱۹۹	فرهنگ	۱۳۰۴ ش	جمعیت فرهنگ	رشت
۱۲۰۰	فروهر	۱۳۰۱ ش	خدا رحم آبادیان	تهران
۱۲۰۱	فرهی	۱۳۰۴ ش	آقا میرزا بهاءالدین	—
۱۲۰۲	فریاد	۱۳۲۵ ق	میرزا حبیب‌الله ارومیه	رضائیه
۱۲۰۳	فریاد	۱۳۰۴ ش	سید محمد طباطبائی	تهران
۱۲۰۴	فریاد	۱۳۲۲ ش	حسینقلی کابتی	شیراز
۱۲۰۵	فریاد آذربایجان	۱۳۴۵ ق	حاج کاظم خان دادگران	تبریز
۱۲۰۶	فریاد ایران	۱۳۰۹ ش	—	کرمانشاه
۱۲۰۷	فریاد وطن	۱۲۹۰ ش	—	تهران
۱۲۰۸	فصاحت	۱۳۰۴ ش	میرزا محمد جواد کرمانشاهی	کرمانشاه
۱۲۰۹	فکر	۱۳۳۰ ق	وارتانیانس	تبریز
۱۲۱۰	فکر آزاد	۱۲۹۸ ش	نوبخت	شیراز
۱۲۱۱	فکر آزاد	۱۳۰۱ ش	احمد دهقان	مشهد و تهران
۱۲۱۲	فکر استقبال	۱۳۲۸ ق	علی شریعت زاده	استانبول
۱۲۱۳	فکر ایران	۱۳۰۲ ش	—	تهران
۱۲۱۴	فکرت	۱۳۱۲ ش	—	تهران
۱۲۱۵	فکر جوان	۱۳۰۵ ش	علی‌آزادهٔ گیلانی	رشت
۱۲۱۶	فکر جوان	۱۳۲۱ ش	علی‌آزاد گیلانی	رشت

۱۲۱۷	فکر نو	۱۳۰۴ ش	اکبر آقاخان شیرویه	اصفهان
۱۲۱۸	فلاح	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۱۲۱۹	فلاحت	۱۳۱۰ ش	دکتر مرتضی گل سرخی	تهران
۱۲۲۰	فلاحت مظفری	۱۳۱۸ ق	از طرف دولت	تهران
۱۲۲۱	فلاحت و تجارت	۱۲۹۷ ش	اداره کل فلاحت و تجارت	تهران
۱۲۲۲	فلق	۱۳۰۱ ش	صادق بروجردی	تهران
۱۲۲۳	غنی	۱۲۹۷ ش	—	تهران
۱۲۲۴	فواید عامه	۱۳۲۵ ق	یوسف خان هراتی	تهران
۱۲۲۵	فولاد	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۱۲۲۶	قاجاریه	۱۳۲۵ ق	مجمع وداد و اتحاد قاجاریه	تهران
۱۲۲۷	قاسم الاخبار	۱۳۲۵ ق	میرزا ابوالقاسم همدانی	تهران
۱۲۲۸	قیام ایران	۱۳۲۲ ش	حسن صدر	تهران
۱۲۲۹	قلندر	۱۳۲۵ ش	حسنعلی رفعی	تهران
۱۲۳۰	قاصد تهران	۱۳۰۴ ش	فرانسوا ملک کرم	تهران
۱۲۳۱	قانون	۱۳۰۷ ق	میرزا ملکم خان ناظم الدوله	تهران
۱۲۳۲	قانون	۱۳۰۰ ش	رسا	تهران
۱۲۳۳	قدرت	۱۳۰۶ ش	میرزا عبدالله	شیراز
۱۲۳۴	قرن بیستم	۱۳۰۰ ش	میرزادهٔ عشقی	تهران

۱۲۳۵	قرن چهارم	۱۳۰۲ ش	آزادهٔ گیلانی	رشت
۱۲۳۶	قزوین	۱۳۱۸ ق	میرزا ابوالقاسم	قزوین
۱۲۳۷	قشون	۱۳۰۱ ش	وزارت جنگ	تهران
۱۲۳۸	قضائی	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۱۲۳۹	قلم آزاد	۱۳۰۲ ش	حسین هاتفی	تهران
۱۲۴۰	قلم آزاد	۱۳۰۸ ش	ح . معطر	تهران
۱۲۴۱	قلم توانا	۱۳۰۴ ش	میرزا مرتضی فتوحی	تهران
۱۲۴۲	قلم پاک	۱۳۰۱ ش	عبداله زاده	تهران
۱۲۴۳	قند پارس	۱۳۲۳ ق	محمد حسن الله خان ثاقب	علیکرد هندوستان
۱۲۴۴	قیام	۱۳۰۱ ش	موسوی زاده	تهران
۱۲۴۵	قیام بحق	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۲۴۶	قیامت	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۲۴۷	قیام شرق	۱۲۹۶ ش	—	تهران
۱۲۴۸	قیام شرق	۱۳۲۵ ش	محمد شاهرخی	تهران
۱۲۴۹	کار	۱۳۰۱ ش	ابوالفضل لسانی	تهران
۱۲۵۰	کارگر	۱۲۹۹ ش	میر محمد ماکوئی	خوی
۱۲۵۱	کاغذ اخبار	۱۲۱۱ ش	میرزا صالح شیرازی	تبریز
۱۲۵۲	کارون	۱۳۰۲ ش	سعید شیروانی	اصفهان

۱۲۵۳	کشور	۱۳۲۳ ش	جلال نائینی	تهران
۱۲۵۴	کسری	۱۳۲۳ ش	حسین زعیمی	تهران
۱۲۵۵	کردار و گفتار	۱۳۲۱ ش	محمد علی اخباری	تهران
۱۲۵۶	کبوتر	۱۳۲۱ ش	رضا لطفی لاریجانی	تهران
۱۲۵۷	کاتون آگهی	۱۳۲۰ ش	فرهنگ فرد	تهران
۱۲۵۸	کاریکاتور شوخی	۱۳۲۳ ش	—	تهران
۱۲۵۹	کاریکاتور پیروزی	۱۳۲۵ ش	محمد مرتضوی و محسن‌دولّو	تهران
۱۲۶۰	کاروان	۱۳۲۳ ش	سید محمد باقریزی فردزواره‌ای	تهران
۱۲۶۱	کارو دانش	۱۳۲۵ ش	خدیجه کشاورز	تهران
۱۲۶۲	کارگران ایران	۱۳۲۵ ش	مهندس باقر نیو	تهران
۱۲۶۳	کارزار	۱۳۲۵ ش	رضا صمصام نیا	تهران
۱۲۶۴	کازرون	۱۳۰۵ ش	میرزا عبدالله کازرونی	کازرون
۱۲۶۵	کاشان	۱۳۲۹ ق	نایب الصدر	کاشان
۱۲۶۶	کاشف اسرار	۱۲۹۵ ش	پروردین	اصفهان
۱۲۶۷	کاشف الحقایق	۱۳۲۵ ق	میرزا حبیب الله خان	تهران
۱۲۶۸	کاقاپار	۱۳۰۳ ش	آرام پکیان (ارمنی)	تهران
۱۲۶۹	کالات شارارا	۱۸۹۶ م	داود (زبان آسوری)	رضائیه
۱۲۷۰	کامکار	۱۳۰۶ ش	فضل الله غوض زاده	اصفهان

۱۲۷۱	کانون	۱۳۱۷ ش	حسین مطیعی	تهران
۱۲۷۲	کانون جهانگردی	۱۳۱۵ ش	کانون جهانگردی	تهران
۱۲۷۳	کانون شعر	۱۳۱۳ ش	حسین مطیعی	تهران
۱۲۷۴	کاوه	۱۳۳۴ ق	سید حسن تقی‌زاده	برلین
۱۲۷۵	کخوا (کوکب)	۱۳۲۶ ق	رابی یوحنن موسی	رضائیه (زبان کلدانی)
۱۲۷۶	کردار	۱۳۰۰ ش	—	تهران
۱۲۷۷	کرمانشاه	۱۳۰۹	فرج اله کاویانی	کرمانشاه
۱۲۷۸	کرمانشاه	۱۳۲۷ ق	فصیح المتکلمین	کرمانشاه
۱۲۷۹	کرنا	۱۳۴۲ ق	رضامینو	تهران
۱۲۸۰	کشاورزی	۱۳۰۹ ش	دکتر مرتضی گلسرخی	تهران
۱۲۸۱	کشاورز	۱۳۴۱ ق	سلیم ایزدی	تهران
۱۲۸۲	کشکول	۱۳۲۵ ق	مجدالاسلام کرمانی	تهران
۱۲۸۳	کشکول	۱۳۲۷ ق	مجد الاسلام کرمانی	اصفهان
۱۲۸۴	کشکول دهقان	۱۳۰۴ ش	—	تهران
۱۲۸۵	کقاسر	۱۹۱۹ م	(به زبان ارمنی)	تبریز
۱۲۸۶	کیهان	۱۳۲۱ ش	عبدالرحمن فرامرزی	تهران
۱۲۸۷	کیفر	۱۳۲۱ ش	دکتر شکیبی	تهران
۱۲۸۸	کهکشان	۱۳۲۵ ش	مهدی حمیدی	تهران

۱۲۸۹	کوه نور	۱۳۲۵ ش	سلیمان خان انوشیروانی	تهران
۱۲۹۱	کوهستان	۱۳۲۳	دکتر اسمعیل اردلان	تهران
۱۲۹۲	کودک	۱۳۲۴ ش	عباسعلی روحانی نجف آبادی	تهران
۱۲۹۳	کوپال	۱۳۲۵ ش	مسیح آزاد	تهران
۱۲۹۴	کلید نجات	۱۳۲۴ ش	رضا زاده	تبریز
۱۲۹۵	کلید سیاسی	۱۳۲۵ ق	یوسف هراتی	تهران
۱۲۹۶	کمال	۱۳۲۳ ق	میرزا حسین طبیب‌زاده	قاهره
۱۲۹۷	کمال	۱۳۱۷ ق	میرزا حسین طبیب‌زاده	تبریز
۱۲۹۸	کمالی	۱۳۰۹ ش	سید علی کمالی	همدان
۱۲۹۹	کنکاش	۱۳۲۸ ق	محمد علی حسن زاده	رشت
۱۳۰۰	کورتز (کار)	۱۹۰۳ م	(به زبان ارمنی)	تبریز
۱۳۰۱	کوشش	۱۳۰۱ ش	شکرالله صفوی	تهران
۱۳۰۲	کوکب ایران	۱۳۲۵ ق	رکن الاسلام خلخالی	تهران
۱۳۰۳	کوکب درخشان	۱۳۰۶ ش	احمد جواهری (بروجردی)	کرمانشاه
۱۳۰۴	کوکب دری	۱۳۲۵ ق	ناظم الاسلام کرمانی	تهران
۱۳۰۵	کوکب غرب	۱۳۱۱ ش	حاجی عبدالله مستشار علی نعمتی	تهران
۱۳۰۶	کوکب غرب	۱۳۰۴ ش	میرزا عبدالله کرمانشاهی	—
۱۳۰۷	کوکب ناصری	۱۳۰۹ ق	میرزا مصطفی شیخ‌الاسلام بهبهانی	بمبئی

نمره ۱۳ سال دوم صفحهٔ اوّل

محل توزیع
تبریز در ادارهٔ مدرسهٔ کمال
صاحب امتیاز
مؤسس و رئیس مدرسه و روزنامه
کتابخانهٔ کمال حسین طبیب‌زاده
حقوق پست همه جا بعهدهٔ اداره است
قیمت اعلان سطری پانصد دینار است
قیمت اشتراک در وسط سال کم نمیشود

وجه اشتراک
قیمت سالیانه در تبریز هشت قران
سایر ولایات محروسه ده قران
ممالک عثمانی بیست غروش
ممالک روسیه ۳ منات
ممالک فرنگ شش فرانک
هندوستان شش روپیه
قیمت یکنمره هفت شاهی است

کمال

منافع روزنامه صرف مدرسهٔ کمال خواهد شد

جریده‌ایست دایر بترقی ملت و آبادی مملکت و انتشار علوم و معارف و هرگونه مقالات دایر بترویج مدارس درآن درج خواهد شد مکتوبات مفیدهٔ عامه با امتنان قبول و درج میشود در روز اوّل و پانزدهم هر ماه بطبع میرسد

روز سه‌شنبه پانزدهم شهر رجب‌المرجب ۱۳۱۹

وطن خانهٔ ماست

بقیه از نمره ۱۳

ای برادران دین و وطن میدانید که نجات ما از علم است. امید ما بر مسلم است. عقبای ما از دنیای علم فراهم و دین مقدس ما از دینار علم مسلم و بدبختی و ذلت ما نیز از علم خواهد بود و دانستیم که علم در کجا و چگونه تحصیل میشود. مدرسه‌ها از چیست؟ پیش از آنکه مقاصد مهمه را (آبادی وطن) را که ضمیمهٔ تعمیم معارف و تربیت ابنای ملت است معروض داشته و با جرئی آنها همت دیاری طلبم فصلی نیز در بارهٔ تشکیل مدارس و اجرای بارهٔ قواعد نامهٔ صحیحهٔ آنها میپردازم که از مجاری افکار روشن ضمیر ابصار هموطنان گرامی و برادران اسلامی بارهای اشکالات و اشتباهات سابقه در آفاق زوال انفعال پذیرد:

تشکیل مدارس را که باید بکند؟ و با چه اسباب مهمات او را گرد آورد؟ در جواب این سؤال را گویا بجز ارباب خبرت و بصیرت کسی دیگر ملتفت نشود و از این دو بار هرکسی از فن خود سهمی خواهند و در صورتیکه بعز باید هرکس سهل مدخل داند... و یا هرکس در خیال اشتهار است... یا دوسه نیکت مغلوک و کجا کار... و در این فن اگر مبتلا به شبهات مبتلا شوند کرد حق هم داشته باشند زیرا که تکالیف... در مدرسهٔ کمال که اضطرار ام استلزام میشدند در مدرسه که اینطور ابراز داشته و همان یکی هم از آن ذکاوت بنیان قاعدهٔ کلی اعلان کرده ولی حالا از نقطهٔ علم... نمودم بتوان سهو کمن ورنه کرنگری باز دایره بیرون باشی) پردهٔ دیگری از جهل شاهد مسئله برداشته و طرز آرایش او را که بدست مشاطهٔ اتحاد و غیرت ملی وقوع یافته بنمایم:

تشکیل مدارس را دو طبقه مختصر باید اقدام نمایند — اوّل دولت ثانی از مستوفیان ملت... هیئت شخص واحد و یا با اتفاق چند نفر دولت علیهٔ ایران برای سرمشق و تنبیه ملت خود مدارس متعدده مکمله در طهران و تبریز تشکیل داد که شاید آنها ببینند خودم و سایر مسلمانان...

نمونه‌ای از روزنامهٔ « کمال »

۱۳۰۸	کوهرنگ	۱۳۱۳ ش	امیر قلی امینی	اصفهان
۱۳۰۹	کیان	۱۳۰۴ ش	محمد اسمعیل قمشه‌ای	—
۱۳۱۰	کیمیا	۱۳۰۶ ش	پرفسور . م محمدزاده	تهران
۱۳۱۱	کیوان	۱۳۲۵ ش	ابوالقاسم رشیدی	اصفهان
۱۳۱۲	کیوان	۱۳۱۹ ش	ربیع انصاری	ارومیه ـ اصفهان
۱۳۱۳	کردان	—	تیمور افشارنادری	—
۱۳۱۴	کردستان	۱۳۲۰ ش	عبدالحمید بدیع الزمانی	تهران
۱۳۱۵	کردستان	—	دکتر محمد کیوان پورمکری	تهران
۱۳۱۶	کردستان	—	دکتر مکری	تهران
۱۳۱۷	کردستان	—	عبدالرحمن سرنجداغی	تهران
۱۳۱۸	کرد و کردستان	۱۳۳۰ ش	کریم کرد	سنندج
۱۳۱۹	کوهستان	۱۳۲۳ ش	دکتر اسمعیل اردلان	تهران
۱۳۲۰	کردستان	۱۹۱۲ م	عبدالرزاق بیگ	رضائیه
۱۳۲۱	کوردستان	۱۹۴۵ م	حزب دموکرات	مهاباد
۱۳۲۲	کوردستان	۱۹۴۵ م	کمیته مرکزی حزب دموکرات	مهاباد
۱۳۲۳	گذران توده	۱۳۰۵ ش	میرزا خلیل یوسف زاده نوعی	—
۱۳۲۴	گفتار راست	۱۳۰۱ ش	سید نورالدین گلستان	شیراز
۱۳۲۵	گل آتشی	۱۲۹۹ ش	نوبخت	شیراز

۱۳۲۶	گلین	۱۳۱۵ ش	—	تهران
۱۳۲۷	گلبهار	۱۳۱۲ ش	ع. مولوی	یزد
۱۳۲۸	گلزار	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۳۲۹	گیله مرد	۱۳۲۵ ش	معتمد دماوندی	رشت
۱۳۳۰	گیلانشهر	۱۳۲۴ ش	محمد صادق کوچکی	رشت
۱۳۳۱	گیتی	۱۳۲۲ ش	خلیل انقلاب آذر	تهران
۱۳۳۲	گلهای رنگارنگ	۱۳۱۲ ش	شهید زاده	تهران
۱۳۳۳	گفتار	۱۳۲۳ ش	جلال حکمی اصفهانی	تهران
۱۳۳۴	گل زرد	۱۳۳۶ ق	میرزا یحیی خان ریحان	تهران
۱۳۳۵	گلستان	۱۳۲۵ ش	محمد حسین رئیس التجار	رشت
۱۳۳۶	گلستان	۱۲۹۷ ش	سید محمد تقی گلستان	شیراز
۱۳۳۷	گلستان سعادت	۱۳۲۵ ق	میرزا نصرالله خان	تهران
۱۳۳۸	گل سرخ	۱۲۹۹ ش	تقی‌گلستان	شیراز
۱۳۳۹	گلشن	۱۲۹۶ ش	سید محمد رضا امیر رضوانی	تهران
۱۳۴۰	گلگون	۱۳۰۶ ش	—	همدان
۱۳۴۱	گلوش	۱۲۹۹ ش	—	شیراز
۱۳۴۲	گمرک	۱۳۰۸ ش	اداره کل گمرک	تهران
۱۳۴۳	گنج شایگان	۱۳۲۵ ق	—	تهران

۱۳۴۴	گنجینهٔ انصار	۱۳۲۵ ق	میرزا حسن انصاری صدر الادباء	اصفهان
۱۳۴۵	گنجینهٔ دانش	۱۳۰۲ ش	ـــــ	تهران
۱۳۴۶	گنجینهٔ فنون	۱۳۲۰ ق	محمد علی تربیت	تبریز
۱۳۴۷	گنجینه معارف	۱۳۰۱ ش	محمد تربیت	تبریز
۱۳۴۸	گیتی نما	۱۳۰۹ ش	مهدی اژه‌ای	اصفهان
۱۳۴۹	گیلان	۱۳۰۹ ق	میرزا حسن اسدزاده	رشت
۱۳۵۰	گیلان	۱۳۲۸ ق	M.S	رشت
۱۳۵۱	گیلان	۱۳۳۸ ق	سعید صفی محمد خان	رشت
۱۳۵۲	گروس	ــ	مسعود کبودوند	ــ
۱۳۵۳	گروگالی مندالانی کورد	۱۹۴۵ م	عبدالقادر مدرسی	مهاباد
۱۳۵۴	لاپاتری (وطن)	۱۲۹۳ ق	بارون نرمان (فرانسه)	تهران
۱۳۵۵	لسان الغیب	۱۳۱۹ ق	انجمن سری احرار	تهران
۱۳۵۶	لقمان	۱۳۰۹ ش	ـــــ	مشهد
۱۳۵۷	لوای اسلام	۱۳۳۵ ق	ابوالقاسم مؤید الشریعه گیلانی	اصفهان
۱۳۵۸	لواءبین النهرین	۱۳۴۲ ق	ع . شرافت	تهران
۱۳۵۹	لودیانه اخبار	۱۲۶۲ ق	ـــــ	کلکته
۱۳۶۰	لحن (راویژ)	ــ	(بزبان کردی)	سنندج
۱۳۶۱	محیط	۱۳۲۱ ش	محمد محیط طباطبائی	تهران

۱۳۶۲	مجموعه امروز	۱۳۲۵ ش	مهدی علی سبزواری	سبزوار
۱۳۶۳	مجموعه خوشه	۱۳۲۳ ش	(راهنمای نشریات ایران)	تهران
۱۳۶۴	مجله تاریخی	۱۳۲۱ ش	علی اکبر تشید	تهران
۱۳۶۵	ماد	۱۳۲۴ ش	محمد کیوانپور مکری	تهران
۱۳۶۶	ماه	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۳۶۷	ماهتاب	۱۳۱۶ ش	محمد امین ادیب	تبریز
۱۳۶۸	ماه نو	۱۳۴۰ ق	علیک کافی	تهران
۱۳۶۹	ماه نو	۱۳۱۲ ش	—	تهران
۱۳۷۰	مجاهد	۱۳۲۵ ق	سید محمد شبستری ابوالضیاء	تبریز
۱۳۷۱	مجاهد	۱۳۲۵ ق	—	رشت
۱۳۷۲	مجلس	۱۳۲۴ ق	میرزا محمد صادق طباطبائی	تهران
۱۳۷۳	مجله رسمی	۱۳۰۷ ش	وزارت دادگستری	تهران
۱۳۷۴	مجمع حقوق واقتصاد	۱۳۱۳ ش	—	تهران
۱۳۷۵	مجموعه اخلاق	۱۳۲۲ ق	میرزا علی اکبر خان	تهران
۱۳۷۶	مجموعه حقوقی	۱۳۱۶ ش	دادگستری	تهران
۱۳۷۷	مجموعه ماورای بحر خزر	۱۳۲۲ ق	فیدروف	عشق آباد
۱۳۷۸	محاکمات	۱۳۲۵ ق	مجد الاسلام کرمانی	تهران
۱۳۷۹	محاکمات	۱۳۲۶ ق	میرزا محمود غنی زاده‌سلماسی	تبریز

۱۳۸۰	محاکمات یزد	۱۳۲۷ ق	محمد صادقی	یزد
۱۳۸۱	محشر	۱۳۰۲ ش	کاظم زاده علوی	تهران
۱۳۸۲	محزن دانش	۱۳۰۱ ش	ـــــ	همدان
۱۳۸۳	مدائن	۱۳۰۴ ش	عبدالحسین بنان زاده	اصفهان
۱۳۸۴	مدائن	۱۳۲۲	هوشنگ کاووسی	تهران
۱۳۸۵	مدرس	۱۳۰۰ ق	ـــــ	بمبئی
۱۳۸۶	مدنیت	۱۳۲۴ ش	سید حسین مترجمی مدنی	تهران
۱۳۸۷	مدنیت	۱۳۰۱ ق	آژانس ارامنه (صدرا)	تبریز
۱۳۸۸	مدی	۱۳۲۵ ق	شیخ عبدالعلی مؤید	تهران
۱۳۸۹	مذاکرات مجلس	۱۳۰۵ ش	کار پردازی مجلس	تهران
۱۳۹۰	مرآت	۱۳۰۱ ش	مرآت الذاکرین	تهران
۱۳۹۱	مرآت السفرو مشکوة الحضر	۱۲۸۸ ق	وقایع مسافرت ناصرالدین شاه به مازندران	ـــــ
۱۳۹۲	منشور	۱۳۲۳ ش	سید عباس بنی صدر	تهران
۱۳۹۳	مظفر	۱۳۲۴ ش	حسین کی استوان	تهران
۱۳۹۴	مصلحت	۱۳۲۲ ش	احمد لنکرانی مهاجر	تهران
۱۳۹۵	مشعل	۱۳۲۱ ش	جعفر ساعدی	تهران
۱۳۹۶	مشروطیت	۱۳۲۴ ش	محمد حسین مشایخ فریدنی	تهران
۱۳۹۷	مژگان	۱۳۲۶ ش	منصور امینی	تهران

۱۳۹۸	مژده	۱۳۲۵ ش	دکتر فاروق	تهران
۱۳۹۹	مزدا	۱۳۲۵ش	محمد هرمز	تهران
۱۴۰۰	مرد ملی	۱۳۲۵ ش	دکتر ناصر گروسیان	تهران
۱۴۰۱	مردم	۱۳۲۰ ش	صفر نوعی	تهران
۱۴۰۲	مرد ایران	۱۳۲۵ ش	سید مهدی پیراسته	تهران
۱۴۰۳	مردان روز	۱۳۲۳ ش	هادی امیر ابراهیمی	تهران
۱۴۰۴	مرد امروز	۱۳۲۱ ش	محمد مسعود قمی	تهران
۱۴۰۵	مرد	۱۳۲۵ ش	احمد علی بیگلری	تهران
۱۴۰۶	مربی	۱۳۲۱ ش	(نشریه هفتگی عمومی)	تهران
۱۴۰۷	مرآت الملة	۱۳۰۱ ش	ــــ	رشت
۱۴۰۸	مرآت جنوب	۱۳۲۹ ق	سید نصرالله مؤید الاشراف	کرمان
۱۴۰۹	مربی	۱۳۰۶ ش	میرزا علی اکبر سلیمی	تهران
۱۴۱۰	مرد آزاد	۱۳۰۳ ش	داور	تهران
۱۴۱۱	مردان کار	۱۳۰۳ ش	لطفعلی امیر ابراهیمی	تهران
۱۴۱۲	مرد کار	۱۳۰۲ ش	لسان	تهران
۱۴۱۳	مریخ	۱۲۹۶ ق	زمان ناصرالدین شاه	ــــ
۱۴۱۴	مریخ	۱۳۰۳ ش	ــــ	مشهد
۱۴۱۵	مژده	۱۳۰۴ ش	میرزا محمد جواد	شیراز

(نمره ۲۶) [illegible] (سنه ۱)

(قیمت اشتراک سالیانه)

(تبریز ۱۲ قران)
(سایر بلاد داخله ۲۰ قران)
(ممالک خارجه پنج منات)
(یک نمره یکعباسی در تبریز)
(و سایر بلاد داخله)
(شش شاهی)
(محل توزیع جنب اداره است)

(عنوان مراسلات)

(تبریز)
(اداره مساوات)
(سید محمدرضای شیرازی)
(سید عبدالرحیم خلخالی)
(هفته یکمرتبه طبع میشود)
(قیمت اشتراک با آدرس)
(باید پیش بامداد بفرستند)

(حریت) (اخوت) (عدالت)

یکشنبه غره محرم الحرام ۱۳۲۷ هجری قمری و (۱۰ بهمن ماه جلالی ۸۳۰) و (۲۴ ژانویه ۱۹۰۹ میلادی)

(اعتذار)

بعضی مشترکین محترم اعتراض خواهند نمود که چهار ماه از تاریخ سال دوم ولادت مساوات میگذرد و بمناسبت [illegible] نمره اول [illegible] بعدد نه شماره (۲۶) [illegible] اول.
با کمال شرمساری از هموطنان اعتذار میخواهم که بلی چنین است قانون جریده نگاری هم همین را حکم میکند اما افسوس که این قانون مقدس نه بر وفق مرام [illegible] ملک [illegible] در ایران بواسطه [illegible] جانورهای [illegible] جرائد را [illegible] حالت [illegible] بعد بیست و سوم جمادی الاول [illegible] چونکه از [illegible] استرآباد فرار کرده و [illegible] کاغذ [illegible] از [illegible] گرفته [illegible] و زنجیر را پاره کرده [illegible] از [illegible] باغشاه [illegible] و مسافرت [illegible] مساوات [illegible] [illegible] نظر بکنند [illegible] آزادی ایران از [illegible] (۲۶) سال اول [illegible] شده [illegible] خواهند [illegible] کرد.

(قصه کهن)

(پس از نه ماه)

(امروز شاه در چه حالت است).

نه ماه است بلی نه ماه است ونتیجه [illegible] دهم [illegible] از (۲۳) ربیع الاول تاکنون [illegible] کم و زیاد درست نه ماه و شش روز تمام است [illegible] عنوان (شاه در چه حالت) از شماره (۲۶) همین جریده مساوات بیچاره چون انتهای سیر خیالات ناگوار شاه [illegible] مملکت داری احساس کرد [illegible] مثل انقلاب [illegible] افکار خود [illegible] که دامن کبر [illegible] شده [illegible] اگر [illegible] بوسیله چند [illegible] جلوگیری نشود دیری نخواهد گذشت که ما را چنانکه دیدیم یک نقطه بسیار هولناک خواهد کشانید [illegible] پر خطری [illegible] نمائید که نه تنها استقلال ایران را [illegible] باید گفت [illegible] ایرانیان را [illegible] مقدم [illegible] بدین مقدمه [illegible] که [illegible] باید گفت.

تا [illegible] دور [illegible] تاب [illegible] مساوات که [illegible] ازادش [illegible] اداء حقوق ملی است [illegible] جهان [illegible] استقلال ملت [illegible] و [illegible] خواص [illegible] سلطنت و بقای دولت [illegible] (فذکر ان الذکری تنفع المؤمنین) [illegible] ساسات [illegible] روشن [illegible] شایبه هیچگونه غرض و مرض [illegible] مساوات [illegible] را [illegible] باشد [illegible] حق ایران [illegible] را [illegible] کند و دماغ [illegible] را از [illegible] هوا و هوس خود [illegible] هوشیار [illegible] بوسیله [illegible] حادث [illegible] تازه [illegible] ملکداری [illegible] داده بر حالات گذشته نظر تدقیق و مآل اندیشی در آتیه امور [illegible] را [illegible] شناخته مداوا نماید اما [illegible] اما [illegible] حیف [illegible] حیف [illegible] هزار حیف [illegible]

(آه سید از کند مدکوه)
(نکند در تو سنگدل اثری)

[illegible] (اذا قیل له اتق الله اخذته العزة [illegible]) موعظه [illegible] مساوات را [illegible] و کین باطنی قرار داده [illegible] عداوت و قتل مساواتیان بست و از [illegible] (فحسبه جهنم و لبئس المهاد) اندیشه نکرد.

[illegible] تاریخ [illegible] اخلاق را [illegible] نشان داده [illegible] حضرت موسی کلیم [illegible] فرعون [illegible] آزادی بنی اسرائیل را [illegible]

۱۴۱۶	مساژه دو تهران (پیامبر تهران)	۱۳۰۴ ش	فرانسواملک کرم(فرانسه)	تهران
۱۴۱۷	مساوات	۱۳۲۵ ق	سید محمد رضا مساوات	تهران
۱۴۱۸	مساوات	۱۳۲۷ ق	سید محمد رضا شیرازی	تبریز
۱۴۱۹	مشرق	۱۲۹۵ ش	—	تبریز
۱۴۲۰	مشرق	۱۳۰۳ ش	—	تهران
۱۴۲۱	مشرق زمین	۱۳۰۵ ش	سید حسن پرهیزکار	مشهد
۱۴۲۲	مشروطهٔ بی قانون	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۴۲۳	مشورت	۱۳۲۵ ق	—	تهران
۱۴۲۴	مشورت	۱۲۹۵ ش	—	تهران
۱۴۲۵	مصباح	۱۳۰۱ ش	—	تهران
۱۴۲۶	مصباح	۱۳۵۹ ق	میرزا ابوالقاسم تبریزی	تبریز
۱۴۲۷	مصور	—	—	—
۱۴۲۸	مظفری	۱۲۱۹ ق	میرزا عبدالحمید متین السلطنه	بوشهر
۱۴۲۹	مظفری	۱۳۲۶ ق	میرزا علی آقای شیرازی	مکه
۱۴۳۰	مظهر	۱۳۲۷ ق	(به زبانهای ترکی و فارسی و روسی)	تفلیس
۱۴۳۱	معارف	۱۳۱۶ ق	انجمن معارف	بوشهر
۱۴۳۲	میهن پرستان	۱۳۲۲ ش	علی جلالی	تهران
۱۴۳۳	میهن	۱۳۰۰ ش	ابوطالب شیروانی	تهران

سال اول

(شمارهٔ ۲۸) (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت) (صفحه ۱)

(عنوان مراسلات)
(تبریز)
(ادارهٔ مساوات)
(سید محمد رضای شیرازی)
(سید عبد الرحیم خلخالی)
(هفته یکمرتبه طبع میشود)
(قیمت اعلان با اداره باید)
(پیش پامادره بپرستند)



(قیمت اشتراک سالیانه)
(تبریز ۱۲ قران)
(سایر بلاد داخله ۲۰ قران)
(ممالک خارجه پنج منات)
(تک نمره یکعباسی در تبریز)
(در سایر بلاد داخله)
(شش شاهی)
(محل توزیع خود اداره است)

(حریت) (اخوت) (عدالت)

(شنبه ۱۴ محرم الحرام ۱۳۲۷ هجری قمری) (۲۳ حمل ماه جلالی ۸۳۰) (۷ فوریه ۱۹۰۹ میلادی)

ملت در چه حال است

در شمارهٔ (۲۶) ذیل عنوان (امروز شاه در چه حال است) حال درباریان را که دشمن آزادی ایرانیان و قاتل حریت و استقلال ملت آزادی طلب ایرانند بیان کردیم بعد دورهٔ نکبت و ادبار هیکل استبداد را کما هو طبیعه تشریح نمودیم که از شئامت کردار جاهلانه و وخامت رفتار خود سرانه چگونه افق حیات ناامیدی خودرا با ابرهای مظلم حوادث هولناک تیره و تار نموده و روزگار زنده گانیش دچار چه تنگیها و گرفتار چه هلاک و وذالتها شده

از طرف دیگر شمهٔ از محاسن تاریخی جوانان غیور آذربایجان مذهب و نعمت بخش همین مقاله قرار دادیم

البته جوانان غیور هم مشها چند کرسی گرم نشسته با کمال تعمق این جریده را باز نموده و خوانده اند و تفریح کرده اند و از فرط خوشحالی شادی کنان و خنده زنان باآواز رسا [illegible] نموده و فریاد نشاط آمیز زنده باد مجاهدین بلند کرده ضمنا هم از مساوات تمجید و تحسین گفته اند اما ؟؟؟ اما ؟؟؟ اما ؟!؟!

هموطنان بعبیر ما را میرسد زبان عرض گشوده بگوئید عیب و نقص دشمن شمردن و حسن و کمال دوست سرودن در عالم سیاست به طبقهٔ احرار چه [illegible]

ما چه اثر نیک خواهد بخشید؟ و ما از این عیب جوئی می توانیم کدام سعادت و خوش بختی را استفاده بکنیم!

این مسئله قابل انکار نیست هنگام مجاهده با دشمن خونخوار اگر آثار ضعف و سستی و علایم تنزل و انحطاط از دشمن احساس شود پیداست تا چه اندازه تولید قوت قلب و قدرت بازو در جنود و عساکر حریت میکند علاوه بر التذاذ طبع و تشفی قلب و انتقام کهن دیرین بروز ضعف قوای دشمن منتج بلک مستقبل روشنی خواهد شد که ایجاد میکند در دلهای مجاهدین یک امیدواری کامل [illegible] که خودرا سوار بر کردن آرزو [illegible] و رشادت میافزاید

همچنین از طرف دیگر دشمن وقتیکه دید علاوه بدنامی او از بام افتاد و کوس رسوائی او را بر سر بازار زدند دل او خالی شده زانوها سست و بازو هایش از کار افتاده [illegible] جنبش از میدان مبارزت فرار خواهد کرد

حکمت و فواید اظهار معایب دشمن بسیار است آثار پلتیک و ثمرات سیاسی وی [illegible] بخواهیم داخل در این باب شویم از نقطهٔ مقصود دور خواهیم افتاد چه منظور در اینجا اشاره به یک نقطهٔ مهمی است که مجبوریم [illegible] هموطنا[illegible]

۱۴۳۴	مهر میهن	۱۳۲۵ ش	دکتر محمود شروین	تهران
۱۴۳۵	مهر ایزد	۱۳۲۵ ش	سید محمد رضا حسینی هاشمی	شیراز
۱۴۳۶	مهر ایران	۱۳۲۰ ش	مجید موقر	تهران
۱۴۳۷	مهر آفاق	۱۳۲۵ ش	اکبر قاجار	تهران
۱۴۳۸	معارف	۱۳۲۴ ق	شیخ محمد علی بهجت دزفولی	تهران
۱۴۳۹	معرفت	۱۳۱۹ ق	میرزا عبدالله خان	تبریز
۱۴۴۰	معرفت	۱۳۲۷ ق	شیخ ابوالقاسم افتخار العلماء	یزد
۱۴۴۱	معرفت	۱۲۹۷ ش	ـــــ	اصفهان
۱۴۴۲	معرفت	۱۲۹۹ ش	ـــــ	بروجرد
۱۴۴۳	معرفت الاخلاق	۱۳۲۶ ق	ـــــ	تهران
۱۴۴۴	معیشت ملی	۱۳۰۵ ش	میرزا خلیل یوسف زاده نوعی	رشت
۱۴۴۵	مفتاح الظفر	۱۳۱۷ ق	سید حسن کاشانی	کلکته
۱۴۴۶	مفتش ایران	۱۳۲۷ ق	ادیب حضور	اصفهان
۱۴۴۷	مفتش ایران	۱۳۱۰ ش	ایران مدار مکی	اراک
۱۴۴۸	مفرح القلوب	۱۲۷۲ ق	ـــــ	کراچی
۱۴۴۹	مکافات	۱۳۲۷ ش	میرزا آقا خان	خوی
۱۴۵۰	مکافات	۱۳۰۴ ش	میرزا باقر جعفری	تهران
۱۴۵۱	مکتب	۱۳۲۳ ق	میرزا حسن رشدیه	تهران

نمره ۳۶ سال اول صفحه ۱

اداره و عنوان مراسلات
تبریز
عمارت انجمن ایالتی
هیئت تحریریه
۲۳ ذی‌حجه ۱۳۲۶

ناله ملت

قیمت اشتراک سالیانه
تبریز ۸ قران
ممالک داخله ۱۰ قران
خارجه ۴ منات
تک نمره صد دینار .

روزنامه‌ایست که در مصالح عامه و منافع ملیه در نهایت آزادی سخن میگوید مکاتیب سودمند را با امضا معروف قبول و درج مینماید

اعلان

روزنامه شریفه صور اسرافیل که اولین داعی آزادی و هادی طریق سلطنت ملی ایران است بیادگاری شهدای راه آزادی ایران و اسیده مدیر شهید سعید آن میرزا جهانگیرخان طاب ثراه با قلم محرر سابقش جناب میرزا علی اکبرخان با آزادی تمام در ایوردون سویس طبع میشود طالبین روزنامه با تصریح اسم و لقب و مکان خودشان در تبریز به اداره ناله ملت و در خارج بآدرس ذیل رجوع فرمایند .

Soure Esrafil
Suisse – Yverdon

غایة بلا — یا فرط طمع

تشبثات جاهلانه شاه عوض اینکه عقده از مشکلات مملکت حل نماید روز بروز بطرف بدبختی‌اش میکشاند و تدابیر ابلهانه‌اش آنرا بفضاحت و رسوائی میافزاید . در ظرف این هشت ماه و اندی که از بعد تخریب مجلس شاه در ترویج مظالم استبدادی مختار و مطلق‌العنان بوده . بدنامی‌ای را که ادنی بنده در مملکت تحمل آن نمیکند شاه با آن علو حضرت و قدسیت مقام و یا ادام سرکشی . و طبیعت حاره با کمال خوشحالی گوارای وجود فرموده و ابدا بروی بزرگوارش خود نیاورد .

چون کشتی پولتیکات تدابیر که دوکانه همایونی در بحر مواج طوفان‌زای آذربایجان گرفتار گرداب دخلیان ملیه جوانان رشید تبریز آمد . تنها از وجود الواط معتمد اسلامیه و جمع سلطانیه که در آن جمع فساد و شیطنت جمع بودند و از حرکات عبر دولت‌کشانه رحیم خان (سردار نصرت) جز دخالت زیاد و هرج و مرج‌های بیفایده دیگر کاری ساخته نشد .

لازم آمد که برای تشدید امر آذربایجان و تشدید بنای حرص و لجاج سوق عسکر ید نمایند آن بود که تمام قوای روزمندگان یا ارتش نامردی را افراد قشون را از هر نقطه جمع نموده و بصوب آذربایجان گسیل اردوئی مکمل در دو سمت شرقی و غربی تبریز مستقر داشتند ولی دماغ بیهده — دولتیان همواره این خیال باطل را می‌بست که بهر یک حمله مشکلاتی کار تبریزیان را خواهند ساخت . بعد از آنکه از آب جوی آمد و ظلام برد) بارها پس از چندین حملات که در شب و روز برده و با تلفات خجل از جوانان سپاه که حصه دفاع روزگار وطن مقدس را بذمت تهیه نموده و امروز فریب این روسا و صاحب منصبان شان را خورده و خودشان را کورکورانه بدم گلوله

۱۴۵۲	ملا عمو	۱۳۲۶ ق	میرزا احمد	تبریز
۱۴۵۳	ملا نصرالدین	۱۳۳۸ ق	جلیل نخجوانی	تبریز
۱۴۵۴	ملت	۱۲۹۹ ش	میرزا حسین پرتو	شیراز
۱۴۵۵	ملتی (ملت سنیة ایران)	۱۲۸۳ ق	علینقی میرزا اعتصاد السلطنه	تهران
۱۴۵۶	ممات و حیات	۱۳۰۱ ش	کاشف السلطنه پرنس دو چای	تهران
۱۴۵۷	منارت	۱۹۱۹ م	(به زبان ارمنی)	تبریز
۱۴۵۸	موسیقی	۱۳۱۸ ش	سرگردمین باشیان	تهران
۱۴۵۹	مؤید	۱۳۲۵ ق	—	لاهیجان
۱۴۶۰	مهدی حمال	۱۳۲۸ ق	اکبرزاده	رشت
۱۴۶۱	مهر	۱۳۱۲ ش	مجید موقر	تهران
۱۴۶۲	مهرگان	۱۳۱۴ ش	مجید موقر	تهران
۱۴۶۳	مهر منیر	۱۳۳۹ ق	محمد اسمعیل منیر مازندرانی	مشهد
۱۴۶۴	میزان	۱۳۲۹ ق	فخرالواعظین کاشانی	تهران
۱۴۶۵	میطق	۱۳۳۰ ق	الکساندر دروارطانیانس	تبریز
۱۴۶۶	مینو	۱۳۳۲ ق	صدر المدرسین	مشهد
۱۴۶۷	میهن	۱۳۳۷ ق	ابوطالب شیروانی	اصفهان
۱۴۶۸	میهیان (رنجبر)	۱۳۰۳ ش	اودپس یقیانس	تهران
۱۴۶۹	ماد	۱۳۲۴ ش	محمد کیوان پور فکری	تهران

۱۴۷۰	مبارز دیدار	۱۳۳۰ ش	کلهر	سنندج
۱۴۷۱	مدافع	۱۳۲۸ ش	موسی دانش	تهران
۱۴۷۲	نادرهٔ ایران	۱۳۰۴ ش	میرزا موسی خان	تهران
۱۴۷۳	ناصر المله	۱۳۴۲ ق	میرزا عیسی زنگانی	تهران
۱۴۷۴	ناصری	۱۳۱۱ ق	محمدندیم باشی	تبریز
۱۴۷۵	ناطق	۱۳۰۴ ش	شیخ حسین تربیتی	تهران
۱۴۷۶	ناقور	۱۳۲۶ ق	آقا مسیح تویسرکانی	اصفهان
۱۴۷۷	نالهٔ ایران	۱۳۰۲	—	تهران
۱۴۷۸	نالهٔ ملت	۱۳۲۶ ق	میرزا آقا	تبریز
۱۴۷۹	نامهٔ ادب	۱۳۰۹ ش	—	تهران
۱۴۸۰	نامهٔ آزاد	۱۳۰۳	افراسیاب آزاد	تهران
۱۴۸۱	نامهٔ آزادگان	۱۳۰۵ ش	عزت‌پور	تهران
۱۴۸۲	نامهٔ اعمال	۱۳۰۴ ش	میرزا صادق خان ایران آزاد	—
۱۴۸۳	نامهٔ امروز	۱۳۰۶ ش	افتخار آشتیانی	تهران
۱۴۸۴	نامهٔ بازرگان	۱۳۰۶ ش	وزارت بازرگانی	تهران
۱۴۸۵	نامهٔ باستان	۱۳۰۴ ش	میرزا محمد رضا احتشام نظام	شیراز
۱۴۸۶	نامهٔ بانوان	۱۲۹۹ ش	شهناز آزاد	تهران
۱۴۸۷	نالهٔ بانوان ایران	۱۳۱۷ ش	خانم خلعت بری	تهران

۱۴۸۸	نامهٔ پارسی	۱۳۳۴ ق	میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه	تهران
۱۴۸۹	نامهٔ پزشکان	۱۳۱۳ ش	ــــ	تهران
۱۴۹۰	نامه پزشکان	۱۳۲۲	دکتر سید محمد میردامادی	مشهد
۱۴۹۱	نامهٔ پیام	۱۳۱۳ ش	سید محمد پیامی	تهران
۱۴۹۲	نامهٔ تمدن	۱۳۱۰ ش	ع . تمدن	مشهد
۱۴۹۳	نخشب	۱۳۲۳ ش	رضا پور سالار	تهران
۱۴۹۴	نبرد امروز	۱۳۲۲ ش	جهانگیر تفضلی	تهران
۱۴۹۵	نبرد	۱۳۲۱ ش	خسرو اقبال	تهران
۱۴۹۶	ناخدا	۱۳۲۵ ش	امیر معظمی	تهران
۱۴۹۷	نامه جوانان	۱۳۰۲ ش	ابراهیم خواجه نوری	تهران
۱۴۹۸	نامه حقیقت	۱۳۲۵ ق	حاج سید احمد دهکردی	اصفهان
۱۴۹۹	نامهٔ ری	۱۳۱۳ ش	عبدالعزیز جواهر کلام	تهران
۱۵۰۰	نامه شهربانی	۱۳۱۴ ش	سلطان پارسا	تهران
۱۵۰۱	نامهٔ شهرداری	۱۳۰۵ ش	شهرداری تهران	تهران
۱۵۰۲	نامه عمل	۱۳۰۱ ش	حسن روستا	تهران
۱۵۰۳	نامهٔ فرهنگ	۱۳۰۴ ش	محمود درگاهی کرمانی	تهران
۱۵۰۴	نامهٔ قابوس	۱۳۱۴ ش	م.ع. عیهری	گرگان
۱۵۰۵	نامهٔ ملی	۱۲۹۹ ش	ــــ	تهران

(ناله ۳ حرت پی) ناله را هرچند میخواهم که پنهان برکشم (ناله ملت)

تبریز

ناله ملت

قیمت

اداره ناله ملت

دوشنبه ۸ ۲ ربیع الاول ۱۳۲۷

سینه میگوید که من تنگ آمدم فریاد کن

همت جوانمردی غیرت فداکاری

تک نمره پل شاهی

وطن در شرف انقراض !

ای بدبختی سلامیز شد !

ای اولاد وطن خدا را فقط !

ای اولاد وطن ! مملکت ما حتی الانقراض کشتی سعادت ما مصادف لجه فنا شد. قومیت ترک مان کرد. ملیت وداع مان گفت. چنانچه از ترک قومیت گشته وداع ملیت کردیم. عزت رفت، سعادت رفت، نیکنامی برباد داده شد. ناموس بیناموسی تبدیل یافت. با وجود قوه فطریه وطنیه معنویه مقهور شدیم محصور شدیم نزدیکست که انبطالات وتن پروری ضرب المثل عالمیان شویم و نام آذربایجان ابدالاباد لکه تاریخ ایرانیان گردد. بدون تملق بدون پرده پوشی بحسب رسالت قلمیه تکلیف بشریه با این قلم شکسته وصورتبیان عموم اولاد تبریز را بوداع مادر مریض و وطن قریب الاضمحلال خود دعوت میکنم

(مگر بمعجزه گویند طبیب عیسی دم)

(ورکنه خسته ما را مجال چاره گذشت)

ای ناموس کجائی ؟ ای حمیت چنین بیگانه از ما چرائی ؟ ای حس آدمیت چه دیدی که وداع مان گفتی ؟ ای شرف انسانیت چرا از ما رخ برهفتی ؟ ای غنا ای استقلال چه دیدی که بدین وقت مان شتابیدی؟ مگر جبنی مان مشاهده کردی ؟ ویا عدم غیرت وفتوت مان شنیدی ؟ ای جمال الدین ! ای ملک المتکلمین! ای میرزا جهانگیر خان ! ای حاجی میرزا ابراهیم ! ای وکیل با حمیت ما ! ای جانبازان وطن ! ای جوانان جان سپرده تبریز ! ای شریف زاده ! ای حسین خان با غبان مشروطیت ! کجائید ؟ چرا سر از خاک برنمیدارید؟

چرا به تبریز نمیائید ؟ که معدودی جان خود را فدای ناموس ملت ایران نمائید ؟ بلکه اولکه مولتانه ما با ثیار خون مقدس شما از خطر محفوظ ماند ؟

ای ابناء بشر ؟ ای سکان کره ارض ؟ شما گواه باشید من گفتم و نوشتم از بهر اکه تقاضای تکلیف وجدانی و در قوه تقریر بود به رسالت وجدان را تبلیغ نمودم. (لیهلک من هلک عن بینة ویحیی من حی عن بینة) ابناء تبریز بی حس شده! ابناء تبریز بی حمیت شده! ابناء تبریز خود تن به کسالت و تنبلی میسپارند! ابناء تبریز خود طالب شر و جبال الخطر خویشند! گواه باشید! تبریز با اینکه مخزن سلاح بود! با اینکه مرکز دلیران بود! با اینکه جانبازان جنگی داشت! با اینکه استعداد حربی و آلات ادوات تا رتبه ضعف مقابل خصم داشت! با اینکه دارای سیصد هزار نفوس بود! با اینکه اطفال یتیم و زنان بیوا به اش ده ماه محاصره را تاب آورد! باز در برابر عده قشون خور و برهنه دولت دست از کار بازداشت. و چشم بر اجلال ما و تاد دوخت. تا ایشان نزدیک آمده و بعد کار سیاهش فکری بکنند. و خود سکوت نمود. و برد باری کرده کرد. تا بالاخره دشمن پرمکر و کید با یک قوه مقناطیسی اولاد وی را بطرف خود جذب نمود. وانکه ! (آمد بسرش از انچه میترسیدیم)؟ امان از جفا! فغان از بطالت! اگر حقیقه پرده پندار را شق نموده و صدای حزین وطن بلاکش خود را شنویم. آنوقت خواهیم شنید که با گلوی گرفته چه میگوید. میگوید ای آذربایجان ! ای مقدس ترین ستالها ایران ؟ تو بودی که از تحمل خسارات خسته نشدی ؟ و با صدمات فوق العاده مقاومت نمودی ؟ تا تمام نقطه ایران را با خود همرنگ و هم آواز ساختی ؟ بیرق حریت افراشتی ؟ نهال سربلندی کاشتی ؟ تو بودی

روزنامهٔ نالهٔ ملت

ناله را هرچند می‌خواهم که پنهان برکشم

سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن

۱۵۰۶	نامهٔ وطن	۱۳۲۶ ق	صحاف باشی	حیدرآباد
۱۵۰۷	نامهٔ هنر	۱۳۰۶ ش	وزارت پیشه و هنر	تهران
۱۵۰۸	ناهید	۱۳۲۶ ق	—	شیراز
۱۵۰۹	ناهید	۱۳۲۰	ابراهیم ناهید	تهران
۱۵۱۰	ناهید	۱۳۰۰ ش	میرزا ابراهیم خان ناهید	تهران
۱۵۱۱	نجات	۱۹۰۹ م	عبدالله نجات	تهران
۱۵۱۲	نجات	۱۳۲۸ ق	میرزا محمد خراسانی	تهران
۱۵۱۳	نجات	—	(انتشار آن محقق نیست)	رشت
۱۵۱۴	نجات ایران	۱۳۰۱ ش	زین‌العابدین فروزش	تهران
۱۵۱۵	نجات وطن	۱۳۲۷ ق	—	اصفهان
۱۵۱۶	نجات وطن	۱۳۴۱ ق	س . ح . مدنی کاشانی	تهران
۱۵۱۷	نجف	۱۳۲۸ ق	سید مسلم روان‌زاده و دیگران	نجف عراق
۱۵۱۸	نجم باختر	۱۹۱۱ م	(از طرف بهائی‌ها)	واشنگتن
۱۵۱۹	نخستین	۱۳۱۰ ش	—	تهران
۱۵۲۰	ندای اسلام	۱۳۲۵ ق	سید ضیاء الدین طباطبائی	شیراز
۱۵۲۱	ندای اسلام	۱۳۰۴ ش	حاج میرزا علی آقا اصفهانی	اصفهان
۱۵۲۲	ندای آسمانی	۱۳۴۱ ق	سید محمد تقی	تهران
۱۵۲۳	ندای ایران	۱۳۰۱	—	تهران

۱۵۲۴	ندای میهن	۱۳۲۱ ش	اسدالله طوفانیان	تهران
۱۵۲۵	ندای ملت	۱۳۲۴ ش	مصطفی طباطبائی	تهران
۱۵۲۶	ندای گرگان	۱۳۲۵ ش	احمد قاسمی	گرگان
۱۵۲۷	ندای عدالت	۱۳۲۳ ش	ابراهیم خواجه نوری	تهران
۱۵۲۸	ندای خراسان	۱۳۲۵ ش	دکتر نوح خراسانی	مشهد
۱۵۲۹	ندای حقیقت	۱۳۲۲ ش	دکتر ناظم وزیری	تهران
۱۵۳۰	ندای جنوب	۱۳۲۵ ش	محمد باقر تنگستانی	بوشهر
۱۵۳۱	ندای آسمانی	۱۳۲۲ ش	محمد جناب زاده	تهران
۱۵۳۲	ندای آزادی	۱۳۲۳ ش	علی آزادی فرازی	تهران
۱۵۳۳	ندای جنوب	۱۳۲۹ ق	محمد باقر خان تنگستانی	تهران
۱۵۳۴	ندای حق	۱۳۳۳ ق	کاظم مرندی	خوی
۱۵۳۵	ندای حق	ـــ	جبرئیل اعلامی	ـــ
۱۵۳۶	ندای دهقان	۱۳۰۰ ش	ـــ	تهران
۱۵۳۷	ندای رشت	۱۳۲۹ ق	ـــ	رشت
۱۵۳۸	ندای شرق	۱۳۰۸ ش	دکتر لقمان مبیّنی	مشهد
۱۵۳۹	ندای صحت	۱۳۰۶ ش	دکتر سید رضی صحت	تهران
۱۵۴۰	ندای تهران	۱۳۰۴ ش	آقا حسین سلطان زاده	تهران
۱۵۴۱	ندای غرب	۱۳۲۸ ش	عبدالحسین منیعی	سنندج

۱۵۴۲	ندای کرمان	۱۳۰۴ ش	دکتر عیسی خان وزیری	کرمان
۱۵۴۳	ندای گیلان	۱۳۰۲ ش	م . مدنی	تهران
۱۵۴۴	ندای وطن	۱۳۲۴ ق	مجدالاسلام کرمانی	تهران
۱۵۴۵	ندای هرمز	۱۳۰۴ ش	مؤید گیلانی	اصفهان
۱۵۴۶	نرخسک (گفتار نو)	۱۳۰۹ ش	س . سیمونیان	تهران
۱۵۴۷	نسوان شرق	۱۳۰۴ ش	مرضیه خانم صزابی	بندر پهلوی
۱۵۴۸	نسیم سحر	۱۳۰۴ ش	میرزا محمد علی غمین	تهران
۱۵۴۹	نسیم شمال	۱۳۲۵ ق	سید اشرف حریر چیان ساعی	رشت و تهران
۱۵۵۰	نسیم صبا	۱۳۰۲ ش	حسین کوهی کرمانی	تهران
۱۵۵۱	نصیحت	۱۳۴۲ ق	میرزا یحیی واعظ	قزوین
۱۵۵۲	نظامی علمیه و ادبیه	۱۲۹۲ ق	میرزا حسین خان سپهسار	تهران
۱۵۵۳	نظمیه	۱۳۲۸ ق	نظمیهٔ مرکزی تهران	تهران
۱۵۵۴	نظمیه	——	اداره کل نظمیه	تهران
۱۵۵۵	نظمیه	۱۳۱۶ ق	محمود اسکندانی	تبریز
۱۵۵۶	نفحات	۱۳۰۵ ش	میرزا حبیب الله خان	کرمانشاه
۱۵۵۷	نفحهٔ صور	——	——	——
۱۵۵۸	نقش جهان	۱۳۲۵ ق	اعتلاء الدوله	اصفهان
۱۵۵۹	نقش جهان	۱۹۰۷ ـ م	حسین نور صادقی	اصفهان

۱۵۶۰	نوبخت	۱۳۲۴ ـ ش	دانش نوبخت	تهران
۱۵۶۱	نوربخش	۱۳۲۵ ش	سید محمد علی نوربخش	تهران
۱۵۶۲	نونهالان	۱۳۲۲	سفارت انگلیس	تهران
۱۵۶۳	نمکدان	۱۳۰۸ ش	عبدالحسین آیتی	تهران
۱۵۶۴	نوای ملت	ــــ	ــــ	تبریز
۱۵۶۵	نوبهار	۱۳۲۸ ق	ملک الشعراءبهار	مشهد
۱۵۶۶	نوبهار	۱۳۳۳ ق	ملک الشعراءبهار	تهران
۱۵۶۷	نور	۱۳۲۴ ش	محمد خالصی زاده	تهران
۱۵۶۸	نورافشان	۱۳۰۹ ش	خانم شوکت سلامی	بوشهر
۱۵۶۹	نورافکن	۱۳۰۳ ش	میرزا مهدی حقیقت	تهران
۱۵۷۰	نوربالکام	۱۳۰۲ ش	(به زبان ارمنی)	تهران
۱۵۷۱	نور شرق	۱۳۴۴ ق	شیخ نورالله دهاقانی	اصفهان
۱۵۷۲	نورکا قاپار	ــــ	به زبان ارمنی	تهران
۱۵۷۳	نور کیانک	۱۳۰۰ ش	به زبان ارمنی	تهران
۱۵۷۴	نوروز	۱۳۲۰ ق	ناظم الاسلام کرمانی	تهران
۱۵۷۵	نوروز ایران	۱۳۲۱ ش	علی نوروزی	تهران
۱۵۷۶	نوروز	۱۳۰۶ ش	میرزا اسدالله نوروزی واعظ نوری	قزوین
۱۵۷۷	نوروز ایران	۱۳۰۶ ش	میرزا محمد بدیع تبریزی	ــــ

۱۵۷۸	نورهاسگر	۱۳۱۲ ش	به زبان ارمنی	تهران
۱۵۷۹	نوع بشر	۱۳۲۹ ق	ـــــ	رشت
۱۵۸۰	نوید	۱۲۹۵ ش	ـــــ	تهران
۱۵۸۱	نهضت	۱۳۱۰ ش	فرخی	برلن
۱۵۸۲	نهضت	۱۳۲۵ ش	محمد شیوا	تهران
۱۵۸۳	نهضت اسلام	۱۳۰۱ ش	اسدالله باغ بادرانی	تهران
۱۵۸۴	نهضت اسلام	۱۳۰۲ ش	اسدالله باغ بادرانی	اصفهان
۱۵۸۵	نهضت ایران	۱۳۴۱ ق	محمد علی سنندجی	تهران
۱۵۸۶	نهضت شرق	۱۳۰۰ ش	ح . رجائی	تهران
۱۵۸۷	نیراعظم	۱۳۲۵ ق	معین العلماء اصفهانی	تهران
۱۵۸۸	نهضت ملی	۱۳۲۲ ش	عبدالحسین خلیلی	تهران
۱۵۸۹	نهنگ	۱۳۲۲ ش	علی رازی	تهران
۱۵۹۰	نیرو	۱۳۲۴ ش	آ . تمدن خراسانی	تهران
۱۵۹۱	نیروی ملی	۱۳۲۲ ش	دکتر محمد علی برهان نوپرست	تهران
۱۵۹۲	نیرو و تندرستی	۱۳۲۳ ش	ایرانی (جمعیت نیرو و تندرستی)	تهران
۱۵۹۳	نیرو و تندرستی	۱۳۲۲ ش	منوچهر مهران	تهران
۱۵۹۴	نیشتمان	۱۹۴۳ م	جمعیت ژ . ک	مهاباد
۱۵۹۵	وجدان	۱۳۲۵ ش	محمد مصاحب	تهران

۱۵۹۶	وحدت ملی	۱۳۲۵ ش	دکتر جعفر قدسی	تهران
۱۵۹۷	ورزش دانشگاه	۱۳۲۵ ش	بدرالدین ناصری	تهران
۱۵۹۸	وظیفه	۱۳۲۳ ش	سید محمد باقر موسوی حجازی	تهران
۱۶۰۰	وراژنوند (مصلح)	۱۳۰۸ ش	هایک کاراکاش (بزبان ارمنی)	تهران
۱۶۰۱	وطن یولوندا(در راه وطن)	۱۳۲۰ ش	اشغالگران روسی	تبریز
۱۶۰۲	نیکو قابوس	۱۳۰۶ ش	مارد پروسیان	تهران
۱۶۰۳	ورادزنوند	۱۳۰۸ ش	بزبان ارمنی	تهران
۱۶۰۴	ورزش	۱۳۰۷ ش	ــــ	تهران
۱۶۰۵	وطن	۱۳۳۴ ق	محیط مافی	مشهد
۱۶۰۶	وطن	۱۳۳۵ ق	میرزا هاشم محیط	تهران
۱۶۰۷	وطن دیلی	ــــ	به زبان ترکی آذربایجانی	تبریز
۱۶۰۸	وفاء	۱۳۰۲ ش	عبدالحسین میکده	تهران
۱۶۰۹	وقایع	۱۳۰۴ ش	علیرضا خان مترجم السلطنه	شیراز
۱۶۱۰	وقایع اتفاقیه	۱۲۶۷ ق	میرزا جبار تذکره چی	تهران
۱۶۱۱	وقت	۱۳۲۸ ق	حسین کسمائی	تهران
۱۶۱۲	وقت	۱۳۰۲ ش	ــــ	مشهد
۱۶۱۳	وقت	۱۳۰۴ ش	معتمد الاسلام رشتی	رشت
۱۶۱۴	وقت	۱۳۱۲ ش	ــــ	تهران

۱۶۱۵	ولدالامین	۱۲۸۹ ش	ـــــ	مشهد
۱۶۱۶	هراز	۱۳۲۳ ش	سید محمد تقی تقوی	تهران
۱۶۱۷	هردمبیل	۱۳۲۵ ش	علی قنبر تبریزی	تهران
۱۶۱۸	هنرمندان	۱۳۲۳ ش	فضل‌الله بایگان	تهران
۱۶۱۹	هور	۱۳۲۲ ش	علی جواهر کلام	تهران
۱۶۲۰	هوشمند	۱۳۲۳ ش	سید ابوالقاسم هوشمند	تهران
۱۶۲۱	هولیوود	۱۳۲۲ ش	امیر معز	تهران
۱۶۲۲	هاتِوتا	۱۳۰۲ ش	بزبان فارسی و عبری	تهران
۱۶۲۳	هایدارار وینونر	۱۲۸۸ ش	ارمنی	تبریز
۱۶۲۴	هدایت	۱۳۲۵ ش	میرزا محمد تهرانی	تهران
۱۶۲۵	هدایت	۱۳۲۶ ق	میر هادی شیخ الاسلامی	قزوین
۱۶۲۶	هرزن	۱۲۹۹ ش	(ارمنی)	تهران
۱۶۲۷	هفتواد	۱۳۶۶ ش	باستانی پاریزی	کرمان
۱۶۲۸	هفته	۱۲۹۰ ش	ـــــ	تهران
۱۶۲۹	هکئولا	۱۲۹۹ ش	(بزبان ارمنی)	تهران
۱۶۳۰	همایون	۱۳۱۳ ش	علی اکبر حکمی زاده	قم
۱۶۳۱	همه دان	۱۳۲۵ ق	حاج حسین	همدان
۱۶۳۲	هنگام	۱۳۰۳ ش	دکتر علیخان احیاء الملک	تهران

۱۶۳۴	هنگامه	۱۳۰۸ ش	——	تهران
۱۶۳۵	هوا و هوس	۱۳۲۵ ق	حاج حسین	لاهیجان
۱۶۳۶	هیئت علمیه	——	——	
۱۶۳۷	دانشوران	۱۲۸۸ ش	——	تهران
۱۶۳۸	هیسیم	۱۳۴۰ ق	م.م. نیثان	تهران
۱۶۳۹	هاواری کورد	۱۹۴۵ م	——	مهاباد
۱۶۴۰	هەلاله	۱۹۴۶ م	حسن قزلچی	بوکان
۱۶۴۱	هاواری نیشتمان	۱۹۴۶ م	صدیق رنجبری	مهاباد
۱۶۴۲	یادگار انقلاب	۱۳۲۷ ق	معتمد الاسلام رشتی	قزوین
۱۶۴۳	یادگار انقلاب	۱۳۲۸ ق	معتمد الاسلام رشتی	تهران
۱۶۴۴	یادگار جنوب	۱۳۲۸ ق	تنگستانی	تهران
۱۶۴۵	یادگار وطن	۱۳۰۲ ش	رزمی دهلوی	نیویورک
۱۶۴۶	یزد	۱۳۱۲ ش	——	یزد
۱۶۴۷	یغما	۱۳۰۱ ش	حبیب یغمائی	تهران
۱۶۴۸	یغما	۱۳۲۴ ش	حبیب یغمائی	تهران
۱۶۴۹	یگانگی	۱۳۰۰ ش	——	تهران
۱۶۵۰	یادگار	۱۳۲۳ ش	دکتر عباس اقبال	تهران
۱۶۵۱	یزدان	۱۳۲۲ ش	منوچهر راهسپر	تهران

۱۶۵۲	یک دنیا	۱۳۲۵ ش	محمد علی بایار	تهران
۱۶۵۳	یومیه	۱۳۲۳ ش	—	تهران
۱۶۳۴	یویو	۱۳۰۹ ش	عماد عصار	تهران
۱۶۵۵	یویو	۱۳۲۴ ش	عماد عصار	تهران
۱۶۵۶	ینی شرق (شرق جدید)	۱۳۲۵ ش	حزب دموکرات (به زبان ترکی)	تبریز

بخش دوم

نمونه‌هائی کوتاه و مختصر از متون چند روزنامه و مجلهٔ قدیمی

در این بخش نگاهی مختصر داریم به نمونه‌هائی از متون مندرج در چند روزنامه و مجلهٔ قدیمی که تعدادی از آنها عامل و بانی و یا مروج جنبش آزادیخواهی و مشروطیت در ایران بوده و کارگزاران آنها گاهاً خود از جمله مبارزین و آزادیخواهان صاحب نام و نشان در عصر خود بوده‌اند. هر چند تعداد متون شاهد، بسیار محدود و نسبت به تعداد کثیر روزنامه‌ها و مجلات منتشره از یک درصد هم کمتر و در واقع مشتی از خروارهاست اما امید اینست که همین چند نمونه از متون بتواند تصویری نسبتاً گویا و ملموس از جریانات و فضای حاکم در زمان انتشار آنها و نیز گوشه‌ای از افکار و اندیشه‌های مدیران و نویسندگان آنها را به علاقمندان و پژوهشگران و دانشجویان عزیز ارائه نماید، هر چند ضعیف نور کرم شبتابی است در مقابل عظمت نور خورشید.

روزنامهٔ: کاغذ اخبار

در سال ۱۲۳۰ هجری قمری با تدبیر میرزا قائم مقام و موافقت عباس میرزا عده‌ای از جوانان کشور برای کسب راز و رمز تمدن اروپائی بالاخص برای یادگیری علوم و فنون نظامی عازم فرنگ (انگلستان) شدند که یکی از آنها میرزا صالح شیرازی بود که با توجه به استعداد و نبوغ سرشاری که داشت توانست در خلال مدت تقریباً ۴ سال اقامت در لندن، زبانهای انگلیسی و فرانسه را بخوبی یاد گرفته و در صنعت چاپ نیز درجهٔ مهندسی بگیرد و همچنین در رشتهٔ روزنامه نگاری مطالعات ارزنده‌ای را انجام داد که نتیجه آن بعد از برگشت به ایران، انتشار روزنامه‌ای با نام «کاغذ اخبار» یا «Newspaper» بود. میرزا ابوطالب خان فرزند محمد اصفهانی در سفرنامهٔ خود بنام «مسیر طالبی» که در سال ۱۲۱۹ هجری قمری نگارش یافته در مورد «روزنامه کاغذ اخبار» مینویسد:

«کاغذ اخبار» که خبر تمام شهرهای «انگلند» و سایر بلاد فرنگ دهد، و نرخ اشیاء و حقایق هر چیز از جزئی و کلی، حتی اخبار «اپره» و «پلی هوسها» .... فایدهٔ بزرگ آن اینکه هر کس پیشه و کار ما فی ضمیر خود را بواسطهٔ آن شهرت تمام میتواند داد..اما طریق حصول این «کاغذ» اینکه بزرگان قلیلی «ماهواری» به صاحب اخبار دهند. مردم او هر روزه بدیشان میرسانند، در آن اثنا هم کاغذی تک شماره به سه چهار «فلوس» به هر کس که خواهد میفروشند. و آنها که قدرت بر ادای این قلیل هم ندارند به قهوه‌خانه‌ها که برای حاضری یا طعام روند، «کاغذ اخبار» که برای مشغلهٔ مردم در آنجا متعدد افتاده



مجسمه نیم‌تنه میرزا صالح E.W. Sievier پیکرتراش انگلیسی که در سال ۱۸۲۳ در لندن از سنگ مرمر تراشیده شده است.

«میرزاصالح شیرازی اولین روزنامه نگار ایرانی»

است میخوانند .... وزراء از کارهائی که پسندیده‌ی عوام نیست هم بدین کاغذ تحذیر میشوند، زیراکه جمیع مجهول الاسم آن مردم را بر مقابح افعال ایشان تنبیه و از بلوای عام تخویف مینماید.(۱)

در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۲۵۲ هجری قمری (مطابق با سال ۱۲۱۰ شمسی) یعنی چهار ماه قبل از انتشار «روزنامه کاغذ اخبار» خبر انتشار آن بصورت اعلانی بشرح زیر به اطلاع مردم ایران رسید:

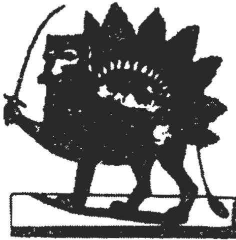
«به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد، هر آنچه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورث آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بود، ماهی یکمرتبه در دارالطباعه ثبت و به همهٔ ممالک انتشار خواهد نمود».

روزنامهٔ کاغذ اخبار در دو ورق بزرگ در قطع ۲۴ × ۴۰ انتشار می‌یافت، در یک طرف آن مطالب با خطی خواناو ریز و فشرده چاپ میشد و طرف دیگر سفید باقی میماند، از این روزنامه هر ماه یک شماره منتشر میشد، اولین شماره آن به تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۵۳ هجری قمری مقارن با چهارمین سال سلطنت محمد شاه قاجار از چاپ درآمده است و با عنوان:«اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ ه. ق مطابق با سال ۱۸۳۷ میلادی که در دارالخلافه تهران انطباع یافته»، شروع میشود. در مرحلهٔ اول

---

۱ ـ مسیر طالبی یا سفرنامهٔ میرزا ابوطالب خان ـ ص ۱۹۵ ـ به نقل از:

«انجمن ـ ارگان انجمن ایالتی آذربایجان» دکتر منصوره رفیعی ـ نشر تاریخ ایران ـ ۱۳۶۲



اخبار شهر جمادی الاولی

که در دارالخلافه طهران انطباع یافته

اخبار ممالک شرقیه

اخبار تهران را درج میکند و پس از آن اخبار سایر ایالات و ولایات ایران و ممالک شرقیه و ممالک غربیه و اوضاع ترکیه و اروپا شرح داده شده است.

بدین شکل بود که یکی از اساسی‌ترین پایه‌های فرهنگ و تمدن جدید در ایران با انتشار «روزنامهٔ کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح شیرازی پی ریزی گردید.

لازم به ذکر است که دستگاه چاپ برای اولین بار در ایران توسط شخصی به اسم زین العابدین تبریزی در سال ۱۲۳۳ ه . ق با کمک عباس میرزا نایب السلطنه (حکمران وقت آذربایجان) به تبریز آورده شد، سپس در اوایل سال ۱۲۳۵ ه . ق میرزا صالح شیرازی پس از پایان تحصیلاتش در انگلستان، دومین دستگاه چاپ را با همه وسایلش با خود به تبریز آورد و در این شهر بکار انداخت. تا این اواخر چاپ را به ترکی «باسمه» و چاپخانه را «باسمه خانه» و مدیر چاپخانه را «باسمه چی» و یا «چاپچی» می‌گفتند.

واژه چاپ ظاهراً از «چاو» مغولی و یا چینی گرفته شده است، «چاو» پول کاغذی بود که در زمان «گیخاتوخان» (سال ۶۹۳ ق) به تقلید از کشور چین در ممالک ایلخانی چاپ و رایج گردید، برای چاپ «چاو» در هر شهری، از جمله در تبریز، دستگاهی به اسم «چاوخانه» ایجاد گردید که بعدها به «چاپخانه» معروف شد.[۱]



۱ ـ تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت ـ عبدالحسین ناهیدی آذر

به نقل از: تاریخ مغول ـ عباس اقبال ـ ص ۲۴۹

* روزنامهٔ وقایع اتفاقیه

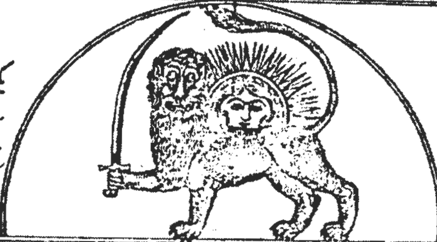
بعد از روزنامهٔ کاغذ اخبار، با کوشش میرزا تقی خان امیر کبیر در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۸۵۱ میلادی)، روزنامهٔ وقایع اتفاقیه منتشر گردید، روزنامه وقایع اتفاقیه دومین روزنامه ایران است که شماره اول آن روز جمعه ۱۷ جمادی الاول ۱۲۶۷ هجری قمری مطابق با ۲۰ مارس ۱۸۵۱ میلادی ـ برابر با سال ۱۲۳۰ شمسی منتشر شده است این روزنامه بطور مرتب با چاپ سنگی زیر نظر وزارت خارجه وقت انتشار می‌یافت شماره نخست آن با نام «روزنامچهٔ اخبار دارالخلافهٔ تهران» انتشار یافته که در صفحه اول آن علامت شیر و خورشید و عبارت «اسدالله الغالب» نوشته شده و در دو طرف آن تصویر دو درخت چاپ شده بود. در زیر نام «روزنامچهٔ اخبار دارالخلافهٔ تهران» دست خطی از ناصرالدین شاه بدین مضمون چاپ شده است:

«از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد که هفته به هفته احکام همایون و اخبار داخلهٔ مملکتی و غیره را که در دول دیگر کارت می‌نامند، در دارالطباعه دولتی زده شود، در یوم جمعه پنجم شهر ربیع الثانی ایت ئیل ۱۲۶۷ به این کار شروع شد».

مدیریت این روزنامه را حاجی میرزا جبار ناظم المهام معروف به «تذکره چی» بعهده داشت. انتشار بیست و چهارمین شماره آن با صدور فرمان عزل امیر کبیر از

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بتاریخ جمعه هشتم شهر جمادی الثانی مطابق سال تنگوزئیل سنه ۱۲۶۷

نمره دهم
هرکس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامه‌ها باشد
در بازار در دکان میرسید کاظم
کاغذفروش خریداری شود



قیمت
یک نسخه ده شاهی
سه ماه شش هزار دینار
شش ماه دوازده هزار
یک ساله بیست و چهار هزار

اخبار داخلهٔ ممالک محروسهٔ پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون که سرکار اعلیحضرت پادشاهی از زمان جلوس بر تخت فرمانروایی تا
کنون ممالک محروسه را سیاحت ننموده‌اند و خاطر خسروانی مایل
که انتظام ولایات و آسودگی رعایا را برأی العین مشاهده فرموده چون
آفتاب جهانتاب وجود مبارک روشنی بخش هر جا گردید عموم رعایا
در سایهٔ رأفت و مرحمت خرسندی و آسودگی و تقدیم شکرگذاری
می‌نمایند لهذا خاطر مبارک عزیمت سیاحت ممالک عراق و اصفهان نمودند
سلاطین سلف قرار داده همیشه با قشون و شوکت تمام به ولایات
حرکت می‌نمودند ولی اعلیحضرت پادشاهی که شوکت دولت همایون و
جلال نوبت را افزون‌تر از آسایش و رفاهیت رعیت و دوام سلطنت
نمی‌دانستند و منظور دارند که از زیادتی قشون در حرکت آسیبی به رعایا نرسد
با این ملاحظه با عزم قشونی به قدر کفایت قراول وجود مبارک و به قدر لزوم
جمعی از سایر چاکران و خدم و حشم دربار خسروانی در غرهٔ رجب انشاءالله
بعزم سیاحت تشریف فرمای صفحات اصفهان و آن نواحی خواهند شد
انشاءالله تعالی ازین سفر فیروزی اثر برای عموم اهالی ولایات محروسه فواید
عمده و منافع کلی حاصل خواهد گردید

تذکرهٔ مرور که سابقاً قرار شده بود که در دیوان دولت علیه داده شود

درین هفته مباشرین تذکره که به ولایات بایست بروند مأمور شده
رفتند و بعد ازین قرار شده است که احدی از ولایات متفرقه بی تذکره نگذرد
و بر هر کسی لازم است در عبور و مرور بطوری که در کتابچهٔ دستورالعمل تذکره
مرقوم است تذکره بگیرند

عالیجاه جعفرقلی خان سرهنگ کردستانی که احضار شده بود با فوج جدید
و صاحب‌منصبان فوج قدیم به رکاب همایون آمده وارد دارالخلافه شدند
و عالیجاه جعفرقلی خان را نظر به خدمات سابقه و لاحقه به منصب سرتیپی سرافراز
فرمودند

شاه‌نهر بزرگی که در دارالخلافه در بالای نگارستان حفر شده بود که آب
از رودخانهٔ کرج به شهر بیاید در عهد شاهنشاه فردوس آرامگاه کنده شده
و تاکنون آبی به شهر از نهر مزبور جاری نشده بود درین اوقات که به
اول عمارات داخل شهر قدری کم آبی می‌کشیدند به سبب اینکه تا
حال آب در نهر مزبور متصل جاری نبود و قدری خرابی به او رسیده بود
محض رفاه رعایا و برای آسودگی دارالخلافه امنای دولت علیه مخارج
حفر و تعمیر و بنای نهر مزبور را که قریب به ده هزار تومان می‌شد از دیوان
اعلی داده و درست نموده از آب کرج کمال وفور به شهر جاری کرده و در
شهر به نهرها و کل محلات و خانه‌ها تقسیم شد و از قلت آب که همه وقت در

صدارت مصادف بود. تا این تاریخ اغلب مقالات اساسی روزنامه وقایع اتفاقیه بقلم میرزا تقی خان امیر کبیر بود. قیمت روزنامه «تک شماره ۱۰ شاهی» و وجه اشتراک سالانه آن در سراسر ایران ۲۴ قران بود. هر کس در ماه دویست تومان مواجب دولتی میگرفت می‌بایست «اجیر روزنامه شده و در سال ۲ تومان قیمت آنرا بدهد...[۱]

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه از شماره ۴۷۲ تحت نظر ابوالحسن خان غفاری کاشانی نقاش ملقب به صنیع الملک «پسر عموی کمال الملک» قرار گرفت و بنام «روزنامهٔ دولت علیه‌ی ایران» نامیده شد.

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه (همان روزنامه‌ای که امیر کبیر بانی و مؤسس آن بود) در شمارهٔ ۲۴ مورخ پنج شنبه ۲۶ محرم ۱۲۶۸ خبر عزل امیر را چنین درج کرده است:

«سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی باقتضای رأی جهان آرای ملوکانه صلاح و حرفهٔ ملک و دولت و خیر و ثواب امور سلطنت را در این معنی ملاحظه فرمودند که میرزا تقی خان را از پیشکاری دربار همایون و مداخله در امور داخله و خارجه و منصب امارت نظام و لقب اتابکی و غیره ذلک و کل اشغال و مناصبی که باو محول بود بکلی خلع و مغرول فرمایند»[۲]

میرزا حسین علی نوری که بعدها خود را بهاءالله نامید و مقام خود را بالاتر و برتر از باب خواند، وقتی خبر دستگیری بابی‌ها را شنید به سفارت روس در زرگنده تهران پناه

---

۱ - تاریخ جراید و مجلات ایران - جلد ۲ - صفحه ۳۰۶

۲ - زندگی میرزا تقی خان امیر کبیر - حسین مکی - چاپ هشتم - انتشارات ایران ۱۳۶۵

برد، ولی وزیر مختار روس باسم پرنس دالغورکی او را نپذیرفت و دستور داد اتباع سفارت وی را دستگیر نموده تسلیم عمال دولت نمایند، ولی باطناً به او وعدهٔ کمک و مساعدت داد، در این ارتباط، روزنامه وقایع اتفاقیه در شماره ۸۲ خود چنین مینویسد: «سرکار اعلیحضرت پادشاهی و اولیای دولت علیه، از ظهور این نوع معقولیت سفارت روس کمال رضامندی حاصل کرده، جناب جلالت مآب صدر اعظم به فرستادگان سفارت انعام دادند، باری چون ظاهراً میرزا حسینعلی در توطئه قتل شاه دخالت نداشت یا دخالت او مسلم نشد پس از استنطاق میرزا حسینعلی نوری و چندین تن دیگر که عبارت بودند از میرزا سلیمان قلی و میرزا محمود همشیره زادهٔ او و چند تن دیگر، از کشته شدن معاف شدند و محکوم به حبس ابد گردیدند و بقیه را به شدیدترین وجه هلاک کردند».

بعد از عزل امیر کبیر از صدارت و تبعید او به کاشان، بنا به امر ناصرالدین شاه بمنزل او ریختند و آنچه بود تصرف کردند، ضمن ضبط اموال، کلیهٔ نوشتجات او را نیز بردند، سپس به دستور میرزا آقا خان نوری چهار روز بعد از برکناری امیر کبیر، این ابلاغیه صادر و در روزنامهٔ وقایع اتفاقیه یعنی روزنامه‌ای که امیر کبیر خود مؤسس و بانی آن بود بچاپ رسید، در متن این اعلامیه با معمار رنسانس علمی ـ فرهنگی ایران یعنی میرزا تقی خان امیر کبیر نخست وزیر با تدبیر و اندیشمند ناصرالدین شاه بسیار توهین آمیز برخورد شده است که روحیات زشت ورذائل اخلاقی ـ دروغگوئی و دنائت طبع میرزا آقا خان نوری در این اعلامیه مثل آینه منعکس است.

روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران

تاریخ یوم پنجشنبه سیزدهم شهر صفر المظفر مطابق ... تنگوزئیل سنه ۱۲۸



مطبعهٔ دار الخلافه طهران

قیمت اعلان سطری ... دینار

قیمت ... روزنامه ...

پانزده شاهی ... سالیانه ... تومان

ششهزار

اخبار ممالک محروسهٔ ایران

بمنّ عنایات حضرت پروردگار تعالی شأنه وجود مسعود سعادت نمود اعلیحضرت اقدس همایون ظل اللهی ... کل ممالک محروسهٔ ایران با کمال استقامت و بهروزی است و با آنکه موکب ظفر کوکب همایون در ییلاقات صعب المسالک نور و کجور ... آنی از مراقبت مهام مملکت و رسیدگی بلوازم انتظام امور دولت صرف نظر نمی‌نمایند و اعم از آنکه ایام کوچ باشد یا اطراق جمیع عرایض و مطالبی که از اطراف و اکناف و ولایات ممالک محروسه در پیشگاه حضور مهر ظهور مبارک عرضه میشود در یک یک فرموده فوراً جواب هر یک را ... [illegible]

«بتاریخ دوشنبه بیست و سوم شهر ربیع الاول مطابق تنگوزئیل ۱۲۶۸ قمری»

«اخبار داخله ممالک محروسهٔ پادشاهی ـ سابقاً نوکر و رعیّت ایران بواسطهٔ سوء خلق و بدزبانی و بی حرمتی میرزا تقی خان در کمال دلسردی راه میرفتند، چون بقدر امکان از حق نوکر کم میکرد و بطریق بدعت بر رعیت می‌افزود و نزدیک به آن شده بود که اهل ایران از دولت خود مأیوس شوند و کار بجائی رسیده است که اگر اعلیحضرت پادشاهی دربارهٔ کسی بذل مرحمت میفرمودند، میرزا تقی خان بتدریج برای آن شخص بهانه جوئی میکرد و در مقام آزار او برمی‌آمد، اما از روزیکه اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی باقتضای مصلحت و حکمت دولت و ملاحظه حال نوکر و رعیت جناب جلالت مآب قواماً للدولة السنیه نظاماً للشوکة البهیه، اعتماد الدولة العلیه صدر اعظم را بانتظام مهام دولت فرموده از جمیع نوکر و رعیت از حسن سلوک و رفتار ایشان راضی و خشنود هستند و اعیان و اشراف در خانه و ولایات ایران نفر بنفر و دسته دسته در کمال امیدواری و خوشحالی بحضور همایون پادشاهی میروند و بهرکه بذل مرحمتی از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی میشود جناب جلالت مآب صدر اعظم ده برابر آن به آن شخص لطف و مهربانی میکند و مردم را بخدمت پادشاه ترغیب می‌کنند و خدمت و قابلیت مردم را در پیشگاه حضور اقدس همایون پادشاهی، تعریف و توصیف می‌نمایند.

کسانیکه با میرزا تقی خان حساب و معامله داشتند بجهت تفریغ حساب خودشان به اجازه و نوشتهٔ مرخصی اولیای دولت علیه روانهٔ فین شده بودند، از قراریکه آن آدمها مذکور داشتند و خود میرزا تقی خان هم کاغذ بخط خودش نوشته بود این روزها بشدت

ناخوش، غلامی از غلامان عالیجاه جلیل خان یوز باشی هم که شب یکشنبه نوزدهم این ماه از فین وارد دارالخلافه شد، مذکور داشت که (امیر کبیر) احـوال خـوشی نـدارد، صورت و پایش تا زانو ورم کرده است، موافق این اخبار معلوم میشود که خیلی ناخوش باشد و میگویند از زیادی جبن که دارد قبول دوا هم نمیکند و هیچ طبیبی را بر خود راه نمی‌دهد.[۱]



* روزنامهٔ قانون

اولین شمارهٔ روزنامهٔ «قانون» توسط میرزا ملکم خان در تاریخ رجب ۱۳۰۷ هجری قمری (مطابق ۱۲۶۵ شمسی) در لندن منتشر گردید و بدلیل ساده نویسی و بی تکلفی مقبولیت عامه یافت، اولین شمارهٔ آن در ۸ صفحه و بقیه شماره‌ها در ۴ صفحه منتشر گردید.

در نگارش روزنامهٔ قانون، ملکم خان تنها نبود، از مهمترین همکاران او میتوان از سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا آقا خان کرمانی نام برد. میرزا مـلکم خـان نـاظم الدوله ملقب به پرنس در سال ۱۲۴۹ هجری قمری (۱۸۳۳ . م) در اصفهان متولد شد،

---

۱ ـ روزنامهٔ وقایع اتفاقیه مورخ دوشنبه ۲۳ شهر ربیع الاول ۱۲۶۸ قمری ـ نقل از کتاب زندگی میرزا تقی خان امیر کبیر ـ حسین مکی ـ صفحه ۴۹۰

پدر او میرزا یعقوب از ارامنه‌ای بود که تغییر دین و به کسوت مسلمین درآمد. روزنامهٔ قانون بطور مخفی در تهران وبطور آزاد در تبریز تجدید چاپ میشد، این روزنامه بـا شعار قانون، مردم را علیه حکومت بی قانون برانگیخت و تأثیر آن، چنان بود که (دولت هر رویداد نامساعد در کشور را ناشی از روزنامهٔ اختر و یا قانون میدانست، از این رو دستور یورش به پستخانه را داد تا نام کسانی را که این روزنامه به آدرس آنها فرستاده میشد، بدست آورد و از این طریق بود که در عرض سه روز، سی نفر را دستگیر کردند، و افراد بسیار دیگری در معرض خطر قرار گرفتند)[۱] در زیر عنوان قانون نـوشته است: اتفاق . عدالت . ترقی، (محل صدور این جریده در دفترخانهٔ کمپانی انطباعات شرقی در کوچهٔ لومبارد نمرهٔ ۳۸ در لندن) قیمت اشتراک سالیانه یک لیرهٔ انگلیس، و در بعضی شماره‌ها نوشته است قیمت اشتراک: فهم کافی ـ شرایط آدمیت ـ یک ذره غیرت.

در قسمتی از سرمقاله شمارهٔ اول روزنامهٔ (قانون) بتاریخ رجب ۱۳۰۷ می‌خوانیم:

«... ایران مملو است از نعمات خداداد، چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته است نبودن قانون است. هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست، حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون، سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون، بندگان خـدا را حبس می‌کنیم بدون قانون، خزانه می‌بخشیم بدون قانون، شکم پـاره مـی‌کنیم بـدون قانون.»[۲]

---

۱ ـ روزنامهٔ «قانون» شماره ۲ ـ ششم شعبان ۱۳۰۷

۲ ـ نقل از «قانون» نمرهٔ اول ـ رجب ۱۳۰۷ قمری ـ ص ۱ و ۲

صفحه ۱

قانون

(نمره ۱۲)

قانون

پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله

اتفاق عدالت ترقی

قیمت اشتراک
یکذره غیرت

محل صدور این جریده در دفتر خانه کمپانی اطبعات شرقی در کوچهٔ لومبارد ۳۸ در لندن

محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت

REGISTERED IN LONDON AS A PERIODICAL FOR CIRCULATION ABROAD.

No. 7.

Kanoun.

(THE LAW.)

Subscription.
£1.

«در ملکی که هیچکس مأذون نباشد، لفظ قانون و اسم حقوق بزبان بیاورد، در ملکی که مال و جان و ناموس و تمام زندگی خلق موقوف به بوالهوسی رؤسا باشد، در ملکی که هر جاهل نانجیب بتواند بر مسند وزارت، خود را مالک رقاب کل ملت قرار بدهد، در آن مملکت، همت ملوکانه و عدالت ظل اللهی چه معنی خواهد داشت.[۱]

در قسمتی از صفحه اول نمرهٔ یازدهم «قانون» آمده است:

« وای بر آن ملکی که زندگی و ترقی و ناموس خلق در دست وزرای جاهل باشد، دولت صفویه را سفاهت وزرا تمام کرد، دولتهای رفته همه شهید جهالت وزرا بوده‌اند. در ایران چرا اینقدر ظلم هست؟ بعلت اینکه آدم کم است، چه باید کرد که آدم زیاد بشود؟ اول خودت آدم بشو. ..... دولتی که قانون ندارد، نه دین دارد، نه انصاف، نه شعور. از جمله شقاوتهای سفیهانهٔ دولت بی قانون یکی اینست که وجودهای ممتاز ملت را به اقسام صدمات وحشیانه تعاقب می‌نماید که در باب قانون چرا کاغذ پرانی می‌کنید؟ ای جنابان کمال پناه. با وجود چنین پرواز عالم گیر قانون از چنان تدابیر بربری بجز اینکه خود را بیشتر مورد لعن و نفرت دنیا بکنید چه حاصل؟ ..... بدیهی است که آدمها بجهت حفظ حقوق آدمیت باید هم عهد و هم قسم باشند. آن بدبختی که خودش منکر آدمیت خود بشود، حیوانی است کور و دیوانه، باید بر حال او ترحم کرد.[۲]»

«در ملکی که قانون هست عنان امور حکماً در دست فضلای قوم خواهد بود در ملکی که قانون هست هیچ جانوری نمیتواند به آدم اذیت بکند. در ملکی که قانون

---

۱ ـ نقل از «قانون» نمرهٔ اول ـ رجب ۱۳۰۷ قمری ـ ص ۱ و ۲

۲ ـ قسمتی از صفحهٔ ۱ و ۲ روزنامهٔ قانون ـ نمرهٔ یازدهم

هست، شعور و غیرت و جوهر آدمیت دقیقه به دقیقه زیادتر می‌شود و آحاد مردم هم به تحریک منافع شخصی و هم به اقتضای مصلحت عامه روز بروز بر نظم و عمارت و شوکت دولت خود می‌افزایند.قحط و غلا مرفوع، نعمات زندگی فراوان، خزاین ملت معمور، مدارس پر از معرفت، عمال دیوان همه فاضل، آحاد رعیت همه مستطیع، عساکر منظم، حقوق آدم تماماً محفوظ، عیش مشروع، نصیب عام، همه خرم و خوشدل، همه در امان قانون.

میگوئید اشرف قوانین، قانون اسلام است؟ شبهه‌ای نیست و به همین جهت است که از شما ای وزرای مسلمان می‌پرسیم آن دستگاه امنیت کش که کاغذهای مردم را بمیل خود باز بکند و معاملات و اسناد و اسرار و ناموس مسلمانان را در زیر دست و پای جانوران دیوان، اسباب اضطراب عام بسازد، آیا جزای چنان دستگاه، موافق شرع مقدس اسلام چه خواهد بود؟

مقصود ازبعثت جمیع انبیاء این بوده که قانون حق در دنیا جاری بشود، آن دستگاهی میاید میگوید قانون منسوخ و میل من قانون است، آن دستگاه مخرب نظم دنیا و دشمن آدمیت و کافر مطلق و ملعون خداست.[1]».

(مناظره و سئوال و جواب شاه قاجار با وزراء)

شماره چهل و یکم روزنامهٔ «قانون» (که احتمالاً آخرین شماره آن باشد) در ۱۸۹۸ میلادی به چاپ و نشر سپرده شده که این تاریخ دو سال پس از فوت ناصرالدین شاه و ده سال قبل از مرگ (پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله) و مهمتر از همه ۸ سال پیش از انقلاب مشروطه است.

متن ۴ صفحه‌ای شماره چهل و یکم روزنامه «قانون» کلاً به مناظره و سئوال و

---

۱ ـ قسمتی از صفحه ۲ و ۳ روزنامهٔ قانون ـ نمرهٔ یازدهم

جواب شاه قاجار با وزراء اختصاص دارد و وضع فلاکت بار مردم ایران را در آن مقطع از تاریخ نشان میدهد که نقل کامل آن خالی از لطف نیست و میتواند برای علاقمندان به پژوهشهای تاریخی و اجتماعی و سیاسی مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرد، متن کامل شماره ۴۱ را با هم میخوانیم:

قیمت اشتراک

قانون

نمره چهل و یکم — اتفاق.عدالت. ترقی — زحمت ابلاغ این نسخه بیک آدم دیگر

حضور همایون.

روز شنبه گذشته ما را باز علی الغفلة احضار فرمودند. ایندفعه بیش از شصت نفر بودیم، مجلس رنگ دیگر پیدا کرد، همین که نشستیم اعلیحضرت اقدس همایون بدون هیچ مقدمه فرمود: حضرات، امین الدوله استعفا کرد، تدبیر دیگر لازم شده است، بگوئید چه باید کرد؟ هیچکس عرضی نکرد.

ذات اقدس خطاباً به مشیر الدوله فرمود: مشیرالدوله، بعضی‌ها شما را شیخ الوزراء می‌گویند و باید هم اینطور باشد، اول شما بگوئید.

مشیرالدوله: مطلب واضح است، وضع دربخانهٔ مارا باید حکماً تغییر داد.

عقل الممالک: معنی این حرف را نمی‌فهمم، نظم و عدالت یک دولت بهتر از آنچه در زیر سایهٔ همایونی داریم در کدام لندن شما دیده شده است؟

اعلیحضرت همایون در ضمن لبخند فرمود:

حضرات، میخواهم این مجلس، مجلس صدق باشد، بشما اذن میدهم، بلکه حکم

قانون

اتفاق . عدالت . ترقی .

نمرهٔ اول غرهٔ رجب ۱۳۰۷	محل صدور این جریده در دفترخانهٔ کمپانی انطباعات شرقی در کوچهٔ لومبارد نمرهٔ ۳۸ در لندن .	قیمت اشتراک سالیانه یک لیره انکلیس

بسم الله الرحمن الرحیم .

اللهم بدأنا باسمک العظیم . بعد الاتکال علی عونک الکریم . بنشر صحیفة "القانون" قانوناً لعبادک المومنین . ودستوراً یهتدی بامونه خیر المهتدین . فارشدنا وایاهم الی صراط الرشاد المستقیم . وانر عقولنا بنبراس العلم السلیم . لنسلک فی منهاج العدل والاستقامه . ونحظی بخاتمة الصالحین یوم القیامه .

جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خودرا از وطن مألوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده اند . در میان این مهاجرین متفرقه آن اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق میکنند سالها در این فکر بودند که آیا بچه تدبیر می‌توان بآن بیچاره‌گان که در ایران گرفتار مانده اند جزئی امدادی برسانند . پس از تفحص و تفکر زیاد براین عقیده متفق شدند که بجهة نجات وترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامهٔ آزاد هیچ اسباب نمی‌توان تصور کرد .

•

این چند نفر اشخاص وطن‌پرست که معنی و قدرت روزنامه جات را درست فهمیده اند در این چهار پنج سال بیک عزم مردانه افتادند باطراف دنیا و بهر وسیله چه باصرار چه بالتماس و چه بگدائی از دولتخواهان ایران وارباب کرم و طالبان ترقی اعانه‌های وافر جمع نمودند و بعون الهی این روزها یک کمپانی معتبری ترتیب دادند باین عزم مبارک که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامه جات و کتابچه‌های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است .

ایران مملوّ است از نعمات خداداد .

چیزی که همهٔ این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است .

هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیراکه قانون نیست .

حاکم تعیین میکنیم بدون قانون . سرتیپ معزول میکنیم بدون قانون . حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون . بندگان خدا را حبس میکنیم بدون قانون . خزانه می‌بخشیم بدون قانون . شکم پاره میکنیم بدون قانون .

•

در هند در پاریس در تفلیس در مصر در اسلامبول حتی در میان ترکمن هرکس میداند که حقوق و وظایف او چیست .

در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام .

فلان مجتهد را بچه قانون اخراج کردند .

مواجب فلان سرتیپ را بچه قانون قطع نمودند .

فلان وزیر بکدام قانون مغضوب شد .

فلان سفیه بچه قانون خلعت پوشید .

هیچ امیر و هیچ شاهزادهٔ نیست که از شرط زندگی خود بقدر غلامان سفرای خارجه اطمینان داشته باشد .

می‌کنم که به هر آزادی که شما میخواهید، حقیقت اوضاع ما را درست بشکافید، اما بطوری خوب بشکافید که دیگر امثال عقل الممالک نتوانند هر ساعت بر اقدامات تازهٔ ما ایراد بگیرند.

مشیر الدوله: حالا که حکم همایون بر بیان حقیقت است عرض میکنم که در این عهد از عدالت زیاد می‌شنویم، ذات اقدس هم از روز اول بقدری که ممکن بود در این باب تأکید فرمودند، ولیکن ما باز به سبک سابق بی آنکه ابداً به اوامر همایون و به هیچیک از قوانین دنیا اعتنائی نمائیم مال و ملک و همه چیز رعیت را به میل خود ضبط می‌کنیم، مناصب و القاب و حکومتها و سفارتها را به دلخواه خود میفروشیم، شاهزادگان و مجتهدین اعیان ملت را هر دقیقه‌ای که میخواهیم بدون سئوال و جواب اخراج بلد می‌کنیم، گوش و دماغ و دست و سر مردم را به یک اشاره می‌بریم و باز هم می‌پرسیم وضع ما چه عیب دارد؟

عین الدوله: و حقیقتاً هم از برای وزرای ما هیچ عیب ندارد زیرا که به محض پوشیدن خلعت، جمیع نعمات ایران را میراث پدر و حق مخصوص متعلقان خود قرار می‌دهند، آنچه عقل و معرفت هست از دایرهٔ امور اخراج و آنچه حماقت ور ذالت هست بر دور خود جمع میکنند و بعد از آنکه به زور غصب و دزدی و بی دینی بر رعیت و بر خود پادشاه خوب مسلط شدند، آنوقت هر صبح و شام بر ما و کاینات منت می‌گذارند که اگر ما نباشیم شما همه معدوم خواهید بود. اعلیحضرت اقدس بی آنکه بر روی مبارک اثر تکدر ظاهر بسازد بیک تلفظ خاص فرمود:

ناظم الدوله، شما از مجتهدین این مسائل بوده‌اید، چرا حرف نمی‌زنید؟

ناظم الدوله: عرض بنده یک کلمه است، اولیای ما خواب و دولت ما در حالت نزع است.

کنج الملک: آقای ناظم الدوله فراموش نفرمائید که سی سال قبل شما در یکی از کتابچه‌های خودتان نوشته‌اید که شوکت ایران بر سه چیز است: شمشیر کج، کیمیا، و وزرای عاقل و الحمد لله این سه چیز در ایران کاملاً باقی است.

امیر بهادر جنگ: از آنوقت تا بحال بر این سه سرمایه خیلی چیزها افزوده شده است، دویست نفر امیر تومان داریم که عدد طلبکارشان چهل مرتبه از عدد سربازشان بیشتر است، بیست هزار شاهزاده داریم که حسرت نوکری تبعهٔ خارجه را می‌کشند، رنگ مواجب شده است عزیزتر از پر عنقا.

ملک التجار: چرا از امنیت حقوق ما نمی‌فرمائید، در یک پایتخت فرنگستان دو هزار و پانصد روزنامهٔ آزاد هست، و اگر یک بنده خدا در ملک ما یک کلمه حرف حق بگوید باید به حکم عقل جهان آرای وزرای ما تا هفت پشت مغضوب دولت بماند.

عقل وزرای ما ایران را چنان سعادت کرده است که آنچه جوان کار کن و آنچه شعور متحرک داریم سراسیمه تا به اقصی جهنم دنیا فرار می‌کنند، از برای اثبات قدرت وزرای ما چه کرامتی بهتر از این؟

عضدالدوله: این مطالب تلخ هر قدر هم حقیقت داشته باشد، شایسته نیست که بیش از این شرح بدهیم، بهتر اینست که بگذاریم جناب هاتف الدوله چند کلمه‌ای از

چاره بفرماید.

هاتف الدوله: چاره همان است که مکرر بیان شده است. باید حکماً آندو مجلس را موافق قانون ترتیب داد خارج از ترتیب آندومجلس هر چه بکنید، هر وزیر و هر فرشته‌ای که بیاورید نتیجه همان خواهد بود که هست، امین الدوله مرد معقول و کارآگاه بود و وزرای همدست او اغلب از خوبان قوم منتخب شده بودند.چرا نتوانستند کاری بکنند بعلت اینکه آندومجلس درست ترتیب نیافت.

اعلیحضرت همایون: تقصیر کیست؟ هزار بار گفتم و اصرار کردم و حکم کردم که آندومجلس را موافق قاعده ترتیب بدهند، چرا نکردند؟

مجدالملک: اگر اجازه فرمایند جواب وزرا را بنده عرض میکنم، جواب آنها اینست که بجهت ترتیب آندومجلس آن قدرتی که لازم بود به آنها داده نشد.

اعلیحضرت شاهنشاهی: این حرف بکلی نامربوط است، من کل قدرت سلطنت را به ایشان دادم و اگر گاهی مجبور میشدم که عرایض بعضی از وزرا را رد بکنم، سبب آن واضح است، وقتی یک وزیر می آید و میگوید فلان حاکم یا سفیر را معزول و فلان اشخاص را باید منصوب کرد؟ در حالتی است که من مطلع هستم چه قسم معاملۀ قبیح در میان هست و میدانم آن وزیر اعتبار دولت و ناموس شخص خود را در کثافت چه نوع رشوه خوری ملوث می‌کند از شما می‌پرسم دیگر به چه اعتماد حرف آن وزیر را قبول بکنم؟

نظام السلطنه: قربانت شوم حالا که حرف باینجا کشید از این نقطه هیچ دور نرویم،

سرچشمهٔ جمیع مصایب ایران نیست مگر همین کثافت رشوه خوری، رشوه خـوری و منصب فروشی اغلب بزرگان ما را خائن کور و حیوان بی شعور کرده است. در ختم این فصل سیاه باید همه متفقاً عرض نمائیم که این مرض رشوه خوری جذام دولت ایران شده است و تا ریشهٔ این بلیه از سینهٔ بزرگان ما کنده نشود، ممکن نیست که سلطنت قاجاریه بتواند در دنیا سرهستی بلند بکند.

لسان الملک: و از عجایب بدبختی ما یکی اینست که این هـمه پـیر و وجـوان بفرنگستان رفتند و در اینجا به مقامات عالی رسیدند و در رفع این بلیه نه یک حرف زدند و نه یک قدمی بر عکس آن برداشتند.

احتشام السلطنه: چه میفرمائید، آنها که از فرنگستان برگشتند صد مـرتبه بـدتر کردند، آنها اسم فرنگستان را رسوا کردند. مشیر الملک: اما این را هم بـاید تـصدیق نمائیم که اغلب وزرای ما با همه رشوه خوری خود نان شب ندارند، یک صراف یهودی میتواند وزرای ما را بخرد.

اعلیحضرت شاهنشاهی: از مراتب ثروت ممالک خارجه بی اطلاع نـیستم و از خدا میخواهم که وزرای ما صاحب کرورها باشند، اما نه از راه رشوه خوری، در ایران چقدر معادن و املاک و آبهاهست که همه بی مصرف مانده، چه عیب دارد که بزرگان و رعایای ما برای این قسم کارها امتیاز بگیرند که هم ملک ما را آباد کنند و هم خودشان آباد شوند.

حاج امین الضرب: کدام رعیت ماست که بتواند نزدیک یک امتیاز دولت برود،

اولیای ما جمیع نعمات ایران را برای غُربا حلال میدانند اما وای بحال آن بدبخت ایرانی که بخواهد در وطن خود مصدر فایده‌ای بشود تا ریشه او را نکنند و تا آخرین قطرهٔ خون او را نمکند چطور می‌شود او را رها بکنند.

ملک التجار: حرف حاجی و حرف بنده و حرف همهٔ این خلق که جنابان شما نوکر و زرخرید خودتان تصور میکند اینست که خدا این ملک را فقط از برای شماها نیافریده است، ما هم در این ملک حق زندگی داریم، ما هم میخواهیم در زیر سایهٔ این پادشاه یک دولتی داشته باشیم که نگذارد حقوق و اموال و ناموس ما هر ساعت طعمهٔ یک رذل خلعت پوش بشود.

عقل الممالک: جناب ملک، اینجا ایران است، اهل این ملک هنوز اینقدر احمق نشده‌اند که مثل کفار بی شعور پی این حرفهای رکیک بروند، آن چیزها که دیگران در ممالک مخروبهٔ خارجه دارند ما در این ممالک محروسه چطور میتوانیم داشته باشیم.

وزیر همایون: داشتن این چیزها سهل است، چیز مشکل، داشتن یک آدم است.

حکیم الممالک: هزار افسوس که هزار بار حق دارید، بله یک آدم، یک آدم.

اعلیحضرت اقدس: آن آدمی که شما میخواهید منهم پی آن آدم میگردم من که نمی‌توانم آدمهای تازه خلق بکنم، اصحاب کار ما همین ها هستند که امتحان کردیم، آن اشخاص که بفرنگستان رفته بودند و موافق قاعده میبایستی از تنظیمات دولتی اطلاع داشته باشند، آنها را هم آوردیم و دیدید که باز هم نشد.

مشیر الوزاره: خبط بزرگ ما این شد که خیال کردیم هر کس کوچه‌های فرنگستان

را سیر بکند باید جمیع مملکت داری در سینهٔ او جمع بشود.

ذکاء الملک: خبط عجیب تر ما اینست که خیال می‌کنیم قابلیت وزارت باید حکماً از میان اشخاص مجلل بروز بکند از برای انتخاب وزرا منتظر هستیم که از اهل دربخانه کسی مال دولت و حقوق مردم را اینقدر بچاپد تا اینکه فراشخانه و شتر خانهٔ او یک کوچه را پر بکند، آنوقت تصدیق می‌کنیم که مرد با استخوان و شایسته وزارت است.

در تاریخ دنیا فضل و کمال عموماً از طبقات فقر بروز کرده و در طبقات امروزهٔ ایران البته آدمها هستند که بتوانند اسباب احیای دولت بشوند ولکن تکلیف خود دولت است که این نوع اشخاص فوق العاده را در هر گوشه‌ای که باشند پیدا نماید.

اعلیحضرت شاهنشاهی: نسل قائم مقام و میرزا تقی خان یقین است که در این ملک قطع نشده ولیکن ابراز آنها بر عهدهٔ همهٔ شماست و الان از همهٔ شما مؤکداً میخواهم که هر جا وجود ممتاز که سراغ داشته باشید، بی مضایقه بمن خبر بدهید. و شما جناب هاتف الدوله، شما که از خیراندیشان قدیم دولت هستید از شما مخصوصاً خواهش دارم بمن بگوئید آن اشخاص که شما شایستهٔ وزارت میدانید کیستند؟

هاتف الدوله: از روی معرفت بطور صریح عرض میکنم که الان در طبقات ایران چنان وجودها هستند که بر مسند وزارت از هیچ میرزا تقی خان عقب نخواهد ماند، اما اگر اسامی آنها را در این مجلس ذکر بکنم البته مایهٔ رنجش جمعی خواهد شد.

اعلیحضرت شاهنشاهی: این ملاحظهٔ شما هم خیلی بجاست، اسامی اشخاص را با شروح لازمه محرمانه بمن بنویسید و مطمئن باشید که بغیر از من احدی نخواهد دید،

قانون

نمرهٔ چهل و یکم .

اتفاق . عدالت . ترقی .

قیمت اشتراک
زحمت ابلاغ این نسخه
بیک ادم دیگر .

حضور همایون .

روز شنبهٔ گذشته ما را باز علی‌الغفله احضار فرمودند . اینددفعه بیش از شصت نفر بودیم . مجلس رنگ دیگر پیدا کرد . همین که نشستیم اعلیحضرت اقدس همایون بدون هیچ مقدمه فرمود ـــ حضرات . امین‌الدوله استعفا کرد . تدبیر دیگر لازم شده است . بگوئید چه باید کرد .

هیچکس عرضی نکرد .

ذات اقدس خطاباً بمشیرالدوله فرمود ـــ مشیرالدوله . بعضیها شما را شیخ‌الوزرا میگویند و باید هم اینطور باشد . اول شما بگوئید .

مشیرالدوله ـــ مطلب واضح است . وضع دربخانهٔ ما را باید حکماً تغئیر داد .

عقل‌الممالک ـــ معنی این حرف را نمیفهمم . نظم و عدالت یک دولت بهتر از انچه در زیر سایهٔ همایونی داریم در کدام لندن شما دیده شده است .

اعلیحضرت همایون در ضمن لبخند فرمود ـــ

حضرات . میخواهم این مجلس مجلس صدق باشد . بشما اذن میدهم بلکه حکم میکنم که بهر ازادی که شما میخواهید حقیقت اوضاع ما را درست بشکافید . اما بطوری خوب بشکافید که دیگر امثال عقل‌الممالک نتوانند هر ساعت بر اقدامات تازهٔ ما ایراد بگیرند .

مشیرالدوله ـــ حالا که حکم همایون بر بیان

عدالت زیاد میشنویم . ذات اقدس هم از روز اول بقدری که ممکن بود در این باب تأکید فرمودند . ولیکن ما باز بسبک سابق بی انکه ابدا به اوامر همایون و به هیچیک از قوانین دنیا اعتنائی نمائیم مال و ملک و همه چیز رعیت را بمیل خود ضبط میکنیم . مناصب و القاب و حکومتها و سفارتها را بدلخواه خود میفروشیم . شاهزدگان و مجتهدین و اعیان ملت را هر دقیقهٔ که میخواهیم بدون سؤال و جواب به اخراج بلد میکنیم . گوش و دماغ و دست و سر مردم را بیک اشاره میبریم و باز هم می‌پرسیم وضع ما چه عیب دارد .

عین‌الدوله ـــ و حقیقةً هم از برای وزرای ما هیچ عیب ندارد . زیراکه بمحض پوشیدن خلعت جمیع نعمات ایران را میراث پدر و حق مخصوص متعلقان خود قرار میدهند . انچه عقل و معرفت هست از دایرهٔ امور اخراج و انچه حماقت و رذالت هست بر دور خود جمع میکنند و بعد ازانکه بزور غصب و دزدی و بیدینی بر رعیت و برخود پادشاه خوب مسلط شدند انوقت هر صبح و شام برما و بر کاینات منت میگذارند که اگر ما نباشیم شما همه معدوم خواهید بود .

ـــ اعلیحضرت اقدس بی انکه بروی مبارک هیچ اثر تکدر ظاهر بسازد بیک تلطف خاص فرمود ـــ ناظم‌الدوله . شما از مجتهدین این مسائل بوده اید . چرا حرف نمیزنید .

ناظم‌الدوله ـــ عرض بنده یک کلمه است .

اولیای ما خواب و دولت ما در حالت نزع است .

اما خیل زود زیرا که وقت خیلی تنگ است.

شاهنشاه زاده شعاع السلطنه: منهم یک کلمه عرض دارم، افکار و فرمایشات همایون هر قدر هم متین و عالی باشند یقین میدانم که بجائی نخواهد رسید.

اعلیحضرت همایون: دلیل شما چیست؟

شاهنشاه زاده: دلیل بنده اینست که وزرا و بزرگان ما بیعارترین جنس ایران شده‌اند، اینها که آدم هستند و نه میگذارند یک آدم ظهور بکند.

صدیق السلطنه: والله همینطور است که میفرمایند، اعاظم وزرای ما خلعت وزارت را جامع جمیع نامردیها قرار داده‌اند، اگر معنی غیرت را بقدر یهودیهای خارجه فهمیده بودند در همین دو سال با چنین پادشاه فرشته خصال، میتوانستند ایران را زنده بکنند.

میرزا محمود خان قائم مقام: هیچ حرفی نیست که اعظم بلاهای ملک ما همین بی غیرتی بزرگان ماست که ایران را ... دول اطراف ساخته است. ما همه می‌بینیم که دین و دولت و ملت و عیال و ناموس ما را درکاراند میخواهند در یک دریای لجن خفه بکنند و باز بدتر از هر حیوان بی حس بر روی همدیگر نگاه میکنیم و میگوئیم بماچه، در ملکی که درخت بی عاری در دل بزرگان اینطور ریشه کرده باشد همت پادشاه چه می‌تواند بکند.

جناب شیخ المشایخ: همت یک پادشاه در چنان ملک میتواند مصدر کرامتها بشود. پادشاه همیم در چنان ملک خود بشحفه مربی غیرت میشود، پادشاه همیم هرگز

نخواهد گذاشت که نادانی و نااهلی سوار ارباب دانش بشود. پادشاه همیم ابداً راضی نخواهد شد که اعظم مناصب دولت تیول یک خانواده مخصوص بشود، پادشاهی که معنی و قدرت علوم این عهد را درک کرده باشد خودش باتمام همت خود جویای ارباب علم و اولین محب مردان کار می‌شود. آن پادشاه سعادت بخت که دارای این صـفات باشد در هیچ ملک برای اعتلای شوکت او وزرای قابل هرگز کم نخواهند بود.

در اواخر مجلس ذات اقدس همایون هیچ نمی‌فرمود، متصل سبیل‌های مـبارک را می‌پیچاند و هر یک از الفاظ مجلس را بیک دقت عمیق گوش میداد، وقتی حرفها تمام شد فرمود:

حضرات، در این مجلس حرفهای بزرگ زدید و خوب کردید، ممنون شما هسـتم. مجالس لال و تملقات رسمی تا امروز در این ملک بجز خرابی حاصلی نداشته‌اند امروز خوب فهمیدم که حقیقت وضع ما چیست و کار ما بکجا رسیده، هاتف الدوله آن اسامی را یک دقیقه زودتر بمن برسانید.

امر همایون مطاع است، فهرست اسامی با شروح محرمانه بلاتأخیر بنظر انور خواهد رسید[۱]



نامهٔ مقدسهٔ حبل المتین (کلکته)

روزنامهٔ حبل المتین یکی از روزنامه‌های مفید قبل از مشروطیت بود که در خارج از

---

۱ ـ نقل از «روزنامهٔ قانون» شمارهٔ ۴۱ سال ۱۸۹۸ میلادی

ایران منتشر میشد، تاریخ انتشار اولین شماره این روزنامه دهم جمادی الثانی ۱۳۱۱ قمری در کلکته بوده و در طول چهل سال انتشار بارها این روزنامه تعطیل و توقیف گردید.

این روزنامه چون در خارج از ایران منتشر میشد آزادانه به عمال جور و ستم و در باریان ایران حمله می‌نمود و مفاسد آنان را بی پروا شرح میداد. مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در رابطه با روزنامهٔ حبل المتین مینویسد[1]:

«روزنامه حبل المتین بمدیری سید جلال الدین الحسینی ملقب به مؤید الاسلام در شهر کلکته بزبان فارسی تأسیس و شماره اول آن در تاریخ دهم جمادی الثانی ۱۳۱۱ قمری چاپ و توزیع گردیده است. حبل المتین معمولاً در ۲۴ صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سربی در (مطبعهٔ حبل المتین) طبع و هفته‌ای یکبار روزهای دوشنبه چاپ و سه شنبه‌ها توزیع می‌شده است، خصوصیات روزنامه در هر شماره در عنوان آن چاپ شده، اسم روزنامه بخط نسخ درشت و بالای آن (نامهٔ مقدسه) و وزیر آن سال تأسیس (سنه ۱۳۱۱) و در یک طرف قیمت اشتراک و دو طرف دیگر سایر خصوصیات از قبیل (کلیه امور اداره با مدیر کل مؤید الاسلام است) و «مدیکال کالج استریت نمبر ۴» و غیره است. موضوعیکه به نشر فوق العاده روزنامه کمک میکرد مجانی بودن روزنامه بوده که مدت ده سال متوالی هر هفته پنجهزار نسخه از آن مجاناً بین روحانیون نجف و

---

۱ ـ تاریخ جراید و مجلات ایران ـ محمد صدر هاشمی ـ ج ۲ ـ ص ۲۰۰ انتشارات کمال اصفهان ـ ۱۳۶۳

علمای ایران و سایر روشنفکران توزیع می‌گردیده، بقسمی که در اوایل مشروطیت هر نوبت سی و پنجهزار نمره از آن طبع و منتشر گردیده است.

بعلت همین نفوذ زیاد و بی پروائی در نوشتن بوده که ناگهان اتابک را متوجه خطر عظیم روزنامه نمود و برای بار اول مدت چهار سال ورود روزنامه را به ایران قدغن کرد، بعضی علت جلوگیری اتابک از روزنامه را مقالات تند این روزنامه بر علیه روسها در قضیهٔ اخذ وام از آن کشور دانسته‌اند.»

اتابک مخالفان زیادی داشت بویژه پس از استقراض از روسیه روز بروز بر مخالفان او افزوده می‌گشت، از جمله این مخالفان، اعضای انجمن سری بودند، در صفحه ۲۰۳ جلد دوم تاریخ جراید و مطبوعات ایران آمده است که: «شیخ یحیی که خود عضو انجمن سری بود. باتفاق سید حسن کاشانی و چند نفر دیگر شبنامه نوشته و در اتاق مظفرالدین شاه می‌گذاشتند. در یکی از شبنامه‌ها که در آن از قرضهٔ ایران از روس بدگوئی شده و اشعار زیر را فخرالواعظین کاشانی در ذم اتابک سروده و در آن نوشته شده بود، وقتی موقرالسلطنه، درنیاوران، خواست روی میز شاه بگذارد شاه ملتفت شد و موقر السطلنه را گرفته بچوب بستند تا اینکه اعضای انجمن سری و شبنامه‌ها را اظهار داشت چند شعر از اشعار فخرالواعظین بدین قرار است:

ارمنی زاده مسیازار مسلمانان را | بکف کفر مده سلطنت ایمان را

عاقبت خانهٔ ظلم تو کند شاه خراب | پس چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را

داس غیرت چه شود در کف ملت ظاهر | پاک از لوث وجود تو کند بستانرا

مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مطبوعات ایران می‌نویسد:

«روزنامۀ حبل المتین بدستور اتابک مدت چهار سال از ورود بخاک ایران ممنوع گردید، در کتابخانۀ مدرسۀ صارمیه اصفهان دو جلد روزنامه حبل المتین موجود است که هر دو را اکبر میرزا مسعود (صارم الدوله) پسر ظل السلطان در ضمن کتابهای دیگر وقف بر دبیرستان نموده. این دو مجله متعلق به سال هشتم روزنامه میباشد و نمره اول آن در تاریخ دوشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری طبع و در ۲۴ صفحه به قطع معمول روزنامه منتشر شده است، مقالۀ افتتاحی این سال پس از ذکر فهرست مندرجات بدین قسم شروع می‌گردد:

«شکر و توفیق ـ ای شکر تو شکر دهانم ـ شکر شکر تو کی توانم. اگر چه در سنۀ ماضیه یعنی از آغاز هفتمین سال حبل المتین که دهم جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۷ تا انجام آن که نهم جمادی الاخری سنه ۱۳۱۸ است، این ادارۀ اسلامی و خادم حقیقی وطن عزیز و خیرخواه ملت و دولت اسلامیه، خدنگ هزاران گونه صدمات و لطمات خارجی و محیط نزول صدها قسم بلیات داخلی واقع بود....»

مرحوم وحید دستگردی در ستایش حبل المتین قصیده‌ای سروده که در شماره‌های ۵ و ۶ ارمغان (مرداد و شهریور ۱۳۰۸) بهمراه مقدمه‌ای بشرح زیر چاپ شده است:

«خدمات چهل ساله مدیر (نامه مقدس حبل المتین کلکته سید جلال الدین کاشانی (مؤید اسلام) به سیاست و سعادت و استقلال مملکت ایران بر هیچکس پوشیده نیست و تا قیامت در نظر ایرانیان فراموش نخواهد شد. بعد از جنگ عمومی هنگامیکه این نامۀ

مقدس به جرم دوستی ایران، از طرف دشمن تعطیل و توقیف گردید، نگارندهٔ ارمغان بنام قدر شناسی و پاس خدمات ملی قصیده‌ای راجع به خدمات وزحمات مدیرنامه مقدس انشاء و با پست ارمغان خدمت آن مدیر مرحوم ارسال داشته است.

«قصیده»

زهی دبیر هنر پرور خرد فرجام — امیر ملک سیاست خدیو مصر کلام

مدیرنامهٔ حبل المتین کلکته — جلال مملکت جم مؤید الاسلام

حکایت قلم حق نویس و نامهٔ او — بشرح ناید اشجار اگر شوند اقلام

تمام گشته بدونثر پارسی امروز — چو شعر تازی بر بوفراس و بوتمام

سروش عرش مساوات پیک آزادی — رسول شرح مواسات امام پاک همام

گره گشای سیاست به ناخن تدبیر — مسیل بند حوادث بازوی اقدام

در آنزمان که نبود از جریده نام و نشان — شمیم این گل نشنیده بود هیچ مشام

زنامه، نامی اگر بر زبان کسی رفتن — چو خامه گردن دادی به تیغ خون آشام

دمید نفخهٔ صور و همه عظام رمیم — شدند زنده و گشتند سروران عظام

نبود نامه حبل المتین اگر در هند — نه از جریده در ایران نشانه بود و نه نام

بلی نبود بزاولستان اگر رستم — نه گیو بود و نه گودرز بود و نه رهام

اگر دو روزی توقیف کرد نامهٔ تو — بکام صرصر و توفان کسی نیست لگام

دوباره صیقلی آید برون بکشتن خصم — دو روزی اربه غلاف است دوست را صمصام

بگوی عدو ز حبل المتین بدارد دست — که هر چه نقض کنی بیشتر شود ابرام

ترا سپاس و سلام ارمغانی از ره دور — درین چکامه کند والسلام خیر ختام

حبل المتین (تهران)

با همت میرزا سید حسن کاشانی (برادر مؤید الاسلام)، روزنامه حبل المتین در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بهمان قطع حبل المتین کلکته در تاریخ دوشنبه پانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری مطابق ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی در تهران (مطبعهٔ فاروس) منتشر گردید.

کسروی در بخش اول تاریخ مشروطیت ایران دربارهٔ این روزنامه می‌نویسد: «حبل المتین تهران چون نخستین روزنامهٔ روزانه در ایران میبود و با کاغذ و حروف خوب بچاپ میرسید و آنگاه گفتارهای آنرا شیخ یحیی کاشانی که هم نویسنده خوب و هم آگاهی بیشتر از دیگران میداشت، مینوشت، ارجی در میان مردم پیدا کرد وتا زمان توپ بستن مجلس همچنان پیش می‌رفت ..... جبل المتین کلکته همچنان بیرون می‌آمد ولی پیداست که این زمان ارج پیشین را نمیداشت، زیرا این زمان روزنامه‌های دیگری پیدا شده و نیاز مردم را بخواندن آن کمتر گردانیده بود و بویژه که آن برای رسیدن به تهران یکماه بیشتر زمان میخواست و نوشته‌ها از بها می‌افتاد، این بود که این را بنام یک شاخه‌ای از آن در تهران بنیان نهادند، در داستان (پیمان انگلیس و روس) و همچنین در برخی پیش آمدهای دیگر این روزنامه گفتارهای مغزدار خوبی نوشت[۱]» قسمتی از مقالهٔ افتتاحی روزنامه حبل المتین (تهران) به این قرار است[۲]:

---

۱ ـ تاریخ مشروطیت ایران ـ احمد کسروی

۲ ـ به نقل از: تاریخ جراید و مجلات ایران ـ محمد صدرهاشمی ـ جلد ۲ ـ صفحه ۲۰۹

«ربنا آتنا من لدنک رحمه و هیئی لنامن امر نارشدا.

بارخدایا قلوب ما را بنور معرفت روشنائی بخش و نیات ما را در این خدمت بزرگ مقدس و خالص گردان، تا که باید و شاید از عهدهٔ وظیفه و تکالیف مقررهٔ خود بر آئیم، ملک و ملت را خدمتی شایان توانیم .... (پس از این قسمت شرحی دربارهٔ اینکه منظوری جز حق نویسی و راهنمائی ملت و دولت ندارد نوشته تا میرسد باینجا که:)

و با لجمله مسلک و شیوه ما در این روزنامهٔ یومیه همان مسلک و منهج روزنامهٔ هفتگی حبل المتین است که در عرض ۱۴ سال یک مرام و منظور را در نظر داشته و قوم را بسمت آن متوجه می‌ساختیم .... هر کس بدیدهٔ انصاف بنگرد حکم قطعی خواهد کرد که عهدهٔ اسباب حصول این خوشبختی و سعادت (منظور اعطای مشروطیت است) فریادها و ناله‌های چهارده سالهٔ حبل المتین است، اکنون نیز از طبع و نشر این روزنامه در مرکز مملکت و پایتخت ایران، جز اختتام این مأموریت الهیه و تکمیل مقاصد سابقه در نظر ندارد.»

استمرار انتشار این روزنامه تا $\frac{۱}{۵}$ ماه بعد از بتوپ مجلس (۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۶ قمری) بوده است، زیرا بعد از وقایع مجلس و حوادث باغشاه، بدستور محمد علیشاه، تعداد پنج نفر از تهران بخارج ایران تبعید شدند که یکی از آنهامیرزا سید حسن کاشانی مدیر حبل المتین بود. مرحوم محمد صدر هاشمی در تاریخ جراید و مطبوعات ایران در این رابطه چنین مینویسد:

«میرزا سید حسن کاشانی پس از خروج از تهران و توقف چند ماهی در رشت، و

انتشار چند شماره روزنامه در آنجا، مجدداً در اواسط سال ۱۳۲۷ قمری، هنگامیکه محمد علیشاه از طهران اخراج شد بطهران بازگشت و برای بار دوم روزنامهٔ حبل المتین را در آنجا طبع و توزیع نمود، انتشار مجدد حبل المتین مصادف با آغاز سال سوم روزنامه بوده و ظاهراً در ماه جمادی الثانی شروع گردیده است، پس از انتشار شماره ششم این سال که در رجب ۱۳۲۷ قمری بوده بمناسبت مقاله‌ای که در آن عنوان (اذافسد العالم فسد العالم) چاپ شده غوغا و هیاهوئی در تهران بر علیهه روزنامه و مدیر آن بر پا شد و نشر این مقاله را بر خلاف قانون مطبوعات که در آن صریحاً از انتشار مقالات مضره بدین اسلام ممانعت شده، دانستند، وزارت معارف از وزارت عدلیه تقاضای محاکمه حبل المتین و توقیف روزنامه را نمود، محکمه جزا بعضویت آقایان حضر، صدرالاشراف، مشاور الملک و آقا شیخ هادی تشکیل گردید و حکم زیر را صادر نمود:

(متن حکم صادره وزارت عدلیه)
(بر علیه روزنامهٔ حبل المتین تهران)

«صورت حکم محکمهٔ جزا در خصوص حبل المتین یومیه منطبعه طهران نمره ۶ ـ بموجب عریضهٔ حضرات اصناف دار الخلافه تهران و اظهار وزارت جلیلهٔ علوم و نظر به مقاله در تحت عنوان (اذافسد العالم فسد العالم) که در شماره ششم یومیهٔ حبل المتین طهران منتشر شده در حضور هیئتی از نمایندگان علمای دارالخلافه و هیئت منصفه جناب میرزا مصطفی خان منصور السلطنه که بتصویب وزیر عدلیه بسمت مدعی

العمومی انتخاب شده‌اند، بر میرزا سید حسن کاشانی نایب مدیر روزنامهٔ حبل المتین تهران اقامهٔ دعوی نمود، پس از استنطاقات که در مجالس عدیده بعمل آمده، روز بیست و یکم شهر رجب مجلس محاکمه منعقد گردید، میرزا سید حسن کاشانی در مجلس استنطاق و محاکمه سلب مسئولیت مدیری را از خود نموده، جناب آقای سید جلال الدین مؤید الاسلام را که سمت مدیر کل روزنامه را دارد واگذار میکرده، علاوه متعذر می‌شد که وزارت علوم پس از انتشار نمره ۶ روزنامه از مشارالیه سند گرفته و او را مسئول روزنامه قرار داده است و نیز اظهار میکرد که نویسنده مقالهٔ (اذافسد العالم فسد العالم) شخصی دیگر بوده،بهیچوجه مسئولیتی که از این مقاله منتج میشود بر من وارد نیست، بعلاوه در باب عبارات روزنامهٔ نمره شش (لیکن بدترین موقعی که قومیت و استقلال ایران را مضمحل و نابود ساخت الی آخر) توضیحاتی داد که به موجب آن توضیحات معلوم میشود این عبارات منافاتی با مذهب جامعه اسلامیه ندارد و اظهار کرد که عقیده من هم همین است چون بموجب عنوان صدر و امضاء ذیل روزنامه حبل المتین سمت نیابت مدیری میرزا سید حسن کاشانی ثابت و جناب آقا سید جلال‌الدین مؤید الاسلام که از طهران غایب هستند و او علناً نمیتواند در مندرجات روزنامه،رسیدگی نماید، تکالیف و مسئولیتهای منسوب عنه بعهده نایب مدیر وارد است و چون بموجب مادهٔ (۲۸) قانون مطبوعات اقدام کنندگان بطبع و مدیر آن روزنامه و دبیران آن و همچنین رئیس مطبعه و فروشنده و نشر دهنده مسئول است و چون بموجب مادهٔ هشتم قانون مزبور مدیر روزنامه مکلف است که قبل از طبع و انتشار

روزنامه مسئولیت خود را با توضیحات دیگر که در مساعدهٔ مزبور مندرج است به ادارهٔ انطباعات کتباً اطلاع دهد، نه اینکه ادارهٔ انطباعات او را وادار به اقدام این امر نماید چون بموجب ماده (۱۳) قانون مطبوعات در مقالات با امضاء، وقتی مدیر یا نیابت او هم مسئول نیست، که از منهیات واضحه چیزی در مقاله آن مندرج نباشد و چون مقالهٔ نمرهٔ شش (اذافسد العالم فسد العالم) محتوی منهیات واضحه است و اثبات آنکه خود میرزا سید حسن کاشانی نویسندهٔ آن مقاله نیست و توضیحاتی که در باب عبارات روزنامه داده است مسئولیت مدیری مشارالیه را سلب و ساقط نمی‌نماید، علیهذا بنا به دلایل مذکور فوق، هیئت محکمه جزا باتفاق آراء میرزا سید حسن کاشانی را برای طبع و نشر مقاله (اذافسد العالم فسد العالم) که مخالفت صریحه بانص مادهٔ (۳۳) قانون مطبوعات دارد به مجازات زیر که در مادهٔ مذکور مصرح است محکوم می‌نماید:

تأدیه مبلغ دویست و پنجاه تومان مجاناً و بلاعوض، ۲۳ ماه حبس و ۲۳ ماه توقیف روزنامه حبل المتین. توضیح اینکه ابتدای مدت حبس و توقیف روزنامه از روز یکشنبه چهاردهم شهر رجب ۱۳۲۷ است.

(محل مهر معاون حضرت ـ محل مهر محکمه جزا صدر الاشراف ـ مشاور الملک ـ آقا شیخ هادی) بدین شکل روزنامهٔ حبل المتین تهران برای همیشه توقیف و تعطیل میگردد و دیگر از آن پس منتشر نشد.



روزنامهٔ تربیت

روزنامهٔ تربیت که بصاحب امتیازی و مدیری میرزا محمد حسین خان فروغی (ملقب به ذکاء الملک فروغی) در تهران تأسیس شد بعلت درج مقالات سودمند و مفید پیوسته مورد توجه اندیشمندان بوده و بخصوص از لحاظ نشر فارسی و زیبائی خط جای خاصی را در میان روزنامه‌های فارسی زبان بخود اختصاص داده است، اولین شماره روزنامهٔ تربیت در ۴ صفحه بقطع بزرگ (قطع جراید آغاز مشروطیت) بخط نستعلیق و کاغذ مرغوب در تاریخ پنجشنبه یازدهم رجب ۱۳۱۴ قمری مطابق هفدهم دسامبر ۱۸۹۶ میلادی منتشر شده است، در گوشهٔ عنوان روزنامه جمله (با اجازه وزارت جلیلهٔ انطباعات) چاپ شده و بالای اسم روزنامه جملهٔ (هوالمعین) درج شده است، قیمت هر شماره پنج شاهی تعیین گردیده است، در ستون اول شماره اول مطلب زیر تحت عنوان «اعلان» آمده است:

«اعلان. بیاری قادر متعال جلت حکمته و قدست اسمائهُ و بـه اجـازهٔ وزارت جـلیله انطباعات، این روزنامهٔ هفتگی موسوم به (تربیت) شروع بطبع نمود و دری از مفاوضت بر روی ارباب دانش گشود. هر کس حرفی سودمند داشته باشد بواسطهٔ این جریده می‌تواند بگوید و در راه حب وطن گامی و راهی بپوید، این ورقه مشتمل بر هر گونه مطلب مفید است و از قید اغراض و رسمیت و مدح و قدح و غیره‌ها فارغ و آزاد، قیمت آن سهل و مناسب نه مجاناً به احدی داده میشود، نه حکماً در خریداری آن، هر نفسی مختار است و عالم عالم اختیار.» در مقاله افتتاحی شماره اول روزنامهٔ تربیت که تحت

عنوان (آغاز سخن) شروع میگردد پس از حمد و ستایش خدا و درود بر پیامبر اکرم و بیان فضلیت انسان چنین می‌نویسد:

«.... وزارت جلیله انطباعات چون از مقاصد سنیه و مدارک علیه و حسن نیت و خیال بلند مهر مانند اعلیحضرت شهریار فرخنده آثار و پدر مهربان تاجدار، شاهنشاه کارآگاه مظفرالدین شاه خبردار است، بما اذن داد که این روزنامه هفتگی موسوم به تربیت را طبع کنیم و منتشر سازیم و در دوره‌های آخری مسابقه و اسب تازی خودی در این مضمار اندازیم، دست و پائی بکنبم و بصاحبان آبرو روئی بزنیم (بلکه با این قد چوگان شده گوئی بزنیم) ما هم به پشت گرمی مکارم مبذوله پا را در بلندترین پله نردبان دعوی گذاشته، جرات کرده به صاحبان بصر و اهل نظر اعلان مینمائیم که یوسفی داریم ...[1]»

روزنامه تربیت جزو اولین روزنامه هائی است که عنوان (روزنامه آزاد ملی) را داشته، در این زمینه مرحوم ذکاء الملک مدیر تربیت شرحی را در شماره ۴۲۴ روزنامه درج نموده که عیناً نقل می‌گردد:

«سیر روزنامه تربیت و حالت حالیه آن در سلطنت با میمنت مظفری بزرگتر دولتی که رونمود، آزادی بود و آن نخست روزنامه‌ها را شامل شد، بعد عاید عموم مملکت گردید و خاص و عام از آن بهره‌مند گشتند در این دوره اول کسیکه قلم برداشت و قدم در راه ارادات گذاشت من بنده بودم که با مشکلات بسیار تصادف نمودم. خار مغیلان

---

۱ ـ به نقل از: تاریخ جراید در مطبوعات ایران ـ جلد ۲ ـ ص ۱۱۷

خوردم و بار غولان بیابان را بدوش بردم، اما المنة لله که سفینه امیدم به ساحل رسید و در روی مقصود دید بزعم بعضی، روزنامه تربیت اسماً آزاد بود نه رسماً و این تصوری است که عقل عاقل تصور ننماید و بسیاری دانند که این بنده بی سررشته نیستم، سالها در اداره انطباعات گذرانده و از کثرت نوشتن سیاهها سپید کرده، دقایق عمل و معنی آزادی را میدانم و دورهٔ کار را تمام طی کرده‌ام .... اما جناب مستطاب اجل اکرم اعتماد السلطنه وزیر انطباعات و دارالترجمه همایونی ادام الله اقباله العالی از موارد دیگر بی‌خبرم، لکن در مورد تربیت و آزادی آن انصاف میدهم که موید بوده و مانع نبوده و همواره مساعدت فرموده وکدام دلیل از این روشن‌تر که در آخر سال گذشته و اول هذه السنه که من بنده دست از نگارش این روزنامه کشیده بودم، از بزرگان که اصرار بلکه حکم نوشتن آن فرمود، جناب مستطاب اعتماد السلطنه بود در همانوقت این مطلب را در روزنامه نوشتم باری غرض برائت ذمه وزارت انطباعات نیست و فعلاً کاری به این کار ندارم، مقصودم اینست که روزنامه تربیت از قدم اول آزاد بوده و بدون هیاهو، هنری شگرف نموده از هر در سخن رانده و رهروان را به استقامت خوانده ....[۱]

کتابت روزنامه تربیت بخط نستعلیق بعهدهٔ میرزا زین العابدین پسر میرزا شریف قزوینی است که از طرف مظفرالدین شاه لقب ملک الخطاطین به او داده شده است، در این ارتباط بی مناسبت نیست شرح فرمان ملک الخطاطی او را که در شماره ۱۶۴ تربیت درج شده است به نقل از تاریخ جراید و مطبوعات تألیف مرحوم محمد صدر

---

۱ ـ نقل از تاریخ جراید و مطبوعات ایران ـ جلد دوم ـ صفحه ۱۲۱

هاشمی نقل نمائیم:

«از آنجا که معتمدالسلطان میرزا زین العابدین خان خوشنویس قزوینی بعد از استعداد خداداد و قابلیت دست و نظر دقیق عمری در استکمال خط نستعلیق که اشرف خطوط فارسی و از هنرهای مخصوص ممالک محروسهٔ ایران است با استقامت خیال و قدم راسخ و جد بلیغ سعی کرده و این حرفه شریف را که فی الحقیقه از صنایع مستظرفه شمرده میشود، بدرجهٔ کمال رسانده و سالها در ادارهٔ وزارت انطباعات و دایره تربیت خدمت کرده، زحمات و مساعی لایقهٔ مشارالیه در پیشگاه آسمان جاه معلی مشهود گشته به لقب ملک الخطاطین ویرا ملقب و مفتخر فرمودند و فرمان مهر لمعان همایون در این باب شرف صدور یافت.»

حیات روزنامهٔ تربیت مدت ۹ سال بود که در این مدت جمعاً چهارصد و سی و چهار شماره در ۲۴۹۲ صفحه منتشر شده است و آخرین شماره آن در تاریخ پنجشنبه ۲۹ محرم ۱۳۲۵ قمری بشماره ۴۳۴ بوده است. علت تعطیل شدن روزنامهٔ تربیت ضعف و پیری و ناتوانی ذکاء الملک بوده است و پیش بینی عدم انتشار روزنامه را در آخرین شماره تربیت به این نحو بیان نموده است:

«چون در این وقت حال ادارهٔ تربیت بدرستی معلوم نیست و معین آنکه در اوایل سنه آتیه قوی ئیل ما روزنامه نخواهیم داشت از مدیران محترم جراید درخواست می‌کنیم آن روزنامه‌هائی را که بعنوان مبادله به اداره تربیت ارسال میفرمایند، نفرستند زیرا که عوض آنرا نداریم و این فقره اسباب شرمندگیست، اگر روزنامهٔ تربیت بخواست

خدا باز دایر شد و از طبع خارج گشت و دیدند، آنوقت در ارسال و عدم آن مختارند».



روزنامهٔ صوراسرافیل

(و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون)

روزنامه صوراسرافیل با این آیه مبارکه که در بالای آرم روزنامه درج میشد شروع میگردید، این روزنامهٔ هفتگی بمدیریت میرزا جهانگیر خان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی منتشر شد، از شماره ۱۵ ببعد، میرزا علی اکبر خان دهخدا باسمت دبیر و نگارنده به ایشان پیوست، صوراسرافیل از پر فروشترین روزنامه‌های عصر مشروطیت بود و تیراژ آن به بیست و چهار هزار میرسید [۱] و بطور هفتگی در ۸ یا ۱۰ صفحه به قطع رحلی چاپ می‌شد.

اولین شماره صوراسرافیل در ربیع الاخر ۱۳۲۵ قمری، نه ماه پس از صدور فرمان مشروطیت، و آخرین شماره آن در جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری، سه روز قبل از بتوپ بستن مجلس منتشر شد، پس از بمباران مجلس میرزا جهانگیر خان بقتل رسید ولی میرزا علی اکبر خان دهخداو میرزا قاسم خان جان سالم بدر بردند. دهخدا به اروپا رفت و در آنجا با مساعدت معاضد السلطنه پیر نیا و تنی چند از احرار، توانست سه شماره از صوراسرافیل را به همان سبک منتشر سازد[۲].

---

۱ ـ شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه ـ جلد ۲ ص ۲۴۹ عبدالله مستوفی ـ تهران ۱۳۴۵

۲ ـ شرح حال رجال ایران ـ مهدی بامداد ـ ج ۱ ص ۲۸۳ ـ تهران ـ زوار ـ ۱۳۴۷

(صفحه ۱) (ونفخ فی الصور فاذاهم من الاجداث الی ربهم ینسلون) (شماره ۲۰)



﴿ [illegible] مقالات ﴾
میرزا جهانگیر خان شیرازی و
میرزا قاسم خان تبریزی
﴿ [illegible] ﴾
﴿ [illegible] ﴾
[illegible]
[illegible] ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۵ هجری

فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم

هفتگی، سیاسی، تاریخی، اخلاقی، مقالات و لوایحی
که مفید [illegible] و مساکین ما دانسته باشد با امضا پذیرفته
میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است.
[illegible] ([illegible]) قبول نخواهد شد.
[illegible] مقدماً گرفته میشود

﴿ قیمت اشتراک سالیانه ﴾
طهران دوازده (۱۲) قران
سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران
ممالک خارجه دو (۲) تومان
﴿ قیمت یک نمره ﴾
طهران چهار (۴) شاهی
سایر بلاد ایران (۵) شاهی

﴿ اعتذار ﴾

رسم تعطیل اوراق هفتگی صور اسرافیل را اگرچه همهٔ مشترکین محترم [illegible] دانسته‌اند بواسطهٔ هیجان و هیجان عمومی بوده که کمتر از یکماه قاطبهٔ ملت را در ساحت مقدس مجلس شورای ملی شب و روز بخدمت لازمه مشغول داشت.

علت دیگر هم [illegible] و تنگدستی در [illegible] اداره و تعمیر مکان [illegible] و خساراتی که وارد آمده [illegible] صاحبان اشتراک [illegible] طوریکه در شمارهٔ شانزدهم [illegible] مجدداً هم اعلام میشود که چهل و هشت نمرهٔ را که قول صریح داده‌ایم و دورهٔ کامل یکساله است انشاءالله [illegible] منتشر مینمائیم و نقض عهد نمیکنیم

نیست. و این دعوی مبالغه و خیال شاعرانه نبود چنانچه چند روز نگذشت که هر کس فداکاری و هیجانهای عمومی فرزندان ایران را از ساحل بحر خزر تا کنار خلیج فارس، و از حدود آذربایجان الی سرحد بلوچستان بچشم و عیان مشاهده کردند، و خونهای پاک اولادان [illegible] و دارای [illegible] را همه دیدند که چطور بجوش آمد و از شدت دوران در عروق و شرائین آنان نمی‌گنجید، و دسته گروهها ایرانی یکدل و یکزبان بجهت حفظ حقوق و آزادی خودشان چگونه اقدامات غیورانه بروز دادند، و در میدان جانبازی قدمهای مردانه گذاشته و در نگاهداری شرف و افتخار خود و مجلسی که با قانون اساسی شده بود با حرارتهای سوزان [illegible] حاضر شده و سر از پا نشناختند.

روزنامه صوراسرافیل

شعار صوراسرافیل چنانچه در سر لوحهٔ آن آمده است، حریت، مساوات واخوت بود، مسلک آن؛ تکمیل معنی مشروطیت و حمایت از مجلس و کمک روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین. اهمیت روزنامه صوراسرافیل را در نقد اوضاع اجتماعی و سیاسی و بیدار کردن مردم و بخصوص در مقالات طنز آمیز «چرند و پرند» دهخدا و سبک نگارش نوین آن دانسته‌اند، صوراسرافیل جزو جراید تندرو آن زمان محسوب شده است، میرزا جهانگیر خان و میرزا علی اکبر دهخدا علاوه بر انتشار صوراسرافیل به فعالیت سیاسی نیز اشتغال داشتند. از آغاز نهضت مشروطه انجمن هائی در تهران و شهرستان‌ها برای حمایت و رهبری نهضت تشکیل شد که از آن جمله «انجمن ملی» بود، این انجمن کمیتهٔ کوچکتری داشت بنام «کمیتهٔ انقلاب» با عضویت ۱۵ نفر، و از آن جمله میرزا جهانگیر خان و دهخدا بودند، کمیته انقلاب یکی از شعب حزب کوچک و مخفی اجتماعیون بود[۱] این حزب توسط حیدر خان عمو اوغلی نخست در مشهد و سپس در تهران دایر گشت [۲]

مقالات صوراسرافیل گفتگو برانگیز بود بویژه در زمینه اصلاحات ارضی و اصلاحات اجتماعی بحث‌های زیادی نموده و مینویسد: «دهات و املاک سلطنتی و همچنین دهات و املاک مالکین که علاوه بر احتیاج زندگی آنها باشد بایستی اولی‌ها

---

۱ ـ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت ـ منصوره اتحادیه (نظام ما فی) ـ تهران ۱۳۶۱ ـ ص ۶۸ ـ ۷۱

۲ ـ «ورقی از تاریخ مشروطیت ایران ـ حیدر خان عمو اوغلی» مجلهٔ یادگار جلد ۵ سال سوم



میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر « صوراسرافیل »

بلاعوض و دومی‌ها توسط بانک خریداری شده بین دها قین تقسیم گردد[۱]»

در شماره ۲۹ به سئوالاتی در باب اصلاحات پیشنهادی خود جواب داده که در واقع، توضیحی است از لزوم انقلاب واقعی و اصلاحات بنیادی و مینویسید: آیا باید اصلاحات اجتماعی بطور تدریجی و پس از اصلاحات سیاسی انجام بگیرد یا خیر؟ صور اسرافیل در این موضوع بحث کرده و به نتیجه میرسد که اگر ایرانیان بخواهند اصلاح امور اجتماعی خود را بعد از تصفیه مسائل سیاسی قرار دهند. از پیشرفت باز میمانند.

ما هم نظری می‌افکنیم به مطالب مندرج در شماره‌های مختلف صور اسرافیل که بکوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) جمع‌آوری و توسط نشر تاریخ ایران در سال ۱۳۶۱ در تهران بچاپ رسیده است.

در مقدمهٔ اولین شماره آن (هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هجری قمری) چنین آمده است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ حمد خدای را که ما ایرانیان ذلت و رقیت خود را احساس کرده و فهمیدیم که باید بیش از این بندهٔ عمر وزید و مملوک این و آن نباشیم و دانستیم که تا قیامت بارکش خویش و بیگانه نباید بود لهذا با یک جنبش مردانه در چهاردهم جمادی الاخر سال ۱۳۲۴ هجری قمری مملکت خویش را مشروطهٔ و دارای مجلس شورای ملی (پارلمان) نموده و بهمت غیورانهٔ برادران محترم آذربایجانی ما، در بیست و هفتم ذیحجهٔ ۱۳۲۴ دولت علیه ایران رسماً در عداد دول مشروطه و صاحب (کنستی

---

۱ ـ شماره ۱۷ ـ صوراسرافیل ـ بکوشش منصور اتحادیه (نظام مافی) نشر تاریخ

توسیون) قرار گرفت، دورهٔ خوف و وحشت بآخر رسید و زمان سعادت و ترقی گردید، عصر نکبت و فترت منتهی شد، و تجدید تاریخ و اول عمر ایران گشت، زبان و قلم در مصالح امور ملک و ملت آزاد شد و جراید و مطبوعات برای انتشار نیک و بد مملکت حریت یافت، روزنامه‌های عدیده مثل ستارگان درخشان با مسلک‌های تازه افق وطن را روشن کرد. و سران معظم بنای نوشتن و گفتن را گذاشتند، ما نیز با عدم لیاقت و بضاعت مزجاة قلم برداشته که بخواست خدا شاید بتوانیم بدین و دولت و وطن و ملت خود خدمتی کنیم و با بنای این آب و خاک موروثی که با خون پدران و نیاکان ما عجین و سرشته است ابراز ارادتی نمائیم. در تکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستائیان وضعفا و فقرا و مظلومین امیدواریم تا آخرین نفس ثابت قدم باشیم، و از این نیت مقدس تا زنده‌ایم دست نکشیم و با صدای رسا می‌گوئیم که از تهدید و هلاک بیم و خوفی نداریم و به زندگی بدون حریت و مساوات و شرف وقعی نمیگذاریم و بجز ذات پروردگار و احکام الهیه و قوانین ملکیه از احدی نمیترسیم و از این عقیده راسخ و محکم تخطی نمیکنیم، تملق از کسی نمیگوئیم و به رشوه گول نمی‌خوریم، قدح و مدح بیجا از هیچکس نمی‌کنیم، و اغراض نفسانی بکار نمی‌بریم، بعبارهٔ اخری بدرابد و خوب را خوب مینویسیم.

در این روزنامه انتفاع و سود شخصی را منظور نمی‌نمائیم و این کار را کسب و شغل خود قرار نمیدهیم و بفریاد بلند بتمام برادران ایرانی و ایرانی‌نژاد خود عرض میکنیم، که اگر خدای نخواسته از ما نسبت به وطن خلافی مشاهده فرمایند ما را متنبه نموده و از

راه کج بازدارید. و تا خیر آنانرا میخواهیم ما را از خود خوانند.

«بمنه و کرمه و الصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین المعصومین» *

قلم که خداوند به آن و به سطور نگارش شده‌اش سوگند یاد فرموده است، تنها ابزار دست علما، حکما، فضلا و اندیشمندان است، و تقدس و مسئولیت خاصی را بـدنبال خود یدک میکشد و نقطه به نقطه، حرف به حرف، کلمه به کلمه و جمله به جـملهٔ آن دارای معانی و مفاهیم و تفسیرهای خاص خود است و بر همین مبنا «مسئولیت قلم» که در واقع مسئولیت صاحب و ارباب قلم است مطرح میگردد و بدیهی است که قـلم و صاحب قلم در مقابل سطوری که نگارش میشود مسئولیت تام داشته و باید جوابگـو باشند، از سوی دیگر هر گروهی از صاحبان اندیشه‌ها و باورهای مختلف سطور باب طبع خود را می‌پسندند و از سایر سطوری که مذاقشان را خوش نیاید ناخشنود و گاه متنفرند و این قشر اخیرالذکر را چنانچه توان مقابله باشد به اشدّ وضع ممکن در مقابل نوشته‌های قلم قد علم می‌کنند تا بهر طریقی که شده مانع نشر مطالب بر خلاف عقاید و نظرات خود شوند و این چنین است که مقدمات تولد «تیغ سانسور» چیده میشود.

میرزا جهانگیر خان صدراسرافیل در اولین شمارهٔ روزنامهٔ «صور اسرافیل» در رابطه با مسئولیت قلم مقاله‌ای نگاشته است و معتقد است که صاحب قلم مسئول و جوابگوی بی چون و چرا در پیشگاه خداوند بزرگ است و کرام الکاتبین کلمات زشت یا زیبا و حق یا ناحق نویسنده را در نامه اعمال او ثبت می‌کند و این امری بدیهی است و نویسنده میبایستی بر قبول آن گردن نهد، اما فریاد میرزا جهانگیرخان در این مقاله متوجه تیغ

سانسور ادارهٔ انطباعات که آنرا «دیو سیاه گندهٔ مهیبی» نامیده است، میباشد و در پایان میگوید که قلم نبایستی محبوس چاه زندان بخت النصرها باشد بلکه باید ضامن عدل و آسایش یک کشور و یک ملت باشد.

مسئولیت قلم:

با هم مقالهٔ «مسئولیت قلم» را به نقل از شمارهٔ اول روزنامهٔ «صوراسرافیل» «بتاریخ هفدهم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۲۷۶/۱۰/۱۴ شمسی و ۳۰ ماه مـه ۱۹۰۷ میلادی» می‌خوانیم:

«قلم روی کاغذ گذاشتم که این سطور را بنویسم در همان حین، رقیب و عتید یعنی کرام الکاتبین هم قلم روی الواح گذاشتند که ببینند از من چه کلماتی صادر مـیشود، زشت یا زیبا آنرا در نامهٔ اعمال من ثبت کنند، چراکه انسان بالغ رشید ممیز مکلف در هر عملی خواه قولی و خواه فعلی مسئول پیش‌خداوند و مالک یوم دین است. کتابت هم در نظر آن دو دبیر غیب مثل تلفظ است، آنچه از نوک قلم درآمد نسبت مکلف هـمچنان است که از زبان صادر شود و هیچ فرقی میان این دو آلت ناطق و صامت از این حیث نیست. اینست که منهم باکمال احتیاط و مراعات مراقبت آن دو ناظر و مفتش‌الهی خود را مسئول و مکلف دانسته بنوشتن آغاز کردم.

بلی قلم روی کاغذ گذاشتم، ضمیر انسانی یا وجدان طبیعی بشری یا رسول باطنی که هر قومی به یک عبارتی از آن تعبیر کنند، بقول قدما دیانت فطری باصطلاح فرنگیها

کونسیانس.

این قوهٔ مسلّمه در وجود انسان هم با ذره بین موشکافی بصیرت دنیای مراقبت در قلم رانی میگذاشت. و بشدت هر چه تمامتر مرا پیش خود مسئول خود قرار داد و نگران کلمات صادره از قلم من شد، اگر چه مسئولیت ظاهراً سخت و مشکل است و بـرای بعضی ناگوار می‌آید ولی من از مسئولیت در مقابل اینگونه مفتیشین بسیار دلخوش بوده و خیلی متشکرم و مثل وزراء مسئول ایران، گردن از مسئولیت نمی‌پیچم.

قلم روی کاغذ گذاشتم در حالیکه نفوس یک مملکت و روح یک ملت با هـزاران چشم ناظر اعمال من شدند، استقبال بیست کرور مـخلوق از مـن حس ادای وظـیفه میخواست و سعادت ملت را از غیرت من می‌طلبید. تاریخ هم که رئیس هیئت تفتیش عالم و ثبات اعمال ابنای دهراست. این مفتش بسیار بزرگ و مهیب هم بنای نظارت در اعمال ما گذاشت و قبول مسئولیت را در مقابل خود بمن تکلیف نمود، باری بعد از تأمل زیاد و رجوع بقوای خود که آیا ادای این تکالیف و از بوته استنطاقات صاف درآمدن از عهدهٔ من ساخته است یا نه، بالاخره همه این مسئولیت‌ها را با دل و جان پـذیرفتیم و توکل به خدای متعال کرده و او را بقلم قسم داده یاری جسته دست بکار زدم و قلم روی کاغذ گذاشتم. در این بین پس از همهٔ این ملاحظات و خلاصی از دست اینهمه مفتش بازیکی بازوی مرا گرفت و نگاهداشت، برگشتم دیدم یک دیو سیاه گندهٔ مهیبی است که میگوید: اسمم ادارهٔ پوسیدهٔ انطباعات است و مـنهم در ایـن کـار دخـالت دارم، اولاً شیرینی ما را بده ثانیاً باید منهم تفتیش کنم و پیش من مسئول باشی، من از پرروئی و

بی‌شرمی این هیکل حیرت کردم که بعد از این هم مفتیشین که من مسئولیت را در مقابل آنها قبول کرده‌ام، این دیگر چطور خود را داخل مویز میکند، نظر به بالا کردم دیدم جلو چشمم من بخط برجستهٔ هلالی نوشته شده: «دارالشورای ملی ایران»، نظر بـر زمـین افکندم دیدم همه بسیط خاک ایران پر است از خطوط و نقوش جلی که آن خطوط با ثلث و نستعلیق و نسخ و غباری لفظ مشروطیت را تکرار می‌کند، لهذا بیاری قوت قلب حاصله از این مناظر، یک مشت بسینهٔ آن دیو زده عقب راندم و آیهٔ «یریدون لیـطفؤ نورالله ...» را خواندم، آنگاه رجوع به موکل جریده و صاحب اختیار خودمان اسرافـیل کرده دفع این دیو هولناک را از او خواستم، او هم از برادرش عزرائیل خواستار شـد، حضرت عزرائیل وعده‌داد که این چند روزه بزودی با مرخدای ایران و زمین و آسمان و به اذن مجلس شورای ملی ایران، جان این دیو خبیث را قبض کرده با پـنجهٔ فـولادی قانون اساسی چنان بر مغز او بکوبد که ایران و ایرانیان را از شرّ او الی الابد آسوده کند و این لفظ منحوس فرنگی سانسور را از صفحهٔ این خاک بر اندازد «ولو کره المشرکون».

بلی قلمی را که خدا در قرآن مجید به آن قسم خورده نمیتوان اسیر سلاسل و اغلال یک ادارهٔ مستبده‌ای کرد، و مقیّد به قیود نظارت و ممیزی مستبدین وظالمین نمود.

خداوند اعضای افعال محرمه را در انسان آزاد آفریده و آلت دروغ و تهمت و زنا و سرقت و غیره را در بشر که مکلف و فاعل مختار است گذاشته و فقط حدود تعزیرات و مجازات دنیوی و عقاب اخروی برای هر عملی پس از انجام قرارداده ولی هیچ ملک و فرشته‌ای را هم نگماشته که بیش از وقت اعمال صادره از انسان را تفتیش کند و هر کدام

منکر است که عضو را از کار بیاندازد تا چه رسد به موکل نمودن شیاطین.

همچنین قلم این آلت عدل و حق اعظم که نه تنها فوایدش مثل سایر آلات بشخص واحد راجع است بلکه ضامن عدل و آسایش یک کشور است نباید محبوس چاه زندان بخت النصرها باشد و لشکر ظلم شریعهٔ فرات، معارف و آداب را بروی تشنگان اردوی ملت مظلوم ببندند.

حاشا کلاً غیرت ملت مشروطیت خواه جمیع این عقبات را دفع خواهد کرد. و دست غیبی کار خود را در سعادت و آزادی ایران خواهد نمود، «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون [۱]».

همانطوریکه در بحث مربوط به روزنامهٔ قانون اشاره گردید این روزنامه در رجب ۱۳۰۷ هجری قمری (مطابق ۱۲۶۵ هجری شمسی) توسط میرزا ملکم خان در لندن منتشر و سپس بطور مخفی در تهران و بطور آزاد در تبریز تجدید چاپ میشد این روزنامه در آگاه نمودن افراد جامعه نقش مؤثری داشت و با شعار قانون، مردم را علیه حکومت بی قانون بر می‌انگیخت خبر «مژده» انتشار این روزنامه را در صفحهٔ ۸ شماره ۵ روزنامهٔ صوراسرافیل با هم می‌خوانیم:

«مژده ـ ایرانیان وطن خواه را بشارت باد که جریدهٔ قانون جناب پرنس ملکم خان (وزیر مختار حالیه دولت علیه ایران در دربار دولت بهیهٔ ایطالیا) که از سال ۱۳۰۷ هجری تا چند سال در لندن ماهی یک نمره بطبع میرسید و برای بیماران و خستگان

---

۱ ـ صور اسرافیل ـ شماره اول ـ هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۲۷۶/۱۰/۱۴ شمسی

مرض جهل و بیخبری حکم نوش دارو دارد، و مرده‌های چند هزار ساله را از گورهای غفلت و نادانی بر می‌خیزاند و زندهٔ جاوید مینماید مجدداً چاپ شده و تا شماره پنج در کتابخانهٔ تربیت (خیابان ناصری محاذی شمس العماره) تک نمره پنج شاهی و سالیانه دو تومان بفروش میرسد و قیمت آن نیز به مصارف خیریه ملت خواهد رسید. هر کس این جریده را خوانده میداند که از صدر اسلام تا بحال بزبان فارسی هیچکس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد، قلم روی کاغذ نگذاشته است.[۱]»

همانطوریکه ذکر گردید روزنامه صوراسرافیل توسط میرزا جهانگیر خان و میرزا علی اکبر خان دهخدا منتشر میشد، بخشی از نوشته‌های میرزا علی اکبر خان تحت عنوان «چرند و پرند» با نام مستعار «دخو» که بیشتر جنبه طنز سیاسی داشت در صوراسرافیل چاپ می‌گردید، به دو نمونه از «چرند و پرند» دهخدا که از دو شمارهٔ مختلف صوراسرافیل نقل می‌گردد توجه فرمائید:

چرند و پرند ـ دروس الاشیاء: «نه نه! هان ـ این زمین روی چیه؟ روی شاخ گاو، ـ گاو روی چیه؟ ـ روی ماهی، ـ ماهی روی چیه؟ روی آب، ـ آب روی چیه؟ ـ وای وای!! الهی رودت ببره، چقدر حرف میزنی حوصله‌ام سر رفت.»

آفتابه لگن شش دست شام و نهار هیچی: «آفتابه لگن شش دست شام و نهار هیچی! گفت نخور، عسل و خربزه با هم نمیسازند، نشنید و خورد، ـ یک ساعت

---

۱ ـ صوراسرافیل ـ شماره ۵ ـ صفحهٔ ۸ ـ پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۵ مطابق ۱۷ بهمن ۱۲۷۶ شمسی

بعد یارو را دید مثل مار بدور خودش می‌پیچید، گفت نگفتم نخور ایــن دو تــا بــا هــم نمیسازند، ـ گفت: حالا که این دو تا خوب با هم ساخته‌اند که من یکی را از میان بردارند !!! ـ من میخواهم اولیای دولت را به عسل و رؤسای ملت را به خربزه تشبیه کنم، اگر وزارت علوم بگوید توهین است حاضرم دویست و پنجاه حدیث در فضلیت خــربزه و یکصد و چهل و نه حدیث در فضیلت عسل شاهد بگذرانم. صاحبان این جور خیالات را فرنگی‌ها (آنارشیست) و مسلمانها (خوارج) میگویند، اما شما را بخدا حالا دست خونی نچسپید یخهٔ من، خدا پدرتان را بیامرزد من هر چه باشم دیگر آنــارشیست و خــوارج نیستم ..... ای انصاف دارها، والله نزدیک است یخهٔ خودم را پاره کنم، نزدیک است چشمهایم را بگذارم روی هم دهنم را باز کنم و بگویم ..... شما میلیونها رئــیس، آقــا و بزرگتر از جان ما بیچاره‌ها چه میخواهید؟ پس شما کرورها سردار و سپه سالار و خان چرا ما را دم کورهٔ خورشید کباب می‌کنید. پس شما چرا مثل زالو به تن ما چســپیده و خون ما را با این سمجی می‌مکید؟ ...... من هم حق دارم بگویم شما دو دسته مثل عسل و خربزه با هم ساخته‌اید که ما ملت بیچاره را از میان بردارید، وزیر علوم هم ابداً نمیتواند بمن اعتراض بکند، من دویست و پنجاه حدیث در فضیلت خربزه و یکصد و چهل و نه حدیث در فضیلت عسل در خاطر دارم در هر وزارت خانه شاهد میگذرانم، میگوئید نه، این گوی و این میدان، بگردید تا بگردیم.[۱]»

---

۱ ـ نقل با تلخیص از صفحات ۶ و ۷ و ۸ ـ شماره ۲۵ صوراسرافیل ـ (بتاریخ پنجشنبه ۹ صفر ۱۳۲۶ قمری)

در بخش ادبیات چرند و پرند از شماره ۱۷ روزنامه صوراسرافیل (بتاریخ پنجشنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۵ هجری) مسمط فکاهی زیر را که تحت عنوان، (آکبلای[۱]) چاپ شده است با هم می‌خوانیم:

آکبلای:

«مردود خدا راندهٔ هر بنده آکبلای!! از دلقک معروف نماینده آکبلای!!

با شوخی با مسخره و خنده آکبلای!! نه از مرده گذشتی و نه از زنده آکبلای!!

هستی تو چه یک پهلو و یک دنده آکبلای!!

نه بیم زکف بین و نه جن گیر و نه رمال نه خوف زدرویش و نه از جذبه نه از حال

نه ترس زتکفیر و نه از پشیتوشاپشال[۲] مشکل ببری گور سر زنده آکبلای !!

هستی تو چه یک پهلو و یک دنده آکبلای !!

صد بار نگفتم که خیال تو محال است؟ تا نیمی از این طایفه محبوس جوال است؟

ظاهر شود اسلام در این قوم خیال است؟ هی باز بزن حرف پراکنده آکبلای !!

هستی تو چه یک پهلو و یک دنده آکبلای !!

گاهی به پر و پاچه درویش پریدی گه پرده کاغذ لوق آخوند دریدی

---

۱ ـ آکبلای یعنی: آقای کربلائی دخو(لغت نامه ـ مقدمه ـ دانشگاه تهران ۱۳۷۳)

۲ ـ شاپشال یک یهودی باغچه سرائی (کریمه) بود که مانند علی بیک قفقازی طرف شور محمد علی شاه بود و وقتی با رولور خود به محقق الدوله حمله کرده بود (به نقل از مقدمهٔ لغت نامه ـ صفحه ۲۹۰ ـ قسمت توضیحات)

(نمره ۱۷) ﴿ صور اسرافیل ﴾ (صفحه ۷)

موقع‌است و تا صفائیه‌هم راهی نیست من بعضی‌ات را بپر بده گفت خیر حالا موقع نیست .

﴿ آشنی ﴾

چرند پرند

﴿ ادبیات ﴾

مردود خدا رانده هر بنده آکبلای ! !
از دلقک معروف نماینده آکبلای ! !
با شوخی و با مسخره و خنده آکبلای ! !
نه مرده گسلشی و نه ارزنده آکبلای ! !
هستی تو چه یک پهلو و یکدنده آکبلای ! !

* * *

نه بیم ز کف بین و نه جن گیر نه رمال
نه خوف ز درویش و نه از جنبه نه از حال
نه ترس ز تکفیر و نه از پیشتو شاپشال
مشکل ببری گور سر زنده آکبلای ! !
هستی تو چه یک پهلو و یکدنده آکبلای ! !

* * *

صد بار نگفتم که خیال تو محال است ؟
تا کی از اعطاریه محبوس جوال است ؟
نظامی شود اسلام در این قوم محال است ؟
هی باز زنی حرف پراکنده آکبلای ! !
هستی تو چه یک پهلو و یکدنده آکبلای ! !

* * *

گاهی به پر و پاچهٔ درویش بپیچی
گه پردهٔ کاغذ لوق آخوند دریدی
اسرار نهان را همه در صور دمیدی
رودربایستی یعنی‌چه ؟ . پوست کنده آکبلای ! !
هستی تو چه یک پهلو و یکدنده آکبلای ! !

* * *

از گرسنگی مرده و هیچ نچشیم
ور نیست در این قوم مروت بچشیم
تریاك بر بد عرق هست بجوییم
خوش باش تو با مطرب و سازنده آکبلای ! !
هستی تو چه یک پهلو و یکدنده آکبلای ! !

* * *

تو منتظری رشوه در ایران رود از یاد ؟
آخوند ز قانون وز عدلیه شود شاد ؟
اسلام ز رمال و ز مرشد شود آزاد ؟
یک دفعه بگو مرده شود زنده آکبلای ! !
هستی تو چه یک پهلو و یکدنده آکبلای ! ! !

﴿ برهنه خوشحال ﴾

﴿ مکتوب محرمانه ﴾

پامرغزاد . نازجونت‌بلوون . اماجون‌سیلای‌مردونت حالا که خودمونیم ضعیف جزونی کردی . نه ملا باشی نه رحیم شیشه بر نه آن دو تا سیدا ! ! اینا هیچ کودومشون نه ادعای لوطی گری شون میشد نه ادعای پهلوونی شون . بخود اینارو جزو ندی ! ! حالا نگاکن . جون جوونیت ایشم از بی غیرتی بچه محله هاشون بود که تورا توی ولایتشون گذاشتن بمونی . اگر بچه های انجمن ابوالفضل همون فرداش جل و پوستت بدوشت داده بودند چه میکردی .

خوب رفیق تو توی انجمنهای طهرون اینقده قسمهای بازخم‌خوردی که چه‌بیدونم من فمارشد عدم . هوا خواه مشروطه ام . جلو شد بات به آنجا نرسیده مثل تا پیای قطار خونهای روز نومه چی آخوندا اولادای پیغمبر چوب بستی ؟ نکو بچه های طهرون نفهمیدن که جلو حقه را سوار کردی . ماهمونروز که شنیدیم زاغ سیاهت چوب زدیم معلوم شد که همون سیده مشکه تورا بردپیش منیرالسلطنه حاکم رشت کرد وپیشدست کرده . و با همون سیده دست بیکی بودین . مخلص کلوم پهلوون رودر واسی ازت ندارم توروت میگم اگر آدم از چند سال تو گود کار کردن می تونست حاکم بشه حالا حاجی معصوم ومهمدی گاوکش هر کودوم والیهٔ خودشون یک اتابیک بودن . بچه‌های چاله میدون همه شون سلوم دعای بلند بهت میرسونن باقیش غم خودت کم .

﴿ امضا محفوظ ﴾

کاغذ ما تمام شد اما اینجا میخواهم بی رو دروایسی ومرد ومردانه دوکلمه با جناب وزیر علوم و جناب وزیر عدلیه صاف و پوست کنده حرف بزنم یعنی مثلا بگویم آی شما که امروز یک طلبهٔ بدبخت نان و

نمونه‌ای از صوراسرافیل

اسرار نهان را همه در صور دمیدی رودربایستی‌یعنی‌چه‌گوسگنده آکبلای!!

هستی تو چه یک پهلو و یک دنده آکبلای !!

از گرسنگی مرد رعیت، به جهنم ورنیست در این قوم معیت به جهنم

تریاک برید عرق حمیت به جهنم خوش باش تو با مطرب و سازنده آکبلای !!

هستی تو چه یک پهلو و یک دنده آکبلای !!

تو منتظری رشوه در ایران رود از یاد؟ آخوند زقانون وزعدلیه شود شاد؟

اسلام ز رمال و ز مرشد شود آزاد؟ یک دفعه بگو مرده شود زنده آکبلای!!

هستی تو چه یک پهلو و یک دنده آکبلای !!

«برهنه خوشحال [۱]»

آخرین شماره روزنامهٔ صوراسرافیل شماره ۳ مربوط به سال دوم انتشار است که در واقع با ۳۲ شماره منتشره در سال اول میتوان گفت جمعاً ۳۵ شماره از این روزنامه منتشر گردیده است. در صفحهٔ ۴ آخرین شماره صوراسرافیل (پانزدهم صفر المظفر ۱۳۲۷ هجری) عکسی از میرزا جهانگیر خان شیرازی ملقب به صوراسرافیل چاپ شده و این شرح در زیر عکس آمده است:

«شهید راه حریت و صادق ترین مدافع حقوق وطن، میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامهٔ صوراسرافیل، که در صبح ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۲۴ هجری قمری به سن سی و دو سالگی در باغ شاه تهران بدرجهٔ رفیع شهادت نائل گردید، شرح زندگی و

---

۱ ـ صوراسرافیل ـ صفحه ۷ شمارهٔ ۱۷ ـ پنجشنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۵ هجری

خدمات آن وجود مقدس را عنقریب بصورت کتابی طبع و محض تخلید آن نام فنا ناپذیر نشر خواهیم داد.»

سپس قطعه شعری که توسط علی اکبر دهخدا سروده شده است تحت عنوان (وصیت نامه دوست یگانه من هدیهٔ برادری بیوفا به پیشگاه آنروح اقدس واعلی) بچاپ رسیده که برای حسن ختام بررسی «صوراسرافیل» و نقش و اهمیت ویژه این روزنامه در بیداری ایرانیان، عیناً قطعه شعر مذکور را نقل می‌نمائیم:

«ای مرغ سحر چو این شب تار بگذاشت زسر سیاهکاری

وزنفحه روح بخش اسحار رفت از سر خفتگان خماری

بگشود گره ز زلف زر تار محبوبهٔ نیلگون عماری

یزدان به کمال شد نمودار و اهریمن زشتخو حصاری

یاد آر زشمع مرده یاد آر

ای مونس یوسف اندرین بند تعبیر عیان چو شد مرا خواب

دل پر از شعف لب از شکر خند محسود عدو بکام اصحاب

رفتی بر یار خویش و پیوند آزادتر از نسیم و مهتاب

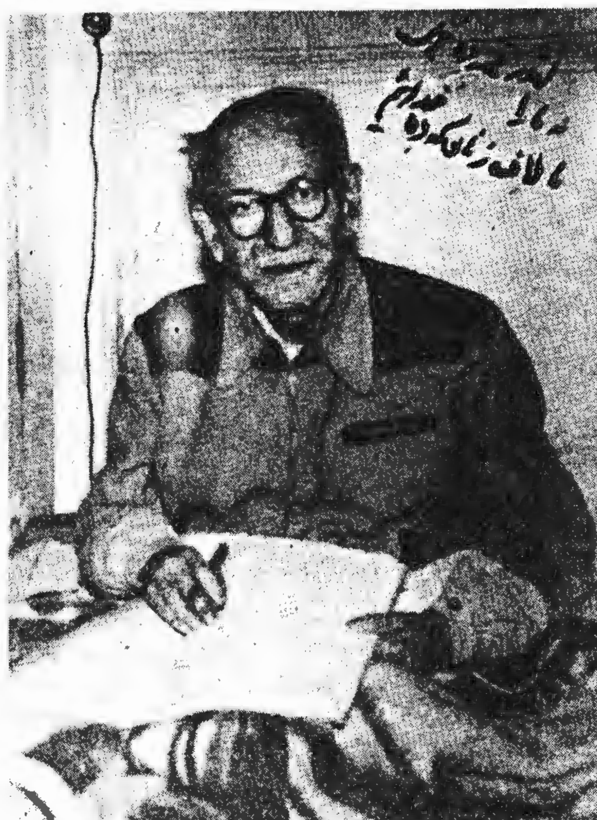
زان کوهمه شام با تو یک چند در آرزوی وصال احباب

اختر به سحر شمرده یارآر

چون باغ شود دو باره خرم ای بلبل مستمند مسکین



میرزا علی‌اکبر دهخدا «دخو» درجوانی





میرزا علی‌اکبر دهخدا «دخو» ـ ۸ شهریور ۱۳۳٤ هـ.ش.

بالای عکس نوشته است :

« اندرهمه ده جوی نه ما را ـ ما لاف زنان که ده خدائیم »

وزسنبل و سوری و سپر غم — آفاق نگارخانهٔ چین
گل سرخ و برخ عرق زشبنم — تو داده زکف قرار و تمکین
ز آن نو گل پیش رس که در غم — نا داده بنار شوق تسکین

از سردی دی فسرده یاد آر

ای همره تیه پور عمران — بگذشت چو این سنین معدود
وان شاهد نغز بزم عرفان — بنمود چو وعد خویش مشهود
وز مذبح زر چو شد بکیوان — هر صبح شمیم عنبر و عود
زآن کو بگناه قوم نادان — در حسرت روی ارض موعود

بر بادیه جان سپرده یاد آر

چون گشت زنو زمانه آباد — ای کودک دورهٔ طلائی
وز طاعت بندگان خود شاد — بگرفت زسر خدا، خدائی
نه رسم ارم، نه اسم شداد — گل بست زبان ژاژخائی
زان کس که زنوک تیغ جلاد — مأخوذ بجرم حق ستائی

«پیمانهٔ وصل [1] خورده یاد آر»



۱ ـ در مقدمه لغت نامه دهخدا ـ صفحه ۲۹۰ ـ «تسنیم وصال ....»

روزنامهٔ روح القدس

اولین شماره روزنامه روح القدس در ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری در تهران توسط شیخ احمد روح القدس تربتی معروف به سلطان العلماء خراسانی که یکی از قهرمانان ارزندهٔ انقلاب مشروطه بود، انتشار یافت شماره‌های این روزنامه در قطع ۱۱×۶/۵ سانتی‌متر و در چهار صفحه منتشر میشد وجه اشتراک سالیانه آن در تهران ۱۲ قران در سایر شهرهای ایران ۱۷ قران، در روسیه ۵ منات و در سایر ممالک ده فرانک و بزرگترین هدف روزنامه مذکور، مبارزه بر علیه استبداد و مخصوصاً شخص محمد علی شاه بوده و مجموعاً ۲۸ شماره از آن منتشر شده که تاریخ انتشار شماره ۲۸ آن چهارشنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۶ بوده است.

در بالای اولین صفحهٔ آن جملهٔ (یا سلطان خراسان) و در زیر این جمله، شعر (فیض روح‌القدس ارباز مدد فرماید ـ دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد) و سپس نام روزنامه (قل نزله روح القدس) درج شده است.

در اکثر شماره‌ها این جمله بچشم میخورد (قیمت یک نمره در تهران: صد دینار و یک جو غیرت) در ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ دفتر روزنامهٔ روح‌القدس در خیابان چراغ برق تهران بدست قشون استبداد اشغال و مدیر با شهامت و انقلابی آن یعنی سلطان العلمای خراسانی با تنی مجروح بدست نظامیان گرفتار و «پس از آنکه سربازها با سرنیزه و ته تفنگ او را از پای در میاورند آن بدن نیم جان را بباغ شاه آورده و زنجیر

کردند و پس از چند روز شهیدش می‌کنند و نعش او را در چاه میاندازند.»(۱)

در عکسی که از ۲۲ نفر محبوسین باغشاه گرفته شده و در شماره ۷ روزنامهٔ فواید عامه در تاریخ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ بچاپ رسیده و نیز در اغلب منابعی که راجع بـه مشروطیت ایران منتشر شده موجود میباشد، تصویر مدیر روزنامه روح‌القدس (نفر دوم در عکس) با لباس بلند و عمامه دیده میشود که مانند سایرین زنجیری به گردن دارد، اسامی ۲۲ نفر محبوسین باغشاه به نقل از شرح زیر عکس مذکور بدینقرار است: ۱ ـ قاضی قزوینی ۲ ـ مدیر جریدهٔ روح القدس ۳ ـ میرزا حسین خان گماشته آقا بالاخان سردار ۴ ـ شیخ ابراهیم پسر عموی روح‌القدس ۵ ـ آقا مجید سیگار فروش ۶ ـ آقا علی سرباز ۷ ـ شریف صحاف ۸ ـ میرزا محمد علی خان مدیر روزنامهٔ ترقی ۹ ـ مشهدی باقر تبریزی ۱۰ ـ حشمت نظام ۱۱ ـ شاهزاده ناصر الملک ۱۲ ـ میرزا علی اکبر خان معتمد دیوان ۱۳ ـ میرزا محمد علی پسر حاج ملک المتکلمین ۱۴ ـ نایب باقرخان ۱۵ ـ میرزا داودخان ۱۶ ـ یحیی میرزا ۱۷ ـ میرزا بزرگ تبریزی ۱۸ ـ شیخ ابراهیم طالقانی ۱۹ ـ حاجی خان خیاط ۲۰ ـ علی نیک ۲۱ ـ حاج محمد تقی بنکدار ۲۲ ـ میرزا علی اکبر برادر قاضی قزوینی. ضمناً این شعر در بالای عکس نوشته شده است:

خواهی که دادت بردرد صد سلسلهٔ بیداد را — منت بکش گردن، بنه زنجیر استبداد را

علی اکبر خان دهخدا (دخو) در قسمتی از (مکتوب محرمانهٔ) خود در صفحه ۷ و ۸

---

۱ ـ تاریخ جراید و مطبوعات ایران ـ مرحوم محمد صدرهاشمی ـ جلد دوم صفحه ۳۲۴ ـ به نقل از کتاب زندگی ملک التمکلمین چاپ تهران – ص ۲۶۲

سال اول جشن مشروطیت — دولت علیهٔ ایران

قل روح القدس نزله

عنوان مراسلات
طهران کتابخانهٔ تربیت
سلطان العلماء خراسانی
در کتابخانهٔ تربیت و باقی
کتابخانها بفروش میرسد
عجالةً هفتهٔ یك نمره
دوشنبه طبع و چهار شنبه
توزیع میشود
مکاتیب بی امضا قبول
نخواهد شد چه درج
شود یا نشود صاحبش
حق استرداد ندارد

قیمت اشتراك سالیانه
طهران ۱۲ قران
ولایات داخله ۱۷ قران
روسیه ۵ منات
سایر ممالك خارجه
۱۰ فرانك
قیمت اعلانات
سطری یکقران
قیمت یکنمره صد دینار
و یکجو غیرت
وجه اشتراك بعد از سه
نمره دریافت میشود

جریده ایست آزاد علمی و سیاسی و پولیتیکی بحث مینماید و ابداً شئونات و عناوین ظاهری مانع از اظهار مطالب نخواهد بود مقالات عام المنفعه درج میشود

بتاریخ یکشنبهٔ ۱۳ شهر شعبان ۱۳۲۵

— مکتوب قزوین —

چون علت غائیهٔ تمام اقدامات غیورانه ملت اسلام حفظ حقوق اسلامیه عموما و محافظت حقوق ایرانیه خصوصا بوده و هست لزوما در اینموقع هولناك و زمان پر خطر که قوای پولیتیکی دشمنان متوجه تضعیف ملت بیچاره ایران باکمال سعی و کوشش و نهایت اهتمام و دقت شده — در این اوان که استشمام رائحه سعادت قومی از ساحت ایران نموده وقت خودرا در کمال مضیقت و اقدامات چندین ساله خویشرا بی نتیجه دیدند در کمال اجتهاد و منتهی قدر دانی وقت را تنگ دیده و از تمام معارضات شخصیه و منازعات اصلیه، خویش اغماض نموده و مال المصالحه خویش را مملکت قدیمهٔ ایران و دولت قویهٔ نوشیروان نموده در این مدت مساعی خویش را در اتمام معاهدات طرفین در بردن مملکت ایران تمام کار اسلام را تمام کردند — قضیهٔ هائله ارومیه دل مسلمانان را آب کرد چرا رؤسای ملت و دولت در خوابند مگر ارومیه از ایران و اهالی آن از مسلمانان نیستند الله الله فی الاسلام الله الله فی القرآن اگر این زبانهٔ آتش دامن اسلامیان را بگیرد (فعلی الاسلام) و چنانچه حال اسلام باین وضع بماند (فیاللمسلمین) هان ای غیوران اسلام پرست وای حامیان ملت اسلام وای حافظین حقوق مسلمانان بجنبید که کار از دست میرود و خون جوانان غیور ایران پایمال میشود اینك انجمن مجاهدین وجدان انسانیت خویش را بدین تکلیف فوری الادا مکلف دانسته از آستان مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه استدعا نمودند که فوراً وزیر خارجه را خواسته و از این کیفیت این معاهده استفسار فرمائید و درین مقام اهتمامات لازمه که مقتضی ملت دارای است

شماره ۱۷ روزنامهٔ «صوراسرافیل» با صراحت تمام در دفاع از سلطان العلماء خراسانی مدیر روزنامه روح‌القدس چنین مینویسد:

«کاغذ ما تمام شد، اما اینجا میخواهم بی رودروایسی و مرد و مردانه دو کلمه با جناب وزیر علوم و جناب وزیر عدلیه صاف و پوست کنده حرف بزنم یعنی مثلاً بگویم، آی شما که امروز یک طلبهٔ بدبخت نان و دوغ خور یعنی نویسندهٔ روح‌القدس را زیر محاکمه کشیده‌اید!! آی شما که میخواهید قوت قانون ننوشته را بیک بیچاره از همه جا آواره نشان بدهید!! شما که میخواهید تجارب جراحی خود تانرا در سرکچل ما روزنامه نویسها حاصل کنید!! قانون مطبوعات که هنوز از مجلس نگذشته و در حکم قانونیت داخل نشده و در قوانین شرعی ما هم که سابقاً قانون مفصلی برای مطبوعات ننوشته‌اند که ما محکوم به آن باشیم و مجازات بی‌قانون هم که گویا در هیچ کوره ده مملکت مشروطه صحیح نباشد.

اما در قانون اسلام هیچوقت گوسر زدن بنفس محترم خاصه به علماء و سادات وارد نشده است، یکی از این بیچاره‌ها افصح التمکلمین از علمای رشت و مدیر روزنامهٔ خیر الکلام میباشد که با نصف بدن فلج و عدم قدرت بر حرکت، در زیر چوب، خون استفراغ کرده و امروز از حیات مأیوس است، آیا برای شما بهتر نبود که بحکم قانون اسلامی بدیوان خانه جلب کنید و بمردم بنمایانید که هر کس از حد خودش تجاوز کرد و او پهلوان هم باشد در دورهٔ مشروطیت به مجازات میرسد، و آیا بهتر نبود که پس از گذشتن قانون مطبوعات مراعات آنرا از مدیر روح القدس بخواهید؟ و قانونی را که

هزار و سیصد سال است معمول است دربارهٔ ... امروز مجری دارید؟[1]»

برای شناخت بیشتر با شیوهٔ نگارش و خط فکری و اهداف این روزنامه، صفحات و شماره‌های مختلف روح‌القدس را ورق می‌زنیم:

در مقدمهٔ شماره اول روح‌القدس (دو شنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۲۵قمری) می‌خوانیم: «حمد نامعدود و ثنای نامحدود مالک الملوکی را سزاست که بقدرت کامله، ما ایرانیان را از زیر بار ظلم مستبدین نجات بخشید و خلعت آزادی و مشروطیت را بر اندام ما پوشانید (فذلک فضل الله یؤتیه من یشاء). این ایام که دولت ایران در عداد دول کنستی توسیون معدود و صاحب مجلس پارلمان است، قلم و زبان هم بگمان مان آزاد است بر هر فردی از افراد دانشمندان ایرانی‌نژاد لازم و واجب است که بتوسط زبان و قلم مساعی خودشان را مبذول دارند و از خدمات و وظایف نسبت به ملت و دولت مضایقه ننمایند، شاید بهمت کامله ارباب همت و غیرت، این دولت ویران که نامش ایران است از حضیض ذلت به اوج عزت عروج نماید، ایران و ایرانیانی که تا چند سال قبل محل امن و امان و ملجاء و پناه سایر دول و ملل بوده‌اند، از ذلت حمایت و صیانت اجانب و همسایگان رهائی بیابد و آب رفتهٔ سابق الایام بجو بیاید و نام ایران و ایرانیان که مایهٔ افتخار تمام دول بود مثل بیشتر از زمان بلند بشود و بیش از این اهالی سایر دول ما اهالی ایران را در زمرهٔ وحشیان محسوب ندارند و ما را هم چون خودشان در شمارهٔ

---

۱ ـ نقل از صفحه ۷ و ۸ شماره ۱۷ صوراسرافیل (۱۴ شوال ۱۳۲۵ قمری) ـ دورهٔ کامل صوراسرافیل ـ بکوشش خانم منصوره اتحادیه (نظام مانی) نشر تاریخ ـ ۱۳۶۱ ـ تهران.

شمارهٔ اول — یا سلطان خراسان — صفحهٔ ۱

قل نزّله

فیض روح‌القدس ار باز مدد فرماید — دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد

روح القدس

«مدیر کل»
سلطان‌العلماء خراسانی

اداره و محل توزیع
کتابخانهٔ شرافت

مکاتیب بی امضا قبول نخواهد شد چه درج شود یا نشود صاحبش حق استرداد ندارد

«قیمت اشتراک سالیانه»
طهران ۱۲ قران
ولایات داخله ۱۷ قران
روسیه ۵ منات
سایر ممالک خارجه ۱۰ فرانک

قیمت اعلانات
سطری یکقران

قیمت یکنمره صد دینار وجه اشتراک بعد از ۵ نمره دریافت میشود

جریده ایست آزاد علمی و سیاسی و پولیتیکی بحث مینماید و ابداً شئونات و عناوین ظاهری مانع از اظهار مطالب نخواهد بود مقالات عام المنفعه درج میشود

بتاریخ دوشنبهٔ ۲۵ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵

﴿ بسم‌الله الرحمن الرحیم ﴾

حمد نامحدود و ثنای نامعدود مالک‌الملوکی راسزا است که بقدرت کاملهٔ ما ایرانیان را از زیر بار ظلم مستبدین نجات بخشید و خلعت آزادی و مشروطیت را بر اندام ما پوشانید

﴿ فذلک فضل‌الله یؤتیه من یشاء ﴾

این ایام که دولت ایران در عداد دول کنستی توسیون محدود و صاحب مجلس پارلمان است قلم و زبان هم بیگمان مان آزاد است بر هر فردی از افراد دانشمندان ایرانی نژاد لازم و واجب است که بتوسط زبان و قلم مساعی خودشان را مبذول دارند و از خدمات و وظایف نسبت بملت و دولت مضایقه ننمایند شاید بهمت کاملهٔ ارباب همت و غیرت این دولت ویران که نامش ایران است از حضیض ذلت باوج عزت عروج نماید ایران و ایرانیانیکه تا چند سال قبل محل امن و امان و ملجأ و پناه سایر دول و ملل بوده‌اند از ذلت حمایت و صیانت اجانب و همسایگان رهائی یابد و آب رفتهٔ سابق‌الایام بجو بیاید و نام ایران و ایرانیان که محسوب نداوند و مادام چون خودشان در شماره متمدنان بشمارند

﴿ علت ذلت دولت و خرابی مملکت ﴾

سبب ذلت دولت و خرابی مملکت آنست که مردم عالم به حقوق انسانیت خود نیستند بر فرض عالم بودن قدرت بر مطالبه حقوق خود ندارند شخص دولت هم ملاحظه حقوق رعیت را نمی‌نماید یا ایشانرا دارای حق نمیدانند

﴿ طریقهٔ علم بحقوق ﴾

اولاً مردم باید خود را دارای حقوقی در این خاک بدانند و این خاک را وطن عزیز خود بشمارند و خودشان را مسؤل این خاک پاک بدانند

ثانیاً باید مردم شخص سلطان را هم مثل خودشان یکی از افراد انسان در اعضاء و جوارح علی‌السویه خیال کنند و شخص سلطان را بر فرض تصدیق بر مقدمات دارای حقوق

متمدنان بشمارند، (علت ذلت دولت و خرابی مملکت)، آنست که مردم، عالم به حقوق انسانیت خود نیستند بر فرض عالم بودن قدرت بر مطالبهٔ حقوق خود ندارند. شخص دولت هم ملاحظهٔ حقوق رعیت را نمی‌نماید یا ایشانرا دارای حقی نمیداند. ای مـردم خیال نکنید شما مظلوم هستید قسم بذات حضرت حق شما ظالم حقوق خود و دیگران هستید، چرا که شما بدست خود حقوق‌تان را از دست داده‌اید و خودتان را پایمال سـم ستور مستبدان نموده‌اید.

* **(خطاب به مستبدین):** ای شاخهای ظـلم و اسـتبداد کـه سـیاهی ظـلم استبدادتان ایران را تیره کرده و چشم تمام ایرانیان را خیره نموده هر چه تا کنون خیانت بملت و دولت کردید بس است دیگر مصلحت شما نیست که مثل اعمال سابقه تان عمل کنید چرا که در این زمان بحمدالله مردم از خواب غفلت بیدار شده‌اند دیگر قبول ظلم شما را نخواهند کرد و زیر بار ظلم نخواهند رفت، شیر زنهای ایرانی رفع ظلم شـما را خواهند کرد تا چه رسد به مردهای ایشان.»

در قسمت اول مقالهٔ مندرج در صفحهٔ اول شماره ۳ روح القدس (۱۱ رجب ۱۳۲۵) میخوانیم:

«منصور وار اگر ببرندم به پای دار مردانه جان دهم که جهان پایدار نیست

بهر طبیب حاذقی که میرسی و علاج دردهای بیدرمان مملکت میپرسی کاغذ نسخه را برداشته بی تأمل مینویسد: موافقت دولت یا همت و غیرت»).

در قسمتی از مقاله تحت عنوان (افسوس بر بستگی و شکستگی قلم) مـندرج در

صفحه اول از شمارهٔ چهارم روح القدس (۲۲ رجب ۱۳۲۵) چنین آمده است:

«ای قلم ای آرایش دهندهٔ قوهٔ عقلیه و ای زینت افزای قوهٔ فکریه تا کی برقه پوش؟ در پس پرده خفا مستوری؟ نقاب از روی خود بردار و بنما روی زیبا را، و زآن رو مست گردان عاشق سرمست شیدا را، مشتاقان را بهوای طلعت ظریف و عذار شریفت جان بلب آمد، شبهای هجر را گذراندیم و زنده‌ایم، ما را به سخت جانی این گمان نبود، جانا اگر تو همدم رقیب و مونس اجنبیان نبودی من بیچاره و امثال من که همه بسته به زنجیر مو و سلسلهٔ گیسوی توایم بدین روزگار سیاه و حال تباه نمی‌افتادیم، ای سلسله جنبان عشق، و ای فتنه عراق و دمشق، ای سرچشمه زلال زندگانی، و ای مایهٔ حیات جاودانی، لختی با من بیچاره وفاکن و در سلسلهٔ اهل صفا قدم گذار، اگر تو نبودی ملت نبود و اگر تو نبودی مذهب نه، باری چه شد که از ما بیچارگان رو تافتی، با دیگران پرداختی؟ و ......»

در صفحهٔ ۳ شماره ۱۲ روح القدس (۲۵ رمضان ۱۳۲۵) مطلبی تحت عنوان «بشارت» چاپ شده که انتقاد شدیدی است نسبت به ارتقاء مقام خائنین دولت و دزدان مملکت به مناصب صدارت و وزارت، که خواندن آن خالی از لطف نیست:

* **بشارت:** به تمام خائنان دولت و دزدان مملکت اعلان بشارت داده میشود که هر یک از شماها زیادتر خیانت و دزدی کرده و بکند، به مقامات و درجات عالیه میرسد، اطمینان کامل از «روح القدس» بشما داده میشود که هر گاه از وظیفه خودتان دست برنداشتید، به زودی زود به منصب صدارت عظمی و وزارت داخله میرسید. چنانچه

دیدید، رئیس الخائنین میرزا علی اصغر خان هر قدر زیادتر خیانت به دولت و ملت کرده بیشتر مقرب شد و درجه و عزتش زیادتر گردید، اول کسیکه بواسطهٔ نماز شب این نکته را فهمید زیادتر در صدد خیانت دولت و دزدی مملکت برآمد آصف الدوله بود و در این سفر حکومت خراسان زیادتر مایل به علو درجه و منزله شد یکبار به خیال صدارت افتاد و آن نکته بنظرش آمد آتش شوق وزارتش تیزتر شد، اولاً تا توانست بر مالیات خراسان افزود باین مطلب قانع نشده اهالی بجنورد را به اسیری داد، بازدید این خیانتها قابل رسیدن بوزارت نیست باشجاع الدوله قوچانی همدست شده اهالی قوچان را بخارجه فروخت برای رسیدن بوزارت، دو اسبه تاخته از خراسان به تهران آمد چندی نگذشت که در عوض مجازات به منصب وزارت داخله رسید، اگر عقلی کند و از خیانت کوتاهی نکند، عن قریب بزودی زود مثل میرزا علی اصغر خان رئیس الوزراء میشود.

سال اول قطب بود و سال دوم قطب دین   گر بماند سال سوم قطب دین خیدر شود

پس شما عموم خائنان دزدان دولت و مملکت چشم باز کنید و کار رئیس الخائنین و آصف الدوله را سرمشق خود نمائید تا از مناصب دولتی و درجات مملکتی محروم نمانید. روح القدس.»



مجلهٔ دانشکده

مجلهٔ دانشکده که نخستین شماره آن در سال ۱۳۳۶ قمری مطابق با اردیبهشت

۱۲۹۷ شمسی تحت نظر هیئت مؤسسهٔ دانشکده و بمدیریت ملک الشعرای بهار انتشار یافت، ناشر افکار انجمنی ادبی بنام دانشکده بود. رشید یاسمی که خود عضو هیئت مؤسس و از نویسندگان مجله بوده در کتاب تاریخ ادبیات معاصر (ص ۱۱۹) درباره مجله دانشکده مینویسد:

«مجلهٔ دانشکده را آقای بهار در سال ۱۳۳۶ قمری برای نشر آثار انجمن ادبی دانشکده تأسیس کرد، این انجمن نخست جرگه دانشوری نام داشت و در سال ۱۳۳۵ قمری بسعی چند تن از دوستان ادب از جمله نگارنده دایر شده بود سال بعد دانشکده خوانده شد، مرام این انجمن ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام آثار فصحای متقدم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپائی بود و در آن روزگار تحول خدمتی شایان بادبیات کرد [1]».

مجله دانشکده مجله‌ای ادبی بوده که روش و سبک مجلهٔ (بهار) بمدیریت یوسف اعتصام الملک (تاریخ انتشار ۱۳۲۸ قمری ـ ۱۸۳۲ شمسی) را ادامه داده چنانچه در قسمتی از سر مقاله شمارهٔ توأم (۱۱ و ۱۲) دانشکده تحت عنوان «یکسال تمام» آمده است:

«مجلهٔ دانشکده دومین مجله ادبی است که با یکروح جوان و با رنگ و بوی ادبیات جدیده، در عالم ادبیات جلوگر شده است.مجلهٔ ما در عالم فضیلت تقدم، مرهون مجلهٔ بهار اثر فاضل دانشمند اعتصام الملک است که گذشته از منفرد بودن مجلهٔ مذکور در

۱ ـ تاریخ جراید و مطبوعات ایران ـ مرحوم محمد صدر هاشمی ـ ج ۲ ـ ص ۲۷۰

محیط تقدم، یک دریچه مخصوص را از بوستان ادبیات جدیده بر روی عالم ایرانیت گشوده و مثل هر گل نورسی که قبل از فصل بهار بشکفد، فقط خبر روح بخشی از وصول فروردین داده و خود بزودی محو گردیده، ولی اثری در گلگشت حقیقی ادبیات با تقدیر بشارتش باقی ماند، مجلهٔ بهار پیش آهنگ گلهای ادبی ما بوده و مانیز در همان محیط سرد و در پایان همان زمستان بی اسبابی، خبر دمیدن یک نو بهار پر گل‌تری را در ادبیات آینده ایران داده وجهد مینمائیم که خود را از وزش نسیم‌های آخرین بر کنار داشته، و امید خویش را تا آغاز فروردین عمل امتداد دهیم.

پیشقدم ما «مجلهٔ بهار» در پایان سال خود که متأسفانه پایان مساعی ونشاط او بود نوشت: به یک گل بهار نمیشود، ولی ما بهموطنان خود مژده میدهیم که بیک گل میتوان نزدیکی بهار را یقین کرده و از نکوئی بهار میتوان نکوئی بقیه سال را تخمین نمود.[۱]».

زیر اسم مجله (دانشکده) ۱۳۳۶ (سال انتشار) نوشته شده است سپس نوشته است: «مجموعه‌ای است ادبی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی و تاریخی آغاز هر ماه شمسی در تحت نظر (هیئت مؤسسه دانشکده) منتشر میشود ـ مدیر و مؤسس: م ـ بهار ـ بهای سالیانه همه جا ۳۰ قران است، تک نمره: دو قران»

در قسمتی از مقالهٔ «تاریخ ادبی» مندرج در صفحات ۸ الی ۲۴ مجلهٔ دانشکده (شماره اول) آمده است:

---

۱ ـ نقل با تلخیص از صفحات ۵۶۳ تا ۵۶۶ مجموعه مجله دانشکده (شماره ۱۱ و ۱۲) محمد تقی بهار ـ انتشارات معین ـ تهران

«میدانیم که یکی از شعب مهم ادبیات امروزه درام (روایات تمثیلی) و رمان است و مقصود اصلی از تألیف کتب در این دو رشته و نمایش روایات مزبور همانا مجسم کردن فضایل و رذایل است به وضعی محسوس تا مردم تشویق و ترغیب شده فضائل را اکتساب و از رذائل اجتناب نمایند. ادبیات ما بدبختانه کمتر شامل این روح انتقادی است، چه غالب کتب ادبی یا اشعار که نوشته یا سروده میشده است برای استرضاء خاطر سلاطین و امرا و کسب روزی و یا اظهار فضل و هنرنمائی بوده. در دورهٔ ملوک سامانیه و غزنویه شعرا و ادبای ما جز جلب رضایت امرا و سلاطین مزبور و کسب معانی و تأیید دولت ایشان خیال دیگری در سر نداشتند، شاید عرفا که مردمانی گوشه گزین و قانع و بی طمع بودند تنها کسانی باشند که به انتقاد هیئت اجتماعیه پرداخته و مردم را ترغیب به کسب فضائل و دوری از رذائل نموده‌اند.»

ترجمه شعری از ادبیات روسی را که در شمارهٔ ۲ مجلهٔ دانشکده (۱ برج جوزا ۱۲۹۷ شمسی) مندرج است با هم میخوانیم:

* **پیش رو:** «ما شعلهٔ حریق عالم هستیم ـ ما تیشه‌ای هستیم که زنجیر پای بندگان را می‌شکند

اتحاد بیرق ما است و سرود مقدس ما

ـ جنگ بر ضد سباعیکه از زوزه، صدایشان گرفته، و تمام نتیجه زحمات ما را می‌خورند!

ـ برای آخرین جنگ مهیب ؛

ـ ما صفوف زنجیر خود را متحد میسازیم.

هر که نجیب و شجاع است اسلحه بردارد

معبودیت جهانخواران را مقهور سازد

ما را یا مرگ منتظر است یا فتح

پیش رو، پیش رو، پیش رو!



هلاکت میلیونها برادران ما،

گریهٔ مادران محروم از حقوق ،

نالهٔ فقرای عاجز:

بما نشان میدهند که جلاد کجا مخفی شده!

بگذار آنهائیکه در پارکها مخفی شده‌اند،

و آنانکه مخدومشان گاو طلائی بود؛

بدانند که برای صاحب مشت و صاحب بانک و صاحب مسند، ساعت انتقام سخت رسیده!

هر که نجیب و شجاع است اسلحه بردارد!

معبودیت جهانخوران را مقهور سازد!

ما را یا مرگ منتظر است یا فتح!

پیش رو، پیش رو، پیش رو!



به تمام زورمندان آزادی ملت

به تمام آنهائیکه کارخانه و کلسیا برایشان راه دخل بزرگی بود!

به تمام آنهائیکه برای خاطر منافع سارقانه اشان

خون ما میرخته و میریزد،

ای مقتولین و پوسیدگان میدانهای جنگ

صورت حساب تأدیه نشده را جلو تمامشان خواهیم برد

هر که نجیب و شجاع است اسلحه بردارد!

معبودیت جهانخواران را مقهور سازد!

ما را یا مرگ منتظر است یا فتح!

پیش رو، پیش رو، پیش رو!



هیچ خدمتی در عالم، برای دستهای پینه دار مهیب نیست!

اما هیچ شکمی هم دیگر، از عرق ملت باد نخواهد کرد!

هر که پول جمع میکند زحمت بیهوده میکشد.

نیست باد، هم تمول، هم فقر

در ائتلاف فقرای رنجبر، دیگر کسی دارای قصرها نخواهد بود.

هر که نجیب و شجاع است اسلحه بر دارد!

معبودیت جهانخوران را مقهور سازد

ما را یا مرگ منتظر است یا فتح!

پیش رو، پیش رو، پیش رو [1]!



مجلهٔ دانشکده همانطوریکه گفتیم مجله‌ای ادبی بود که صفحات آن بیشتر به موضوعاتی تحت عناوین: تاریخ ادبی ـ انقلاب ادبی ـ قطعه ادبی ـ آثار اساتید ـ و سایر مسائل مربوط به ادبیات اختصاص داشت، در میان نویسندگان مجله بیشترین مطالب از آن ملک الشعرای بهار، عباس آشتیانی، اقبال، رشید یاسمی، سردار معظم خراسانی، سعید نفیسی و رضا هنری است.

بهار تحت عنوان «مرام ما» در نخستین شمارهٔ مجله چنین مینویسد:

---

۱ ـ نقل از مجلهٔ دانشکده (شمارهٔ ۲) ـ صفحه ۹۵ ـ محمد تقی بهار ـ انتشارات معین

«دنیا دستخوش انقلاب است ...، پس شگفت نیست اگر در ادبیات ما و حتی در لغات و اصطلاحات ما و طرز ادای مقاصد ما تغییراتی حاصل شود».

در اولین صفحه شماره ۳ مجلهٔ دانشکده (اول سرطان ۱۲۹۷ شمسی) نیز تأکید مجددی به اهداف انتشار مجله داشته و در پاسخ به انتقاد روزنامهٔ تجدد (چاپ تبریز)[۱] چنین مینویسد:

«برای اینکه انتقادات واردهٔ به مرام خودمان را دفع کنیم برای بار دوم اصول کلی عملیات و آمال خودمان را تکرار می‌کنیم: ما در تجدید ادبیات ایران تکاملی هستیم، ما با عوامل ارتقاء و تکامل همراه و یا خود عین آن عوامل شده و موافق احتیاجات ملیه قدری هم دور بنیانه تر کار می‌کنیم، ما اصلاحات و رفورماتور ادبی را از نفی موجود و اثبات موهوم یا اختراع یک چیزی که محیط آتیه دوام ورجحان آنرا «آن موهوم را» ضمانت نماید، عملی‌تر و مفیدتر میدانیم، و ما بر خلاف کسانی که معنی ارتقاء را ندانسته و تصور میکنند که فقط بر جستن و بر زمین خوردن ترقی است، عوامل تکامل طبیعی و تکمیل تدریجی را در ارتقای واقعی یک ملت تنها مؤثر بزرگ میپنداریم، ما انقلاب حقیقی را بطی‌تر و غیر مرئی‌تر از آن میدانیم که یک نویسندهٔ انقلابی بخواهد در یک جست و خیز متفننانه خویش، در نخستین رقص موزون یا ناموزون تقلیدی یا اختراعی خود یک نمونه واقعی از آنرا بما نشان بدهد.

---

۱ ـ روزنامه تجدد با مدیریت شیخ محمد خیابانی در شهر تبریز تأسیس و شمارهٔ اول آن در جمادی الاخر ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است

با همان قسم که استقبال مردمان هوشیار و مبتکرین ژنی را از عوامل انقلاب و ارتقاء در تحسین و تسریع روح تجدد مفید میدانیم، بهمان درجه نفوذ و تأثیر عوامل اصلی انقلاب و ارتقاء را در صورت عدم مداخله و بلکه عدم شعور عمومی باز قادر و مؤثر و نتیجه بخش می‌شناسیم، اما اینرا میدانیم که استقبال‌های فردی ممکن است بی نتیجه بماند، ولی نفوذ و تأثیر عوامل اصلی حتمی النتیجه است.

ما مفلس و بیچاره نیستیم که طبیعت ما را مجبور به اختراع و رفع احتیاج بنماید، بلکه ما در روی یک تکمیل و ارتقائی باز بطرف تکمیل و ترقی دیگری راه میرویم، اگر راه نرویم ترقی از روی ما رد شده بفرزندان ما میرسد، اگر با او راه برویم خود ما هم از او استفاده کرده و اگر جلوتر برویم شاید راه را گم کنیم [۱]»

در بخش «اقتراح» مجله که در بیشتر شماره‌ها درج است مطلبی را از شماره توأم (۱۱ و ۱۲) بتاریخ اول برج ثور ۱۲۹۸ شمسی مطابق ۲۰ آوریل ۱۹۱۹ انتخاب کرده‌ایم بشرح زیر:

«اقتراح ـ (کوه ـ سراب) ـ»

«مردمان بزرگ چون کوهند که هر چه نزدیک‌تر شوی عظمت آنان بیشتر آشکار شود و سفله مردم چون سرابند که هر چه نزدیک تر گردی، حقارت و ناچیزی آنان بیشتر

---

۱ ـ صفحه ۱ و ۲ مجلهٔ دانشکده شماره ۳ تاریخ اول سرطان ۱۲۹۷ ـ به نقل از مجموعهٔ مجله دانشکده ـ ملک الشعراء بهرا ص ۱۱۵ ـ انتشارات معین ۱۳۷۰

فاش گردد!» ژان ژاک روسو.

موضوع فوق ، در مجمع دانشکده طرح شده، در نظم آن اقتراحی از اعضاء بعمل آمد، و در جلسهٔ اواسط برج حمل قطعات و اشعار زیر در مجمع قرائت شد:

چون سرابند سفلگان از دور ــ که نمایند؛ بحرهای علوم

هر چه نزدیک‌تر شوی سویشان ــ لاجرم بیشتر شوی محروم

راد مردان زدور همچون کوه ــ ناپدیدند و قدرشان مکتوم

سویشان بیشتر شوی نزدیک ــ قدرشان بیشتر شود معلوم

گر نجومت به چشم خُرد آیند ــ گنه از چشم توست نی زنجوم

«ملک الشعراء بهار»



روزنامهٔ تبریز

مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب خود تحت عنوان «تاریخ جرایـد و مـجلات ایران» دربارهٔ انتشار روزنامهٔ تبریز مینویسد(۱):

«روزنامه تبریز در سال ۱۲۹۶ قمری از طرف دولت، بدستور مظفرالدین شاه که در آنوقت ولیعهد ایران بوده در شهر تبریز تأسیس و منتشر شده است (۲)، در جلد سوم

---

۱ ـ تاریخ جراید و مطبوعات ایران ـ محمد صدر هاشمی ـ ج ۲ ـ ص ۹۹

۲ ـ در شهر تبریز علاوه بر روزنامه فوق الذکر روزنامه دیگری نیز بهمین نام در تاریخ ۱۳۲۸ قمری با مدیریت اسمعیل یگانی و حسین تبریزی منتشر شده است.

نمره چهارم سال اول صفحه ۱۰

جمعه دهم شهر صفر المظفر مطابق [illegible] ئیل سنه [illegible] | مطابق بیست و چهارم ژانویه ماه فرانسه سنه [illegible] مسیحی

مطبعه و اداره گازت در سرای [illegible] خان | قرار قیمت روزنامه در شهر

تبریز

اجرت پوست در داخله و خارجه بعهده مشترین | سالیانه یک تومان

قیمت اعلانات سطری پانصد دینار | ششماهه پنجهزار دینار

این روزنامه اخبار و حوادث و مواد سیاسیه و پولتیکیه و علم و ادب و منافع عامه را اعلام خواهد کرد و به هر دو روز یک بار منتشر خواهد شد

اخبار داخله

سه‌شنبه ششم شهر صفر المظفر که شب عید میلاد سعادت بنیاد اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه اسلام‌پناه خسرو صاحبقران ادام الله ایام ملکه و قرون سلطنته میباشد برحسب معمول همه‌ساله بشکرانه این عید سعید و جشن فرخنده تمام بازارها و خانات شهر را آیین‌بسته چراغان کردند و عموم اهالی تبریز بطیب خاطر محض باقتضای شاه‌پرستی که دارند تا دیرگاهی از شب با نشاط و مسرت تمام در اسواق و خانات مشغول عیش و عشرت و گرم تفرج و تماشا بودند هم در این شب حسب‌الحکم جناب جلالتمآب امیر لشکر پیشکار و وزیر آذربایجان تمامی مأمورین خارجه و قونسولهای دول متحابه و صاحب‌منصبان را اعلام بمنزل خود دعوت بصرف شام نموده تدارک شایان دیده بودند عموم حاضرین و اهل مجلس بسلامتی وجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران ادام الله سلطانه و جمیع سلاطین نامور تمکین دول متحابه و دوستان ملل محترمه که با دولت علیه مودت و اتحاد دارند مشغول جشن و عیش شده پس از آن تماشای آتش‌بازی ممتازی و بازیهای فرنگی منبسط و مسرور گردیده با نهایت مسرت خاطر مراجعت بمنازل خود نمودند

روز عید نیز جمیع قونسولهای دول متحابه بهیئت اجتماع باتفاق جناب ساعدالملک برای عرض تبریک حضور مبارک حضرت اشرف ارفع والا ولیعهد ادام الله شوکته تشرف جسته در حضرت ملک رفعت والا با نهایت سرور و ملاطفت موفور پذیرفته شدند عالیجاه مسیو آبت جنرال قونسول دولت فخیمه انگلیس که قدیم‌ترین قونسولهای دول متحابه است علی‌الرسم تبریک این عید سعید را عرض نموده از جانب سنی‌الجوانب حضرت والا هم بطوری که سزاوار کمال وداد و اقتضای مدارج دوستی و اتحاد دول معظمه است اظهار مسرت و اشعار ملاطفات کامله گردید همچنین فرداً فرد کل قونسولهای دول متحابه مورد تفقدات حضرت والا شده با طی درجه بهجت از تشرف والا مراجعت نمودند و از جناب امیر لشکر و جناب صدیق‌الملک نیز همچنان دیدن کرده بمنازل خود رفتند پس از آن در دیوانخانه مبارکه سلام عام منعقد و شرایط سلام از قرائت خطبه و قصیده و شلیک توپ و غیره کاملاً بعمل آمد

محض تکمیل ظهور و بروز الطاف و مراحم خاصه ملوکانه همایون درباره حضرت اشرف ارفع والا ولیعهد ادام الله اقبالیته الکبری که در راه خدمت دولت و استرضای خاطر

تاریخ منتظم ناصری (ص ۳۵۷) ضمن بحث در مورد وقایع سال ۱۲۹۶ قمری مینویسد: (در این سال روزنامه تبریز موسوم به تبریز بتوجه و امر نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان دایر و طبع شد). مرحوم تربیت در فهرست روزنامه‌های آذربایجان راجع به این روزنامه مینویسد: (روزنامهٔ نیم ماهه منتشر در تبریز بمدیریت شخص مسمی به کمال در ۱۲۹۶ قمری).»

روزنامه تبریز از «آزادی روزنامه، آزادی اخبار نامه و اخبار نویس» سخن میگفته است و به این علت بارها توسط عوامل حکومت استبدادی توقیف و انتشار آن تعطیل شده است. یکی از مقالات مندرج در شماره سوم روزنامه تبریز تحت عنوان «وضع و فایدهٔ روزنامه» که در کتاب «تاریخچهٔ روزنامه‌های تبریز درصدر مشروطیت [1]» به نقل از کتاب تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، (جلد ۱ ـ گوئل کهن ـ ص ۴۳) ـ آمده است بدلیل اهمیت نگارش آن در شرایط قبل از مشروطیت و نیز عنوان نـمونه‌ای از مطالب روزنامهٔ مذکور بشرح زیر نقل می‌کنیم:

* «**وضع و فایدهٔ روزنامه:** می‌خواهیم بدانیم وضع روزنامه برای چیست و انتشار آن در اقطار و اکناف چه فایده دارد؟ روزنامه در حقیقت آینه و عکس وضع و بنای مملکت است که همهٔ حالات و واقعات آن مملکت را به آن آینه توان دید، اصل وضع روزنامه و گازت برای این است که عمل نیک و ثمر کردار و رفتار هر کس واضح شود و در صفحهٔ زمین انتشار یابد تا مردم از استماع و اطلاع آن در آثار خیر به خیرات و

---

۱ ـ تاریخچه روزنامه‌های تبریز درصدر مشروطیت ـ عبدالحسین ناهیدی آذر ـ تلاش

میراث شایق شوند و از کار نالایق که مایهٔ فضیحت و رسوائی است، بپرهیزند، پس در این صورت محض خیر خواهی ملت و دولت، برای روزنامه نگار لازم است بی ملاحظه و ترس با کمال آسودگی، حقیقت کارها را از خوب و بد، بی تغییر و تلبیس در روزنامه شرح دهد تا با انتشار آن وقایع و حالات معینه آنها که مستحق تحسین و تمجیدند، خوشحال و سرافراز شوند و آنان که مستوجب لوم و توبیخ اند نادم و پشیمان گردند و عبرت گیرند، و میخواهیم بدانیم که معنی آزادی اخبار نامه و اخبار نویس چیست؟

آزادی روزنامه نگار این است که ترس و طمع و حب و بغض و اغراض نفسانی شخصی و دولتی، او را مجبور نکند که بر خلاف واقع خبر دهد و به دروغ و افتراء خوب را به لباس بد و بد را به لباس خوب ادا نماید و برای توقعات شخصی از مردمان مختلف و تملق بزرگان، افکار و نوشتجات خود را تابع رأی و خیالات مردم نکند و او را محبت مال و منال اسیر و بندهٔ اغراض نفسانی ننماید تا بتواند به آزادی، بیان واقع و حقیقت کند. آزادی به این نیست که هر کس هر چه بخواهد، راست یا دروغ، با قاعده یا بیقاعده در اخبار نامه‌ها درج تواند کرد و از جانب عقلاء و رؤسا و کارگزاران ممنوع نباشد، این قسم آزادی که میتواند مستلزم اضرار و ایذاء غیر باشد در کلیه آزادی نیست بلکه آزادی این یکنفر باعث عدم آزادی عامه خواهد بود و عقلاً هیچ حسنی ندارد.

واقعاً این مطلب نزد بعضی، محل اشتباه بزرگی شده است که لفظ آزادی چنان تصور میکنند که لاقیدی و بیقاعدگی است، غافل از اینکه مقصود از لفظ آزادی که در ممالک منتظمه شایع شده و آنرا مبنای ترقیات و ایادی دانسته‌اند چه بوده؟

آزادی اینست که وقایع نگار مطلب صحیح و امر با حقیقت را بتواند بی اغماض و پرده پوشی ادا نماید، پس در اینصورت به وقایع نگار لازم است که اخبار وقایع اتفاقیه را در هر نقطه زمین از اشخاص معتمد و امین استعلام نماید معذالک خود نیز بالطبع صراف و نقاد سخن باشد و پس از تحقیقات لازمه در درج حوادث و سوانح در تحسین و توبیخ، حد و میزانی قرار دهد، ستایش را به پایهٔ تملق نرساند و تعبیر و نکوهش را از حد اعتدال نگذراند.»



روزنامهٔ الحدید

روزنامه الحدید در سال ۱۳۱۵ قمری بمدیریت سید حسین خان عدالت یکی از پیشقدمان نهضت مشروطیت در تبریز به تعداد ۳ شماره منتشر و سپس در محاق تعطیلی افتاده تا اینکه هشت سال بعد مجدداً در جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری بنام (حدید) و با مدیریت سید محمد شبستری حیات جدید مطبوعاتی خود آغاز کرد، در شمارهٔ اول روزنامهٔ الحدید، شعری از میرزا علی خان لعلی[1] یکی از شعرای نامدار تبریز بچاپ رسیده است:

هزار آفرین آن خردمند را	در آهن کشد نقشه پند را
سخن را از آهن گذارد اساس	به الفاظ، رنگین کند خوش لباس

۱ ـ تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت ـ به نقل از دیوان لعلی حکیم با مقدمهٔ محمد علی صفوت ـ ص ۲۸

(شماره ۵) (سال ۲) (صفحه ۱)

جدید

اداره و محل توزیع در دارالسلطنه تبریز در جوار شهبندرخانه دولت علیه عثمانی مکاتبات و مراسلات بنام مدیر و صاحب امتیاز آقا سید محمد نوشته شود آن روزنامه چهارشنبه و دوشنبه طبع و توزیع (میشود)

چهارشنبه ۲ جمادی الاول (۱۳۲۳)

شرایط اشتراک سالیانه نقداً در تبریز پانزده قران نمره سه شاهی برای مکاتب و اعلان صحیف داده خواهد شد و در سایر ممالک ایران هفده قران و در ممالک روسیه منات و در تمام ممالک فرنگ (فرانک)

این روزنامه از قید رسمیت آزاد است مکاتبات سودمند بحال دولت و ملت با کمال امتنان با امضا صاحب آن قبول خواهد شد
اعلانات سطری ده شاهی قیمت آن بوزن اقلا پنج ماه مقدم گرفته میشود

فهرست مندرجات

مکتوب یکی از دانایان

مدیر محترم جریده فریده جدیده پیوسته متوقع بتوفیقات حضرت سبحانی بوده و به مقاصد عالیه خود نایل شده روز (جمعه) بعد از تحصیل فراغت از مشاغل مقرره خود قدری بعضی (تفکر ساعة خیر من عبادة ...) عمل نموده مشترم باشتغال هستی گرانجان بودم (ما سبب ...

(ذلک قبل ان تحاسبوا کفی بنفسک الیوم حسیبا) بسنجانیم حالات خودمان نسبت بوده حالت سایرین را با خودمان مقایسه میکردم ، با وجودیکه خداوند وجود انسانی را در بدو خلقت بصورت تمامی عالم کون کماهی درج (ان الله خلق آدم علی صورته) فرموده که هملا از ذات بعالم کبیر ... ما بین ملل مختلفه اسلامیان را بنبوت ختم المرسلین که تارک مقدس او با کلیل کرامت (لولاک لولاک لما خلقت الافلاک) منور

(داستان) (قفقازستان)

دربند غالب و قاتش را در قصر عالی مشهور بستر ... میبرد و او قصری بود که شعبت بن عمرو یکی از سلاطین غسان در قرن چهارم میلادی در اطراف حوران در نزدیکی بلقا از سنگهای بزرگ بنا نموده ، و در آن قصر خرده بوده وسیع که اطرافش با باغها ... احاطه شده و تمامی ایام سال را نهرهای متعدد از آبهای صاف و گوارا جاری در دان بود ، و در نزدیکی قصر ساختمانی بود وسیع که مخصوص نموده بودند باسب تازی در اوقات ... سال که در سلک ایشان داخل بودند چابکترین سواران بغداد و حوران ، ... دلیران و شجاعان از شهرهای ... آمدند و ... باسب ...

به اسلوب خوب و به طرز جدید — چنین گوید این نامهٔ الحدید

مدار جهان از حدید است و بس — چنان چاره سازی ندیده است کس

همه ارتباط، علل ز آهن است — تن ملک را همچو پیراهن است

چو آهن، در کان خود باز کرد — عروس هنر جلوه آغاز کرد

جهان را بیا راست از بحر و بر — ره کجروان راست شد سربه سر

اثرهای خوبی در آن مد غم است — یکی عمده تأثیرش اندردم است

همین خون که سرمایهٔ تن بود — قوامش ز ذرات آهن بود

به قانون شیمی و طب جدید — تن از خون بود زنده، خون از حدید

سخن رانده این نامه از هر دری — به تخصیص از علم صنعتگری

بود سود صنعت در آن مندرج — به قسمی که از بعد شدت فرج

همان «الحدید» است عنوان آن — زیزدان رسیده است فرمان آن

که خود وحی منزل بود الحدید — لکم فیه نفع و بأس شدید

برای اطلاع بیشتر از سبک روزنامهٔ حدید، قسمتی از سر مقالهٔ بلند شماره اول را تحت عنوان (سبب نگارش) به نقل از کتاب تاریخ جراید و مطبوعات ایران تألیف مرحوم محمد صدر هاشمی نقل مینمائیم:[1]

«بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ ربنا اننا ظلمنا انفسنا فاغفر لناذ نوبنا و توفنا مع‌الابرار ـ بار خدایا، کریما، کردگارا زهی قدرت قهاریت که مشتی خاک را در هیکل بشر بلباس

---

۱ ـ تاریخ جراید و مجلات ایران ـ محمد صدرهاشمی ـ ج ۱ ـ ص ۲۵۴

احسن تقویم آراستی و تارک نطفهٔ معین را با کلیل کرامت (ثم سویناک رجلاً) پیراستی، زبان ما را از احصاء بدایع صنایع نامحصورت کلیل، بیان ما در شکرانه نعمات نامتناهیت سست، و سلام و صلوات بی‌پایان نثار، درگاه سلالهٔ طیبهٔ ابوالبشر و اولاد او را سزاست که ایشان هادی دین‌مبین‌اند و میزان صراط المستقیم. سبب نگارش، اکنون که بعون عنایت یزدانی و تأیید دولت آسمانی و عین معدلت اعلیحضرت قدر قدرت ظل الله مظفر الدین شاه قاجار لازالت را یات عدله مبسوطه علی مفارق الانام و حسن توجه بندگان حضرت اشرف اقدس اسعدوالا و لیعهد کیوان مهدروحنافداه، حس ملت ایران عموماً و از قدوم میمنت لزوم حضرت اجل اشرف آقای نظام السلطنه پیشکار کل مملکت آذربایجان دام ظلهُ اهالی تبریز خصوصاً، سراز بالش غفلت و ذهول حرکت داده متوجه یمین و یسار و چشم‌هایشان در دوران آوازه غریب صداهای عجیب به مسامع جانشان میرسد، از سمتی ندای (اعمل لدنیاک کانک تدوم فیها ابداً ـ اعمل لاخرتک کانک عنها غداً) یعنی عمل کن برای زندگانیت در دنیا گویا که در دنیا همیشه خواهی ماند، و عمل کن برای عقبی یعنی از کارهای زشت بپرهیز و بکارهای خوب بیاویز گویا که فردا کوچ خواهی کرد)، از یکسو فریاد (اطلبو العلم من المهدالی اللحد) یعنی طلب کن علم را از مهد تالحد، از یکسو صدای (حب الوطن من الایمان) یعنی هر کس وطن خویش را دوست دارد لفظ مؤمن میتواند بر او صادق آید، از این صداها قلوب مرعوب گشته خواطرها متزلزل، با لماس تحیر خامهٔ حسرت تراشید الماس لوح دل را بس خراشید ، دست ندامت به زانوزده، گاهی (واأسفاعلی نفسی فیما فرطت فی جنبالله)

گویان، یعنی بسیار تأسف برای نفس من باد در مقابل آنچیزی که تقریظ نمودم در جنب خدا، گاهی از تراکم هموم و غموم چون بید لرزان فریاد (هل من ناصر ینصرنا، هل من ذاب یذب عنا) میزنند، ولی چه فایده، جواب از مصدر ربوبیت بجز، لهاماکسبت نمیشنوند....»

در صفحه سوم شماره اول روزنامه حدید (پنجشنبه دوم جمادی‌الاول ۱۳۲۳ قمری) شرحی تحت عنوان (تمنای مخصوص) نوشته شده که خلاصه‌اش اینست که روزنامهٔ حدید حاصل زحمات چندین نفر اشخاص پاک طینت است که غرضی جز خدمت بوطن ندارند و استدعا شده است که به مندرجات آن بچشم انصاف نظر نمایند و نگذارند نمره‌های آن تلف شود زیرا بعداً کتابی خواهد شد.[۱]

با نگاهی به فهرست مندرجات روزنامه حدید معلوم میشود که عمدهٔ مطالب آن عبارتست از اخبار داخله و خارجه و مقالات گوناگون و نیز ترجمهٔ (فتاة غسان) تألیف جرجی زیدان (که دو صفحه از هر شماره را بخود اختصاص داده است).[۲]



۱ ـ تاریخ جراید و مجلات ایران ـ مرحوم محمد صدر هاشمی ـ ج ۱ ـ ص ۲۵۵

۲ ـ تاریخ جراید و مجلات ایران ـ مرحوم محمد صدر هاشمی ـ ج ۱ ـ ص ۲۵۵

روزنامه احتیاج

روزنامهٔ احتیاج به مدیریت علیقلی معروف به صفراف[۱] بتاریخ ۱۶ محرم ۱۳۱۶ قمری مطابق با ۶ ژوئن ۱۸۹۸ در تبریز انتشار یافته است، علیقلی از کسانی است که کمکهای بزرگی به پیشرفت آزادی در مملکت بخصوص در آذربایجان نموده و با انتشار روزنامه‌های احتیاج و اقبال و بعداً آذربایجان، به مشروطیت ایران خدمت گرانبهائی نموده است، مرحوم علیقلی هر چند سمت (راپورتچی باشی) محمد علی میرزا را داشته و گزارشات از زیر دست او رد میشد معذالک شخصاً مردی آزادیخواه و پیوسته به آزادیخواهان کمک نموده است. سید احمد کسروی در جلد اول صفحه ۱۵۱ تاریخ مشروطه ایران[۲] در این باره چنین نگاشته است: «شگفت تراز همه کار صفروف است که (راپورتچی باشی) محمد علی میرزا میبوده و راپورتها که می‌رسیده از زیر دست او میگذشته، و با چنین کاری خود از آزادیخواهان میبوده و با آنان همراهی و همدردی مینموده، و بهنگام خود، یاوریها میکرده و آنان را از گرفتاری رها می‌گردانید.

این صفروف روزنامه‌ای بنام «احتیاج» برپا کرد که چند شماره از آن بیرون آمد، ولی چون سخنانی نوشت که به محمد علی میرزا ناخوش افتاد با دستور او چوب به پایش زدند از روزنامه‌اش جلوگرفتند.» صفراف (صفروف) پس از دستگیری و تعطیل شدن روزنامهٔ احتیاج از فعالیت بازنایستاد، و کمی بعد یعنی ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۶ قمری

---

۱ ـ مرحوم احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران (ج ۱ ـ ص ۱۵۱)، صفروف ذکر کرده ولی مرحوم صدرهاشمی در تاریخ جرائد و مطبوعات ایران (ص ۵۵ ج ۱) صفراف آورده است.

۲ ـ تاریخ مشروطه ایران ـ احمد کسروی ـ ج ۱ و ۲ ـ امیرکبیر ـ تهران ۱۳۵۷

روزنامهٔ دیگری بنام اقبال توسط این روزنامه نگار مبارز و آزادیخواه منتشر گردید که در واقع ادامه دهنده راه روزنامهٔ احتیاج بود. در سرمقاله روزنامه احـتیاج، شـماره ۴ مورخ صفر ۱۳۱۶ قمری چنین آمده است[۱]:

«لازم است ساعتی فکر نمائیم و بدانیم آنها (ممالک متمدنه) که ایـنقدر صـاحب قدرت و ثروت شده‌اند، چه کرده‌اند؟ اسم اعظم خوانده‌اند یا خود سحر مینمایند؟ و یا چند چشم دارند و صاحب چند دست و پایند؟ نه چشمانشان چهار است و نه دستشان هزار، بلکه اولاد آدمند در خلقت، ابداً فرقی نداریم، هر چند که ما خودمان را صاحب عقل می‌پنداریم، آنها هم عقل دارند، نه از لندن دیوار کوب سه شاخه می‌آورند و نه از ژاپن قاب و قدح و نه از خارجه ماهی گندیده.

باید اتفاق نمائیم و در تحت ریاست چند نفر از اعاظم شهر، یک کمپانی قرار بدهیم، اقلاً یک راه شوسه درست نمائیم و یک کارخانه بیاوریم، اگر آنهم نباشد یک کمپانی (کارخانه) قالی بافی با قاعده قرار دهیم که صنعت خودمان است، در اسباب او هم به خارجه محتاج نیستیم[۲]» در شماره ۲ بتاریخ محرم ۱۳۱۶ قمری «روزنـامه احـتیاج» چنین می‌نویسد:

«به طرف مغرب زمین که مورد احتیاج ماست، نظر نمائیم و عبرتی برداریم که تا چه پایه کار ما عقب افتاده و تا چه اندازه تنبلی و کسالت به ما روی نهاده که این فقره را

---

۱ ـ تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدرمشروطیت ـ عبدالحسین ناهیدی آذر چاپ تلاش ـ تبریز

۲ ـ (روزنامه احتیاج ـ شماره ۴ ـ صفر ۱۳۱۶ قمری) نقل از تاریخچهٔ روزنامه‌های تبریز درصدر مشـروطیت ـ عبدالحسین ناهیدی آذر.

ندانسته‌ایم، فرضاً اگر همسایه یک وقتی کارخانه چلوار بافی یا کاغذ سازی را قدغن نماید، در این صورت معلوم است که مردگان بی کفن و دستگاه طبایع امروزی ما از روی ناچاری بالمره از کار خواهد افتاد، صنایع قدیم و عجیب ایران که محیرالعقول فرنگ است، آثار تمدن ماست و طاق کسری نمونهٔ مشت ماست.

آبادانی میخانه زویرانی ماست　　　جمعیت کفر از پریشانی ماست

سید احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران مینویسد: (صفروف در زمرهٔ آزاد مردانی است که معنی کشور و زندگی توده‌ای را می‌فهمیدند و از چگونگی کشورهای اروپائی آگاه بودند و آرزوی برداشتن خودکامگی را می‌کردند.)



روزنامه انجمن

«ای ملت نجیب ایران جد و جهد کنید که میان ملت و دولت اتحاد و اتفاق حاصل گشته وهر دو چون زبان قلم دو تا ولی یکی شده و در نوشتن متفق و همسو باشید، اولین تکلیف ما اینست که اتحاد نموده، علم عدالت را در مملکت خود انتشار داده بنای جهالت و ظلم را بکلی براندازیم هر کس از تاریخ عالم با خبر است بیقین دانسته که اضمحلال هر دولت و ملت ناشی از نفاق و جهالت بوده، و باعث ترقی هر قومی علم و عدالت شده، تاریخ ژاپون بماخوب نشان می‌دهد که اتحاد و ثمرهٔ انتشار علم و عدالت مملکتشان را در اندک مدت آباد و ملتشان راکه دزدان دریائی می‌نامیدند از حضیض

نمره ۹ سال اول صفحه ۲

عنوان مراسلات و تلگرافات

تبریز

جریدهٔ انجمن

پنجشنبه

پنجم رمضان المبارک

هزار و سیصد و بیست و شش

انجمن (تبریز)

قیمت اشتراک سالیانه

تبریز صد نسخه یک تومان

ممالک داخله « « ۱۵ قران

روسیه « « ۴ منات

آروپا و ترکیا « « ۱۵ فرانک

یک نمره در تبریز صد دینار .

روزنامه‌ایست منسوب بانجمن مقدس ایالتی که از وقایع انقلابیهٔ تبریز و سایر بلاد آذربایجان و ایران در هفته [illegible]

[illegible] میرساند مکاتبات [illegible] موافقت با مسلک خود و با امضاء معروف اداره با کمال امتنان [illegible]

اجمال احوال

همان روز (پنجشنبه ۲۲ شعبان) که حضرت والا در اعلان جات موعد قرار داده بودند دو تلگراف یکی از حضرات حجج الاسلام نجف اشرف دیگر از لندن شرف صدور یافت که سواد هر دو را عیناً از صفحات (انجمن) مینمائیم

سواد تلگراف حجج الاسلام

تلگراف از اسلامبول

انجمن ایالتی تبریز تلگراف امروزی عتبات را عیناً عرض میکند عموم ایرانیان تلگراف ذیل را نسخهٔ عدیده اوراق دولتی کرده بجمیع نقاط برسانید عموم فرزندان عشایر آذربایجان و قبیله مؤمنین ایران دامت تائیداتهم از غیرت دینی این برادران امید جانفشانی در نصرت دین مبین داشته این دفعه برادران غیور تبریز را چنین تنها گذاشته جنود ظالمین در وصلهٔ جمع اوری و محو دماء و اعراض و اموال ایشان هستند لهذا صریحاً بتمامی گوئیم که اهتمام در مشروطیت دولت ایران موجب حفظ اسلام و بمنزلهٔ جهاد در رکاب معصومین صلوات الله علیهم و اعانت ظلمه مستبدین و تعرض مشروطه خواهان محارب با آن بزرگواران است اعزکم الله علی ذلک .

(عبدالله المازندرانی) (محمد کاظم خراسانی)

(نجل میرزا خلیل طهرانی محمد حسین) .

سواد تلگراف لندن

تبریز انجمن ایالتی

مقتضیات سیاسی صمیمت فراهم ایستادگی واجب

امضا . . .

جواب لندن بدین گونه مخابره شد

لندن . . . . مفصلاً ثابت

منتظر معاونت هموطنان . امضا

انجمن ایالتی

بطوریکه در نمرهٔ هشتم بعرض مطالعه کنندگان گرامی رسانیدیم همان روز را که حضرت والا عین الدوله موعد اولتیماتوم قرار داده بودند برخلاف انتظار جان نثاران ملت و وعدهٔ حضرت والا بحمد الله اینکه اقدامی ظهور تمامی گذشت ولی باد رحمت ملکیا چشم غیر مسلح باسانی

جهالت و وحشیگری نجات و به اعلی درجهٔ مدنیت ارتقاء داد و دولت مختصرشان را در جرگهٔ یکی از دول معظم درآورد» مطلب فوق قسمتی از سرمقالهٔ اولین شماره روزنامهٔ انجمن «جریدهٔ ملی» است که تحت عنوان «سروش غیبی» بتاریخ رمضان ۱۳۲۴ قمری بچاپ رسیده است.

روزنامهٔ انجمن اولین روزنامه‌ای است که پس از اعلان مشروطیت روی نیم ورق در رمضان ۱۳۲۴ ق انتشار یافته است. سید احمد کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران (جلد اول) در این رابطه می‌نوسید: «پس از داده شدن مشروطه، نخستین روزنامه در تبریز پدید آمد. کوشندگان تبریز که انجمن را بر پا کردند بـرای نـوشتن کـارهای آن، روزنامه‌ای پدید آوردند که تادیری «روزنامه ملی» نامیده میشد و سپس نام روزنامهٔ انجمن پیدا کرد یکی از کارهای خوب انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز مشروطیت بوده که در هر شهری جداگانه روزنامه تأسیس می‌نموده‌اند، پرواضح است که این عمل در شهرهائی که مرکز انقلاب بوده انجام میگرفت چنانچه در تبریز همین روزنامه انجمن و در اصفهان «روزنامهٔ انجمن اصفهان» و در گیلان «انجمن ایالتی گیلان» نشر شده است. همانگونه که یاد و خاطره‌های حماسه برانگیز دلاوران قهرمان مشروطه بـا دژخـیمان استبداد و استعمار از یاد نخواهد رفت، نقش مطبوعات و کسانی که در سکوت حفقان آمیز استبداد، جان بر کف با سلاح برندهٔ زبان و قلم به پیکار برخاستند نیز هیچگاه از یاد و خاطره انسان محو نخواهد شد.

«بطور کلی میتوان گفت که روزنامه انجمن نقش بسیار مهمی را در آشنائی با وقایع

زمان مشروطیت بویژه جریانات تبریز ایفاء نمود. پس از بمباران مجلس و دستگیری و اعلام عده‌ای از مشروطه خواهان اقدامات انجمن در حفظ و نگهداری اساس مشروطیت شدت یافت و در واقع انجمن تبریز جانشین مجلس شورا گردید و خلع شاه را از سلطنت اعلام کرد.(۱)»

* **اقدامات انجمن:** اقدامات انجمن در زمینه‌های اقتصادی ـ اجتماعی ـ اداری و ..... نیز بسیار در خور توجه بوده و برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی تلاشهای از ارزنده‌ای انجام داده که بخش اعظمی از آنها در اخبار و گزارشات شماره‌های مختلف روزنامهٔ انجمن منعکس شده است.

بطور نمونه مشکلات ناشی از کمبود و گرانی ارزاق عمومی بویژهٔ مسئله نان (که همواره در تاریخ اجتماعی و سیاسی بعنوان مسئله قابل توجهی مطرح بوده است) از عوامل عمدهٔ نارضایتی و اعتراض مردم بود که از سود جوئی مالکین و احتکار ناشی میشد که با توجه به نفوذ انجمن و اعتماد مردم نسبت به اعضاء آن و همچنین با افشای اسامی محتکرین در روزنامهٔ انجمن، موضوع بعد گسترده‌ای یافت و در مجلس شورا مورد بحث نمایندگان قرار گرفت و انجمن از حکومت خواست ملاکین را وادار کند تا نسبت به حمل و فروش غلهٔ خود هر چه زودتر اقدام نمایند و حتی برای برداشتن هر گونه عذر و بهانه ملاکین برای حمل غله، اعلام کرد که ترتیب حمل غلهٔ آنها را در صورت لزوم خواهد داد، و در این رابطه نامهٔ نظام الملک حاکم آذربایجان به انجمن که

---

۱ ـ انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان) بکوشش دکتر منصورهٔ رفیعی نشر تاریخ ایران.

در واقع اخطاری به ملاکین نیز بوده است، خواندنی است:

«همانطور که خواسته‌اید به همهٔ ملاک قدغن خواهد شد که گندمهای خود را بزودی به شهر حمل نمایند و اگر برای مال مکاری اعتذار نمایند، چنانچه تعهد نموده‌اید به انجمن محترم اطلاع خواهم داد که در تدارک مال نیز به مساعدت خودشان عذر آنها را قطع نمایند[1].»

بحث پیگیری و حل مشکل نان توسط انجمن تبریز، بسیار جالب و خواندنی است لذا قسمتی از این بحث را عیناً از کتاب انجمن ـ بکوشش خانم دکتر منصوره رفیعی ـ (صفحه ۱۲۶ و ۱۲۷) بدلیل تاریخی بودن آن نقل می‌نمائیم:

«در ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ در حالی که زنان تبریز در اعتراض به کمیابی و نامرغوبی نان اجتماع کرده بودند، حاج قاسم اردبیلی از ملاکین و انبار داران بزرگ آذربایجان شناسائی و بوسیلهٔ مردم خشمگین و ناراضی تبریز به دارآویخته شد. چون انجمن نرخ نان را به هشت عباسی تنزل داد، خبازان به کار شکنی پرداختند و مدعی ضرر و زیان شده خواستار دریافت تفاوت و اعانه شدند، پرداخت اعانه که بمنظور جبران ضرر و زیان خبازان به آنها پرداخت میشد نتیجهٔ مثبتی نداشت زیرا خبازان که بابت تفاوت و اعانه مبلغی را دریافت میکردند، گندم را گرانتر می‌خریدند، گاهی نیز سوء استفاده‌هائی پیش می‌آمد.

یکبار نمایندگان خبازها مرتکب سوء استفاده شده مبلغی از این وجوه را حیف و میل

---

۱ ـ انجمن ـ دکتر منصوره رفیعی ـ ص ۱۲۳ ـ ۱۲۵ ـ به تلخیص.

نمودند، خبازان تبریز در انجمن جمع شده اظهار شکایت کردند و خواستار رسیدگی به حساب نمایندگان خود شدند، از طرف انجمن حاج میرزا ابراهیم آقا تعیین شد تا در اینمورد تحقیق و ما وقع را به انجمن گزارش نماید.

همچنین انجمن ۶ نفر را تعیین کرد تا با خرید دوازده خروار گندم و تهیهٔ نان، بعنوان آزمایش میزان نفع یا ضرر را مشخص نمایند، نتیجه نشان داد که ضرری متوجه خبازان نیست، لذا پرداخت اعانه متوقف شد. یکی از نانوایان که از زیان وارده شکایت کرده بود در مقابل هشتصد تومان پول نقد، حاضر به واگذاری مغازهٔ خود نشد و اعتراف کرد که ضرر نمیکرده است و متعهد شد که مطالبهٔ اعانه نکرده و بهمان قیمت هشت عباسی نان مرغوب را در اختیار مردم قرار دهد. انجمن مراقبت میکرد تا به محض مشاهدهٔ کم فروشی و گران فروشی، با آن مبارزه نماید، یکی از نانوایان تبریز را که بنا به نوشتهٔ روزنامه انجمن « در یک من پونزه کم داده بود» (یک چهارم چارک) به انجمن آوردند و شکایت در حضور اعضاء انجمن مطرح گردید و بعد از تحقیق و شهادت سه نفر «به موجب اعلان در بیگلربیگی چوب کاری کامل نموده یک روز حبس کردند».

مندرجات نامه‌هائی که به دفتر روزنامه میرسید، حاکی از آن بود که علاوه بر مشکلاتی نظیر احتکار غله، حمل و فروش آن، آرد مرغوب نیز تهیه نمیشد و آسیابهای موجود هم اغلب آبی بود که بعلت سرمای شدید تبریز و یخبندان، وقفه در عمل آنها پیش می‌آمد. اولین بار چند دستگاه آسیاب بخاری از خارج توسط، سرکیس اونانوف مسیحی به تبریز آورده شد، لیکن مشکل عمده یعنی کمبود گندم موجود بوده است،

بعلاوه وی اجرت بیشتری بابت آرد کردن گندم مطالبه میکرد، بهمین جهت اغلب اوقات آسیابهای بخاری نیز تعطیل میشد، نامبرده به انجمن تبریز پیشنهاد سهام گذاری و تأسیس شرکتی را کرد که بتواند چندین دکان آرد فروشی در تبریز دائر نماید و سپس روزنامه با نقل سخنان یکی از اعضای انجمن تبریز مینویسد:

«تأسیس و تشکیل فابریک و ماشین در مملکت خیلی مُستحن و بقاعده است، لیکن نباید که آسیابهای آبی شهر را تعطیل کرد و بیکار گذاشت ...» سپس نتیجه گیری میکند که بعلت کمبود گندم از نظر اقتصادی چنین اقدامی مقرون بصرفه نیست.

همچنین در یکی از جلسات انجمن تبریز که مشروح مذاکرات آن در روزنامه آمده است، ثقة الاسلام چنین اظهار داشت که «جناب حاجی محمد رضا چایچی هم چند دستگاه آسیاب بخاری تأسیس کرد، سابق کار میکرد و باید از او تحقیق شود که چرا حالا تعطیل نموده و دخل و خرجش به چطور بوده است؟»

سرانجام هیئتی متشکل از دوازده نفر مأمور میشوند تا بر کار ذخیرهٔ غله توزیع و فروش آن و مراقبت بر اعمال خبازان تحت نظر چهار نفر از اعضاء انجمن مراقبت نمایند، ثقة الاسلام نیز، با حکومت دربارهٔ مشکلات منطقه، امنیت، اصلاح عمل نان و غیره در مذاکره بود. حاجی مهدی کوزه کنانی از اعضاء انجمن طی نامه‌ای که عیناً در روزنامه درج شده، پیشنهاد تشکیل شرکتی را داده و جزئیات آنرا به تفصیل توضیح داده است که در شمارهٔ یکصد روزنامه اشکالات وارده بر آن مطرح و پیشنهاد جدیدی ارائه شده است. که ضمن آن لزوم تشکیل ادارهٔ بلدیه، استخدام پلیس، اصلاح عدلیه، مالیه و غیره

نیز یادآوری میشود، بالاخره ناگزیر به خرید آرد از روسیه میشوند که خبر آن به این شرح در روزنامه درج شده است: «احتیاطاً مقدار بیست و پنجهزار پوت آرد (واحد وزن روسی) از روسیه ابتیاع نموده‌اند که بمرور وارد نمایند، بجهت مخارج حق العبور از راه شوسه از جلفا الی تبریز اظهاری به جناب جنرال قونسولگری روس کرده بودند و ایشان نیز محض نوع پرستی اقداماتی کرده ...» بهر صورت با اقدامات انجمن، اداره راه مجاناً و بدون دریافت حق راهداری با حمل آرد به تبریز موافقت کرد.

بنا به پیشنهاد فرمانفرما حکمران آذربایجان مقرر شد خبازها یک عباسی در قیمت نان تخفیف داده و نرخ نان به یک من شش عباسی تثبیت گردد. اما روزنامۀ انجمن آخرین چاره را برای رفع مشکلات مربوط به نان تشکیل شرکتی میداند تا از طریق صحیح به این امور رسیدگی شود، با عنوان «جریدۀ انجمن» نظر انجمن را در این باره میخوانیم:

«بنا به اطلاعات عینی و مشاهدات سیاحتی که از اوضاع ممالک منظم حتی از ولایات همجوار عثمانی و غیره داریم، میتوانیم در این مسئله شاهد قول جناب ... اجلال الملک بشویم، چه امروز در هیچیک از ممالک اروپا و آسیا بجز خطۀ ایران نقطه‌ای نیست که عمل غله را به اولیای امور مملکت کنترات می‌بندند که در ظرف بیست سال همیشه نان را بیک وزن و بیک قیمت میفروشند، تا تشکیل کمپانی نشود محال است امر نان مرتب شود و هر نقشه برای ترتیب نان میخواهند بکشند موقتی بوده ... ترتیب عمل غله و نان را میخواهیم که بسته به همت ده نفر از معتبرین ولایات است که به شرکت آن همت کنند، اگر ترتیب اشتراک و کمپانی را ندانند ما متعهد میشویم که یکنفر عالم و

[illegible] سال سیم [illegible]

عنوان مراسلات
تبریز اداره روزنامه انجمن
روز شنبه
۱۴ محرم الحرام ۱۳۲۷

انجمن

قیمت یک نمره دو شاهی است

آبونه سالیانه تبریز ۱ تومان
در ولایات داخله ۱۵ قران
روسیه ۶ منات
آوروپا ۲۰ فرانک
ترکیا ۵۰ غروش

روزنامه‌ایست اخباری اقتصادی منسوب بانجمن ایالتی آذربایجان

بنظر دقت اولیای امور ملی

ترجمه از روزنامه (ره‌چ) منطبعه پطرزبورغ نمره ۳۱۹

روسیه و ایران

در روزنامه‌های لندن مکتوبی از طرف قومیته ایران که اجزا بمشارکت چندین نفر از وکلای انگلیس و مردمان باسیاست بجهة تعقیب امور ایران تشکیل یافته است منتشر گردیده و این مکتوب ممضی است بامضاهای رئیس قومیته و وکلای ملت ستریچ و پروفسور براون

نویسندگان این مکتوب انظار عمومیه را ملتفت این یک نکته اهم می‌نمایند که: بجهة مؤاخرین روزهای سال گذشته (۱۹۰۸) که هنگام تعطیل پارلمان است در ستونهای روزنامه (تایمس) عنوان «حالت ایران» و «مداخله روس» موضوع بحث گردید... توضیح این مقال آنکه: روزنامه تایمس در اواخر سال ۱۹۰۸ که تقریباً یکماه قبل از این است از جلسه فوق العاده کابینه پطرزبورغ که در آن جلسه شکل مداخله لازمه تحت مذاکره گذاشته خواهد شد اطلاع میدهد، و در همان وقت حکومت انگلیس رسماً اعلان نمود که با حکومت روس درباره اقدامات قریبه دولتین در ایران مشغول مذاکرات است.

صاحبان مکتوب میگویند که این اخبار باعث هیجان حقائق مجامع و محافل عمومیه گردید چه در جلسه ماضیه اعضای کابینه پولتیک انگلیس و روس را با عدم مداخله در کارهای ایران تشریح و تفسیر کرده بودند، و در قرارداد [illegible] انگلستان هم در پارلمان همین معنی را اظهار داشته و جواب (سر ادوارد گری) وزیر خارجه انگلستان و همراهانش نیز در مجلس مبعوثان شمول است (در نوزده...) همان مضمون را مشعر بوده و رسماً انگلیس در طهران عدم مداخله انگلیس را با مور

عاقلی را پیدا کرده صورت دستورالعمل آنرا بگیریم. یک نکته دیگر مربوط به این مسئله میباشد که محض تذکار منیگارم و آن عبارتست از تسطیح طرق و شوارع است ... قلم که اینجا رسید سرشکست ... گویا دردهای ما را قضا و قدر باید چاره کند».

روزنامهٔ انجمن در زمینهٔ مسائل سیاسی مقالات و نوشته‌های زیادی دارد از جمله در رابطه با اتحاد روس و انگلیس، قرارداد ۱۹۰۷ بین این دو دولت را قربانی کردن ایران دانست، آسیا را «ظلم خانه» نامید و عمال داخلی قدرتهای استعماری را کسانی که نه درد وطن دارند و نه حس انسانیت و خطاب بمردم چنین مینویسد:

«ای هموطنان غیور، تا موقع مداخلهٔ این دو دولت به داخلهٔ ایران نرسیده است باید فکری به روزگار خودمان بکنیم والا با این غفلت، با این هرج و مرج در تواریخ عالم از مشروطیت به جز افسانه چیز دیگری باقی نخواهد ماند.[۱]»

«باید دانست که موضوع قرارنامهٔ روس و انگلیس فقط تقسیم ایران بوده است از تبت و افغان هم که نامی برده شده محض پی گم کردن است، خواسته اند میان برادران ایرانی به این تدابیر جدائی افکنند. نابود باد خاطره آنروز نامبارک که ما به توسط سفارتخانهٔ انگلیس صدقهٔ حقوق برای خود گرفتیم.[۲]

---

۱ ـ نقل از «انجمن» بکوشش خانم دکتر منصور رفیعی ص ۱۴۳ و ۱۴۴ به تلخیص.

۲ ـ نقل از «انجمن» بکوشش خانم دکتر منصور رفیعی ص ۱۴۳ و ۱۴۴ به تلخیص

اسلام در ژاپن:

در صفحهٔ دوم نمرهٔ ۱۰ جریدهٔ ملی (انجمن) بتاریخ ۷ شوال ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان «اسلام در ژاپون ترجمه از ارشاد» چنین نوشته شده است:

«مسئله دین اسلام در ژاپون که مدتی بود فراموش شده بود، باز تکرار و تذکار میشود. یکی از رجال معظم دولتی ژاپون که خیلی شایق و طرفدار اسلام است وزیر داخلیه میباشد (افسوس که اسم این ذات مقدس ذکر نشده)، علمائی که برای نشر دین از ممالک اسلام به مملکت ژاپون رفته‌اند، آنها را این ذات مقدس با محبت فوق العاده قبول نموده، احترام زیاد کرده است، حتی در سایهٔ معاونت و نیت این شخص بزرگ علمای اسلام تمام مملکت ژاپون را شهر به شهر سیاحت کرده، شرافت و مزیت دین اسلام را به اهالی بیان نموده‌اند و فهمانیده‌اند و در ظرف اندک مدتی در بعضی جایهای مملکت ژاپون مساجد و مکاتب تأسیس و انشاء میشود ...[۱]»

خطاب به قلم

در صفحه اول شماره ۶۶ (سال اول) روزنامهٔ انجمن بتاریخ پنجشنبه ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری سر مقاله‌ای تحت عنوان «خطاب به قلم» بچاپ رسیده است که خواندن آن خالی از لطف نیست[۲]:

---

۱ ـ «جریدهٔ ملی» ـ ص ۲ نمره ۱۰ ـ ۷ شوال ۱۳۲۴ قمری ـ نقل از «انجمن» ـ ص ۲۰۹

۲ ـ نقل از: انجمن ـ خانم دکتر منصوره رفیعی ـ ص ۲۲۸

«ای قلم تا کی در قید سلاسل و اغلال مقید و تا کی زبان مبارکت با مهر ستمکاری مختوم خواهد بود باتفاق آراء عموم ملل، آبادی ممالک و تعمیر بقاع منوط به جریان آزادانه تو، و تربیت نو باوگان و تهذیب اخلاق و قلع و قمع ریشهٔ ظلم و نفاق بسته به جولان بی غرضانه تست که خدا میفرماید: (الذی علم بالقلم و علم الانسان ما لا یعلم). ما اهالی ممالک ایران که بهترین ممالک و ساکنین آن انجب طوایف میباشند در تحت ظلم و اسارت استبداد فشرده و نزدیک بهلاکتیم، خدا را رحمتی و همتی به آزادی سخن گو و بامر بمعروف و نهی از منکر عمل نما، ما خفتگانرا صلائی زده بجنبش آور زیرا وقت تنگ است، منزل دور و دراز در پیش، و دشمنان از دور و نزدیک منتظر فرصت، اگر از قید اسارت آزاد نگردی و بآزادی سخن نرانی و حقگوئی را ترک نمائی، ای بسا مشکلات و شدائد را که دچار خواهیم شد و در ضلالت و گمراهی که خواهیم ماند.

ولی مقصودم از آزادی زبانت نه این است که به یکی افترا بسته و بدیگری بهتانی گوئی و با اغراض نفسانی هتک حرمت شخص محترمی را نمائی یا خلاف مذهب و قانون سخنی رانی، نعوذ بالله من ذلک، بلکه مستدعیم چنانچه خداوند ترا ستوده و در کلام مجید فرموده: (ن و القلم و مایسطرون) در صورتیکه در آزادی جولانت ظالمان بر ماهیت ظلم و قبح آن آگاه و خفتگان بیدار و گمراهان بادیه استبداد بجادهٔ (فاستقم کما امرت) عدالت و هدایت خواهند پیوست، چه علت است که از ما بیچارگان ضنت [۱] نموده، اروپائیان را بر خوردار کرده‌ای. ای قلم اگر زبانت را آزاد نمائی از صریر آزادیت

---

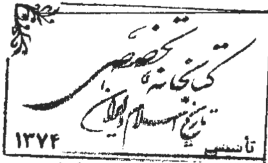
۱ ـ ضنت بمعنی دریغ داشتن ـ بخل ـ بُخل شدید (به نقل از لغت نامهٔ دهخدا ـ ج ۹ ـ ص ۱۳۳۹۶)

هیچ ظالمی به مظلومی اجحاف نمیتواند کند و کسی نمیتواند از تحت قانون خالق فرد که میفرماید: (ما تری فی الخلق الرحمن من بقاوت) از جادهٔ مساوات کردن پیچد، اگر مزیت مهم ملحوظ شود بحکم (اکرمکم عندالله اتقیکم) باشد زیرا مزیت و برتری بزیور علم و عقل و عدل است چنانچه فرموده (اعدلوا هو اقرب لتقوی) یعنی عدالت نمائید نزدیک به تقوی است. ای قلم اگر زبانت آزاد میشد ظلام میدانستند معنی فرمودهٔ حضرت ولی مطلق را که آنچه بر خود نه پسندی بدیگران مپسند. اگر اعمال قبیحه و افعال زشت و خلاف قانون اسلامی عمر وزید در جراید ذکر و در سر بازار و کوچه‌ها خوانده شود، ابداً کسی پیرامون ظلم و تعدی نگشته، اگر کسی خدا نکرده هم خلاف قانونی در خود ملاحظه نماید، از تذکر جراید ترک خواهد نمود. ای قلم، ریشهٔ بیداد و ظلم و جهالت و استبداد به آزادی زبانت از ممالک ایران کنده و برداشته خواهد شد پس چه وقت تو اینست بلکه هنگام ترحم است از افتادگان دستی و ما بیچارگان را از بادیهٔ ضلالت و تیهٔ جهالت خلاصی بخش و به شاهراه علم و سعادت هدایت فرما. ای قلم اگر زبانت آزاد نگردد تمام زحمات کُملین[1] بهدر خواهد رفت، بار درخت استبداد سر سبز گشته باطراف و جوانب ریشه انداخته عالمی را به آتش ظلم خود خواهد سوخت.

خدا را رحمی‌ای منعم که درویش سر کویت دری دیگر نمی‌داند رهی دیگر نمی‌گیرد

---

۱ ـکملین (کُ م مَ) بمعنی مردمان عالم و دانا و فاضل و حکیم و معمر (به نقل از لغت نامه دهخدا ـ ج ۱۱ ـ ص ۱۶۳۸۹



بُحران حُریت:

روزنامهٔ انجمن در شمارهٔ ۷ مورخ بیست و یکم شعبان هزار و سیصد و بیست و شش خود، سرمقاله‌ای دارد در مدح آزادی و حریت و ابراز تأسف عمیق از بحران آن، تحت عنوان «بحران حریت» که بخشی از آنرا با هم میخوانیم [۱]:

«حریت !.... حریت !.... آه ای لطیفهٔ علوی، ای فرشته سماوی! ای خورشید جهان افروز! ای بارقهٔ جهالت سوز! ای سحابهٔ رحمت! ای نگهبان عدالت! ای مایهٔ حیات و شرف ایرانیان! ای ضامن بقا و استقلال قلمرو ایران !... آه ای آرام جان کجائی؟ و در چه حالی؟ قربان جلوهٔ مستانه‌ات! چرا باین زودی دلدادگان و مشتاقان خود را به آتش هجران گداختی؟ و عاشقان بیچاره‌ات را در خاک حسرت انداختی؟ چه شد که اکنون بنظر بی لطفی در ما مینگری؟ کو آنهمه نوازش و مهربانیهای دیروزی؟ چه شد آن عشوه‌های دلفریب نظر رُبا؟ کجا رفت آن ساعات شادمانی؟ و آن خنده‌های مسرت که از وصل تو ما را حاصل بود؟....

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست　　　ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

بلی، ای فرشتهٔ رحمت، ای نخبهٔ آمال ملت، هر تصوری که هست در خود ماست، ورنه همین حالا تو را همی بینم که در بالای سر این ملت پرهای خون آلود خود را بهم میزنی و پهن همی کنی که بلکه طوری خود را در پیشانی افتخار آن عاشقان حریت جای دهی، فقط افسوس! هزار افسوس ! که آتشی که مستبدین مشتعل نموده‌اند شراره و

---

۱ ـ به نقل از انجمن ـ ص ۳۳۰ ـ خانم دکتر منصورهٔ رفیعی

لهیب عالم سوزش به آن پرهای لطیف و نازنین برخورده نمیگذارد کـه در نشـمینگاه خویشتن قرار گیری، آه !.... ای حُریت ! ای فرشتهٔ رحمت الحق که قصوری در تو نیست بل تمام گناهها در اشقیائی است که این آتش را افروخته و اوضاع حاضره را فـراهـم آورده‌اند،.........»



پست یزد با شتر

روزنامهٔ سفینهٔ نجات یزد

((سفینهٔ نجات))نخستین روزنامه یزد است که در تاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۵ هجری قمری اولین شماره آن در چهار صفحه به قطع ۲۸ × ۲۰ سانتی‌متر منتشر شده است ، در بالای صفحه اول ، آرم روزنامه قرار دارد که طرح یک کشتی بادی است و عنوان روزنامهٔ ((سفینهٔ نجات یزد)) درون دایره‌ای در وسط کشتی بادی قرار گرفته و در زیر کشتی جملهٔ ((من رکبهانجی و من ترکها غرق))چاپ شده و در زیر سرلوحهٔ روزنامه نوشته است : ((اداره سفینه نجات مطالب سودمند را از هر جا و هرکس باشد بی‌مضایقه می‌نگارد و به کلی از قید القاب آزاد است ، قیمت اشتراک عجالتاً اتحاد و اتفاق ، اعلانات راجع به ترویج صنایع وطنی و عرایض متظلمین به امنای ملت و اولیای دولت مجاناً درج می‌شود .... محل ادارهٔ سفینه : یزد ـ قرب مصلّایی صفدر خان _ دربند خلف امیرچقماق))

میرزا محمدصادق سفینه صاحب امتیاز و مدیرمسئول روزنامهٔ ((سفینهٔ نجات یزد))همچون بسیاری از روزنامه‌نگاران آن زمان ، در روزنامه خود به انتقاد از مستبدین و حمایت از آزادی و عدالت پرداخته است ، پیوسته حریّت و شجاعت اخلاقی را پاس داشته و از تملق‌گوئی و معکوس‌نویسی بیزاری جسته و بعلت رک‌گوئی ، به دستور سردار جنگ حاکم بختیاری بوسیلهٔ چوب و فلک تنبیه و کتک‌کاری می‌شود .

با هم نمونه‌های کوتاهی از مندرجات روزنامهٔ سفینه نجات را می‌خوانیم :

روزنامهٔ سفینهٔ نجات در مورخهٔ ۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ درمقاله‌ای تحت عنوان انسانیت که شرح وظایف وکیل است چنین می‌نویسد :

آرم روزنامهٔ سفینهٔ نجات

شرح وظایف وکیل

((انسان جوهر وجود و سلطان انواع موجود و خلاصه وزبدهٔ عوالم بود . انسان شُکر شرافت و حق مقام آدمیت خود را بجا نمی‌آورد مگر وقتی که حّق سلطنت و اقتدار حقیقی یعنی قوهٔ عقلانی خود را نسبت به انواع موجودات که واجب‌الوجود مطلق زیردست و مغلوب او قرار داده به جای آرد ... آدم امانت را تسلیم نمی‌تواند مگر به وجد عدالت و سویّت ، عدالت محقق نمی‌شود مگر به اجرا و اعمال مساوات در صورت فتور و نارسائی به اوّل مقام آدمیت ، آدم باید اقلاً مقام دوم را دارا باشد ، مقام دوم آدمیت حفظ امانت خلق است ، اگر آدم امانت خدا را صدق نکند ، امانت را باید صدق نماید ...... هرکس از هیئتی نماینده و مبعوث و وکیل حفظ مقام خیریه شد باید به عدالت نفس مأموریت خود را در حق مبعین خود بدون امتیاز و ملاحظه فردی بر فرد دیگر اجرا نماید ....

وکیل باید نگوید حالا که از خر مستأجر من یا از ملت دوستان من مراعی و مالیات نمی‌خواهند ، از دیگران هرچه بگیرند بمن‌چه ....

وکیل نباید در اجرای معدلت و مساوات خود را با غیر ، دوست را با دشمن ، یگانه را با بیگانه فرق نهد .... وکیل باید بداند او از طرف ملت برای رفع تطاول دولت مأموراست ، وکیل باید طرفدار رنجبر و عامیون باشد والّا اعیان محتاج به طرفداری نیستند ، وکیل باید بداند ایجاد مشروطه برای ما و طرفداری ضعفای رنجبر است ....

وکیل باید اگر دموکرات نیست ، ارتجاعی هم نباشد ، وکیل باید معنی کنستی توسیون را بداند ، وکیل باید بداند انجم هیئت جامعه ملت برای جلوگیری از

حکمداران و متنفذین مملکت تشکیل گردیده است ، این همه گفتیم و حل نگشت مسایل[۱]))

مرحوم محمدصدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ـ جلد سوم دربارهٔ سفینه نجات می‌نویسد : ((شمارهٔ دهم از سال دوم این روزنامه که از تاریخ ۲۲ شهر ذیحجه ۱۳۲۸ ق انتشار یافته ، پس از چهارده ماه تعطیل و توقیف منتشر گردیده و علت توقیف طولانی روزنامه را در سرمقاله همین شماره این‌طور آورده است :

((بدواً علت توقیف و سکون سفینه را می‌نگاریم ، علت تأخیر : دو امر ما را بدون حکمی مجبور به توقیف کرد ، اوّل عدم آزادی و شدت استبداد که قلم ما را اجازهٔ نگارش هیچ واقعه و حادثه بطریق ثواب نمی‌داد ؛ دوّم تملّق‌گوئی و معکوس‌نویسی همکاران محترم که البته قارئین اوراق آنها را دیده‌اند تا به حدی کشید که اواخر خودشان هم خجالت کشیدند ،ما نیز چون نمی‌توانستیم با آنها همراهی کنیم و ناچار به ضدیت بودیم با آنکه خود را حقگو و طرفدار حریت می‌دانستیم مغلوب دست استبداد بلکه یقین به طرد و نفی کرده نجات را در سکوت و سلامتی را در انزوا و عزت‌را در عزلت دیده ، دم‌درکشیده زیر خرقه خزیدیم ، اینک می‌گوئیم : آخ ! آخ ! عجب شبی بود ، ستاره پیدا نبود ، سیاهی آدم را می‌خورد ، غول تو چشم آدم ، آدم را می‌برد ،های‌های خورد شدیم ، استخوانهایم نرم شد ، نزدیک بود خفه شویم ، بحمدالله راحت شدیم ، عجب کوه استبدادی روی ما افتاده بود خفه شدیم ، غریب فشاری داد ، چهارده ماه زیر آسیاسنگ . ... گمان می‌کردیم هیچکس در دنیا نیست که صدای نالهٔ ما را بشنود ، تصور می‌کردیم اگر استغاثه

[۱] ـ مشروطیت در یزد ـ علی‌اکبر تشکری بافقی ـ انتشارات مرکز یزدشناسی شماره ۲ ـ ۱۳۷۸ ـ ص ۲۲۳ ـ ۲۲۲ ـ به نقل از روزنامهٔ سفینه نجات مورخ دوم جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ ـ صفحه ۱ تا ۳

نمائیم ، پیش از آنکه فریادرس برسد ما را نابود کند ، احدی نفس نداشت حرف بزند ، خیر ، خیر ،خیر ، راه کار را بلد نبودیم ، خدا پدر سرکار ویس قنسول را بیامرزد [۱]

روزنامهٔ سفینهٔ نجات یزد با سه شماره ۲۳ مورخ ۱٤ رمضان‌المبارک ۱۳۲۹ ه . ق تعطیلی خود را بعلت زیر اعلام نمود :

((به دلیل اینکه راست گفتن را نسبت به برخی از محترمین جسارت و دروغ را منافی مقام و مسلک خود می‌دانیم ، از این نمره دوستان را وداع و طبع سفینه به زمانی سیّر ، انشاءالله حواله می‌دهیم . [۲]))



روزنامهٔ معرفت یزد

روزنامه معرفت یزد بمدیریت شیخ‌ابوالقاسم افتخارالعلماء بتاریخ سال ۱۳۲٦ هجری قمری انتشار یافته که تنها میکروفیلم شماره ٦ و ۸ آن روزنامه در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

شیخ ابوالقاسم افتخارالعلماء مشهور به حاجی افتخار از حمله مبارزین و آزادی‌خواهان یزد بوده که با فرخی و سیدابوالحسن حایری‌زاده همکاری داشته است . [۳]

دو نمونه از مطالب مندرج دراین روزنامه را که اوّلی مؤید نقش روزنامه ها در تشویق مردم به دانش‌اندوزی و دوّمی ضدیّت با استبداد است می‌خوانیم [٤]:

---

[۱] ـ محمدصدر هاشمی ـ تاریخ جراید و مجلات ایران ـ اصفهان ـ کمال ـ ج ۳ صفحه ٤٤ و ٤۳

[۲] ـ مشروطیت در یزد ـ علی‌اکبر تشکری بافقی ، اتشارات مرکز یزدشناسی ـ صفحهٔ ۲۲۳

[۳] ـ مشروطیت در یزد ـ علی‌اکبر تشکری بافقی ـ مرکز یزدشناسی ـ ص ۲۲٤

[٤] ـ همان مأخذ ص ۲۲۵ ـ ۲۲٦ به نقل از روزنامه معرفت‌یزد ـ سال اول ت شماره هشتم ـ رمضان ۱۳۲۷ ـ صفحه سوم و چهارم

معرفت

آرم روزنامهٔ معرفت

((مکتوب شهری : فریاد یکی از وطن‌خواهان))

((حق را باید گفت ، حقیقت را نباید نهفت ، چرا ما یزدیهای پاشکسته درصدد تحصیلات برنیائیم که از موهومات به معلومات پی‌نبریم ؟

گذشت آنزمان که فرنگیها (تاپُو) نمی‌توانستند بسازند ، از بافتن زیلو تعجّب می‌کردند ، یا اینکه می‌گفتند کلاه نمدی چرا درز ندارد ، یاوه و مزخرف بس است . بس است آنچه دراویش در میدان خان و میرچقماق به یاری مهتر نسیم عیّار ، اسکندر را از عقابین نجات دادند ، فکر کنید شما را از چنگال روس و انگلیس کی نجات می‌دهد ، بس است آنچه از ساطورحسین کُرد و عمو و سیصدمن قهرمان دیو سخن گفتید.

جواب توپ شرپنل آلمان را باید داد ، فلان رمال غلط می‌کند جن در شیشه می‌کند ، جن آنکس در شیشه می‌کند که سیصد کرور اهالی هند را عبدو زر خرید خود کرد ، طلسم مثلث و تخم جاروب هرگز کسی را پراکنده نمیکند ، ظلم است که سالی بالغ بر پنجهزار نفر از وطن آواره میکند، بس‌است آنچه ریاضت علم قرطاس کشیدید ، علم قرطاس اسکناس بانک است که اگر روی آن نوشته باشد هزار تومان ،هزار تومان از شما پول میگیرد ، بس است تحصیل کیمیا ، کیماگر کسی است که پنجاه درم آهن را که شما نعل الاغ می‌کنید ، تفنگ موزر ساخته یکصدو پنجاه تومان قیمت نقره از شما پول میگیرد.

بس است آنچه سعی کردید در مغلق نویسی بعد از لفظ ، تحقیقات هر چه جمع ((الف)) و ((تاء)) بود برای دوشیزگی کلام مرقوم فرمودید، ای دشمنان سلامتی و عمر بس است .

آیا هیچ فهمیده‌اید جهالت و نادانی ما و شما قفقاز را که شـریان ایـران نـامیده میشـد قطع کرد والآن مساجد ،کلیسا و اذان مبدل به ناقوس شده ؟ باید آرام شد ، کارخانـهٔ آدم سازی یعنی مدرسه لازم است مکتب خانه که کودکان بیچاره از صبح تـا شـب هی می‌جنبیدند پر از جهل است خود حقیر چهارسال در مکتب‌خانه زحمت کشیدم ، هنوز روزنامه درست نمی‌توانم بخوانم ، احمق را بـه (ع) می‌نویسـم ، منهـم تقصـیر ندارم چون مدرسه و تعلیمات ما وضع و روش صحیحی ندارد سخت است .

مدرسه آنست که پی‌سوز را چراغ الکتریک می کند ، مدرسه آن است که تلگراف ، بی‌سیم و ماشین پرنده اختـراع می کنـد ، مدرسـه آن اسـت کـه تیروکمـان را تفنـگ پنج‌تیر می کند ....

اگر بگویم پیغمبر (ص) فرمـود : ((اطلب‌العلـم من‌المهدالی‌اللحـد)) دروغ نگفتـه‌ام ، اگر بگویم تمام قوانین مملکتی ملل متمدّنه در فرقان محمدی ثبت شده است و ماهـا هم خلاف قانون مملکتی و هم خـلاف شـریعت می کنیـم دروغ نگفتـه‌ام ....

خدا شاهد است خجالت می کشم بگویم ، عصبیت مذهبی ندارم ، امّا چـه کنـم اگـر داشتیم هرگز راضی نبودیم کتاب مقدس ما در کنـار کوچـه‌ها مخلـوط بـا خـاک و خاشاک و اسباب کسب و تکدی تن‌پروران و کتاب‌فروشان باشد .

اندکی پیش تو گفتم غم دل می‌ترسم	که دل‌آزرده شود ورنه سخن بسیار است

(محمّد رشتی ساکن یزد)

((ضدیّت با استبداد))

مقاله دوّم نیز که در ضدیّت با استبداد نوشته شده اینگونه آغاز می‌شود[1] :

---

[1] ـ همان مأخذ ص ۲۲٦ ـ به نقل از روزنامه معرفت‌یزد ـ سال اول شماره شش (پانزده محرم ۱۳۲٦) ص ۱

((من استبدّ برأیه ضلّ او هلک ـ خواجه آخر یک زمان بیدار شو .

بر ضمیر اولی‌الالباب واضح و مبرهن است خلاق عالم جلّت عظمه که انسان را از کتم هدم به عرصهٔ وجود آورد او را بر تمام مخلوقات سروری داد و خلعت کرامت و شرافت برقامت او پوشانید و به مصداق ایهٔ شریفهٔ ((ولقدکرمّنا)) واقع ساخت ، مادامی است که بر لوازم انسانیت عمل کند و خود را از دریای جهالت و استبداد نجات دهد و در کسب اخلاق جمیله و صفات پسندیده بکوشد و الّا مصداق این آیه ((اولئک کالانعام بل هُم اضلّ)) واقع و مرتبهٔ او از حاک پست‌تر خواهد بود ، و چون در هر زمان از برای اهل آن از بزرگ و کوچک عموماً تکالیفی معین است که باید عملی شود و لازمهٔ جهل و خودرأیی و بی‌تربیتی ضلالت و گمراهی است لهذا اشاره می‌نمائیم که امروزه تکلیف رؤسا و بزرگان بلد رسیدگی در امر عامه و همراهی در انجام مقاصد خیریه‌شان است و عامهٔ اهل بلدهم باید پیوسته دست از دامن ایشان برنداشته حتی‌المقدور ایشان را مصلح از برای مفاسد و کار خود قرار دهند ، شاید این جهالت و سرگردانی و صدمات مبدل به اختراع صنایع و ابادی و اسودگی اهل وطن گردیده ،چیزی از ظلم ظالمین و تعدیات مستبدین استراحت نمایند ، تا اینهمه مورد سرگردانی و سرزنش نباشیم ...))

در پایان لازم به ذکر است که در عصر مشروطیت روزنامه‌ی زیر در یزد انتشار یافته‌اند :

۱ _ سفینه نجات یزد   ۲ _ روزنامه معرفت یزد   ۳ _ محاکمه یزد

٤ _ انجمن ولایتی یزد   ٥ _ روزنامه اتحاد   ٦ _ روزنامه حکایت جانگداز از وقایع یزد الی شیراز ۷ _ روزنامهٔ فجر یزد



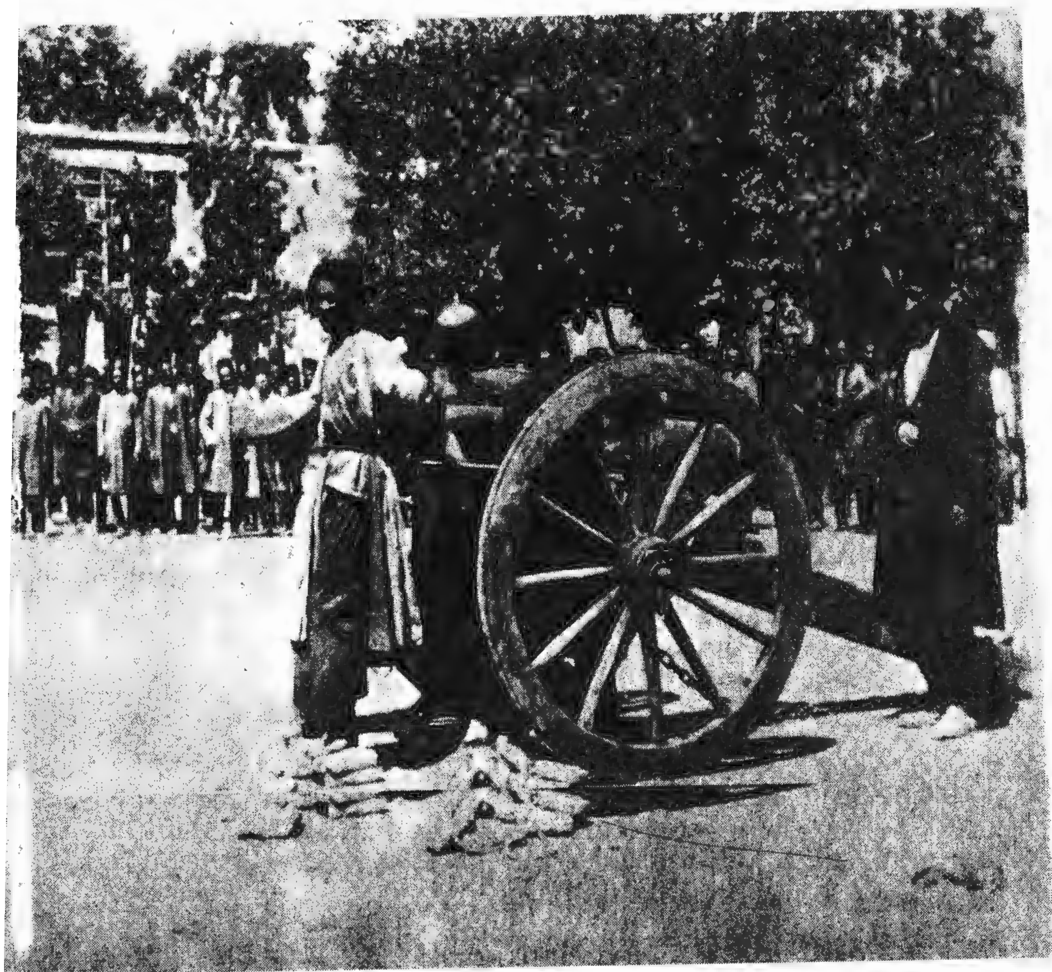
روزنامهٔ وقایع اتفّاقیهٔ دارالعلم شیراز

(گزارشات خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری)

((صورت ثبت روزنامجات وقایع اتفاقیهٔ ایام در دارالعلم شیراز)) سلسله گزارشاتی است از اوضاع عمومی اقلیم فارس و بطور کلی ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری ، در سالهای سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه و پیش از انقلاب مشروطیت که توسط مأمورین مخفی انگلیس درایران بصورت هر هفته یکبار و یا ماهی یکبار تهیه و به سفارت انگلستان فرستاده می‌شد تا براساس تجزیه و تحلیل سیاسی این گزارشات در وزارت خارجه انگلیس به اهداف و مطامع سیاسی خود برسند . این گزارشات توجهی خاص دارد به زندگی مردم کوچه و بازار و جریاناتی که در جوامع و جلسات مختلف مردم و اصناف می‌گذرد و خبرهائی که بعنوان شایعه دهان به دهان می‌گردد و نیز برخوردهائی که رعیّت و هیئت حاکمه در موارد گوناگون دارند و بعبارت جامعتر ، به همه نکته‌های ظریفی که غالب مؤرخان ایرانی از آنها غفلت کرده‌اند ولی مأمورین سیاسی انگلیس با کمک از موارد مطروحه در این گزارشات توانستند نبض احساسات عوام را در پنجهٔ استنباط خویش داشته باشند و در بزنگاه تاریخ حرکتی مخالف میل و پسند عوام و رعیّت نکنند تا بتوانند بر سر سفره‌ای که گسترده خواهد شد ، صدرنشین محترمی باشند که این شیوهٔ همیشگی حکومت استعماری انگلستان بوده است .

حکومتی استعماری که با حیله‌گری و استعمار و استثمارگری خود صدها میلیون و مردم هند را سالها در عمق جهل و بی‌خبری نگهداشت .

دمِ توپ گذاشتن



پیغام می‌دهند: به حاکم بگو برای چه مرد بیچاره‌ای را دمِ توپ گذاردی، این طور حکومت می‌کنند یادبگیر!

« نقل از: وقایع اتفاقیهٔ دارالعلم شیراز - ص ٤۳۱ »

علی‌ایّحال ، مجموعهٔ ((صورت ثبت روزنامجات وقایع اتفاقیهٔ ایام در دارالعلم شیراز)) مشتمل است بر حدود بیش از سیصدگزارش که تعدادی هفتگی و بیشتر آنها بصورت ماهانه تهیه و تنظیم شده و در کتابی باسم ((وقایع اتفاقیه)) با همت و کوشش مرحوم سعیدی سیرجانی جمع‌آوری و توسط انتشارات نوین در سال ۱۳٦۲ بچاپ رسیده است .

چند نمونه از متن گزارشات را می‌خوانیم تا با گوشه‌ای از وضعیت رعیت و ملت ایران در سالهای سلطنت ناصرالدین و نیز گوشه‌ای از شیوه نگارش گزارشات آشنا شویم :

* * *

((وقایع اتفاقیه دارالعلم شیراز))

((از غره جمادی‌الاولی تا ۲۷ جمادی‌الاولی ۱۲۹۱[1]))

بریدن سر دزدان =

*هفده نفر دزد را که قبل از ورود نواب اشرف و الاحسام‌السلطنه گرفته محبوس بودند ، پانزده نفر از آنها را نواب والا فرمودند سر بریده و شکم پاره نمودند در میدان توپخانه و دو نفر را دست بریدند

* دیگر آنکه دو نفر برادر از الواط محلهٔ سنگ سیاه را نواب والا حکم به گرفتن فرمودند ، دو روز محبوس داشتند و بعد حکم به قتل هر دو دادند و در میدان توپخانه هر دو نفر را سر بریدند .

---

[1] ـ وقایع اتفاقیه ـ بکوشش سعیدی سیرجانی ـ انتشارات نوین ـ ۱۳٦۲ ـ ص ۱۰ و ۱۱

دیگر آنکه شخص دزدی را قوام‌الملک فراش می‌فرستد بیاورند ، چون آن دزد را بدست می گیرند و می‌برند نزد قوام‌الملک ، آن شخص دزد فریاد می‌زند و امداد از خویش می‌طلبد ، چند نفر به حمایت آن شخص بیرون آمده زخمی بر سر فراش قوام‌الملک می‌زند و آن دزد را از دست فراشها گرفته رها می‌نمایند ، خود آنها هم فرار می کنند ، مراتب را قوام‌الملک معروض خدمت نواب والا می‌دارد . چون مقصرین فرار کرده بودند حکم به خراب کردن خانه‌های آنها فرموده ، خانهٔ آنها را خراب کردند .

* دیگر آنکه مردی از اهل دهات فارس ساکن شیراز با زنی شوهردار راهی پیدا نموده بودند ، آن زن محرک می شود مرد را که شوهر مرا بکش تا اینکه من زوجهٔ تو شوم ، آن مرد درصدد اینکار برآمده تا فرصتی بدست می‌آورد شوهر آن زن را به قتل می‌رساند ، مراتب به عرض نواب‌والا می‌رسد مرد قاتل را بعد از تجسس پیدا کرده ، همان دم حکم به قتلش دادند ، در میدان توپخانه او را سربریدند .

* * *

وقایع‌اتفاقیه دارالعلم شیراز
((از غرهٔ محرم ۱۲۹۳ [۱]))

* دیگر آنکه مستر آرنلد صاحب سیاح انگلیسی با زوجه‌اش وارد شیراز گردیدند ، بعد از یکهفته ماندن در شیراز روانهٔ بوشهر شدند .

غارت جهرم و دشتاب توسط اشرار

* دیگر آنکه از قرار مسموع الواط و اشرار محلهٔ دشتاب و محلهٔ کازرون که دو محله از محلات قصبهٔ جهرم است ، مدتی با هم خصومت و جدال ورزیده‌اند ، از منازعهٔ محلین بر مخلوق جهرم عرصه تنگ می‌شود ، مراتب را به جناب جلالت مآب اجل فرمانفرما عارض می‌شوند ، جناب معظم‌الیه هم نواب شاهزاده مهدی قلی‌میرزا سهام‌الملک را که در داراب بوده مأمور می‌نمایند که برود اشرار و الواط جهرم را بگیرند و در نظم آنجا کوشش نمایند . حسب‌الامر نواب مهدی قلی‌میرزا با جمعی سوار بهارلو و سرباز می‌روند . ورود نواب معزی‌الیه به جهرم ، مخلوق یک محله کازرون جهرم در خفا عریضه به نواب شاهزاده مهدی‌قلی میرزا عرض می‌نمایند و در جزو پیشکش بجهت ایشان تعیین می کنند که نواب مهدی‌قلی میرزا حکم چاپیدن محلهٔ دشتاب را به آنها بدهد ، چون اشرار محله دشتاب فرار نموده میروند ، نواب معزی‌الیه چند نفر از قبیل صدر جهرمی و شیخ‌الاسلام و یک دو نفر تاجر و معتبرین آن محل را بحضور خود می‌طلبد ، پس از تحقیقات این چند نفر را در حبس خود نگاه می‌دارند و در جزو حکم می‌دهند که محلهٔ دشتاب را بچاپند ، خلق محله کازرون جهرم با سوار بهارلو و سرباز غفلتاً یورش به محلهٔ دشتاب می‌آورند و می‌ریزند به خانه‌های مردم و اموال و اسباب آن محل را نهب و غارت

---

[۱] ـ وقایع‌اتفاقیه ص ۴۷ و ۴۸

می‌نمایند و صدمهٔ بسیار به خلق آن محل می‌زنند بقسمی که زیرجامه از پای زنها بیرون کشیده بودند ، از قرار مسموع قریب بیست طفل از واهمه و خوف جان می‌سپارند ، چنانچه می گویند بی‌عصمتی هم نموده بودند ، از قراری که مذکور است قریب چهل پنجاه هزار تومان از محلهٔ دشتاب بدست نواب مهدی‌قلی میرزا افتاده است ، صدر و شیخ‌الاسلام و چند نفری که نواب مهدی‌قلی میرزا گرفته بودند روانهٔ شیراز به حضور جناب جلالت‌مآب احل فرمانفرما فرستادند ، حکومت هم آنها را حبس فرمودند ، از قرار اخبار علاوه بر چاپیدن و غارت نمودن تنخواه محلهٔ دشتاب ، نواب مهدی قلی‌میرزا چند نفر تاجر دیگر جهرمی را که دخلی به این فتنه‌ها و نزاع نداشته‌اند گرفته و از هر یک ترجمان گرفته‌اند ....

* دیگر آنکه در این ایام محرم خلق شیراز و اشراف و سایر همگی مشغول به شبیه تعزیه و روضه خواندن بوده و می‌باشند ، چنانچه جناب جلالت‌مآب اجل فرمانفرما یک روز تکیه‌ای که مشیرالملک شبیه تعزیه بیرون می‌آورند تشریف‌فرما شدند و مشیرالملک یک طاقه شال ترمه و مبلغ یکصدتومان پول نقد پیشکش ایشان نموده بودند ، و همچنین یکروز هم عزت‌الدوله حرم جناب جلالت‌مآب اجل فرمانفرما به تکیه مشیرالدوله تشریف فرما شدند ، باز یک طاقه شال ترمه و یکصدتومان پول به یک غلام سیاه خواجه مشیرالملک پیشکش نموده بودند ، یک روز هم جناب جلالت‌مآب اجل فرمانفرما به حسینیهٔ قوام‌الملک تشریف‌فرما شدند و نصیرالملک یک طاقه شال پیشکش ایشان نموده بودند .

((وقایع اتفاقیه دارالعلم شیراز [1]))

((از ۲٤ جمادی‌الثانی ۱۳۰٤ مطابق ۲۰ مارچ ۱۸۸۷))

* دیگر اینکه قوام‌الملک درداراب یکنفر از اهل اصطهبانات را کشته است چونکه قاتل یکی از آدمهای مشارالیه بوده است .

* دیگر آنکه بواسطهٔ نیامدن باران نرخ اجناس ترقی کرده ، روز بروز در تزاید است.

* دیگر آنکه شش نفر از بزرگان انگلیس که به شیراز آمده بودند از تخت‌جمشید مراجعت کرده و روز ششم این ماه از شیراز بطرف بوشهر حرکت کردند .

باج‌خواهی ظل‌السلطان از صاحب دیوان

* دیگر آنکه از قرار نوشتجات محرمانه که با جناب صاحب دیوان از حضرت والاظل السلطان رسیده است اینست که از سه کار یکی را قبول کنند ، اول سالی بیست و پنج هزار تومان بمن و ده‌هزار تومان که به نواب جلال‌الدوله می‌دهد نمی‌خواهم پانزده هزار تومان هم دستی بگیر و آباده و اقلید و بهبهان را موضوع از فارس می‌کنید از خودمان حاکم می‌فرستیم ، دویم پیشکاری فارس را که الحال به معزالملک سپرده‌ای به حاجی‌میرزا محمد معدل‌الملک واگذار کن که مشارالیه شصت هزار تومان پیشکش می‌دهد ، برای ما و شما صرفهٔ کلی دارد ، سیم مالیات املاک خودم را می‌بخشم و پانزده هزار تومان هم می‌دهیم برو در اصفهان یا در تهران یا در شیراز هرکدام میل داری توقف کن ، وزارت جلال‌الدوله را به کسی دیگر واگذار کنیم . در باطن اینکارها را قوام‌الملک می‌کند ، در اصفهان آدم دارد برای او گفتگو می‌کند در شیراز هم خودش با نواب و الاجلال‌الدوله باطناً در این سئوال و جواب هستند .

---

[1] ـ وقایع‌اتفاقیه ـ ص ۲۸۳ و ۲۸٤

حتی اینکه جلال‌الدوله را بر این واداشته‌اند که عریضه‌خدمت والا ظل‌السلطان کرده که : من حالا بزرگ شده‌ام لله بزرگتر لازم ندارم ، با این مواجبی که به من می‌دهید امرم نمی‌گذرد ، یا آنکه سالی بیست و پنج‌هزار تومان جناب صاحبدیوان بمن بدهد و اختیار کارهم با خودم باشد ، یا آنکه صدهزار تومان علاوه بر آنچه جناب صاحب‌دیوان می‌دهد قبول دارم می‌دهم ، نظم ولایت را هم می‌دهم ، هر عیب و نقصی شد مقصرم .

***

* دیگر آنکه سواری از آدمهای جناب امام جمعه درسددروازه اصفهان اسبش لگد به دختری از اهل ده بزرگی می‌زند فوری دختر می‌میرد و سوار با اسب را می‌گیرند به حضور حکومت می‌برند ، حکم فرمودند بالفعل در حبس باشد تا بعد حکمی در حق مشارالیه شود [۱].

* دیگر آنکه شخص سیدی به حالت مستی عبوراً در بازار مرغ با قمه زد به بازوی شخص دیگر ، شخص زخمدار به حکومت عارض شده ، حکومت سیدضارب را بالفعل حکم به حبس فرمودند ، این اوقات بیرونها و دورشهر و در خود شهر خیلی شلوغ و بی‌نظم است .[۲]

* دیگر آنکه شب هنگام چند نفر می‌روند در چهارسوق درب امامزاده سیدمیرمحمدعلیه‌السلام گوش پاسبانی را می‌برند و پیغام می‌دهند : به حاکم بگو

[۱] ـ وقایع‌اتفاقیه ـ ازغره ذیحجه ۱۳۰۷ ـ ص ۳۶۲

[۲] ـ همان مأخذ ـ ص ۳۷۸

برای چه بیچاره‌ای را دم توپ گذاردی ؟ اینطور حکومت می‌کنند یاد بگیر [1].

قتل شیخ مذکور خان

* دیگر آنکه روز نوزدهم جمادی‌الثانی شیخ مذکورخان با هفت نفر از بستگان او را با فوج و بالابان وارد شیراز کردند . همهٔ ارکان و حکام و ضباط فارس در منزل حکومتی حاضر بودند ، شیخ مذکورخان را اول یک پول سیاه از مسکوکهائی که به اسم خودش در گاوبندی و بندرگنگان سکه زده بود ، بخوردش دادند و بعد از آن حضوراً مشارلیه را طناب‌انداختند و بعد بردند میدان طویله به دارش کشیدند ، دو نفر از آدمهایش که یکی را می‌گفتند میرغضب مشارالیه است و دیگری را که از نزدیکان او بود طناب انداختند و به پایهٔ داربستند ، دو نفر را مرخص نمودند که یکی از آنها پسر محمدطاهرخان گله‌داری بود و یکی هم دلاک شیخ بود و سه نفر دیگر را هر یکی یک دست بریده رها کردند ، شیخ مذکورخان با آن دو نفر که مقتول شده بودند یک‌شبانه‌روز سردار بودند ، بعد توسط بعضی‌ها حکومت مرخص کردند بردند دفن نمودند .[2]

* دیگر آنکه چندین طاقه شال کشمیری و قلمکار صدرس از مال مرحوم مشیرالملک جناب صاحب‌دیوان در عوض پولی که از ورثهٔ مرحوم مشیرالملک باید بگیرد به جهت والاظل السلطان برداشته بودند با وجه نقد تا دو منزلی شیراز فرستاده بودند ، حضرت والاظل‌السلطان تلگراف کرده بودند که از این چیزها لازم نداریم ،تمام را باید وجه نقد بدهند ....

---

[1] ـ همان مأخذ ـ ص ٤١٦

[2] ـ همان مأخذ ـ ص ۱۲۳ (وقایع‌اتفاقیه از ۱۳جمادی‌الثانی تا ۱۷رجب ۱۲۹۷)

قتل شیخ مذکور خان عرب ـ ۱۲۹۷ قمری



شیخ مذکورخان را اول یک پول سیاه از مسکوک‌هائی که به اسم خودش درگاوبندی و بندرکنگان سکه زده بود، به خوردش دادند و بعد از آن حضوراً مشارالیه را طناب انداختند و بعد بردند در میدان طویله ...

« نقل از وقایع‌اتفاقیه دارالعلم شیراز ـ ص ۱۲۳ »

ضبط تیولات حکیم‌باشی

* دیگر آنکه همشیره جناب صاحب‌دیوان که عیال امام جمعه می‌باشد به ناحوشی استسقاء مبتلاست بقدر دو ماه داکتورادلینگ معالجه کرد بهتر شده بود ، عالیجاه مشارالیه برحسب ضرورت روانهٔ طهران کردید بعد از رفتن مشارالیه روز به روز بدتر شده است ، جناب صاحب‌دیوان حاجی میرزا محمدحکیم‌باشی را خواستند که روانه به بالین مریضه نمایند ، هرچه کرده بودند نرفته و خیلی بالنسبه به جناب صاحب‌دیوان جواب سخت داده بود تا اینکه جناب صاحب‌دیوان را متغیر کرده بود،جناب ایشان حکم کردند از مجلس او را کشیدند خواستند چوبش بزنند اهل مجلس نگذاردند ،تیولات مشارالیه را حکم کردند ضبط کنند .[1]

تزلزل موقعیت امام جمعهٔ شیراز

* دیگر آنکه میانه حاج‌میرزا علی‌اکبر و امام جمعه بر سر ملک موقوفه نزاع است ، دیروز چندین سید و طلبه حاج سیدعلی‌اکبر فرستاده در خانه آن کسی که متولی موقوفه بوده ، متولی را زده و فحش زیاد به امام جمعه داده‌اند . و به جهت امام جمعه پیغام فرستاده که تو زندیق هستی ، قتل تو بر همه علما واجب است ، چونکه امام جمعه و خانوادهٔ امام جمعه خیلی هرزه و بی‌ناموس در میان آنهاست و ابداً حلال و حرام نمی‌کنند و پسران امام جمعه تماماً به هرزگی و عمل غیرشرع مشغول بودند و این اوقات هرزگی و شرارت آنها بیشتر از پیش شده است و اهل فارس از حرکات امام جمعه و اولادان او به صدا آمده‌اند ، دور نیست این اوقات بلوائی برسر امام جمعه بکنند چونکه تمام خلق شیراز از دست آنها در اذیت هستند .[2]

---

[1] ـ همان مأخذ ـ ص ۲۰۸ ـ (وقایع‌اتفاقیه ربیع‌الاول ۱۳۰۱)

[2] ـ همان مأخذ ـ ص ٤٥۹ ـ (وقایع دارالعلم شیراز را محرم ۱۳۱۲ مطابق ٥ جولای ۱۸۹٤)

امام جمعه شیراز ـ ۱۳۱۲ قمری



... اهل فارس از حرکات امام جمعه و اولادان او به صدا آمده‌اند ، دور نیست این اوقـات بلوائی بر سر امام جمعه بکنند چونکه تمام خلق شیراز از دست آنها در اذیت هستند .

« نقل از : وقایع اتفاقیه دارالعلم شیراز ـ ص ٤٥۹ »

روزنامۀ ایران

روزنامۀ ایران یکی از سرفصلهای تاریخ تحولات روزنامه‌نگاری است که اولین شماره آن روز پنجشنبه نوزدهم شهر صفرالمظفر سال هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری قمری منتشر شده است

- در سال ۱۲۷۷ که از عمر روزنامه وقایع‌اتفاقیه قریب به ده سال گذشته و مجموعاً ٤٧١ شماره از آن منتشر شده بود ، ناصرالدین‌شاه علاقمند شد که مانند اروپا روزنامۀ درباری او مصوّر باشد . درهمین سال یکی از هنرمندان بزرگ ایرانی بنام مرحوم ابوالحسن‌خان نقاش کاشانی ملقب به صنیع‌الملک ، مأمور اینکار شد وبدین طریق روزنامه دولت علیه ایران بوجود آمد که تا سال ۱۲۸۳ قمری انتشار میافت .

در سال ۱۲۸۳ ناصرالدین شاه فرمان داد که روزنامه‌ها متعدد شود آگهی آن چنین منتشر شد : ((چون توجه ملوکانه در انتظام امور دولتی از هر جهت زیاد است و در طبع روزنامجات که در ادارۀ وزارت علوم است اهتمامی تمام فرموده اند حکم قضا توأم به اعتضادالسلطنه وزیرعلوم صادرشد که در هر ماهی چهار طغری روزنامه از این قرار طبع شود و میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک از طرف وزارت علوم نایب اول باشد : اول روزنامه دولتی بدون تصویر ، دوم روزنامه دولتی مصور ، سوم روزنامۀ ملّتی که بطور آزادی نوشته شود ، چهارم روزنامۀ علمی)) .

در سال ۱۲۸۸ ناصرالدین شاه تصمیم گرفت روزنامه‌های متعدد خود را تبدیل به یک روزنامه کند ، اما بجای هفته‌ای یک شماره تا سه شماره در هفته انتشار یابد ، و برای انجام این امر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مأمور گردید که روزنامۀ ایران را منتشر سازد . ((شرح حال و خدمات فرهنگی اعتمادالسلطنه در همین بخش در شرح روزنامه مرآت‌السفر آمده است))

- روزنامه ایران نخستین روزنامه‌ای است که در صدد تهیهٔ خبرنگار برآمده است و تا قبل از آن همان گزارشهائی که حکام شهرستانها ارسال می‌داشته‌اند مورد استفاده قرار می گرفت .

حق اشتراک روزنامه سالیانه مبلغ سه تومان و شش هزار بوده که در سه قسط دریافت می‌شده است .

ایران ، نخستین روزنامه‌ای است که دارای پاورقی بود ، در پاورقی این روزنامه آثار ارزنده‌ای انتشار یافت که از همه مهمتر تاریخ سیستان است . این همان تاریخ مشهوری است که بعدها مرحوم ملک‌الشعراء بهار آنرا دوباره تصحیح و منتشر نمود.

نظر ادوارد براون درباره روزنامه ایران

ادروارد براون انگلیسی در رابطه با روزنامه ایران می‌نویسد :

((روزنامه ایران ارگان رسمی دولت و مشتمل بر اخبار دربار ، فرمانهای شاهی ، احکام عزل و انتصابات ، تعیین عناوین و مقامات به ویژه شرح کارهای پادشاه از قبیل سلام و بارعام ، صید و شکار ، عزاداری مذهبی ، سیروسیاحت و امور همانند اینها و نیز کارهای دیگر دولتی بوده است . وظیفه این روزنامه تمجید از اعمال شاه و کارهای درباریان ،تجلیل امنیت کشور و ترقیات دولت بوده است ، بطوریکه روزنامه ایران بیشتر از تمام مطبوعات دیگر در معرض انتقاد آزادیخواهان و روزنامه‌های ایرانی منتشره در خارجه قرار گرفته ، در اوایل روزنامه ایران یک قسمت علمی داشت که در آن از علوم جدید صحبت میشد و ضمناً قطعاتی از کتاب

انگلیسیان در قطب شمال تألیف ژول‌ورن ترجمهٔ محمدحسن در پاورقی درج می‌گشت[1]))

برای نمونه یک خبر تاریخی به نقل از شمارهٔ (۵۰۱ جمعه بیستم ذیحجه ۱۲۹۹ ق) را با هم می‌خوانیم :

((پنجشنبه پنجم ذیحجه نواب والاانایب‌السلطنه امیرکبیر وزیرجنگ صاحب‌منصب قزاق را که به جهت تعلیم سواره به سبک قزاق از دولت بهیهٔ روس خواسته بودند و چندی قبل از این وارد دارالخلافهٔ طهران شده بود ،بحضور همایون آورده معرّفی کردند . اسامی صاحب‌منصب قزاق و اتباع او از اینقرار است : کلنل چارکوروسکوی ، کاپتین ماکونکین ، کاپیتن مینیایف ، لیوتنان دینسوف ، وکیل‌باشی وادوبشین ،وکیل‌باشی کابالایف ، وکیل کیرملوف ، وکیل کراوسوف ، وکیل واسیوکف)).

در روزنامه ایران ـ نمره سیصدوسیزدهم ـ ۲۲ صفرالمظفر سنه ۱۲۹٤ ـ صفحه اول آمده است : ((چون حسینقلی‌خان مافی در معاملات دیوانی مصدر تقلبات شده منشاء خلاف و خطا بود ، امتیازات سابقه او را سلب فرموده مقرر داشتند خطاب و لقب سعدالملکی من بعداز او برداشته شود و بعد از این کماکان حسین‌قلی‌خان مافی مذکور و از خطاب و لقب دولتی عاری خواهد بود .[2]))

---

[1] ـ دورهٔ روزنامه ایران ـ کتابخانه ملی ـ جلد اول ـمقدمه

[2] ـ روزنامه ایران ـ جلد ۲ ـ صفحه ۱۲۵۱ ـ ناشر کتابخانه ملی ۱۳۷٤

اخبار کردستان :

در صفحه سوم شماره ٤٧٤ ـ سه‌شنبه بیست و هشتم محرم‌الحرام سنه ۱۲۹۹ ق در بخش مربوط به اخبار کردستان نوشته است :

((امور حکمرانی اینولایت بموجب اهتمام نواب مؤیدالدوله حکمران کردستان منظم و رعایا آسوده و مرّفه بدعاگوئی مشغولند ، بعد از بارانهای شدید در سنندج و اطراف برف زیاد باریده ، گندم در سنندج خرواری هفده‌هزار ، جو سیزده‌هزار ، نان منی سیصددینار ، برنج دوهزار و پنج شاهی و روغن چهارهزار است .))[1]

توصیف ((کارلاسرنا)) از روزنامهٔ ایران

بحث در مورد روزنامهٔ ایران را با توصیفی که توسط شخصی به نام کارلاسرنا در سفر خود به ایران بعمل آورده است به پایان می‌بریم :

((روزنامه ایران بسیار ابتکاری است ، سردبیر این روزنامه باید به قریحهٔ مبتکر خویش ببالد زیرا گذشته از انکه انتشار روزنامه در این کشور کاری بسیار دشوار است ، این جریده از سخن‌گفتن دربارهٔ بسیاری امور ممنوع است :

۱) مدیر این روزنامه نمی‌تواند دربارهٔ سیاست خارجی کشور سخن بگوید مبادا موجبات رنجش سفرای خارجی مقیم تهران شود .

۲) دربارهٔ مسائل داخلی صحبت ندارد زیرا ممکن است حکام ایرانی برنجند .

۳) نمی‌تواند اخبار تلگرافی را منعکس کند زیرا اگر مردم از چگونگی وقایع بطور کامل آگاه نشوند چه بسا انها را محرف تلقّی کنند .))[2]

---

[1] ـ روزنامه ایران ـ جلد ۳ ـ صفحه ۱۹۰۵ ـ ناشر کتابخانه ملی ۱۳۷۵

[2] ـ مردم و دیدنی‌های ایران : سفرنامهٔ کارلاسرنا ، ص ۱۷٦ ـ به نقل از کتاب ((مشاهیر مطبوعات ایران ، محمدحسن اعتمادالسلطنه)) ـ آقای سیدفرید قاسمی ـ ص ٦۳

روزنامهٔ مرآت‌السفر

(مرآت السفرو مشکوة الحضر)

اولین شماره روزنامهٔ مرآت‌السفر توسط محمدحسن اعتمادالسلطنه در ربیع الاول ۱۲۸۸ ق در تهران انتشار یافت در این زمان ، اعتمادالسلطنه ((رئیس کل دارالطباعه ممالک محروسهٔ ایران)) بود که ابتدا لقب صنیع‌الدوله داشت و بعد ((اعتمادالسلطنه)) لقب گرفت .

انتشار این روزنامه کلاً تا شماره ۱۳ ادامه داشته که دو شمارهٔ نخست آن به نام ((روزنامهٔ مرآت‌السفر))و یازده شمارهٔ دیگر آن تحت عنوان ((روزنامهٔ مرآت‌السفرومشکوةالحضر)) منتشر شده است .

از جمله خبرهای مهم مندرج در این روزنامه که در واقع برگی از تاریخ مطبوعات ایران محسوب می‌شود ، ((سواد دستخط)) ناصرالدین شاه است که به موجب آن محمدحسن‌خان را ملقب به صنیع الدوله کرده است ، ((سواد دستخط)) بشرح زیر است :

((سواد دستخط مبارک [:] چون ترقیات حاصلهٔ دارالطباعهٔ همایونی از حُسن مراقبت و اهتمامات کامله محمدحسن‌خان پیش‌خدمت و مترجم مخصوص و رئیس دارالطباعه مشهود افتاده خاطر ما را کاملاً خشنود داشته است ، او را به لقب جلیل صنیع‌الدوله مخاطب فرمودیم که موجب امتیاز و افتخار او شده به

مشمول‌الطاف‌علیه بیشتر در خدمت محوله به خود اهتمام نماید ـ شهر ربیع‌الثانی ـ قوی‌ئیل ۱۲۸۸)) [۱].

((محمدحسن اعتمادالسلطنه))

با توجه به اینکه اعتمادالسطنه ، مترجمی ، نویسندگی و مدیرمسئول نُه نشریه [۲]، ترجمه و تألیف دهها کتاب و رساله ، نگارش صدها گزارش و مقاله ، سازماندهی ((ادارهٔ روزنامه‌جات و دارالطباعه)) ، تشکیل وزارت انطباعات و .... را در خلال ۲۵ سال از شصت سال اولیه حیات مطبوعاتی ایران به انجام رسانیده است شرح مختصری از فعالیتهای فرهنگی و مطبوعاتی مشارالیه را به نقل از تاریخ جراید و مطبوعات ایران تألیف مرحوم محمدصدرهاشمی می‌آوریم :

((محمدحسن خان پسر حاج‌علی خان مقدم مراغه‌ای است و او یکی از رجال نامی و فعال آذربایجان بود . در تأسیس انجمن ملی و نشر جراید رسمی و ترجمهٔ آثار مفیده و تألیف کتب نافعه سعی و کوشش فوق العاده داشته و بیشتر از یک ربع قرن به ترقی و تعالی معارف و مطبوعات ایران خدمت کرده است مِنْ جمله در سال ۱۲۸۶ ریاست دارالطباعه دولتی و دارالترجمهٔ همایونی با لقب صنیع‌الدوله به او تفویض شده است .

[۱] ـ روزنامه مرآت‌السفرومشکوةالحضر ـ شماره ٦ ـ ص ۲ ـ ربیع‌الاول ۱۲۸۸ ق (نقل از : مشاهیرمطبوعات ایران ، محمدحسن اعتمادالسلطنه ـ صفحه ٦۷ ـ آقای سیدفرید قاسمی ـ چاپ ۱۳۷۹ ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

[۲] ـ ایران ، مرآت‌السفر ـ سالنامه ایران ـ روزنامه علمی ـ مریخ ـ اطلاع ـ شرف ـ اردوی همایون ـ اکودوپرس



محمدحسن اعتمادالسلطنه مدیر مسئول نشریات : مرآت‌السفر ـ ایران ـ شرف ـ سالنامه ایران ـ روزنامه علمی ـ مریخ ـ اطلاع ـ اردوی همایون ـ اکودوپرس

در سنهٔ ۱۲۸۸ تمام روزنامه‌های دولتی و ملتی و علمی را به عهدهٔ او واگذار کرده‌اند که روزنامهٔ ایران را بجای آن سه جریده هفته‌ای سه شماره دایر نموده‌اند .

در تاریخ ۱۲۸۹ سالنامه و در سنهٔ ۱۲۹۳ روزنامه علمی و در سنهٔ ۱۲۹۵ روزنامهٔ اطلاع نیم‌رسمی در تحت‌نظر و ریاست او تأسیس یافته است .

در تاریخ ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ جزو اعضای مجلس شورای دولتی و وزیر انطباعات گشته و تا آخر عمر اداره آن وزارتخانه را عهده‌دار بوده است ، در سنهٔ ۱۳۰۰ روزنامهٔ اردوی همایون و مجموعهٔ سیاحت‌نامهٔ مصوّر که منحصر به مسافرت دوم ناصرالدین‌شاه به خراسان می‌باشد ، همه در تحت‌نظر او به خط میرزا رضای کلهر طبع و نشر شده است .

در سنهٔ ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ به عضویت انجمن آسیائی پاریس و لندن انتخاب شده و در ۱۳۰۴ لقب اعتمادآلسلطنه را به او داده‌اند .

بزرگترین تألیفات او یک سلسله کتابهائی است که بعنوان سالنامه از تاریخ ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۳ به انضمام کتابهای مهم مانند تاریخ ایران مقتبس از اقوال مورخین غرب و شرق ، مرآت‌البلدان در جغرافیا و تواریخ بلاد و ولایات ایران در چهارجلد تا حرف جیم ، منتظم ناصری در تاریخ عمومی عالم به ترتیب وقایع سنین از اول هجرت تا سال ۱۳۰۰ هجری در سه جلد ، خیرات حسان ترجمهٔ مشاهیرالنسوان ترکی در سه جلد ، کتاب المآثروالاثار در مآثر سلطنت ناصرالدین شاه و تراجم احوال رجال و علما و فضلای عهد او ، دُررالتیجان فی احوال بنی‌الاشکان راجع به تاریخ سلسلهٔ اشکانیان ، ایران فی‌البدو الی‌الختم مأخوذ از اقوال مورخین شرق و غرب در سه جلد ، التدوین فی‌احوال جبال شروین و نیز ترجمهٔ خاطرات مادموازل مونت پانسیه دخترعموی لوئی ۱۴.

سواد دستخط همایون

روزنامجات دولت علیه که در دارالخلافه بطبع میرسید مغایر
سلیقه ما و خالی از فواید دستایجی بود که در هر مملکت از روزنامه حاصل است
محمدحسن خان پیشخدمت و مترجم مخصوص که از وضع روزنامجات خارجه
و ترتیب جاری و کیفیت انتشار آن اطلاعات کامل
داشت باین خدمت مأمور فرمودیم که مطابق تعهدات خود
از ابتدای سنه قوی ئیل شروع بانتظام عمل دارالطباعه کرده
بقسمی که مقصود خاطر ماست در ترتیب و تنظیم روزنامجات
اهتمامات حسنه مرعی دارد

فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۸
مطابق قوی ئیل

دستخط ناصرالدین شاه به محمدحسن اعتمادالسلطنه برای انتظام امور دارالطباعه و انتشار روزنامجات

دیگر از تألیفات او کتابی بنام حجةالسعادة فی‌حجةالشهادة کـه مشتمل بـر تواریـخ و وقایع مهمهٔ عالم در سال ٦١ هجری و شرح شهادت حضـرت حسـین (ع) بـوده و بـه خط میرزاباقر خوشنویس در تبریز به طبع رسیده ، چاپ سربی آن نیز موجود است .

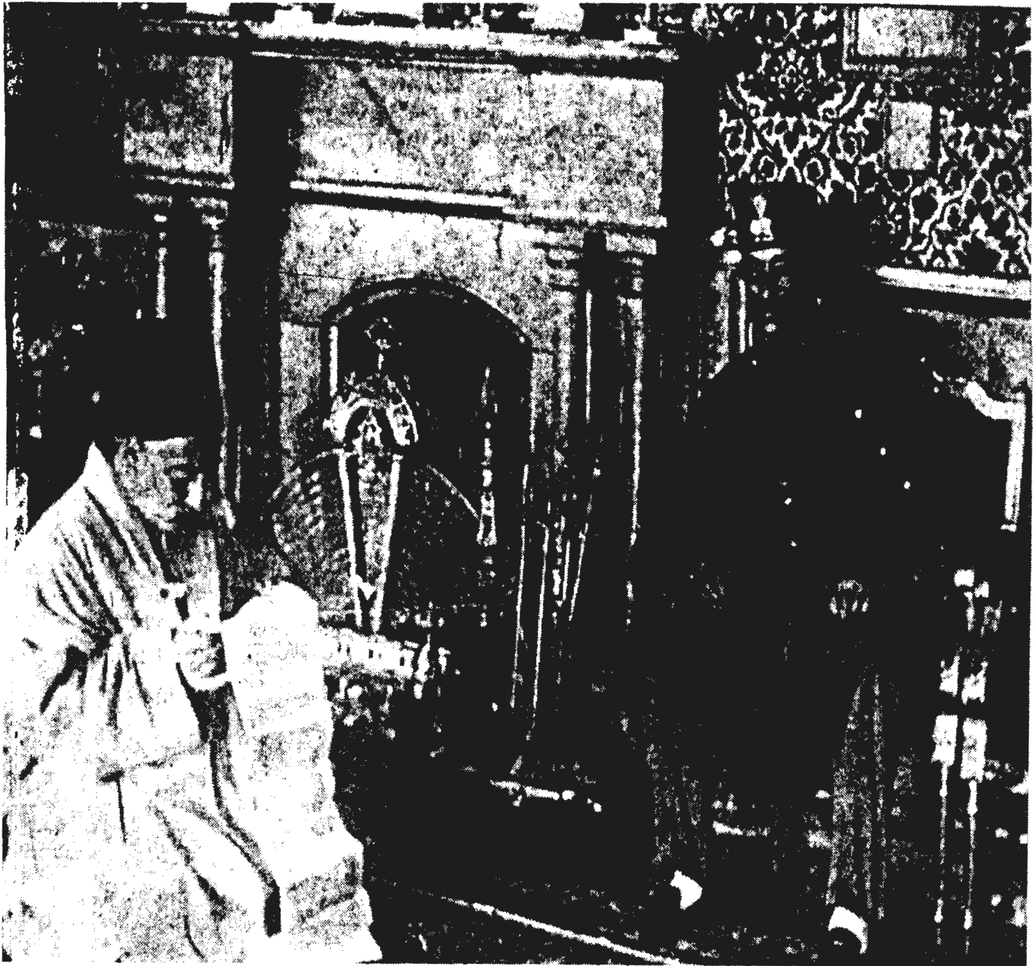
همچنین شرح حـال کریسـتف کلمـب و قصهٔ کاپیتـان اطـراس و سرگذشـت خـانم انگلیسی و داستان روبنسون سوئیسی و منطق‌الوحش ، پول دوقـوق و طبیـب اجبـاری کرونی را از زبانهای خارجه به زبان پارسی ترجمه و نقل نموده و همهٔ آنها در تهران چاپ شده است .

مهمترین اثار او وقایع روزانهٔ پانزده سالهٔ اواخر عمر اوست که قسـمتی تحـت عنـوان خاطرات اعتمادالسلطنه چاپ شـده و تمـام مجلـدات خطـی آن در کتابخانـه آسـتانه حضرت رضا (ع) موجود است ، ایـن خـاطرات از ۱۲۹۸ تـا ۱۳۱۳ هجـری بـه شـکل انتقاد نوشته شده و مجموعهٔ آن از حیث تاریخ فوق‌العاده حائز اهمیت است .

روزنامهٔ فرنگستان از تفلیس الی تهـران و سـامره و شـمیران و خـواب خلسـه و شـرح حـال امپراطـور روس و آئینـهٔ اسـکندری و کاشـف الکرب‌فی‌تـاریخ الغـرب و مآثرالسلطان در دو جلد ، همه از تألیفـات اوسـت کـه بعضـی از آنهـا چـاپ شـده و قسمتی هنوز به صورت خطی باقی است .

تألیفات دیگری نیز در رشتهٔ زبان دارد از قبیل لغـات پارسـی بـه فارسـی و عربـی بـه فارسی و فرانسه بفارسی و لغات متشابه فرانسه ترجمـه بفارسـی و دیـالگ فرانسـه بـه فارسی و جغرافیا و دور عالم نیز هست که چاپ نشده است .

شرح حال مختصر او با فهرست نشـان و حمـایل و صـورت و سـما و فرمانهـای او در شماره‌های ٤٧١ و ٥٣٢ روزنامهٔ دولت علیه ایران و شماره ۱۸ روزنامهٔ شرف طبع و



محمدحسن اعتمادالسلطنه در حال روزنامه خوانی در حضور ناصرالدین‌شاه

نشر شده است . وی شب پنجشنبه ۱۸ شوال سال ۱۳۱۳ به مرض سکته درگذشت ، پنجاه و اندسال عمر کرده ، در فوت او چنین گفته‌اند :

بهر تاریخ وفات میرمراد آن وزیرفاضل باطنطنه

از در رحمت سروش غیب گفت در جنان شد : اعتمادالسلطنه

* * *

روزنامه مجلس

این روزنامه تنها روزنامه ای است که تحولات مجلس شورای ملی را در آن میتوان دید که اولین شماره آن در سال ۱۳۲٤ هجری قمری همزمان با دوره اول مجلس شورای ملی منتشر گردید .صاحب امتیاز آن میرزا محسن مجتهد برادر صدرالعلما و مدیر کل آن سید محمد صادق طباطبائی و نویسنده و سر دبیر آن ادیب الممالک فراهانی است و ظاهرا از شماره ٦٤ سال دوم سردبیری آنرا شیخ یحیی کاشانی بعهده گرفته است که از شماره ۱۳۰ سال چهارم مدیر مسئولی و سر دبیری را با هم پذیرفته است .

در نخستین صفحه از اولین شماره سال دوم پس از طرح موضوع قرائت قانون انطباعات و بحث و مذاکره پیرامون یکی دو ماده از آن چنین آمده است :

((سپاس یزدان پاک را که با فراهم نبودن اسباب و وجود و موانعی که ابتدای هر کاری را در پیش ،حدوث وقایع غیر مترقبه که سکان ممالک منقلبه را در پی است به نحوی اتمام سال نخستین این جریده را موفق شده اخبار دارالشورای ملی و گفتار

وکلای محترم را منتشرکرده و تا اندازه ای از عهده وظایف خود بر آمدیم ولی به واسطه معاذیر مشروحه به علت مرتب نرسیدن وجوه اشتراک و مماطله اغلب خریداران معظم و مسامحه پارهٔ وکلاء محترم در ایصال حقوق اداره در هر قدم به هزاران سختی دچار و در هر لحظه به چندین دشواری گرفتار بودیم چنانچه هنوز نصف آنچه مخارج کرده‌ایم ، در محل مانده و به دست نیامده است و به همین جهت چنانچه مقصود خود و منظور مشترکین محترم بود به تکالیف خویش عمل ننموده روزنامه را مرتب نرسانده و از اندازه که وعده کرده کمتر و از موقعیکه قرار داده دیرتر منتشر کردیم ولی خود به تقصیر خود معترف شده و از این تخلف پوزش خواسته امید بخشش داریم.))

عناوین اصلی روزنامه که همواره در چهار صفحه به قطع رحلی بزرگ چاپ می‌شده است عبارتست از:

اخبار دارالشورای ملی ، مقالات، تلگرافات، اعلانات، اخبار داخله و اخبار خارجه نقل از جراید خارجه، اخبار شهری، اخبار متفرقه و مأخذ آن، گاه در زیر بعضی از مقالات کلمه سیاسی و یا مانند آن آورده می‌شود .

این روزنامه حاوی اطلاعات و اخبار بسیار جالب و دست اول است ، مطالعهٔ آن حال و هوای دوران مشروطیت را زنده می کندو یاد آور نکاتی است که گاه در زمان ما هم حائز اهمیت است و باید به آن توجه نمود ، از جمله این موارد نامه ای است که پروفسور ادوارد براون به مقامات روحانی مینویسد و از آنان می‌خواهد تا مردم را به وحدت و یکپارچگی دعوت کنند.

((نامه پروفسور ادوارد براون به مقامات روحانی))

(مراسلهٔ فیلسوف بزرگ مستشرق و ایران خواه صمیمی مستربرون پروفسیر کمبریج کالج به مقام منیع ریاست روحانی اسلام)

((حجة الاسلاما، چون از عنفوان شباب یعنی از سی سال پیش عمر خود را در تحصیل علوم و ادبیات شرقیه صرف نموده ام و چون علم به ادبیات و تواریخ قومی باعث شوق و محبت به آن قوم می گردد این است که به طور معنوی و روحانی خودم را مثل ایرانی میدانم و بالطبع از هر چه باعث پیشرفت و ترقی ایران باشد مسرور و از هر چه سبب تنزل و زوال ایران باشد محزون و مغموم میباشم و چون به تتبع تاریخ این ایام و این وقایع اخیره که در ایران روی داده است دیدم که کار به چه جای باریک رسیده است و این مملکت قدیم که از اوائل ازمنهٔ سابق منبع و منشاء انواع علوم و فنون و صنایع و کمالات و فضائل بوده در چه بحران خطرناکی افتاده است بر من واضح و روشن شد که اگر آن قوم نجیب کمال جهد و منتهای سعی در جمع قوای ظاهره و باطنه خود نکنند دور نیست که حاشاالله که آن ملک قدیم و آن بیضهٔ اسلام طعمه اجانب گردد و این روح تازه که به جنبش آمده بود و چندان امید و آثار حیات بخش آن در قلوب ایرانیان بود منتفی گردد. لهذا با وجود عدم لیاقت خود و عدم سنخیت با رجال سیاست بر خود واجب دانستم آنچه در نظرم آمد در دفع این خطر معروض نظر انور رجال قوم گردانم که گاهی کسی که در خارج باشد ولو چندان دوربین و بصیر نباشد بعضی چیزها میبیند که از عیون داخلین مستور می‌ماند و چون دیدم بلای ایرانیان همیشه عدم اتفاق و اتحاد بوده است و علاج این مرض مزمن از همه چیز اهم و الزام است و بیش از همه چیز احتیاج دارند به کلامی نافذ که جمع آراء و افکار در رفع اختلافات و ترددات بکند

و هیچ کلامی نیست که تواند این اثار را داشته باشد الاحکم و فتوای مجتهدین کبار که از اول این امور تا به حال بیشتر از همه کس اظهار وطن پرستی و دوربینی و دوراندیشی و احاطه بر مراتب امور نموده اند، لهذا بعد از تردید بسیار که شاید این عمل از مخلص از قبیل جرأت و فضولی شمرده شود مصمم بر آن شدم که این عریضه را با کمال حرمت و تواضع به آن آستانه بفرستم که اگر از جمله ملاحظاتی که می‌خواهم عرض بکنم یکی از آنها قدری و حقیقی داشته باشد عریضه بنده بکل عبث نخواهد ماند و.....))

((خطر ایران چنانکه واضح است دو قسم است، یکی تعرضات خارجی و یکی اختلافات باطنی و اگر علاج اول میسر نباشد ، علاج دوم بهر حال در دست خود ایرانیان است و پرواضح است که اگر حفظ وطن و دفع شر اعداء با اتحاد ملت دشوار باشد در صورتیکه اتحاد نباشد دشوارتر بلکه محال صرف است و خیال عبث . مثلاً در این ایام از مسافری که تازه از ایران رسیده است مسموع شد که بعضی از آنهائیکه زمام امور را در دست دارند عوض آنکه در فکر اصول یعنی حفظ وطن باشند در پی فروع یعنی چطور حکومتی باید داشته باشیم با هم تنازع دارند، مثل آنکه شخصی در حالت نزع باشد و دوستان او در جدال باشند که باید چه طرز لباس بپوشد در صورتیکه اصل مسئله در آن است که به غیر از کفن هیچ لباسی از برای او مانده است یا نه؟ مثلاً مسموع باشد که طایفهٔ خود را انقلابیون مینامند و بر خلاف اعتدالیون میباشند و هر دو بر خلاف مستبدین و بعضی از آنها خجالت نمی‌کشند که محض تقویت نفوذ خودشان از خارج استغاثه بکنند و اجنبی را بر هموطن خود مسلط گردانند و بدخواهان زیرک از این اختلافات استفاده میکنند تا بدون اینکه خودشان زحمتی بکشند ایران خودشان را پاره پاره کند..........))

((اصل ضعف ایران در این نفاق و عدم اتحاد است که بواسطهٔ آن مطیع یک حکیمی نمی‌شوند و عوض آنکه دل و دست یکی کرده در دفع خطر از وطن عزیز خود بکوشند در فکر ریاست خود می‌باشند و این حالت خودش بدون تعرض اجانب عن قریب باعث انقراض و اضمحلال ملت می‌شود...))

((هر چه مخلص تفکر کرده‌ام هیچ صاحب نفوذی را نمیبینم به غیر از مجتهدین کبار آیات الله الکرام که کلامشان در قوم اینقدر نفوذ داشته باشد و خوب میدانم از زمان انحصار دخانیات تا به حال چه خدمتهای نمایان به ملت ایران نموده اند و معلوم شد که اجل قوم اطاعت ایشان را از اطاعت خود پادشاهان الزام و احق می‌دانند ، و دیگر معلوم شد که مشارالیه به چه حکمت نفوذ خودشان را صرف کرده اند مثلاً به یک فتوی جلب قلوب زردشتیان هندوستان را کردند و آنها را مستعد انواع خدمتها نمودند . و به یک فتوای دیگر مردم را از تعرض به اجانب که البته سبب مداخله دولت عظمی می‌شد بازداشتند به قسمی که عالمی از خویشتن داری و حکمت اهل طهران در آن بحران عظیمه متحیر ماندند ولی اینجا از برای تربیت قبایل و تفرقه های مذکور و حالی کردن مردم را بوظیفهٔ خود در راه وطن پرستی فتوی فقط کفایت نمی‌کند شرح می‌خواهد و حاشیه میخواهد ولی شرح زنده و حاشیهٔ ناطق .....))

((آنچه مردم را کند عالی نژاد ــ اتحاد است اتحاد است اتحاد ــ این است ملاحظاتیکه در نظر این اضعف عباد آمده است و انشاءالله تعالی عقل و حکمت و همت علماء و اتحاد و خلوص نیت مردم ایران باعث سلامت و ترقی و حفظ استقلال ایران خواهد شد ولی همه آنها به اتحاد و اطاعت و جمع کلام و اتفاق آراء است والّا اگر تفرقه و نفاق و خود پرستی و طلب اغراض شخصیه غالب آید پس به قول نصربن سیار علی الاسلام و العرب السلام ، به عذر تطویل کلام و جرأت

خود ختم این عریضه مینمائیم و به دعـای بقـای ایـران و دوام همـت و حسـن توجـه حضرات آیات الله که امید مستقبل ایران در ایشان مرکوز است این عریضه را بانجام میرسانیم ـ خیر خواه حقیقی ایران و ایرانیان (ای جی برون)...))[1]

خبر انتشار روزنامه ((اتفاق))

خبر انتشار روزنامه اتفاق در شماره ۵۳ روزنامه مجلس بتاریخ ۲۴ محرم الحرام ۱۳۲۹ ـ صفحه ۱ تحت عنوان اخطار درج شده است.

((اخطار ـ عموم وطن پروران را بشارت که عماً قریب در طهران بواسطهٔ یک هیئتی از وطن پروران عالم با مسلک روزنامهٔ یومیه ورق بـزرگ باسـم ((اتفـاق)) طبـع و توديع خواهد شد ، این روزنامـه یومیـه روزنامـه‌ای خواهدبـود کـه بـا یـک مسـلک مستقیمی نشر می‌شود ، امیدواریم توسـط ایـن جریـده خدمـات شـایانی بـه ایـران و ایرانی نژادها بشود.))

طرح متن تلگراف اهالی اردبیل در مجلس شورای ملی

متن تلگرافی با امضاء ۲۲ نفر از اهالی اردبیل که حکایت از حمله اشرار ــ و نـا امنـی در منطقه و نگراتی شدید مردم دارد در صفحهٔ ۳ روزنامه مجلس شماره ۱۱۱ ـ مورخ ۵ رجب المرجب ۱۳۲۹ درج شده است که خواندن آن خالی از لطف نیست:

((دستخط والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه بانضمام تلگراف اردبیل به مضمون ذیل قرائت و با تصویب مجلس بـه کمیسیون داخله رجـوع گردیـد کـه بـا وزارت داخله مذاکره نموده نتیجه را راپورت دهند ـ مجلس شـورای ملـی ــ متـن تلگـراف اهـالی اردبیـل کـه خطـاب بـه اولیـاء امـور اسـت امـا از ملاحظـه نمایندگـان محـترم

---

[1] ـ نقل از رونامه مجلس ـ شماره ۸۰ ـ هفدهم ربیع الثانی ۱۳۲۹ سال چهارم ـ صفحات ۱و۲و۳ به تلخیص.

می‌گذرد و حقیقه موقع کمال تأثر و رقت است چون قانوناً اینجانب را اختیار و مسؤلیتی نیست توجه وزراء عظام و نمایندگان محترم را که مراجع قانونی اموراند به مشکلات رعایا و رنجبران و اختلال حال مملکت جلب مینمایم و با بیاناتی که در موقع ادای مراسم کرده ام بر هر صاحب وجدانی معلوم است از مشاهدهٔ حال اختلال امور مملکت چه تأثیری برای اینجانب حاصل است ـ ابوالقاسم))

((تلگراف ـ توسط کابینه والاحضرت آقای نایب السلطنه حضور هیئت وزراء و اقایان وکلا حزب ائتلاف و فرقه دموکرات طرفداران رنج بران را عرضه می‌داریم ، هشت روز است که اردو شکست ، اطراف اردبیل از مشکین گرفته تا دیوار شهر از شش جهت مورد تاخت و تاز اشرار زراعت در این موقع قریب به حصول بکلی با مال عرض و ناموس رنجبران و رعایای دهات با یک فاجعه بد در دست بیرحمان طوایف اشرار بدتر از طایفهٔ مغول اسیر و ذلیل در خود شهر شبها از شدت هول و وحشت حتی برای اطفال معصوم هرگز خواب راحت ممکن نیست هر چه تلگراف می‌کنیم تا حال اثری ازاقدامات شما معلوم نیست و ابداً فکر ما را نمی‌کنیدو بر حال حاضره ما رقت نیارید سهل است خیال دارید محبوسین اشرار را که در تهران با کمال صرف ناز و استراحت تامه مشغول عیش هستند خلاص نموده علاوه بر جان ما مسلط نمایند آخر ما بیچارگان چه گناه داریم و چه تقصیر عفو نشدنی کرده ایم مگر مسلمان نیستیم اگر کافر هستیم شما بحمدالله مسلمان و با ما نوعیت دارید شما را به اسلامیت تان به دین تان به مذهب تان به مسلک تان و معبود خودتان قسم می‌دهیم چند روزی دعوای طرفیت اقل و اکثر و اغراض شخصی و ریاست پرستی خودتان را موقتاً موقوف و کنار گذاشته و در فکر بیچارگی ما بدبختان فلک زدگان ما تبه روزگاران باشیدوالله نفس ما به آخر و کارد به استخوان رسیده پدر ما سوخته

شد اگر علاج دارید بکنید یکنفر حاکم خیلی کافی بعقود و استعداد کامل و وافی سریعاً فوراً هر چه زودتر بفرستید و اگر علاج ندارید بوسائل دیگر چاره جوئی نمائیم زیاده از این طاقت نداریم.

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست. آنچه البته به جائی نرسد فریاد است.

محل امضاء بیست و دونفر))[1]

تأسیس روزنامه رسمی و تصویب بودجه آن

در ستون ((خلاصه مذاکرات دارالشورای ملی)) در روز پنجشنبه هفتم ربیع الاول ۱۳۲۹ خبر مربو ط به تأسیس روزنامه رسمی و تصویب پرداخت مخارج ادارهٔ این روزنامه به شرح زیر آمده است که با هم می‌خوانیم[2]:

((راپورت کمیسیون معارف قرائت شد مشعر بر اینکه در خصوص تأسیس روزنامه رسمی با حضور آقای وزیر علوم مذاکره شده و نظر کمیسیون اینست که روزنامهٔ رسمی باید در وزارت داخله بتوسط اشخاصی که جزء مستخدمین دولت هستند اداره شود و مقاطعه دادن آنرا به اشخاص متفرقه از مدیران جراید و غیره هم تصویب نمی‌کند مخارج روزنامه رسمی را دولت باید بدهد و اگر از فروش آن چیزی عاید شود باید جزو عایدات دولت محسوب شود. راپورت کمیسیون بودجه قرائت شد مشعر بر اینکه در خصوص اداره شدن روزنامه رسمی عقیده کمیسیون بودجه با کمیسیون معارف یکی است.

[1] ـ نقل از روزنامه مجلس ـ سال چهارم ـ شماره ۱۱۱ صفحه سوم ـ مورخ پنجم رجب المرجب ۱۳۲۹ هجری قمری

[2] ـ روزنامه مجلس ـ شماره ۷۱ ـ ستل چهارم ـ مورخ ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۹صفحه ۲

در خصوص مخارج آنهم پس از مذاکرات مبلغ چهارصد و سی و چهار تومان تصویب می‌نماید ماهیانه تا شش ماه بوزارت داخله اعتبار داده شود پس از شش ماه که وزارت داخله کاملاً از ترتیبات مسبوق شد اگرلازم باشد پیشنهاد جدیدی به مجلس خواهند نمود طبع روزنامه هم در مطبعهٔ شاهنشاهی و اجرت پست آن مجانی خواهد بود ......))

مطبوعات

در شماره ۲٤ سال چهارم مورخ ۲۸ شوال المکرم ۱۳۲۸ ـ صفحه چهارم مطلبی تحت عنوان مطبوعات ، به نقل از مانچستر گاردین لندن مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۰ آمده است که خبر از تجدید فعالیت مطبوعات در این دوره را می‌دهد :

((مطبوعات ـ ترجمه از روزنامه مانچستر گاردین لندن مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۰ ـ ترقی ایران مطبوعات و کار آنها ـ از وقتی که کنستی توسیون در ایران از نو برقرار شده است مطبوعات ایران فعالیت خود را تجدید نموده‌اندایندفعه با جدیت و شوق خیلی بیشتر ـ ایندفعه روزنامه ها خیلی با نفوذ تر و خیلی خواندنی تر شده‌اند .

در میان جراید مهم روزنامهٔ (مجلس) است که شرح مفصل تمام گزارشات و مذاکرات پارلمان ایران را می‌دهد ـ این روزنامه قبل از کودتا (بهم خوردن مجلس) طبع می‌شد دو روزنامه مهم دیگر هم هست.

یکی (شرق) است دیگری (استقلال ایران).

اولی جریده‌ای است یومیه که یک صفحهٔ آن بفرانسه و باقی به زبان فارسی طبع میشود دومی جریده هفتگی است که تمامش بزبان فرانسه است .این دو جریده هر دو علاوه بر اخبار خارجه اطلاعات بسیار مفید راجع به داخله ایران می‌دهندـ بزبان فرانسه طبع نمودن این جراید خیلی بسیار مستحسن است زیرا که اهل اروپا را قادر

میکند به اینکه از افکار عامهٔ ایران مطلع شوند به این مناسبت عبارات روزنامهٔ شـرق را نقل می کنیم که می گوید : در آتیه ما یک صفحه به زبان فرانسه طبع خواهیم نمود محض اینکه اهل اروپا را از وقایع ایران باخبرتر کنیم .

و امیدواریم بدینوسیله بتوانیم خودمانرا بهتر مدافعه کنیم در مقابل اخبار بی اصلی که قوهٔ خیال بعضی از روزنامه نویسهای قهقرا طلب روس دربارهٔ ایران اشاعت می‌دهند. امیدواریم بیابیم همراهی و طرفداری ملل معظم اروپا را که اول مللی بودند کـه علـم حریت را بلند کرده خون خود را دربارهٔ حفظ حقوق انسانی ریختنـد زیـر ا کـه ایـن ملل چشم محبت باز کنند بسوی یک ملـت قدیمـی کـه بـه کلـی مصمـم اسـت کـه مستقل وآزاد بنماید و بواسطهٔ ترقیـات خویـش جای خـود را در میـان ملـل معظمـه بگیرد.

بر طرف نمودن استبداد جنگیدن برای آزادی کمک به اشخاص مستمند ایـن اسـت مقصود ما و آنرا حاصل خواهیم نمـودو بـرای اینکـار از هیـچ چیز پرهـیز نخواهیـم نمود.......))[1]

((انتقاد یکی از نمایندگان مجلس از کابینهٔ ساعد))

در جلسه ششم دورهٔ شانزدهم مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۲۸ پـس از ادامهٔ رئـوس برنامـه هـای دولـت توسـط سـاعد بـه مجلـس ، یکـی از نمایندگـان ((منفرد)) بنام آقای آشتیانی‌زاده که منتسب و وابسته به هیچ گروه متشکل سیاسی در مجلس نبود ، درخصوص مواد برنامه های دولت (ساعد) اظهاراتی را بیان نموده‌اند که خواندن آن خالی از لطف نیسـت ، بـه قسمتی از بیانات آقـای آشتیانی زاده در

[1] ـ روزنامه مجلس ـ شماره ۲۴ ـ سال چهارم ـ مورخ ۲۸ شوال المکرم ۱۳۲۸ مطابق ۲ دسامبر ۱۹۱۰ میلادی ـ صفحهٔ چهارم

جلسه چهاردهم اسفندماه ۱۳۲۸ مجلس شورای ملی که از کتاب ((مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت)) تألیف محقق گرامی جناب آقای دکتر عبدالرحیم ذاکرحسین ، عیناً نقل گردیده است توجه فرمائید [1]:

بحث برسر برنامه دولت آغاز شد و آقای اشتیانی‌زاده که منتسب به هیچ گروه متشکل سیاسی در مجلس نبود بلکه ((منفرد)) محسوب میشد سخن را نخست درباره احزاب و نبودن اینگونه سازمان‌های سیاسی آغاز کرد آنگاه در خصوص مواد برنامه دولت (ساعد) چنین اظهار داشت :

((... نسبت بحیات پادشاه مملکت در حکومت شما سوء قصد شد و شما که لیاقت حفظ نظم و جلوگیری از اینگونه حوادث را نداشتید و می‌بایست فوراً استعفاء می‌کردید از مخاطره حیاتی اعلیحضرت سوء استفاده کردید و حفظ موقعیت خود را مستحکم نمودید)) .

هژیر را کشتند و از مرگ او دستگاه شما برای مستقر شدن خود سوء استفاده کرد ، یعنی حکومت نظامی را اعلام نمودید و دهانها را بستید و قلمها را شکستید ، هر خطری که پیش‌بیاید شما استفاده می‌کنید ، اینها شانس است ، اینها بخت است ، اقبال است (خنده نمایندگان)

((شما بجای اینکه رضایت مردم را فراهم کنید و مسائل معیشت عمومی را تأمین نمائید سعی کردید با زور سرنیزه با حکومت نظامی با فشار بر افراد مختلف مردم عدم لیاقت خودتان را جبران کنید ، ننگین‌ترین مظالم استبدادی که در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته است شما مرتکب شده‌اید ، شما از مردم سلب آزادی کردید ؛ هر

---

[1] ـ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ـ عبدالرحیم ذاکرحسین ـ انتشارات دانشگاه تهران ـ ۱۳۷۵ ـ صفحه ۱۹۵ ـ ۲۰۰

کسیکه از حکومت فاسد شما رضایت نداشت با یک گزارش مجعول به او تهمت زده یا کنارش گذاشتید و بزندان انداختید .

((انتخابات دوره ۱٦ بوسیله مداخله مأمورین دولت بصورت ننگین‌ترین انتخابات ایران درآمد . کار افتضاح انتخابات بواسطه مداخله دولت بجائی کشید که انجمن نظارت مجبور شد برخلاف قانون ، انتخابات تهران را ابطال کند . اقدامات شما سبب شده که برای منتخبین مجلس در هر شهری صدنفر مخالف بتراشند (صحیح است) هرجا که انتخابات شده سی تا کاندیدا قبلا بوده و ٤٥ نفر هم بعداً پیدا شده و بهمه وعده داده‌اید که بله درست می‌کنیم اینها همه تشدید شده و مملکت را بهم زده است ، چندین صف مختلف در مقابل یکدیگر صف کشیدند برعلیه یکدیگر زد و خورد می‌کردند ، انتخابات ایندوره خرابتر از دوره گذشته بود ، در دوره چهاردهم هم همینطورها بود ، بهتر نبود ، ولی مبارزه ایندوره بیشتر شد ولی نمی‌دانم چه فکری ایشان داشته و روی چه اصلی این رویه را آغاز نموده که همه را راضی نگهدارد ، می‌خواهید هم وجیه‌المله باشید و هم دیکتاتور . این علمی نیست یا باید وجیه‌المله بود رفت نشست کنار دعا خواند و خطبه خواند بمردم وعده روز قیامت داد یا اینکه دیکتاتور بود آمد سرکار و گرفت و زد و گفت همین است که هست هر که حرف بزند دهنش را خورد می‌کنم ... شما کاری کردید که علیه مجلس شانزدهم پرونده بسازند .شما مردم را با مجلس طرف کردید زیرا می‌خواستید مجلس را ضعیف کنید و نقشه‌های شیطنت‌بازی که از مدتها پیش طرح شده است بموقع اجرا بگذارید .

((شما در مدت هفده ماه حکومت خاکستری تیره‌رنگ خود با سیل بیکاران و گرسنه‌های مملکت چه کرده‌اید کدام اقدام اصلاحی را برداشتید . کدام سد را ساختید . کدام خانه را دائر کردید ...)) .

((سیاست اقتصادی شما که بر پایه اضمحلال بنیه مالی کشور است آنقدر بصادرکنندگان خارجی مجال دارد که بازارهای ایران را پر از لباس‌های کهنه و بادکنک و مسواک و اسباب‌بازی کنند تا از یک طرف سیل ثروت مملکت بطرف خارج جاری شود و از طرف دیگر کارخانه‌های نساجی ایران یکی پس را دیگری تعطیل شوند ...)) .

((روابط خارجی مملکت ما در زمان تصدی شما بمراتب تیره‌تر از زمان پیش‌شده است . مذاکرات بازرگانی میان ایران و شوروی که با بوق و کرنا از طرف شما اعلام شد بکدام نتیجه رسید ؟ روابط سیاسی ما با دولت شوروی چگونه است ؟ ما می‌خواهیم در جوار کشور شوروی زندگی آرام داشته باشیم ، همانطور که اعلیحضرت همایونی فرمودند هدف ما ایجاد حسن مناسبات با همسایگان ایران می‌باشد . شما کدام قدم مثبت را در اینراه برداشتید ؟ روابط ما با دولت انگلستان بهیچوجه روشن نیست ...

شما کاری کردید که موضوع نفت پیراهن عثمان برای مشتریان بازار شهرت شود . طوری عمل کردید و بصورتی مجلس را در آخرین ساعات خود تحت فشار گذاشتید که تمام مردم ایران تصور کردند یک دسیسه خطرناکی را طرف دولت خارجی برای اینکار شده است درصورتیکه بعداً معلوم شد این هنرها مخصوص بخود شما و دولت ابد مدت شما بوده است که برای خوش‌رقصی و خوش‌خدمتی آن خیمه شب‌بازی را علم کردید زیرا بعد از معوق ماندن لایحه نفت نه آسمان خراب شد نه سقفی فروریخت نه اعلان جنگ دادند و مسلماً ملت انگلیس استقامت مردم ایران را در حفظ حقوق خود بیشتر از شما می‌ستاید . چنانکه جراید مهم

انگلستان با صراحت هرچه تمامتر این مطالب را نوشتند و ای کاش کـه شما باندازه انگلیسی دلتان بحال مملکت بیچاره و فقیر می‌سوخت .

((روابط ما با آمریکا بصورت مضحک و عجیبی درآمده است . آقای ساعد کـه با آمریکائیهای مقیم تهران خیلی دوست هستند از دوستی ایشـان فقـط ایـن استفاده را کردند که کشور ما را مفت و مجانی تسلیم بلوک غربی کنند سایر افراد هیئت حاکمه هم در این چند سال باین کار کمک کرده‌اند ...)) .

((با این هنرنمائی کاری کردنـد کـه در تاریخ سیاست ایران بی‌سابقه بود . تمام ممالک دنیا که امروز جزو بلوک غربی هستند تا وقتی ، پول ـ وسائل کافی ـ اسلحه و مهمات نگرفتند یعنی لااقل قیمت خودشان را دریـافت نداشتند اعلان دشمنی با جبهه ضدآمریکائی و اعلان همبستگی با بلوک غرب نکردنـد ... چیز غریبی است که در مقابل خطرات مهمه‌ای که سیاست آقای ساعد و دولت ایشان متوجه مملکت ما کرده است . ما فقط نطق و مقاله‌های جراید آمریکا را باید تحویل بگیریم .

آقای ساعد این سیل دلارهائیکه وعده می‌دادید کجاست ؟ این کمکهای مهمی کـه آمریکا برای آبادانی کشور ما کرده است کو ؟ دویست و پنجاه میلیـون دلار قرضـه بانک بین‌الملل چه شـد ؟ امریکـا میلیاردهـا دلار بـه یونـان و ترکیـه کمـک مـالی و اقتصادی کرده است . بـرای هنـد و چیـن و اندونـزی و کـره جنوبـی میلیاردهـا دلار کمک تخصیص داده است درصورتیکه هیچیک از آنها هم مرز و هم‌جوار شوروی نیستند .

کدام ملت بدبخت و زمامدار بی‌خردی است که بعشق یار موهوم ، خود را بقعر چـاه بیاندازد تا مار بگیرد ؟ کدام دولت بی‌هنری است که مملکـت را مفـت و مجـانی در مقابل سیل مخاطرات سیاسی و نظامی قرار دهد : شما که لیاقت نداشتید لااقـل بـرای

سیر کردن شکم این گرسنه‌های بدبخت کمک از مملکتی بگیرید که میلیاردها دلار به ممالک دیگر کمک می‌دهد تا ملحق به جبهه شوروی نشوند ، چرا ایران را دست بسته تسلیم مخاطرات کردید اگر خطری متوجه مملکت بدبخت ما بشود شما چه جواب خواهید داد ؟این سیاست اگر مبنای اطاعت از اوامر بیگانگان نداشته باشد جز ساده‌لوحی و بی‌مغزی چه نامی‌دارد ؟

((اثر توسعه سیاست امریکا در ایران فقط تیره شدن روابط ایران و شوروی و خشم و کینه شدید زمامداران همسایه شمالی نسبت بما شده است .

اگر دولت ساعد از هول حلیم خود را بدیگ نیانداخته بود و سیاست یکطرفه را اعلام نمی‌کرد امروز امریکائیان به ما التماس می‌کردند که در مقابل مسائل سیاسی نسبت به آنها به ما کمک‌های سرشاری بکنند .

من نمی‌دانم موفقیت این نیرنگ خطرناک سیاسی را در ایران باید حمل به ذکاوت و هوش و زبردستی سیاستمداران خارجی کرد یا ساده‌گی و بی‌مغزی سیاستمداران ما .

این بیلان مختصر عملیات هفده‌ماهه زمامداری آقای ساعد بود که بعرض آقایان رساندم . خوب حالا می‌فرمائید با علم و اطلاع از این افتضاحات و این خسارتهای کمرشکنی که از لحاظ داخلی و خارجی دولت آقای ساعد بمملکت ما وارد آورده است یکبار دیگر کلید مملکت را بدست ایشان بسپاریم که خدمات ناقص خود را تمام کند و فاتحه بی‌الحمد برای مملکت و ملت ایران بخوانند ؟!

آقای ساعد ، اگر شما مرد لایق و هنرمندی هستید هنرنمائیهای شما در این هفده‌ماه برای نسل فعلی مملکت کفایت می‌کند و سالهای سال خواهد گذشت و ملت ایران موفق به جبران صدماتی که شما بر او وارد آورده‌اید نخواهد شد . آیا خجالت‌آور

نیست کسی که سبب این بدبختی‌ها بوده است در کمال جسارت از نو داوطلب زمامداری شود ؟ شما با کدام رو و با کدام اعتبار جرئت می‌کنید تقاضای رأی اعتماد نمائید ؟ مگر ماهیت شما و وزراء شما در ظرف این چند روز عوض شده است ، مگر هفده ماه شما آقایان بدون مانع و رادع و بدون وجود مجلس بدون بازخواست مصدر کار نبودید . چه هنری نشان دادید که بپاداش آن امروز تقاضا دارید آقائی و بزرگواری شما را تصدیق کنیم و زمام اختیار این ملت بدبخت را بدست شما بسپاریم . آقایان وزیرانی که جناب آقای ساعد بمجلس معرفی کرده‌اند بجز یکی دونفرشان سالهای سال است که در همین مشاغل مستقر بوده‌اند اگر هنری داشتند تاکنون بمنصه ظهور رسیده بود . از این امامزاده‌هائی که خودمان ساخته‌ایم و ماهیت هر کدامشان را می‌دانیم چه معجزی می‌توان انتظار داشت ؟

((در برنامه دولت فصل راجع باصلاحات دادگستری و تأمین قضائی مردم ملاحظه می‌شود بسیار اسباب تعجب منست که چطور دولت آقای ساعد که قهرمان قانونشکنی و حق‌کشی است چنین ادعائی دارد در مدت چند ماه اخیر چقدر از مردم منورالفکر این مملکت را بجرم مخالفت با دولت دستگیر کرده و زندانی یا نفی‌بلد نموده‌اند ؟

((امنیت قضائی چطور در مملکت پیدا می‌شود که هرکس مخالف منویات دولت حرف بزند یا چیز بنویسد فوراً بگوشه زندان کشیده می‌شود و بدون رعایت قانون با او معامله می‌کنند .

((توقیف و تبعید دکتر مصدّق یا حائری‌زاده ، مکی ، آزاد بجرم آنکه چرا مردم برخلاف میل دولت به آنها رأی داده‌اند دلیل بارزی برای اثبات این مدعاست .

((جناب آقای ساعد شما چرا حائری‌زاده را حبس می کنید ، حائری‌زاده رفت هژیر را کشت ؟ قاتل هژیر را گرفتند قاتل مرحوم هژیر را گرفتند و قاتل هم اعتراف کرد که من این مرد را کشتم من قاتلم ، مصدق‌السلطنه را کجا پیدا کردید باو چه ربطی داشت . برای اینکه وکیل اول تهرانست بنده دو سه سال است که آقای دکترمصدق را رویت نکرده‌ام ولی می‌ترسم یک روز بنده را هم بگیرند ، اینکه نمی‌شود . با این ترتیب هیچکس ، هیچ اصول و ترتیبی در امورش جاری نباشد ، سنگ روی سنگ نمی‌ایستد هرکس هرکاری بکند ،هرکس استقامت کرد او را می گیرند شکنجه می کنند ، زور بهش می گویند حبسش می کنند . این نمی‌شود آقا این ترتیب حکومت مشروطه نیست این حکومت حبشه است ، حکومت حبشه هم اینطور نیست . این ارائی که مردم تهران به وکلای اقلیت دادند برعلیه دولت شماست برله آنها نیست علیرغم نفع دولت شما مردم تهران این رجال را انتخاب کردند اینها رأی عدم اعتماد شماست اگر مجلس ایران حقیقتاً بخواهد مطابق میل مردم رفتار کند وکلای ملت باید بشما در اولین مرتبه رأی کبود بدهند و شما را برای خاطر مردم از پست خود برانند (صحیح است) دو مرتبه انتخابات کردند ، مخالفت نمره یک شد اول ، مخالف نمره ۲ شد دوم ، مخالف نمره ۳ شد سوم این آراء که بدانها ندادند برعلیه دولت شما دادند اگر بنده هم مخالف شما بودم بنده هم وکیل مردم تهران بودم بنده حماقت کردم که موافق دولت شما شدم (صحیح است ـ این حرفتان صحیح است) و همه آقایان هم همینطور (خنده نمایندگان)

((... اگر زمامداران ما و دولت آقای ساعد می‌خواهند با کومونیزم مبارزه کنند چه راه بهتری را تهیه وسائل آسایش مردم و تعدیل ثروت و از میان بردن اختلافات طبقاتی در نظر دارد ؟

((... شما که حزب تـوده را بسـتید . شـما کـه هرکـس حـرف بزنـد داغ کمونیسـتی برپشت او می‌زنید و هرکس طرفـداری از گرسـنه‌ها کـرد اور ا بلشـویک می‌خوانیـد چرا پس قدمی برای رفاه مردم برنمی‌دارید تا به آنهـا بفهمـانید کـه مـا در فکـر شـما هستیم و کمونیست‌ها دشمن شما هستند . اگر تأثیر اقدامات شدید و سفیهانه خـود را نمی‌توانید حدس بزنید اقلاً از معلمهای خود بپرسید که این خشونتها تا چه انـدازه در توسعه کمونیزم موثر است .

شما خودتان بزرگترین مبلغ کومنیزم هستید . شـما عمـلاً بـه مـردم یـاد می‌دهیـد کـه دولت و دستگاه حاکمه هیچگونه پشـت و پنـاهی بـرای آنهـا نیسـتند . شـما بیکـار را کتک می‌زنید . گرسنه را فحـش می‌دهیـد و رعیت‌هـای آواره را حبـس می‌کنیـد و لقب شریر به آنها اعطاء می‌فرمائید و بعدهم میگوئیـد کـه چشـمت کـور بـاید وطـن پرست باشی ؟

کدام وطن را دهاتی گرسنه دربدری که تیفوس طفلش را کشته ، گرسنگی زنـش را نفله کرده و درد و گرسنگی خودش را بصورت اسکلت درآورده بپرستند ؟

وطنی که هرچه درد و غم دارد بسر آن بیچاره می‌خورد ،کچلی ، تراخـم ، حصبـه ، تیفوس ،سل ، گرسنگی و برهنگی ، سرمای کشنده و گرمای مرگبار آن سهم رعیت و فعله است . باغ و پارک و اتومبیل ، زن و بچه تربیت‌شـده ، آب جوشـانده بهـترین لذایذ آن سهم یکعده ده‌هزار نفری است))[1] .



[1] ـ مذاکرات مجلس شورای ملی ، دوره شانزدهم ، جلسه ٦ ، مورخ یکشنبه ١٤ اسفندماه ١٣٢٨

روزنامه ملتی

((روزنامه ملّت سنیهٔ ایران))

این روزنامه که اولین شماره آن در چهارشنبه پانزدهم محرم ۱۲۸۳ ه . ق (و) جمعه چهاردهم ربیع الاول ۱۲۸۳ ه .ق (این روزنامه دوبار بنام ((نمره اول)) انتشار یافت) در قطع ۲٤×۳۸ بمدیریت و سر دبیری علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه در تهران انتشار یافته است ، یکی از چهار عنوان روزنامه‌ای است که خبر دستور انتشار آنها در ((روزنامه دولت علیه ایران)) چاپ گردید:

((چون توجه ملوکانه در انتظام امور دولتی از هر جهت زیاد است در طبع روزنامه‌جات که در اداره وزارت علوم است اهتمام تمام فرمودند حکم قدر توأم به اعتضادالسلطنه وزیر علوم شده که در هر ماهی چهار طغرا از این قرار طبع شود و میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک [1] از جانب وزیر علوم نایب بوده :

اول روزنامه دولتی بدون تصویر

دوم روزنامه دولتی مصور

سوم روزنامه ملتی که به طور آزادی نوشته می‌شود

چهارم روزنامه علمی))[2]

علت و لزوم انتشار

در رابطه با علت و لزوم انتشار ((روزنامه ملی)) در روزنامه وقایع‌اتفاقیه خبری منتشر شده است که به دلیل اهمیت آنرا نقل میکنیم :

---

[1] ـ ابوالحسن خان صنیع الملک در آغاز سال ۱۲۸۳ ه . ق بر اثر سکته دار فانی را وداع گفت و نتوانست به عنوان نایب وزیر علوم این مأموریت را به انجام برساند

[2] ـ روزنامه دولت علیه ایران شماره ۵۹۱ ششم ربیع الاول ۱۲۸۳ ه .ق صفحه ۳

بسم الله تعالی شأنه العزیز و له الحول

روزنامه ملتی سنیه ایران

بتاریخ یوم چهارشنبه پانزدهم شهر محرم الحرام سنه یکهزار و دویست و هشتاد و سه هجریه علی هاجرها الآف الصلوة والسلام من رب البریة

نمرهٔ اول

[illegible] دستگیری از ضعفا [illegible] حضرت اقدس [illegible]

[illegible] گزارش [illegible] تقویت اهل ایران [illegible]

[illegible] مصالح دولت و ملت [illegible] بوده است و صدراعظم [illegible]

[illegible] انبیا و سید اصفیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله [illegible] خاک

[illegible] ایجاد است مملکت ایران [illegible]

[illegible] وسعت فضا از غالب اقالیم ربع مسکون [illegible]

[illegible] توصیف و تعریف بی نیاز است بنای دولت قدیمش در تواریخ و سیر

[illegible] نهایت استحکام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علی الخصوص [illegible] بواسطه وجود پاک

[illegible] شاهنشاهی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

((در هر ملکی که روزنامه جات عامه بیشتر شیوع یافته است اهالی آن مملکت از اوضاع خارجه و از مراسم بصیرت که موجب ترقیات است زیادتر آگاهی دارند و الحق به جهت انتشار وقایع و آگاهی عامه خلق بهتر از روزنامه اسبابی به تصور نمی آید و چون در این اوقات مراوده ممالک ایران خواه با یکدیگر و خواه با ممالک خارجه روز بروز بیشتر و انتشار اخبار و استعلام خلق از وقایع اتفاقیه لازم تراست بر حسب استدعا ی اشخاص که طالب احوالات غریبه هستند به ملاحظه ازدیاد روابط طوایف مختلفه و ترویج اطلاعات خارجه به خودشان اذن داده شد که در تفحص و انتشار اخبار غریبه باشند و چنانکه در اسلامبول هم (جریده الحوادث)و (ژورنال دوکنستانتی نوپل)و در پاریس روزنامه (دُبا)و غیره و در دول دیگر روزنامجات عدیده باسم های مختلفه باسمه میشود در دارالخلافه تهران هم روزنامه ملتی باسمه شود . آنچه اخبار در این روزنامه ملتی نوشته میشود خالی از دو قسم نخواهد بود یا اخباری است که در روزنامجات دول سایره نوشته شده است و از آن روزنامجات نقل به این روزنامه میشود ، مباشر این روزنامه باید بنویسد که در فلان روزنامه اینطور نوشته است که بعینها در این روزنامه نیز نوشته میشود و یا اخباری است که مردم صورت به مباشر روزنامه خواهند داد اگر ضرری از برای استقلال و شان دولت علیه ندارد مباشر روزنامه میتواند آن کیفیت را باسمه نماید و اگر از برای استقلال و شان دولت علیه ضرری به نظر می آید مباشر روزنامه باید باسمه کردن آن اجتناب نماید [1]))

---

[1] روزنامه وقایع اتفاقیه - شماره ۲٦۷ مورخ پنجشنبه ششم رجب ۱۲۷۲ به نقل از پیشگفتار مجموعه ((روزنامه ملتی)) ناشر مرکز گسترش آموزش رسانه ها - تهران ۱۳۷٤-

روزنامه ملتی ،بیگانه با ملت

گوئل کهن در کتاب ((تاریخ سانسوردر مطبوعات ایـران))در مطلبـی تحـت عنـوان ((انتشار روزنامه ملتی ،بیگانه با ملت))مینویسد .

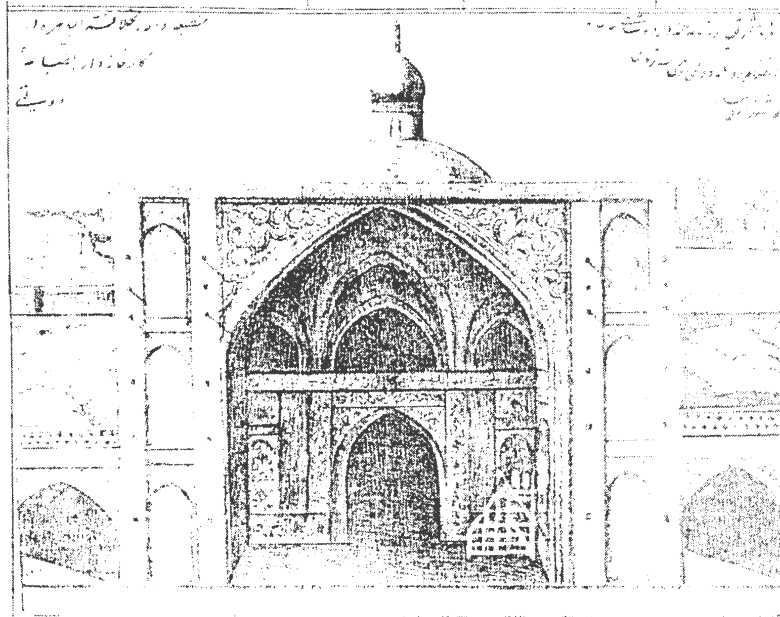
((......ناصرالدین شاه مایل بود تا نشان دهد که اگر روزنامه های دولتی فقط صاحب منصبان دستگاه حکومتی و در باریان می تواند مطالب یـا مقـالاتی بنویسـد ،روزنامـه ملتی در اختیار تمام افراد ملت است تا بدین ترتیب ،یک روزنامه ملـی کـه نمایـانگر تمایلات آزادانه مردم و تجلی افکار عمومی است ،منتشر شود ،اما بعلت اینکه سخن ملت با سخن نظام استبداد و استثمار ،هیچگاه نمیتواند یکسـان باشـد و مصـالح یکـی ضد منافع دیگری است ،در اینجا نیز زیر عنوان عوام فریبانه ملتی و با سـو اسـتفاده از نـام ملـت ،روزنامـه ای انتشـار مـی یـابد کـه تنهـا مطلبـی کـه در آن موجـود نیسـت ،((صدای مردم و حرف مردم))است روزنامه ملتی که بصورت ماهانه منتشـر میشـده ،در حقیقت جنگی است سر گرم کننده و بی هدف بویژه اینکه بـا گنجـانیدن اشـعار خوش مزه و لطایف گوناگون در لابلای آن ،کوشش بعمـل آمـده تـا خـاطر خطیـر ((ملوکانه))شاد گردد.

......این روزنامه از یک سو ،واکنش حکومت استبداد در برابر تحول فکری اروپـا و افزایش سهم و نقش جامعه اروپائی در حاکمیت ،به شمار می آید و از سـوی دیگـر ،وسیله نفوذ مناسب در جهت رویا روئی با مـوج مخالفتهـا و تمـایلات افزاینـده ضـد استبدادی و استثماری طبقات فاسد حاکم و فرو نشاندن عطش طبقات محروم جامعه نسبت به اگاهی لازم و اخبار و اطلاعات محسوب می‌شود.

چرا که حکومت ، برای وانمود ساختن وجود دموکراسی در جامعه ایرانی و اسـتفاده تبلیغاتی در سیاست خارجی خود و کسب حسن شهرت در محافل جهانی ، با بودجه

روزنامهٔ ملتی

بتاریخ یوم جمعه بیست و سیم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و دویست و هشتاد و دو هجری



شرح احوال داود شاعر

داود تخلص ... [illegible] از سادات علوی است معاصر و مداح شاه سلیمان صفوی و مصاحب آن پادشاه ... [illegible]

... [illegible] تولیت ... [illegible] مفوض گشت و در زمان شاه سلطان حسین نیز ... [illegible] در مدح آن پادشاه اشعار زیاد دارد ... حاجی

لطفعلی بیک آذر در آتشکده نوشته که از سادات حسینی است خود نیز در اشعارش ... [illegible] نسب کرده چنانکه گوید ... [illegible] نسل داود

حسینی ... [illegible] پشیمان است ... [illegible] مهربان ... [illegible] و در آتشکده او را اصفهانی گفته و خود نیز در قطعه که ... [illegible]

از ... [illegible] مشخص کرده که در هزار و شصت و پنج در دار السلطنه اصفهان بعرصه وجود آمده ولی در اشعارش وطن خود را آمل

... [illegible] چنانکه گوید ... [illegible] وطن از دل ... [illegible] در صفهان داود آمل را و له از هوای ...

... [illegible] آرزو دارد ... [illegible] آنچه از اشعارش معلوم است ... [illegible] پیشتر از علوم بوده ولی ...

برای ... [illegible] اشعار که ... [illegible] پیشتر از علوم ... [illegible] امام

میگوید که ... [illegible]

و امکانات دولت (و با نام ملت) دست به انتشار روزنامه ای می‌زند که ابداً در آن ، نشانی از تجاوزات روزافزون حکام ولایات ، کشتارها و بند و بست‌های وابستگان دربار و غارت و چپاول خزانه ملی و فشار و اختناق و سرکوبگری دولتی دیده نمی‌شود ......)).[۱]

روزنامه ملتی ، علاوه بر برخی خبرها ، در بردارنده مقالاتی در شرح احوال و آثار شعرای قدیم و معاصر با انتشار روزنامه است ، از جمله شعرایی که در شماره های مختلف ((روزنامه ملتی)) مورد بحث قرار گرفته اند عبارتند از : شمس الشعراء میرزا علی خان اصفهانی ـ دقیقی ـ هادی نوری افکره تخلص ـ عسجدی ـ حکیم فردوسی ـ داود شاعر ـ منوچهری ـ میرزا محرم ـ آذر شاعر ـ هاتف شاعر ـ حکیم خاقانی ـ وحید شاعر ـ سلطان بایزید ـ کلیم شاعر ـ حکیم سنائی ـ حکیم الممالک ـ نظیری شاعر ـ میرعبدالعال اصفهانی متخلص به نجات ـ مسعود سعد سلمان ـ حسام میرزا ملقب به شمس الشعراء ـ انوری ابیوردی و ....که در واقع چهرهٔ روزنامه ادبی به روزنامه ملتی داده است. سرانجام این روزنامه در اواخر سال ۱۲۸۷ ق با تشکیل ((اداره روزنامجات دولت علیه و دارالطباعهٔ ممالک محروسه و دارالترجمه دولتی به ریاست محمدحسن صنیع‌الدوله ، بهمراه دو روزنامه دولتی و علمی تعطیل شدند.

به دنبال فرمان ناصرالدین شاه دال بر تعطیل روزنامه های دولتی ، ملتی وعلمی، از یکشنبه ۱۱ محرم الحرام ۱۲۸۸ ق، یک روزنامه بنام ((روزنامه ایران)) [۲] منتشر گردید، پس از تعطیلی این روزنامه‌ها صاحبان فکر و اندیشه که مجوز نشر روزنامه را کماکان در انحصار دولتیان دیدند ، برای انتقال پیام و عرضهٔ فکر خود به چاپ

---

[۱] ـ تاریخ سانسور در مطبوعات ایران ـ گوئل کهن ـ جلد ۱ صفحه ۵۳ انتشارات آگاه ـ تهران

[۲] ـ رجوع فرمائید به همین کتاب : عنوان ((روزنامه ایران))

مطبوعات فارسی در خارج از کشور و شب نامه نگاری در داخل کشور مبادرت نمودند و بجای روزنامه ملتی شب نامه‌هائی با عنوان ((اعلان ملتی)) بوسیلهٔ ملت منتشر می‌شد.



روزنامه دانش

روزنامه دانش که اولین شماره آن در حدود یکصد و بیست و یک سال پیش یعنی ۲۳ رجب ۱۲۹۹ ((توسط علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم و رئیس مدرسه دارالفنون)) [1] انتشار یافته است ، در واقع اولین نشریه دانشگاهی و سومین روزنامه علمی کشور است [2].

عمر این نشریه با انتشار آخرین شماره آن که شماره چهاردهم باشد در شانزدهم صفر ۱۳۰۰ه ق بعد از شش ماه و شانزده روز به پایان رسید.

این نشریه از نظر جنبه ظاهری و هنرهای مربوط به فن روزنامه نگاری در مقام والائی قرار دارد و از نظر محتوی و علمی بودن مقاله‌ها اگر قدمت آنرا که یکصذ و بیست سال دارد در نظر بگیریم دست کمی از نشریه های دانشگاهی امروز ندارد.

متن صفحه ها با خط نسخ و سرلوحه ها و عنوان ها به خط ثلث نگارش یافته که در نوع خود کم نظیر و استادانه ترین خط در تاریخ خطاطی است. به قسمتی از مقاله

[1] ـ تاریخ جراید و مجلات ایران ـ مرحوم محمد صدر هاشمی ـ جلد ۲ ـ صفحهٔ ۲٦٥ ـ ۲٦٦ـ انتشارات کمال ـ اصفهان ۱۳٦۲

[2] ـ نخستین نشریه علمی ((روزنامهٔ علمیه دولت علیه ایران)) سال ۱۲۸۰ ق ـ دومین نشریه علمی توسط محمد حسن خان صنیع الدوله ((اعتماد السلطنه)) سال ۱۲۹۲ ق

مندرج در نخستین شماره روزنامه دانش به تاریخ ۲۳ شهر رجب ۱۲۹۹ ه.ق مطابق با دهم ژوئن ۱۸۸۲ مسیحی توجه فرمائید:

((ابتدئت ببسم‌الله المجیدانّهُ فعال لّما یشآءُ و یرید)) بر روان ارباب دانش و اصحاب بینش که دوحهٔ علم و حکمتران اعضاء نضیره‌اند و اوج کمال و معرفت را شموس منیره مکشوف و مشهود باد که چون خدای علت کلمتهٔ . جلت قدرته خواست تا کنز نهفته پیدا سازد و رمز ناگفته هویدا نماید یعنی گوهر فضل و دانش که از دیر باز عهود سالفه و قرون ماضیه در پردهٔ اختفا مستور و در کنج انزوا مهجور بود جلوهٔ بروز دهد و به منصهٔ ظهور آورد........ در سوابق ایام و سوالف اعوام روزنامهٔ علمی در اداره وزارت علوم طبع و به مردم داده می‌شدو به سبب اتفاق بعضی موانع و طبع و انتشار آن موقوف و معطل مانده بود چندی قبل بندهٔ درگاه و چاکر دولتخواه از خاکپای اقدس همایون استقرار آن را استدعا نموده بعزّ انجاح مقرون آمد و بواسطهٔ برخی مهمات محوله و خدمات موکوله که انجام آنها اهم می‌نمود در عهد تأخیر مانده و اینک که فراغتی اندک حاصل شده نوبت رجوع به مقصد و شروع به مقصود است انشاءالله تعالی هر ماه دو مرتبه فقرات لازمه و مطالب مفیده که متعلق به علوم است مطبوع و به اطلاع ناظرین می‌رسد امید که دربارگاه گردون اشتباه ملوکانه از دولت قبول محروم نماند و اسئل الله الاعانه والتوفیق .....))[1]

نکتهٔ جالب توجه این است که این نشریه به طرز بسیار نفیس و به بهای گزافی تهیه می‌شده لیکن به استادان و دانشجویان مجاناً داده می‌شده است و در بالای روزنامه

---

[1] ـ قسمتی از مقدمهٔ مربوط به انتشار روزنامه دانش به اختصار ـ نقل از ((روزنامه دانش))ـ نمره اول ـ صفحه اول ـ ۲۳ رجب ۱۲۹۹ (دهم ژوئن ۱۸۸۲ مسیحی)

در طرفین آرم و نام روزنامه نوشته شده است : ((حاملین این روزنامه و در طهران و غیره از سایر بلاد ایران حق مطالبه قیمت ندارند ـ اعلان این روزنامه قیمت ندارد))

رسالهٔ مفتاح العلوم

پاورقی روزنامه دانش از شماره دوم تا آخرین شماره آن یعنی شماره چهاردهم مطلبی بوده تحت عنوان ((رسالهٔ مفتاح العلوم)) نگارش جعفر قلیخان سر تیپ رئیس دارالفنون که در ایران آنروز بکر ترین و مترقی ترین مقالهٔ علمی بوده که هنوز هم مطالعهٔ آن سودمند به نظر می‌رسد ـ این رساله کلاً بصورت سؤال و جواب از متن اصلی (به زبان فرانسه) ترجمه و در زیر کلیه صفحات روزنامه دانش (از شماره ۲ تا ١٤) آمده است ، به چند نمونه از آن توجه فرمائید:

س : حرارت چیست؟ **ج:** [1]حرارت بالذات یا فی نفسه عبارتست از حرکت ذرّه که در واقع میشود در اندرون اجسام یا سیّالهٔ بی وزنی که متأخرین اتر مینامند و بالعرض یا نسبت به کسیکه آنرا احساس میکند عبارتست از حس مخصوصی [2]که از قرب و مجاورت جسم کرمی محسوس قوّهٔ لامسه که آلت عمومی آن جلد است می‌شود.

س : اینحالت چگونه احساس می‌شود؟ ـ **ج ـ** اینحالت بواسطهٔ یک نوع تشعشع بسیار لطیف غیر مرئی حاصل می‌شود.

س: اسم این تشعشع لطیف غیر مرئی چیست؟

---

[1] ـ علامتگذاریها مانند علامت ؟ ـ : ـ ، و غیره در متن اصلی نیست ، صرفاً برای سهولت مطالعه علامتگذاری شد.

[2] ـ در متن اصلی ((مخصوسی)) آمده است.

ج : آنرا به اصطلاح متأخرین کلریک یا قوهٔ حرارت نامند لهذا کلریک سبب حسّ حرارت است و محدث آنست و علاوه بر آن سبب حس حرارت است و محدث آنست و علاوه بر آن سبب آثار و اعمال متعدده دیگر می‌شود .

س : منشاء حرارت کدام است ؟

ج : منشاء حرارت عبارتست از آفتاب و الکتریسیته و اعمال طبیعی باطنی که معروف شیمیائی است و حرکات.

س : آثار عمدهٔ حرارت کدام است ؟

ج :تلطیف و ازدیاد حجم و میعان و تبخیر و اشتعال .[1]

....

....

س : منشاء ثانی حرارت چیست؟

ج : الکتریسیته که مشتق است از زبان یونانی و ترجمه تحت اللفظ آن قوه کاه ربائیست.

س : چرا این عامل طبیعی را به این اسم خوانده اند و از کاه ربا مشتق کرده اند؟

ج : زیرا که کاه ربا اول جسمی است که متقدمین پیدا کرده اند که به واسطهٔ مالش جذب اجسام خفیفه نماید مانند پارچهای کوچک ، کاغذ و خاک ارّه و مغز آقطی و پرهای نازک و هکذا (ششصد سال قبل از میلاد مسیح ، کلهم تالش یونانی این خاصیت را در کاه ربا یافت).

س : الکتریسیته بر چند قسم است؟

---

[1] ـ نقل از روزنامه دانش ـ نمره دوم ـ هفتم شعبان ۱۲۹۹ قمری ـ پاورقی صفحهٔ ۲ و ۳ و ٤

ج : الکتریسیته بـر دو قسـم اسـت زجـاجی و سـقزی و ایـن تسـمیه نسبتی اسـت نـه حقیقی[1]

مرض دیفتری :

در آخرین شماره روزنامه دانش (نمره چهاردهم) در مورد شیوع مرض دیفـتری در ایران مطلبی نوشته شده است که با هم میخوانیم : ((مـرض دیفـتری کـه درد گلـوی سخت و با غشاء کاذب است چند سال است در پـای تخـت[2] و سـایر ولایـات ایـران شیاع و وفوری دارد و بسیاری از اطفال بلکه جوانان را تلف کرده و کمتر علاج شده اند در این روزها میرزا نصرت طبیب مخصوص مدرسه و مریضخانـه کـه خـود را از اطباء حاذق میداند طفل چهار ساله اش در کمال سختی مبتلا به این درد هولناك شد و از علاج نومید بودند دکتر البو معلم کل طب مدرسـهٔ مبارکـه بـه معالجـه او اقـدام نمود و در سه چهار روز مرض به آن سختی را به کلـی عـلاج کـرد و طفـل صحیـح المزاج و کسانش ممنون و خرسند شدند محض تشکر بادارهٔ دانش مراتـب را اظهـار داشتند تا منطبع نموده حذاقت و کمال علم و عمل دکتر مزبور را معلوم خاص و عام کنند))[3]



---

[1] ـ پاورقی روزنامه دانش نمرهٔ چهارم ـ صفحه ۳ و ٤ ـ پانزدهم رمضان سـنه ۱۲۹۹ ق (سـی و یکـم ژوئیه ۱۸۸۲مسیحی)

[2] ـ پایتخت

[3] ـ روزنامه دانش ـ نمرهٔ چهاردهم ـ صفحهٔ ۳ و ٤ ـ چهارشنبه شانزدهم شهر صفر المظفر سنهٔ ۱۳۰۰ هجری (مطابق ۲۷ دسامبر ۱۸۸۲ میلادی)

((نشریهٔ مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون تبریز))

((در سال ۱۲۹۳ (بیست و شش سال بعد از تأسیس دارالفنون تهران) در تبریز نیز دارالفنون ایجاد شد که نام آن در متون تاریخی گاهی (مدرسهٔ مظفریه) و گاهی (مدرسه دولتی تبریز) آورده‌اند))عمدهٔ شاگردان این مدرسه بنا به نوشتهٔ سالنامه های آن زمان در ابتدا چهل نفر بوده و بعد به چهل و پنج نفر و در اواخر به پنجاه نفررسیده است و اینها را به شاگردان داخل و خارج تقسیم نموده‌اند نصف از آنها مجانی و شبانه‌روزی بوده است))[1]

در هر ماه یک شماره نشریه تحت عنوان ((ورقه)) توسط کارگزاران مدرسهٔ مذکور منتشر شده است ، ((ورقهٔ ماه اول)) ، ((ورقه ماه ثانی)) ، ((ورقه ماه سوم)) ، ((ورقه ماه چهارم مدرسهٔ مبارکه دارالفنون تبریز موسوم و مفتخر به مدرسه مظفریه))

برای اطلاع از نحوه کتابت وسبک نگارش نشریهٔ مذکور به مطلبی که تحت عنوان ((اعلان)) در شمارهٔ چهارم این نشریه آمده است توجه فرمائید :

((اعلان _ برای رفاه حال طالبان علم اعلام می شود که بعد از عید نوروز علاوه بر مکتبی که حضرت اقدس والا ارواحناالفدا در صدد تشکیل برای فقرا و ایتامند سه مکتب دیگر مرتب و مقرر خواهد شد یکی برای اشخاص که بواسطهٔ سایر مشاغل و اعمال همه روز را در مدرسه بود نشان تعذّر دارد ممکن است که در ساعت معین

[1] _ تاریخ فرهنگ آذربایجان حسین امید _ جلد ۱ (_ صفحه ۳۲ _ ۳٤ _ نقل از پیشگفتار مجموعهٔ روزنامهٔ دانش (دکتر محمداسمعیل رضوانی)

وارد آن مکتب شده از علوم معین آنجا که عبارت از زبان فرانسه و حسابست اکتساب نمایند و شاگرد این مکتب به هرسنی که بوده باشد پذیرفته است .

مکتب دیگر برای اشخاصی است که میل به اعانه دادن ندارند تا وقت نهار می‌توانند در آن مکتب بوده وقت نهار که برای صرف غذا بمنزل خود می‌روند بعد از آسایش و صرف نهار باز بمدرسه مراجعت کنند و از کلیه علومیکه در مدرسه معمول است تحصیل توانند کرد و بدون اینکه از آنها مطالبهٔ مددخرجی بشود لوازم تحصیل و مخارج مدرسهٔ آن‌ها کلیه از دیوان اعلی داده خواهد شد .

یکی هم مکتب ابتدائی است و آن برای اطفالی است که هنوز شروع به تحصیل نکرده‌اند و در آن مکتب الف‌بای جدید که سلیقه جناب میرزا طاهر افندی مدیرروزنامه .... نیز آن طریقه را مطبوع یافته و در جریدهٔ فریدهٔ خود از سهولت آن برای تعلیم اطفال مبتدی شرحی را نوشته اند تدریس و تعلیم خواهد شد.

هرکس تفصیل این سه مکتب را مبسوطاً و مشروحاً طالب باشد رجوع به ادارهٔ مدرسه کرده از آنجا درخواست نماید .

متوقعیم که طالبین این تأسیس میل و رغبت خودشان را اظهار داشته و اعلام نمایند تا بدل گرمی مشغول تهیه اسباب و لوازم تحصیل بوده باشیم که توجه نفوس قویّه و ارباب همم را برای درک فیوض و نعم مدخلیت عظیم می‌باشد .))[1]

---

[1] ـ نشریهٔ ((مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون تبریز)) ورقهٔ ماه چهارم ـ پنجشنبه غرّه شعبان سنه ۱۳۱۱ هجری مطابق هشتم فوریه ۱۸۹٤ مسیحی .

روزنامهٔ اطلاعات

اولین شماره این روزنامه تحت عنوان ((نامهٔ اطلاعات)) در عصر یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۳۰ ذیحجه ١٣٤٤ قمری با مسئولیت ع . مسعودی توسط مرکز اطلاعات ایران با قیمت هر نسخه ٤ شاهی منتشر گردید و تا این تاریخ (بیش از هفتادو چهار سال))انتشار آن استمرار داشته است . قسمتی از مقدمهٔ اولین شماره ((نوزدهم تیرماه ۱۳۰۵)) که در واقع اولین مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات می‌باشد را با هم می‌خوانیم :

((مرکز اطلاعات و نظریات آن _ شاید هنوز عدهٔ کثیری از افراد اهالی طهران و بخصوص نقاط دوردست مملکت یافت شوند که اساساً اسم مرکز اطلاعات را نشنیده یا اگر شنیده‌اند در صدد برنیامده باشند که از کار و طرز جریان و تشکیلات آن مطلع شده و در نتیجه بدانند که این اداره کارش چه و منظور و مقصدش چه و خاصیت آن چیست و آیا قابل استفاده و توجه خواهد بود یا خیر ؟ .... این اداره در ماه اسد ۱۳۰۲ که تاکنون سه سال کامل است تأسیس گردیده و در کلام اول مبادرت به جمع‌آوری و تمرکز اخبار نقاط داخلی مملکت و اطلاعات خارجی نمود و در این مدت توانسته است خدمات خود را بعالم مطبوعات انجام دهد . خوشبختانه کسانی که داخل این اداره گردیدند فقط سرمایه سعی و عمل را نصب‌العین خود نموده با عشقی مفرط و علاقهٔ مخصوص که می‌توان گفت با موجود بودن هزارها تومان سرمایه امکان نداشت در پیشرفت اداره و نگاهداری آن مجاهدت نمودند . مخصوصاً نمی‌توان زحماتی را که از بدو تأسیس چند نفر جوانان منورالفکر و علاقمند در این اداره با هزارگونه سختی و مضیقه زندگی بسر برده‌اند اغماض نمود بهرحال این مؤسسه در نتیجه سعی و عمل سه ساله کارکنان خود در این محیط

آلوده به فساد اخلاق که ناشی از بیکاری و فقر و بیچارگی است و در این محیطی که بجای تشویق هزارگونه مشکلات و موانع برای خنثی‌کردن اقدامات این مؤسسه که جز برای اصلاح و ترقی مملکت نیست تهیه می‌کنند توانسته است عرض اندام نموده قدم‌هائی بردارد ولی باید تصدیق کرد که این قدمها فوق‌العاده بطئی برداشته شده است زیرا می‌بایست این اداره تا بحال طوری توسعه یافته باشد که بتواند در برابر آژانس‌های خارجی عرض وجودی نموده واقعاً با دوسه اداره اخبار ممالك غربی رابطهٔ مستقیم داشته باشد ولی متأسفانه براثر جهات فوق و همان بی‌علاقه‌گی عمومی هنوز نتوانسته است به این مقاصد نایل گردد ولی امیدوار است که با توفیقات الهی و توجهات عمومی در آتیه موفقیت‌های کاملی حاصل کند .

در مملکت اسلامی همسایه و دوست ما ترکیه بنام (آژانس آناطولی) ادارهٔ اخباری تأسیس گردیده در نتیجه علاقمندی و توجه عمومی امروز با تمام دنیا مخابرات دارد

....

کارکنان این اداره در دومین قدم برای پیشرفت و توسعهٔ مؤسسه اطلاعات بأتکاء توجه و علاقه عموم هموطنان مبادرت به نشر روزنامه‌ای بنام ((اطلاعات)) خواهند کرد ....))[1]

---

[1] _ نقل از ((اطلاعات)) شماره اول _ سال اول _ صفحه اول _ یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی (۳۰ ذیحجه ۱۳٤٤ قمری) به اختصار

اولین جلسهٔ دارالشورای ملّی

اولین جلسهٔ دارالشورای ملی در ششمین دورهٔ تقنینیه در روز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ ساعت ۱/۵ به ظهر تشکیل که خبر آن در روزنامه اطلاعات (شماره اول _ صفحه دوم) بشرح زیر چاپ شده است :

((یک ساعت و نیم بظهر زنگ جلسه زده شد و از اولین جلسه مجلس شورای ملی تحت ریاست مسن‌ترین آقایان نمایندگان آقای مدرس و جوان‌ترین نمایندگان آقایان امیرحسین خان‌بختیاری _ نوبخت _ آقامیرزا حسن آیةالله زاده _ امیر تیمور کلالی برای منشی‌گری انعقاد یافت .

آقای مدرس اظهار داشتند برای استخراج آراء نسبت به انتخاب هیئت رئیسه موقتی سه نفر بایستی تعیین شوند و بحکم قرعه آقایان آقاسیدابراهیم ضیاء _ آقامیرزاحسین‌خان پیرنیا (مؤتمن‌الملک) و آقای سهراب‌خان ساکسینیان تعیین گردیدند و چون آقای مؤتمن‌الملک حضور نداشتند آقای میرزاحسن‌خان اسفندیاری (مرآت‌السلطنه) برای نظارت انتخاب گردید .

رئیس ـ شروع می‌کنیم به انتخاب یکنفر نایب‌رئیس موقتی با رأی مخفی و ابتدا شروع می‌شود به انتخاب یک نفر رئیس ـ اوراق رأی توزیع گردید .

آقایان نظار پشت تریبون حضور پیدا کرده اخذ اوراق رأی با مهره‌های تقنینیه شروع گردید پس از خاتمه عده رأی دهندگان ۷۵ نفر بود و نتیجه قرائت آراء بقرار ذیل بود :

آقای تدین	٦٦	رأی
آقای مؤمن‌الملک	۱	”

آقای مدرس ۱ "

آقای دکتر مصدق ۱ "

آقای معتمدالسلطنه ۱ "

ورقه سفید ۵ "

رئیس _ عده حاضر ۷۵ آقای تدین باکثریت ٦٦ رأی به سمت ریاست موقتی انتخاب گردیدند ....))[۱]

مظنه طلا در بازار

قیمت طلا در ایران در سال ۱۳۰۵(هفتاد و چهار سال پیش) بشرح جدول زیر بوده است:

((مظنه طلا در بازار))[۲]

شرح	فروش		خرید	
	قران	دینار	قران	دینار
لیره عثمانی	٤٠	۲۵۰	۳۹	۷۵۰
لیره انگلیسی	٤٤	۵۰۰	٤٤	ـــــ
ده مناتی طلا	٤۷	۵۰۰	٤٦	۵۰۰
اشرفی	۱۵	٤۵۰	۱۵	۲۵۰
پنجهزاری	۷	٦۰۰	۷	۵۰۰
دو هزاری	۳	۱۰۰	۳	ـــــ

---

[۱] _ نقل به اختصار از روزنامه اطلاعات _ شماره اول _ سال اول _ صفحه ۳ _ یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵

[۲] ـ نقل از روزنامه اطلاعات ـ سال اول شماره چهارم ـ شنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۰۵ مطابق پنجم صفر ۱۳٤۵

ناله آذربایجان

در صفحه دوم روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ مـرداد ۱۳۰۵ در ستون ((لوایح وارده))
مطلبی تحت عنوان ((ناله آذربایجان)) آمده است:

((آذربایجانی در پریشـانی و عسـرت اقتصـادی جـان میسپارد آدربایجـانی در حـال گرسنگی سر به بستر مرگ می‌گذارد آذربایجانی قالی و قالیچـه اش در بـازار اروپـا قدغن و فابریک ریسمان ریسی اش در تبریز بسته شده و چندین هزار نفـر بـه تعـداد بیکاران وبیچارگان افزوده و خشکبارش اساساً از بین رفته و به ثمن نجس نیز فـروش نمی‌رود آیا در مقابل این همه فلاکت و بدبختی هـای اقتصـادی چـه علاجـی و چـه فکری برای این دودمان بیچاره و فداکار وطن که روبه نداری و گدائی می‌رود شده است . بیچاره‌گان آذربایجان))[1]

تار مرد (مرگ غلامحسین خان درویش)

خبر مرگ غلامحسین خان درویش ، استاد تار ایران را در اطلاعات مورخ ۲ آذرمـاه ۱۳۰۵ می‌خوانیم:

((تار مرد ـ کاسهٔ تار بعد از او زیبد　　　که در او عنکبوت بندد تار))

یگانه استاد شـهیر در تـار حضـرت بزرگـوار آقـای غلامحسـین خـان درویـش شـب گذشته بواسطهٔ تصادم اتومبیل با درشکه تار و پود حیـاتش از هـم گسـیخت و روی محبوب خود را از این زندگانی شرم آور مسـتور نمـود ، مـن نمی‌دانـم بـه چـه نحـو اظهار دردمندی به بازماندگان آن فقیه بزرگوار بنمایم و چگونه خود را از این واقعـهٔ ناگهانی تسلی داده و روح پاک او را از خود راضی سازم!

---

[1] ـ نقل از ((اطلاعات)) شماره پنجم مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۰۵ ص ۲

سوز و گداز دل من که حصولش در نتیجه مضرابهای آن استاد بی نظیر بوده و با ضربان قلب بیچارهٔ من توأم و مادام العمر از یاد نبرده و آنچه به رضایت و راحتی روح او از دستم برآید خواهم کوشید و امیدوارم مادهٔ تاریخی نیز در این قسمت بعداً بعرض دوستان برسانم.

بعد از مرگ بزرگان کل نماناد- حیدر رضازاده))[1]

اعلان قیمت برنج و روغن و.......

در اطلاعات شماره ۸٤ از طرف کفیل بلدیه تهران سرهنگ کریم بوذرجمهری قیمت ارزاق اعلام شده و از ساکنین محترم پایتخت تقاضا شده است متخلفین را به محاکم صالحه معرفی تا مطابق ماده ۵ از فصل اول از قسمت سوم نظامنامه مجازات شوند، به چند مورد از قیمتهای روز کالاها توجه فرمائید:

- برنج اعلای مازندرانی - خرواری ٤۰ تومان - یکمن ٤ قران و ٤۰۰ دینار
- برنج مازندرانی وسط - خرواری ۳۷ تومان - یکمن ٤ قران
- برنج تنکابونی اعلا خرواری ٤٤ تومان - یک من ٤ قران و ٦۰۰ دینار
- ماست اعلاء - چهارمن ۷ قران - چارکی ۵۰۰ دینار
- روغن اعلای صالح آبادی - چهار من ۷ تومان و یکقران - سیری ٤۵۰ دینار
- پنیر پرچک اعلاء - چهار من ۳ تومان و دوقران - سیری پنج شاهی
- تخم مرغ - صد عدد ۱٤ قران - یکعدد ۱۵۰ دینار - ....))[2]

---

[1] - نقل از اطلاعات شماره ۸۵ صفحه اول مورخ چهارشنبه دوم آذرماه ۱۳۰۵

[2] - نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۸٤ مورخه دوشنبه اول آذرماه ۱۳۰۵ مطابق جمادی الاولی ۱۳٤۵ صفحه ۲

تصویب بودجه ۱۳۲۰ در مجلس شورای ملی

اولین شماره مجله ((اطلاعات هفتگی)) در اول فروردین ۱۳۲۰ (پنجاه و نه سال پیش) منتشر گردید که بعد از تبریک سال نوخبر تصویب بودجه کل کشور در سال ۱۳۲۰ توسط مجلس را در صفحه ۲ خود به چاپ رسانیده است که در قسمتی از آن آمده است:

((روز پانزدهم اسفند ماه در هشتاد و سومین جلسه مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۲۰ کشور به اتفاق آراء به تصویب رسید ....لایحهٔ بودجه سال ۱۳۲۰ کشور که در قسمت درآمد برابر /۳٦۱۳۷٦۸۷۱۸ ریال و در قسمت هزینه برابر ٤۳۲۳۹۱۱٦۷٦ ریال پیش بینی شده در هشتاد و یکمین جلسه مجلس شورای ملی از طرف آقای وزیر دارائی تقدیم مجلس شد...............))[1]

ضمناً در این مبحث نمودار بودجهٔ دهساله کشور از سال ۱۳۱۰ تا سال ۱۳۲۰ چاپ و در جلسه مجلس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و چنین نتیجه گرفته اند که سال ۱۳۲۰ سال ترقیات و پیشرفت‌های محسوس خواهد بود بر اساس این نمودار حدود بودجه تصویبی یازده ساله از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ به شرح زیر بوده است:

((با این توضیح که عددها را روند کرده ایم))

سال	هزینه پیش بینی شده	درآمد پیش بینی شده
۱۳۱۰	۳۰۰ میلیون ریال	۳۰۰ میلیون ریال
۱۳۱۱	٤۲۰ میلیون ریال	٤۰۰ میلیون ریال
۱۳۱۲	۵۰۰ میلیون ریال	۵۰۰ میلیون ریال
۱۳۱۳	٦۲۰ میلیون ریال	٦۲۰ میلیون ریال

[1] ـ نقل از مجلهٔ اطلاعات هفتگی ـ سال اول ـ شمارهٔ اول ـ صفحهٔ ۲ ـ تاریخ اول فروردین ۱۳۲۰

سال	هزینه پیش بینی شده	درآمد پیش بینی شده
۱۳۱٤	۷۵۰ میلیون ریال	۷۵۰ میلیون ریال
۱۳۱۵	۱۰۰۰ میلیون ریال	۱۰۰۰ میلیون ریال
۱۳۱٦	۱۲۵۰ میلیون ریال	۱۲۵۰ میلیون ریال
۱۳۱۷	۱۵۲۰ میلیون ریال	۱۵۲۰ میلیون ریال
۱۳۱۸	۱۹۲۰ میلیون ریال	۲٦۰۰ میلیون ریال
۱۳۱۹	۳۰۰۰ میلیون ریال	۳۲۰۰ میلیون ریال
۱۳۲۰	٤۳۰۰ میلیون ریال	۳٦۰۰ میلیون ریال

در اطلاعات هفتگی ـ شماره اول ـ سال اول بتاریخ فروردین سال ۱۳۲۰ ـ در صفحه دوم در ستون ((خبرهای هفتگی ایران در سی سال پیش)) مطلبی به نقل از روزنامه رسمی دولت ایران شماره های ۷۷ و ۷۹ سال دوم تحت عنوان ((اخطار از طرف اداره نظمیه تهران)) و ((راپرت کاشان آمده است.که بانقل آن مطالب این بخش را به پایان می‌بریم:

((اخطار از طرف ادارهٔ نظمیه تهران ـ بعموم خبازهای شهر، اخطار می‌شود که از این تاریخ که یوم ۲٤ شهر ربیع الثانی است نان دو آتشه از قرار یکدانه ۸ سیر باید فروخته شود در صورتیکه راپرت برسد کمتر از ۸ سیر فروخته شده از هز سیری که کم داده شده باشد از صاحب دکان یک مثقال طلا جریمه گرفته می‌شود و بعلاوه تنبیه سخت هم خواهد شد))

((راپرت کاشان ـ دیروز اردوی قزاق از اقبالیه که یک فرسخی شهر است شروع به شلیک توپ و تفنگ نموده متمردین پیاده از شهر خارج شده و در نیم فرسخی شهر با قزاقها مشغول جنگ می‌شوند تقریباً تا غروب لاینقطع صدای توپ و تفنگ بلند

بود بالاخره متمردین شکست خورده عقب نشستند و داخل شهر شدند. چند سنگر معتبر آنها را خراب و تصرف نمودند از قرار معلوم چند نفر از اشرار مقتول شده ولی از قزاقها کسی تیر نخورده و چون اشرار تاب مقاومت نداشته ۲ ساعت از شب گذشته شهر را تخلیه نموده فرار کردند و معلوم نیست کدام طرف رفته اند . الآن که دو ساعت از روز بالا آمده قزاقها با کمال آراستگی بطور نظام وارد شهر شدند و عموم اهالی با وجد و شعف آنها را استقبال کردند .))[۱]

[۱] ـ نخستین شماره اطلاعات هفتگی ـ فروردین ۱۳۲۰ شمسی صفحه دوم ـ به نقل از روزنامه رسمی دولت ایران شماره‌های ۷۷ و ۷۹ سال دوم ـ تاریخ ۱۲۹۲ شمسی

تاریخچه مطبوعات ایران

بخش سوم:

اسامی جراید و مطبوعات در دورهٔ انقلاب اسلامی ایران

((نشریاتی که در حال حاضر در سطح کشور منتشر می شوند))

(از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ شمسی)

اسامی جراید و مطبوعات منتشره بعد از انقلاب اسلامی ایران

(از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ شمسی)

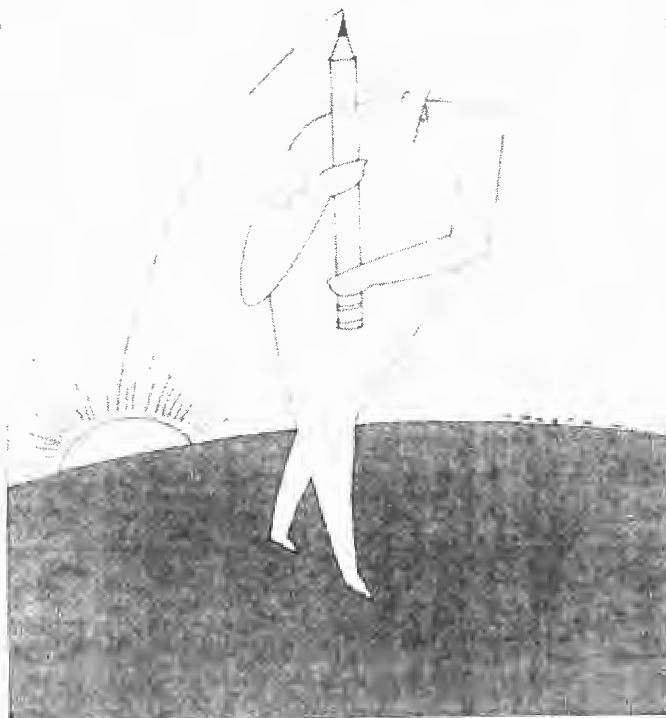
انقلاب شکوهمند اسلامی ایران ، موجب تحوّل و دگرگونی‌های زیادی در تمام ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ــ فرهنگی و هنری گردید یکی از تحولات درخشان در بُعد فرهنگی ، توسعه و رشد قابل توجه در زمینهٔ انتشار جراید و مطبوعات در سطح کشور می باشد که از نظر تنوع و تعداد عناوین روزنامه‌ها و مجلات و نیز افزایش روزافزون تیراژ آنها ، بسیار قابل بحث و پژوهش و تعمّق نظر است .

با توجه به اینکه تعداد عناوین جراید و مطبوعاتی که در حال حاضر منتشر می‌شوند بیش از یکهزار و دویست عنوان می باشد ، و از سوی دیگر دسترسی به تمامی آنها ، بویژه مشخصات کامل از قبیل : (نام صاحب امتیاز ـ سدیرمسئول ــ اهداف انتشار ــ تاریخ انتشار اولین شماره و نیز متون آنها) ، بسیار مشکل می‌نمایاند ، لذا بطور اختصار صرفاً به اسم روزنامه یا مجله و محل انتشار آنها اشاره می‌شود . توضیح اینکه کلیه نشریاتی که اسامی انها را ذکر خواهیم نمود در زمان تألیف کتاب حاضر ، در حالت انتشار بوده و در عرصهٔ فرهنگی جامعهٔ اسلامی ایران حضور فعال دارند .

الف : نشریات بزبان خارجی :

ردیف	نام روزنامه یا مجله	محل انتشار
۱	SCIENTIA IRANICA	تهران ـ دانشگاه صنعتی شریف
۲	PAYAM - DARYA	تهران
۳	SILK ROAD	تهران
٤	ALTAWHID	قم
۵	IRANIAN GOURNAL OF FISHERIES SCIENCE	تهران
٦	IRAN COMMERCE	تهران
۷	IRANIAN NATIONAL HERITAGE	تهران
۸	THE 1/L/1 QUARTERLY MAGAZINNE	تهران ـ کانون زبان ایران
۹	INTERNATIONAL JOURNAL OF ENGINIEERING	تهران
۱۰	IRAN ZEITUNG	تهران
۱۱	MAHJUBAH	تهران
۱۲	SAUTI YA UMMAH	تهران
۱۳	SAKON MUSULMANE	تهران
۱٤	FILM INTERNATIONAL	تهران
۱۵	KAYHAN INTERNATIONAL	تهران
۱٦	IRAN INETRNATIONAL	تهران

ردیف	نام روزنامه یا مجله	محل انتشار
۱۷	IRANIAN POLYMER JOURNAL	تهران
۱۸	ECHO OF ISLAM	تهران
۱۹	LE MESSAGE DU ISLAM	تهران
۲۰	ZAMZAM	تهران
۲۱	KAYHAN	تهران
۲۲	IRANIAN JOURNAL OF CHEMISTRY & CHEMICALEN	تهران ـ دانشگاه صنعتی شریف
۲۳	FARABI/A QUARTERLY JOURNAL ON FILM& VIDEO	تهران
۲۴	TEHRAN TIMES	تهران
۲۵	IRAN/EXPORTS	تهران
۲۶	IRANIAN GOURNAL OF MEDICAL SCIENCES	تهران
۲۷	CASOPIAN NEWS	تهران ـ وزارت راه
۲۸	IRAN NEWS	تهران
۲۹	HIKMAT	تهران
۳۰	IRAN TODAY	تهران
۳۱	IRAN DAILY	تهران ـ خبرگزاری جمهوری اسلامی
۳۲	ANNALS OF THE IRANIAN ACADEMUY OF MEDICAL SCIENCES	تهران
۳۳	CRESCENT INTER NATIONAL	تهران



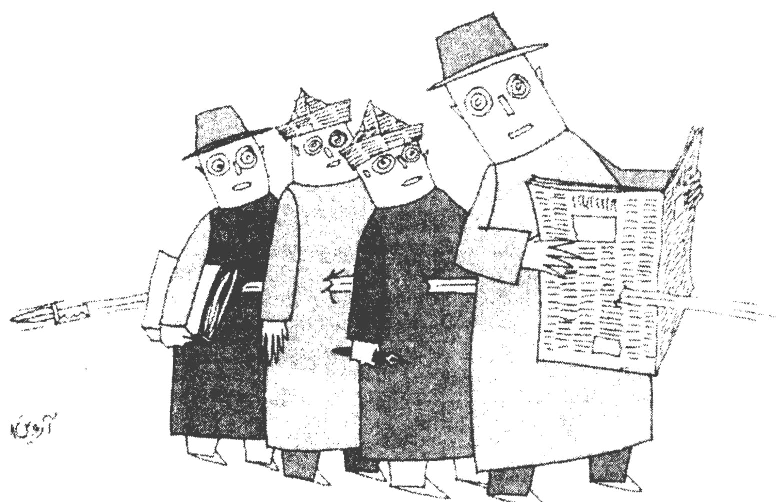
اردشیر رستمی

ب: نشریات بزبان فارسی :

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۳٤	آبادان امروز	شادگان
۳۵	آبادی	تهران
۳٦	آبان	تهران
۳۷	آبانگان	تهران
۳۸	آب ،خاک، ماشین	تهران
۳۹	آبزیان	تهران
٤۰	آب و فاضلاب اصفهان	اصفهان
٤۱	آب و محیط زیست	تهران
٤۲	آبیدر	سنندج
٤۳	آتیه	تهران
٤٤	آدینه	تهران
٤۵	آذربایجان	تبریز
٤٦	آذر پیام	تبریز
٤۷	آذر مهر	تهران
٤۸	ارامش	تهران
٤۹	آرمان	کاشان
۵۰	آریا	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٥١	آزادگان	تهران
٥٢	آزادی	تهران
٥٣	آزما	تهران
٥٤	آزمون	تهران
٥٥	آسیای میانه و تجارت بین الملل	تهران
٥٦	آشتیان	تهران
٥٧	آشنا	تهران
٥٨	آفات و بیماریهای گیاهی	تهران
٥٩	آفاق الحضاره الاسلامیه	تهران
٦٠	آفتاب امروز	
٦١	آفتاب خوزستان	اهواز
٦٢	آفرینش	تهران
٦٣	آگاهان	تهران
٦٤	آلرژی آسم و ایمونولوژی	تهران
٦٥	آلومینیوم	تهر ان
٦٦	آلیک	تهران
٦٧	آمار	تهران
٦٨	آموزش	اصفهان
٦٩	آموزش مدا وم در پزشکی	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۷۰	آوینه (به زبان کردی و فارسی)	تهران
۷۱	آوا	نجف آباد
۷۲	آوای الوند	همدان
۷۳	آوای بیرجند	بیرجند
۷٤	آوای زاگرس	ایلام
۷۵	آوای ساوه	تهران
۷٦	آوای شمال	رشت
۷۷	آوای غرب	کرمانشاه
۷۸	آوای کرمان	کرمان
۷۹	آوای مازندران	بابل
۸۰	آوای نور	نور آباد
۸۱	آهنگ زندگی	تهران
۸۲	آهن وفولاد	اصفهان
۸۳	آیات	تهران
۸٤	آیدین	تهران
۸۵	آیش	تهران
۸٦	آینه	تهران
۸۷	آینه استان	تهران
۸۸	آینۀ پژوهش	قم

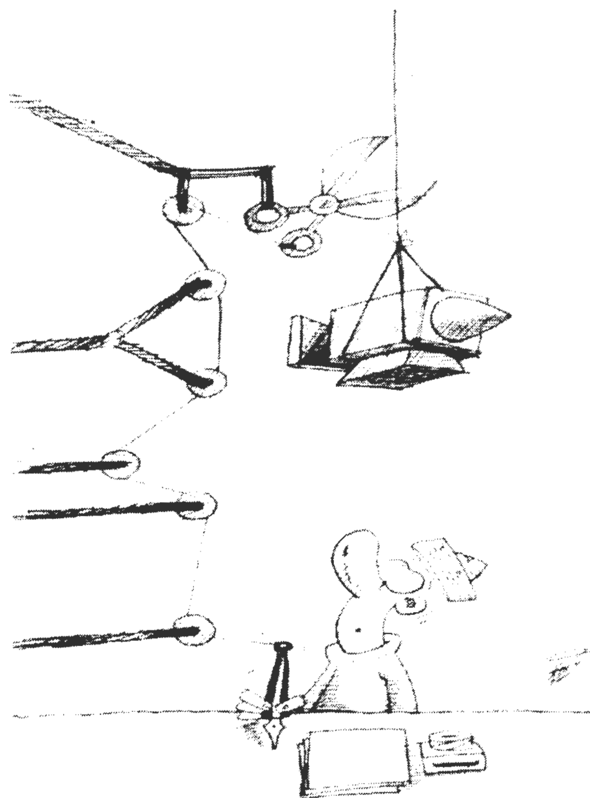


آروین

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸۹	آینه جنوب	بوشهر
۹۰	آیه	تهران
۹۱	آئین	تهران
۹۲	آئین زندگی	اهواز
۹۳	آئینهٔ آذربایجان	اردبیل
۹۴	آئینهٔ زندگی	کرج
۹۵	ابرار	تهران
۹۶	ابرار اقتصادی	تهران
۹۷	ابر ار ورزشی	تهران
۹۸	ابرار هفتگی	تهران
۹۹	ابوذر	کرمانشاه
۱۰۰	اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران	تهران
۱۰۱	اتکا	تهران
۱۰۲	اثر	تهران
۱۰۳	احرار	تبریز
۱۰۴	احسان	تهران
۱۰۵	اخبار	تهران
۱۰۶	اخبار اقتصادی	تهران
۱۰۷	اخبار کرج	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۰۸	اخبار کردستان	سنندج
۱۰۹	اخبار متالوژی و مواد	تهران
۱۱۰	اخبار ورزشی	تهران
۱۱۱	ادبیات داستانی	تهران
۱۱۲	ادبیات معاصر	تهران
۱۱۳	اردبیل	اردبیل
۱۱٤	ارزش	تهران
۱۱٥	ارزش ها	تهران
۱۱٦	ارس	اردبیل
۱۱۷	ارگ	تبریز
۱۱۸	ارمغان چهار محال بختیاری	بروجن
۱۱۹	ارمغان دانش	یاسوج
۱۲۰	ارمغان سلامت	تبریز
۱۲۱	اروند	تهران
۱۲۲	از شما با شما	تهران
۱۲۳	اساس	تهران
۱۲٤	اسب	تهران
۱۲٥	استاندارد کالاهای ایرانی	تهران
۱۲٦	استقلال	اصفهان

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۲۷	استقلال جوان	تهران
۱۲۸	اسفراین	مشهد
۱۲۹	اسوه	
۱۳۰	اشارات	تهران
۱۳۱	اصحاب انقلاب	تهران
۱۳۲	اطلاع	تهران
۱۳۳	اطلاعات	تهران
۱۳٤	اطلاعات خزر	تهران
۱۳۵	اطلاعات سیاسی و اقتصادی	تهران
۱۳٦	اطلاعات علمی	تهران
۱۳۷	اطلاعات علوم تربیتی	تهران
۱۳۸	اطلاعات هفتگی	تهران
۱۳۹	افتخارات ملی	تهران
۱٤۰	افراز	مراغه
۱٤۱	افق	ورامین
۱٤۲	افکار	تهران
۱٤۳	اقتصاد آسیا	مشهد
۱٤٤	اقتصاد انرژی	تهران
۱٤۵	اقتصاد ایران	تهران



نیک‌آهنگ کوثر

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۴۶	اقتصاد کشاورزی و توسعه	تهران
۱۴۷	اقتصاد ما	-
۱۴۸	اقتصاد ومدیریت	تهران
۱۴۹	اقصی	بندر انزلی
۱۵۰	اقیانوس شناسی	تهران
۱۵۱	البرز	تهران
۱۵۲	التوحید	قم
۱۵۳	الثقلین	قم
۱۵۴	الجهاد	تهران
۱۵۵	الشهید	تهران
۱۵۶	الطاهره	تهران
۱۵۷	الفکر الاسلامی	قم
۱۵۸	الکوثر	قم
۱۵۹	الوحده	تهران
۱۶۰	الوفاق	تهران
۱۶۱	الهدی	قم
۱۶۲	امانت	ارومیه
۱۶۳	امکان	تهران
۱۶۴	امور دام و آبزیان	تهران

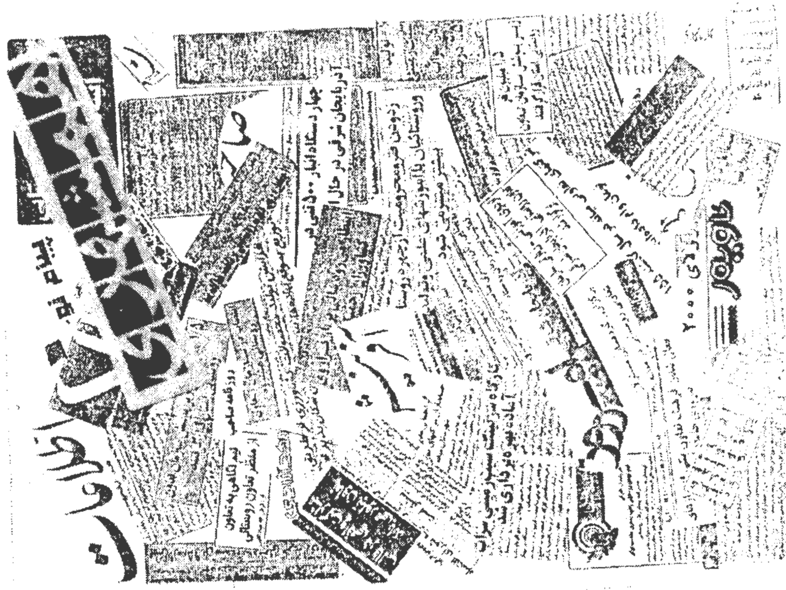
ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱٦۵	امید انقلاب	تهران
۱٦٦	امید آینده	تهران
۱٦۷	امید جوان	تهران
۱٦۸	امید زنجان	زنجان
۱٦۹	امیر کبیر	تهران
۱۷۰	امین	مشهد
۱۷۱	انتخاب	قم
۱۷۲	انتظار	تهران
۱۷۳	انجمن چشم پزشکی ایران	تهران
۱۷٤	اندیشه	مشهد
۱۷۵	اندیشه آماری	تهران
۱۷٦	اندیشه جامعه	تهران
۱۷۷	اندیشه جوان	تهران
۱۷۸	اندیشه حوزه	مشهد
۱۷۹	اندیشه دانشجو	تهران
۱۸۰	اندیشه معلم	تهران
۱۸۱	اندیشه و رفتار	تهران
۱۸۲	انرژی ایران	تهران
۱۸۳	انسان و محیط زیست	تهران

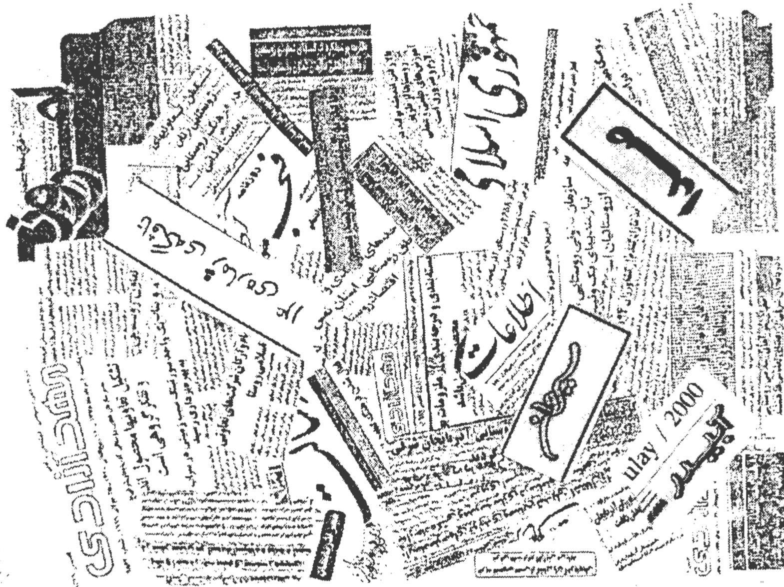
ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۸٤	انوار	ورامین
۱۸۵	انوار جام	تهران
۱۸٦	اوحدی	تهران
۱۸۷	اورولوژی ایران	تهران
۱۸۸	اولیاء اصفهان	اصفهان
۱۸۹	اهل قلم	تهران
۱۹۰	اهواز	اهواز
۱۹۱	ایران	تهران
۱۹۲	ایران اتومبیل	تهران
۱۹۳	ایران آذین	تهران
۱۹٤	ایران جوان	تهران
۱۹۵	ایر ان زمین	تهران
۱۹٦	ایران سال	تهران
۱۹۷	ایران شناخت	تهران
۱۹۸	ایران فردا	تهران
۱۹۹	ایران نما	تهران
۲۰۰	ایران ورزشی	تهران
۲۰۱	ایران ویچ	تهران
۲۰۲	ایرانیان	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۲۰۳	ایمان	قم
۲۰۴	این هفته در تهران	تهران
۲۰۵	باختر	کرمانشاه
۲۰۶	باران	تهران
۲۰۷	بازار	کرمان
۲۰۸	بازار روز	تهران
۲۰۹	بازار سرمایه	تهران
۲۱۰	بازار یابی	تهران
۲۱۱	بامداد لرستان	خرم آباد
۲۱۲	با معارف اسلامی آشنا شویم	قم
۲۱۳	بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور	تهران
۲۱۴	بانگ جرس	کرمان
۲۱۵	باور	تهران
۲۱۶	بابا	تهران
۲۱۷	بچه ها گل آقا	تهران
۲۱۸	بچه های ایران	تهران
۲۱۹	بچه های ساحل	بندر عباس
۲۲۰	بچه های مسجد	تهران
۲۲۱	بخارا	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۲۲۲	برج	اصفهان
۲۲۳	بررسی های بازرگانی	تهران
۲۲۴	برزگر	تهران
۲۲۵	برش	تهران
۲۲۶	برش و روش دوخت امروزی	تهران
۲۲۷	برق	تهران
۲۲۸	برق شریف	تهران
۲۲۹	برگ سبز	تهران
۲۳۰	برنامه و بودجه	تهران
۲۳۱	برنامه و توسعه	تهران
۲۳۲	بزرگراه رایانه	تهران
۲۳۳	بشارت	قم
۲۳۴	بشیر	تهران
۲۳۵	بشیر مازندران	ساری
۲۳۶	بصائر	تهران
۲۳۷	بصیر	تهران
۲۳۸	بصیرت	نراق
۲۳۹	بعثت	قم
۲۴۰	بن	-

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۲۴۱	بنا	تهران
۲۴۲	بندر و دریا	تهران
۲۴۳	بهارستان	کرمانشاه
۲۴۴	بهبود	کرمانشاه
۲۴۵	بهداشت جهان	تهران
۲۴۶	بهداشت خانم ها	تهران
۲۴۷	بهداشت خانواده	تهران
۲۴۸	به کودکان خود بیاموزیم	تهران
۲۴۹	بیداری	کرمان
۲۵۰	بیستون	کرمانشاه
۲۵۱	بیمارستان	تهران
۲۵۲	بیماریهای پوست	تهران
۲۵۳	بیماریهای عفونی و گرمسیری	-
۲۵۴	بیماریهای قلب و عروق	تهران
۲۵۵	بیماریهای گیاهی	تهران
۲۵۶	بینا	تهران
۲۵۷	بینات	قم
۲۵۸	بینالود	نیشابور
۲۵۹	پارس	شیراز





« نمونه تعدادی از نشریات در سال ۱۳۷۹ »

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۲٦۰	پاسدار اسلام	قم
۲٦۱	پرچم	کرمان
۲٦۲	پرستاری و مامائی	تهران
۲٦۳	پرستاری و مامائی رازی	-
۲٦٤	پرواز	تهران
۲٦۵	پزشک	تهران
۲٦٦	پزشک و دارو	تهران
۲٦۷	پزشکی قانونی	تهران
۲٦۸	پزشکی و جامعه	تهران
۲٦۹	پزشکی هسته ای	تهران
۲۷۰	پژوهش در علوم پزشکی	اصفهان
۲۷۱	پژوهش در مسائل تعلیم وتربیت	تهران
۲۷۲	پژوهش فیزیک ایران	تهران
۲۷۳	پژوهش کشاورزی	همدان
۲۷٤	پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان	تهران
۲۷۵	پژوهش نامه بازرگانی	تهران
۲۷٦	پژوهش نامه زلزله شناسی	تهران
۲۷۷	پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی	تهران
۲۷۸	پژوهش و سازندگی	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۲۷۹	پژوهش و سنجش	تهران
۲۸۰	پژوهش و مهندسی	تهران
۲۸۱	پژوهشها و سیاستهای اقتصادی	تهران
۲۸۲	پژوهشهای تربیتی	تهران
۲۸۳	پژوهشهای روان شناختی	تهران
۲۸٤	پژوهشهای قرآنی	قم
۲۸۵	پژوهنده	تهران
۲۸٦	پسته ایران	تهران
۲۸۷	پسران و دختران	تهران
۲۸۸	پگاه	رشت
۲۸۹	پل فیروزه	تهران
۲۹۰	پنجشنبه ها	تهران
۲۹۱	پند زندگی	تهران
۲۹۲	پوپک	قم
۲۹۳	پوست و مو	تهران
۲۹٤	پوشش	تهران
۲۹۵	پویندگان	تهران
۲۹٦	پهلوان	تهران
۲۹۷	پیام	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۲۹۸	پیام اردبیل	اردبیل
۲۹۹	پیام ارومیه	ارومیه
۳۰۰	پیام آزادی	تهران
۳۰۱	پیام استان سمنان	تهران
۳۰۲	پیام آشوریان	تهران
۳۰۳	پیام امروز	تهران
۳۰٤	پیام انجمن داروسازان ایران	ترهان
۳۰۵	پیام آور	تهران
۳۰٦	پیام ایران خودرو	تهران
۳۰۷	پیام پست و مخابرات	تهران
۳۰۸	پیام ایر ان	تهران
۳۰۹	پیام جمعه	تهران
۳۱۰	پیام دانشگاه	اصفهان
۳۱۱	پیام دریا	تهران
۳۱۲	پیام دوستداران طبیعت	تهران
۳۱۳	پیام دیابت	تهران
۳۱٤	پیام زاینده رود	اصفهان
۳۱۵	پیام زن	قم
۳۱٦	پیام زنجان	زنجان

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۳۱۷	پیام سفیر	تهران
۳۱۸	پیام شرق	تهران
۳۱۹	پیام شمال	رشت
۳۲۰	پیام شمس	تهران
۳۲۱	پیام صادر ات	تهران
۳۲۲	پیام صادق	تهران
۳۲۳	پیام کتابخانه	تهران
۳۲۴	پیام کرج	کرج
۳۲۵	پیام مناطق آزاد	تهران
۳۲۶	پیام نو	تبریز
۳۲۷	پیام هاجر	تهران
۳۲۸	پیام هامون	تهران
۳۲۹	پیام یونسکو	تهران
۳۳۰	پیروزی	تهران
۳۳۱	پیشرفت پزشکی روز	قم
۳۳۲	پیشنهاد	تهران
۳۳۳	پیغام	بوشهر
۳۳۴	پیک آزادی	تهران
۳۳۵	پیک ایلام	ایلام

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۳۳۶	پیک تربت	تهران
۳۳۷	پیک خزر	ساری
۳۳۸	پیک روشندلان	تهران
۳۳۹	پیک زندان	تهران
۳۴۰	پیک سحر	کرمانشاه
۳۴۱	پیک سنجش	تهران
۳۴۲	پیک شمال	ساری
۳۴۳	پیک صبا	تهران
۳۴۴	پیک علم	تهران
۳۴۵	پیک ماما	تهران
۳۴۶	پیک نظام پزشکی رشت	رشت
۳۴۷	پیک هفته	مشهد
۳۴۸	پیمان	تهران
۳۴۹	پیمان یزد	یزد
۳۵۰	پیوند	تهران
۳۵۱	تاریخ و فرهنگ معاصر	قم
۳۵۲	تازه های اقتصاد	تهران
۳۵۳	تازه های ترافیک	تهران
۳۵۴	تازه های روان درمانی	مشهد

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۳۵۵	تازه های طب داخلی	تهران
۳۵٦	تاریخ علوم شناختی	تهران
۳۵۷	تازه های مدیریت	تهران
۳۵۸	تاک	کرج
۳۵۹	تبلیغ	——
۳٦۰	تبیان	سنندج
۳٦۱	تجارت ایران	——
۳٦۲	تحصیل	تهران
۳٦۳	تحقیق	تهران
۳٦٤	تحقیقات اسلامی	تهران
۳٦۵	تحقیقات جغرافیائی	——
۳٦٦	تحقیقات حقوقی	تهران
۳٦۷	تحول	رشت
۳٦۸	تحول اداری	تهران
۳٦۹	تدبیر	تهران
۳۷۰	تربیت	تهران
۳۷۱	ترجمان اقتصادی	تهران
۳۷۲	ترجمان سیاسی	تهران
۳۷۳	ترجمان وحی	قم

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۳۷۴	تشخیص آزمایشگاهی	رشت
۳۷۵	تشیّع	مشهد
۳۷۶	تصویر	تهران
۳۷۷	تصویر روز	تهران
۳۷۸	تصویر ساوجبلاغ	ساوجبلاغ
۳۷۹	تعاون	تهران
۳۹۰	تعلیم و تربیت	تهران
۳۹۱	تعلیم و تربیت کودکان استثنائی	تهران
۳۹۲	تغذیه دام و طیور	تهران
۳۹۳	تکنیک	تهران
۳۹۴	تلاش	تهران
۳۹۵	تماشا گران	تهران
۳۹۶	تماشای ایران	تهران
۳۹۷	توانا	تهران
۳۹۸	توان یاب	تهران
۳۹۹	توتیا	کرمان
۴۰۰	توسعه	تهران
۴۰۱	توسعه روستائی	تهران
۴۰۲	توسعه صنعتی	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٤٠٣	توسعه علوم داروئی ایران	تهران
٤٠٤	توسعه قزوین	تهران
٤٠٥	تهران	تهران
٤٠٦	تئاتر	تهران
٤٠٧	ثامن الحج	——
٤٠٨	ثلث	تهران
٤٠٩	جاده	تهران
٤١٠	جاده ابریشم	مشهد
٤١١	جام	تهران
٤١٢	جام اصفهان	اصفهان
٤١٣	جام جم	——
٤١٤	جامعهٔ سالم	تهران
٤١٥	جامعهٔ مهندسان مشاور ایران	تهران
٤١٦	جامعه و دانشگاه	تهران
٤١٧	جام هفتگی	تهران
٤١٨	جانباز	تهران
٤١٩	جایزه	تهران
٤٢٠	جدول	تهران
٤٢١	جدول هفته	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٤۲۲	جراحی ترمیمی و پلاستیک ایران	تهران
٤۲۳	جرس	سنندج
٤۲٤	جستجو	تهران
٤۲٥	جسم و روح	تهران
٤۲٦	جلوه هنر	تهران
٤۲۷	جمعیّت مامائی ایران	تهران
٤۲۸	جمهوری اسلامی	تهران
٤۲۹	جنگ الکترونیک	تهران
٤۳۰	جنگ صنعت	تهران
٤۳۱	جوان	تهران
٤۳۲	جوانان امروز	تهران
٤۳۳	جوانان روستا	تهران
٤۳٤	جوانان و ورزش	تهران
٤۳٥	جوان خانواده	تهران
٤۳٦	جویبار	ساری
٤۳۷	جهاد	تهران
٤۳۸	جهاد روستا	تهران
٤۳۹	جهان	——
٤٤۰	جهان اسلام	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٤٤١	جهان اقتصاد	تهران
٤٤٢	جهان پزشکی	تهران
٤٤٣	جهان فرهنگ	تهران
٤٤٤	جهان کتاب	تهران
٤٤٥	جهانگردان	تهران
٤٤٦	جهان مرغداری	تهران
٤٤٧	جهان هوانوردی و گردشگری	تهران
٤٤٨	چاپ ایران	تهران
٤٤٩	چاپ و انتشار	تهران
٤٥٠	چاپ و بسته بندی	تهران
٤٥١	چشم انداز	تهران
٤٥٢	چشم پزشکی سینا	تهران
٤٥٣	چکاوک	تهران
٤٥٤	چکیده پایان نامه های ایران	تهران
٤٥٥	چکیده پایان نامه های فارغ التحصیلان ایرانی	تهران
٤٥٦	چکیده تازه های تحقیق در دانشگاهها	تهران
٤٥٧	چکیده مقالات علمی و فنی	تهران
٤٥٨	چویل	——
٤٥٩	چهرۀ جهرم	جهرم

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٤٦٠	چیستا	تهران
٤٦١	حدیث قزوین	قزوین
٤٦٢	حدیث کرمان	کرمان
٤٦٣	حرف لر	خرم آباد
٤٦٤	حرکت	تهران
٤٦٥	حرم	مشهد
٤٦٦	حسابدار	تهران
٤٦٧	حسابرس	تهران
٤٦٨	حسن	تهران
٤٦٩	حضور	تهران
٤٧٠	حقوق بشر	تهران
٤٧١	حقوق زنان	تهران
٤٧٢	حقوق عمومی	تهران
٤٧٣	حقوق و اجتماع	تهران
٤٧٤	حکومت اسلامی	قم
٤٧٥	حکیم	تهران
٤٧٦	حوزه	قم
٤٧٧	حوزه و دانشگاه	قم
٤٧٨	حیدر	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٤٧٩	خاطرات	تهران
٤٨٠	خانواده و سرگرمی	تهران
٤٨١	خانه	تهران
٤٨٢	خانه و خانواده	تهران
٤٨٣	خاوران	تهران
٤٨٤	خبر	تهران
٤٨٥	خبر جنوب	شیراز
٤٨٦	خبر ورزشی	تهران
٤٨٧	خبر و نظر	ساری
٤٨٨	خراسان	مشهد
٤٨٩	خرداد	تهران
٤٩٠	خرداد هفتگی	تهران
٤٩١	خرد نامهٔ صدرا	تهران
٤٩٢	خزر	رشت
٤٩٣	خلیخ فارس	قم
٤٩٤	خورجین	تهران
٤٩٥	خور نوش	تهران
٤٩٦	خون	تهران
٤٩٧	خوی	خوی

اطلاعات

سفر رسمی رئیس جمهوری به ژاپن

حیات نو

دو شرط برای مناظره!

۷۰ میلیون تومان برای آزادی اکبر گنجی

اقتصادی

اعتبار تبصره ۲۹ فقط یک درصد نیاز طرح های صنعتی تهران را تامین می کند

دومین کنفرانس مدیریت کیفیت امروز برگزار می شود

جام جم

خاتمی در ژاپن

ابرار

مجلس، علل شکست تیم ملی فوتبال را پیگیری می کند

«رادیکال‌ها» باید از رهبری جناح‌ها کنار گذاشته شوند

خراسان

وضعیت مطبوعات تشریح شد

تقلب در عرضه بنزین

همشهری

هشدار عربستان سعودی به آمریکا

صلح پایدار صلحی مبتنی بر عدالت است

کیهان

مبارزه جدی با فساد باید آغاز شود

عصر ما

اصلاحات و سران سه قوه

جوان

خاتمی: روابط حاکم بر امور بین الملل فاجعه بار است

معافیت مالیاتی حقوق بگیران تا سقف ۹۲ هزار تومان افزایش می یابد

ازدواج دختران و پسران نوجوان بدون اجازه دادگاه ممنوع

« نمونه‌ای از صفحات اول چند روزنامه منتشره در آبان ۱۳۷۹ »

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۴۹۸	داد پژوه	تهران
۴۹۹	دادرسی	تهران
۵۰۰	دارو	تهران
۵۰۱	دارو و درمان	تهران
۵۰۲	دامپزشک	تهران
۵۰۳	دامپزشکی	تهران
۵۰۴	دامدار	تهران
۵۰۵	دانستنیها	تهران
۵۰۶	دانش پژوه	تهران
۵۰۷	دانش پژوهان معاصر	شهرری
۵۰۸	دانش حسابرسی	تهران
۵۰۹	دانش روز	تهران
۵۱۰	دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز	تبریز
۵۱۱	دانشکده پزشکی	رشت
۵۱۲	دانشکده پزشکی اصفهان	اصفهان
۵۱۳	دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهید بهشتی	تهران
۵۱۴	دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی	مشهد
۵۱۵	دانشگاه اسلامی	تهران
۵۱۶	دانشگاه الزهرا در زمینه علوم پایه	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۵۱۷	دانشگاه انقلاب	تهران
۵۱۸	دانشمند	تهران
۵۱۹	دانش و پژوهش	اصفهان
۵۲۰	دانش و توسعه	مشهد
۵۲۱	دانشور	تهران
۵۲۲	دانشوران	اردکان
۵۲۳	دانش ورزش	تهران
۵۲۴	دانش و مردم	تهران
۵۲۵	دانشیار	تهران
۵۲۶	دختران و پسران	تهران
۵۲۷	در آستانه فردا	تهران
۵۲۸	درایت	تهران
۵۲۹	درسهائی از مکتب اسلام	قم
۵۳۰	دریچه	تهران
۵۳۱	دزفول فردا	دزفول
۵۳۲	دستاورد	——
۵۳۳	دستها و نقشها	تهران
۵۳۴	دنا	کهکیلویه
۵۳۵	دندانپزشکی	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٥٣٦	دندانپزشکی امروز	تهران
٥٣٧	دندانپزشکی خراسان	مشهد
٥٣٨	دنیای برق	اصفهان
٥٣٩	دنیای تصویر	تهران
٥٤٠	دنیای جدول	تهران
٥٤١	دنیای جوانان	تهران
٥٤٢	دنیای سخن	تهران
٥٤٣	دنیای صنعت	تهران
٥٤٤	دنیای طنز	تهران
٥٤٥	دنیای کتاب	تهران
٥٤٦	دنیای ورزش	تهران
٥٤٧	دو دنیا	تهران
٥٤٨	دوران	——
٥٤٩	دوران کیش	تهران
٥٥٠	دوستان	تهران
٥٥١	دهکده	تهران
٥٥٢	دیدار	تهران
٥٥٣	دیدگاه	تهران
٥٥٤	دیدگاههای حقوقی	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۵۵۵	ذخایر انقلاب	ـــــ
۵۵۶	ذوالفقار	کرمان
۵۵۷	رازی	تهران
۵۵۸	راهبرد	تهران
۵۵۹	راه دانش	اراک
۵۶۰	راه دانشگاه	تهران
۵۶۱	راه زندگی	تهران
۵۶۲	راه مجاهد	تهران
۵۶۳	راهنمای ساختمان	تهران
۵۶۴	راهنمای سمینارهای ایران	تهران
۵۶۵	راه نو	تهران
۵۶۶	راه و ترابری	تهران
۵۶۷	رایانه	تهران
۵۶۸	رایزن جوان	کرج
۵۶۹	رجاء	تهران
۵۷۰	رخصت پهلوان	تهران
۵۷۱	رزم آور	تهران
۵۷۲	رسا	کرمانشاه
۵۷۳	رسالت	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۵۷۴	رسانه	تهران
۵۷۵	رشد آموزش ابتدائی	تهران
۵۷۶	رشد آموزش جغرافیا	تهران
۵۷۷	رشد آموزش راهنمائی تحصیلی	تهران
۵۷۸	رشد آموزش ریاضی	تهران
۵۷۹	رشد آموزش زبان	تهران
۵۸۰	رشد آموزش زبان و ادب فارسی	تهران
۵۸۱	رشد آموزش زیست شناسی	تهران
۵۸۲	رشد آموزش شیمی	تهران
۵۸۳	رشد آموزش فیزیک	تهران
۵۸۴	رشد آموزش کشاورزی	تهران
۵۸۵	رشد آموزش معارف اسلامی	تهران
۵۸۶	رشد تکنولوژی آموزشی	تهران
۵۸۷	رشد جوان	تهران
۵۸۸	رشد دانش آموز	تهران
۵۸۹	رشد کودک	تهران
۵۹۰	رشد مرزداران جوان	تهران
۵۹۱	رشد معلم	تهران
۵۹۲	رشد نوآموز	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٥٩٣	رشد نوجوان	تهران
٥٩٤	رصد	مراغه
٥٩٥	رضوان	کاشان
٥٩٦	رعد	اردبیل
٥٩٧	رفسنجان	رفسنجان
٥٩٨	روابط عمومی	تهران
٥٩٩	رواق	تهران
٦٠٠	روانشناسی	تهران
٦٠١	روان شناسی و علوم تربیتی	تهران
٦٠٢	روح و ریحان	تهران
٦٠٣	رود بار زمین کهنوج	کرمان
٦٠٤	روزان	اهواز
٦٠٥	روز درآ	زاهدان
٦٠٦	روز گاروصل	تهران
٦٠٧	روزهای زندگی	تهران
٦٠٨	روز هفتم	تهران
٦٠٩	روش	تهران
٦١٠	رویان	تهران
٦١١	رویداد	زنجان

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٦١٢	ره آورد	دماوند
٦١٣	ره آورد دانش	اراک
٦١٤	رهنما	تهران
٦١٥	رهنمون حقوق	تهران
٦١٦	رهیافت	تهران
٦١٧	ری	تهران
٦١٨	ریاح	یزد
٦١٩	ریاضی	تهران
٦٢٠	ریخته گری	تهران
٦٢١	ریز پردازنده	تهران
٦٢٢	زاگرس	یاسوج
٦٢٣	زاگرس بختیاری	شهرکرد
٣٢٤	زائر	مشهد
٣٢٥	زردکوه	شهرکرد
٦٢٦	زریبار	مریوان
٦٢٧	زمان	تهران
٦٢٨	زمزم	تهران
٦٢٩	زمین لرزه	تهران
٦٣٠	زمینه	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٦٣١	زن	تهران
٦٣٢	زن امروز	تهران
٦٣٣	زنان	تهران
٦٣٤	زنده رود	اصفهان
٦٣٥	زن روز	تهران
٦٣٦	زیتون	تهران
٦٣٧	زیست شناسی ایران	تهران
٦٣٨	ژنو تکنیک و مقاومت مصالح	تهر ان
٦٣٩	ساحل	تهران
٦٤٠	ساحل ورزشی	قائم شهر
٦٤١	سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان	تهران
٦٤٢	سبحان	لامرد
٦٤٣	سبز در سبز	تهران
٦٤٤	سبزه واران	تهران
٦٤٥	سبزینه	تهران
٦٤٦	سپهر	تهران
٦٤٧	ستار ه سهیل	تهران
٦٤٨	ستار ه ها	تهران
٦٤٩	سحر	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٦٥٠	سخن سمت	تهران
٦٥١	سخن کارگر	تهران
٦٥٢	سرباز	تهران
٦٥٣	سر چشمه	تهران
٦٥٤	سردار	تهران
٦٥٥	سرداران	مشکین شهر
٦٥٦	سروش	تهران
٦٥٧	سروش اندیشه	تهران
٦٥٨	سروش جوان	تهران
٦٥٩	سروش زنان	تهران
٦٦٠	سروش کودک	تهران
٦٦١	سروش نوجوان	تهران
٦٦٢	سروه	مهاباد
٦٦٣	سلام	تهران
٦٦٤	سلام بچه ها	قم
٦٦٥	سلمان	کازرون
٦٦٧	سنبله	تهران
٦٦٨	سنگ	تهران
٦٦٩	سوره	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٦٧٠	سهند	تهران
٦٧١	سیاست	تهران
٦٧٢	سیاست دفاعی	تهران
٦٧٣	سفیر	تهران
٦٧٤	سیروان	سنندج
٦٧٥	سیری بر اندیشه ها	تهران
٦٧٦	سیمان	تهران
٦٧٧	سیمای اردکان	اردکان
٦٧٨	سیمای آینده	همدان
٦٧٩	سیمای تعاون	تهران
٦٨٠	سیمرغ	تهران
٦٨١	سینما	تهران
٦٨٢	سینما تئاتر	تهران
٦٨٣	سینما ورزش	تهران
٦٨٤	سینما ویدئو	تهران
٦٨٥	شاپرک	تهران
٦٨٦	شاخص	تهران
٦٨٧	شاخهٔ طوبی	شیراز
٦٨٨	شاهد	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
٦٨٩	شاهد بانوان	تهران
٦٩٠	شاهد کودک و نوجوان	تهران
٦٩١	شباب	تهران
٦٩٢	شبستان	-
٦٩٣	شبکه	تهران
٦٩٤	شریف لاهیجان	لاهیجان
٦٩٥	شطرنج	تهران
٦٩٦	شطرنج ایران	تهران
٦٩٧	شعر	تهران
٦٩٨	شفا	تهران
٦٩٩	شقایق	خرم آباد
٧٠٠	شکار و دوستداران طبیعت	تهران
٧٠١	شکوفه	تهران
٧٠٢	شما	تهران
٧٠٣	شمال	ساری
٧٠٤	شما و آرزوهای شما	تهران
٧٠٥	شمس تبریز	تبریز
٧٠٦	شنوائی شناسی	تهران
٧٠٧	شهاب	اراک

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۷۰۸	شهاب زنجان	زنجان
۷۰۹	شهر آرا	مشهد
۷۱۰	شهرداریها	تهران
۷۱۱	شهرضا	اصفهان
۷۱۲	شهر ما	تهران
۷۱۳	شهر نگار	تهران
۷۱٤	شهروند	کرمانشاه
۷۱۵	شهروند مازندرانی	بابل
۷۱٦	شهریار	تهران
۷۱۷	شیخ بهائی	تهران
۷۱۸	شیراز	تهران
۷۱۹	شیشه	تهران
۷۲۰	شیمی و مهندسی شیمی ایران	تهران
۷۲۱	صاحب	تبریز
۷۲۲	صالح	پاکدشت
۷۲۳	صالحین روستا	تهران
۷۲٤	صبح	تهران
۷۲۵	صبح امروز	تهران
۷۲٦	صبح امید	تهران



نیک‌آهنگ کوثر

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۷۲۷	صبح ایلام	ایلام
۷۲۸	صبح خانواده	تهران
۷۲۹	صبح ساحل	-
۷۳۰	صبح کارون	اهواز
۷۳۱	صبح نیشابور	نیشابور
۷۳۲	صبح ورزش	تهران
۷۳۳	صبح ولایت	تهران
۷۳٤	صحرا	تهران
۷۳۵	صحیفه	تهران
۷۳٦	صحیفه کرمان	تهران
۷۳۷	صحیفه مبین	اراک
۷۳۸	صدای عدالت	تهران
۷۳۹	صدف	قم
۷٤۰	صدف نوجوان	تهران
۷٤۱	صراط	تهران
۷٤۲	صف	تهران
۷٤۳	صفحه او ل	تهران
۷٤٤	صفه	تهران
۷٤۵	صفیر غرب	کرمانشاه

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۷٤٦	صفیر ورامین	ورامین
۷٤۷	صلاح	تهران
۷٤۸	صلح سبز	تهران
۷٤۹	صنایع	تهران
۷۵۰	صنایع آموزشی	تهران
۷۵۱	صنایع بهداشتی و آرایشی	تهران
۷۵۲	صنایع پلاستیک	تهران
۷۵۳	صنایع قند ایران	تهران
۷۵٤	صنایع هوائی	تهران
۷۵۵	صنعت بتون و فراورده های سیمانی	تهران
۷۵٦	صنعت بیمه	تهران
۷۵۷	صنعت چاپ	تهران
۷۵۸	صنعت حمل و نقل	تهران
۷۵۹	صنعت روز	تهران
۷٦۰	صنعت فردا	تهران
۷٦۱	صنعتگر	تهران
۷٦۲	صنعت لاستیک	تهران
۷٦۳	صنعت مرغداری	تهران
۷٦٤	صنعت نساجی	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۷٦۵	صنعت و ایمنی	تهران
۷٦٦	صنعت و توسعه	تهران
۷٦۷	صنعت هوشمند	تهران
۷٦۸	طب جانباز	تهران
۷٦۹	طب جنوب	بوشهر
۷۷۰	طب وتزکیه	تهران
۷۷۱	طب ورزشی	تهران
۷۷۲	طب و سنت	تهران
۷۷۳	طب و کامپیوتر	کرمان
۷۷٤	طبیعت و منابع	تهران
۷۷۵	طرح	-
۷۷٦	طلوع	کازرون
۷۷۷	طلوع زندگی	تهران
۷۷۸	طلیعه	ایلام
۷۷۹	طنز پارسی	تهران
۷۸۰	طنز و کاریکاتور	تهران
۷۸۱	طوبی	کاشان
۷۸۲	عاشورا	تهران
۷۸۳	عصر	شیراز

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۷۸٤	عصر آزادگان	تهران
۷۸۵	عصر آزادی	تبریز
۷۸٦	عصر پنجشنبه	شیراز
۷۸۷	عصر سبزوار	تهران
۷۸۸	عصر ما	تهران
۷۸۹	عصر ورزش	تهران
۷۹۰	عصر هنر	تهران
۷۹۱	عکس	تهران
۷۹۲	عکسنامه	تهران
۷۹۳	علم الکترونیک و کامپیوتر	تهران
۷۹٤	علم معماری و شهر سازی	تهران
۷۹۵	علوم الحدیث	تهران
۷۹٦	علوم انسانی	تهران
۷۹۷	علوم پایه جمهوری اسلامی ایران	تهران
۷۹۸	علوم پایه دانشگاه الزهراء	تهران
۷۹۹	علوم پزشکی ارومیه	ارومیه
۸۰۰	علوم پزشکی قزوین	قزوین
۸۰۱	علوم حدیث	قم
۸۰۲	علوم زمین	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸۰۳	علوم نقشه برداری	تهران
۸۰٤	علوم و تکنولوژی پلیمر	تهران
۸۰۵	علوم و تکنو لوژی رنگ	تهران
۸۰٦	علوم و صنایع کشا رزی	مشهد
۸۰۷	علوم و فنون دریائی	تهران
۸۰۸	عماد	تهران
۸۰۹	عمران شریف	تهران
۸۱۰	عندلیب	ملایر
۸۱۱	عنوان	تهران
۸۱۲	عیار	تهر ان
۸۱۳	فاخته	اصفهان
۸۱٤	فارابی	تهران
۸۱۵	فانوس	تهران
۸۱٦	فانوس خیال	تهران
۸۱۷	فتح کرمان	کرمان
۸۱۸	فجر	اهواز
۸۱۹	فجر آذربایجان	تبریز
۸۲۰	فجر خزر	ساری
۸۲۱	فردا	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸۲۲	فردای بهتر	تهران
۸۲۳	فردوس کویر	کرمان
۸۲۴	فرزانه	تهران
۸۲۵	فرزند سالم	تهران
۸۲۶	فرش	تهران
۸۲۷	فرش دستباف ایران	تهران
۸۲۸	فروهر	تهران
۸۲۹	فرهنگ	تهران
۸۳۰	فرهنگ آذربایجان غربی	ارومیه
۸۳۱	فرهنگ اسلام	ورامین
۸۳۲	فرهنگ آفرینش	تهران
۸۳۳	فرهنگ توسعه	تهران
۸۳۴	فرهنگ جهاد	قم
۸۳۵	فرهنگ خوزستان	اهواز
۸۳۶	فرهنگ عمومی	تهران
۸۳۷	فرهنگ فارسی	شیراز
۸۳۸	فرهنگ قومس	سمنان
۸۳۹	فرهنگ گیلان	رشت
۸۴۰	فرهنگ ما	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸٤۱	فرهنگ مشارکت	تهران
۸٤۲	فرهنگ و ادب	کرمان
۸٤۳	فرهنگ و بینش	تهران
۸٤٤	فرهنگ و سینما	تهران
۸٤٥	فرهنگ همدان	همدان
۸٤٦	فصلنامهٔ پرستاری جیرفت	جیرفت
۸٤۷	فصلنامه تار یخ	مشهد
۸٤۸	فصلنامه علمی پژوهشی	تبریز
۸٤۹	فصلنامه علمی پژوهشی ـدانشگاه امام صادق	تهران
۸٥۰	فصلنامه علمی پژوهشی شریف	تهران
۸٥۱	فصلنامه علوم اجتماعی	تهران
۸٥۲	فصلنامه کتاب	تهران
۸٥۳	فصلنامه مجلس شورای اسلامی	تهران
۸٥٤	فصلنامه مطالعات خاور میانه	تهران
۸٥٥	فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد	تهران
۸٥٦	فصلنامه هنر	تهران
۸٥۷	فضل	اردبیل
۸٥۸	فضیلت جوانان	تهران
۸٥۹	فقه	قم

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸٦۰	فقه اهل بیت (ع)	قم
۸٦۱	فقه اهل البیت (ع)	قم
۸٦۲	فکر نو	تهران
۸٦۳	فلاحت ایر ان	اصفهان
۸٦٤	فنون	تهران
۸٦٥	فنی و مهندسی مدرس	تهران
۸٦٦	فوتبال	تهران
۸٦۷	فوریتهای پزشکی	تهران
۸٦۸	فولاد	اصفهان
۸٦۹	فیزیولوژی و فارماکولوژی	تهران
۸۷۰	فیضیه	قم
۸۷۱	فیلم	تهران
۸۷۲	فیلم و سینما	تهران
۸۷۳	فیلم و هنر	تهران
۸۷٤	فیلم ویدئو	تهران
۸۷٥	قالب سازان	تهران
۸۷٦	قالی ایران	تهران
۸۷۷	قاموس	فیروز آباد
۸۷۸	قانون	ارومیه

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸۷۹	قبسات	تهران
۸۸۰	قبله	تهران
۸۸۱	قدس	مشهد
۸۸۲	قدس جوان	مشهد
۸۸۳	قرن بیست و یکم	تهران
۸۸٤	قصه زندگی	تهران
۸۸۵	قضایا الاسلامیه	قم
۸۸٦	کاتب	اردبیل
۸۸۷	کادح	-
۸۸۸	کارشناس	تهران
۸۸۹	کارگشا	تهران
۸۹۰	کار مند	تهران
۸۹۱	کارنامه	تهران
۸۹۲	کار و جامعه	تهران
۸۹۳	کارو دانش	تهران
۸۹٤	کار و کارگر	تهران
۸۹۵	کامپیوتر	تهران
۸۹٦	کانون	تهران
۸۹۷	کانون خانواده	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۸۹۸	کانون وکلای دادگستری	تهران
۸۹۹	کاوشگر	تهران
۹۰۰	کایر	ساری
۹۰۱	کتابخانه مجلس	تهران
۹۰۲	کتاب سال آفتابگردان	تهران
۹۰۳	کتاب سال همشهری	تهران
۹۰۴	کتاب و کتاب خوانی	تهران
۹۰۵	کرانه	تهران
۹۰۶	کرمان امروز	کرمان
۹۰۷	کشاورز	تهران
۹۰۸	کلام اسلامی	قم
۹۰۹	کلک	تهران
۹۱۰	کلمه	تهران
۹۱۱	کلمه دانشجو	تهران
۹۱۲	کمان	تهران
۹۱۳	کنترولر	تهران
۹۱۴	کوثر	قم
۹۱۵	کوثر کویر	رفسنجان
۹۱۶	کودک مسلمان بلوچ	زاهدان

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۹۱۷	کوه	تهران
۹۱۸	کویر	تهران
۹۱۹	کهکشان	تهران
۹۲۰	کیان	تهران
۹۲۱	کیفیت و صنعت	تهران
۹۲۲	کیهان	تهران
۹۲۳	کیهان اندیشه	تهران
۹۲٤	کیهان بچه ها	تهران
۹۲۵	کیهان سال	تهران
۹۲٦	کیهان عربی	تهران
۹۲۷	کیهان علمی	تهران
۹۲۸	کیهان فرهنگی	تهران
۹۲۹	کیهان کاریکاتور	تهران
۹۳۰	کیهان ورزشی	تهران
۹۳۱	کیهان ورزشی	تهران
۹۳۲	کیهان هوائی	تهران
۹۳۳	گام	رشت
۹۳٤	گام نو	تهران
۹۳۵	گرافیک	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۹۳۶	گردش	تهران
۹۳۷	گردشگری	تهران
۹۳۸	گرمسار	تهران
۹۳۹	گزارش	تهران
۹٤۰	گزارش روز	تهران
۹٤۱	گزارش فارابی	تهران
۹٤۲	گزارش فیلم	تهران
۹٤۳	گزارش کامپیوتر	تهران
۹٤٤	گزارش ورزشی	اصفهان
۹٤٥	گزارشهای دولتی ایران	تهران
۹٤٦	گزارش هفتگی بورس	تهران
۹٤۷	گزیده مطالب آماری	تهران
۹٤۸	گشتک	تهران
۹٤۹	گفتگو	تهران
۹٥۰	گفتمان	ــــــ
۹٥۱	گل آرا	تهران
۹٥۲	گل آقا(سالنامه)	تهران
۹٥۳	گل آقا(ماهنامه)	تهران
۹٥٤	گل آقا(هفته نامه)	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۹۵۵	گلبانک گیلان	لنگرود
۹۵٦	گل چرخ	تهران
۹۵۷	گلستان	جیرفت
۹۵۸	گلستان ایران	تهران
۹۵۹	گلستان نو	ساری
۹٦۰	گلستانه	تهران
۹٦۱	گلک	تهران
۹٦۲	گل گز	زاهدان
۹٦۳	گل و گیاه	تهران
۹٦٤	گلهای زندگی	تهران
۹٦۵	گمرک ایران	تهران
۹٦٦	گنبد کبود	تهران
۹٦۷	گنجینه	تهران
۹٦۸	گنجینه اسناد	تهران
۹٦۹	گوارش	تهران
۹۷۰	گوناگون	قم
۹۷۱	گوهر	تهران
۹۷۲	گویه	بومهن
۹۷۳	گیلان زمین	رشت

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۹۷۴	گیله وا	رشت
۹۷۵	لاله سرخ	اراک
۹۷۶	لرستان	تهران
۹۷۷	لرستان پژوهشی	تهران
۹۷۸	لقمان	تهران
۹۷۹	لوح	تهران
۹۸۰	لیان	بوشهر
۹۸۱	مادر	تهران
۹۸۲	ماشین	تهران
۹۸۳	مالیات	تهران
۹۸۴	مامائی و نازائی ایران	مشهد
۹۸۵	ماهان	تهران
۹۸۶	ماهور	تهران
۹۸۷	ماهیگیران	تهران
۹۸۸	مبین	اراک
۹۸۹	مترجم	مشهد
۹۹۰	مجلس و پژوهش	تهران
۹۹۱	مجله ادبیات دانشگاه مشهد	مشهد
۹۹۲	مجله آسیائی مهندسی سازه	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۹۹۳	مجللهیات و معارف اسلامی	اهواز
۹۹٤	مجله باستان شناسی و تاریخ	تهران
۹۹۵	مجله بین المللی علوم مهندسی علم و صنعت	تهران
۹۹٦	مجله حقوقی	تهران
۹۹۷	مجله خانواده	تهران
۹۹۸	مجله دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز	شیراز
۹۹۹	مجله علمی پژوهشی علوم و مهندسی	زاهدان
۱۰۰۰	مجله علمی دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی	اصفهان
۱۰۰۱	مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی	کرمان
۱۰۰۲	مجله علمی شیلات ایران	تهران
۱۰۰۳	مجله علمی کشاورزی	اهواز
۱۰۰٤	مجله علمی پایه پزشکی مدرس	تهران
۱۰۰۵	مجله فیزیک	تهران
۱۰۰٦	مجله قضائی و حقوقی دادگستری	تهران
۱۰۰۷	مجموعه جدول	تهران
۱۰۰۸	محراب	همدان
۱۰۰۹	محک	تهران
۱۰۱۰	محله	تهران
۱۰۱۱	محیط زیست	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۰۱۲	مدد کاری اجتماعی	تهران
۱۰۱۳	مدرس	تهران
۱۰۱۴	مدرسهٔ نو	تهران
۱۰۱۵	مدیریت	تهران
۱۰۱۶	مدیریت دولتی	تهران
۱۰۱۷	مدیریت روزآمد	تهران
۱۰۱۸	مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی	تهران
۱۰۱۹	مردم و زندگی	تهران
۱۰۲۰	مرغداری	تهران
۱۰۲۱	مرکز اطلاعات تجاری آسیای میانه	کرج
۱۰۲۲	مروارید	تهران
۱۰۲۳	مروارید جنوب	بندرعباس
۱۰۲۴	مروج	تهران
۱۰۲۵	مزرعه	تهران
۱۰۲۶	مس	سرچشمه کرمان
۱۰۲۷	مسجد	تهران
۱۰۲۸	مسکن و انقلاب	تهران
۱۰۲۹	مشارکت	تهران
۱۰۳۰	مشکوه	مشهد

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۰۳۱	مشکوه النور	تهران
۱۰۳۲	مصاحبه	تهران
۱۰۳۳	مصباح	تهران
۱۰۳۴	مطالعات مدیریت	تهران
۱۰۳۵	معارف	تهران
۱۰۳۶	معراج کرمان	کرمان
۱۰۳۷	معرفت	قم
۱۰۳۸	معیار	تهران
۱۰۳۹	ملک	یزد
۱۰۴۰	مناطق آزاد	تهران
۱۰۴۱	مناطق ویژه اقتصادی	تهران
۱۰۴۲	منشور برادری	تهران
۱۰۴۳	منشور پزشکی	تهران
۱۰۴۴	موزه ها	تهران
۱۰۴۵	موعود	تهران
۱۰۴۶	موعود جوان	تهران
۱۰۴۷	موفقیت	تهران
۱۰۴۸	مهارت	تهران
۱۰۴۹	مهتاب	تهران

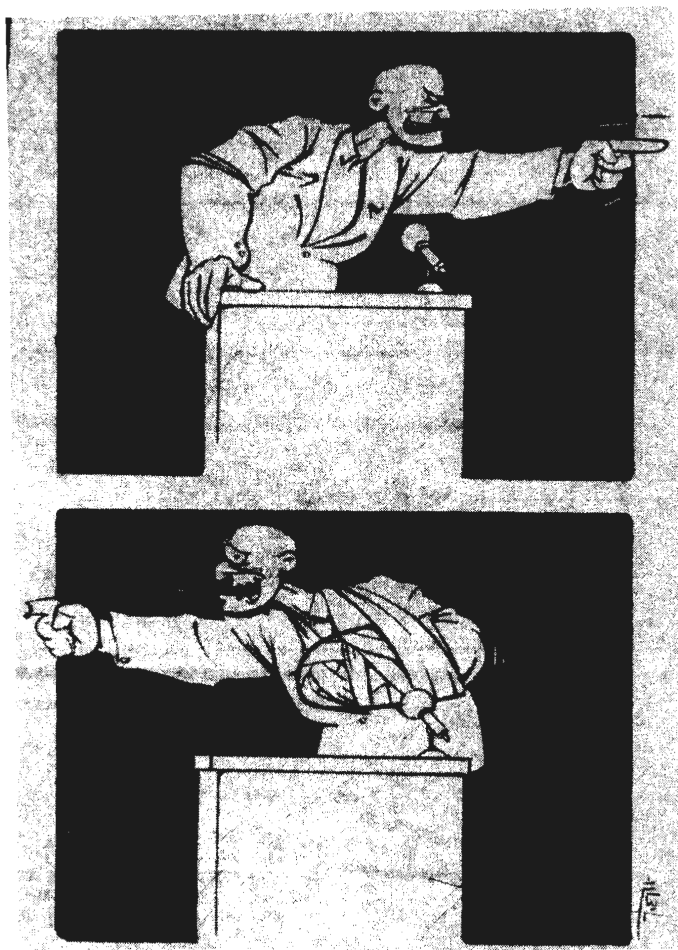
ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۰۵۰	مهد آزادی	تبریز
۱۰۵۱	مهد ایران	تهران
۱۰۵۲	مهر	تهران
۱۰۵۳	مهندسی مکانیک علم و صنعت	تهران
۱۰۵٤	مهندس مکانیک	تهران
۱۰۵۵	مهندس و فنی	تهران
۱۰۵٦	میبد	میبد
۱۰۵۷	میثاق	تبریز
۱۰۵۸	میثاق آذربایجان	ارومیه
۱۰۵۹	میراث فرهنگی	تهران
۱۰٦۰	میقات	تهران
۱۰٦۱	میقات ابهر	ابهر
۱۰٦۲	میقات الحج	تهران
۱۰٦۳	میقات حج	تهران
۱۰٦٤	میلاد	تهران
۱۰٦۵	میلاد لارستان	لار
۱۰٦٦	مینودر	قزوین
۱۰٦۷	میهن	تهران
۱۰٦۸	نامه	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۰۶۹	نامه انجمن حشره شناسی ایران	کرج
۱۰۷۰	نامه انقلاب اسلامی ایران	تهران
۱۰۷۱	نامه دانشگاه علوم پزشکی مازندران	ساری
۱۰۷۲	نامه فرهنگ	تهران
۱۰۷۳	نامه فرهنگستان	تهران
۱۰۷۴	نامه فرهنگستان علوم	تهران
۱۰۷۵	نامه فلسفه	تهران
۱۰۷۶	نامه مفید	قم
۱۰۷۷	نبض	تهران
۱۰۷۸	نجات	تهران
۱۰۷۹	نجوم	تهران
۱۰۸۰	نخل	اهواز
۱۰۸۱	ندا	تهران
۱۰۸۲	ندای ابوذر	نهاوند
۱۰۸۳	ندای آذر آبادگان	تبریز
۱۰۸۴	ندای آذربایجان	تبریز
۱۰۸۵	ندای ایران	تهران
۱۰۸۶	ندای چهار محال و بختیاری	شهرکرد
۱۰۸۷	ندای حق	کرج

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۰۸۸	ندای خاوران	تهران
۱۰۸۹	ندای دنا	یاسوج
۱۱۰۰	ندای رزم	تهران
۱۱۱۱	ندای زاگرس	ایلام
۱۱۱۲	ندای زنجان	زنجان
۱۱۱۳	ندای صادق	تهران
۱۱۱۴	ندای قومس	تهران
۱۱۱۵	ندای کویر	نائین
۱۱۱۶	ندای لرستان	تهران
۱۱۱۷	ندای وحدت	کرمان
۱۱۱۸	ندای ولایت	ــــ
۱۱۱۹	ندای هرمزگان	ــــ
۱۱۲۰	ندای یزد	یزد
۱۱۲۱	نسل آفتاب	کرمان
۱۱۲۲	نسل فردا	اصفهان
۱۱۲۳	نسیم	رشت
۱۱۲۴	نسیم بجنورد	بجنورد
۱۱۲۵	نسیم جنوب	بوشهر
۱۱۲۶	نشاط	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۱۲۷	نشر ریاضی	تهران
۱۱۲۸	نظام پزشکی	تهران
۱۱۲۹	نقد سینما	تهران
۱۱۳۰	نقد مطبوعات	تهران
۱۱۳۱	نقد و نظر	قم
۱۱۳۲	نقش جهان	اصفهان
۱۱۳۳	نقش قلم	رشت
۱۱۳۴	نقشه برداری	تهران
۱۱۳۵	نگارستان	سیرجان
۱۱۳۶	نگاره	مشهد
۱۱۳۷	نگاه مردم	قائم شهر
۱۱۳۸	نگاه نو	تهران
۱۱۳۹	نگهبان	تهران
۱۱۴۰	نمای پژوهش	تهران
۱۱۴۱	نمایش	تهران
۱۱۴۲	نمایه	تهران
۱۱۴۳	نوا	تهران
۱۱۴۴	نور	تهران
۱۱۴۵	نور بانوان	تهران

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۱۴۶	نور خوزستان	اهواز
۱۱۴۷	نو ـ صدا ـ دوربین ـ حرکت	تهران
۱۱۴۸	نور علم	تهران
۱۱۴۹	نورنگار	تهران
۱۱۵۰	نوید اراک	اراک
۱۱۵۱	نوید اصفهان	اصفهان
۱۱۵۲	نهال انقلاب	تهران
۱۱۵۳	نهال و بذر	کرج
۱۱۵۴	نهضت شمال	ساری
۱۱۵۵	نیرو	تهران
۱۱۵۶	نیسان	تهران
۱۱۵۷	نیم نگاه	شیراز
۱۱۵۸	نیوار	مشهد
۱۱۵۹	وارثان زمین	سبزوار
۱۱۶۰	وارش	تهران
۱۱۶۱	وارلیق	تهران
۱۱۶۲	وام ذخیره ماندگار	تهران
۱۱۶۳	وحدت لارستان	لارستان
۱۱۶۴	ورامین توسعه	ورامین



« نقل از روزنامه همبستگی »

آبانماه ۱۳۷۹

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
١١٦٥	ورزش	تهران
١١٦٦	ورزش دانشگاه انقلاب	تهران
١١٦٧	ورزش درمانی	ایلام
١١٦٨	ورزش و ارزش	تهران
١١٦٩	ورزش و اندیشه	تهران
١١٧٠	وقف میراث جاودان	تهران
١١٧١	وکالت	تهران
١١٧٢	ولایت قزوین	قزوین
١١٧٣	وهومن	تهران
١١٧٤	هاتف	رشت
١١٧٥	هامون	ساری
١١٧٦	هدف	تهران
١١٧٧	هدهد	ـــــ
١١٧٨	هراز	آمل
١١٧٩	هرمز	بندرعباس
١١٨٠	هشترود	هشترود
١١٨١	هفت آسمان	تهران
١١٨٢	هفت هنر	تهران
١١٨٣	هگمتانه	همدان

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
١١٨٤	هلال	سیرجان
١١٨٥	هلیل	کرمان
١١٨٦	هما	اصفهان
١١٨٧	هماهنگ	تهران
١١٨٨	همراه	تهران
١١٨٩	همسر	تهران
١١٩٠	همشهری	تهران
١١٩١	همکلاسی	تهران
١١٩٢	همگام	تهران
١١٩٣	همیار	تهران
١١٩٤	هنر بیداری	تهران
١١٩٥	هنر دینی	قم
١١٩٦	هنر و موسیقی	تهران
١١٩٧	هنر هشتم	تهران
١١٩٨	هنگام	تهران
١١٩٩	هوا فضا	تهران
١٢٠٠	هوشیار	تهران
١٢٠١	هوشیار	مشهد
١٢٠٢	یاپراق	تهران


همشهری

شرکتهای ژاپنی در ایران سرمایه گذاری مستقیم می کنند


جام جم

اختلاف نظرها نباید پیوندها را سست کند

حمید درخشان


ابرار

اعتراض مجید انصاری به استدلال شورای نگهبان

کنفرانس برلین محاکمه نظام بود


کیهان


قدس


اطلاعات

ساختار روابط اقتصادی ایران و ژاپن تغییر کرد


جوان

جامعه با افراد تند و افراطی قهر است


خراسان

صادرات با یارانه ارزش اقتصادی ندارد

ایران از دانش فنی ژاپن بهره می گیرد


حیات نو

خاتمی: «نقد» راه آینده است


انتخاب

اختلاف نظر مجلس و شورای نگهبان

ماجرا به مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد کشید

« صفحات اول نمونه‌ای از روزنامه‌های منتشره در آبانماه ۱۳۷۹ »

ردیف	نام نشریه	محل انتشار
۱۲۰۳	یاد	قم
۱۲۰۴	یادیاران	تهران
۱۲۰۵	یالثارات الحسین	تهران
۱۲۰۶	یاوری	تهران
۱۲۰۷	یگانه	تهران

تاریخچه مطبوعات ایران

بخش چهارم:

مهمترین وقایع۱۶۶ ساله مطبوعاتی در ایران از ۱۲۱۲ تا ۱۳۷۸ هجری شمسی

(۱۲۵۲ تا۱۴۲۰ قمری / ۱۸۳۳ تا۱۹۹۹ میلادی)

مهمترین وقایع ۱٦٦ ساله مطبوعاتی در ایران

(۱۲۱۲ ـ ۱۳۷۸ شمسی / ۱۲۵۲ ـ ۱٤۲۰ قمری / ۱۸۳۳ ـ ۱۹۹۹ میلادی)

همانگونه که در بخش(سیری در متون روزنامه ها و مجلات قدیمی) دیدیم روزنامه نگاران در جهت تنویر اندیشه ها، انعکاس وقایع تلخ و شیرین اجتماعی ـ سیاسی ـ اقتصادی و فرهنگی، مبارزه با جمود و تحجر فکری، مبارزه با خودخواهان و انحصار طلبان و مستبدین و خود کامکان، پیوسته در صف مقدم جبهه حق بر علیه باطل قرار داشته و بیشترین مصائب را بجان خریده اند.

امیر کبیر معمار رنسانس فرهنگی ایران قربانی دنائت طبع میرزا آقا خان نوری می گردد و به فجیع ترین وضعی در فین کاشان شهید میشود[۱]

سلطان العماء خراسانی مدیر با شهامت و انقلابی روزنامه روح القدس در ۱۳۲٦ قمری بدست قشون استبداد دستگیر و بوضع فجیعی زنجیر به گردن و دست و پا بسته در باغشاه تهران شهید و به داخل چاه انداخته میشود.[۲]

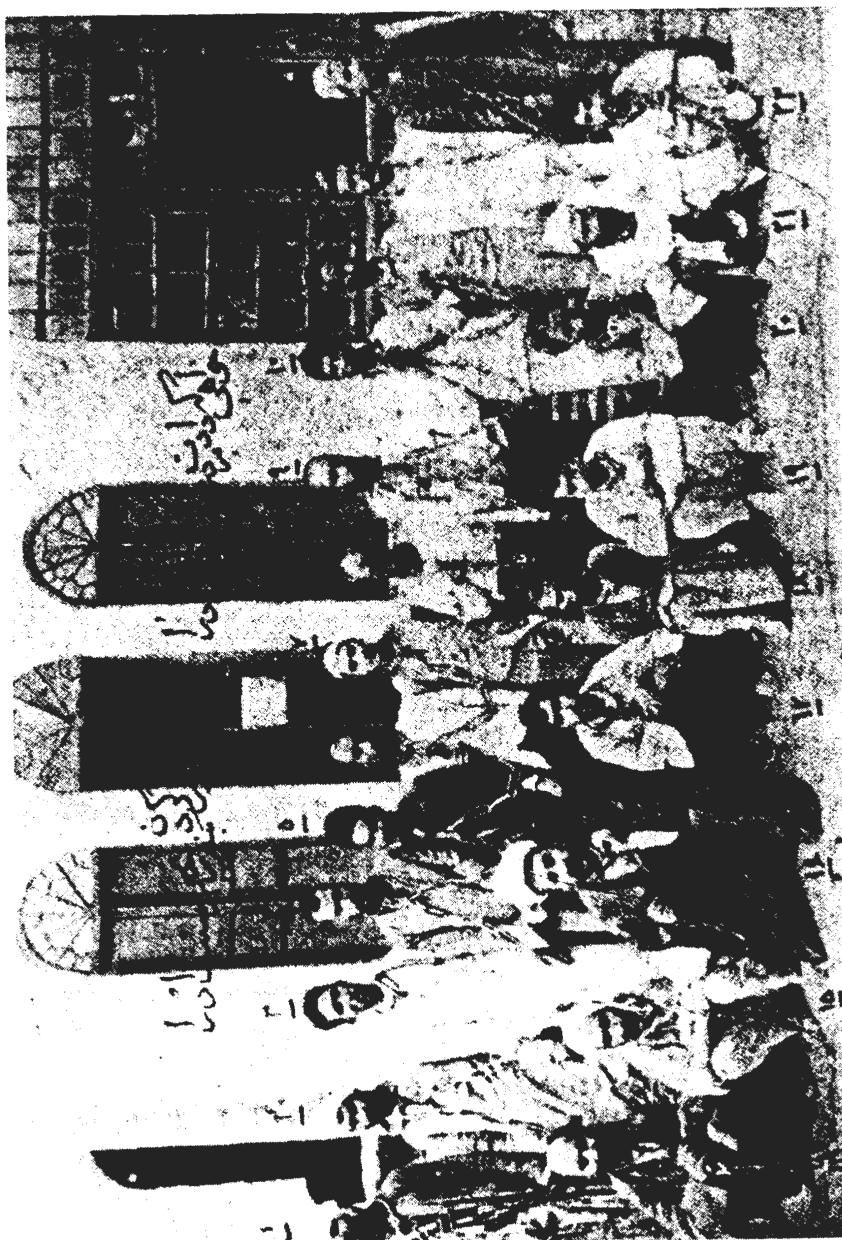
میرزا سید حسن کاشانی مدیر روزنامه حبل المتین تهران بجرم حقگوئی و نوشتن مقالهٔ « اِذا فَسَدَ العالِم فَسَدَ العالَم)) در ۱۳۲۷ قمری به پرداخت مبلغ دویست و پنجاه تومان جریمه نقدی و تحمل ۲۳ ماه زندان و شکنجه محکوم میگردد.[۳]

---

[۱] ـ زندگی میرزا تقی خان امیرکبیر ـ حسین مکی

[۲] ـ تاریخ جراید و مطبوعات ایران ـ مرحوم محمد صدر هاشمی ـ ج۲ ـ ص ۳۲٤

۳ ـ همان منبع



تعداد ۲۲ نفر از ازادیخواهان زنجیربرگردن ـ محبوس در باغشاه (۱۳۲۵ هـ ق) بالای عکس نوشته شده است :

خواهی که دادت بر درد صد سلسله بیداد را　منت بکش گردن ، بنه زنجیر استبداد را

میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل مدیر روزنامه صور اسرافیل را قزاق ها در روزهای استبداد صغیر در باغشاه تهران با طناب خفه کردند(١٣٢٤ قمری) و جسدش را در خندق انداختند[٤]

عوامل منفور استبداد دهان فرخی را دوخت تا نغمه آزادیخواهی را خاموش نمایند، فرخی یزدی روزنامه نگار و شاعر آزادیخواه و انقلابی بوضع فجیعی بادهان دوخته و بوسیله آمپول هوا بقتل رسید.

محمد مسعود روزنامه نگار شجاع و بی باک و مدیر روزنامه مرد امروز بجرم انتشار خبر مرگ رضا شاه تحت عنوان(سردسته دزدان مسلح به درک واصل شد)[٥]در جلو چاپخانه مظاهری بقتل میرسد.

کریمپور شیرازی روزنامه نگار بی پروا و مبارز و مدیر روزنامهٔ شورش را درسال ١٣٣٢ شمسی به سیاهچال انداخته و تمام بدنش را با آتش سیگار میسوزانند و عاقبت پیکرش را به نفت آغشته و آتش میزنند.[٦]

میرزا نعمت اله خان جاوید مدیر و سردبیر هفته نامه کلید نجات بجرم حقگوئی ترور میشود(سال ١٣٣٦ ـ ق) و میرزا ابوالقاسم ضیاء العلما مدیر روزنامهٔ اتحاد و اسلامیه بهمراه میرزا احمد سهیلی نویسندهٔ روزنامهٔ شفق و جمعی دیگر از نویسندگان و روزنامه نگاران بجرم افشاء عوامل فساد به اعدام محکوم و به چوبه دار سپرده میشوند(١٣٣٠).

---

[٤] ـ آخرین شماره صور اسرافیل صفر ١٣٢٧ قمری

[٥] ـ کشتار نویسندگان در ایران ـ ص ٦٨ ـ سطر ١٨ تألیف محمود ستایش ـ چاپ البرز ـ ١٣٧٨

[٦] ـ همان منبع ـ ص ٨٤ و ٨٥ ـ به تلخیص



نقل از کتاب « شاعر لب‌دوخته »

از این قبیل حوادث، در مقاطع مختلف تاریخ روزنامه نگاری برای نویسندگان و اربابان جرائد به دفعات و اشکال مختلف پیش آمده است و صدها نویسنده و روزنامه نگار مبارز و شجاع در راه بدست آوردن آزادی های اجتماعی و سیاسی و نیز کسب استقلال فرهنگی ـ سیاسی ـ اقتصادی و اجتماعی ایران و نهایتاً ایجاد امنیت و رفاه همه جانبه برای ملت به فجیع ترین وضع توسط متحجّرین، انحصار طلبان و خود کامگان بیگانه پرست بدرجه شهادت نائل آمده اند، آنچه در پی می‌آید مهمترین رویدادهای مطبوعاتی و وقایع مرتبط با آن است که از(وقایع نامهٔ مطبوعاتی ایران) بکوشش جناب آقای سیّد فرید قاسمی(ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها ـ تهران ـ ۱۳۷۸) استخراج گردیده است.

سال انتشار نشریاتی نیز که بالاخص در نیم قرن اولیهٔ عمر مطبوعاتی در ایران منتشر شده اند بعنوان رویداد مطبوعاتی تلقی و در این مجموعه به تاریخ انتشار یا توقیف برخی از آنها اشاره شده است. چکیده ای از مهمترین رویدادهای مطبوعاتی و وقایع مرتبط با آن در خلال ۱٦٦ سال گذشته یعنی از سال ۱۲۱۲ تا ۱۳۷۸ هجری شمسی(۱۲۵۲ تا ۱٤۲۰ هجری قمری ـ سال ۱۸۳۳ تا ۱۹۹۹ میلادی) را با هم میخوانیم:

*** سال ۱۲۵۲ قمری / ۱۲۱۲ شمسی / ۱۸۳۳ م:**

انتشار طلیعهٔ(کاغذ اخبار)

*** سال ۱۲۵۳ ق/ ۱۲۱۳ ش/ ۱۸۳٤ م:**

ـ انتشار(کاغذ اخبار) نخستین نشریه ادواری چاپی ایران بمدیریت میرزا صالح شیرازی کازرونی(۲۵ محرم ۱۲۵۳ ق)

*** سال ۱۲٦٥ ق/ ۱۲۲٥ ش/ ۱۸٤٦ م:**

ـ انتشار (زاهریرادی باهرا) یا(اشعهٔ روشنائی) بمدیریت پرکنیز که دومین نشریهٔ ادواری ایران است.

(مرگ پرکنیز در ۳۱ دسامبر ۱۸٦۹ میلادی اتفاق افتاد)

*** سال ۱۲٦۷ ق/ ۱۲۲۷ ش/ ۱۸٤۸ م:**

ـ انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه(روز نامچهٔ دارالخلافهٔ تهران)

*** سال ۱۲۷٥ ق/ ۱۲۳٥ ش/ ۱۸٥٦ م:**

ـ انتشار روزنامهٔ ملتی مملکت محروسهٔ آذربایجان(اخبار دارالسطنه آذربایجان)

*** سال ۱۲۷۷ ق/ ۱۲۳۷ ش/ ۱۸٥۸ م:**

ـ انتشار روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران

*** سال ۱۲۸۰ ق/ ۱۲٤۰ ش/ ۱۸٦۱ م:**

ـ انتشار روزنامهٔ علمیهٔ دولت علیه ایران

*** سال ۱۲۸۳ ق/ ۱۲٤۳ ش/ ۱۸٦٤ م:**

ـ انتشار روزنامه دولتی، روزنامه علمیه دولت علمیه ایران، روزنامه ملت سنیهٔ ایران(روزنامه ملّتی)، روزنامه حکیم الممالک

نوای ملی

ای اهالی مظلوم و ستمدیده ایران ای موسسین انجمن های
ملی ای نویسندگان جراید ای میهمان مکاتب ای اولیا
اطفال و محصلین مدارس ای طالبان امنیت و آسایش ای
تجار و کسبه بازار که بفراغت حال تجارت و کسب خودتان را
میکردید ای فقرا و ضعفا که روزها مشغول تحصیل روزی شده
و با خاطر آسوده نان و گوشت خودتان را خریده و شبها راحت
میخوابیدید ای صاحبان عرض و ناموس که تا بحال چشم نامحرم
بعرض و ناموس شما نخورده بود ای مومنین و مقدسین که
با کمال امنیت در مساجد نماز جماعت را خوانده و بعبادت خدا
مشغول میشدید ای متمولین مملکت که شب و روز در [illegible]
عمده و کارخانه جات و [illegible] آبادی [illegible]
برویم.

پس کو انجمنهای شما کو روزنامه ها کو مکاتب چه شد امنیت
و آسایش تجارت بلدیه چرا مضمحل شد نظمیه کسب و تجارت را
[illegible] مانع روزی شما که شد بعرض و ناموس شما که خیانت
کرد مساجد چه شد از عبادت چرا ماندید درهای مساجد چرا بسته
ماند آبادی مملکت را که مبدل بخرابی نمود مشروطیت شما کجا رفت
دارالشورای کبری چه حال دارد وکلای محترم چه شدند
مدیران جراید برای چه [illegible] رحیم خان شجاع نظام
[illegible] سواران بی دین الواط بی شرم چرا مجسمه شریعت
و نماینده اسلام شدند نمایندگان اسلام محلات را چرا
[illegible]

سد باب دکاکین و تجارت ملت بیچاره چرا تاراج کردند
روسای دین شما علمای . . . شما چرا باعث این همه
خیانت و روسیاهی گشتند پس اینها ادعای اسلامیت میکنند
اگر از دین برگشته اند رحم و مروت و انصاف اینها چه شده
خدایا یک مجلس ملا بقدر وجود غیور خیابان ستارخان
و باقرخان غیرت و حمیت ندارند.

اسلام و شریعت را بهانه نموده فتوای قتل عمومی میدهند
الحمدلله باطل شریعت نیات فاسده و خیانت باطن ایشان را
بر همه دنیا ظاهر ساخت علمای ما آنچه تا بحال در خلوت
مشغول بودند حالا این یک را آشکار نمودند قتل نفس کردند
آدم سوزاندند خانه و بازار تاراج نمودند بعرض و ناموس ملت
خیانت کردند با تمام مستبدین و اشرار دست در آغوش
گشته شهر را زیر و زبر نمودند سواران بی مروت را بحکم [illegible]
قسم بی شرمی را دادند آسیابهای شهر را خراب کردند [illegible]
و نان مسلمین و فقرا و ضعفا را بریدند باز بیدار نمی شوید آخر
نکبت این نامسلمانان را ندیدید مقصود اصلی این بزرگان را
ملتفت شدید چهل کرور مسلمان را بیک [illegible] (! . . .)
بخارجه فروختند تف بر حیای اینها اینها فراشباشی حکومت
هستند اینها مرغضب استبداد هستند اینها هستند که سالهای
سال خون ملت را مکیده و بخاک سیاهشان نشانده اند چند
روزی طاقت عدالت و مساوات را نیاوردند و فوری نان گندم
و ارزاق تیر زهرآلود شد بچشم اینها.

این بی ناموسها را چه قدر حرص غلبه نموده که یک دانه گندم را
هزار درجه از یک مسلمان موحد محبوب تر دانند خیلی
[illegible]

نمونه‌ای از شبنامه‌های منتشرشده علیه حکومت استبدادی محمدعلیشاه

*** سال ۱۲۸۵ ق/ ۱۲۴۵ ش/ ۱۸۶۶ م:**

- توقیف بیست و یکمین شمارهٔ روزنامهٔ ملتی

*** سال ۱۲۸۷ ق/ ۱۲۴۷ش/ ۱۸۶۸/ م:**

- انتشار روزنامه وقایع عدلیه
- صدور فرمان سانسور مطبوعات

***سال ۱۲۸۸ق/ ۱۲۴۸ ش/ ۱۸۶۹م:**

- انتشار روزنامه ایران و روزنامه مرآت السفر (روزنامه مرآت السفر و مشکوه الحضر)
- واگذاری(اداره روزنامجات دولتی) به محمد حسن خان صنیع الدوله

*** سال ۱۲۸۹ق/ ۱۲۴۹ش/ ۱۸۷۰ م:**

- انتشار دورهٔ دوم روزنامه ملتی محروسه آذربایجان
- انتشار ر وزنامه (المنطبعه فی الفارس)

*** سال ۱۲۹۰ ق/ ۱۲۵۰ش/ ۱۸۷۱م:**

- انتشار ر وزنامه ایران

سال ۱۲۹۳ق/ ۱۲۵۳ش/ ۱۸۷٤م:

- انتشار نشریه های لاپاتری (وطن) ، روزنامه نظامی علمیه و ادبیه ، روزنامه علمی

- توقیف نخستین شماره لاپاتری (وطن)

سال ۱۲۹٦ ق/ ۱۲۵٦ش/ ۱۸۷۷م:

- انتشار نشریه های مریخ، فرهنگ و تبریز

سال ۱۲۹۷ق/ ۱۲۵۷ش/ ۱۸۷۸م:

- انتشار جریدهٔ تجارت

سال ۱۲۹۸ق/ ۱۲۵۸ش/ ۱۸۷۹م:

- انتشار ر وزنامه اطلاع

سال ۱۲۹۹ق/ ۱۲۵۹ش/ ۱۸۸۰م:

- انتشار نشریه دانش

سال ۱۳۰۰ق/ ۱۲٦۰ش/ ۱۸۸۱م:

- انتشار روز نامه‌های اردوی همایون و شرف

- توقیف نخستین شماره نشریه شرف به دستور شاه بدلیل تعریف از ولیعهد

*** سال ۱۳۰۱ق/ ۱۲۶۱ش/ ۱۸۸۲م:**

- انتشار روزنامه مدنیت
- صدور دستور ناصرالدین شاه مبنی بر دستگیری شب نامه نگاران (۵ جمادی الثانی ۱۳۰۱)

*** سال ۱۳۰۲ق/ ۱۲۶۲ش/ ۱۸۸۳م:**

- صدور فرمان سانسور مطبوعات در ایران (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۰۲ق)
- انتشار هفته نامه اکودوپرس (صدای ایران)
- تولد رسمی اداره سانسور مطبوعات در ایران (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۲ق)

*** سال ۱۳۰۷ق/ ۱۲۶۷ش/ ۱۸۸۸م:**

- تکثیر و توزیع روزنامه قانون در تبریز و تهران (۱۰ ذیحجه ۱۳۰۷ق)
- مبارزه دسته جمعی روزنامه نگاران و شبنامه نگاران ایرانی علیه قرار داد رژی

*** سال ۱۳۱۰ق/ ۱۲۷۰ش/ ۱۸۹۱م:**

- آزادی ۱۰ نفر از توزیع کنندگان و خوانندگان روزنامه قانون پس از حدود ۲ سال زندان و تحمل شکنجه در انبار دولتی قزوین (۶ جمادی الثانی ۱۳۱۰ق)

* سال ۱۳۱۳ق/ ۱۲۷۳ش/ ۱۸۹۴م:

- رواج انتشار بی سابقه شب نامه در ایر ان
- واگذاری مسولیت (اداره روزنامجات دولتی به محمد باقر خان بـرادر ز اده محمـد حسن خان (اعتمادالدوله)

* سال ۱۳۱۴ق/ ۱۲۷۴ش/ ۱۸۹۵م:

- انتصاب محمد باقر خان (اعتماد الدوله) به وزارت انطباعات
- قتل میرز ا آقا خان کرمانی ، شیخ احمد روحی و خبیر الملک

* سال ۱۳۱۸ق/ ۱۲۷۸ش/ ۱۸۹۹م:

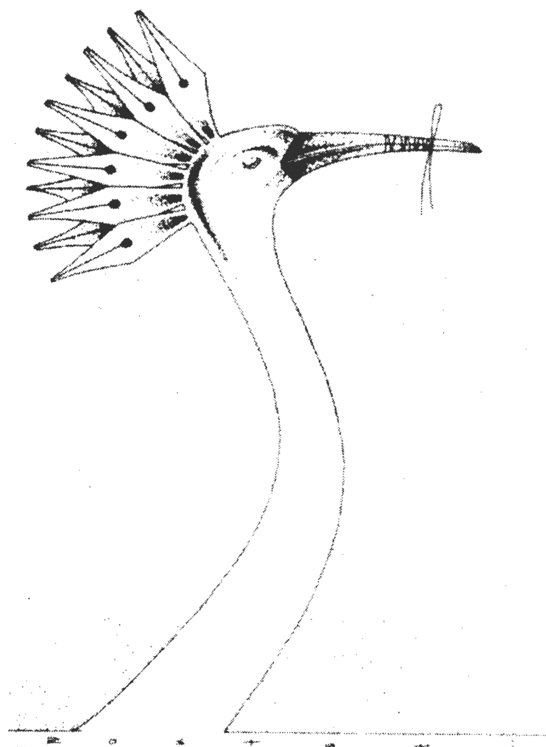
- صدور دستور ممنوعیت ورود مطبوعات فارسی زبان چاپ خارج از کشور به ایران
- کشف مر اکز تکثیر و توزیع نشریات مخفی

* سال ۱۳۱۹ق/ ۱۲۷۹ش/ ۱۹۰۰م:

- دستگیری اعضای تحریریه شب نامه غیرت
- انتشار روزنامه مظفری در بوشهر (۷ شوال ۱۳۱۹ق)

* سال ۱۳۲۰ق/ ۱۲۸۰ش/ ۱۹۰۱م:

- انتشار الاسلام نخستین نشریه اسلامی ایران
- انتشار نشریه نوروز به مدیریت ناظم الاسلام کرمانی (۲۲ ذیحجه ۱۳۲۰)



اردشیر رستمی

ـ دستگیری و شکنجه جمعی از شب نامه نگاران به دستور آقابالاخـان رئیس وقت نظمیه تهران(۱ مهر ۱۲۸۰)

ـ چاپ نخستین کاریکـاتور در مطبوعـات ایـران در روزنامـه ادب مشـهد(١٤ شـوال ۱۳۲۰ق)

* سال ۱۳۲۱ ق/ ۱۲۸۱ش/ ۱۹۰۲م:

ـ انتصاب ندیم السطان به سمت وزیر انطباعات

ـ تشکیل مجمع آزادمردان در تهران

* سال ۱۳۲۲ق/ ۱۲۸۲ش/ ۱۹۰۳م:

ـ تشکیل کمیته سری در باغ میکده تهران

* سال ۱۳۲۳ق/ ۱۲۸۳ش/ ۱۹۰٤م:

ـ تبعید میرزا علی آقا شیرازی (لبیب الملک) روزنامه نگار و مدیر نشریه مظفری(اول صفر ۱۳۲۳ق)

ـ توقیف روزنامه ا دب به مدیریت میرزا صادق ادیب الممالک فراهانی

ـ انتشار روزنامه چهره نما در اسکندریه (١٥ آور یل ١٩٠٤م)

* سال ١٣٢٤ق/ ١٢٨٤ش/ ١٩٠٥م:

ـ تأسیس انجمن گلستان

- دستگیری و تبعید مجد الاسلام کرمانی ، حاج میرزا حسن رُشدیه ،و میرزا اقا اصفهانی نویسندگان مطبوعات.
- صدور فرمان مشروطیت و تصویب قانون اساسی
- انتشار هفته نامه ابلاغ در تبریز
- انتشار روزنامه های وطن و تمدن
- توقیف نشریه حبل المتین (۱۳ جمادی الثانی ١٣٢٤ق)

* سال ١٣٢٥ق/ ١٢٨٥ش/ ١٩٠٦م:

- اعتصاب روزنامه نگاران ، کتابداران و کارگران چاپخانه ها به دلیل توقیف حبل المتین
- انحلال وزارت انطباعات
- به چوب بستن افصح المتکلمین مدیر روزنامه خیر الکلام
- تشکیل انجمن روزنامه مجلس
- تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت ایران
- تفویض اختیارات وز ارت انطباعات به دو اداره در وزارت علوم و معارف به منظور رسیدگی به امور مطبوعات
- توقیف مساوات ، حبل المتین ، روح القدس ، صور اسرافیل و فریاد
- حمله به دفتر روزنامه ها در تهران
- درخواست وزیر عدلیه از رئیس انطباعات وزارت معارف در مورد محدودیت مطبوعات

(فواید عامه)

مؤسس و نگارنده محمد یوسف خان سردار مهاجر هروی و مدیر سلطان العلماء خراسانی
محل توزیع کتابخانه شرافت و معارف مقابل شمس العماره دار الخلافه
وجه اشتراک سالیانه بعد از سه نمره دریافت میشود بکسبه و طلاب در نمره فروش تخفیف داده خواهد شد

هدیه یک نسخه سه شاهی رایج است

مطلب گفتن در سفتن است

نه کاغذ فروختن

فی ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵

قیمت سالیانه در طهران یکتومان و در سایر بلاد ایران دوازده قران ده شاهی
در ممالک عثمانی یک مجیدی و دو بشلق
در روسیه سه منات
هندوستان چهار روپیه
قیمت اعلانات سطری یکقران است





۲۲ نفر محبوسین باغشاه ـ زنجیر بر گردن

ـ محاکمه محترمانه ! میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه صور اسرافیل در اداره جراید وزارت معارف

ـ محاکمه سلطان العلماء خر اسانی مدیر روزنامه روح القدس در محکمه جنائی تهران

ـ انتشار نشریه فریاد در ارومیه

ـ بحث سانسور مطبوعات در مجلس شورای ملی

ـ انتشار نشریه فکاهی ملا نصرالدین در تفلیس (۷ آوریل ۱۹۰۶)

ـ انتشار روز نامه الجمال (۲۶ محرم ۱۳۲۵ ق)

ـ انتشار هفته نامه فکاهی کشکول به مدیریت مجد الاسلام کرمانی (۱۵ صفر ۱۳۲۵)

ـ تبعید مجد الاسلام کرمانی ، رشدیه و میرزا اقا اصفهانی به کلات (۱۲۸۵/۳/۲۵ش)

ـ توقیف روزنامه صور اسرافیل به دستور مجلس شورای ملی (۱۷ شعبان ۱۳۲۵)

ـ انتشار هفته نامه فکاهی تشویق با امتیاز میرزا رضا خان مستوفی (۱۹ شعبان ۱۳۲۵)

* سال ۱۳۲۶ق/ ۱۲۸۶ش/ ۱۹۰۷م:

ـ احضار سید محمد رضا مدیر روزنامه مساوات به عدلیه

ـ انتشار روزنامه ناله اسلام به مدیریت میرزا علی آقا شیرازی (لبیب الملک) در مکه

ـ تصویب قانون مطبوعات (۵ محرم ۱۳۲۶ق)

ـ توقیف بیست و یکمین شماره نشریه مساوات .

ـ دستگیری، زندان، و تبعید روزنامه نگاران

ـ شهادت میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه صور اسرافیل

- شهادت سلطان العلماء خراسانی (شیخ احمد تربتی) مدیر روزنامه روح القدس
- نشر مقالات روزنامه نگاران علیه قانون مطبوعات .
- توقیف صور اسرافیل برای چهارمین بار (۹ صفر ۱۳۲۶ق)
- توقیف روزنامه‌ها و فرار روزنامه نگاران آزادیخواه (۲٤جمادی الاول ۱۳۲٦)

* سال ۱۳۲۷ق/ ۱۲۸۷ش/ ۱۹۰۸م:

- بازگشت ر وزنامه نگاران مهاجر به کشور .
- تبعید شب نامه نگاران.
- توقیف حبل المتین و محاکمه میرزا سید حسن کاشانی مدیر ر وزنامه حبل المتین با حضور هیأت منصفه
- انتشار ر وزنامه حشرات الارض به مدیریت میرزا آقا در تبریز (۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۷)
- توقیف کلیه نشریات به دستور محمد علیشاه قاجار (۳۱ خرداد ۱۲۸۷ش)
- دستگیری روزنامه نگاران و مشروطه خواهان (۲ تیر ۱۲۸۷)
- اعدام میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر صور اسرافیل و سلطان العلماء خراسانی مدیر روح القدس (۳ تیر ماه ۱۲۸۷ش)

* سال ۱۳۲۸ق/ ۱۲۸۸ش/ ۱۹۰۹م:

- اعتراض دسته جمعی روزنامه‌نگاران و مدیر ان مطبوعات به اختناق مطبوعات و توقیف‌های مکرر
- توقیف نشریه های شرق و برق به دستور نظمیه.

﴿ صور اسرافیل ﴾ (صفحه ۴)



شهید راهِ حرّیت و صادق‌ترین مدافع حقوق وطن میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامهٔ صور اسرافیل.
که در صبح ۲۴ جمادی الاُولی ۱۳۲۶ بسن سی و دوسالگی در باغ شاه طهران بدرجهٔ شهادت نائل گردید
شرح زندگی و خدمات آن وجود مقدس را عنقریب بصورت کتاب طبع و محض تخلید آن نام
فنا ناپذیر نشر خواهیم داد.

﴿ وصیت نامهٔ دوست یگانهٔ من هدیهٔ برادری بیوفا به پیشگاه آن روحِ اقدس و اعلی ﴾

• ای مرغ سحر چو این شب تار •
• بگذاشت ز سر سیاه کاری •
• وز نفحهٔ روح بخش اسحار •
• رفت از سر خفتگان خماری •
• بگشود گره ز زلف زر تار •
• محبوبهٔ نیلگون عماری •
• یزدان بکمال شد نمودار •
• واهریمن زشت خوحصاری •
• یاد آر ز شمع مرده یاد آر •

• ای مونس یوسف اندرین بند •
• تعبیر عیان چو شد ترا خواب •
• دل پر ز شعف لب از شکر خند •
• محسودِ عدو بکام اصحاب •
• رفتی بر یار خویش و پیوند •
• آزاد تر از نسیم و مهتاب •
• زان کو همه شام با تو یك چند •
• در آرزوی وصالِ احباب •
[illegible]

• چون باغ شود دو باره خرّم •
• ای بلبل مستمند مسکین •
• وز سنبل و سوری و سپرغم •
• آفاق نگار خانهٔ چین •
• گل سرخ و رخ عرق ز شبنم •
• تو داده زکف قرار و تمکین •
• زآن نوگل پیش رس که در غم •
• نا داده بنار شوق تسکین •
• از سردی دی فسرده یاد آر •

• ای همره تیهِ پورِ عمران •
• بگذشت چو این سنینِ معدود •
• وآن شاهدِ نغزِ بزمِ عرفان •
• بنمود چو وعدِ خویش مشهود •
• وز مذبحِ زر چو شد بکیوان •
• هر صبح شمیمِ عنبر و عود •
• زآن کو بگناهِ قوم نادان •
• در حسرتِ روی ارض موعود •
• [illegible] یاد آر •

ـ انتشار ر وزنامه جنوب به مدیریت محمد باقر خان تنگستانی (۲۱ ذیحجه ۱۳۲۸ق)

ـ محاکمه سید حسن کاشانی مدیر روزنامهٔ حبل المتین (۱٦ مرداد ۱۲۸۸ ش)

ـ توقیف روزنامه ایران نو به دستور نظمیه (۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۸)

* سال ۱۳۲۹ق/ ۱۲۸۹ش/ ۱۹۱۰م:

ـ انتشار ر وز نامه رسمی کشور و نشریه جنگل مولا

ـ انتشار (صورت جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است) تألیف: ه . ل. رابینو

ـ توقیف نخستین شمار ه نشریه ایران نوین

ـ محاکمه و بازجوئی از محمد امین رسول زاده سردبیر ایران نو دربارهٔ قـاتلان صنیع الدوله

ـ انتشار و توقیف نشریه ایران نوین بمدیریت سید محمد افجه (۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ ق)

ـ انتشار روزنامهٔ آفتاب(۲۹ محرم ۱۳۲۹ ق)

ـ توقیف نشریه خبر(۱۵ مرداد ۱۳۲۹)

* سال ۱۳۳۰ ق/ ۱۲۹۰ ش/ ۱۹۱۱ م:

ـ اعدام میرزا ابوالقاسم ضیاء العلما مدیر روزنامه های اتحاد و اسـلامیه، مـیرزا احمـد سهیلی نویسنده روزنامه شفق و جمعی دیگر در تبریز(۱۰ محرم ۱۳۳۰).

ـ تبعید بعضی از روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات تهران و گیلان

ـ تعیین محکمه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی(۹ رمضان ۱۳۳۰ ق)

ـ توقیف روزنامه مجلس به علت درج تلگراف مؤید الاسلام

- توقیف مطبوعات خراسان بدستور کنسول روس
- توقیف مطبوعات و دستگیری مدیران آنها به دستور ناصر الملک(۲ محرم ۱۳۳۰)
- دستگیری میرزا علی آقا شیرازی(لبیت الملک) روزنامه نگار و مدیر نشریهٔ مظفری در حمام!

* سال ۱۳۳۱ ق/ ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م:

- درخواست وزارت معارف از وزارت داخله برای اعزام یکنفر ژاندارم به(ادارهٔ تفتیش مطبوعات)
- دستگیری میرزا محمود مدیر روزنامهٔ(چنته پا برهنه)
- انتشار روزنامه توفیق بمدیریت معاون السلطنه و میلانی در تبریز(۲۵ محرم ۱۳۳۱)
- انتشار نشریه شهاب ثاقب بمدیریت میرزا احمد نراقی در تهران
- اجرای دستور صمصام السلطنه مبنی بر توقیف نشریات و دستگیری مدیران آنها(۵ آبان ۱۲۹۱)

* سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۲۹۲ ش/ ۱۹۱۳ م:

- انتشار روزنامهٔ رعد بمدیریت سید ضیاء الدین طباطبائی(۲۷ نوامبر ۱۹۱۳ م)

* سال ۱۳۳۳ ق/ ۱۲۹۳ ش/ ۱۹۱۴ م:

- توقیف نشریه های عصر انقلاب و کنکاش
- ترور میرزا محمود خان اشرف زاده سردبیر روزنامه فروردین ارومیه(۲۰ رمضان ۱۳۳۳ ق)

*** سال ١٣٣٤ ق/ ١٢٩٤ ش/ ١٩١٥ م:**

- دستگیری پرتو مدیر اتحاد اسلام و منکوقا آن ذوالخیر مدیر تازیانهٔ غیرت
- دستگیری و تبعید محمد تقی بهار مدیر نشریهٔ نوبهار(ارجب ١٣٣٤ ق)

*** سال ١٣٣٥ ق/ ١٢٩٥ ش/ ١٩١٦ م:**

- تصویب لایحه رسیدگی به شکایات مربوط به مطبوعات در محاکم عدلیه(١٨ شوال ١٣٣٥ ق)
- تغییر شیوهٔ(اجازه نامه) انتشار نشریه(١٨ شوال ١٣٣٥ ق)
- توقیف نوبهار، با مداد روشن، جریدهٔ سپاهان، ستاره ایران، پارسی و...
- انتشار روزنامه جنگل بمدیریت غلامحسین کسمائی در کسماء(١٩ شعبان ١٣٣٥)
- تصویب ماده قانونی(درباب مطبوعات) در اصل بیستم قانون اساسی مشروطیت ایران(٢٩ شعبان ١٣٢٥ق)

*** سال ١٣٣٦ ق/ ١٢٩٦ ش/ ١٩١٧ م:**

- بازگشت جمعی از روزنامه نگاران به کشور
- ترور میرزا نعمت الله خان جاوید مدیر و سردبیر هفته نامه کلید نجات
- توقیف سراسری مطبوعات از جمله صدای ایران، ستاره ایران و ...
- رفع توقیف از نشریات از جمله گل زرد و ...
- ترور عبدالحمید خان ثقفی « متین السلطنه)) مدیر روزنامهٔ عصر جدید(اول خرداد ١٢٩٦ ش) بوسیلهٔ اعضاء کمیتهٔ مجازات
- انتشار نشریه کوکب ایران(٢٧ مهر ١٢٩٦ ش)



نیک‌آهنگ کوثر

ـ انتشار مجدد مطبوعات سیاسی در ایران(۱ بهمن ۱۲۹۶ ش)

* سال ۱۳۳۷ ق/ ۱۲۹۷ ش/ ۱۹۱۸ م:

ـ حمله به دفتر نشریهٔ(زبان زنان) در اصفهان

ـ انتشار مجله فلاحت و تجارت

ـ توقیف نشریه کاشف الاسرار بدستور وزارت معارف(۲۶ تیرماه ۱۲۹۷ ش)

* سال ۱۳۳۸ ق/ ۱۲۹۸ ش/ ۱۹۱۹ م:

ـ توقیف نشریه های سعادت، بهارستان، اقتصاد ایران

ـ حبس و شلاق زدن ابوطالب شیروانی مدیر روزنامهٔ میهن اصفهان

ـ دستگیری میرزادهٔ عشقی و فرخی یزدی به علت نگارش مقاله علیه قرار داد ۱۹۱۹

ـ شهادت شیخ محمد خیابانی مدیر روزنامهٔ تجدّد

* سال ۱۳۳۹ ق/ ۱۲۹۹ ش/ ۱۹۲۰ م:

اخذ تعهد از مدیر جریدهٔ تهذیب مبنی بر عدم دخالت در(سیاسات مملکتی)!(۱۶ رجب ۱۳۳۹ ق)

ترور سید خلیل رکن الاسلام خلخالی مدیر نشریهٔ کوکب ایران

توقیف تازه بهار، صدای تهران

توقیف نشریه ها، بازداشت روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات به دنبال کودتای سوم اسفند(۳ اسفند ۱۲۹۹ ش)

صدور فرمان رئیس الوزرائی سید ضیاءالدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد

- توقیف نشریه حیات جاوید و نشریه تازه بهار چاپ مشهد

- قیام شیخ محمد خیابانی مدیر روزنامهٔ تجدد در تبریز

- انتشار روزنامهٔ طوفان بمدیریت فرخی یزدی(۲۰ ذیحجه ۱۳۳۹ ق)

- انتشار نامهٔ بانوان بمدیرت شهناز آزاد(۱ مرداد ۱۲۹۹ ش)

- انتشار مجلهٔ جهان زنان در مشهد(۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۹ ق)

* سال ۱۳۴۰ ق/ ۱۳۰۰ ش/ ۱۹۲۱ م:

- انتشار فوق العادهٔ(مانور قزاقان به فرماندهی سردار سپه)

- انتشار مهنامهٔ ارتش(صف)

- بازداشت مدیر نشریهٔ نوروز و انتقال وی به دارالمجانین به امر رئیس الوزراء وقت(۲۸ فروردین ۱۳۰۰)

- بیانیهٔ شدید اللحن حکومت نظامی علیه مطبوعات

- توقیف اقدام، راه نجات، ستارهٔ ایران، گلشن، نوروز و خراسان بدستور قوام السلطنه رئیس الوزراء وقت(۱ مرداد ۱۳۰۰)

- انتشار نشریه نوروز بمدیریت یحیی ریحان

- صدور امتیاز نشریه قرن بیستم بنام میرزادهٔ عشقی(۲۴ فروردین ۱۳۰۰)

- توقیف نشریه خراسان بدستور کلنل پسیان والی نظامی خراسان(۱۳۰۰/۲/۱۵ ش)

- تحصن جمعی از روزنامه نگاران در مجلس شورای ملی(۲۰ شعبان ۱۳۴۰)

- صدور اعلامیه شدیداللحن حکومت نظامی علیه مطبوعات(۱۷ اسفند ۱۳۰۰ ش)

*** سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۳۴۱ ق/ ۱۹۲۲ م:**

- اصلاح قانون مطبوعات
- انتشار مجلهٔ سپیده‌دم بمدیریت لطفعلی صورتگر
- اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران به علت توقیف مطبوعات(۸ شهریور ۱۳۰۱)
- تصویب آیین نامهٔ اجرایی قانون مطبوعات
- تصویب قانون موقت هیأت منصفه مطبوعات (۱۰ آذر ۱۳۰۱ ش)
- جلب فلسفی مدیر نشریهٔ حیات به محاکم نظامی (۳۰ شهریور ۱۳۰۱ ش)
- توقیف نشریه های سیاست، گلشن، اقتصاد ایران، اقدام، شفق سرخ، طوفان، ایران آزاد، افق روشن، عهد
- انقلاب، شهاب، اتحاد عصر انقلاب، خنده ، ندای گیلان، سروش ، قیام و...
- رسیدگی به شکایت احمد شاه قاجار از مدیر روزنامهٔ قیام در شعبهٔ دوم محکمهٔ استیناف تهران(۱۰ بهمن ۱۳۰۱ ش)
- مشت زدن رضاخان به دهان فلسفی مدیر روزنامهٔ حیات جاوید
- کتک خوردن میرزا حسین خان صبا مدیر روزنامهٔ ستارهٔ ایران از دست رضا خان (اول مهرماه ۱۳۰۱ ش)
- محاکمهٔ مطبوعاتی فرخی یزدی

* سال ۱۳۰۲ ش/ ۱۳٤۲ ق/ ۱۹۲۲ م:

تأسیس مرکز اطلاعات

رفع توقیف از مطبوعات: بدر، افق، دستور اخوت، احشو یروش، صحیه آسمانی، قلم پاک و...

توقیف نشریه های حقیقت، کار، اقتصاد ایران و...

ـ انتشار روزنامهٔ عصر تمدن بمدیریت میرزا مهدی خان ساعی

ـ تصویب قانون پنجاه تومان اعتبار کمک خرج به مجلهٔ معارف(۱۳۰۲/۱/۲۷ ش)

ـ انتشار روزنامهٔ قلم آزاد(۱۳۰۲/۱/۲۷)

ـ توقیف نشریه آسیا به دستور اداره نظمیه(٤ دی ۱۳۰۲)

* سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۳٤۳ ق / ۱۹۲٤ م:

- ترور میرزاده عشقی روزنامه نگار و مدیر روزنامهٔ قرن بیستم

- رفع توقیف از بعضی نشریات نامه بیدار و...

ـ انتشار روزنامهٔ نسیم صبا

* سال ۱۳۰٤ ش/ ۱۳٤٤ ق/ ۱۹۲۵ م:

- انتشار مجلهٔ آینده

- تأسیس(سازمان توزیع مطبوعات) به همت مرحوم مهدی فارسی

- ترور یحیی واعظ قزوینی مدیر نشریهٔ نصیحت(۷ آبان ۱۳۰٤)

- تصویب سه ماده در قانون مجازات عمومی دربارهٔ حقوق نویسندگان

- ورود تلفن به ایران



چند تن از روزنامه نگاران ایران در نخستین سالهای سلطنت رضاشاه

ردیف جلو از چپ به راست: شکرالله صفوی مدیر روزنامهٔ کوشش ـ سیدمحمدطباطبائی مدیر روزنامه تجدیدایران.

ردیف وسط از چپ به راست: سیدکاظم اتحاد مدیر روزنامهٔ امید ایران و اتحاد ـ عباس خلیلی مدیر روزنامهٔ اقدام ـ علی دشتی مدیر روزنامهٔ شفق سرخ ـ فرخی مدیر روزنامهٔ طوفان ـ زین‌العابدین رهنما مدیر روزنامهٔ ایران.

ردیف ایستاده: عباس مسعودی مدیر روزنامهٔ اطلاعات ـ امیر رضوانی مدیر روزنامهٔ گلشن ـ اعتصام‌زاده مدیر روزنامهٔ ستاره.

«نقل از: کتاب شاعر لب‌دوخته ـ ص ۳۴۸»

- توقیف نشریه های عنکبوت، تنویر، نصیحت از سوی وزارت معارف(۱۲ مهر ۱۳۰٤)

- درگذشت ادوارد براون محقق مطبوعات ایران(۱۵ دی ۱۳۰٤ ش)

- تعطیل روزنامه میهن پس از ۷ سال سانسور نشریه و تبعید و حبس ابوطالب شیروانی مدیر آن(۲۹ اسفند ۱۳۰٤ ش)

* سال ۱۳۰۵ ش/ ۱۳٤۵ ق/ ۱۹۲٦ م:

- انتشار روزنامهٔ اطلاعات

- جشن مطبوعات در گراند هتل تهران(۱٦ آذر ۱۳۰۵)

* سال ۱۳۰٦ ش/ ۱۳٤٦ ق/ ۱۹۲۷ م:

- آتش سوزی دفتر روزنامهٔ آئینه جنوب در کرمان

- توقیف نشریه های ناهید و....

* سال ۱۳۰۷ ش/ ۱۳٤۷ ق/ ۱۹۲۸ م:

- تصویب قانون هیأت منصفه

- توقیف روزنامهٔ بهار در مشهد به وسیلهٔ(تأمینات نظمیه)

- جشن بزرگ مطبوعات ایران به مناسبت الغاء کاپیتولاسیون

- گشایش فرستنده های جدید موج کوتاه در نجف آباد

- انتشار روزنامه دورنمای ایران بمدیریت عبدالحسین سپنتا در بمبئی(۹ آذر ۱۳۰۷)

* سال ۱۳۰۸ ش/ ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۲۹ م:

- ممنوعیت خواندن روزنامه در ادارات
- توقیف روزنامهٔ اطلاعات(۲۸ آبان ۱۳۰۸ ش)
- انتشار هزارمین شماره روزنامه اطلاعات(۲۹ اسفند ۱۳۰۸ ش)

* سال ۱۳۰۹ ش/ ۱۳۴۹ ق/ ۱۹۳۰ م:

- آتش سوزی دفتر روزنامهٔ ناهید(۱۷ مرداد ۱۳۰۹ ش)
- ناپدید شدن فرخی یزدی مدیر روزنامهٔ طوفان(۱۴ آبان ۱۳۰۹ ش)
- درگذشت میرسید علی جناب مدیر نشریه الجناب(۲۹ اسفند ۱۳۰۹ ش)

* سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۳۵۰ ق/ ۱۹۳۱ م:

اعلام مخالفت آیرم(رئیس تشکیلات نظمیه) به هیأت وزیران با رفع توقیف روزنامهٔ نسیم شمال

انتشار روزنامه آلیک

تصویب قانون هیأت منصفه(۱۰خرداد ۱۳۱۰ ش)

* سال ۱۳۱۲ ش/ ۱۳۵۳ ق/ ۱۹۳۳ م:

- درگذشت سید اشرف الدین حسینی گیلانی(نسیم شمال)(۲۹ اسفند ۱۳۱۲ ش) مدیر روزنامهٔ نسیم شمال

* سال ۱۳۱۳ ش/ ۱۳٥٤ ق/ ۱۹۳٤ م:

ـ تأسیس چاپخانه روزنامه اطلاعات(١٦ مهر ۱۳۱۱)

* سال ۱۳۱٤ ش/ ۱۳٥٥ ق/ ۱۹۳٥ م:

ـ صدور دستور وزارت معارف مبنی بر لغو امتیاز روزنامه شفق سرخ و واگذاری امتیاز روزنامه ایران از زین العابدین رهنما به مجید موقر به دستور دولت وقت

ـ بازداشت زین العابدین رهنما مدیر روزنامهٔ ایران و علی دشتی مدیر روزنامهٔ شفق سرخ(۲۰ اردیبهشت ۱۳۱٤ش)

* سال ۱۳۱٥ ش/ ۱۳٥٦ ق/ ۱۹۳٦ م:

ـ هجوم مأموران شهربانی به ادارهٔ روزنامه سعادت بشر و زندانی نمودن هوشمند مدیر این روزنامه

* سال ۱۳۱٦ ش/ ۱۳٥۷ ق/ ۱۹۳۷ م:

- احضار مدیران مطبوعات و تهدید آنها به وسیلهٔ مختاری رئیس شهربانی وقت

- انتشار دو شماره در روز(صبح و عصر) روزنامهٔاطلاعات در هفت روز هفته

- تعیین مجازات ناشران مطبوعات

* سال ۱۳۱۷ ش/ ۱۳٥۸ ق/ ۱۹۳۸ م:

تغییر نام(آژانس پارس) به «خبرگزاری پارس)) و انتزاع آن از(وزارت امور خارجه) و الحاق به(اداره کل انتشارات)

صدور دستور هیأت وزیران بــه وزارت معـارف در مـورد(بازرسـی از روزنامـه هـا و مجله ها) (۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۷ ش)

* سال ۱۳۱۸ ش/ ۱۳۵۹ ق/ ۱۹۳۹ م:

قتل فرخی یزدی روزنامه نگار و مدیر نشریه طوفان(۲۵ مهر ۱۳۱۸ ش)

درگذشت حسین توفیق مؤسس مجلهٔ فکاهی توفیق(۲۹ بهمن ۱۳۱۸)

* سال ۱۳۱۹ ش/ ۱۳٦۰ ق/ ۱۹٤۰ م:

آغاز به کار رادیو در ایران

ادغام روزنامه های شهرستانها به وسیلهٔ(کمیسیون مطبوعات سازمان پرورش افکار) و انتشار روزنامه‌های مورد حمایت دولت!

* سال ۱۳۲۰ ش/ ۱۳٦۱ ق/ ۱۹٤۱ م:

سؤال دبستانی کرمانی نماینده مجلس از نخست وزیر وقت دربارهٔ(علل توقیف چهار روزنامه)

توقیف روزنامه اطلاعات در اثر پافشاری وزیر مختار انگلیس(۱۹ شهریور ۱۳۲۰ ش)

صدور اطلاعیه شدید اللحن فرمانداری نظـامی تهـران خطـاب بـه مطبوعـات(۱ آبـان ۱۳۲۰)

بحران تهیه کاغذدر مطبوعات ایران(۲۱ اسفند ۱۳۲۰ ش)



فرخی یزدی مدیر روزنامه توفان

(ص ۳۷۰ ـ شاعر لب‌دوخته)

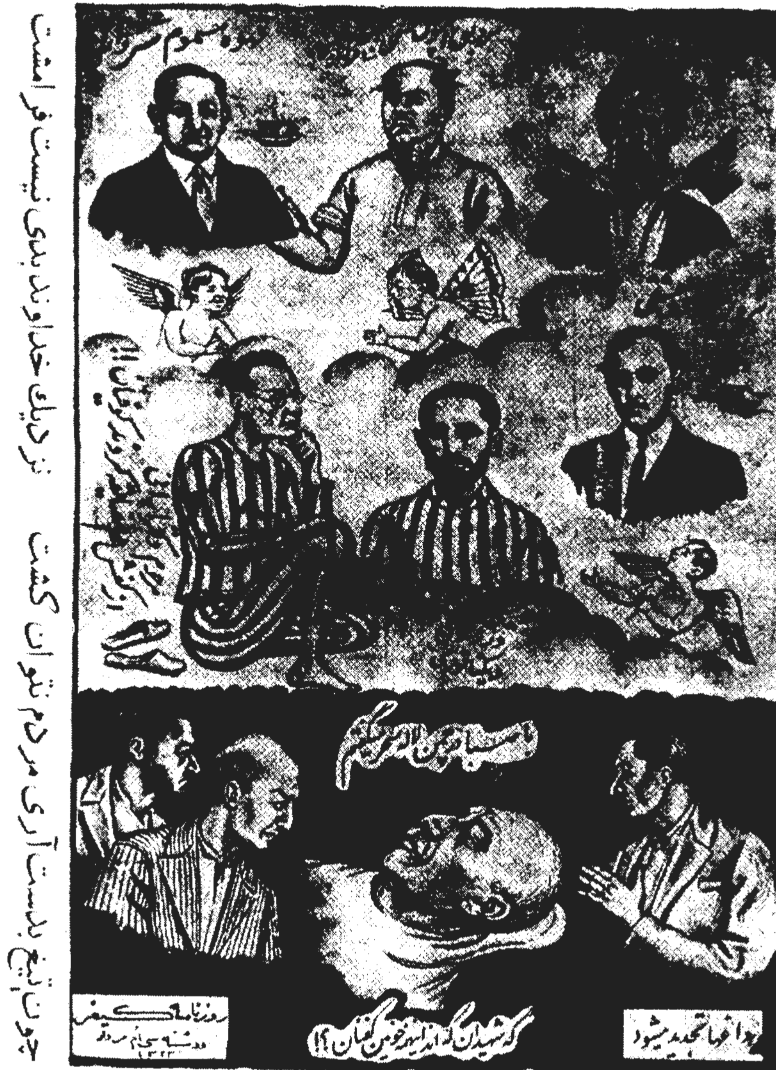
* سال ۱۳۲۱ ش/۱۳۶۲ ق/۱۹۴۲ م:

- ارائه لایحهٔ دو ماده ای(وزارت فرهنگ) برای مطبوعات به مجلس شورای ملی
- اصلاح(قانون مطبوعات)
- انتشار روزنامهٔ کیهان و روزنامهٔمرد امروز
- انتشار نشریهٔ مشعل
- تصویب(آیین نامهٔ اجرایی قانون مطبوعات)
- توقیف کلیه نشریه ها و بازداشت عده ای از روزنامه نگاران در ۱۷ آذر
- توقیف نشریه های آزاد، امیر، ستاره، نامه آزاد، مردان کار، جهان نما، بهار ایران، پرورش، نبرد، خورشید ایران، مرد امروز و نسیم شمال
- صدور دستور قوام نخست وزیر وقت مبنی بر(جلوگیری از نشر جراید در استان اصفهان)
- انتشار مجلهٔ تهران مصور(۱۳۲۱/۵/۲۷ ش)
- توقیف کلیه نشریه ها اعم از روزنامه ها و مجلات بدستور احمد قوام نخست وزیر وقت(۱۷ آذر ۱۳۲۱)
- بازداشت عدهٔ زیادی از روزنامه نگارن مخالف دولت قوام طبق ماده ۵ حکومت نظامی(۱۹ آذر ۱۳۲۱ش)
- ممنوعیت چاپ مطبوعات در اصفهان و اخذ تعهد از مدیران چاپخانه ها(۹ دی ۱۳۲۱ ش)

*** سال ۱۳۲۲ ش / ۱۳٦۳ ق / ۱۹٤۳ م:**

- تصویب فوریت (لایحهٔ تحدید مطبوعات) از سوی مجلس شورای ملی
- تصویب (لایحهٔ حبس روزنامه نگاران و توقیف نشریات) و ارائه آن به مجلس شورای ملی
- توقیف تعدادی از نشریه ها از جمله آرزو ، آژیر ، اختر ، اصفهان ، امید ، ایران ما ، باختر، برق، خورشید ایران، رهبر، شنگول ، - شهباز، فرمان گیتی، مرد امروز، مردم، نامهٔ آزاد، نبرد، نجات ایران، نسیم صبا، نهضت ملی، دماوند، داد، ندای حقیقت، کیهان ، اتفاقات، صدای ایران، هور، نهنگ، نوروز ایران، قیام ایران و اقدام به دست هیئت وزیران(۱۹/٦/ ۱۳۲۲ ش)
- انتشار مجلهٔ دیدنیها به مدیریت علی اصغر امیرانی
- فروش روز نامه باختر در بازار سیاه به علت توقیف
- محاکمهٔ احمد دهقان مدیر مجله تهران مصور، پازارگاد مدیر روزنامهٔ خورشید ایران و، خسرو اقبال مدیر روزنامه نبرد
- استیضاح دولت سهیلی به دلیل توقیف مطبوعات
- اعتراض(اتحادیهٔ مطبوعات) به دولت در مورد(توقیف بدون محاکمهٔ) روزنامه های آزادگان، اقدام، باختر، خورشید ایران، داد، کیهان، مهر ایران، میهن پرستان، نبرد امروز، نجات ایران و نوبهار
- انتخاب محمد مسعود به عنوان رئیس و عبدالرحمن فرامرزی به عنوان نایب رئیس(اتحادیهٔ مطبوعات)
- انتشار نشریه اصفهان
- انتشار نشریهٔ باباشمل(۱۳۲۲/۱/۲۵)
- انتشار روزنامهٔ فرمان(۱۳۲۲/۳/۲۲)
- توقیف ایران ما به جرم(اهانت به مقامات خارجی) (۲۲ خرداد ۱۳۲۲)

صدور اعلامیه اتحادیه ملی جراید ایران مبنی بر نفرت جامعهٔ مطبوعات از واقعهٔ ۱۷ آذر ۱۳۲۱(توقیف کلیه نشریات)



« نقل از ص ٣٤٠ کتاب شاعر لب‌دوخته »

* سال ۱۳۲۳ ش/ ۱۳٦٤ ق/ ۱۹٤٤ م:

تجدید چاپ(اعلام نامه) میرزا صالح شیرازی به وسیلهٔ حاج محمد نخجوانی در مجلهٔ یادگار

- توقیف آرزو، امروز و فردا، پرچم، دماوند، راهنمای یهود، فرمان، نجات ایران، مردامروز، میهن، ندای آزادی، نسیم شمال، هور، یویو، پرورش، بهرام، کشور، بنیاد، رهبر، بدیع، نوروز ایران، افکار ایران، کاروان، افق، نهنگ، ظفر، داریا و ...
- صدور اعلامیه حکومت نظامی دربارهٔ توقیف روزنامه وهور (١٦ آبان ۱۳۲۳ ش)
- توقیف روزنامه‌های مرد امروز و هور(۱۲ آذر ۱۳۲۳ ش) ـ ترقی ـ امروز و فردا

* سال ۱۳۲۳ ش/ ١٣٦٥ ق/١٩٤٥ م:

- توقیف روزنامه های جناح چپ و آزادی نسبتاً کامل روزنامه های جناح راست
- توقیف نشریه های آزادگان، جبهه، دنیای امروز، رستا خیز ایران، روستا، سرگذشت، سلحشور، علی بابا، کانون، مظفر، نسیم شمال، نوروز ایران، یغما و ...(۲۱ مهر ١٣٢٤)
- صدور اعلامیه نخست وزیر در خصوص(رفع توقیف مطبوعات)
- صدور بیانیه مدیران مطبوعات در مورد(الغای حکومت نظامی) و(آزادی مطبوعات)
- قتل احمد کسروی مدیر روزنامهٔ پرچم(۲۰ اسفند ١٣٢٤ ش)

* سال ۱۳۲۵ ش/ ١٣٦٦ق /١٩٤٦ م:

- توقیف نشریه های اقدام، بشر، پیکارروز، خاور، رهبر، شفق، شهباز، شهریار، ظفر، فردا و مظفر به دستور فرمانداری نظامی
- دستگیری ابوطالب شیروانی مدیر روزنامهٔ میهن
- دستگیری عبدالقادر باغی مدیر مطبوعات و چاپخانه مهاباد (١٤ بهمن ۱۳۲۵ ش)
- عضویت(اتحادیه مطبوعات ایران) در(سازمان بین المللی روزنامه نگاران)



روسای شهربانی ـ روزنامه امید ش ۳۸۲

(نقل از : شاعر لب‌دوخته ـ ص ۳۳۹)

- توقیف نشریه صبا بدلیل کاریکاتور استالین!(۱۳۲۵/۲/۲۴)
- انتشار روزنامهٔ آتش بمدیریت سید مهدی میراشرافی(۱۳۲۵/۱/۲۹ش)
- توقیف نشریه های علی بابا و شهباز بدستور فرمانداری نظامی(۴ شهریور ۱۳۲۵)
- توقیف نشریه قلندر(۶ شهریور ۱۳۲۵)

* سال ۱۳۲۶ ش/ ۱۳۶۷ ق/ ۱۹۴۷ م:

- تأسیس (جبههٔ مطبوعات ضد دیکتاتوری)
- تأسیس(جبههٔ مطبوعات مبارز ملی)
- توقیف نشریه های آتش، آرزو، آشفته، اقدام، انسانیت، جبهه، حیات اصفهان، داد، دموکرات ایران، دنیای اسلام، دیپلمات، شرف، شیوه، صدای وطن، قیام ایران، کانون، مرد امروز، مژده و...
- حمله به چاپخانه های داد و کیهان
- دستگیری مدیران نشریه های آتش، اقدام و قیام ایران
- تعطیل روزنامه های دیپلمات و دموکرات ایران بدستور شاه(۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۶)
- ترور محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز(۲۲ بهمن ۱۳۲۶ ش)

* سال ۱۳۲۷ ش / ۱۳۶۸ ق / ۱۹۴۸ م:

- استیضاح دولت هژیر به علت توقیف غیر قانونی مطبوعات (۱۴ شهریور ۱۳۲۷ش)
- اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات
- اعلام جرم احمد دهقان مدیر تهران مصور علیه احمد قوام
- بازداشت و حبس روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات از جمله انجوی شیرازی مدیر اتشبار ، دژکام مدیر رگبار ، زعیمی مدیر کسری ، نوبخت مدیر سیاست ما و ...

- توقیف بیش از ۹۰ نشریه از جمله آتش ، پیروز ی، توفیق ، خاور زمین ، زندگـی ، رهبر ، سیاست ما ، صدای وطن ، فارس ، کسری ، مجد ایران ، مردم، مظفـر ، مهـر میهن ، وظیفه و خواندنیها و محیط و ظفر (۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ش)
- تحصن بشارت مدیر نشریهٔ صدای وطن در مجلس به دلیل ضرب و شتم وی
- تصویب (لایحه تحدید مطبوعات) (۸ شهریور ۱۳۲۷)
- تیر اندازی ناصر فخرآرایی خبرنگار نشریه پرچم اسلام به شاه
- توقیف نشریه مهر میهن بدستور فرمانداری نظامی (۲۳ فروردین ۱۳۲۷)
- بازداشت مدیران روزنامه های ایران نوو جدال بوسیلهٔ شهربانی (٢٤ خرداد ۱۳۲۷)
- دستگیری ناصر فخرآرائی خبر نگار روزنامه پرچم اسلام به جرم تیراندازی به شـاه و فقیهی شیرازی مدیر این نشریه (۱۵ بهمن ۱۳۲۷)
- محاکمه و محکومیت عدهٔ زیادی از نویسـندگان و مدیـران مطبوعـات در دادگـاه نظامی (٤ اسفند ۱۳۲۷ش)

**** سال ۱۳۲۸ ش / ۱۳٦۹ ق / ۱۹٤۹ م:***

- توقیف نشریه ها از جمله آتش ، آهنگ شـرق ، اصلاحـات ایـران ، اقـدام ، بـاختر امروز ، پایتخت ما ، خبر ، داریا ، رگبـارنو ، صفـیر ، قیـام ایـران ، کشـور ، منطـق ، هراز و .... از سوی فرمانداری نظامی (۱۵ آبان ۱۳۲۸)
- محاکمهٔ مدیران صدای وطن و هور (۱۸ آبان ۱۳۲۸ ش)
- تحصن دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امـروز و ۱۹ نفـر دیگـر از مدیـران مطبوعات در کاخ شاه بعلت اعتراض به انتخابات (۲۲ مهر ۱۳۲۸)
- دستگیری محمود دژکام مدیر روزنامهٔ رگبار از سوی فرمانداری نظامی (۱۷ آبان ۱۳۲۸)
- توقیف نشریهٔ جوانمرد امروز (۳۰ آذر ۱۳۲۸ ش)
- توقیف روزنامهٔ اتحاد ملی و بازداشت هاشمی مدیرآن (٦ دی ۱۳۲۸ ش)
- بازداشت دکتر جوانمرد به جرم انتشار روزنامه جوانمرد امروز (۸ بهمن ۱۳۲۸ ش)

* سال ۱۳۲۹ ش / ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۰ م:

- اعتصاب غذای روزنامه نگاران در اعتراض به توقیف مطبوعات و دستگیری همکاران (۱۴ دی ۱۳۲۹ ش)
- غارت دفتر نشریه منادی در تبریز (۲۷ بهمن ۱۳۲۹ ش)
- دستگیری صداقت پور مدیر نشریه افق سرخ چاپ شیراز (۱۳ اسفند ۱۳۲۹ ش)
- اجتماع مردم در میدان بهارستان تهران در اعتراض به عدم آزادی مطبوعات
- ترور احمد دهقان مدیر تهران مصور
- توقیف نشریه‌ها از جمله آتش،آتش شرق، آرزو، اصناف ، الله اکبر، امدادوطن، بازاریان، پایتخت ما، پیام فارس، خواندنی ها، داریا، دنا، شاهد، صدای وطن، قائم مقام، کلثوم ننه، ندای احرار،نمایشگاه ، پیام گرگان، پیکار و ......
- دستگیری مدیرر وزنامه اتحاد ملی ، پیک اصفهان ، رگبار
- دستگیری صداقت پور مدیر تشریهٔ افق سرخ چاپ شیراز
- غارت دفتر نشریهٔ منادی در تبریز
- فروش روزنامه‌های جبههٔ ملی به وسیلهٔ نمایندگان مجلس در خیابانهای تهران
- محاکمه دکتر مظفر بقائی کرمانی نویسندهٔ روزنامهٔ شاهد با حضور هیأت منصفه
- انتشار هفته نامه انصار در تهران
- انتشار نشریه جاودان در تهران (۱۳۲۹/۱/۲۷)
- توقیف نشریهٔ صدای فارس به جرم اهانت به مقام سلطنت(۱۳۲۹/۳/۲۴)
- توقیف توفیق به درخواست ناظر شرعیات (۵ شهریور ۱۳۲۹)
- توقیف نشریهٔ آهنگ شرق (آذر ۱۳۲۹) و نشریه کلثوم‌ننه

* سال ۱۳۳۰ ش/ ۱۳۷۱ق/ ۱۹۵۱م:

- آتش سوزی دفتر روزنامه های آتش، بسوی آینده، سیاسی، طلوع ، فرمان نوید آزادی و....(۱۴آذر ۱۳۳۵)
- اعدام قاتل احمد دهقان مدیر تهران منصور

تحصن جمعی از روزنامه نگاران و مدیران و مطبوعات در مجلس شورای ملی به دلیل عدم امنیت جانی ومالی (۱۵ آذر ۱۳۳۰ش)

ترور محمد مهرداد مدیر و سردبیر پرچمدار پان ایرانیسم در تهران (۱۵ بهمن ۱۳۳۰ش)

توقیف نشریه های حیات مسلمین ،شورش، اصناف

تیر اندازی به دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامهٔ باختر امروز در مراسم پنجمین سالگرد قتل محمد مسعود (۲۵ بهمن ۱۳۳۰ش)

حملهٔ چند تن به امیر مختار کریمپور شیرازی مدیر شورش (۱۹ آذر ۱۳۳۰ش)

ـ توقیف نشریه اصناف و دستگیری کریم آبادی مدیر آن (۲۳ فروردین ۱۳۳۰)

ـ انتشار خورشید گیلان (۱۱ آذر ۱۳۳۰ش)

ـ انتشار نشریه به سوی صبح سعادت در تربت حیدریه (۲۸ دیماه ۱۳۳۰ ش)

* سال ۱۳۳۱ ش / ۱۳۷۲ ق / ۱۹۵۲ م:

- تعطیل مطبوعات محلی یزد به دستور فرمانداری و شهربانی (۲۵ آذر ۱۳۳۱)
- صدور دستور تعقیب جمعی از مدیران مطبوعات از سوی دادستان تهران (۲۶ آذر ۱۳۳۱)
- اعتر اض انجمن ملی روزنامه نگاران دموکرات بـه قانون مطبوعات (۱ دی ۱۳۳۱ ش)
- تعقیب ۲۰ مدیر ر وزنامه از سوی بازرسی کل کشور (۲ دی ۱۳۳۱) .
- اعلام انزجار مدیران مطبوعات یزد از لایحهٔ قانونی مطبوعات (۶ دی ۱۳۳۱)
- اعتراض مدیران مطبوعات به دکتر محمد مصدق دربارهٔ لایحهٔ قانونی مطبوعات (۲۴ دی۱۳۳۱)
- دستگیری سید علی بشارت مدیر روزنامه صدای وطن و منوچهر استخر مدیر روزنامهٔ استخر از سوی فرمانداری نظامی (۱۲ اسفند ۱۳۳۱)
- دستگیری عمیدی نوری مدیر نشریه داد و مبینی مدیرداخلی نشریه سیاست



نیک‌آهنگ کوثر

- دستگیری یمنی مدیر روزنامه آرام و صیر فی مدیر روزنامـه مـرد آسیا بـه دسـتور فرمانداری نظامی (۱۳ اسفند ۱۳۳۱)
- تصویب دولایحهٔ قانونی مطبوعات و تصویب متمم لایحهٔ قانونی مطبوعات
- تعقیب مدیران ۵۳ روزنامه و مجله به علت (جرم مطبوعاتی) و مدیران ۲۵ روزنامـه به اتهام (تخلف مطبوعاتی) از سوی بازرسی کل کشور(۲۰ آذر ۱۳۳۱ ش)
- تعیین اعضای (هیأت منصفهٔ مطبوعات)
- توقیف نشـریه هـای بـه سـوی آینـده، پرچمـدار صلـح، پیـام گرگـان، پیشقراول، خراسان، سیاست ما، مرد اسیاو...
- دستگیری مدیران نشریه های آرام، استخر ، داد، سیاسـت، شـهباز ، صـدای وطـن، فرمان و مرد آسیا به دستور فرماندار نظامی (۱۵ آبان ۱۳۳۱)
- غارت دفتر ر وزنامه‌های استخر، پارس، گلستان، در شیراز و شورش در تهران
- انتشار قانون مطبوعات (۱۱ آذر ۱۳۳۱)
- اعتصاب غذای مدیران نشریه هـای داد، مـرد آسـیا، و...در بازداشـتگاه (۲۶ اسـفند ۱۳۳۱ ش)
- انتشار نشریهٔ جامعهٔ روزنامه نگار ان ملی و روزنامه دموکرات اسلامی ارگان مجمع مسلمانان مجاهد
- انتشار هفته نامهٔ دفاع مشترک : نشریهٔ سازمان مطبوعات ایران
- انتشار نشریهٔ بهار آذربایجان در اردبیل
- توقیف نشریه حمله (١٣٣١/١/٢٤)
- غارت دفاتر روزنامه های استخر ، پارس ، و گلستان در شیراز (۳۰ تیر ۱۳۳۱ش)
- حمله به دفتر نشریه شورش و غارت اموال آن و مجروح شدن کریم پور شـیراز ی مدیر این نشریه (۱۷ آذر ۱۳۳۱)

*** سال ۱۳۳۲ش/ ۱۳۷۳ق/ ۱۹۵۳م:**

- تصویب (لایحه قانونی مطبوعات)
- توقیف نشریات ، حبس و تبعید روزنامه نگاران پس از کودتای ۲۸ مرداد
- توقیف نشریه های بانگ مردم ، صرصر و آتش
- دستگیری امیر مختار کریم پور شیرازی و سوزاندن وی
- دستگیری گروه کثیری از مطبوعاتیان و روزنامه نگاران (۳۲/۵/۲۹)
- لغو امتیاز ۹۲ نشریه
- آتش سوزی دفاتر ر وزنامه های باختر امروز ،شورش، کشور و...(۲۸ مرداد۱۳۳۲)
- توقیف روزنامه های اطلاعات و کیهان (۱ شهریور ۱۳۳۲)
- تبعید عده ای از روزنامه نگاران به دستور کمیسیون امنیت اجتماعی تهران (٤ شهریور ۱۳۳۲)
- درخواست فرمانداری نظامی از مردم در مورد محل اختفاء دکتر حسین فاطمی و امیر مختار کریم پور شیرازی (دو روزنامه نگار انقلابی) (۸ شهریور ۱۳۳۲ ش)
- دستگیری روزنامه نگاران شرکت کننده در فستیوال بخارست (۲۵ شهریور ۱۳۳۲)
- دستگیری امیر مختار کریم پور شیرازی مدیر روزنامه شورش (۲٦ شهریور ۱۳۳۲ش)
- توقیف روزنامه های فرمان ، سیاسی، خاور میانه ، آذرین، فاخته، زلزله، و مرجان به دستور فرماندار ی نظامی تهران (١٦ آذر ۱۳۳۲ش)
- توقیف روزنامه اتحاد ملل
- دستگیری ابوالفضل مر عشی مدیر نشریه اتحاد ملل و توقیف این نشریه (۳ بهمن ۱۳۳۲ ش)
- سوزاندن امیر مختار کریمپور شیرازی مدیر نشریه شورش(۱۷ اسفند ۱۳۳۲ ش)
- دستگیری دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز (۲۲ اسفند ۱۳۳۲ ش)



**قاتلان بر بالای چوبه دار		روزنامه امید ش ٤٩٧**

(نقل ار صفحه ۳٤۲ ـ شاعر لب‌دوخته)

*** سال ۱۳۳۳ش/ ۱۳۷٤ ق/ ۱۹٥٤م:**

- اعدام دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامهٔ باختر امروز (۱۹ آبان ۱۳۳۳)
- تصرف دفتر روزنامه شاهد و چاپخانه آن توسط مأموران حکومت نظامی (۱۹ مرداد ۱۳۳۰)
- توقیف اتحاد ملل
- تیرباران مرتضی کیوان سر دبیر نشریه های بانو، جهان نو ، و ...
- انتشار اولین شماره مجله مصور بمدیریت عبدالحسین زرمهر
- کشف محل چاپ و نشر شب نامه و دستگیری شب نامه نگاران(۱۳ تیرماه ۱۳۳۳)
- اشغال نظامی محل انتشار نشریات مخالف دولت(٤ مهر ۱۳۳۳)

*** سال ۱۳۳٤ ش/ ۱۳٥۷ ق/۱۹٥٥ م:**

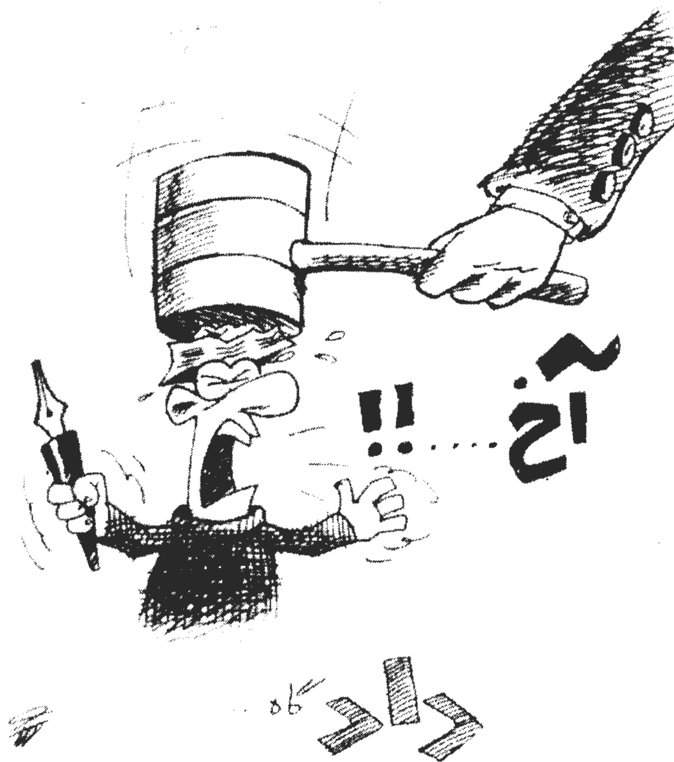
- کشف چاپخانهٔ نهضت مقاومت ملی ایران و دستگیری گردانندگان آن
- بازداشت اسمعیل ابوالسباع مدیر روزنامهٔ حمله و امیر عبدالله کرباسچیان مدیر روزنامه نبرد ملت(۱۳ دی ۱۳۳٤ش)
- درگذشت علی اکبر دهخدا(دخو) (۷ اسفند ۱۳۳٤ ش)

*** سال ۱۳۳٥ ش/ ۱۳۷٦ ق/۱۹٥٦ م:**

- ارائه لایحه جرائم مطبوعاتی از سوی وزارت دادگستری به مجلس
- انتشار روزنامهٔ اطلاعات صبح(دو شماره در روز)
- عزیمت جمعی از روزنامه نگاران ایران به شوروی بنابر دعوت خبرگزاری تاس
- محاکمه مطبوعاتی دکتر امیر هوشنگ عسکری مدیر مجله خوشه(۳ بهمن ۱۳۳٥ ش)

*** سال ۱۳۳٦ ش/ ۱۳۷۷ ق/ ۱۹٥۸ م:**

- برگزاری کلاسهای آموزش روزنامه نگاری در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران



نیک‌آهنگ کوثر

*** سال ۱۳۳۷ ش/ ۱۳۷۸ ق/ ۱۹۵۹ م:**

- تصویب(قانون نحوهٔ رسیدگی به جرائم مطبوعـاتی) و (تشـکیل محـاکم جنـایی بـا حضور هیأت منصفه)

*** سال ۱۳۳۸ ش/ ۱۳۷۹ ق/ ۱۹۵۹ م:**

اعزام هیأت مطبوعاتی ایران به اروپا

برگزاری(آزمون روزنامه نگاری متقاضیان امتیـاز نشـریه) در مـوزه ایـران باسـتان(۲۸ دیماه ۱۳۳۸ ش)

- درگذشت محمد علی افراشته مدیر هفته نامه چلنگر(۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۸)

*** سال ۱۳۳۹ش/ ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۰ م:**

تصویب(آیین نامهٔ مربوط به خبرنگاران و خبرنگاران عکاس ایرانی مقیم کشـورهای خارجی)

گشایش باشگاه روزنامه نگاران ایران

*** سال ۱۳۴۰ ش/ ۱۳۸۱ ق/ ۱۹۶۱ م:**

انتشار نخستین شمارهٔ(اخبار جبههٔ ملی ایران)

تحصن ۳۸ نفر از مدیران مطبوعات به علت قطع آگهیهای دولتی

*** سال ۱۳۴۱ ش/ ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م:**

تأسیس اتحادیهٔ فروشندگان جراید خراسان

تصویب(لایحهٔ لغو امتیاز روزنامه ها و مجله ها در هیأت وزیران)

نشر(بولتن سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات)

*** سال ۱۳۴۲ ش/ ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م:**

تأسیس وزارت اطلاعات

تغییر نام(آژانس پارس) به (خبرگزاری پارس)

لغو امتیاز ۹۱ نشریه!

*** سال ۱۳۴۳ ش/ ۱۳۸۴ ق/۱۹۶۴ م:**

برگزاری دوره های آموزشی در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلهٔ توفیق

انتشار نخستین شماره انتقام دومین نشریه مخفی حوزهٔ علمیهٔ قم(۱۵ شعبان ۱۳۸۴ ق)

انتشار مجله زن روز(۸ اسفند ۱۳۴۳ ش)

*** سال ۱۳۴۴ ش/ ۱۳۵۸ ق/۱۹۶۵م:**

- تشکیل کانون مطبوعات کشور
- درگذشت محمد صدر هاشمی مدیر روزنامه چهلستون و مؤرخ مطبوعات ایران
- کشف مقرحزب ملل اسلامی و روزنامه مخفی خلق ارگان کمیته مرکزی این‌حزب
- انتشار مجله(تحقیقات روزنامه نگاری)

*** سال ۱۳۴۵ ش/ ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م:**

تأسیس رشته روزنامه نگاری در(هنرستان دخترانه فرح)

تشکیل(جامعهٔ مطبوعات نوین)

*** سال ۱۳۴۶ ش/ ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۷ م:**

انتشار روزنامهٔ آیندگان(۲۵ آذر ۱۳۴۶)

ایجاد فرستندهٔ اف. ام برنامهٔ سوم رادیو تهران

برگزاری(میزگرد مطبوعات) در تلویزیون ملی ایران

چاپ(کاریکلماتور) در مجلهٔ خوشه

* سال ۱۳٤۷ ش/ ۱۳۸۸ ق/ ۱۹٦۸م:

- تأسیس(باشگاه مطبوعات ایران)
- تأسیس(خانهٔ مطبوعات)
- انتشار جملهٔ روشندل بمدیریت دکتر محمد خزائلی(۱آذر۱۳٤۷)
- توقیف نسخه های مجله خوشه به دستور محرمعلی خان(۲۷ اسفند ۱۳٤۷ ش)

* سال ۱۳٤۸ ش/ ۱۳۸۹ ق/ ۱۹٦۹ م:

- انحلال رشتهٔ روزنامه نگاری دانشگاه تهران
- برگزاری اجلاس بانوان روزنامه نگار برای تأسیس تشکُّل(زنان روزنامه نگار)
- برگزاری(نمایشگاه سیر تحول و تکامل مطبوعات ایران) در کاخ جوانان تهران
- برگزاری(نمایشگاه یادگارهای ٥ استاد) (دهخدا، قزوینی، نفیسی، پورداوود، اقبال آشتیانی)
- تصویب قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مُصنفان و هنرمندان(۱۱ دی ۱۳٤۸ ش)

*سال ۱۳٤۹ ش/ ۱۳۹۱ ق/۱۹۷۰ م:

- توقیف روزنامهٔ خاک و خون

* سال ۱۳۵۰ ش/۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۱ م:

- برگزاری مراسم تجلیل از خدمات مطبوعاتی استاد محیط طباطبایی در سندیکای نویسندگان و خبر نگاران مطبوعات
- برگزاری نمایشگاه از(چرندوپرند) تا(زن زیادی) در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران
- تأسیس(انجمن زنان روزنامه نگار ایران)
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامه شرف و شرافت
- تشکیل اتحادیهٔ فروشندگان مطبوعات خارجی در تهران

- تصویب(آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان)
- توقیف توفیق

**** سال ۱۳۵۱ ش/ ۱۳۹۳ق/ ۱۹٤۲ م:***

انفجار دفتر مجلهٔ این هفته(۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۱)
برگزاری(جشن بیست وپنجمین سال انتشار مجلهٔ یغما)
برگزاری(جشن صدمین شمارهٔ تماشا)
برگزاری(نمایشگاه سیر تکامل چاپ و مطبوعات ایران) در دانشگاه تهران
برگزاری(نمایشگاه شماره های مخصوص روزنامه ها و مجله ها و نشریات وزارتخانه ها) در پارک شهر تهران
تجدید چاپ دورهٔ مجلهٔ دنیا در خارج از کشور
تشکیل دورهٔ آموزش کوتاه مدت روزنامه نگاری در وزارت اطلاعات
نخستین ارتباط تله پرینتر بین مرکز خبرگزاری پارس در تهران و اصفهان
لغو امتیاز مجلهٔ توفیق(۱۳۵۱/۷٤)

**** سال ۱۳۵۲ ش/ ۱۳۹٤ ق/ ۱۹۷۳ م:***

- تصویب(قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی) در مجلس شورای ملی
- تیرباران خسرو گلسرخی و همفکرانش(۲۸ بهمن ۱۳۵۲ ش)
- ترور احمد آرامش سردبیر روزنامهٔ بهرام و مدیر روزنامهٔ دیپلمات (۲۹ مهر ۱۳۵۲)
- انتشار روزنامهٔ مردم « ارگان حزب مردم)) (۹ دی ۱۳۵۲)



نیک آهنگ کوثر

* سال ۱۳۵۳ ش/ ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷٤ م:

- توقیف ٦٤ روزنامه و مجله با دستور تلفنی وزارت اطلاعات و جهانگردی!(۲۹ مرداد ۱۳۵۳ ش)
- حملهٔ سراسری رفتگران تهران به بساط روزنامه فروشها و خردکردن میز روزنامه فروشیها
- درگذشت عباس مسعودی بنیانگذار مؤسسهٔ اطلاعات

* سال ۱۳۵٤ ش/ ۱۳۹٦ ق/ ۱۹۷۵ م:

- برگزاری مراسم تجلیل از خدمات مطبوعاتی صدری میرعمادی در سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات
- پیمان دسته جمعی اعضاء هیأت تحریریه چهار روزنامهٔ آیندگان، اطلاعات، رستاخیز و کیهان با مدیران این روزنامه ها
- تجدید چاپ دورهٔ فرهنگ ایران زمین

* سال ۱۳۵۵ ش/ ۱۳۹۷ ق/ ۱۹۷٦ م:

برگزاری نمایشگاه قدیمی ترین روزنامه ها و مجله های موجود در کتابخانهٔ ملی)

تجدید چاپ دورهٔ کاوه

ممنوع القلم شدن ۲۲ نفر از نویسندگان مطبوعات(۲۱ بهمن ۱۳۵۵ ش)

* سال ۱۳۵٦ ش/ ۱۳۹۸ ق/ ۱۹۷۷ م:

آغاز دورهٔ جدید انتشار نشریات زیرزمینی و مطبوعات پنهانی در ایران(۲۰ بهمن ۱۳۵٦ ش)

ترجمه و تجدید چاپ دوره روزنامه عروه الوثقی

صدور اطلاعیه یکصد نفر از نویسندگان، خبرنگاران و مترجمان مطبوعات کشور در مورد فشار و سانسور حاکم بر مطبوعات(۲۷ اسفند ۱۳۵٦)

انجام تظاهرات در اکثر شهرهای ایران بدنبال انتشار مقاله توهین آمیز(داریوش همایون وزیر وقت اطلاعات و جهانگردی در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۵٦ در روزنامه اطلاعات(۱۹ دی ٥٦)

* سال ۱۳۵۷ ش/ ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۸ م:

تیراژ میلیونی و بی سابقهٔ روزنامه ها

تیراندازی به صفوف خریداران روزنامه و شهادت ٤ نفر از خوانندگان مطبوعات در حین خرید روزنامه درچهار راه کوکاکولا تهران(۱٦ دی ۱۳۵۷ ش)

دستگیری روزنامه نگاران

رفع ممنوعیت از انتشار برخی از نشریاتی که قبلاً تعطیل شده بودند

صدور دستور(ممنوعیت ممیزی در مطبوعات) از سوی وزارت اطلاعات و جهانگردی!

(ممنوعیت ورود کلیه نشریات غیر اخلاقی خارجی)

آتش سوزی دفتر مجلهٔ هنر و معماری

اعتراض جمعی از مطبوعات از مطبوعات به اعمال فشار بر مطبوعات

اعتصاب روزنامه نگاران و کارکنان مطبوعات (۱۹ مهر ۱۳۵۷)

اعلام جرم هیأت مدیرهٔ سندیکای نویسندگان و خبرنگاران علیه داریوش همایون وزیر وقت اطلاعات و جهانگردی

انتشار ((بولتن اعتصاب))

انتشار ۳۹ نشریه به زبان فارسی علیه دولت در خارج از کشور

تخریب نمایندگیهای مطبوعات در شهرستانها

صدور حکم بازداشت مدیر مجله رنگین کمان (۲٦ شهریور ۱۳۵۷)

یورش نظامیان به مؤسسات بزرگ مطبوعاتی ایران ، بازداشت عده ای از روزنامه نگاران و عدم انتشار روزنامه های کثیر الانتشار (۱۵ آبان ۱۳۵۷ ش)

- دستور امام خمینی مبنی بر پرداخت حقوق روزنامه نگاران از صندوق ویژه (١٣ آذر ٥٧)
- دستگیری جمعی از روزنامه نگاران (١٧ آذر ١٣٥٧)
- شلیک گلوله توسط مأموران شهربانی بطرف ساختمان روزنامهٔ اطلاعات و شهادت یک جوان (٢١ بهمن ماه ١٣٥٧)
شهادت حسین محمودیان خبرنگار عکاس روزنامهٔ اطلاعات در قزوین (٦ دی ١٣٥٧)
پایان پیروزمندانه اعتصاب مطبوعات و انتشار نشریه های روزانه در تیراژ بیش از یک میلیون نسخه (١٦ دیماه ١٣٥٧ ش)
دستگیری روزنامه نگاران مهدی بهشتی پور - جلیل خوشخو - فیروز گوران - مسعود مهاجر و نعمت ناظری (٥ بهمن ١٣٥٧ ش)
اطلاعیه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در اعتراض به بازداشت ٥ تن از روزنامه نگاران (٧ بهمن ٥٧)
اجازه انتشار به روزنامه ها و مجلاتی که قبل از ١٠ مرداد ١٣٣٤ منتشر شده اند (١١ بهمن ١٣٥٧ ش)
بازداشت روزنامه نگاران (١٦ بهمن ١٣٥٧ ش)

* سال ١٣٥٨ ش / ١٤٠٠ ق / ١٩٧٩ م:

اخراج جمعی از اعضاء تحریریه روزنامه کیهان (٢٥ / ٢ / ١٣٥٨ ش)
ارائه لایحه پیشنهادی برای مطبوعات توسط کابینهٔ مهندس مهدی بازرگان
انتشار روزنامهٔ آیندگان در چهار صفحه با یک سر مقاله و بیش از سه صفحهٔ سفید !
انتشار روزنامه های انقلاب اسلامی، بامداد ، تهران تایمز، جمهوری اسلامی ، کیهان آزاد و ...
انتشار نامهٔ کیهان « بولتن شورای عالی کارکنان مؤسسهٔ کیهان))
تجدید چاپ دورهٔ نشریه های جنبش و مردم

تصویب قانون مطبوعات به وسیلهٔ شورای انقلاب

تقاضای وزارت ارشاد ملی از دادسرای تهران در مورد « توقیف نشریات بدون پروانهٔ انتشار)

توقیف ۲۲ روزنامه و مجله بدون پروانه انتشار (۲۹ مرداد ۱۳۵۸)

شهادت ٤ نفر از کارکنان مطبوعات

لغو پروانهٔ انتشار ٤۱ نشریه (۳۰ مرداد ۱۳۵۸ ش)

شهادت محمد باقر رحمانی خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در کردستان (۱۳۵۸/۵/۱۹)

انفجار دفتر روزنامهٔ بامداد (۲٤ اسفند ۱۳۵۸)

* سال ۱۳۵۹ ش / ۱٤۰۱ ق / ۱۹۸۰ م:

انتشار روزنامهٔ میزان

تجدید چاپ دورهٔ نشریه های جنگل ، مردم ایران

شهادت ۷ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

* سال ۱۳٦۰ ش / ۱٤۰۲ ق / ۱۹۸۱ م:

تغییر نام ((خبرگزاری پارس)) به « خبر گزاری جمهوری اسلامی))

شهادت ٤ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

صدور اطلاعیه های ((ستاد حمایت از آزادی مطبوعات))

انفجار یک دفتر مطبوعاتی در بیجار (۱۷ اردیبهشت ۱۳٦۰ ش)

* سال ۱۳٦۱ ش / ۱٤۰۳ ق / ۱۹۸۲ م:

تجدید چاپ دورهٔ صوراسرافیل

شهادت ٦ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ۱۳۶۲ ش / ۱٤۰٤ ق / ۱۹۸۳ م:**

تجدید چاپ دورهٔ نشریه ها تیاتر و لوایح شیخ فضل الله نوری

شهادت ۲ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ۱۳۶۳ ش / ۱٤۰۵ ق / ۱۹۸٤ م:**

بنیاد نهادن ستون « دو کلمه حرف حساب)) نوشتهٔ کیومرث صابری (گـل آقـا) در روزنامهٔ اطلاعات

تجدید چاپ دورهٔ روزنامه های مرآت السفر و مشکوه الحضر و اردوی همایون ، روح القدس ، کیهان

تجدید چاپ دورهٔ مجله هـای آینده ، ارمغان ، خاطرات وحید ، سخن ، وحید ، یادگار و یغما

تجدید چاپ دورهٔ نشریه راه مصدق

شهادت ٥ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ۱۳٦٤ ش / ۱٤۰٦ ق / ۱۹۸٥ م:**

تصویب ((قانون مطبوعات))

شهادت ۱۰ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ۱۳٦٥ ش / ۱٤۰۷ ق / ۱۹۸٦ م:**

الحاق یک تبصره به ((قانون مطبوعات))

تصویب ((آیین نامهٔ اجرایی قانون مطبوعات))

شهادت ٤ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ١٣٦٦ ش / ١٤٠٨ ق / ١٩٨٧ م:**

اصلاح ((آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات))

شهادت ٤ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ١٣٦٧ ش / ١٤٠٩ ق / ١٩٨٨ م:**

تصویب ((مادهٔ واحدهٔ استفساریه مادهٔ ٢٢ قانون مطبوعات))

شهادت ٢ نفر خبرنگار در جنگ تحمیلی

*** سال ١٣٦٨ ش / ١٤١٠ ق / ١٩٨٩ م:**

اصلاح قانون اساسی

تجدید چاپ دوره هایی از روزنامهٔ اطلاعات

*** سال ١٣٦٩ ش / ١٤١١ ق / ١٩٩٠ م:**

انتشار روزنامهٔ سلام

انتشار فصلنامهٔ رسانه

انتشار ماهنامهٔ فرهنگی و هنری کلک

تجدید چاپ دورهٔ نشریه قانون

تصویب ((مادهٔ واحدهٔ قانون اصلاح مادهٔ ٢٢ قانون مطبوعات))

چاپ نخستین آگهی رنگی در کیهان بعد از انقلاب

*** سال ١٣٧٠ ش / ١٤١٢ ق / ١٩٩١ م:**

- انتشار روزنامهٔ جهان اسلام
- انتشار کارنامهٔ مطبوعات
- برگزاری جلسهٔ مشترک مسؤولان قوهٔ قضاییه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور « نحوهٔ رسیدگی به جرایم ارتکابی به وسیلهٔ مطبوعات))

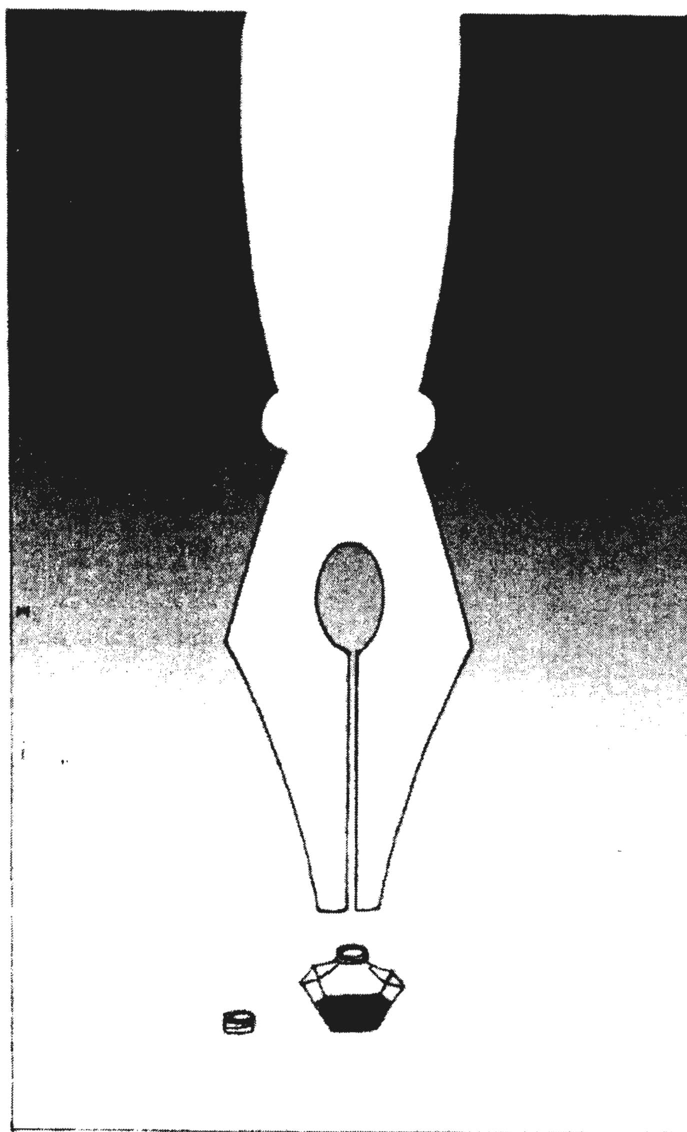
- تجدید چاپ دورهٔ مجله دانشکده به مدیریت محمد تقی بهار (ملک الشعرا)
- لغو پروانهٔ فاراد و محاکمهٔ مدیران
- محاکمهٔ مدیر مسؤول روزنامهٔ خراسان (٦ مهر ١٣٧٠)
- درگذشت محمد علی توفیق مدیر مجلهٔ توفیق (٨ بهمن ١٣٧٠)

* سال ١٣٧١ ش / ١٤١٣ ق / ١٩٩٢ م:

- انتشار روزنامهٔ همشهری (٢٤ آذر ١٣٧١)
- انتشار نشریهٔ چشم انداز
- انفجار دفتر مجلهٔ دنیای سخن
- برگزاری ((کنگرهٔ طنز ایران)) در خرقان ساوه
- برگزاری ((نمایشگاه کاریکاتور روزنامهٔ ابرار))
- برگزاری ((نمایشگاه مطبوعات))
- برگزاری ((نمایشگاه مطبوعات فارسی)) در تاجیکستان
- محاکمه و تبرئهٔ مدیر مسؤول مجلهٔ گردون
- محاکمه مدیر مسئول فاراد با حضور هیأت منصفه (٢٨ شهریور ١٣٧١ ش)

* سال ١٣٧٢ ش / ١٤١٤ ق / ١٩٩٣ م:

- انتشار مطبوعات الکترونیکی در ایران
- انتشار نشریهٔ کاغذ اخبار
- برگزاری محاکمات مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه
- برگزاری مراسم تجلیل از خدمات مطبوعاتی علی اکبر کسمایی ، غلامحسین ملک عراقی ، اسدالله شهریاری و باقر زرافشان در دبیرخانه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات
- برگزاری ((نمایشگاه چهرهٔ مطبوعات امروز))
- برگزاری ((نمایشگاه مطبوعات ایران))



اردشیر رستمی

- تأسیس ((خانهٔ کاریکاتور ایران))
- تأسیس ((خانهٔ مطبوعات اصفهان))
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامه های جنوب یادگار جنوب و ندای جنوب
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامهٔ دولت علیه ایران
- تجدید چاپ نخستین شمارهٔ نشریهٔ بی نام میرزا صالح شیرازی معروف به کاغذ اخبار
- حمله به دفتر مجلهٔ کیان
- شهادت سیّد مرتضی آوینی سردبیر مجلهٔ سوره
- محاکمهٔ مدیر مسئول روزنامهٔ سلام (٦ آذر ١٣٧٢)
- محاکمهٔ مدیر مسئول کیهان هوایی در دادگاه مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه (١٥ اسفند ١٣٧٢ ش)

*** سال ١٣٧٣ ش / ١٤١٥ ق / ١٩٩٤ م:**

- انتشار روزنامهٔ آفتابگردان
- انتشار روزنامهٔ ایران (بهمن ١٣٧٣ ش)
- انتشار نشریهٔ عصر ما
- انتشار ویژه نامهٔ آموزشی فصلنامهٔ رسانه
- برگزاری محاکمات مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه
- برگزاری ((نخستین جشنوارهٔ مطبوعات ایران))
- برگزاری ((نخستین نمایشگاه مطبوعات)) در سنندج
- برگزاری ((نمایشگاه تاریخ مطبوعات ایران)) در تالار وحدت تهران
- برگزاری ((نمایشگاه تاریخ مطبوعات)) در اردبیل
- برگزاری ((نمایشگاه سیر تحول مطبوعات ایران)) در پاکستان
- برگزاری ((نمایشگاه مطبوعات ایران در کشورهای خارجی))
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامهٔ وقایع اتفاقیه

- تجدید چاپ دورهٔ نشریه های صدای سمنان و نالهٔ ملت (نوای ملی)
- تدوین طرح چکیده مطبوعات ایران
- تدوین طرح دایره المعارف مطبوعات ایران
- تدوین طرح مرکز ملی مطبوعات
- راه اندازی ((نخستین روزنامهٔ گویا در ایران (ویژهٔ نابینایان)))
- شهادت سیّد محمّد حسین نواب خبرنگار کیهان در بوسنی
- لغو پروانهٔ انتشار هفته نامهٔ حوادث و مجلهٔ تکاپو
- نشست « هیأت اعزامی یونسکو با روزنامه نگاران ایران))
- ورود مطبوعات ایران به شبکه های اطلاع رسانی

* سال ۱۳۷۴ ش / ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۵ م:

- انتشار ((بیانیه جمعی از روزنامه نگاران ایران در حمایت از قیام سیاهپوستان مسلمان آمریکا))
- انتشار ((بیانیهٔ ۲۷۳ روزنامه نگار ایرانی خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد دربارهٔ فاجعهٔبوسنی و هرزگوین))
- انتشار سالنمای مطبوعات ایران
- انتشار نشانه : ((نشریهٔ دانشجویان علوم ارتباطات دانشکدهٔ علوم اجتماعی داشگاه علامهٔ طباطباتی))
- انتشار نشریه جهان کتاب
- انتشار ((نشریه کودک و مطبوعات))
- انتشار نشریه های بهمن ، ریحانه ، صبح و ...
- انتشار نشریهٔ الکترونیک نمایه
- برگزاری ((دومین جشنوارهٔ مطبوعات))
- برگزاری مراسم سالگرد تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات و تجلیل از خدمات مطبوعاتی غلامحسین صالحیار

- برگزاری ((میزگرد استرس در حرفهٔ روزنامه نگاری)) در انستیتو روانپزشکی تهران
- برگزاری میزگرد ((زن ، مطبوعات ، وضع موجود و وضع مطلوب در دانشگاه الزهرا))
- برگزاری میزگرد ((عملکرد مطبوعات بعد از انقلاب)) در دانشگاه امیرکبیر تهران
- برگزاری نخستین مسابقهٔ تاریخ مطبوعات
- برگزاری نمایشگاه تاریخ و اسناد مطبوعات
- برگزاری « نمایشگاه مجموعهٔ مطبوعات دورهٔ مشروطه تا دهه های حاضر)) از سوی سازمان میراث فرهنگی در اصفهان
- برگزاری ((نمایشگاه مطبوعات ایران)) در آتن
- برگزاری ((نمایشگاه مطبوعات)) در سنندج
- برگزاری ((هشتمین همایش رؤسای نمایندگیهای داخلی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی)) در سنندج
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامهٔ انجمن تبریز
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامهٔایران به مدیریت اعتماد السلطنه
- تجدید چاپ دورهٔ روزنامهٔ ملت سنیه ایران (روزنامهٔ ملتی)
- تجدید چاپ دورهٔ نشریه دانش و مدرسهٔ دارالفنون تبریز
- تشکیل دادگاه رسیدگی به شکایت مدیر مسؤول روزنامه جهان اسلام
- توقیف انتشار پیام دانشجو ، توس و کادح
- حمله افراد ناشناس به دفتر هفته نامهٔ پیام دانشجو در تهران
- راه اندازی نخستین ((روزنامهٔ تلفنی)) کشور در یزد
- رسیدگی به پرونده های مطبوعاتی نشریه های ابرار ، ورزش ، اطلاعات ، امید ، پهلوان ، جمهوری اسلامی ، رسالت ، صبح ، گردون ، گزارش ، گزارش هفته ، نیرو ، ویدئو سینما در دادگاههای مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه
- صدور مجوز انتشار نشریه « یالثارات الحسین (ع)))

ـ اعلام توقیف ۲ روزهٔ روزنامه سلام (۱۵ اسفند ۱۳۷۴)
ـ محاکمهٔ بعضی از مدیران مسؤول در دادگاه با حضور هیأت منصفه
ـ ورود ضمیمهٔ اطلاعات در شبکهٔ اطلاع رسانی مؤسسهٔ اطلاعات
ـ ورود مطبوعات ایران (ایران نیوز ، جهان اقتصاد ، رایانه ، صنعت چاپ ، صنعت حمل و نقل ، فیلم ، کیان و گل آقا) به شبکهٔ اطلاع رسانی نوین ایران « ایرانت))

* سال ۱۳۷۵ ش / ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م:

ـ انتشار ایران سپید « نشریه نابینایان ایران))
ـ انتشار بیانیهٔ ۳۷۰ تن از روزنامه نگاران ایرانی در اعتراض به قتل روزنامه نگار امریکایی
ـ انتشار چاپار : نشریه دانشجویان ارتباطات به مناسبت سومین جشنواره مطبوعات
ـ انتشار خانهٔ سبز : نشریه داخلی خانه روزنامه نگاران جوان
ـ انتشار مجلهٔ الکترونیک تدبیر
ـ انتشار مجلهٔ کلک : ویژهٔ مطبوعات
ـ انتشار نشریه جشن روزنامه نگاران جوان
ـ برگزاری جلسات دادگاه مطبوعات با حضور هیأت منصفه
ـ برگزاری مراسم تجلیل از خدمات دکتر کاظم معتمد نژاد استاد روزنامه نگاری
ـ برگزاری نخستین هم اندیشی اخلاق مطبوعاتی روزنامه نگار مسلمان در تهران
ـ تأسیس نخستین انجمن الکترونیکی روزنامه نگاران ایران
ـ تجدید چاپ دورهٔ اوّل مجلهٔ محیط
ـ تشکیل انجمن روزنامه نگاران ایران و روسیه
ـ تشکیل انجمن روزنامه نگاران جمهوری اسلامی
ـ درگذشت دکتر محمد اسماعیل رضوانی مورخ مطبوعات ایران
ـ راه‌اندازی سیستم کامپیوتری دریافت اخبار خبرگزاریها در روزنامهٔ کیهان
ـ راه‌اندازی شبکهٔ اطلاع رسانی تلفنی کشور در تهران

- لغو پروانه انتشار پیام دانشجو
- ورود تعدادی از نشریه‌های کشور به شبکهٔ اطلاع رسانی
- ورود روزنامهٔ اطلاعات بین‌المللی به شبکه اینترنت

*** سال ۱۳۷۶ ش / ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۷ م:**

- ارائه ضمیمهٔ اطلاعات در شبکهٔ اطلاع رسانی مؤسسهٔ اطلاعات
- انتشار پژوهشنامهٔ تاریخ مطبوعات ایران : نخستین نشریه در زمینهٔ تاریخ مطبوعات ایران
- انتشار کوثر : نشریه دانشجویان کانون روزنامه نگاری دانشگاه بیرجند
- انتشار مطبوعات با ((کاغذ روزنامه)) تولید ایران
- انتشا ر نخستین سالنامهٔ آماری توصیفی - استنباطی نشریات کشور
- انتشار نشریه های مهر ، الوفاق ، فردا ، آفتاب ، امروز ، گنبد کبود ، جامعه ، صبح خانواه ، گزارش روز ، نشاط و ...
- انتشار نشریهٔ إکترونیکی شلمچه
- برگزاری جلسات محاکمات مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه
- برگزاری دومین ((نمایشگاه جراید پر تیراژ)) در نگارخانهٔ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در سنندج
- تشکیل گردهم آیی مدیران مطبوعات برای بررسی مشکلات اقتصادی جامعهٔ مطبوعات ایران
- تشکیل هیأت منصفهٔ مطبوعات در استان قزوین
- برگزاری نمایشگاه آثار طنز روزنامهٔ ایران در خانهٔ کاریکاتور ایران
- برگزاری نمایشگاه مطبوعات در سنندج
- برگزاری همایش مدیران مطبوعات مازندران
- تأسیس تماشاگه (موزه) مطبوعات
- تأسیس خانهٔ مطبوعات گیلان

ـ تأیید حکم دادگاه بدوی توسط دادگاه تجدید نظر دربارهٔ انتشار روزنامهٔ آفتابگردان و واگذاری تصمیم به هیأت نظارت بر مطبوعات
ـ تجدید چاپ دورهٔ تربیت : نخستین نشریهٔ روزانه و غیر دولتی ایران
ـ تجدید چاپ مجدد دورهٔ نشریه بعثت
ـ تولید تمام رایانه ای روزنامهٔ اطلاعات
ـ حمله به دفتر مجلهٔ ایران فردا و نشریهٔ پیام دانشجو

**** سال ۱۳۷۷ ش / ١٤١٩ ق / ۱۹۹۸ م :***

ـ آغاز انتشار همزمان روزنامه اطلاعات در مشهد
ـ اعلام عضویت ۱۵۰ خبرنگار و نویسنده در جمعیت دوستداران بهزیستی
ـ اعلام مخالفت روزنامه نگاران زن با تصویب طرح الحاق یک بند به ماده ٦ قانون مطبوعات « ممنوعیت استفاده ابزاری از زن))
ـ اعلام موجودیت انجمن روزنامه نگاران زن ایران
ـ افتتاح ایستگاه روزنامه خوانی با عنوان خانه مطبوعات در شهرداری منطقه ۸ تهران
ـ الحاق یک بند به قانون مطبوعات ((استفاده از ابزاری از زن در مطبوعات))
ـ انتشار بیانیه جمعی از روزنامه نگاران در بارهٔ ((توطئه خزنده در مطبوعات ایران))
ـ انتشار چاپار : ویژه نامه جشنوارهٔ نشریات دانشجویی
ـ انتشار دوره جدید روزنامه های توس ، جهان اسلام ،زن و نشاط
ـ انتشار روزنامه الکترونیکی خانه ملت
ـ انتشار روزنامه الکترونیکی همشهری
ـ انتشار روزنامه قرآنی آیات
ـ انتشار روزنامه‌های آریا ، ایرانیان ،خرداد ، صبح امروز ،جوان ، توسعه ، انتخاب و ...
ـ انتشار مجله های بخارا ، تحقیقات روابط عمومی ، گلستانه ، فکر نو و ...
ـ انتشار نامه ۲۲۲ روزنامه نگار به رئیس جمهوری برای لغو امتیاز روزنامه جامعه
ـ انتشار نامه ۱۲۵ روزنامه نگار به فرمانده سپاه پاسداران

ـ انتشار نشریه پیام انقلاب ((ویژه نامه مطبوعات))
ـ انتشار نشریه های روزانه چاپار ، روزنامه زن ، گل آقا و ... بمناسبت پنجمین جشنواره مطبوعات
ـ انتشار ویژه نامه های مطبوعات و روزنامه نگاری مجله های ایران نامه ، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و گنجینه اسناد
ـ بازرسی مأموران از دفتر روزنامه آریا
ـ برگزاری جشنواره مطبوعات در یزد و سنندج
ـ برگزاری دادگاههای مطبوعاتی در تهران ، شیراز و بوشهر و ...
ـ برگزاری دومین سمینار بررسی مطبوعات ایران
ـ برگزاری کنفرانس مشترک روزنامه نگاران ایرانی و آمریکایی در آمریکا
ـ برگزاری محاکمات مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه
ـ برگزاری مسابقه تاریخ مطبوعات
ـ برگزاری میزگرد آشنایی با مطبوعات در ایستگاه روزنامه خوانی گلچین تهران
ـ برگزاری ((میزگرد آینده مطبوعات در جامعه مدنی)) در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
ـ برگزاری « میزگرد جامعه مدنی و نقش مطبوعات در آن))
ـ به آتش کشیدن دفتر هفته نامه کوثر کویر در رفسنجان
ـ پرتاب بمب آتش زا به خانه روزنامه نگاران جوان
ـ پرتاب بمب به دفتر روزنامه خرداد
ـ پیوستن ایران ورزشی به شبکه جهانی اینترنت
ـ تجدید چاپ نشریه اخوت شیراز
ـ تشکیل هیأت ویژه دادستانی برای بررسی مطبوعات
ـ تصویب طرح الحاق یک تبصره به ماده ٦ قانون مطبوعات در مورد ممنوعیت استفاده ابزاری از تصاویر و محتوای مربوط به زنان و مردان در مطبوعات

ـ درخواست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان از روزنامه فروشان برای نفروختن نشریه انصارولایت
ـ دستگیری گردانندگان روزنامه توس
ـ راه اندازی سیستم تلفنی ایرانا بر روی شبکه جهانی اینترنت
ـ راه اندازی شبکه اینترنت در معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
ـ سخنرانی روزنامه نگاران ایرانی در انجمن آسیایی نیویورک
ـ سفر هیأت روزنامه نگاران ایرانی شامل نمایندگانی از روزنامه های ایران نیوز ، زن ، سلام ، همشهری و ماهنامه زنان از شنبه ۷ نوامبر تا ۲۱ نوامبر ۱۹۹۸ به مدت ۲ هفته به آمریکا
ـ شهادت محمود صارمی خبرنگار جمهوری اسلامی در افغانستان
ـ صدور اطلاعیه های انجمن صنفی روزنامه نگاران و روزنامه نگاران بدون مرز د رحمایت از برخی از نشریات لغو پروانه شده و روزنامه نگاران ایران
ـ ضرب و شتم مدیر روزنامه جهان اسلام در قم
ـ عزل پنج تن از اعضای منصفه مطبوعات در تهران به علت عدم حضور در دو جلسهٔ دادگاه و اعتراض آنان به این رأی
ـ غیر قانونی اعلام شدن توقیف روزنامه توس به وسیله شورای نظارت بر قانون اساسی
ـ گشایش دوره آموزش خبرنگاری ویژه نابینایان در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
ـ لغو پروانه انتشار نشریه های شلمچه ، فکور ، جامعه ، توس ، راه نو ، خانه ، جامعه سالم و آدینه
ـ محاکمه مدیران مسؤول نشریه های ایران ، جامعه ، گزارش روز ، کیهان هوایی ، کیهان ورزشی ، زنان ، پنجشنبه ها و ...

- محکوم کردن آتش زدن نسخه های روزنامه کیهان از سوی معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی
- ورود تعدادی از نشریات ایران به اینترنت

* سال ۱۳۷۸ ش / ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م:

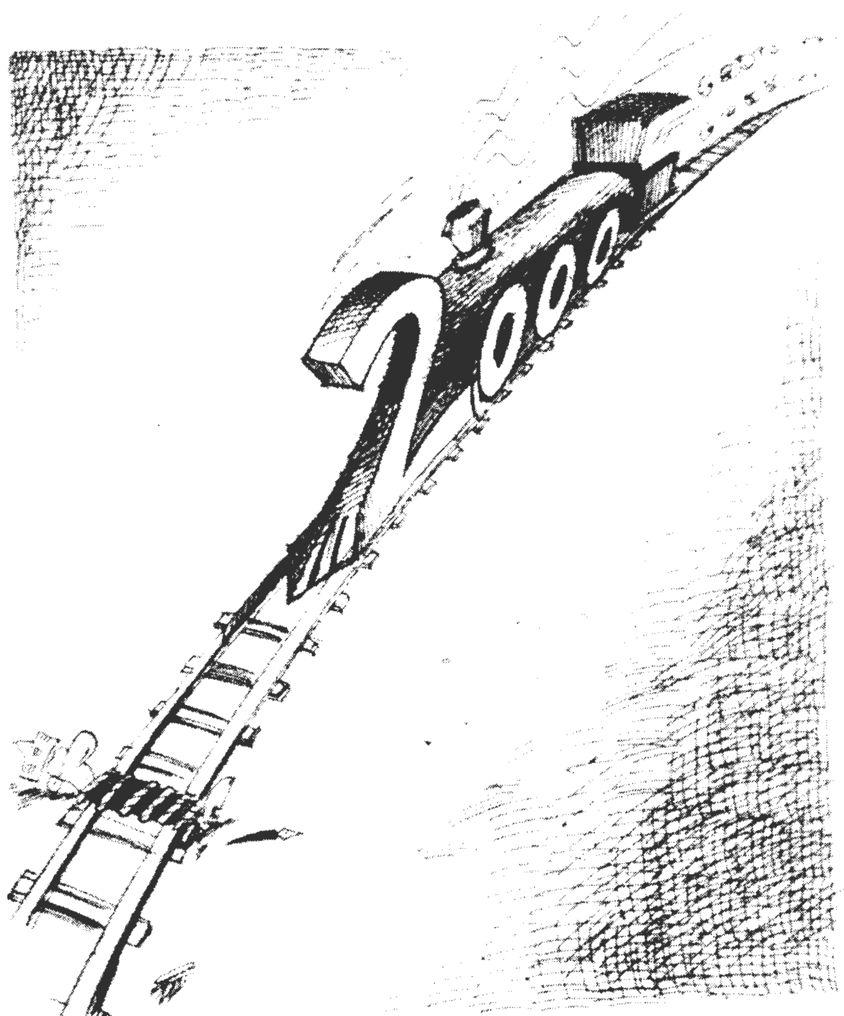
- ابطال حکم لغو پروانه نشریهٔ آدینه از سوی دادگاه تجدیدنظر
- احضار سردبیر هفته‌نامه صبح ایلام و روزنامه صبح امروز به دادگاه مطبوعات
- احضار سردبیر نشریهٔ جبهه به ((کمیته تحقیقات آشوب دانشگاه تهران))
- احضار سیدابراهیم نبوی طنزنویس روزنامهٔ عصر ازادگان به دادگاه مطبوعات
- احضار مدیران مسئول نشریات خرداد، صبح امروز، عصرآزادگان، فتح، زمان، مناطق ازاد، پیام آزادی، آفتاب امروز، آبان، نشاط، آوا، پیام هاجر، پنجشنبه‌ها، عصرما، تهران تایمز و آئینهٔ جنوب به دادگاه مطبوعات
- احضار مدیران مسئول نشریات گلستان ایران و گلستان نوبه دادگاه عمومی گرگان
- احضار مدیرمسئول هفته‌نامهٔ سیروان (نشریهٔ ویژهٔ مناطق کردنشین ایران)
- احضار و بازجوئی سردبیر روزنامهٔ توقیف‌شدهٔ نشاط
- ارائه پیشنهاد بیش از ۱۵۰ نماینده مجلس برای ((مسکوت ماندن طرح اصلاح قانون مطبوعات))
- ارائه پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مجلس برای ((مسکوت ماندن طرح اصلاح قانون مطبوعات))
- ارجاع پروندهٔ نشریهٔ اوا به دادگاه مطبوعات
- ارسال نامه ((سازمان روزنامه‌نگاران بدون مرز)) به رئیس جمهوری در خصوص تعطیل روزنامهٔ سلام
- ارسال نامه ((خبرنگاران بدون مرز)) به رئیس جمهوری مبنی بر آزادی سردبیر روزنامهٔ عصر آزادگان
- استیضاح و رأی اعتماد به عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

- اعلام اخطار اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روزنامهٔ ابرار
- اعلام انتشار ۷۰۰ نشریه دانشجوئی در کشور توسط معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- اعلام حکم دادگاه ویژه روحانیت مبنی بر ۵ سال زندان مدیر مسئول روزنامه خرداد
- امتناع گروههائی از روزنامه‌نگاران از ((تحصن یک روزهٔ قلم)) بدنبال درخواست مشاور مطبوعاتی رئیس جمهوری .
- انتخاب ۱۴ عضو جدید هیئت منصفه مطبوعات از سوی دادگستری ، وزارت ارشاد و شورای شهر
- انتشار اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها برعلیه نشریهٔ دانشجوئی موج
- انتشار اطلاعیه نمایندگان ادوار محلس دربارهٔ اصلاح قانون
- انتشار بولتن‌های محرمانه برعلیه مطبوعات
- انتشار بیانیه انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان در حمایت از اصلاح قانون مطبوعات
- انتشار بیانیه کمیسیون حقوق بشر اسلامی در دفاع از آزادی بیان و حقوق دست‌اندرکاران مطبوعات
- انتشار نشریهٔ ((پُل فیروزه)) اولین مجله الکترونیکی گفتگوی تمدن بوسیلهٔ دفتر پژوهشهای فرهنگی در شبکه جهانی اینترنت .
- انتشار دوهزارمین شماره روزنامهٔ همشهری در شمارگان ۶۰۰ هزار نسخه
- انتشار نشریهٔ ایران سویچ (۱۴ فروردین ۱۳۷۸)
- انتشار روزنامه فتح به جای روزنامه خرداد (۲۰ آذر ۱۳۷۸)
- انتشار روزنامه‌های اخبار ورزشی ، بیان ، ترجمان روز ، حیات نو ، فتح ، مشارکت ، هم‌میهن
- انتشار روزنامه‌های عصر آزادگان و صبح امروز در جمعه ۲۲ بهمن ۱۳۷۸
- انتشار روزنامهٔ حیات نو با کادر روزنامهٔ تعطیل شده جهان اسلام

ـ انتشار فصلنامهٔ طاووس
ـ انتشار گزارش انتقادی سازمان نظارت برحقوق بشردربارهٔ وضعیت مطبوعات در ایران
ـ انتشار ماهنامهٔ وکالت
ـ انتشار اولین شماره روزنامهٔ انتخاب (۲۲ فروردین ۱۳۷۸)
ـ انتشار نخستین شمارهٔ فصلنامهٔ آماری مطبوعات ایران
ـ انتشار نخستین مجلهٔ اینترنتی سینمای ایران
ـ انتشار نشریه پیام هامون ((ویژه‌نامهٔ توقیف توس))
ـ انتشار نشریات ((خانه نشریات)) و ((روزنامهٔ نگار))
ـ انتشار ۹ ماه اول ۱۳۷۸ روزنامهٔ اطلاعات بر روی لوح فشرده (CD)
ـ انتقاد شدید رئیس دادگاه مطبوعات را قانون مطبوعات
ـ انتقاد شدید نشریهٔ صبح از رئیس جمهوری
ـ بازجوئی از مدیران مسئول روزنامه های نشاط ، مناطق آزاد ، یالثارات‌الحسین ، صبح امروز و ...
ـ بازداشت دو تن از دست‌اندرکاران نشریهٔ دانشجوئی موج
ـ بازداشت ۵ روزهٔ وکیل سردبیر روزنامه‌های نشاط و عصرآزادگان
ـ بازداشت ۳۵ ساعته خبرنگار جهان اسلام در حاشیه تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی
ـ بازداشت ۳ خبرنگار روزنامه‌های اریا و صبح امروز در حین تهیه خبر أز برگزاری تحصن در برابر سازمان ملل
ـ بازداشت مدیرمسئول دوهفته نامهٔ ((هویت خویش)) با حکم دادگاه انقلاب تهران
ـ بازداشت مدیرمسئول روزنامهٔ خرداد و تعطیل این روزنامه با حکم دادگاه روحانیت
ـ بازداشت موقت مدیران مسئول روزنامه‌های ایران ، آریا ، پنجشنبه ها و مسئول صفحات میانی صبح امروز
ـ بازداشت و آزادی خبرنگار روزنامه خرداد پس از ۳۳ روز حبس

- بازداشت و آزادی سردبیر روزنامه توقیف شده نشاط پس از ۱۵ روز بازداشت با قرار وثیقه
- برگزاری تجمع‌های دانشجوئی برعلیه نشریهٔ موج
- برگزاری جلسهٔ محاکمه مدیران مسئول نشریهٔ شلمچه و روزنامهٔ ابرار در دادگاه مطبوعات
- برگزاری جلسهٔ محاکمه مدیرمسئول روزنامه ندای هرمزگان
- برگزاری گردهمائی انجمن جهانی قلم در نیویورک با حضور ۵ نویسنده و شاعر ایرانی
- برگزاری محاکمه مدیرمسئول کیهان
- برگزاری مراسم ((روزجهانی آزادی مطبوعات))
- برگزاری همایش نویسندگان و خبرنگاران بسیجی در اراک
- پرتاب خمپاره به مقابل چاپخانهٔ گلبانگ در تهران و شهادت کارگر چاپخانه در حین انجام وظیفه
- تبرئه مدیران مسئول نشریات بیستون ، شهرضا ، انتظار و عضو شورای سردبیری روزنامه‌های صبح امروز و مشارکت
- تحریم جشنوارهٔ مطبوعات بوسیلهٔ نشریات جمهوری اسلامی ، ابرار ، تهران تایمز ، قدس ، عاشورا ، سیاست ، زردکوه ، رسالت ، کویر ، پیام زاینده‌رود ، سینما و ویدئو ، صبح ، ره آورد ،امامت ، فیلم و سینما ، فوتبال ، سبحان ، میثاق ، ندای ولایت ، فصلنامهٔ شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و گروه نشریات کیهان .
- تذکرات کتبی اداره کل مطبوعات داخلی به ((مطبوعات متخلف)) از جمله نشریات زن ، ذوالفقار و صبح.
- تشکیل ((انجمن دفاع از آزادی مطبوعات))
- تشکیل انجمن قلم ایران
- تعطیل روزنامه سلام با حکم دادگاه ویژه روحانیت
- تعطیل مجلهٔ آدینه

- تغییر نام روزنامهٔ جهان اسلام به حیات نو
- توقف انتشار روزنامهٔ ازاد بمدت یکهفته
- توقف روزنامه خبر بمدت ٤ ماه
- توقیف روزنامه آریا به حکم دادگاه مطبوعات بمدت ۲ هفته
- توقیف روزنامهٔ خرداد براساس حکم دادگاه ویژه روحانیت (٦ آذر ۱۳۷۸)
- توقیف روزنامه زن و احضار مدیرمسئول و کاریکاتوریست این روزنامه بوسیله دادگاه انقلاب
- توقیف روزنامهٔ نشاط و لغو پروانه انتشار آن با حکم قاضی دادگاه مطبوعات (۱۳ شهریور ۷۸)
- توقیف هفته‌نامه پرتوسخن به دستور هیئت نظارت بر مطبوعات
- توقیف یکماهه هفته‌نامه آوای اردبیل بنابر رأی دادگاه
- تهیه طرح قانون مطبوعات بوسیله کمیسیون حقوق بشر اسلامی
- جمع‌آوری ویژه‌نامه زن بدستور دادگاه انقلاب
- حضور ۳٤۰ نشریه دانشجوئی در جشنواره مطبوعات
- حمله افراد ناشناس به دفتر روزنامه ایران در بومهن
- درخواست انجمن صنفی روزنامه نگاران از مجلس برای مسکوت ماندن طرح اصلاح قانون مطبوعات
- درخواست بیش از ۳۰۰ روزنامه نگار از مجلس برای مسکوت ماندن طرح تغییر قانون مطبوعات
- درگذشت بهمن الماسی ، سیدعلی سنجری ، پرویز شاپور ، عل‌اکبر صفی‌پور ، ذبیح‌الله صفا ، آندریاس گریگوریان ،چهانگیر پارساخو ، دکتر حمید نطقی ، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب ، مسعود بهاری
- راه‌اندازی سایت ایران پرینت
- راه‌اندازی شبکه رایانه‌ای روزنامه همشهری همزمان در ۹ استان



نیک‌آهنگ کوثر

- راه‌پیمائی گروهی از بسیجیان بوشهر علیه نشریات پیغام بوشهر ، سلام ، نصیر و نسیم جنوب
- زندانی شدن مدیرمسئول ماهنامه شبکه بخاطر درج یک آگهی
- شکایت رئیس کل دادگستری تهران از روزنامه‌های کیهان و جوان
- شکایت اعضاء شورای اسلامی شهر سنندج از نشریه یالثارات‌الحسین
- صدور اطلاعیه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات دربارهٔ توقیف نشاط
- صدور بیانیه‌های گروهها و نهادها برعلیه نشریه موج
- صدور قرار منع تعقیب خبرنگار همشهری در کردستان
- ضرب و شتم نمایندهٔ نشریه امید زنجان در تبریز
- قرارگرفتن انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اطلاعات بر روی اینترنت
- گشایش اینترنت استانی روزنامهٔ همشهری
- لغو محکومیت مدیرمسئول نشریه عصرما از سوی دادگاه تحدیدنظر
- لغو رأی محکومیت مدیرمسئول نشریه ایران فردا بوسیله دادگاه تجدیدنظر
- مجرم شناختن مدیران مسول نشریات پنجشنبه‌ها و شبکه بوسیله هیئت منصفه مطبوعاتی استان تهران
- محاکمه مدیران مسئول نشریات صبح ورزش ، آینه ، قصه زندگی ، آریا ، ندای هرمزگان ، نشاط ، پیام‌آزادی ، سلام ، صبح امروز ، خرداد و ...
- محاکمه مدیرمسئول هفته نامه گلستان نو
- محکومیت سردبیر و سایر متهمان نشریه دانشجوئی موج از سوی دادگاه مطبوعات
- محکومیت مدیرمسئول روزنامه کیهان در ٤ مورد بنابر اظهارنظر هیئت منصفه دادگاه مطبوعات
- مسکوت گذاشتن سه ماههٔ ((طرح اصلاح قانون مطبوعات))
- نامه بیش از ۳٤۹ روزنامه نگار به رئیس جمهوری برای حمایت وی از حرفه روزنامه‌نگاری
- هشدار سران قوهٔ قضائیه به مطبوعات دربارهٔ ((انتشار مطالب تحریک‌آمیز))

ـ هجوم افراد ناشناس به رانندگان روزنامه ایران

ـ تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس (۱۶ تیرماه ۱۳۷۸ ش)

ـ توقیف روزنامه سلام (۱۶ تیرماه ۱۳۷۸ ش)

ـ برگزاری مراسم تجلیل از شهدای روزنامه‌نگار (۱۷ مرداد ۱۳۷۸ ش)

ـ انتشار دورهٔ جدید روزنامه آفتاب امروز (۳۰ مرداد ۱۳۷۸)

ـ انتشار دورهٔ جدید روزنامه اخبار اقتصاد (۱۸ شهریور ۱۳۷۸)

***سال ۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۰ م**

ـ تصویب ((طرح اصلاحیه قانون مطبوعات)) مشتمل بر ۲۹ ماده ،در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سی‌ام فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی .

پیوست

فصل چهارم

فرمانداری نظامی تهران ـ شماره ۲۴۲۲ / ن ـ تاریخ ۱۳۲۲/۶/۱۰ ـ پیوست یک برگ ـ محرمانه ـ مستقیم[1]

جناب آقای نخست‌وزیر ـ معطوفاً به تصویبنامه شماره ۱۰۹۱۰ـ۲۳/۵/۲۲[۱۳] هیأت وزیران محترماً به‌عرض می‌رساند:

بیست و دو فقره جراید منتشره در پایتخت طبق سیاهه تقدیمی به استناد دستور تلفنی مقامات عالیه و موافقت مقام نخست‌وزیری به علل مصرحه توقیف و تحت تعقیب دادسرای نظامی قرار گرفته‌اند. علیهذا مستدعی است امر و مقرر فرمایند تصویب‌نامه هیأت وزیران را درمورد جراید مزبور صادر و امر به ابلاغ فرمایند.

فرماندار نظامی تهران ـ سرتیپ عمیدی [امضا]

فرمانداری نظامی تهران[1] **۴۳**

شماره	اسامی روزنامه‌ها	اسامی مدیران آنها	علت توقیف	تاریخ توقیف
۱	روزنامه داد	ابوالحسن عمیدی‌نوری	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۴/۲۸
۲	روزنامه رهبر	ایرج اسکندری	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۱۵
۳	روزنامه گیتی	خلیل انقلاب	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۱۹
۴	روزنامه هور	علی جواهرالکلام	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۲۲
۵	روزنامه اتفاقات	مبری	اهانت به مقام سلطنت عظمی مشراکادسب	[۱۳]۲۲/۵/۲۰
۶	روزنامه نجات ایران	رفروزش	اهانت به مقام سلطنت عظمی مشراکادسب	
۷	روزنامه باختر	نصراله سیف‌پورفاطمی	اهانت به مقام نخست وزیری	[۱۳]۲۲/۳/۲۶
۸	روزنامه دماوند	فتح‌الدین فتاحی	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۳۰
۹	روزنامه فرمان	عباس شاهنده	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۵/۱۸
۱۰	روزنامه پرورش	میراحمد مدنی	اهانت به هیأت مقننه کشور	[۱۳]۲۲/۵/۵
۱۱	روزنامه اختر	محمد علی خلیلی	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۵/۱۵
۱۲	روزنامه مرد امروز	محمد مسعود	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۵/۱۵
۱۳	روزنامه امید	ابوالقاسم امینی	اهانت به نخست وزیر	[۱۳]۲۲/۶/۸
۱۴	روزنامه مردم	دکتر رادمنش	اهانت به مقامات دولتی	[۱۳]۲۲/۶/۸
۱۵	روزنامه شنگول	میر احمدیان	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۶/۱۰
۱۶	روزنامه آرزو	اسداله میرسپاهی	اهانت به رئیس دولت	[۱۳]۲۲/۶/۱۰
۱۷	روزنامه شهباز	نامور	اهانت به رئیس مجلس شورای ملی	[۱۳]۲۲/۶/۱۰
۱۸	روزنامه ندای حقیقت	دکتر کاظم وزیری	اهانت به تیمسار سپهبد وزیر جنگ	[۱۳]۲۲/۵/۳۱
۱۹	روزنامه برق	غلامحسین مصاحب	انتقاد از مقامات خارجی و دولت	[۱۳]۲۲/۶/۱۰
۲۰	روزنامه خورشید ایران	بهاءالدین پازارگاد	انتقاد از مقامات خارجی	[۱۳]۲۲/۱/۱۳
۲۱	روزنامه نبرد	خسرو اقبال	انتقاد از مقامات خارجی	[۱۳]۲۲/۱/۱۳
۲۲	روزنامه پرچم	سید احمد کسروی	درج مطالب برخلاف مذهب	[۱۳]۲۲/۵/۱۰

روزنامه‌های توقیفی توسط فرمانداری نظامی تهران سال ۱۳۲۲ ش

«نقل از اسناد مطبوعات ایران ـ ص۳۶و۳۷ ـ سازمان اسناد ملی ۱۳۷۴»

فرمانداری نظامی تهران ـ شماره ۷۸۸۴/د ـ تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۳۰ ـ ضمیمه یک برگ ـ خیلی خیلی فوری ـ محرمانه مستقیم[۲]

وزارت جنگ، گزارش ـ محترماً در اجرای امریه تلفنی بدین وسیله صورت جراید توقیف شده از طرف فرمانداری نظامی تهران را با ذکر علت و تاریخ توقیف آنها جهت استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌دارد.

از طرف فرماندار نظامی تهران ـ سرتیپ شیبانی [امضا]

صورت اسامی جراید توقیف شده بوسیله فرمانداری نظامی تهران

شماره	اسامی جراید	علت توقیف	شماره روزنامه	تاریخ توقیف		
				روز	ماه	سال
۱	[illegible]	هتاکی به دین اسلام	—	۵	[illegible]	۱۳۲۳
۲	[illegible]	متخلف از ماده ۸ قانون حکومت نظامی	[illegible]	۱۱	آذر	۱۳۲۳
۳	[illegible]	مخالفت مشی سیاسی دولت	۳۰	۱۲	آذر	۱۳۲۳
۴	[illegible]	مخالفت مشی سیاسی دولت	۱۶	۱۲	آذر	۱۳۲۳
۵	روزنامه [illegible]	اهانت به دولت	۱۰۵	۰۲	دی	۱۳۲۳
۶	روزنامه [illegible]	اهانت به دولت	۱۶۷	۱۷	دی	۱۳۲۳
۷	[illegible]	دعوت مردم به انقلاب	[illegible]	۱۴	دی	۱۳۲۳
۸	[illegible]	مخالفت مشی سیاسی دولت	[illegible]	۱۸	دی	۱۳۲۳
۹	[illegible]	مخالفت مشی سیاسی دولت	۴۳۵	۱۸	دی	۱۳۲۳
۱۰	روزنامه بهرام	اهانت به مقام سلطنت	۷	۲۰	دی	۱۳۲۳
۱۱	روزنامه سرگذشت	مخالفت مشی سیاسی دولت	۲۳	۳	بهمن	۱۳۲۳
۱۲	[illegible]		۱	۱	بهمن	۱۳۲۳
۱۳	[illegible]	اهانت به دولت	۱۷	۱۱	بهمن	۱۳۲۳
۱۴	ضمیمه روزنامه آزاد ([illegible])	اهانت به دولت	—	۱۶	بهمن	۱۳۲۳
۱۵	روزنامه [illegible]	مخالفت با مشی سیاسی دولت	[illegible]	۱۷	بهمن	۱۳۲۳
۱۶	روزنامه یومیه [illegible] ([illegible])	مخالفت با دولت	[illegible]	[illegible]	بهمن	۱۳۲۳
۱۷	[illegible]	مخالفت با مشی سیاسی دولت	[illegible]	۱۳	بهمن	۱۳۲۳
۱۸	روزنامه یومیه آژیر ([illegible])	مخالفت با مشی سیاسی دولت	—	۲۲	بهمن	۱۳۲۳
۱۹	[illegible]	نداشتن امتیاز	—	۲۶	بهمن	۱۳۲۳

جراید توقیف‌شده توسط فرمانداری نظامی تهران ـ ۱۳۲۳/۱۱/۳۰ نقل از صفحه ۶۲ و ۶۳ اسناد مطبوعات ایران ـ سازمان اسناد ملی ـ ۱۳۷۴

وزارت کشور - شهربانی کل کشور - تاریخ ۱۳]۲۶/۴/۳] - شماره ۱/۸۲۲۶/۳۷۲ - مستقیم - محرمانه[1]

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر - محترماً به عرض عالی می‌رساند که در موقع استقرار فرمانداری نظامی در تهران بنا به تقاضای کتبی فرماندار مذکور ۳۶ روزنامه منتشره در مرکز ضمن صورت منضمه [2] از طرف حکومت نظامی به عنوان درج مقالات مخالف مصالح کشور و غیره وسیله این اداره توقیف و اکنون که حکومت نظامی تهران ملغی شده اکثر مدیران روزنامه‌های مذکور مبادرت به انتشار جراید خود کرده‌اند لذا مراتب استحضاراً[3] معروض گردید.

رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ صفاری [امضا]

روزنامه‌های توقیفی

شماره ترتیب	روزنامه	شمار ترتیب	روزنامه
۱	هور	۱۹	نشر
۲	صدای وطن	۲۰	دستور
۳	شعله‌ور	۲۱	شهباز
۴	نبرد	۲۲	رزم
۵	شباهنگ	۲۳	آتشبار
۶	نیروی ملی	۲۴	کار و دانش
۷	تهران امروز	۲۵	پیمان ما
۸	وجدان	۲۶	نبرد امروز
۹	دلیر	۲۷	مردم
۱۰	برق	۲۸	بازرس
۱۱	امواج	۲۹	ظفر
۱۲	فروهر	۳۰	اخبار ایران
۱۳	پیک دنیا	۳۱	خورشید ایران
۱۴	هدایت	۳۲	فرشته آزادی
۱۵	شیده	۳۳	خاور زمین
۱۶	البرز	۳۴	دادار
۱۷	ناقوس	۳۵	شیوه
۱۸	جبهه	۳۶	الفبا

روزنامه‌های توقیفی توسط شهربانی - تاریخ ۱۳۲۶/۳/۴ ش

نقل از «اسناد مطبوعات ایران» ص۱۰۴و۱۰۵ - سازمان اسناد ملی ۱۳۷۴

جرایدی که از تاریخ اردیبهشت ۱۳۲۲ بازداشت شده‌اند[1]

شماره ترتیب	نام جراید	شماره ترتیب	نام جراید
۱	سرد	۲۲	شهباز
۲	کبوتر	۲۳	رزم
۳	باختر	۲۴	شنگول
۴	پرورش	۲۵	نهضت ملی
۵	گیتی		
۶	فرمان		
۷	مرد امروز		
۸	داد		
۹	رهبر		
۱۰	اختر		
۱۱	خورشید ایران		
۱۲	اتفاقات		
۱۳	هور		
۱۴	دماوند		
۱۵	ندای حقیقت		
۱۶	پرچم		
۱۷	نجات ایران		
۱۹	مردم		
۲۰	امید		
۲۱	برق		

جرایدی که از تاریخ اردیبهشت ۱۳۲۲ توقیف شده‌اند

نقل از «اسنادمطبوعات ایران» سازمان اسنادملی ـ ص ۳۵

به عرض جناب آقای نخست‌وزیر می‌رسد:[1]

فروش روزنامه‌های پایتخت از توزیع سقازاده در دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۲۲

خبردار	۲۱۰	قیام ایران	۳۹۰
طهران امروز	۵۰	شفق	۷۰
سعادت بشر	۱۵	کوشش	۳۱
ترقی	۲۳۰۰	کوهستانی	۳۰
صدای ایران	۵۰	ژورنال	۴۶۵
نبرد امروز	۲۷۸	رعد امروز	۶۰۰
داد	۲۱۰۰	ایران ما	۷۵۰
اطلاعات	۱۲۱۰۵	مهرایران	۲۵۰
ایران	۲۶۰		

تعداد نسخه‌های فروش‌رفته از مطبوعات پایتخت در مرکز توزیع سقازاده

در دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۲۲

نقل از «اسنادمطبوعات» صفحه ۵۱ ـ سازمان اسنادملی ـ۱۳۷٤

فرمانداری نظامی تهران[۱]

شماره	اسامی روزنامه‌ها	اسامی مدیران آنها	علت توقیف	تاریخ توقیف
۱	روزنامه داد	ابوالحسن عمیدی نوری	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۱/۲۸
۲	روزنامه رهبر	ایرج اسکندری	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۱۵
۳	روزنامه گیتی	حنیف انقلاب	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۱۶
۴	روزنامه نور	علی جواهرالکلام	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۲۲
۵	روزنامه اتفاقات	صبری	نشر اکاذیب اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۲۰
۶	روزنامه نجات ایران	ر. مرورش	نشر اکاذیب اهانت به مقام سلطنت عظمی	
۷	روزنامه دماوند	فتح‌الدین فتاحی	اهانت به مقام سلطنت عظمی	[۱۳]۲۲/۵/۳۰
۸	روزنامه دستر	نصراله سیف‌پور فاطمی	اهانت به مقام نخست‌وزیری	[۱۳]۲۲/۳/۲۶
۹	روزنامه فرمان	عباس شاهنده	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۵/۱۸
۱۰	روزنامه پرورش	میر احمد مدنی	اهانت به هیأت مقننه کشور	[۱۳]۲۲/۵/۵
۱۱	روزنامه اختر	محمدعلی خلیلی	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۵/۱۵
۱۲	روزنامه مردامروز	محمد مسعود	اهانت به هیأت دولت	[۱۳]۲۲/۵/۱۵
۱۳	روزنامه ندای حقیقت	دکتر کاظم وزیری	اهانت به مقام تیمسار سپهبد وزیر جنگ	[۱۳]۲۲/۵/۳۱
۱۴	روزنامه خورشید ایران	بهاءالدین پازارگاد	تنقید از مقامات خارجی	[۱۳]۲۲/۶/۱۳
۱۵	روزنامه نبرد	خسرو اقبال	تنقید از مقامات خارجی	[۱۳]۲۲/۵/۱۳
۱۶	مجله پرچم	سید احمد کسروی	درج مطالب بر خلاف مذهب	[۱۳]۲۲/۵/۱۰
۱۷	روزنامه نسیم صبا	کوهی کرمانی	اهانت به مقام نخست‌وزیر	[۱۳]۲۲/۵/۵

روزنامه‌های توقیفی توسط فرمانداری نظامی تهران

در سال ۱۳۲۲ ش

«نقل از صفحه ۳۸ کتاب اسناد مطبوعات ایران ـ سازمان اسناد ملی ۱۳۷۴

تاریخچه مطبوعات ایران

بخش پنجم:

تأملی بر قوانین تصویب شده در رابطه با مطبوعات

از :

قانون مطبوعات مصوب ششم محرم ١٣٢٦ ه . ق

تا :

طرح اصلاحی قانون مطبوعات مصوب ١٣٧٩/١/٣٠

قوانین تصویب شده در رابطه با مطبوعات

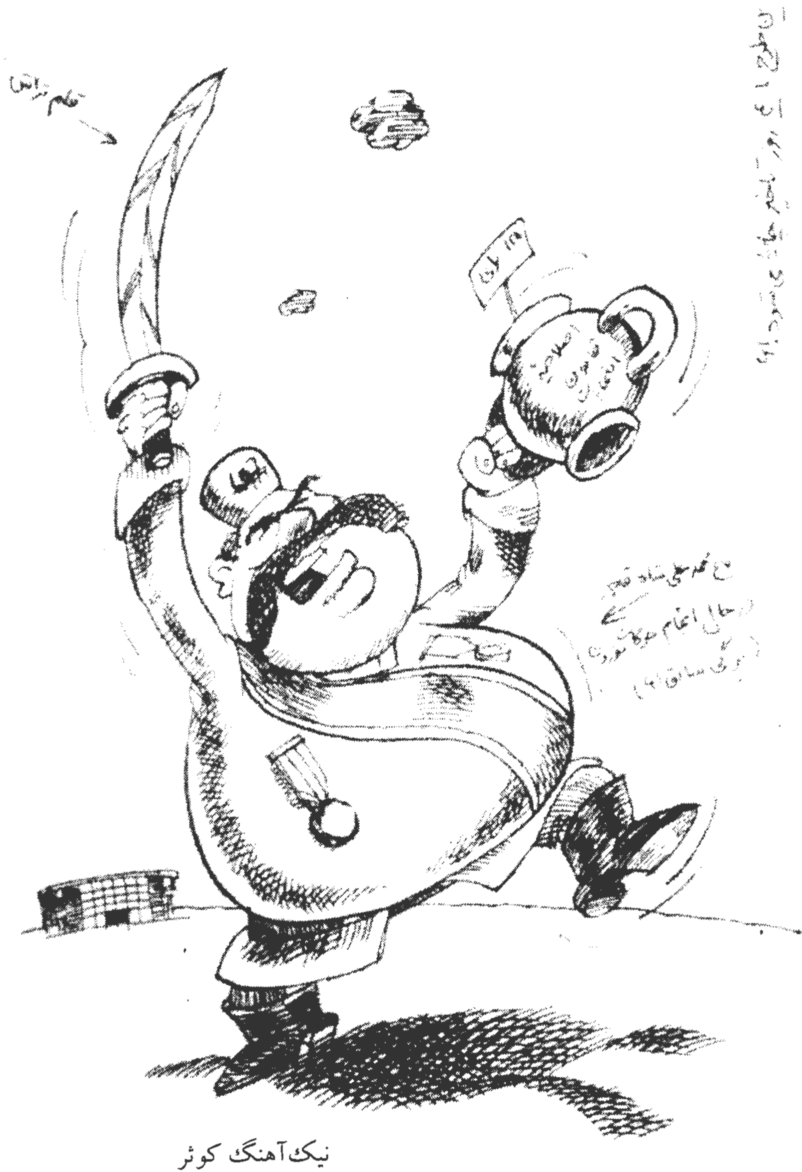
با تدوین و توشیح قانون اساسی در ۱۴ ذیقعدهٔ ۱۳۳۴ قمری به وسیلهٔ مظفرالدین شاه قاجار و تدوین متمم و توشیح آن توسط محمد علی شاه در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری، کشور ایران مشروطه شد و متعاقب آن نظام نوین بنیادی ملی به نام مجلس یا خانهٔ ملت پدید آمد و امتیازات نا محدود و آزادی مطلق شاه را محدود کرد، بدین معنی که بخش بزرگی از آن اختیارات تحت عنوان : ((وظایف مجلس و حدود و مقررات آن)) به مجلس واگذار شد، و بطوریکه از مفاد قانون اساسی برمی‌آید اتخاذ تصمیم و وضع قانون نه تنها منوط به تصمیم و تصویب قوهٔ مقتننه است بلکه در صلاحیت خاص و انحصاری آن قراردارد و سایر مقامات کشوری نمی‌توانند رأساً دربارهٔ آن تصمیمی اتخاذ کنند ، حتی پارلمان هم حق واگذاری این اختیارات را به مرجع دیگر ندارد.

بموجب اصول متمم قانون اساسی، حقوق و ازادیهائی به نفع افراد و اتباع کشور ، تحت عنوان ((حقوق ملت ایران)) منظور گردید که ارتباط دارد با: تساوی در برابر قانون و آزادیهای فردی مثل (آزادی شخصی ـ آزادی کار ـ آزادی کسب و تجارت، آزادی معاملات و تعلیم و تربیت و آزادی اجتماعات ، آزادی عقیده و ازادی مطبوعات که مورد نظر ما اصل بیستم متمم قانون اساسی است:

((عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و موارد مضرّه بدین اسلام آزاد و و ممیزی در آنها ممنوع است ، ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود ، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند)).

منظور از عبارت ((کتب ضلال)) کتب و نشریاتی است که دربارهٔ مذاهب غیر حقه نوشته شود و ((موارد مضره))بدین مبین اسلام ، نوشته هایی است که دین اسلام را مستقیماً مورد حمله و یا انتقاد و ایراد قرار دهد.

با اینکه ممنوعیت اصل بیستم متمم ، ناخشنودی دسته معینی را فراهم می‌ساخت ، اما نشان دهندهٔ بیشترین عنایت قانونگذاری نسبت به آزادی قلم است بخصوص که



نیک‌آهنگ کوثر

رسیدگی به تخلفات جراید را در محاکم مشروط به رعایت تشریفات خاص قانونی بشرح زیر نموده است:

۱ ـ ((در مورد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود))[1]

۲ ـ ((در مورد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.))[2]

آزادی قانونی مطبوعات، شماره روزنامه ها را افزایش داده و از قید وبند((سانسور)) گذشته رهائی بخشید و چنانچه شخصی بر خلاف آزادی عقیده و آزادی قلم و مجلس و حکومت ملی دم میزد و این اصول را خلاف دیانت و مخالف مصلحت کشور قلمداد می‌کرد ، مرتجع یا مستبد نامیده می‌شدو کمترین مجازاتش این بود که داخل کارهای مملکتی نشود و نهایتاً در تاریخ ششم محرم ۱۳۲۶ قمری ((قانون مطبوعات)) مشتمل بر یک مقدمه ، شش فصل و پنجاه و دو ماده از تصویب مجلس گذشت.

مصوبهٔ هیئت دولت در مورد مطبوعات (مرداد ماه ۱۲۹۶ شمسی)

وقایع مربوط به جنگ جهانی که تأثیر غیر قابل انکاری را بر کشور ما گذاشت ، عواقب وخیمی را بوجود آورد مثل قرار داد ۱۹۱۹ و جنگهای داخلی و کودتای ۱۲۹۹ که هر کدام حادثه عظیمی بود و بر مطبوعات این ایام اثر گذاشتند و آزادی مطبوعات دستخوش تمایلات و نظریات کابینه‌های مختلف قرار گرفت و چندین بار اقدام به توقیف عمومی جراید گردید، در جلسه ۱۵ مرداد ۱۲۹۶ دولت تصمیماتی بشرح زیر اتخاذ و به تصویب رسانید :

۱ ـ ماده اول ـ مادامی که قانون هیئت منصفه از مجلس شورای ملی نگذشته است شکایات راجع به مطبوعات بدون هیئت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی و

---

[1] ((اصل ۷۹ متمم)).

[2] ـ ((اصل ۷۷ متمم)).

محاکمه خواهد شد و وزارت عدلیه یکی ار شعب محاکم را برای این امر تخصیص خواهد داد .

ماده دوم ـ تعیین مجازات موافق قانون خواهد بود مگر در مواقعی که درقانون مطبوعات تصریحی نباشد در اینصورت موافق قانون جزایی عرفی موقتی حکم داده خواهد شد.

۲ ـ هیئت وزراء عظام تصویب فرمودند که از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف می‌خواهند باید اجازه آن به تصویب هیئت وزراء عظام رسیده باشد و نیز کلیهٔ امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه حاضره از طرف وزارت معارف داده شده و تا کنون اشاعه نیافته است، موکول به اجازهٔ هیئت وزراء خواهد بود .

(محمد علی ـ ریاست وزراء)

کودتای رضا شاه و توقیف مطبوعات

صبح روز بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی بیانیهٔ معروف به ((حکم می‌کنم)) مشتمل بر ۹ ماده توسط رضاخان صادر شد که بر اساس بند چهارم آن کلیه نشریات و روزنامه ها توقیف گردیدند ، متن بیانیه به شرح زیر است:

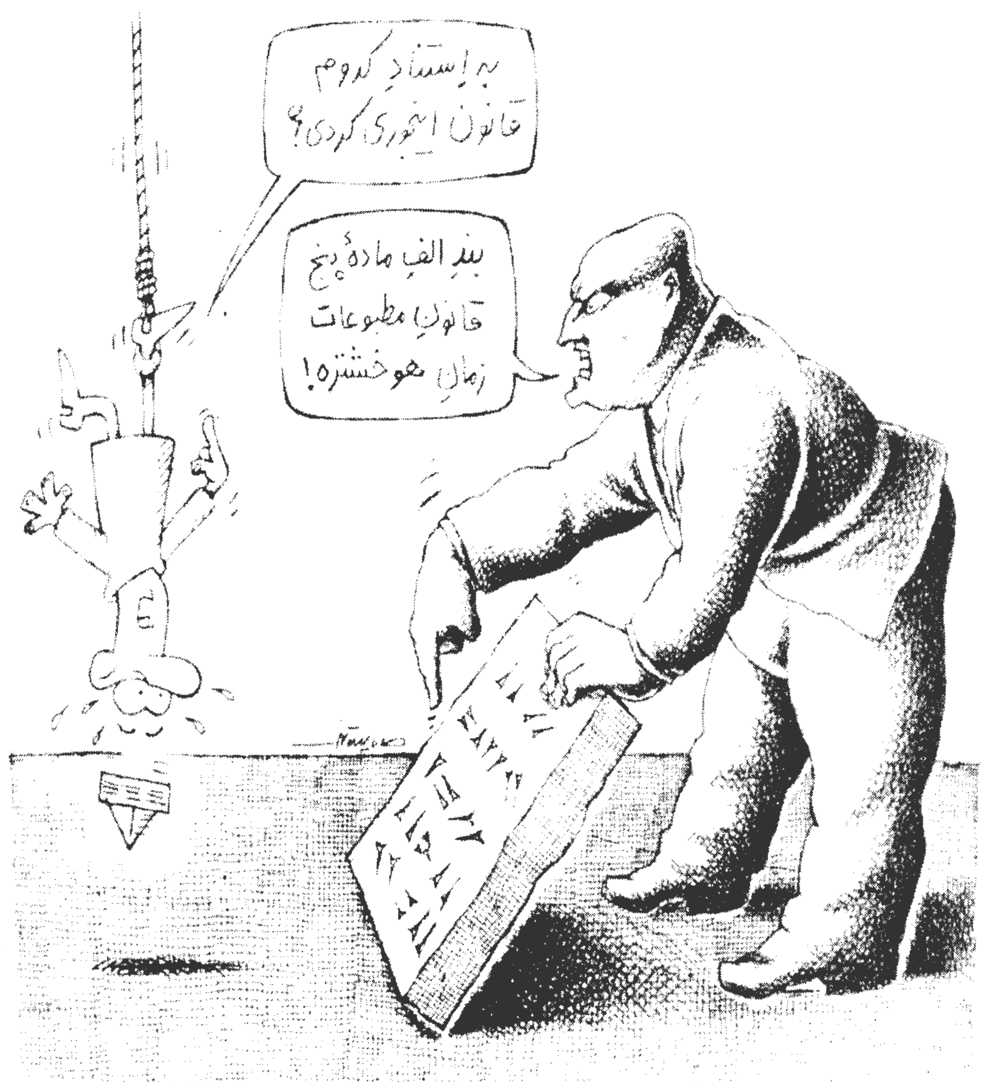
ماده اول ـ تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند .

ماده دوم ـ حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت ۸ بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس و انتظامات شهر نباید کسی در معابر عبور نماید .

ماده سوم ـ کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش وانتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.

ماده چهارم ـ تمام روز نامجات و اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت بکلی موقوف و بر حسب دستور کلی و اجازه‌ای است که بعداً داده خواهد شد، باید منتشر شوند.

ماده پنجم ـ اجتماع در منازل و نقاط مختلف بکلی موقوف و در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوهٔ قهریه متفرق و جلب خواهند شد.



مانا نیستانی

مادهٔ ششم ـ تا دستور ثانوی تمام مغازه های شراب فروشی و عرق فروشی ، تآترها و سینماها . کلوبهای قمار باید بسته شود هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

ماده هفتم ـ تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات و دوایر دولتی غیر از اداره ارزاق تعطیل خواهند بود ، پستخانه ، تلفنخانه و تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

ماده هشتم ـ کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه نظامی جلب و به سخت ترین مجازاتها خواهند رسید.

ماده نهم ـ کاظم خان به سمت کماندانی شهر انتخاب و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق است.

۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹ـ رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس شهریاری ـ رضا.

**** قانون ممیزی مطبوعات (۱۳۰۱ شمسی)***

پس از درج مقالات ضد دینی در روزنامه ها و نگرانی شدید جامعهٔ روحانیت در این رابطه ، هیئت دولت قانون ممیزی مطبوعات را به منظور پیشگیری از نشریات ضد دینی تهیه که از تصویب مجلس گذرانید که متن آن از این قرار است:

((**ماده ۱ ـ** چون مطابق اصل بیستم قانون اساسی عامه مطبوعات به غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام آزاد و ممیزی ممنوع است، عموم مدیران جراید و مجلات و ارباب مطابع باید ملتزم شوند که هر وقت بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب اصولاً و فروعاً انشائاً و یا نقلاً ولو هزلاً چیزی طبع کنند قبلاً بنظر ناظر شرعیات که توسط دو نفر مجتهد جامع الشرایط تصدیق و از طرف وزارت معارف در تهران و در هر یک از مرکز ایالات و ولایت معرفی شده باشد مراجعه نمایند تا مداقه نموده پس از آنکه عدم مضر بودن آن بدین اسلام و مذهب کتباً تصدیق شود طبع و نشر نمایند .

ماده ۲ ـ هر گاه یکی از مدیران جراید یا مجلات ویا ارباب مطابع و یا دیگری از مفاد ماده تخلف نمود مدعی العموم و یا مدعی خصوصی قضیه را به ناظر شرعیات

قانونی و یا مجتهد عالم مسلم رجوع می‌نماید . بعد از تصدیق کتبی مشارالیه به مضر بودن ، بفوریت اوراق منتشره جمع آوری و توقیف شده، مدیر و نویسنده و طبع کننده مستنداً به تشخیص ناظر شرعیات و یا مجتهد عادل مسلم ، مطابق قانون مطبوعات مجازات خواهد شد.ـ اول عقرب ۱۳۰۱))

اخطاریه قوام السلطنه به مطبوعات

وقتی تقاضای تصویب قانون هیئت منصفه بقید فوریت ، از طرف مجلس رد شد، قوام السلطنه اعلامیه‌ای منتشر ساخت که در ذیل به قسمتی از آن اشاره می‌شود :[1]

((......بعموم آقایان ارباب جراید اخطار می‌شود مادام که قانون هیأت منصفه از مجلس نگذشته ، محکمه صالحه تشکیل نیافته است با حسن وقار و وطن پرستی عمل کنند، توحید مساعی دولت و ملت در امنیت و ارامش مملکت ایجاب می‌نماید از هر گونه تعرضات و تجاوزات بی رویه اجتناب ورزند....

هر گاه با وجود این اخطار رویۀ نا مطلوب سابق تعقیب شود دولت ناچار است نظر به حفظ مصالح مملکت و نظر به اینکه محاکمه مطبوعات فعلاً مقدور نیست ، هر روزنامه‌ای که از حدود نزاکت خارج شده و به تعرض نامناسب و حملات بی رویه مبادرت ورزد، تا تشکیل محکمه صالحه آن روزنامه را تعطیل نماید . امیدوارم هرچه زودتر قانون هیئت منصفه به تصویب مجلس شورای ملی رسیده،محکمه صالحه تشکیل و موجبات این تصمیم مرتفع گردد.ـ قوام‌السلطنه ـ رئیس الوزراء))

---

[1] ــ مطبوعات سیاسی ایران ـ عبدالرحیم ذاکر حسین ـ ص ۹۴

قانون هیئت منصفه (۱۳۰۱ شمسی)

قانون هیئت منصفه در تاریخ ۱۰ قوس ۱۳۰۱ مطابق ۱۲ ربیع الثانی ۱۳٤۱ از تصویب مجلس گذشت و اعتبار آن تا اول حمل ۱۳۰۲ تعیین گردید .

پس از تصویب قانون هیئت منصفه ، اولین محاکمه مطبوعاتی مهم انجام شد و آن به جریان افتادن شکایت ((احمد شاه)) از ((فرخی یزدی)) مدیر روزنامه ((طوفان)) بود.

در تاریخ ۲۸ حوت ۱۳۰۱ قانون هیئت منصفه که در موقع تصویب نسبت به کم بودن مدت اعتبار آن اعتراض شده بود ، تا موقع تصویب قانون دائمی هیئت منصفه اعتبار یافت .

*تظلم خواهی ممنوع!

سردار سپه پس از فراهم نمودن مسافرت احمد شاه به خارج ، تصویب نامه ای صادر کرد که به موجب ماده ششم آن ((هر تظلمی که بوسیلهٔ مطبوعات یا جراید واقع شود ...بی جواب و بی اثر خواهد ماند)) به موجب ماده هفتم آن ((هر مستخدم مأموری که بوسیلهٔ غیر ، مجاری یا بوسیلهٔ جراید شکایت و تظلم نماید مؤاخذه و مجازات خواهد شد))

در دوره سردار سپه با صدور این تصویب نامه ، آزادی مطبوعات برای همیشه از بین رفت ، روزنامه طوفان با اشاره به این مطلب نوشت : ((برای رسیدگی به تظلمات و دعاوی مردم اینطریق عملی نبوده گذشته از اینکه موجب اهانت به مطبوعات است رؤسای نظمیه حرمت تصدیق عارض و متشکی را نمی نمایند .....))[1]

قانون هیئت منصفه (تیر ماه ۱۳۰۷)

دومین قانون هیئت منصفه که به دنبال قانون محاکمهٔ هیئت وزراء آمده است در جلسه غیر علنی مجلس در تیر ماه ۱۳۰۷ شمسی به تصویب رسید ، با توجه به اینکه

[1] ـ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ـ عبدالرحیم ذاکر حسین صفحه ۹٦

متن قانون شامل قانون محاکمه هیئت وزراء هم هست صرفاً آن قسمت از مواد قانونی که مربوط به مطبوعات است آورده می‌شود:

مادهٔ نهم ـ ((هیئت منصفه عبارت از هیئتی خواهد بود که به عدهٔ اعضاء محکمه ، حاکم از بین عده‌ای که معادل سه برابر عدهٔ اعضاء محکمه ، باشند و بعد از منتخبین حوزهٔ انتخابیه آن محکمه در آخرین دورهٔ تقنینیه مجلس شورای ملی دارای اکثریت نسبی بوده‌اند ، به قید قرعه انتخاب می‌شود و نیز معادل نصف اعضاء محکمه به سمت عضو علی البدل از بین آنها به قید قرعه انتخاب خواهند شد که در صورت عدم حضور یکی از اعضاء اصلی به جای عضو مزبور و در تشکیل محکمه شرکت نماید.

تبصره ـ کسانیکه به سمت هیئت منصفه انتخاب می‌شوند اعم از اعضاء اصلی یا علی البدل ، دارای شرایطی خواهند بود که قانوناً برای نمایندگان مجلس شورای ملی مقرر است.

ماده دهم ـ محکمه منصفه اعضاء محکمه و عده ای که بسمت هیئت منصفه مطابق ماده نهم معین می‌شود تشکیل و مطابق مقررات قانون اصول محاکمات جزائی رسیدگی می‌نماید و پس از اعلان ختم محاکمه بلافاصله مشاوره نموده رأی خود را دایر بر تبرئه یا مجرمیت متهم و تشخیص جرم خواهند داد ولی صدور حکم فقط با قضاوت محکمه خواهد بود . در صورت تساوی آراء ، رأیی که بر علیه متهم است به منزلهٔ رأی اکثریت است و حکم محکمه بر طبق آن صادر می‌شود .

تبصره ـ در تمام مواردیکه مطابق قانون اساسی محاکمه باید با حضور هیئت منصفه به عمل آید انتخاب هیئت مذکور و تشکیل منصفه بر طبق ماده ۹ و ۱۰ این قانون خواهد بود قانون مذکور در فوق با قانون هیئت منصفه مصوب ۱۰ قوس ۱۳۰۱ که در بالا آورده شد تفاوتهائی به شرح زیر دارا می‌باشد:

((در قانون اولی ، انتخاب اعضاء هیئت منصفه از میان (صد) نفر کسانی که در موقع انتخابات نسبتاً حائز اکثریت بودند، از بین اشخاص واجد شرایطی که قانون برای

نمایندگان مقرر کرده بود تعیین می‌شدند (با رعایت تقدم کسانیکه آراء بیشتر آورده بودند) ٥ نفر را به سمت عضو اصلی و ٩ نفر را به سمت عضـو علـی البـدل انتخـاب میکردند و حال آنکه مطابق قـانون دوم هیئـت منصفـه از بیـن عـده‌ای کـه سـه برابـر اعضاء محکمه باشند با طریق قرعه (از رعایت آراء بیشتر)تعیین می‌شوند، اعضاء علی البدل هم به جای ٩ نفر منظور در قانون قبلی به نصف اعضاء محکمه تقلیل داده شده است . ضمناً قید عبارت ((در آخرین دوره تقنینیـه)) در مـاده نهـم خـالی از اغـراض سیاسی نیست، چرا که بدین ترتیب دسـت مخـالفین هیئـت حاکمـه بتدریـج از امـور کشور یا نظارت بر بعضی امور کوتاه میگردد.))[1]

***قانون هیئت منصفه ١٣١٠**

ماده اول = رسیدگی به جرمهای سیاسـی و مطبوعـاتی در ((دیـوان جنـائی)) و بـا حضور هیئت منصفه به عمل خواهد آمد .

ماده دوم = جرمی که بوسیله کتاب یا مطبوعات مرتـب الانتشـار واقـع شـود جـرم مطبوعاتی است.

تبصره = مقصود از مطبوعات مرتب الانتشار ، جریده یا مجله یا مطبوعـات دیگـری است که بنای آن منتشر شدن در ایام یا اوقات معینه باشد از قبیل روزنامه یـا مجلـه و امثال آن .

ماده سوم = جرمهای زیر جرم مطبوعاتی نبوده و محاکمه آن بدون حضـور هیئـت منصفه بعمل خواهد آمد :

١ ـ جرمهائی که به وسیلهٔ بیانیه یا هر قسم مطبوعات دیگری که به نحو مرتـب منتشـر نمی‌شود (به استثنای کتاب) وقوع یابد.

٢ ـ جرمهائی که به وسیلهٔ انتشار اعلان بعمل آید ولو آنکه اعلان در جریده یا مجلـه یا سایر مطبوعات مرتب الانتشار منتشر گردد.

٣ ـ توهین به پادشاه مملکت.

---

[1] ـــ مطبوعات سیاسی ایران ـ صفحه ١١١

۴ـ توهین به رؤسای ممالک خارجه یا نمایندگان سیاسی آنها در ایران .

۵ـ اسناد توهین آمیز یا افترا نسبت به فردی از نمایندگان ملت یا وزراء و معاونین آنها یا رؤسا و مستخدمین دربار سلطنتی یا نسبت به فردی از مأمورین دولتی یا ادارات مجلس یا مأمورین بلدی یا نسبت به اعضاء انجمن های بلدی و یا اعضاء اطاق تجارت و یا اعضای انجمن‌های نظارت انتخابات و یا هیأتی از اشخاص فوق‌الذکر مشروط براینکه آن اسناد یا افترا با مقام اشخاص مذکور ارتباطی نداشته باشد .

۶ـ اسناد توهین آمیز یا افترا نسبت به افراد.

۷ـ فحش و ناسزا نسبت به هر کس که باشد.

ماده چهارم= اعضاء هیئت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱ ـ تابعیت ایران.

۲ ـ خط و زبان فارسی باندازهٔ کافی بدانند .

۳ـ معروفیت و سکونت در محلی که هیئت منصفه باید در آنجا تشکیل شود .

۴ـ لااقل سی سال سن.

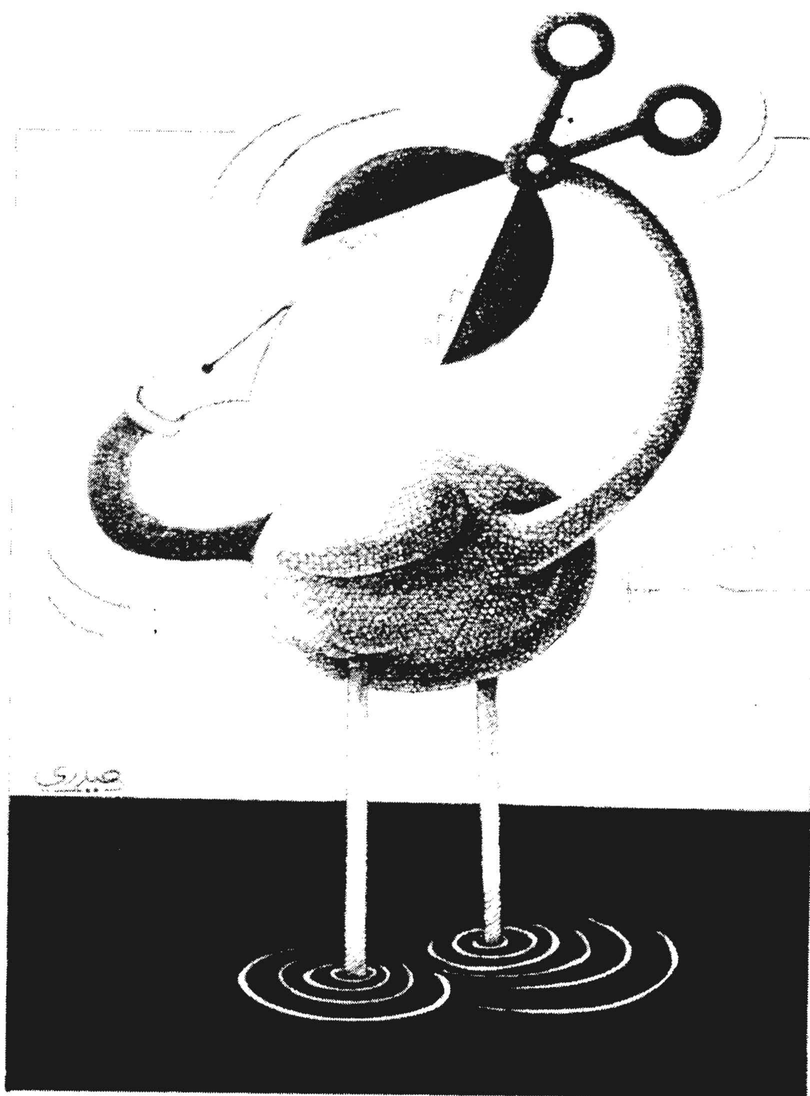
۵ـ عدم استخدام دولتی یا بلدی یا عدم استخدام در ادارات مجلس.

۶ـ عدم محکومیت به جنحه یا جنایت.

ماده پنجم = در نیمه اول بهمن هر سال وزیر عدلیه عده اشخاصی را که در مقر هر محکمه استیناف برای عضویت هیئت منصفه در ظرف سال بعد لازم است معین و اعلان می‌نماید. عده مزبور کمتر از پنجاه نفر نخواهد بود.

ماده ششم = اعضاء هیئت منصفه بطریق ذیل تعیین می‌شوند :

در مقر هر محکمه استیناف حاکم محل و رئیس استیناف و رئیس محکمه هدایت و رئیس انجمن بلدی و رئیس اطاق تجارت (در مناطقی که اطاق تجارت تشکیل شده باشد) عده‌ای را که برای عضویت هیئت منصفه در ظرف سال لازم است و وزیر عدلیه مطابق ماده فوق معین نموده است در اسفند ماه هر سال از میان اشخاصی که



هادی حیدری

دارای شرایط مقرره در این قانون می‌باشند برای سال بعد معین می کنند . در هر موقعیکه تشکیل هیئت منصفه لازم باشد محکمه استیناف در جلسه علنی و با حضور مدعی‌العموم استیناف پنج نفر را به سمت عضو اصلی و پنج نفر را به سمت عضویت علی البدل از میان اشخاصی که به طریق فوق معین شده اند بـه حکم قرعه انتخاب می کنند تا در موقع رسیدگی به جرمی که هیئت منصفه در مورد آن تشکیل می‌شود حضور داشته باشند .

ماده هفتم = اعضاء هیئت منصفه باید مادام که اعلام ختم محاکمه نشده است در تمام مدت جلسهٔ محاکمه حضور داشته باشند و اگر یک یا چند نفر از اعضاء هیئت منصفه حاضر باشند ، یک یا چند نفر از اعضای علی البدل به حکم قرعه قائم مقام آنها می‌شوند.

ماده هشتم = پس از اعلان ختم محکمه در صورتیکه دایر به مجازات متهم باشد هیئت منصفه بلافاصله به اطاق مشاوره رفته و عقیدهٔ خود را اگر مبنی بر عدم تخفیف باشد با ذکر دلایل کتباً اظهار خواهند نمود.

ماده دهم = هرگاه هیئت منصفه موجباتی برای تخفیفات مجازات ذکر کرده باشد وزیر عدلیه در صورت قطعیت حکم محکومیت مطابق قانون استدعای تخفیف خواهد کرد مگر اینکه آخرین هیئت منصفه که اظهار عقیده کرد قائل بوجود موجبات تخفیف نشده باشد))[1]

قانون مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت :

موادی از این قانون (مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ شمسی) که مربوط به مطبوعات و مؤثر در آزادی یا اختناق آنها بوده به شرح زیر است:

ماده اول = مرتکبین هر یک از جرمهای ذیل بـه حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهند شد.

---

[1] ـ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ـ عبدالرحیم ذاکر حسین ـ ص ۱۱۱

۱ ـ هر کس در ایران به هر اسم یا به هر عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که مرام یا رویهٔ آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران ویا رویه یا مرام آن اشتراکی است و یا عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرام یا رویه های مزبور در ایران تشکیل شده باشد .

۲ ـ هر ایرانی که عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی باشد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه در ایران یا مرام آن اشتراکی است اگر چه آن دسته یا جمعیت یا شعبه در خارج ایران تشکیل شده باشد.

ماده دوم = هر کس به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از ایران یا برای لطمه وارد آوردن به تمامیت یا استقلال آن اقدام نماید محکوم به حبس ابد با اعمال شاقه خواهد بود.

ماده سوم = هرکس خواه با مشارکت خارجی خواه مستقلاً بر ضد مملکت ایران قیام (مسلحانه) نماید محکوم به اعدام می‌شود.

ماده پنجم = هر کس برای یکی از جرمها یا مجرمین مذکور در مواد ۱ و ۲ و ۳ در ایران به نحوی از انحاء (تبلیغ)نماید و هر ایرانی که بر علیه سلطنت مشروطه ایران برای یکی از جرمها و یا مجرمین مذکور در مواد فوق به نحوی از انحاء در خارج از ایران (تبلیغ) نماید محکوم به یکسال تا سه سال حبس تأدیبی خواهد شد.

ماده ششم= اشخاصی که جرمهای مذکوره در مواد ۲ و ۳ را در خارج از ایران مرتکب شوند و ایرانیان مذکور در قسمت اخیر مادهٔ ۵ پس از ورود به خاك ایران تعقیب و مجازات خواهد شد.))[1]

[1] همان منبع صفحه ۱٤۵

قانون اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات:[1]

در دوره سیزدهم قانونگذاری دولت قوام السلطنه تحت تأثیر رفتار مطبوعات دو لایحه به مجلس تقدیم داشت که به شرح ذیل به تصویب رسید:

((**ماده اول** = از تاریخ تصویب این قانون کسانی می‌توانند صاحب امتیاز یا مدیر یا سر دبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرره در قانون مطبوعات مصوب ٦ محرم ۱۳۲٦، صلاحیت آنانرا از لحاظ تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی شورایعالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله که می‌خواهند منتشر کنند و سمتی که در آن خواهند داشت ، تصدیق نماید. صاحبان امتیاز و سردبیران فعلی روزنامه و مجلات نیز مشمول این قانون می‌باشند و هیچکس نمی‌تواند بیش از امتیاز یک روزنامه یا مجله داشته باشد.

ماده دوم = ماده ۳٤ قانون مطبوعات مصوب ٦ محرم ۱۳۲٦ بطریق زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳٤ = توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا هیئت ها و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیرنسبت به آنها با شکایت مدعی خصوصی در دادگاه جنحه و (خارج از نوبت) مطرح و نویسنده و ناشر از ۸ روز تا ٦ ماه حبس و از ۵۰۰ ریال تا ۵۰ هزار ریال جریمه نقدی و از هشت روز تا سه سال به توقیف روزنامه محکوم خواهد شد و دادگاه می‌تواند متخلف را به یک یا هر سه مجازات مذکور محکوم نماید. در صورتیکه جرایم مذکوره بوسیلهٔ اوراق چاپی یا هر گونه اوراق ضبط و محرک و نویسنده و ناشر آن نیز مشمول مقررات فوق خواهند بود .

تبصره = در صورتیکه مدیر روزنامه یا نویسنده بتواند از عهده نسبتی که به او داده اند برآید از مجازات معاف خواهد شد.

---

[1] ـ نقل از : مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ـ عبدالرحیم ذاکر حسین ـ صفحه ۱۱٤ و ۱۱۵

ماده سوم= شورایعالی فرهنگ آئین نامه تنظیم خواهند نمود که پس از تصویب به هیأت وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد رأی شورایعالی فرهنگ به اکثریت قاطع است، هیچیک از کارمندان شورای مزبور حق ندارد رأی خود را به دیگری واگذار نماید))

متمم قانون اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات

دو سه هفته بعد از تصویب قانون اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات اصلاحیه دیگری توسط دولت به مجلس تقدیم و به تصویب رسید:

مادهٔ واحده= صاحبان روزنامه‌ها و مجلاتی که مورد امتیاز خود تا این تاریخ لااقل پانزده سال متوالی و بطور منظم منتشر ساخته‌اند حائز شرایط مندرج در ماده اول قانون مطبوعات مصوب سوم دیماه ۱۳۲۱ شناخته می‌شوند)).

آئین نامه دادگاه، زمان حکومت نظامی (مصوب ۱۳۲۲ شمسی)

((ماده ۲۰ بند ۲۹)) رسیدگی به بزه‌های مذکور در مواد ۱۶ و ۳۵ و ۳۶ قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ قمری [1]را در صلاحیت دادگاههای نظامی قرار داده است))

---

[1] ـ ماده ۱۶ ـ روزنامه جات و اوراق که در خارج به طبع می‌رسند به هر زبان که باشد بر حسب مصلحت مملکت و ملت از ورود و انتشار ممنوع توانند شد هرگاه علت منع در یک نمره باشد تشخیص وزارت معارف برای جمع آوری و ضبط آن کافی است و در منع کلی مداقهٔ مجلس وزراء لازم است به موجب این ماده هر کس روزنامه جات و اوراق را وارد کند یا انتشار بدهد از یکماه الی یکسال حبس خواهد شد.

ماده ۳۵ = به موجب این ماده هر کس نسبتی از نسبتهای مندرجه در ماده ۳٤ را به وسایلی که در ماده مذکور است نطق لایحه درج مقاله در روزنامه جات به یکی از محاکم عدلیه یا اجزاء حربیه به انجمن یا ادارات دولتی بدهد از ده تومان الی سیصد تومان مجانی دادنی خواهد شد و یا از ۸ روز الی یک سال حبس خواهد شد . اگر وسیلهٔ انتشار آن نسبتها روزنامه باشد در مدت مشخصه توقیف خواهد شد، ممکن است انواع تنبیه و سیاست را در زمان واحد مقتضی بدانند بسته به نظر حاکم قضیه. ادامه در صفحه بعد ←

بند ١٤ ـ تحریص به ارتکاب جنحه یا جنایت بر ضد امنیت داخلی یا خارجی بوسیلهٔ نطق یا اوراق چاپی یا خطی طبق ماده ٧٩ قانون کیفر عمومی .

بند ١٥ ـ توهین نسبت به مقام سلطنت به هر نحوی که باشد و توهین نسبت به رئیس مملکت خارجی یا نماینده سیاسی او به هر نحوی از انحاء طبق ماده ٨١ اصلاح شده قانون کیفر عمومی .

(ماده ٢٤ که در مواد ٣٦ و ٣٥ موضوع ماده ٢٠ که در ذیل درج شده است ، مورد اشاره قرار گرفته از این قرار است : هتك احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیئت ها مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر خواه به معنی باشد خواه با لفاظ نالایق ، مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود)[1]

لایحه راجع به توقیف جراید و تسریع در محاکمه آنها :

پس از واقعهٔ تیراندازی به شاه در پانزدهم بهمن ١٣٢٧ ((بر حسب تصمیم دولت از روز ١٥ بهمن حکومت نظامی در تهران اعلام گردید .... متهمین به سوء قصد و عده ای از روزنامه نگاران ....بازداشت و متجاوز از ٩٠ روزنامه توقیف شدند))[2]

و بلافاصله لایحه‌ای راجع به توقیف جراید و تسریع در محاکمه آنها توسط کابینه ساعد به مجلس تقدیم و به شرح زیر به تصویب رسید :

مادهٔ واحده= هر گاه در روزنامه یا در هر نشریه دیگر به پادشاه یا اعضاء خانواده سلطنتی (پدر ـ مادر ـ ملکه ـ اولاد ـ برادر ـ خواهر پادشاه) و یا به اساس دین اسلام و اصول و احکام آن و مقام مقدس انبیاء و ائمه اطهار اهانت و هتك حرمت شود یا مردم را به قیام و اقدام برضد حکومت ملی تحریك و به ایجاد مفسده و آشوب

ماده ٣٦ = هم چنین است حکم مذکور در ماده ٣٤ هر گاه این نسبت ها به وزیری یا چه از وکلای مجلس شورایملی چه از وکلای مجلس سنا یا یکی از کارگزاران امور دولتی یا پیشوایان مذهب اسلام و وکلا و شهود در صورتیکه آن نسبت و افترا راجع به حیطهٔ مسولیت آنها باشد .

[1] ـــ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ـ عبدالرحیم ذاکر حسین ـ صفحه ١٤٧

[2] ـــ همان منبع ـ صفحه ١٨٩ به نقل از از سالنامه دنیا ١٣٢٨ ـ ص ٣٣

برای این منظور تشویق کنند شهربانی مکلف است فوراً به ضبط اوراق منتشره و توقیف مرتکب اقدام و پرونده امر را ظرف ۲۴ ساعت نزد دادستان ارسال و دادستان فوراً به دادگاه صلاحیت‌دار بفرستد ، اهانت و هتک حرمت به خاندان سلطنتی (پدر ـ مادر ـ برادر ـ خواهر پادشاه) از جرائم مطبوعاتی نیست.

دادگاه مرجع رسیدگی باید در خارج از نوبت تعیین جلسه نموده و به موضوع اتهام رسیدگی و حکم صادر نماید، جلسهٔ تنفس جز برای رسیدگی ، تعطیل بردار نیست تا وقتی که از دادگاه حکم رسیدگی صادر نشده روزنامه یا نشریه در توقیف باقی خواهد ماند لیکن بقای بازداشت متهم منوط به نظر دادگاه است.

ب ـ مقررات فوق در مورد توهین و هتک احترام نسبت به رؤسای کشورهای خارجی (با شرط معامله متقابله) نیز جاری خواهد بود.

ج ـ در مورد توهین و هتک حرمت نسبت به نخست وزیر و وزراء و معاونین آنها و رئیس و نمایندگان مجلس شورای ملّی و قضات و اعضاء هیئت منصفه بدون احتیاج به شکایت آنها و در مورد سایر اشخاص و افراد ، در صورت شکایت آنها ، طبق مقررات بند الف این قانون رفتار خواهد شد. لیکن از نظر تأمین ، بازداشت متهم الزامی نیست و تابع مقررات عمومی است ، ضبط اوراق منتشره و توقیف متهم با اجازه دادستان باید به عمل آید .

د = اشخاصی که طبق این قانون نشریه آنها توقیف گشته مادام که تکلیف نهائی آنها تعیین نشده به هیچ عنوان نباید روزنامه یا نشریه دیگر انتشار دهند ، در صورت تخلف به تأدیه ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال غرامت محکوم خواهند شد.

۵ ـ از تاریخ تصویب این قانون ، ماده یک قانون مصوب دیماه ۱۳۲۱ خورشیدی ملغی و نوشتن روزنامه و مجله احتیاج به داشتن اجازه و امتیاز شورایعالی فرهنگ ندارد ولی برای انتشار آنها علاوه بر شرایط و مقررات مذکور در قانون مطبوعات مصوب پنجم محرم ۱۳۲۶ قمری نویسنده روزنامه و یا مجله برای نشریه خود باید اسمی را برای روزنامه و نشریه خود انتخاب نکرده باشند.

و = قضات دادگاه و استان که باین قبیل جرایم رسیدگی میکنند بطریق زیر انتخاب خواهند شد:

وزیر دادگستری برابر عدهٔ دادرسانی که برای دادگاه جنحه و استان لازم است از بین دادرسان مورد اعتماد به دیوان کشور معرفی می‌نماید . رؤسای شعب دیوان مزبور با رأی مخفی و با اکثریت آراء دادرسان لازم را انتخاب می کنند این دادستان تا سه سال بدون میل خودشان قابل عزل و تغییر نیستند.

ز= کسانیکه از خزانه دولت یا بانکها یا بنگاههای مستقل حقوق می گیرند از داشتن روزنامه یا سمت مدیر یا سردبیر روزنامه یا نشریه ممنوع می‌باشند.[۱]

لغو کلیه قوانین مطبوعاتی (برای پایان دادن به اعتصاب غذای روزنامه نگاران)

ـ در ادامه وارد آوردن فشارهای فوق‌العاده به روزنامه نگاران و توقیف پی درپی نشریات توسط دولت رزم آراء ، عده ای از روزنامه نگاران در جلسه نوزدهم روز پنجشنبه مورخ چهاردهم دیماه ۱۳۲۹ دست به اعتصاب غذا زدند و در همین جلسه طرحی راجع به مطبوعات به رئیس مجلس تقدیم و به شرح زیر قرائت شد:

ـ ریاست محترم مجلس شورای ملی ـ نظر به اینکه پاره ای از قوانین در ادوار تقنینیه قبل بر خلاف افکار عمومی تصویب شده و نظر به اینکه بعضی از این قوانین مغایر با منشور ملل متفق و سایر منشورهای جهانی (اعلامیه حقوق بشر) میباشد و اجرای آن خالی از اشکال نیست بنابراین ماده واحده زیر را پیشنهاد و با قید دو فوریت تقاضای طرح و تصویب آنرا فی‌المجلس داریم:

ماده واحده= کلیه قوانین مربوط به مطبوعات به استثنای قانون پنجم محرم ۱۳۲۶ قمری ملغی است چنانچه قانون جدیدی لازم باشد دولت مکلف است در ظرف یکماه لایحه آنرا تهیه و به مجلس تقدیم نماید.[۲]

---

[۱] ـ مطبوعات سیاسی ایران در دوره مشروطیت ـ عبدالرحیم ذاکر حسین ـ دانشگاه تهران ـ صفحهٔ ۱۸۹ و ۱۹۰

[۲] ـ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ـ صفحه ۲۵۵

طرح مذکور در فوق پس از چند جلسه مذاکره سر انجام در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و نظر مدیران جراید تأمین و اعتصاب غذای آنان پایان و در نتیجه روز بیستم دیماه مجلس را ترک کردند

لایحه قانونی مطبوعات
مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۱

فصل اول : تعریف و تأسیس روزنامه و مجله

ماده ۱ ـ روزنامه یا مجله نشریه ای است که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی و یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین بر طبق اجازه نامه طبع و نشر گردد.

ماده ۲ ـ هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید.

ماده ۳ ـ درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف ـ ایرانی باشد.

ب ـ سن او از ۳۰ سال کمتر نباشد.

ج ـ سابقه محکومیت جنائی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد.

د ـ سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد.

تبصره ـ در صورتی که مؤسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف) یا بند (ج) این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط می گردد.

ماده ٤ ـ درخواست کننده اجازه ، علاوه بر مدارک لازمه اظهار نامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستانها به فرماندار محل تسلیم خواهد نمود.

۱ ـ نام و نام خانوادگی مؤسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد .

۲ ـ محل اداره روزنامه یا مجله.

۳ ـ نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود.

٤ ـ نام یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماه نامه.

۵ ـ عدهٔ نسخه‌هایی که از هر شماره چاپ می‌شود.

٦ ـ روش روزنامه یا مجله.

تبصره ـ هرگونه تغییری که نسبت به موارد فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته به اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند .

ماده ۵ ـ درخواست های تأسیس روزنامه یا مجله به وسیلهٔ هیئتی مرکب از مدیر کل وزارت کشور ، رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نمایندهٔ او رسیدگی می‌شود و نسبت به درخواستهائی که واجد شرایط قانونی باشد اجازه نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید.

تبصره ۱ ـ مدت اعتبار اجازه نامه ها برای شروع انتشار شش ماه است.

تبصره ۲ ـ وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است با مشخصات هر یک مرتباً ثبت می‌شود . صدو.ر اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و به هیچ کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد.

ماده ٦ ـ مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای ادارهٔ خود دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیهٔ مخارج خود را به گواهی دادستان یا نمایندهٔ او رسانیده و در اولین شمارهٔ ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشار دهد.

دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل شش ماه یک بـار دفـاتر مزبـور را بررسی و امضاء نماید.

ماده ۷ ـ هر روزنامه و یـا مجلـه ممکـن اسـت عـلاوه بـر مؤسـس، مدیـر و سـردبیر جداگانه داشته باشد، در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرره در ماده سوم باشد.

ماده ۸ ـ در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی مؤسس در صورتـی که مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر وسردبیر و همچنیـن نام و نشـانی چاپخانـه ای کـه در آن بـه طبـع می‌رسـد قیـد شـود . در مـورد کتـب و رسالات نیز نام مؤلف یا مترجم و ناشر و همچنین نام نشانی چاپخانه ای که در آن به چاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود .

تبصره ـ مدیر هر روزنامه یا مجله مکلف است یک نسخه از روزنامه یا مجلـه خـود را برای دادستان شهرستانی که روزنامه یا مجله در آن حوزه چاپ می‌شـود مسـتقیماً و یا به وسیلهٔ پست سفارشی دو قبضه فرستاده و رسید بگیرد.

ماده ۹ ـ وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و بنگاههایی که دارای شخصیت حقوقـی هستند در صورتی که بخواهند نشریهٔ مرتبـی داشـته باشـند بـاید مدیـر واجـد شـرایط معرفی کنند.

ماده ۱۰ ـ اجازه نامه روزنامه ها و مجلاتی که تا تـاریخ تصویـب ایـن لایحـه یـک سال تمام مرتب منتشر شده باشند به قوت خود باقی هسـتند وزارت فرهنـگ مکلـف است در ظرف یک ماه از تصویب این لایحـه قـانونی فهرسـت آنهـا را بـا اطلاعـات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد.

مدیران روزنامه ها و مجلاتی که یک سال تمام منتشر نشده انـد می‌تواننـد در ظـرف یکماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی درخواست خـود را بـر طبـق مـواد ۳ و ٤ بـه وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواست ها را معلوم نماید.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنـان بـا مواد ۳ و ٤ منطبق نباشد ، اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۱ ـ هیچ کس نمی‌تواند اجازه نامه یا مجله خود را به دیگری واگذار کنـد ، مگر اینکه آن شخص واجد شرایط مقرره بـوده و انتقـال بـه تصدیـق وزارت کشـور برسد .

ماده ۱۲ ـ در صورت فوت مؤسس چنانچه در میان وراث کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث و یا قائم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه به نـام او صادر می‌شود والا وراث می‌توانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

فصل دوم : حق جوابگوئی آئین نامه‌های مطبوعاتی

ماده ۱۳ ـ مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسـمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار مخالف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامـه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونه توضیحـات و جواب‌هـا را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفـی کـه مطلـب اصلی را چاپ کرده مجاناً و بلاتأخیر به طبع برسـاند و نسبت بـه زائـد بـر آن مـیزان جواب دهنده حق الطبع معمولی را خواهد پرداخت، همین تکلیف شامل روزنامه هـا و مجلاتی که مطالب مشتمل بر تهمت و افتراء یـا اخبـار مخـالف واقع از مطبوعـات دیگر نقل نمایند خواهد بود . در صورتی کـه روزنامـه یـا مجلـه عـلاوه بـر جـواب ، مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نمـاید حـق جواب‌هـای مجـدد بـرای معـترض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱٤ ـ وزارت‌خانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه‌های طبع کتب و رسالات و اعلانات و کتاب فروش‌ها و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبر نگاران و مخبرین عکاس آئین نامه‌های لازم را تهیه و به هیئت وزیران پیشنهاد نماید در این آئین‌نامه‌ها برای توزیع و فروش روزنامه‌ها . مجلات و رسالاتی که به زبان‌های خارجی یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود .

فصل سوم : جرائم مطبوعاتی

ماده ۱۵ ـ اشخاصی که به وسیلهٔ نشر مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب یکی از جرائم ذیل شوند به حبس تأدیبی از ٦ ماه تا سه سال محکوم می‌شوند :

الف ـ کسانی که مردم را صریحاً تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش سوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند.

ب ـ کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند.

در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب مؤثر واقع شود . جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف) و (ب) به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش بینی شده است.

ماده ۱٦ ـ اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیلهٔ مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند .

ماده ۱۷ ـ هر کس مقاله ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود .

ماده ۱۸ ـ هر کس به وسیلهٔ روزنامه یا مجله یا کتاب مردم را صریحاً به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرائم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثر بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تأدیبی یا پرداخت دو هزار تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹ ـ هر کس به وسیله مطبوعات از جرائم مذکور در مواد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از ۵ هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود .

ماده ۲۰ ـ هر کس به وسیله روزنامه یا مجله به مقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند به مجازات مندرج در بند یک ماده (۸۱) قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود .

ماده ۲۱ ـ هر کس به وسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود مشروط بر این که در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابله شود .

ماده ۲۲ـ در جرائمی که ذیلاً ذکر می‌شود :

الف ـ انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه .

ب ـ انتشار آگهی‌ها یا عکس هایی مخالف اخلاق حسنه .و آداب و رسوم ملی .

د ـ انتشار مذاکرات سرّی محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضائی که قانوناً انتشار آنها ممنوع است.

مرتکب به تأدیه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳ ـ هر یک از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ

رکیکه و یا نسبتهای توهین آمیز در زندگی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می‌تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا ٦ ماه حبس تأدیبی و یا از ده هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد .

تبصره ـ در موارد فوق شاکی می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارات را تعیین و مورد حکم قرار دهد .

تبصره ۲ ـ هرگاه انتشار مطالب مذکوره در مادهٔ فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاکی بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی میتواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید

ماده ٢٤ ـ هر کس به وسیلهٔ مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشاء سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵ ـ هر کس به وسیلهٔ مطبوعات به وزراء یا معاونین وزارتخانه‌هاو یا به یکی از مستخدمین دولت اعم از قضائی و اداری و لشکری و اعضاءدیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و رؤسا و اعضاء انجمن های شهرداری یا ایالتی یا نسبت به اعضاء هیئت منصفه و یا اعضاء اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به سبب انجام وظایف محوله به آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افترا قرار دهد به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد . در مورد این ماده و همچنین در مورد ماده ۲۳ پس از شروع تحقیقات قانونی دادستان به متهم اخطار خواهد کرد مادام که تحت تعقیب کیفری است از نشر هر نوع مطلب مربوط به اهانت و یا افتراء دربارهٔ

شاکی خوددای نماید در صورتی که متهم به اخطار دادستان ترتیب اثر ندهد دادستان می‌تواند امر به توقیف روزنامه یا مجله صادر کند .
متهم نیز می‌تواند از این دستور دادستان به دادگاه شهرستان محل شکایت نماید. دادستان موظف است فوراً پرونده را به دادگاه بفرستد و دادگاه باید در ظرف ۳ روز پس از وصول پرونده به شکایت رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند .
چنانچه دادگاه نظر دادستان را تائید نماید دیگر آن روز نامه یا مجله تا زمانی که متهم تحت تعقیب کیفری است قابل انتشار نخواهد بود .
تبصره ـ افتراء و تهمت مذکور در این ماده بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است در صورتی که اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبت‌هایی که داده است تسلیم و معرفی نماید در صورتی که متهم دلایل اثبات اسناد خود را به دادسرا بدهد . دلائل او اخذ و ضمیمه پرونده شده پس از صدور قرار مقتضی به دادگاه جنائی ارسال می گرددتا ضمن رسیدگی به اتهام متهم به دلائل تقدیمی او نیز رسیدگی شود.
ماده ٢٦ ـ هر کس به وسیلهٔ مطبوعات به اقلیت‌های مذهبی یا نژادی ساکن ایران برای تولید و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت پانصد تا ۵ هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.
ماده ۲۷ ـ هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشهٔ روزنامهٔ دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا ۵ هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد . شاکی خصوصی می‌تواند خسارات خود را مطالبه نمایدو دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند.

ماده ۲۸ ـ در کلیه جرائم مذکور در مواد فوق مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسنده قابل تعقیب جزائی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد شد.

ماده ۲۹ ـ در کلیه موارد مذکور در مواد فوق آنجا که جرم جنبه هتک حرمت یا توهین ویا افترا نسبت به اشخاص دارد تعقیب مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی اوست و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد شد.

فصل چهارم: تخلفات

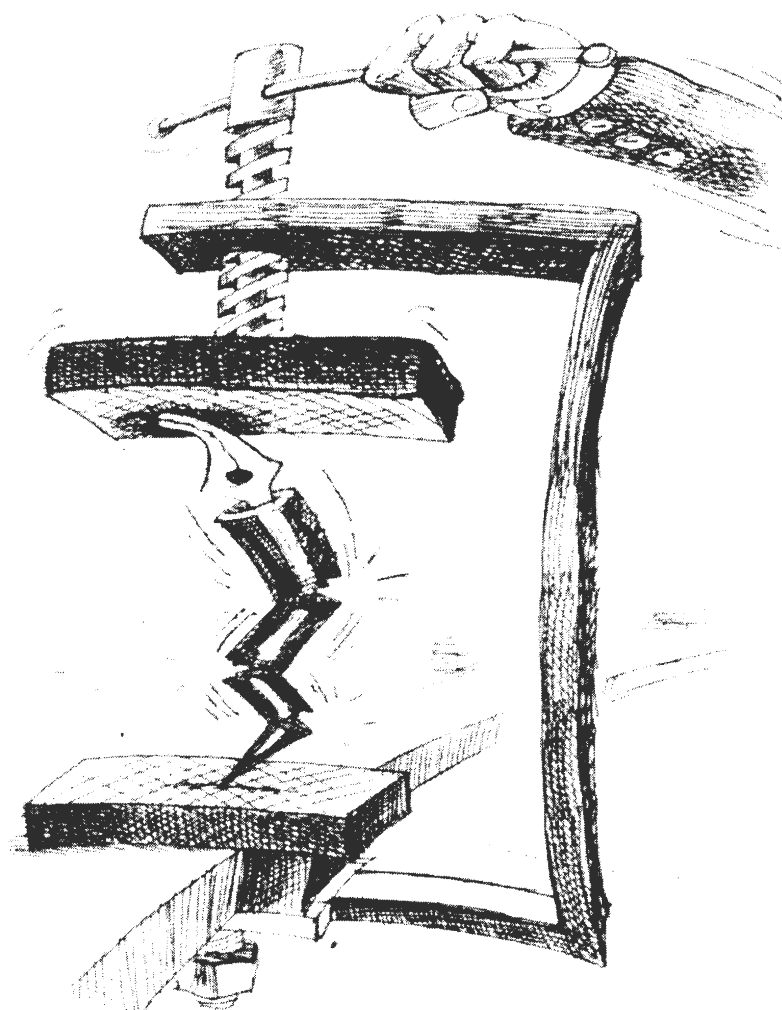
ماده ۳۰ ـ هر کس بر خلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ و تبصره ۱ مادهٔ پنجم این لایحهٔ قانونی مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند به پرداخت دو هزار تا ده هزار ریال محکوم می‌شود .

تبصره ـ در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه و یا مجله را می‌دهدو مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود.

ماده ۳۱ ـ هر کس بر خلاف ماده شش یا هشت یا سیزده این لایحه قانونی اقدام کند به پرداخت یک هزار تا پنج هزار ریال یا دو ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شود .

ماده ۳۲ ـ مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشدقابل انتشار نیست و در صورت انتشار از طرف مأمورین انتظامی جمع آوری و ضبط خواهد شد.

در صورتی که نام چاپخانه و یا سایر نام های مذکور در ماده ۸ بر خلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات مذکوره در ماده ۳۱ محکوم می‌شود همین



نیک‌آهنگ کوثر

مجازات دربارهٔ درباره مدیر آن چاپخانه‌هائی که ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال می‌شود .

ماده ۳۳ ـ نشریه ای که مشمول ماده اول این لایحه قانونی نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی‌کندو تابع قوانین عمومی است.

فصل پنجم : دادرسی مطبوعاتی هیئت منصفه

ماده ٣٤ ـ جرائمی که به وسیله روزنامه یا مجله واقع می‌شود جرائم مطبوعاتی است.

ماده ۳۵ ـ به جرائم مطبوعاتی و همچنین به جرائم سیاسی غیر مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنائی دادگستری با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود .

ماده ٣٦ ـ مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادسراهای مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنائی ارسال خواهند داشت.

ماده ۳۷ ـ انتخاب هیئت منصفه و ترتیب شرکت اعضاء آن در رأی دادگاه به طریق ذیل خواهد بود:

هر دو سال یک بار در بهمن ماه در تهران و مراکزی که دارای دادگاه استان است هیئتی مرکب از فرماندار ، رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (و در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود .

هیئت مزبور در تهران صورتی از ۱۷۵ نفر طبقات هفتگانه ذیل :

۱ ـ علما و دانشمندان و نویسندگان

۲ ـ وکلای دادگستری و سردفتران

۳ ـ بازرگانان

٤ ـ دبیران و آموزگاران

۵ ـ ملاکین و کشاورزان

٦ ـ کارگران

۷ ـ اصناف و پیشه وران جزء

از هر طبقه فهرستی مشتمل بر ۲۵ نفر تهیه می کند اشخاص منظور در صورت ها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شده برای نمایندگی مجلس شورای ملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورت ها از هر طبقه ۱۲ نفر به قید قرعه برای عضویت هیئت منصفه انتخاب می‌شود و فرماندار مراتب را کتباً به کلیه ۸٤ نفری که برای عضویت هیئت منصفقه انتخاب شده اند ابلاغ می‌نماید که رد یا قبولی خود در ظرف سه روز اعلام دارند . عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر یک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند هیئت مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۱۷۵ نفر از خارج تکمیل و به جای افراد مستعفی به قید قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می‌نمایند سپس فرماندار آنان را به وسیلهٔ رئیس دادگاه استان به دادگاه جنائی محل معرفی میکند.

رئیس دادگاه استان تا نیمه اسفند ماه همان سال صورت اعضاء هیئت منصفه را باید در یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار اعلان نماید و برای سایر مراکز استانها اعضاء هیئت منصفه ٤۲ نفر مقرر می‌شود که به همان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات هفتگانه در بدو امر ۱۲ نفر در فهرست منظور می‌شود) انتخاب و معرفی خواهند گشت.

ب ـ در مورد هر محاکمه مطبوعاتی یا سیاسی دادگاه جنائی در جلسه علنی خود با حضور دادستان استان ۷ نفر از اعضاء هیئت منصفه را از هر طبقه یک نفر به سمت عضو اصلی و ۷ نفر را به همان ترتیب به سمت عضو علی البدل به قید قرعه انتخاب می‌نماید کلیهٔ اعضاء هیئت منصفه اعم از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته

باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضاء اصلی غائب ویا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضاء علی البدل به قید قرعه به جای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهد شد و در هر حال با حضور ۷ نفر از اعضاء اصلی یا علی البدل دادگاه قابل تشکیل است.

تبصره ـ کلیه انتخاباتی که تا کنون بر طبق مفاد لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۹/۱۱ انجام شده باشد با رعایت مقررات این لایحه قانونی تجدید شود .

ماده ۳۸ ـ دادگاه جنائی مرکب از پنج نفر دادرس و با حضور هیئت منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات آئین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید.

پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضاء هیئت منصفه تشکیل متفقاً به شور پرداخته دربارهٔ ۲ سؤال ذیل :

الف ـ آیا متهم گناهکار است.

ب ـ در صورت تقصیر ایا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر .

رأی می‌دهد

در صورت تساوی آراء رأی رئیس دادگاه با هر طرف که باشد قاطع است رئیس دادگاه فوراً بر طبق این رأی موجهاً و با ذکر دلایل به انشاء حکم مبادرت می‌ورزد چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم علیه می‌تواند در مدت ده روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتی که متهم تبرئه و یا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتیکه قبلاً توقیف شده باشد بلافاصله و خود به خود رفع توقیف خواهد شد.

تبصره ـ هرگاه در حین محاکمه اعضاء هیئت منصفه سؤالاتی داشته باشند سؤال خود را کتباً به دادگاه خواهند داد که به وسیلهٔ رئیس دادگاه مطرح گردد.

ماده ۳۹ ـ موارد رد اعضاء هیئت منصفه و شرایط آن همانست که قانوناً در مورد رد قضات پیش بینی شده است.

ماده ٤٠ ـ هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثناء دادرسی به واسطهٔ عدم حضور یک یا چند نفر از اعضاء هیئت منصفه تشکیل نشود رئیس دادگاه جنائی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در طهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران عدهٔ هیئت منصفه را به حکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد.

قضاتی که به عنوان هیئت منصفه به حکم قرعه انتخاب می‌شوند صرفاً جنبهٔ عضویت هیئت منصفه را دارند و در صورت عدم حضور و یا عدم شرکت در رأی متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

ماده ٤١ ـ هر یک از اعضاء دیگر هیئت منصفه که به حکم قرعه معین شده اند چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رأی خودداری کنند به حکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت غرامت از بعضی یا تمام حقوق مذکوره ذیل از ٦ ماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد :

الف ـ حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداری و بنگاه‌ها و شرکتهائی که لااقل نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد.

ب ـ حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر وشرکت در انجمن‌های نظارت انتخابات مجلسین.

ماده ٤٢ ـ هیچ روزنامه و یا مجله ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمیتوان توقیف یا تعطیل کرد مگر در موارد اتهامات ذیل:

۱ ـ آنجا که مضر به اساس دین اسلام باشد.

۲ ـ آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد.

۳ـ آنجا که نقشه طرح حرکت قشون یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

۴ ـ آنجا که دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد.

۵ ـ آنجا که انتشار مقالات مضر به عفت عمومی یا اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت عمومی باشد.

در موارد فوق دادستان شهرستان رأساً یا بنابر تقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله یا کتاب و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده امر را به دادگاه جنائی خواهد فرستاد. دادگاه جنائی در جلسه فوق العاده در مدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد. در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظر نهائی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید.

تبصره ـ روزنامه هائی که بر طبق این ماده توقیف می‌شوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به جای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند و اجازه نامه آنان نیز باطل می‌گردد.

ماده ۴۳ ـ د رصورتی که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۴۴ ـ در جرائم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده به وکیل مدافع و خود متهم داده می‌شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت به تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می‌باشدو از تاریخ انقضای مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روز

فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زائد بر ۱۲ ساعت نخواهد بود. شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه نفر وکیل مدافع نمی‌توانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور یک وکیل از هر یک از طرفین دعوی رسیدگی می‌کند.

ماده ۴۵ ـ قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و لوایح قانونی و مقرراتی که با این مواد مغایرت داشته باشند.لغو می‌شوند .

ماده ۴۶ ـ وزارتخانه های کشور، دادگستری و فرهنگ مأمور اجرای این لایحه قانونی هستند .

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مطبوعات مشتمل بر ۵ فصل و ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره تصویب می‌شود.

بتاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۱ نخست وزیر ـ دکتر محمد مصدق

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴

شماره ۴۴۳ ـ ۹۵۱۲ ۲۴ ـ ۵ ـ ۱۳۳۴

وزارت کشور ـ وزارت فرهنگ ـ وزارت دادگستری

لایحه مربوط به مطبوعات که به موجب قانون تمدید قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشی از اختیارات که در تاریخ هشتم مرداد ماه ۳۴ با اصلاحاتی به تصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده و تا تصویب نهائی مجلسین قابل اجرا می‌باشدذیلاً ابلاغ می گردد.

لایحهٔ قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳٤

نقل از شماره ۳۰۷۳ ـ ۷/ ٦ / ۳٤ روزنامه رسمی

فصل اول : تعریف و تأسیس روزنامه و مجله

ماده ۱ ـ روزنامه یا مجله نشریه ای است که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی و یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد.

تبصره ـ نشر فوق العاده اختصاص به روزنامه‌ها و مجله هایی دارد که به طور مرتب منتشر می‌شود.

ماده ۲ ـ هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس نماید از وزارت کشور اجازه بگیرد.

ماده ۳ ـ درخواست کنندهٔ اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف ـ ایرانی باشد.

ب ـ سن او از سی سال کمتر نباشد.

ج ـ سابقهٔ محکومیت جنائی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد.

د ـ لااقل لیسانسیه باشد و یا از فضلا و دانشمندانی باشد که مراتب فضل و دانش آنها از نظر روزنامه نگاری از طرف شورای عالی فرهنگ گواهی شده باشد.

ه ـ معروف به درستی و امانت داری حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی برای روزنامه نگاری باشد.

و ـ توانائی مالی اداره کردن حداقل سه ماه نشریه مورد تقاضا را داشته باشد. تشخیص این موضوع به عهده کمیسیون مندرج در ماده ۵ میباشد.

تبصره ـ برای اجرای مفاد بند (ه) در تهران کمیسیونی مندرج در ماده (۵) مراتب را از وزارت کشور استعلام و رسیدگی مینماید و در شهرستانها کمیسیونی مرکب از استاندار یا فرماندار محل و دادستان شهرستان یا نماینده او و رئیس فرهنگ محل و دو نفر از نمایندگان انجمن شهر و در صورت نبودن انجمن دو نفر از معتمدین محل (بر طبق دعوت استاندار یا فرماندار) به اطلاعات مکتسبه رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید.

تبصره ـ در صورتی که مؤسس روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند ((الف)) یا بند ((ج)) این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از طرف وزارت کشور لغو میگردد و چنانچه فاقد شرط مندرج در بند این ماده بشود در تهران کمیسیون مندرج در ماده (۵) و در شهرستانها به کمیسیون مندرج در تبصره یک موضوع ارجاع و چنانچه رأی کمیسیون مبنی بر لغو امتیاز باشد محکوم علیه میتواند به دادگاه استان محل شکایت نماید. حکم دادگاه استان در این مورد قطعی است.

تبصره ـ امتیازاتی که تا این تاریخ برای روزنامه‌ها و مجلات داده شده به قوت خود باقی است ، به شرط اینکه در چهار سال اخیر لااقل یک سال مرتباً منتشر شده باشد و صلاحیت اخلاقی صاحب امتیاز مورد تصویب کمیسیون مندرج در ماده ۵ این قانون واقع گردد نظر این کمیسیون در این مورد قطعی است.

تبصره ٤ ـ مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باید واجد شرایط مذکور در بندهای (الف) ،(ب) ، (د)و (ه) باشد و در صورتی که فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف) یا (ج) یا (ه) این ماده بشود نسبت به وی طبق تبصره ۲ همین ماده عمل خواهد شد.

تبصره ۵ ـ مستخدمین دولت و بنگاههایی که با سرمایه دولت تشکیل شده یا می‌شود و همچنین مستخدمین شهرداری ها مادامی که شاغل خدمت می‌باشند، حق

داشتن امتیاز و انتشار روزنامه یا مجله نخواهند داشت، مگر مجله علمی ـ ادبی ـ فنی و هنری .

ماده ٤ ـ درخواست کننده امتیاز علاوه بر مدارک لازم اظهار نامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستانها به فرمانداری محل تسلیم خواهد نمود.

۱ ـ نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر و یا سر دبیر اگر مدیر و سر دبیر جداگانه داشته باشد با ذکر نشاني کامل منزل.

۲ـ محل اداره روزنامه یا مجله

۳ ـ نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود.

٤ ـ نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه.

۵ ـ عده نسخه‌هایی که از هر شماره چاپ می‌شود .

٦ ـ روش روزنامه یا مجله

تبصره ۱ ـ هر گونه تغییری که صاحب امتیاز بخواهد نسبت به موارد ۱ ـ ٤ و ٦ بدهد باید قبلاً موافقت وزارت کشور را جلب نماید.

تبصره ۲ ـ محل اداره روزنامه یا مجله از لحاظ تخلف و جرائم مطبوعاتی اقامتگاه قانونی صاحب امتیاز شناخته می‌شود و هر گونه اظهار و احضار و ابلاغ به محل مذکور قانونی است.

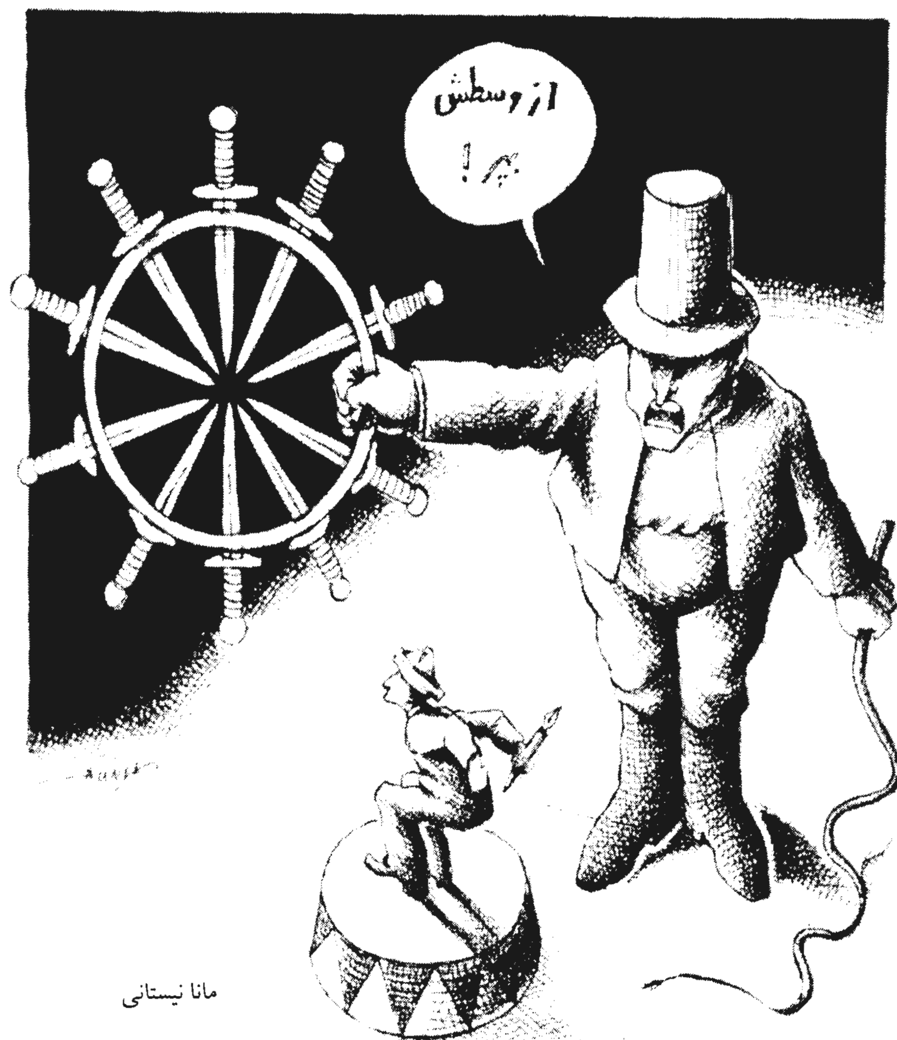
ماده ۵ ـ درخواستهای تأسیس روزنامه یا مجله به وسیلهٔ کمیسیون مطبوعات رسیدگی می‌شود و اعضاء این کمیسیون به قرار ذیل است:

۱ ـ نماینده عالی رتبه وزارت کشور .

۲ ـ نماینده عالی رتبه وزارت فرهنگ .

۳ ـ دادستان استان.

٤ ـ یکنفر استاد دانشگاه به انتخاب رئیس دانشگاه برای مدت ۲ سال.



مانا نیستانی

۵ ـ یک نفر روزنامه نگار که لااقل پنج سال مرتب روزنامه منتشر کرده باشد، به انتخاب وزارت کشور (بعد از تشکیل انجمن روزنامه نگاران که از طرف دولت به رسمیت شناخته شده باشد انتخاب یک نفر روزنامه نویس به عهده انجمن مزبور خواهد بود.)

تبصره ۱ ـ درخواستهای تأسیس روزنامه یا مجله به وسیلهٔ کمیسیون مزبور مورد رسیدگی واقع خواهد شد این کمیسیون پس از تشخیص واجد بودن شرایط مذکور در ماده ۳ و تحقیق صلاحیت اخلاقی از هر طریق که مقتضی بداند ، تقاضا را قبول یا رد می‌نماید. نسبت به درخواستهایی که مورد موافقت واقع می‌شود وزارت کشور امتیاز انتشار روزنامه یا مجله را خواهد داد . کمیسیون مکلف است حداکثر در ظرف سه ماه تصمیم خود را دایر بر رد یا قبول درخواست به متقاضی اعلام نماید و در صورت رد تقاضا متقاضی می‌تواند به دادگاه استان مرکز شکایت کند و رأی دادگاه استان قطعی است.

تبصره ۲ ـ مدت اعتبار امتیاز روزنامه یا مجله برای شروع انتشار شش ماه است و اگر بعد از انتشار تا یک سال منتشر نگردید امتیاز روزنامه و مجله ملغی است.

تبصره ۳ ـ وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه و مجلاتی که امتیاز آنها صادر شده است با مشخصات هر یک ثبت نماید.

تبصره ٤ ـ کمیسیون مطبوعات اسامی مکرر و نامناسب و مستهجن را رد خواهد کرد و همچنین نسبت به موارد درخواست می‌تواند توضیحات کاملی بخواهد و مدارک لازمه را مطالبه نماید تقاضا کننده اجازه نمی تواند نام روزنامه‌هایی که سابقاً منتشر گردیده برای نشریه خود بدون موافقت صاحب امتیاز انتخاب نماید.

تبصره ۵ ـ برای انتشار روزنامه و مجله بیش از یک امتیاز به کسی داده نخواهد شد ولی صاحبان امتیاز روزنامه‌های یومیه مرتب الانتشار می‌توانند مجلهٔ هفتگی و ماهانه و سالانه به همان نام منتشر نمایند مجلات هفتگی نیز می‌توانند مجله ماهانه و سالانه به همان نام منتشر نمایند.

ماده ٦ ـ در هر شماره روزنامه و مجله باید نـام و نـام خـانوادگی صـاحب امتیـاز و سردبیر مدیر (در صورتی که سـر دبیـر و مدیـر داشـته باشـد) و همچنیـن محـل اداره نشریه و نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن به طبع می‌رسدقید شود.

تبصره ـ مدیران روزنامـه‌ها و مجـلات مکلفنـد از هـر شـماره نشریه خـود اعـم از روزنامه و مجله یک نسخه به دادستان شهرستان و یک نسخه بـه فرمـاندار محـل (در مرکز به اداره مطبوعات وزارت کشور) و یک نسخه به فرهنگ محل (در مرکـز بـه اداره کل نگارش وزارت فرهنگ) و یک نسخه به کتابخانـه ملـی تهـران و کتابخانـه مجلسین به محض انتشار تسلیم نماید.

ماده ۷ ـ واگذار کردن امتیاز روزنامه یا مجله به دیگری به شرط اینکه شخصی که امتیاز به او واگذار می‌شوددر صورتی که واجد شـرایط باشـد بـا موافقـت کمیسـیون منظور در ماده ۵ مانعی ندارد.

ماده ۸ ـ در صورت فوت صاحب امتیاز چنانچه در میان وراث کسی متقاضی نشـر روزنامه یا مجله و واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث یا قائم مقام قـانونی آنان امتیاز نامه به نام او صادر می‌شود والا نام روزنامه یا مجله برای وراث قـانونی تـا زمانی که واجد شرایط در بین آنـان پیـدا شـود محفـوظ خواهـد بـود. وراث قـانونی می‌توانند طبق ماده (۷) عمل نمایند .

فصل دوم: حق جوابگوئی ـ آئین نامه‌های مطبوعاتی

ماده۹ ـ مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هر گاه در روزنامه یا مجله مطـالبی مشتمل بـر تهمـت و افـترا یـا اخبـار بـر خلاف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً بـرای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونـه توضیحـات و جواب‌ها را در همان صفحه وبا حروفی که مطالب اصلی را چاپ کرده مجاناً به طبع برساند ، مشروط بر اینکه جواب از دو برابـر اصـل مطلـب تجـاوز ننمـاید و متضمـن

توهین به کسی نباشد . در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مذکور مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابگوئی مجدد به طریق مذکور در فوق برای معترض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۰ ـ وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه‌ها و اعلانات و توزیع جراید و روزنامه فروشی و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آئین نامه‌های لازم را تهیه و به هیئت وزیران پیشنهاد نمایند.

در آئین نامه‌هابرای توزیع و فروش روزنامه و مجلاتی که به زبانهای خارجی و یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش‌بینی شود .

فصل سوم : جرائم

ماده ۱۱ ـ کسانی که به وسیلهٔ نشر مقالات یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب به یکی از جرائم ذیل شوند .

الف ـ کسانی که مردم را صریحاً تحریص و تشویق به خراب کاری و آتش سوزی و قتل وغارت و سرقت نمایند.

ب ـ کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند .

در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب مؤثر واقع شود و جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف) و (ب) به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون جرم پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۲ ـ اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیلهٔ مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد وچنانچه در زمان جنگ نباشد به شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند .

ماده ۱۳ ـ هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود.

ماده ١٤ ـ هر کس به وسیلهٔ روزنامه یا مجله مردم را صریحاً به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی و یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرائم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تأدیبی به علاوه به پرداخت دوهزار ریال تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۵ ـ هر کس به وسیلهٔ مطبوعات از جرائم مذکور در موارد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود.

ماده ١٦- هر کس به وسیله روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر به مقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا ولیعهد توهین کند به مجازات از یک تا سه سال حبس تادیبی محکوم می شود.

تبصره- مجازات توهین به خاندان سلطنت (پدر- مادر - اولاد -برادر و خواهر پادشاه)از سه ماه تا یک سال حبس تادیبی خواهد بود.

ماده۱۷- هر گاه در روزنامه یا مجله یا هر گونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین آمیز و یا بر خلاف واقع و حقیقت خواه به نحو انشأیا به طور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود ،مدیر روزنامه یا نویسنده هر دو مسئول و هر یک از یک سال تا سه سال به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و رسید گی به این اتهام تابع شکایات مدعی خصوصی نیست .

ماده ۱۸- هرکس به وسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون

مجازات عمومی محکوم می شود مشروط بر این که در آن مملکت نیز در موارد مذکور نسبت به ایران معامله متقابله شود .

ماده ۱۹–در جرائمی که ذیلا ذکر می شود.

الف–انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه

ب– انتشار صور قبیحه

ج– انتشار آگهی ها و یا عکس‌هائی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی

د– انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضاییکه قانونا انتشار آنها ممنوع است .

مرتکب به تادیه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۲۰– هر یک از افراد مردم اعم از مامورین رسمی یا غیر انها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت های توهین آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتك شرف و ناموس و امثال ان نسبت به خود مشاهده نماید می تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه محل اقامت خود شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا شش ماه حبس تأدیبی یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد و در صورت استرداد شکایت شاکی خصوصی تعقیب موقوف خواهد شد .

تبصره ۱– در مواردفوق شاکی نیز می تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخوست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد .

تبصره ۲– هر گاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاکی بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید .

ماده ۲۱- هر کس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشأ سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد .

ماده ۲۲- هر کس به وسیله روزنامه یا مجله و یا نشریه ،هیئت وزرأیا هیئت نمایندگان یکی از مجلسین یا هیئت قضات را مورد افترا و توهین قرار دهد بدون شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و چنانچه توهین و افترا به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا یکی از قضات یا یکی از مستخدمین دولت اعم از اداری لشکری و اعضأدیوان محاسبات یا افراد عادی باشد با شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب واقع خواهد شد . چنانچه اسناد دهنده در بازپرسی نتوانست دلائل و مدارک کافی برای توجه اتهام به وزیر یا معاون یا نمایندگان مجلسین یا قضات ارائه دهد متهم طبق ماده ۱۶۳قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد .

مادام که متهم در مراحل بازپرسی و دادگاه مورد تعقیب است روزنامه مزبور حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی توهین و افترا مطلبی نشر دهد .

گذشت شاکی خصوصی در مورد توهین به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا مستخدمین دولت و اعضأدیوان محاسبات و افراد عادی موجب عدم تعقیب و مجازات متهم خواهد شد.

ماده ۲۳- هر کس به وسیله مطبوعات به اقلیت های مذهبی مصرح در قانون اساسی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۲٤- هر کس در انتشار روزنامه یامجله خود از نام یا سر لوحه روزنامه دیگر تقلید نماید که از سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا پنج هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می تواند خسارت خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی کند .

تبصره- روزنامه هایی که بر طبق مقررات این قانون توقیف بشوند نمی توانند به اسامی دیگر و به همان سبک و اسلوب منتشر شوند . در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله ای که بجای روزنامه یا مجله توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند ، به حبس تأدیبی از یک ماه تا ۳ ماه و جریمه نقدی از یک هزار تا ده هزار ریال محکوم می شوند و امتیاز انان نیز باطل می گردد .

ماده ۲۵- در کلیه جرائم مذکوره در مواد فوق طبق اصل بیستم متمم قانون اساسی رفتار خواهد شد .

فصل چهارم: تخلفات

ماده ۲٦- هر صاحب امتیاز بر خلاف مواد ۲یا٦ یا۷ یا۸ یا۹ و یا تبصره یک ماده ٤ و تبصره ۳ ماده پنجم این قانون مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند ،به پرداخت ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم میشود و در صورتی که قادر بپرداخت جریمه نباشند به نظر دادگاه بحبس تأدیبی از پانزده روز تا دو ماه محکوم خواهد شد.

تبصره- در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود .

ماده۲۷- مطبوعاتی که در آن دستور ماده ٦ مراعات نشده باشد از یک تا سه هزار ریال محکوم میشود و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نام های مذکور در ماده ٦

بر خلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به مجازات ۲تا۶ ماه حبس تأدیبی محکوم میشود .

تبصره- دارندگان امتیاز روزنامه و مجله ای که به جهتی از جهات مندرجه در این قانون امتیاز آنها لغو شده باشد حق ندارند به هیچ عنوان خود را روزنامه نگار معرفی کنند و در صورت تخلف به حبس تأدیبی از ۲تا۶ماه محکوم خواهند شد.

ماده ۲۸- نشریه ای که مشمول ماده اول این قانون نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر ان صدق نمی کند و تابع قوانین عمومی است.

ماده ۲۹- به تخلفات و جرائم مندرجه در این فصل در دادگاه جنحه و خارج از نوبت رسیدگی میشود .

فصل پنجم : دادرسی مطبوعات- هیئت منصفه

ماده ۳۰- جرم مطبوعاتی عبارتست از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی با رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی به شخص یا اشخاص -انتقاد از روش سیاسی و اداری به وسیله روزنامه - مجله یا نشریه نسبت به مسئولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که از لحاظ مصالح عمومی صورت میگیرد جرم محسوب نمی شود .

ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا به شخص و یابستگان شخص ،جرم مطبوعاتی محسوب نشده و بر طبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود .

ماده ۳۱- به جرائم مطبوعاتی و همچنین به جرائم سیاسی غیر مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنائی دادگستری با حضور هیئت منصفه رسیدگی می شود و جرائم غیر مطبوعاتی در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ماده ۳۲- مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادسراهای مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنائی ارسال خواهند داشت .

ماده ۳۳- انتخاب هیئت منصفه و ترتیب شرکت اعضأ آن در رأی دادگاه به طریق ذیل خواهد بود :

الف - هر دو سال یکبار در بهمن ماه در تهران و در مراکزی که دارای دادگاه استان است هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (و در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار)و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می شود .

هیئت مزبور در تهران صورتی از هفتاد و پنج نفر طبقات سه گانه ذیل :

۱- علما ودانشمندان و نویسندگان و دبیران و آموزگاران و وکلای دادگستری و سر دفتران

۲- بازرگانان و ملاکین و کشاورزان

۳-کارگران و اصناف و پیشه وران جز

از هر نقطه فهرستی مشتمل بر بیست و پنج نفر تهیه میکند اشخاص منظور در صورت ها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگان مجلسین شورای ملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورتها از هر طبقه دوازده نفر با قرعه برای عضویت هیئت منصفه انتخاب می شود و فرماندار مراتب را کتبا به کلیه ۳۶نفری که برای عضویت هیئت منصفه انتخاب شده اند ابلاغ می نماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند .عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر یک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند ،هیئت مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۷۵ نفر از خارج تکمیل و به جای افراد مستعفی با قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می نماید سپس فرماندار آنان را به وسیله رئیس دادگاه استان به دادگاه جنائی محل معرفی می کند . رئیس دادگاه استان تا نیمه اسفند ماه همان سال صورت اعضا هیت منصفه را باید در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر مراکز استانها عدّه اعضا هیئت منصفه ۱۸ نفر

مقرر می شود که به همان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات سه گانه در بدو امر شش نفر در فهرست منظور می شود)انتخاب و معرفی خواهند گشت .

ب- در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنائی در جلسه مقدماتی خود با حضور دادستان استان یا نماینده و سه نفر از اعضاء هیئت‌منصفه را از هر طبقه یک نفر به سمت عضو اصلی و سه نفر را به همان ترتیب به سمت عضو علی‌البدل با قرعه انتخاب و دعوت می‌نماید . کلیه اعضاء هیئت منصفه اعم از اصلی و علی‌البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضاء اصلی غایب و یا قانوناً از شرکت ممنوع باشند و عدهٔ اعضاء علی‌البدل که حضور یافته‌اند زاید بر عده غائبین و یا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضاء علی‌البدل با قرعه به جای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهند شد و در هر حال با حضور سه نفر از اعضاء اصلی یا علی‌البدل خواه ابلاغ به سایرین شده یا نشده باشد دادگاه قابل تشکیل است .

ماده ٣٤ ـ دادگاه جنائی برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی مرکب از سه نفر دادرس و با حضور هیئت منصفه تشکیل می شود و مطابق مقررات آئین‌دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضاء هیئت منصفه متفقاً به شور پرداخته درباره دو مطلب ذیل :

الف ـ ایا متهم گناهکار است ؟

ب ـ در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر ؟

رأی می‌دهند در صورت تساوی آراء رأی رئیس دادگاه با هر طرف که باشد قاطع است رئیس دادگاه فوراً برطبق این رأی موجهاً و با ذکر دلائل به انشاء حکم مبادرت می‌ورزد . چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم‌علیه می‌تواند در مدت دو روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر

برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتی که متهم تبرئه و یا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله درصورتی که قبلاً توقیف شده باشد بلافاصله و خودبخود رفع توقیف خواهد شد .

تبصره ـ هرگاه در حین محاکمه اعضاء هیئت منصفه سؤالاتی داشته باشند سؤال خود را کتباً به دادگاه خواهند داد که به وسیلهٔ رئیس دادگاه مطرح گردد .

ماده ۳۵ ـ موارد رد اعضاء هیئت منصفه و شرایط آن همان است که قانوناً در مورد قضات پیش‌بینی شده است .

ماده ٣٦ ـ هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثناء دادرسی به واسطه عدم حضور یک یا چند نفر از اعضاء هیئت منصفه تشکیل نشود ، رئیس دادگاه جنائی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران عده هیئت‌منصفه را به حکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد .

قضاتی که به عنوان هیئت منصفه به حکم قرعه انتخاب می‌شوند صرفاً جنبهٔ عضویت هیئت منصفه را دارند و درصورت عدم حضور یا عدم شرکت در رأی متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت .

ماده ۳۷ ـ هر یک از اعضاء دیگر هیئت منصفه که به حکم قرعه معین شده‌اند ، چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رأی خودداری کنند به حکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت مبلغی از هزار تا ده‌هزار ریال خواهند شد و درصورت تکرار علاوه برپرداخت وجه از بعضی یا تمام حقوق مذکور ذیل از شش ماه تا دوسال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد .

الف ـ حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداری‌ها و بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که لااقل نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد .

ب ـ حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمن‌های نظارت انتخابات مجلسین .

ماده ۳۸ ـ هیچ روزنامه و یا مجله ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف و یا تعطیل کرد مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده و مورد اتهامات زیر :

۱ ـ آنجا که مضر به اساس دین اسلام باشد .

۲ ـ آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد .

۳ ـ آنجا که نقشه حرکت قشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد .

٤ ـ آنجا که دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد .

۵ ـ آنجا که انتشار مقالات مضر به عفت عمومی با اشاعه صورقبیحه بر ضد عفت و عصمت عمومی باشد .

در موارد فوق دادستان شهرستان رأساً و یا بنابرتقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله و ضبط اوراق انتسار یافته را خواهد داد و درظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را به دادگاه جنائی خواهد فرستاد . دادگاه جنائی در جلسه فوق‌العاده در مدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد . درصورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظرنهایی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید .

تبصره ـ روزنامه هایی که بر طبق این ماده توقیف می‌شوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند و درصورت تخلف ار این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به جای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف‌شده



مانا نیستانی

منتشر نمایند به حبس تأدیبی از یک ماه یا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج‌هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می‌گردد.

ماده ۳۹ ـ درصورتی که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد.

ماده ٤۰ ـ در جرائم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده به وکیل مدافع و خود متهم داده می شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت با تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می‌باشد و از تاریخ انقضاء مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز باید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زائد بر دوازده ساعت نخواهد بود و شاکی خصوصی و متهم هرکدام بیش از سه نفر وکیل مدافع نمی‌توانند تعیین نمایند ولی دادگاه درصورت حضور یک وکیل از هر یک از طرفین دعوی رسیدگی می کند.

ماده ٤۱ ـ قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲٦ و کلیهٔ قوانین و مقرراتی که با این مواد مغایرت داشته باشد لغو می‌شوند.

ماده ٤۲ ـ وزارتخانه‌های کشور ـ دادگستری مأمور اجراء این لایحه قانونی هستند.

به موجب قانون تمدید تبصره قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط به مطبوعات که در تاریخ دهم مردادماه یک‌هزار و سیصدوسی‌و چهار به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسیده موقتاً قابل احرا می‌باشد.

رئیس مجلس سنا ـ سیدحسن تقی‌زاده

رئیس مجلس شورای ملی ـ رضا حکمت

اصل لایحه قانونی در دفتر تخست‌وزیر است.

از طرف نخست‌وزیر

روزنامه رسمی شماره ۱۲۲۸۳ - ۶۶/۲/۱۳
## شماره ۱۱۱۶۴۸		۱۳۶۶/۲/۵
وزارت ارشاد اسلامی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳٦٥/۱۱/۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱/٥۰۰۲ مورخ ۱۳٦٥/۹/٥ وزارت ارشاد اسلامی، به استناد ماده ۳٥ قانون مطبوعات مصوب اسفندماه ۱۳٦٤، آئین‌نامه اجرائی قانون مزبور را به شرح زیر تصویب نمودند :

آئین‌نامه اجرائی قانون مطبوعات
مصوب اسفندماه ۱۳٦٤

فصل اول : تعریف و مشخصات مطبوعات

ماده ۱ ـ مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم می‌توانند با یکی از فواصل زمانی زیر منتشر شوند :

روزی یکبار (روزنامه) ـ هفته ای یکبار (هفته نامه) ـ دو هفته یکبار ـ ماهی‌یکبار (ماهنامه) ـ دوماه یکبار (فصل نامه) ـ شش‌ماه یکبار ـ سالی‌یکبار (سالنامه) .

ماده ۲ ـ در نامگذاری نشریه باید از کلماتی استفاده شود که با نشریات موجود و یا با نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند اشتباه نشوند و به موجب تداعی نام آنها نباشد . همچنین نام نشریه نباید از کلمات نامأنوس باشد و یا ایجاد شبهه وابستگی به ارگان‌ها یا سازمان‌های دولتی بنماید .

ماده ۳ ـ انتخاب روش‌هائی غیر از موارد ذکرشده در ماده یک قانون مطبوعات می‌بایست متناسب با رسالت مطبوعات باشد .

ماده ٤ ـ انتسار فوق‌العاده ، ویژه‌نامه و دیگر ضمائم با همان نام نشریه و منطبقه با سایر مشخصات مندرج در پروانهٔ انتشار با رعایت سایر ضوابط قانون مطبوعات مجاز می باشد .

تبصره ۵ ـ ترجمهٔ تمام یا قسمتی از مطالب مطبوعات دارای پروانهٔ انتشار و انتشار منظم آن به صورت جداگانه با رعایت سایر مشخصات مندرج در پروانهٔ انتشار از جانب صاحب نشریه بلامانع می‌باشد .

ماده ۶ ـ تکثیر مطبوعات موجود به همان زبان و شکلی که چاپ شده ، از طریق چاپ افست یاعکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب امتیاز ممنوع می‌باشد .

ماده ۷ ـ مطالب نشریه باید مطابق و متناسب با روش‌های مندرج در پروانهٔ انتشارباشد و نشریه مجاز به درج مطالب و مقالات خارج از روش‌های مذکور که تأثیر خط مشی کلی نشریه بگذارد ، نمی‌باشد .

ماده ۸ ـ روزنامه‌ها و هفته نامه‌های محلی مؤظفند ضمن رعایت مادهٔ ۲ قانون مطبوعات و متناسب با روش درخواستی مطالبی پیرامون مسائل اجتماعی و فرهنگی محل انتشار نشریه جهت بالابردن آگاهی‌های مردم درج نمایند .

ماده ۹ ـ نقل مطالب ازمطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به منظور تحقیق ، نقد و رد مطالب درصورتی که تبلیغ محسوب نشود بلامانع است .

ماده ۱۰ ـ هرگونه تغییر در مشخصات مندرج در پروانهٔ انتشار نشریه از قبیل : تغییر نام ، روش ، ترتیب و محل انتشار نشریه و یا تغییر در شکل نشریه بدون اطلاع و تصویب هیئت نظارت بر مطبوعات ممنوع می باشد .

فصل دوم : شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه

ماده ۱۱ ـ متقاضیان پروانه انتشار نشریه می بایست تقاضانامهٔ خودرا به همراه فرم تکمیل شده پرسشنامه‌ای که حاوی مشخصات فردی ، سوابق اجتماعی ـ سیاسی ـ فرهنگی و شغلی و تعهدات قانونی باشد ، به انضمام مدارک به شرح زیر در تهران به

وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان‌ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل نمایند .

۱ ـ چهار قطعه عکس ۴×۳

۲ ـ دو برگ فتوکپی شناسنامه از تمام صفحات

۳ ـ یک برگ گواهی عدم سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد .

۴ ـ یک برگ فتوکپی آخرین مدرک تحصیلی که به تأئید مراکز ذیصلاح رسیده باشد .

ماده ۱۲ ـ چنانچه متقاضی پروانهٔ انتشار نشریه شخص حقوقی باشد ، تقاضای صدور پروانه همراه با معرفی فرد واجدشرایط به عنوان مدیرمسئول باید از سوی بالاترین مقام مسئول باشد . درصورت موافقت پروانهٔ انتشار به نام مرکز درخواست‌کننده صادر خواهد شد .

ماده ۱۳ ـ احزاب ، سازمان‌ها ، و جمعیت‌های سیاسی و اقلیت های دینی در صورتی می‌تواند تقاضای صدور پروانهٔ انتشار نشریه نمایند که اجازهٔ فعالیت قانونی را دارا باشند .

ماده ۱۴ ـ وزارت ارشاد اسلامی جهت صدور مجوز انتشار مطبوعات سازمان‌های آزادیبخش اسلامی کشورهای دیگر درچهارچوب مقرّرات مربوط به خارجیان مقیم ایران با استعلام نظر از مراکز ذیربط و اخذ مدارک لازم و نیز موافقت وزارت امور خارجه بررسی لازم را بعمل آورده و پس از موافقت رأساً اقدام می‌نماید .

ماده ۱۵ ـ انتشار نشریه داخلی یک سازمان ، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی منوط به کسب مجوز از وزارت ارشاد اسلامی و با رعایت ضوابط به شرح زیر می‌باشد :

۱ ـ درخواست انتشار نشریه و معرفی مدیرمسئول پیشنهادی از سوی بالاترین مقام مسئول آن مرکز باشد.

۲ ـ مطالب و اخبار عمدتاً در ارتباط با اهداف و شرح وظایف مرکز درخواست کننده و فقط برای استفاده کارکنان باشد .

۳ ـ دارای چاپ ساده و حداکثر ۲ رنگ بری جلد باشد .

٤ ـ تعداد صفحات از ٤۸ صفحه تجاوز ننماید .

٥ ـ رایگان باشد .

تبصره ۱ ـ (حذف شد ۱۳٦٦/٦/۲۹) .

تبصره ۲ ـ (صدور مجوز انتشار نشریات دولتی با رعایت سایر قوانین مربوطه خواهد بود .

ماده ۱٦ ـ (حذف شد ۱۳٦٦/٦/۲۹) .

ماده ۱۷ ـ وزارت ارشاد اسلامی برای صاحب امتیاز ، پروانهٔ انتشار و برای مدیر مسئول ، کارت مدیر مسئولی صادر می‌نماید .

ماده ۱۸ ـ وزارت ارشاد اسلامی می‌تواند جهت اجرای ماده ۱۱ قانون مطبوعات ، تحقیقات لازم را به عمل آورده و در اختیار هیئت نظارت بر مطبوعات قرار دهد . وزارتخانه‌ها و ارگان‌های ذیربط مؤظفند همکاری‌های لازم را به عمل آورند .

ماده ۱۹ ـ متقاضیانی که صلاحیت انتشار نشریه توسط آنان براساس بند ٤ و یا تبصره ٥ ماده ۹قانون مطبوعات مورد تأئید هیئت نظارت برمطبوعات قرار نگرفته است ، نمی‌توانند مجدداً تقاضای انتشار نشریه نمایند .

ماده ۲۰ ـ تاریخ رسمی ثبت تقاضای پروانهٔ انتشار نشریه زمانی است که کلیهٔ مدارک موردنیاز ، از سوی متقاضی ارائه شده باشد .

ماده ۲۱ ـ درصورت فوت صاحب‌امتیاز ، وراث قانونی واجد شرایط وی ، در تقاضای صدور امتیاز نشریه مورث خود حق تقدم دارند مگر اینکه فاقد شرایط لازم باشند . چنانچه ورثه در مهلت قانونی مذکور در ماده ۱٦ قانون مطبوعات از تقاضای انتقال امتیاز خودداری کنند و یا پس از صدور امتیاز اقدام به انتشار نشریه ننمایند ، پروانهٔ انتشار لغو می گردد . (اصلاحی ۱۳٦٦/٦/۲۹) .

فصل سوم: مواردی که مطبوعات (صاحبان پروانه و مدیران مسئول) مؤظف به رعایت آن می‌باشند :

ماده ۲۲ ـ مطبوعاتی که به شکل روزنامه‌ای منتشر مـی شـوند مکلـف بـه درج نـام به‌طور کامل ،ترتیب و تاریخ انتشار ، شـماره ردیـف و مسلسـل و شـمارهٔ صفحـه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت در صفحه اول می‌باشند . همچنین مطبوعـاتی کـه بـه شکل مجله‌ای منتشر می‌شوند مؤظف بـه درج نـام بـه طـور کـامل ، ترتیـب و تـاریخ انتشار شمارهٔ ردیف مسلسل ، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قیـد شـمارهٔ هر صفحه در تمام صفحات می‌باشند .

تبصره ـ اضافه کردن هر گونه کلمه و یا عبارت به نام و یا آرم نشریه بـه جـز آنچـه که در پروانه انتشار و یا مجوز چاپ نشریه ذکرشده است ممنوع می‌باشد .

ماده ۲۳ ـ هر یک از مطبوعـات مؤظـف بـه داشـتن محلـی بـه عنـوان دفـتر نشـریه می‌باشند . صاحب پروانهٔ نشریه مؤظف است نشانی محل دفتر نشریه را پـس از اخـذ پروانه انتشار کتباً به وزارت ارشاد اسلامی اعلام نماید .

تبصره- صاحب امتیاز نشریه موظف است در صورت تغییر نشانی محل دفـتر نشـریه ،مراتب را کتبـا ظـرف مـدت ٤٨ سـاعت در تهـران بـه وزارت ارشـاد اسـلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه اطلاع دهد .

ماده ٢٤- کلیه مکاتبات مطبوعات با امضا صاحب پروانه یا مدیـر مسـئول نشـریه و شخص دیگری که قبلا از طرف مدیر مسئول کتباًمعرفی شده باشد معتبر مـی باشـد . مکاتبات شخص معرفی شده در مواردی که قانون مطبوعات و آئین نامه اجرائـی آن را از وظایف صاحب پروانه و مدیر مسئول شناخته است ، اعتبار ندارد .

ماده ۲۵ - کلیهٔ مطبوعات موظفند تیراژ خود را طبق فرمی کـه حـاوی تعـداد نسـخ چاپ شده و تعداد نسخ برگشتی به تفکیک محـل توزیـع بـه وزارت ارشـاد اسـلامی ارسال نمایند که به صورت محرمانه نگهداری خواهد شد .

نمره هشتادم — هزار و سیصد و هشت

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یکمرتبه بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار



اعلیحضرت ویلهلمین پادشاه هلاند

چون اعلیحضرت پادشاه دولت هلاند گلیوم سوم که با کبر سن تها علیل و مریض و از کار سلطنت عاری و عاطل و زمام مهام

ماده ٢٦- مدیر مسئول نشریه موظف است نام چاپخانهٔ طرف قرار داد چاپ نشریه را کتباً به وزارت ارشاد اسلامی اعلام نماید .

ماده ٢٧- مدیران چاپخانه ها می بایست همزمان با خروج هر شماره نشریه از چاپخانه دو نسخه در تهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل و برگه اعلام وصول دریافت دارند .

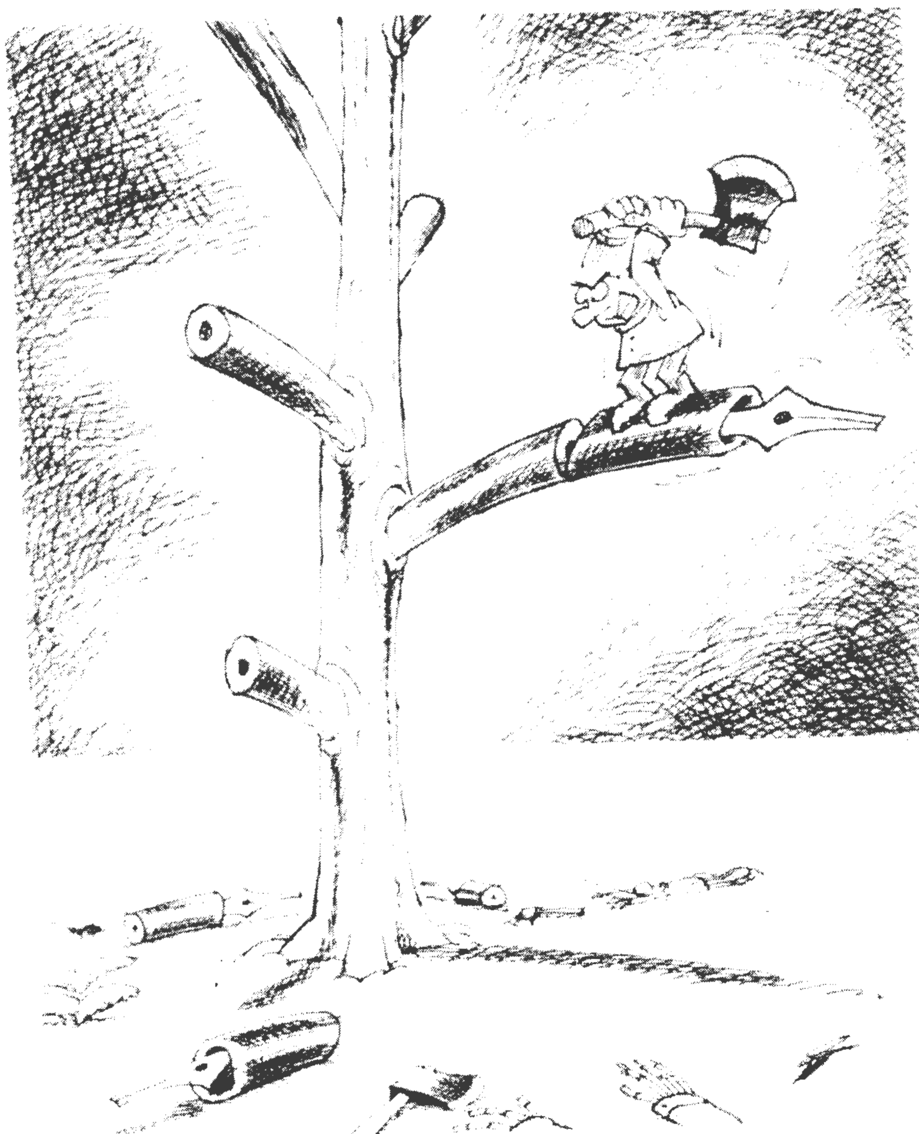
تبصره- ناشران نشریات داخلی سازمان ها و موسسات نیز باید دو نسخه از نشریه خود را به محض انتشار به وزارت ارشاد اسلامی یا ادارهٔ ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل دهند و برگ وصول دریافت دارند .

ماده ٢٨- در صورت لغو پروانه انتشار نشریه با اعلام کتبی از سوی وزارت ارشاد اسلامی ، صاحب پروانه موظف است مدارک دریافتی از قبیل پروانه انتشار ، کارت مدیر مسئولی و کارت های خبر نگاری را ظرف مدت ١٠ روز مسترد نماید . با سو استفاده کنندگان از این مدارک برابر قانون رفتار خواهد شد .

فصل چهار : سایر مقررات

ماده ٢٩- وزارت ارشاد اسلامی در بررسی نشریات تخصصی از همکاری مراکز ذیصلاح استفاده می نماید .

ماده ٣٠- وزارت ارشاد اسلامی سه ماه قبل از اتمام دورهٔ هیئت نظارت بر مطبوعات ، ضمن درج آگهی در نشریات کثیرالا نتشار ، دعوتنامه ای به منظور اعلام نامزدی به مدیران مسئول مطبوعات ارسال نموده و پس از تائید صلاحیت نامزدها توسط هیئت جدید مندرج در تبصره ٤ ماده ١٠ قانون مطبوعات ، مجدداً از کلیه مدیران مسئول جهت برگزاری انتخابات دعوت می نماید . جلسه با حضور اکثریت مطلق مدیران مسئول رسمیت می یابد و اخذ رای با ورقه و بصورت مخفی خواهد بود و نماینده انتخابی میبایست اکثریت مطلق آراء حاضران را بدست آورد .



نیک آهنگ کوثر

شرف

نمرهٔ بیست و نهم

شهر رجب المرجب ۱۳۰۲

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار



جناب امیر نظام

جناب حسنعلیخان امیر نظام کارگذار کل مملکت آذربایجان که از وزراء عظام و امراء فخام دربار اعلی و بوفور لیاقت مشهور بین الکفاء هستند



این روزنامه شهری ماهی یکنمره بطبع میرسد ــــــ قیمت در طهران سالیانه یک تومان و دو هزار



جناب جلالتمآب کمال الملک نقاشباشی مخصوص حضور همایون

تبصره ۱- چنانچه در مرحله اول اکثریت حاضر نشوند جلسه بعد از دو هفته تشکیل خواهد شد . این جلسه با حضور یک سوم مدیران مسئول رسمی خواهد بود .
تبصره۲- حق رأی مدیر مسئول قابل تفویض نمی باشد . نخست وزیر - میر حسین موسوی

قانون مطبوعات مصوب سال ٦٤/١٢/٢٨
و طرح اصلاحی مصوب سال۱۳۷۹

قانون مطبوعات در جلسهٔ روز پنجشنبه بیست و دوم اسفند یکهزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و طرح اصلاحی آن در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی تصویب و شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۷ با آن موافقت نموده است .

از قانون مطبوعات

((ن)) والقلم و ما یسطرون .... سوگند به قلم و آنچه مینویسد .
قرآن کریم
نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند ، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق اسلام یا حقوق عمومی باشند تفصیل آن را قانون معین می کند .

قانون اساسی اصل ٢٤

فصل اول: تعریف مطبوعات

ماده ۱ ـ مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که بطور منظم با نام ثابت و تاریخ و شمارهٔ ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری ، انتقادی ، اجتماعی ، سیاسی، اقتصادی ، کشاورزی ، فرهنگی ، دینی ، علمی ، فنی ، نظامی ، هنری ، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.

تبصره ۱ ـ انتشار فوق العاده اختصاص به نشریه‌ای دارد که به طور مرتب انتشار می یابد .

تبصره ۲ ـ نشریه ای که بدون اخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.[1]

تبصره ۳ ـ کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.[2]

فصل دوم : رسالت مطبوعات

ماده ۲ ـ رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از :

الف ـ روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینهٔ مورد اشاره در ماده یک.

ب ـ پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج ـ تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه انگیز وقرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان ، رسوم سنن محلی و ...

د ـ مبارزه با مظاهر فرهنگی استعماری (اسراف ، تبذیر ، لغو ، تجمل پرستی، اشاعه فحشاء و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی .

ه ـ حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی .

تبصره ـ هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

---

[1] ـ۱ و ۲ ـ الحاقی ۳۰ / ۱ / ۱۳۷۹

فصل سوم: حقوق مطبوعات

ماده ۳ ـ مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره ـ انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.

ماده ٤ ـ هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله ای درصدد اعمال فشار برمطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ٥ ـ کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

تبصره ١ ـ متخلف از مواد (٤) و (٥) به شرط داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ما ه تا دوسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.[1]

تبصره ٢ ـ مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است. در صورت تخلف، دادگاه می‌تواند نشریه متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی نماید.[2]

تبصره ٣ ـ مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدید آورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار)منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنّفان و هنرمندان می‌باشد.[3]

---

[1] ــ الحاقی ۱۳۷۹/۱/ ۳۰

[2] ــ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[3] ـالحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

فصل چهارم: حدود مطبوعات

ماده ٦ ـ نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند ، آزادند :

۱ ـ نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲ ـ اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی .

۳ ـ تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر .

٤ ـ ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق مسائل نژادی و قومی.

۵ ـ تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت ، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج .

٦ ـ فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضائی بدون مجوز قانونی.

۷ ـ اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸ ـ افترا به مقامات ، نهادها ، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند ، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹ ـ سرقت های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آئین نامه مشخص می کند.)

تبصره ۱ ـ سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی به تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه.

۱۰ـ استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و محتوی و تحقیرو توهین به جنس زن ، تبلیغ ، تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی.[۱]

۱۱ـ پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.[۲]

۱۲ـ انتشار مطالب علیه اصول قانون اساسی.[۳]

تبصره ـ متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۶۹۸ مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد.[۴]

ماده ۷ ـ موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می‌شود .

الف ـ چاپ و انتشار نشریه ای که پروانه برای آن صادر نشده یا پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است.

ب ـ انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است.

ج ـ انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د ـ انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسؤل و نشانی ادارهٔ نشریه و چاپخانهٔ آن.

---

[۱] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۲] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۳] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۴] ـ الحاقی ۳۰ / ۱۳۷۹

تبصره ـ مراکز نشر، چاپ ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیئت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود ، نمی‌باشند

فصل پنجم: شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۸ ـ انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است. استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می گردد.[۱]

تبصره ۱ ـ مطبوعاتی که از طرف سازمانهای آزادیبخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می‌شود می‌توانند با سرمایه و مسؤلیت اشخاص غیر ایرانی در چهار چوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند.

تبصره ۲ ـ کمکهای اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود.[۲]

تبصره ـ واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی ، شرطی ، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می‌شودمگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیأت نظارت.[۳]

ماده ۹ ـ الف ـ شخص حقیقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد:

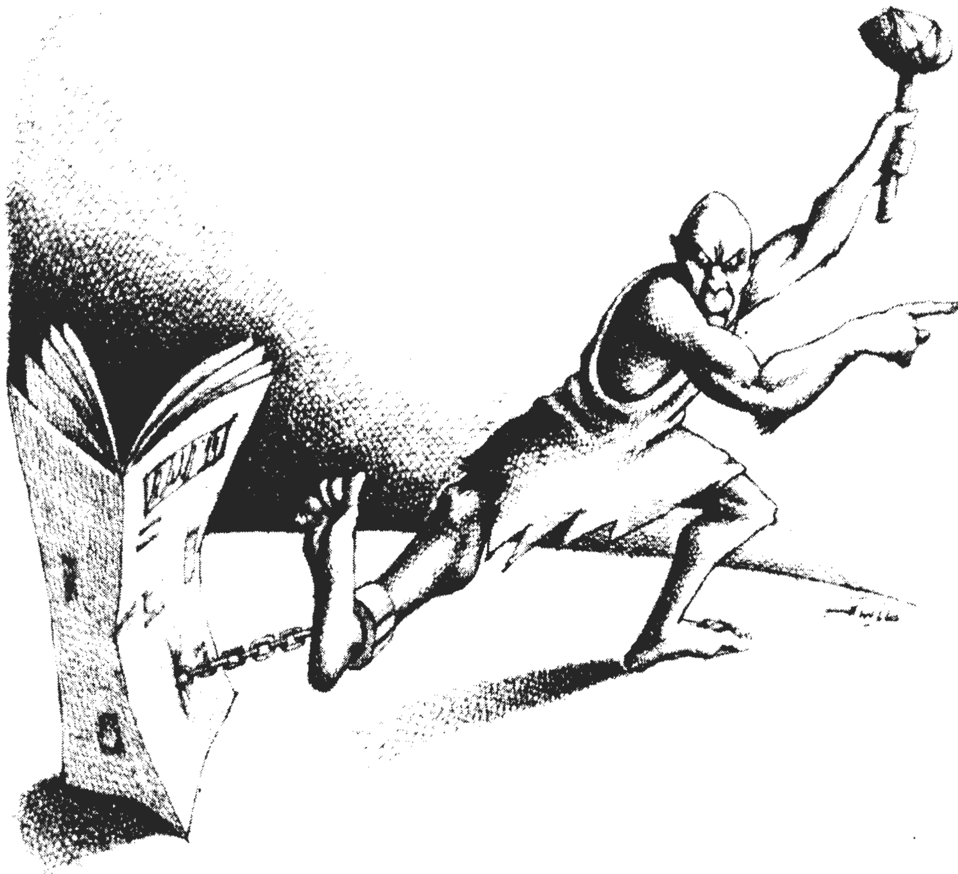
۱ ـ تابعیت ایران.

---

[۱] ـ اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۲] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۳] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰



مانا نیستانی

۲ ـ دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.

۳ ـ عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر

٤ ـ عدم اشتهار به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری بر اساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد.

٥ ـ داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزه‌ای به تشخیص هیئت نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون .

٦ ـ پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.[۱]

ب ـ اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱ ـ مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد و در اساسنامه و یا قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد.

۲ ـ زمینه فعالیت نشریه مرتبط با زمینه فعالیت شخص حقوقی بوده و محدوده جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیائی شخصیت حقوقی باشد.[۲]

تبصره ـ متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسؤل واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید.

تبصره ۲ ـ برای نشریات داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد تنها اجازهٔ وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است

تبصره۳-با یک پروانه نمی توان بیش از یک نشریه منتشر کرد .

تبصره ٤ -صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است.و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه بعهده مدیر مسئول خواهد بود .

---

[۲] ـ قسمت ب : الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

تبصره ۵- نخست وزیـران ، استانداران ، امـرای ارتـش و شـهربانی ، ژاندارمـری ، روسای سازمانهای دولتی ،مدیران عامل و روسای هیئت مدیـرهٔ شـرکتها و بانکهـا ی دولتی و کلیه شرکتها و موسساتی که شمول حکم در مورد ان مستلزم ذکر نام اسـت ،نمایندگان مجلسین،سـفرا ، فرمـانداران ، شـهرداران ، روسای انجمـن هـای شـهر و شهرستان تهران و مراکز استانها ، اعضای ساواک، رؤسای دفاتر رستا خـیز در تهـران و مراکز استانها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که در فاصلـه زمـانی پـانزدهم خرداد ۱۳٤۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکوره بـوده و همچنیـن کسـانی کـه در این مدت از طریق مطبوعات ،رادیو و تلویزیون با سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغـاتی رژیـم گذشـته بـوده انـد ، از انتشـار نشـریه و هـر گونـه فعـالیت مطبوعـاتی محرومند .

تبصره ٦- هیأت نظارت موظف اسـت جهـت بررسـی صلاحیـت متقـاضی و مدیـر مسـؤول از مراجـع ذی‌صـلاح (وزارت اطلاعـات و دادگسـتری و نـیروی انتظـامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نمایند . مراجع مذکور مؤظفند حداکـثر تـا دو مـاه نظر خود را همراه مسـتندات و مـدارک معتـبر بـه هیـأت نظـارت اعـلام نمـایند . در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیلی دیگر صلاحیت آنان تـأئید شده تلقّی می‌گردد .[1]

تبصره ۷ ـ مسـؤولیت مقـالات و مطـالبی کـه در نشـریه منتشـر مـی شـود بـه عهـده مدیرمسؤول است ولی این مسؤولیت نافی مسؤلیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهدبود.[2]

تبصره ۸ ـ اعضاء و هواداران گروههـای ضدانقـلاب اسـلامی کـه بـه جـرم اعمـال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته اند و همچنیـن کسـانی

[1] ـ الحافی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[2] ـ الحافی ۱۳۷۹/۱/۳۰

که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می کنند حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند . [۱]

ماده ۱۰ ــ اعضاء هیئت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی می باشند ، عبارتند از :

الف ــ یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه . [۲]

ب ــ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نمایندهٔ تام‌الاختیار وی .

ج ــ یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس .

د ــ یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی .

هـ ــ یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان .

و ــ یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم . [۳]

تبصره ۱ ــ این هیئت ظرف دو ماه پس ار تصویب این قانون در دورهٔ اول و دوره‌های بعد ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می شود .

تبصره ۲ ــ تصمیمات هیأت نظارت قطعی است ، این امر مانع شکایت و اقامه دعوای افراد ذی‌نفع در محاکم نخواهد بود .

تبصره ۳ ــ دبیرخانه هیأت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می شود و زیر نظر آن هیأت انجام وظیفه می‌نمایند . [٤]

تبصره ٤ ــ وزارت ارشاد اسلامی مسئول دعوت و برگزاری جلسهٔ انتخابات موضوع بند ((هـ)) این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور براساس شرایط مندرج در صدر این ماده هیئت سه نفری مرکب از افراد

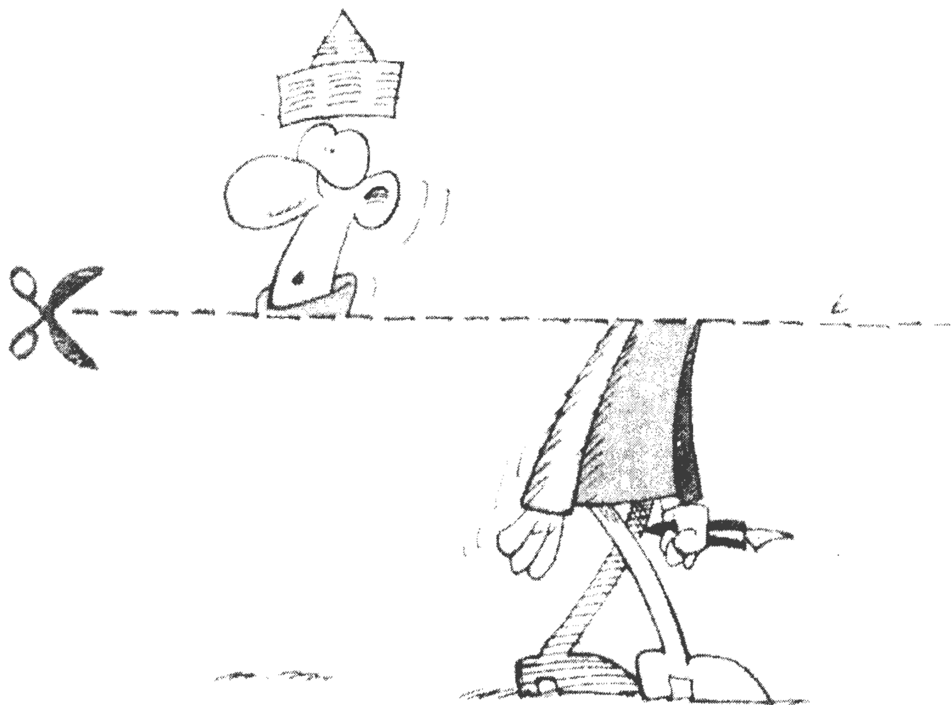
---

[۱] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۲] ـ اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۳] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[٤] ـ اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰



نیک‌آهنگ کوثر

بندهای الف و ب و ج می باشند ، این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء خواهد بود .[۱]

تبصره ٥ ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیأت نظارت بر مطبوعات را برعهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیأت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی‌صلاح خواهدبود .[۲]

ماده ۱۱ ـ رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیرمسئول به عهدهٔ هیئت نظارت بر مطبوعات است .

تبصره ـ درصورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود ، به تشخیص هیأت نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت تبصره‌های آن پروانه نشریه لغو می‌شود .[۳]

ماده ۱۲ ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مؤظف است تخلف نشریات را رأساً یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیأت نظارت ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرارداده و درصورت لزوم به طور مستقیم و یا از طریق هیأت نظارت ، مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید .[٤]

تبصره ـ در مورد تخلفات موضوع ماده (٦) به جز بند (۳) و (٤) و بند (ب) ، (ج)و(د) ماده (۷) هیأت نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و درصورت توقیف مؤظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید .[٥]

ماده ۱۳ ـ هیئت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه دربارهٔ صلاحیت متقاضی و مدیرمسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگی‌های لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با

[۱] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۲] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۳] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[٤] ـ اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[٥] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

ذکر دلائل و شواهد جهت اجراء به وزیر ارشاد گزارش نماید ، و وزارت ارشاد اسلامی مؤظف است حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیئت نظارت برای متقاضی پروانهٔ انتشار صادر کند .

ماده ١٤ ـ درصورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد ، یا فوت شود و یا استعفاء دهد ، صاحب امتیاز مؤظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند ، درغیراینصورت از انتشار نشریهٔ او جلوگیری می شود ، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأئید نرسیده است ، مسئولیت‌های مدیر به عهده صاحب امتیاز است .

ماده ١٥ ـ اعلام‌نظر هیئت نظارت مبنی بر تأئید یا عدم تأئید مدیرمسئول جدید ، حداکثر سه ماه از تاریخ توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود .

ماده ١٦ ـ صاحب امتیاز مؤظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه ، نشریه مربوطه را منتشر کند و درغیراینصورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می‌رود ، عدم انتشار منظم نشریه در یکسال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد ، موجب لغو پروانه خواهد بود .

تبصره ـ نشریه ای که سالانه منتشر می‌شود (سالنامه) از ماده فوق مستثنی بوده و درصورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد بود .

مائه ۱۷ ـ پروانه‌هائی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است ، مشروط براینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجراء این قانون ، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود ، با این قانون اقدام نماید .

ماده ۱۸ ـــ در هر شماره باید نام صاحب امتیاز ، مدیرمسئول ، نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه در آن به چاپ می رسد و نیز زمینهٔ فعالیت و ترتیب انتشار نوع

نشریه (دینی ، علمی ، سیاسی ، اقتصادی ، ادبی ، هنری و غیره) در صفحهٔ معین و محل ثابت اعلان شود ، چاپخانه نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند .

ماده ۱۹ ـ نشریات در چاپ آگهی‌های تجارتی که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که برحسب قوانین رسمیت داشته باشند ، تأئید گردد با رعایت ماده ۱۲ آئین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوهٔ کار و فعالیت کانون‌های آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می‌باشند .

تبصره ـ در مواردی که طبق این ماده ، مطبوعات مجاز به درج آگهی‌های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند ، متن این تعریف و تشویق می‌تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود .

ماده ۲۰ ـ هرروزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده برطبق قانون تهیه و کلیهٔ مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد ، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند ، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می‌نماید .

تبصره ـ کلیه مطبوعات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خودرا کتباً به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند .

ماده ۲۱ ـ مدیران مکلفند ار هر شمارهٔ نشریه ، دو نسخه به هر یک از مراجع زیر به‌طور مرتب و رایگان ارسال نمایند .

الف ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .

ب ـ مجلس شورای اسلامی .

ج ـ دادگستری مرکز استان محل نشر .[1]

ماده ۲۲ ـ ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن براساس موازین شرعی و قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی است .

---

[1] ـ اصلاحی ۷۹/۱/۳۰

ضوابط ورود و خروج آن ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید .

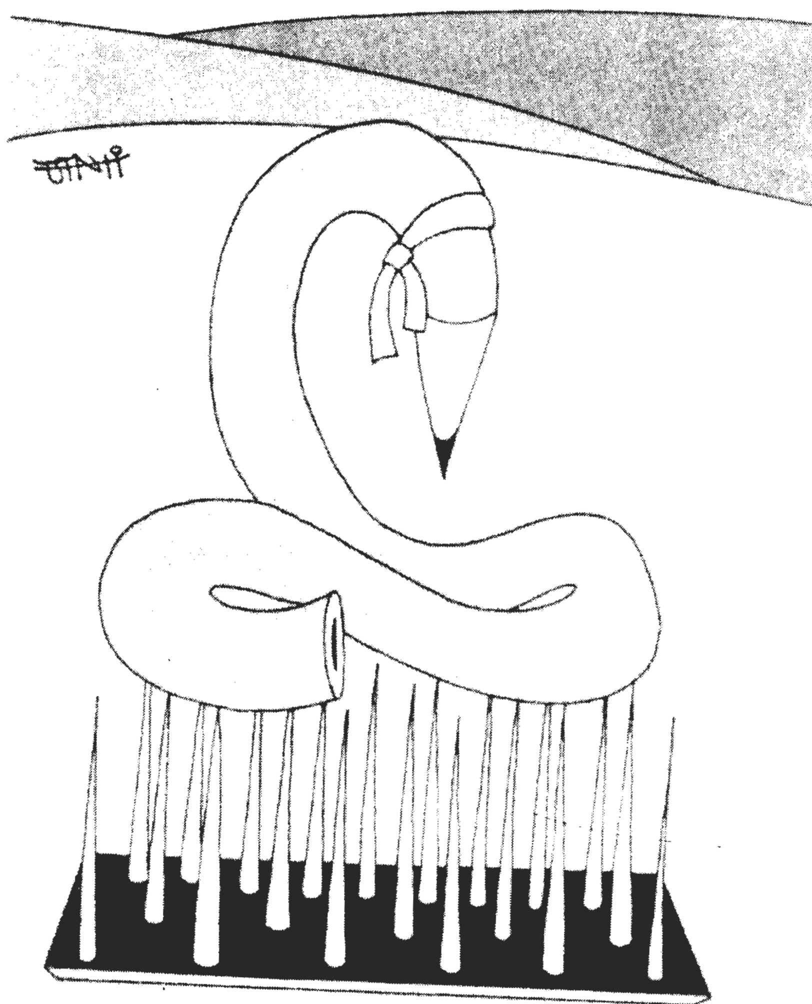
فصل ششم : جرائم

ماده ۲۳ ـ هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء ، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) مشاهده شود ، ذینفع حقدارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریهٔ مزبور مؤظف است این‌گونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود ، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است ، مجانی به چاپ برساند ، بشرط آن‌که جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افتراء به کسی نباشد .

تبصره ۱ ـ اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور ، مطالب با توضیحات مجددی چاپ کند ، حق پاسخگوئی مجدد برای معترض‌باقی است . درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنینی افزودن مطلبی به ان در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود .

تبصره ۲ ـ پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شمارهٔ نشریه درج گردد . به شرط آن‌که حداقل شش ساعت پیش از زیرچاپ رفتن نشریه ، پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد .

تبصره ۳ ـ درصورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد ، شاکی می‌تواند به دادگستری شکایت کند و رئیس دادگستری درصورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هرگاه این اخطار مؤثر



کیوان زرگری

واقع نشود ، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می کند .[١]

تبصره ٤ ـ اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضائی نمی‌باشد .[٢]

ماده ٢٤ ـ اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح بوسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشرکننده به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود .

ماده ٢٥ ـ هر کس به وسیلهٔ مطبوعات ، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی برضدامنیت یا سیاست خارجی کشور که درقانون مجازات عمومی[٣] پیش‌بینی شده است ، تحریص و تشویق نماید درصورتی که اثری بر ان مترتب شود ، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و درصورتی که اثری بر آن مترتب نشود طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات باوی رفتار خواهد شد .

ماده ٢٦ ـ هر کس به وسیلهٔ مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند ، درصورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجراء و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ٢٧ ـ هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود ، پروانهٔ آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسندهٔ مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد .

تبصره ـ رسیدگی به جرائم موضوع مواد ٢٤ و ٢٥ و ٢٦ و ٢٧ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.

---

[١] ـ اصلاحی ١٣٧٩

[٢] ـ الحاقی ١٣٧٩/١/٣٠

[٣] ـ قانون مجازات اسلامی جایگزین شده است .



مانا نیستانی

ماده ۲۸ ـ انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.[۱]

ماده ۲۹ ـ انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضائی که طبق قانون افشای آن مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظرحاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰ ـ انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظائر آن نسبت به اشخاص ممنوع است، مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضائی معرفی می‌گردد و تعقیب جرائم مذکور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و درصورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.

تبصره ۱ ـ درموارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالب خسارتی که از نشر مطالب مذکور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

تبصره ۲ ـ هرگاه انتشار مطالب مذکور درماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید هر یک از ورثهٔ قانونی می‌تواند ازنظر جزائی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق‌اقامه دعوی نماید.

ماده ۳۱ ـ انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول بـه محاکم قضائی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

---

[۱] ـ غالب حقوقدانان بر این باورند که اصرار پس از صدور حکم و اجرای آن می‌باشد ولی اگر نشریه‌ای قبلاً محکوم نشده و به انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ادامه دهد حکم عمل واحد را دارد.

تبصره ـ در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است ، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد ، در صورت تخلف رئیس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند . این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و درصورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود .

ماده ۳۲ ـ هر کس در نشریه‌ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانهٔ انتشار یا مدیرمسئول معرفی کند یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید ، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد . مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولیکه سمت‌های مزبور را طبق قانون ازدست داده‌اند نیز می‌شود .

ماده ۳۳ ـ

الف ـ هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلیدشود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد ، ار انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می شود . تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است .

ب ـ پس از توقیف یک نشریه ، انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام ، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد . مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می شود .[1]

[1] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

ماده ۳٤ ـ رسیدگی به جرائم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضائی باشد . در هر صورت علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است .[۱]

تبصره ـ به جرائم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می شود .[۲]

ماده ۳۵ ـ تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می‌شود :

الف ـ جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال.

ب ـ تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات .

تبصره ـ دادگاه می‌تواند در جرائم مطبوعاتی مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازاتهای ذیل تبدیل نماید :

الف ـ جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال .

ب ـ تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات .

ج ـ محرومیت از مسؤولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال .[۳]

---

[۱] ـ اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۲] ـ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰

[۳] ـ ((ماده ۳۵)) اصلاحی ۷۹/۱/۳۰ و تبصرهٔ آن الحاقی همان تاریخ می‌باشد .

نحوهٔ انتخاب اعضای هیئت منصفه [1]

فصل هفتم: هیأت منصفه مطبوعات

ماده ۳۶ ـ انتخاب هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود :
هر دو سال یک بار در مهر ماه جهت تعیین اعضاء هیأت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضوروی و رئیس کل دادگستری استان ، رئیس شورای شهر ، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می‌شود .
هیأت مذکور در تهران (۲۱) نفر و در سایر استانها (۱٤) نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماعی (روحانیون ، اساتید دانشگاه ، پزشکان ، مهندسان ، نویسندگان و روزنامه نگاران ، وکلای دادگستری ، دبیران و آموزگاران ، اصناف ، کارمندان ، کارگران ، کشاورزان ، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضاء هیأت منصفه انتخاب می کند .
تبصره ۱ ـ چنانچهِ مفادِ موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود ، رئیس کل دادگستری مکلف می‌باشد نسبت به دعوت از افراد یادشده و انتخاب هیأت منصفه اقدام نماید .

---

[1] ـ مواد ۳٦ الی ٤۸ در تاریخ ۷۹/۱/۳۰ به قانون مطبوعات مصوب ۱۳٦٤ الحاق گردیده است . در این خصوص (نحوهٔ انتخاب اعضای هیأت منصفه) تا قبل از اصلاحیهٔ ۷۹/۱/۳۰ ، به قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ (مواد ۳۰ الی ۳۹) و آئین‌نامه هیأت منصفه (۱۳۷٤/۹/٦) رجوع و استناد می‌شد .

تبصره ۲ ـ چنانچه به هر دلیلی اعضای هیأت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد ، هیأت مذکور در این ماده مؤظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیأت منصفه اقدام نماید .[1]

ماده ۳۷ ـ اعضاء هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند :

۱ ـ داشتن حداقل سی‌سال سن و تأهل .

۲ ـ نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری .

۳ ـ اشتهار به امانت ، صداقت و حسن شهرت .

٤ ـ صلاحیت علمی و آشنائی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی .

ماده ۳۸ ـ پس از انتخاب اعضاء هیأت منصفه ، موضوع ماده (۳٦) این قانون ، مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضاء ابلاغ می‌گردد . دادگاه رسیدگی کننده به جرائم مطبوعاتی ، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضاء هیأت منصفه دعوت می‌کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند . دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضاء هیأت منصفه رسمیت خواهد یافت . اکثریت آراء حاضران ملاک تصمیم‌گیری هیأت منصفه خواهد بود ، اعضاء هیأت مؤظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند .

تبصره ۱ ـ تصمیمات هیأتهای نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود .

تبصره ۲ ـ چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی ، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد ، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می‌نماید .

تبصره ۳ ـ دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیرنظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌نماید .[2]

---

[1] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

[2] ـ اصلاحی ۱۳۷۹



آروین

ماده ۳۹ ـ هر یک از اعضای هیأت منصفه چنانچه بدون عذرموجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم‌خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی‌کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می شود . رأی دادگاه قطعی است .

تبصره ـ هر یک از اعضای هیأت منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد مؤظف است دو روز قبل ازجلسه دادرسی عذر خود را کتباً و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند ، درغیراین‌صورت عذروی غیرموجه محسوب می‌گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد در هر حال مؤظف است عذر خود را به دادگاه اعلام نماید .

عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصاء گردیده است .[۱]

ماده ٤٠ ـ اعضای هیأت منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه ، به خداوند متعال و دربرابر قرآن کریم سوگند یاد می‌کنند بدون درنظر گرفتن گرایش‌های شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت ،تقوی و امانت‌داری ، در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه نمایند .[۲]

ماده ٤۲ ـ هرگاه در حین محاکمه ، اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند ، مراتب را کتباً جهت طرح ، تسلیم رئیس دادگاه می‌نمایند .[۳]

ماده ٤۳ ـ پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضاء هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند:

الف ـ متهم بزهکار است یا خیر ؟

ب ـ درصورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر ؟

---

[۱] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

[۲] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

[۳] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

تبصره ۱ ـ پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه درخصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید .

تبصره ۲ ـ درصورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رأی بر برائت صادر کند .

تبصره ۳ ـ در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد ، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظرخواهی است . در رسیدگی مرحله تجدیدنظرحضور هیأت منصفه لازم نیست .

تبصره ٤ ـ حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست .[۱]

ماده ٤٤ ـ هرگاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد ، از نشریه درصورتی که قبلاً توقیف شده باشد بی‌درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می‌باشد .[۲]

فصل هشتم : موارد متفرقه

ماده ٤٥ ـ نظارت دقیق بر عملکرد جرائد و انجام رسالت مطبوعاتی آنان برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است . **این امرمانع** از انجام وظایف مستقیم هیأت نظارت نخواهد بود .[۳]

ماده ٤٦ ـ صاحب امتیاز و مدیر**مسؤول مؤظفند کلیه** کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا درصورتی که به حکم دادگاه یا رأی **هیأت** نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه

---

[۱] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

[۲] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

[۳] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

تعطیل گردید ، تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آنان پرداخت شود .[1]

ماده ۴۷ ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف حداکثر ۶ ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید .

ماده ۴۸ ـ این قانون از جمله در مورد نحوه تشکیل هیأت نظارت و هیأت منصفه از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است و نیز از تاریخ تصویب ، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ شورای انقلاب لغو می گردد .[2]

طرح فوق مشتمل بر بیست و نه ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ سی‌ام فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتادو نه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است .

پایان

* * *

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان
هزار بادهٔ ناخورده در رگ تاک است

((منسوب به صائب تبریزی))

---

[1] ـ اصلاحی ۱۳۷۹

[2] ـ اصلاحی ۱۳۷۹ ـ ماده جایگرین ماده ۳۶ قانون مطبوعات می‌باشد .

بخش ضمیمه :

چند عکس تاریخی

از لحظات بیادماندنی

که در مطبوعات ایران و جهان بچاپ رسیده است

* منابع عکسهای این بخش :

[1]. ویژه‌نامه ترجمان تحت عنوان ((صدسال ، صد تصویر)) سال ۱۳۷۷ اقتباس از مجله اکسپرس شماره ۲٤۷۸/ ژانویه ۱۹۹۹

۲ . ((۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان)) ـ ناشر مؤسسه اطلاعات ـ ۱۳۷٦



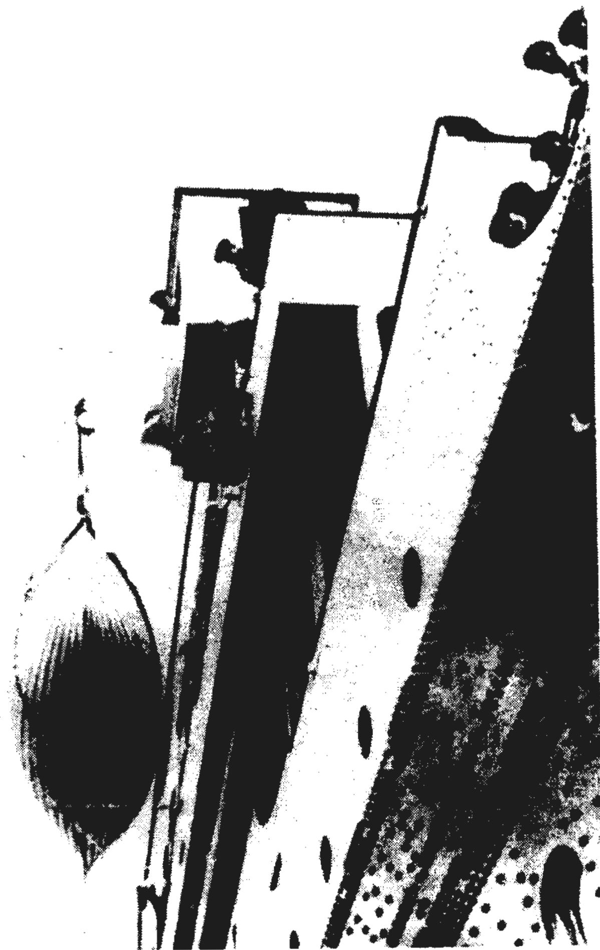
سال ۱۹۰۱ م

مارکونی ایتالیایی دستگاه رادیو را اختراع کرد



سال ۱۹۱۰

امیلیانو زاپاتا در مکزیک انقلاب خود را آغاز کرد و با پانچوویلا متحد شده به پیروزیهائی دست یافت



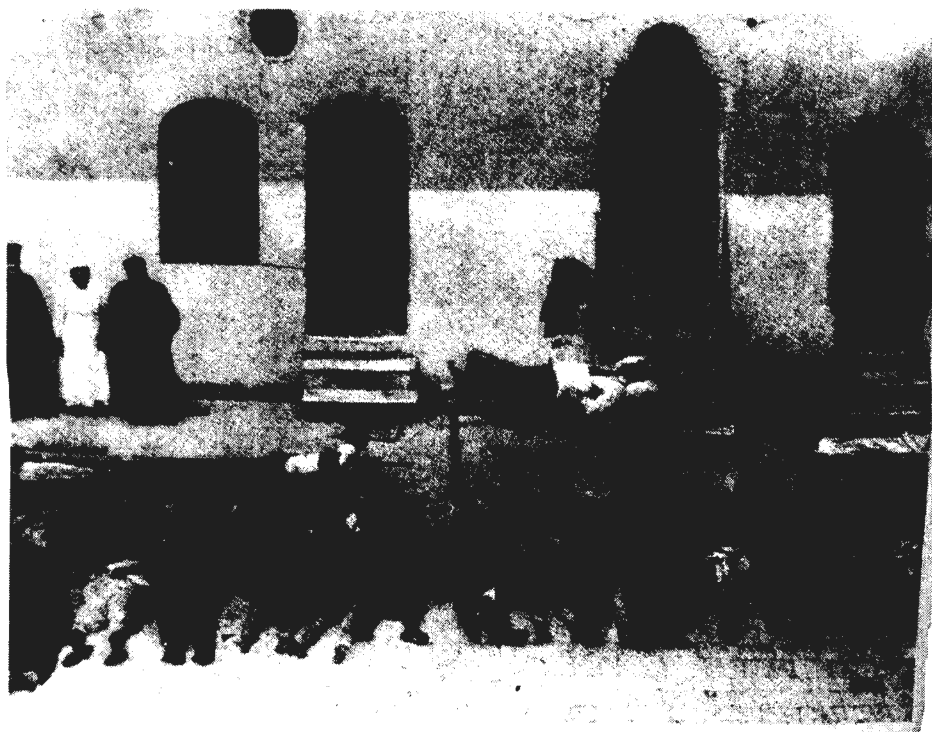
سال ۱۹۱۲

کشتی تایتانیک غرق شد ـ این کشتی در آن زمان بزرگترین کشتی تفریحی جهان و به سیستم رادیوئی مجهز بود .



سال ۱۹۱٤ ـ آغاز جنگ جهانی اول

ولیعهد اتریش ارشیدوک فرانسوا در شهر سارایوو بدست یک دانشجوی صرب به نام گراویو پرنیهپ کشته شد ، این حادثه اتریش و صربستان وارد جنگ با یکدیگر شدند و سپس آلمان و فرانسه به طرفداری از آنان وارد ماجرا شدند ، بدین سان جنگ جهانی اول آغاز شد ، با پیشروی نیروهای آلمان در خاک فرانسه انگلستان نیز به حمایت از فرانسه وارد جنگ شد .



سال ۱۹۱۵

قتل ارامنه بدست نیروهای عثمانی در نزدیکی شهروان .



سال ۱۹۱۹ ـ الکل ممنوع

قانون منع تولید، توزیع و فروش مشروبات الکلی در ایالات متحده آمریکا به تصویب رسید، تبهکارانی چون آلکاپون، فرانک نیتی و الیوت نس به فعالیت قاچاق پرداختند و در تبهکاری شهرتی به هم زدند.



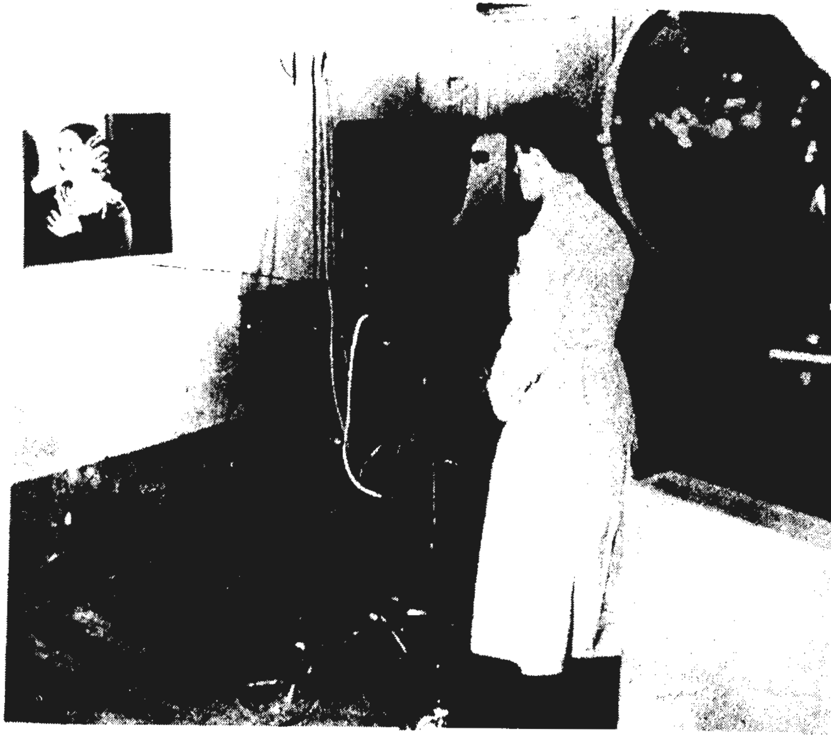
سال ۱۹۲۱ ـ قحطی بزرگ

قحطی بزرگ در روسیه اقتصاد روسیه را از هم پاشید ، براثر جنگ داخلی و اعمال مقررات کمونیستی بیش از یک میلیون تن جان باختند ، لنین محبور به عقب‌نشینی از اصول کمونیزم شد و طرح اقتصادی نپ N.E.P را اعلام کرد .



سال ۱۹۳۰ ـ جنگ نمک

گاندی در هندوستان جنگ نمک را براه انداخت ، وی معتقد به شیوه های مبارزاتی خشونت‌آمیز نبود و به منظور مبارزه با قانون مالیات بر نمک که از سوی مقامات انگلیسی بر مردم هندوستان تحمیل شده بود ، مردم را به جمع‌اوری نمک فراخواند .



سال ۱۹۳۵ ـ تلویزیون اختراع شد



سال ۱۹۳۹ـ حمله آلمان به لهستان و شروع جنگ جهانی دوم

بدنبال امضاء پیمان مخفیانه بین آلمان هیتلری و اتحاد شوروی نیروهای آلمان به انگلستان حمله کردند، بدین ترتیب در ساعت ۱۱ صبح سوم سپتامبر جنگ جهانی دوم آغاز شد و بیش از پنج سال به درازا کشید.



سال ۱۹۵۱ ـ ایران و نفت

دکتر محمدمصدق نخست وزیر ملی‌گرای ایران وارد کارزار نفتی با شرکت نفت انگلیس شد، وی قرارداد نفتی ایران و انگلیس را فسخ کرد و قانون ملی شدن نفت را به مورد اجرا درآورد.



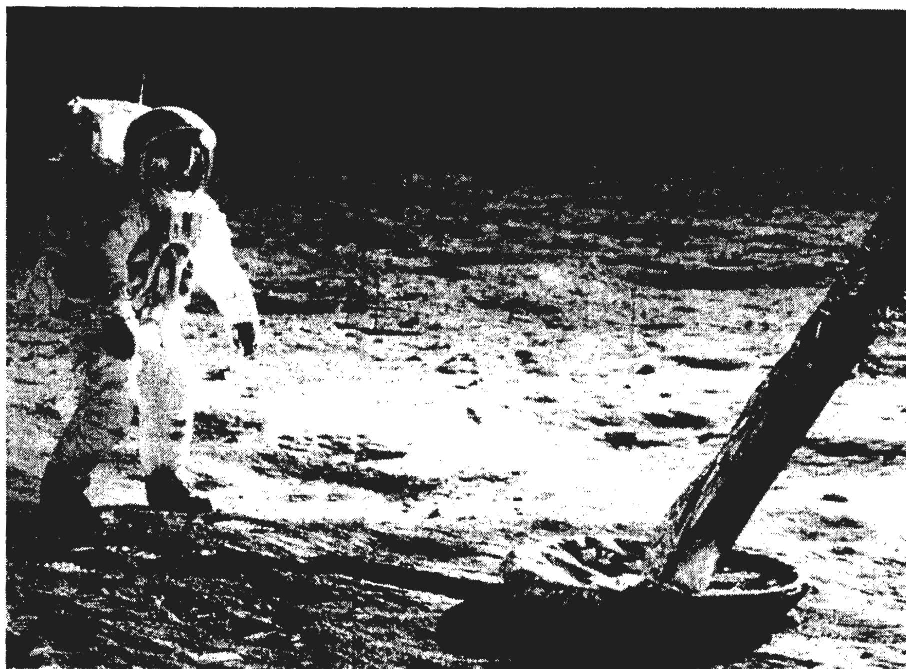
سال ۱۹۵۶ ـ انقلاب مردم مجارستان علیه نظام کمونیستی و سلطه شوروی

صدها هزار تن در بوداپست پایتخت مجارستان دست به تظاهرات زدند، ایمره ناگی نخست‌وزیر ملی گرا طرفداران خود را دعوت به ارامش کرد ولی چند روز بعد شش هزار تانک و زره پوش شوروی وارد بوداپست شدند، شورش سرکوب شد و ایمره‌ناگی دستگیر و برکنار گردید.



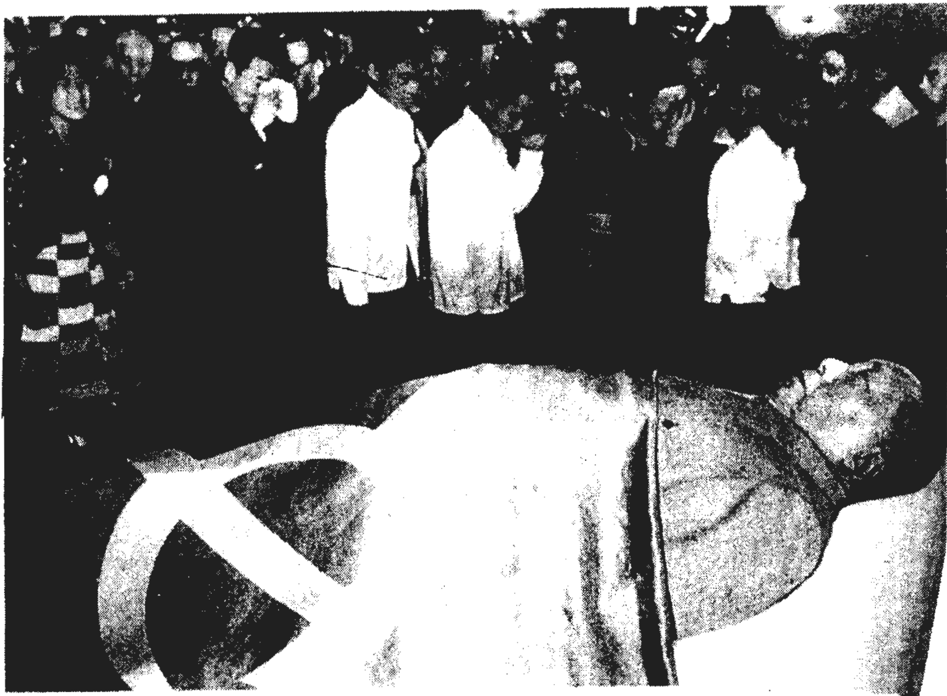
سال ۱۹٦۷ ـ جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل

این جنگ با حمله غافلگیرانه اسرائیل به کشورهای مصر ، سوریه و اردن و با پشتیبانی آمریکا آغاز شد و در مدت کوتاهی صحرای سینا ، نوار غزه ، ساحل غربی رود اردن و ارتفاعات جولان به تصرف اسرائیل درآمد و صدها هزار فلسطینی از خانه و کاشانه خود آواره شدند .



سال ۱۹۶۹ ـ فتح ماه

در ۲۱ ژوئیه و در اولین ساعات بامداد، فضانورد آمریکائی، نیل آرمسترانگ پا به کرهٔ ماه گذاشت و بدین ترتیب بشر گام مهمی در تسخیر فضا برداشت.



سال ۱۹۷۶ ـ مرگ مائو

مائوتسه تونگ بنیانگذار جمهوری خلق چین در سن ۸۲ سالگی درگذشت



سال ۱۹۷۸

اولین نوزاد آزمایشگاهی تحت نظر دو پزشک انگلیسی بدنیا آمد



سال ۱۹۷۹

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)



سال ۱۹۸۰ ـ شروع جنگ ایران و عراق

پس از تجاوز گسترده ارتش عراق به بخشهای وسیعی از خاک ایران، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب و نیروهای بسیجی داوطلب به سرعت از پیشروی ارتش عراق بخاک ایران جلوگیری کردند و حماسه‌های باشکوهی آفریدند.



سال ۱۹۸٤ ـ فاجعهٔ بوپال

در جریان نشت گازهای سمی از کارخانه آمریکائی یونیون کارباید در شهر بوپال هند هزاران کشته و بیش از پنجاه هزار تن معلول شدند .



سال ۱۹۸۷ ـ چهارصد زایر ایرانی در مکه کشته شدند



سال ۱۹۹۰ ـ جنگ خلیج فارس

پس از آنکه عراق به جنگ خود با ایران پایان داد ،قوای نظامی خودر ا متوجه هدفهای جدیدی در اطراف خود کرد وکشور کوچک کویت را که در طول هشت سال جنگ با ایران از عراق حمایت کرده بود به تصرف خود درآورد ، آمریکا و متحدانش در پیمان ناتو به تصویب شورای امنیت سازمان ملل به عراق حمله کردند و ظرف چند روز جنگ ، عراق مجبور به عقب‌نشینی از کویت شد .



سال ۱۹۹۲ ـ جنگ در بوسنی

با فروپاشی یوگسلاوی، صربها به قتل عام مسلمانان در بوسنی پرداختند.



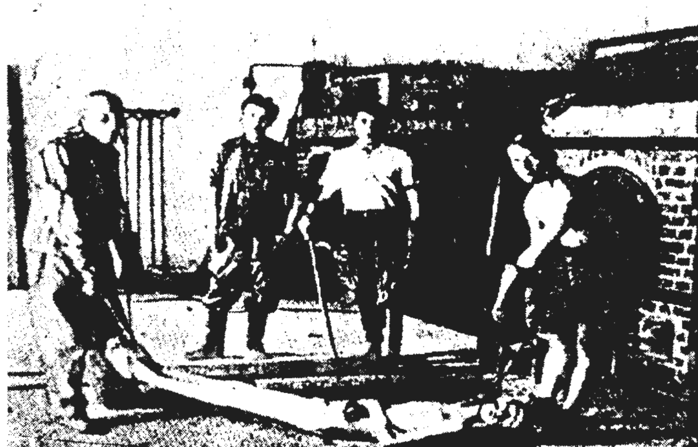
سال ۱۹۹۶ ـ قتل عام در الجزایر

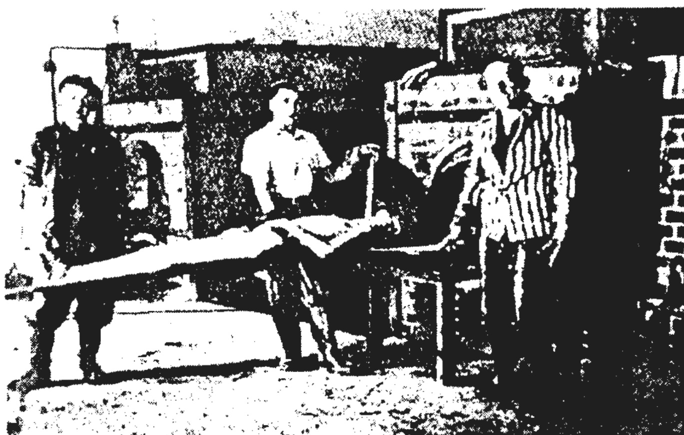
پس از برنده شدن اسلام‌گرایان در اولین انتخابات آزاد الجزایر و رد نتایج انتخابات از سوی دولت ، جنگ داخلی در الجزایر برپاشد و گروههای مختلف مردم به دست افراد ناشناس به قتل رسیدند .

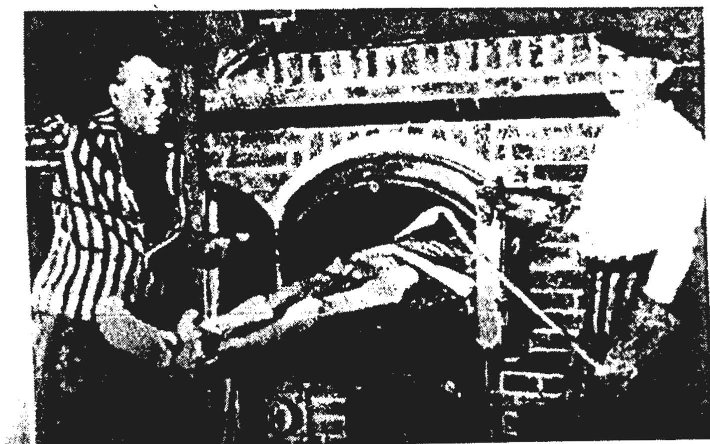


سال ۱۹۹۸ ـ قحطی و گرسنگی در سودان

سودان که از سوی آمریکا تحریم شده و جنگ داخلی در جنوب این کشور باعث رکودکشاورزی گشته است دچار قحطی و گرسنگی شده و هر روز هزاران تن از گرسنگی جان می‌سپارند.

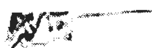






کوره آدمکشی هیتلر در جنگ جهانی

این عکس بعنوان سند جنایت نازی‌ها در دادگاه نورنبرگ ارائه شد.



از جلفا تا تبریز پنج مرکز پول گرفتن
قرار داده‌اند و از هر یک از این مراکز
اگر یک آدم با الاغ
در یک روز ده مرتبه
عبور کند باید در هر دفعه
۶ عباسی پول
ایران، حق راه، بدهد

امتیاز
جاروب کشی
مملکت را به اجانب دادن
تیشه بر ریشه مملکت زدنست

نمونهٔ صفحه اول روزنامهٔ حبل‌المتین تهران

۸۱

اراضی مملکت ما پر از معادن است حتی یاقوت والماس، اما در پرتو استبداد باطل و متروک مانده

نامهٔ چهارشنبه

حبل المتین

بر نباید زمردگان آواز

باید ۶ ماه جهت ترک تریاک مهلت داد

اتابک اعظم مسئول قرض‌های کمرشکن

نمونه‌ای از صفحه اول روزنامهٔ حبل‌المتین تهران



نمایی از تمامیت فرهنگ و دانش

اگر کتاب و تخته‌سیاه نیست ، اگر معلم تحصیل کرده ، روشنایی کافی ، وسایل آزمایشگاهی ، میدانهای بازی و ورزش نیست . اگر بجای میز و نیمکت بر پاره حصیری و بوریائی دل بسته اند ، چوب و فلک هست . پدران و مادران بدین دلخوش بودند که چوب معلم گل است .



روزنامه فروشها : رشته‌های محبت

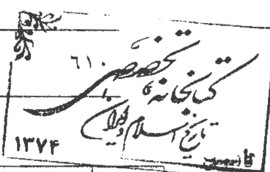
اینان رابطین بین مردم و روزنامه‌ها هستند در ۷۰ سال پیش ، فرصتی است تا بار دیگر زحمات پرارزش روزنامه‌فروشها را ارج نهیم .



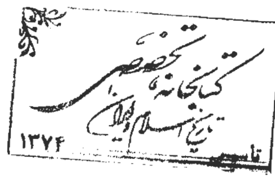
پای همین «**گارسه**» از بام تا شام حروف دستی را با مهارت خاص خود کنار هم چیده است تا عصر هر روز روزنامه در دست خوانندگان باشد، امروز در کنار دستگاههای حروفچینی الکترونیکی (**کامپیوتر**) بـه سرپنجه سریع جوانترها خیره مانده است.

منابع و مأخذ :

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	ناشر	تاریخ انتشار
۱	انجمن	دکتر منصوره رفیعی	نشر تاریخ	۱۳۶۲
۲	تاریخ جراید و مجلات	محمدصدرهاشمی	کمال اصفهان	۱۳۶۳
۳	تاریخ تحلیلی مطبوعات	استاد محیط طباطبائی	بعثت	۱۳۶۶
٤	لغت‌نامه	علی‌اکبر دهخدا	دانشگاه تهران	۱۳۷۲
۵	مجموعه روزنامه قانون	میرزاملکم خان	کویر	۱۳۶۹
۶	روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت	عبدالحسین ناهیدی اذر	تلاش	
۷	تاریخ مشروطیت ایران	سیداحمد کسروی	امیرکبیر	۱۳۷۵
۸	زندگی امیرکبیر	حسین مکی	ایران	۱۳۶۵
۹	شرح زندگی من	عبدالله مستوفی	تهران	۱۳٤۵
۱۰	شرح حال رجال ایران	مهدی بامداد	زوار	۱۳٤۷
۱۱	پیدایش و تحول احزاب سیاسی	منصوره اتحادیه	تهران	۱۳۶۱
۱۲	صوراسرافیل	منصوره اتحادیه	نشر تاریخ	۱۳۶۱
۱۳	مجله دانشکده	محمدتقی بهار	معین	۱۳۷۰
۱٤	مشروطیت در یزد	علی‌اکبرتشکری بافقی	مرکز یزدشناسی	۱۳۷۸
۱۵	دورهٔ روزنامه ایران	حسین اعتمادالسلطنه	کتابخانه ملی	۱۳۷٤
۱۶	دوره روزنامه مجلس	مرکز اسناد	مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۶
۱۷	دوره روزنامه وقایع‌اتفاقیه	—	کتابخانه ملی	۱۳۷۳
۱۸	مجموعه روزنامه روح‌القدس	بکوشش محمد گلبن	سرچشمه	۱۳۶۳
۱۹	مجموعه روزنامه قانون	میرزاملکم خان	کویر	۱۳۶۹
۲۰	مجموعه روزنامه ملتی	بکوشش سیدفرید قاسمی	مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها	۱۳۷٤
۲۱	وقایع نامه مطبوعات ایران	سیدفرید قاسمی	مرکز اطلاعات و تحقیقات رسانه‌ها	۱۳۷۹
۲۲	قانون مطبوعات	بکوشش مطلب دوستدار	مجد	۱۳۷۹
۲۳	مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت	عبدالرحیم ذاکرحسین	دانشگاه تهران	۱۳۷۵



ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	ناشر	تاریخ انتشار
۲۴	کشتار نویسندگان در ایران	محمود ستایش	نشر البرز	۱۳۷۸
۲۵	مشاهیر مطبوعات ایران (جلد اول) اعتمادالسلطنه	سید فرید قاسمی	وزارت ارشاد اسلامی	۱۳۷۹
۲۶	وقایع اتفاقیه	بکوشش سعیدی سیرجانی	نوین	۱۳۶۲
۲۷	اطلاعات سالانه (۱۳٤۱)	—	مؤسسه اطلاعات	۱۳٤۱
۲۸	فصلنامه هنر (شماره ۳۰)	—	وزارت ارشاد	۱۳۷۵
۲۹	اطلاعات هفتگی (شماره اول)	—	مؤسسه اطلاعات	۱۳۲۰
۳۰	دوره روزنامه اطلاعات (۱۳۰۵)	—	مؤسسه اطلاعات	۱۳۰۵
۳۱	تاریخ سانسور در مطبوعات ایران	گوئل کهن	آگاه	
۳۲	ادبیات نوین ایران	یعقوب آژند	امیرکبیر	۱۳۶۳
۳۳	دوره روزنامه‌های شرف و شرافت	—	آموزش انقلاب اسلامی	۱۳۵۵
۳٤	دوره روزنامه دانش	بکوشش سیدفریدقاسمی	مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها	۱۳۷٤
۳۵	تاریخ ادبیات ایران	ادوارد براون	—	—
۳۶	صدسال ، صد تصویر	اقتباس از اکسپرس شماره ۲٤۷۸ ژانویه ۱۹۹۹	سومین ویژه‌نامه ترجمان	۱۳۷۷
۳۷	۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان	—	مؤسسه اطلاعات	۱۳۷۶
۳۸	آزادی و آزادی مطبوعات (مجموعه کاریکاتور	بکوشش: نیک آهنگ کوثر	جامعه ایرانیان	۱۳۷۹



مؤسسه انتشاراتی رویداد منتشر نموده است :

۱- تاریخچه مطبوعات ایران (از روزنامه کاغذ اخبار تا نشریات الکترونیکی)

تألیف : ماجد صفری – ۶۲۲ صفحه ۴۸۰۰۰ ریال

۲- انسان به روایت قرآن : تألیف ماجد صفری ۶۰۰۰ریال

۳- کشکول عشق تألیف ماجد صفری ۹۰۰۰ریال

۴- تقوی چیست ؟ متقی کیست ؟ تألیف ماجدصفری ۵۰۰۰ریال

۵- شراره‌های یخ زده تألیف کامران شریف‌زاده ۱۲۰۰۰ریال

مؤسسه انتشاراتی و تبلیغاتی رویداد

تهران – صندوق پستی ۱۶۱۳ - ۱۴۱۵۵

تلفن : ۰۹۱۳۲۰۸۵۲۰۴